

فرماندهای نظامی و نظامی



فرماندهای نظامی و نظامی



جلد اول

آ-ح

سید احمد سجادی

مرکز تحقیقات زبانهای حوزه علمیة اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فرهنگنامه موضوعی صحیفه سجادیه

نویسنده:

سید احمد سجادی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۶	جلد ۱
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	سر آغاز
۱۳	مقدمه
۲۷	آ
۳۰۰	ب
۴۹۴	پ
۶۴۷	ت
۷۸۵	ث
۷۸۸	ج
۸۱۹	چ
۸۳۸	ح
۸۸۱	خ
۱۰۳۶	درباره مرکز

سرشناسه : سجادی، سیداحمد، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجادیه / سیداحمد سجادی، با همکاری جمعی از محققان ؛ پژوهش مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

مشخصات نشر : اصفهان: حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۳ ج.

شابک : ۶۰۰۰۰۰ ریال: دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۷-۹ ؛ ج. ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۴-۸ ؛ ج. ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۵-۵ ؛ ج. ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۶-۳۶-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ قبلی: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (س)، ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : فروست پشت جلد: مجموعه منشورات؛ ۱۲،۱۱

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج. ۱. آ-خ. ج. ۲. د-گ.

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه -- فهرست مطالب

موضوع : علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه ای

رده بندی کنگره : ۱/۲۶۷/۱BP/ع ۸ ص ۳۰۷۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۳۰۹۲۸

ص: ۱

**اشاره**









بسم الله الرحمن الرحيم

اول: صحیفه مبارکه سجادیه، یکی از عظیم ترین و درخشان ترین اختراهای فروزان معنویت اسلامی است و فروغ بی پایان و ابدی این کتاب مقدس، برای همیشه چراغ راه همه معنویت خواهان و حق طلبان خواهد بود.

البته در یک نگاه، شاید این معنا به نظر برسد که صحیفه سجادیه، منحصرأً به معنویت دینی و اسلامی اختصاص دارد و کتاب نیایشی است که مشام جان های شیفته معنویت را از عطر پاکت راز و نیاز و دعا و گفتگو با حق تعالی، انباشته و معطر میگرداند. و رای این نگاه اولیه، اما، حقیقتی بزرگ نهفته است. اگر امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام در این کتاب مقدس بر معنویت و امور معنوی، آن هم در قالب و شکل مناجات تأکید می ورزند، از آن جهت است که در این اثر بی بدیل، بر گرایش ها و نگرشهایی تکیه می شود که در بیرون از متن و زمینه معنوی، نمی توان آن را به درستی درک کرد.

بی تردید در صحیفه سجادیه، تعالیمی بلند و عمیق ارائه می شود که در بسیاری از سطوح، از امور کلامی الهیاتی - در عام ترین معنای این اصطلاح - گرفته تا امور اجتماعی و سیاسی، و از امور فرهنگی و علمی گرفته تا امور اقتصادی و معیشتی نیز کاربرد دارد. از این رو اگر چه در محتوای عمیق صحیفه سجادیه، معنویتی بی پایان و قداستی ژرف نهفته است و با صورت و محتوای نیایشی، بر درونی ترین و معنوی ترین بعد اسلام تأکید می رود، ولی در عین حال، امام سجاد البته به کزات از بیرونی ترین ابعاد اسلام نیز در عام ترین معنای آن سخن میگویند. تحلیل مفصل هر یک از سطوح و ابعاد مختلفی که در صحیفه مبارکه سجادیه از آن به تصریح یا اشارت سخن رفته است، نیازمند پژوهشهایی پر برگ و بار است. دوم: پژوهش حاضر - که یکی از برنامه های صحیفه پژوهی مرکز تحقیقات رایانه های حوزه علمیه اصفهان بوده و پیشنهاد آن از چند سال پیش مطرح و سپس کار عملیاتی آن به وسیله محققان محترم آن مرکز آغاز گردیده بود و اینک در آغاز سالی که به نام مبارک پیامبر اعظم و نبی مکرم و رسول خاتم غیبی مزین گردیده و در ایام ولادت با سعادت آن حضرت، به زیور طبع آراسته می شود - گامی

برای ارائه و تبیین هرچه بهتر سطوح و ابعاد گوناگون و چه بسا ناشناخته یا کمتر شناخته صحیفه سجادیه است.

در این فرهنگ واره موضوعی - که قریب به یازده هزار موضوع اصلی و فرعی را در بردارد - تلاش شده است تا زوایای مختلف تعالیم بلند این کتاب مقدس، از متن کلام امام همام زین العابدین علیه السلام، استخراج گردیده و بر اساس ساختار درختی، تنظیم و تبویب گردد.

به دیگر بیان، تمامی موضوعات این فرهنگ واره از منطوق کلمات و بیانات امام سجاد علیه السلام استخراج گردیده و هیچ چهارچوبه ذهنی خاصی برای محتوای کتاب، از پیش تعیین نگردیده است. از این رو بر خلاف بسیاری از فرهنگ های موضوعی که پیرامون کتابهای مقدس اسلامی نگاشته شده، موضوعات طرح شده، در فضای تعیینی ذهن محققان گرفتار نیامده، بلکه به صورت کاملاً عینی و تجربی، متن بیانات امام علیه السلام مورد توجه قرار داده شده و موضوعات کلی و جزئی و اصلی و فرعی، از متن کلمات آن حضرت استخراج گردیده است.

این کار در سطح خود، یک پژوهشی ویژه و نو به شمار می رود و امید است مورد قبول ارباب فضل و صحیفه پژوهان و همه دانشیان ارادتمند به آستان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام واقع گردد.

سوم: خداوند کارساز بنده نواز را، سپاس بی حد و قیاس می گزاریم که توفیق انجام این اقدام پژوهشی را به مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان و محققان آن عنایت فرمود. نیز از الطاف بزرگ امام زین العابدین و سید الساجدین علیه السلام، سپاسگزاریم که مددکار پژوهشگران و دست اندرکاران این طرح بوده اند.

این قلم نیز بر خود فرض می داند که از یکایک محققان و متصدیانی که اتمام این کار، مرهون اهتمام و تلاش وافر آنهاست، به ویژه حجهالاسلام والمسلین سید احمد سجادی صمیمانه تقدیر و تشکر نماید.

امید است این خدمت به آستان صحیفه مبارکه سجادیه، مورد قبول و پذیرش امام همام علی بن الحسین علیهما السلام قرار گیرد. ان شاء الله.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و صلین الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین.

عید سعید هفدهم ربیع الاول ۱۴۲۷ قمری - بیست و هفتم فروردین ۱۳۸۵ شمسی.

حوزه علمیه اصفهان

دفتر حضرت آیه الله العظمی مظاهری

محمد حسن مظاهری

بسم الله الرحمن الرحيم

صحیفه مبارکه سجادیه، اثر و یادگار سیدالساجدین حضرت امام علی بن الحسین علیهما السلام است و در بردارنده پنجاه و چهار دعا میباشد که آن حضرت در جلسه ای نورانی آن را برای دو فرزند برومندشان، حضرت امام باقر علیه السلام و زید بن علی علیهما السلام نقل کرده و هر دو را امر به کتابت و محافظت از این اثر بی بدیل و سترگ نموده است.

پیشوای بزرگ شیعیان، حضرت امام صادق علیه السلام - که در سنین کودکی در این جلسه نورانی حضور داشته است-، فرزندش اسماعیل را به حفظ و حراست از این کتاب گران مایه فرمان داده و از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام (محمد و ابراهیم که فرزندان عبدالله بن حسن بودند) می خواهد هیچ یک، این کتاب بی بدیل را از مدینه خارج نکنند. چرا که خوف آن می رود با کشته شدن آن دو، کتاب نیز از بین برود.

اوامر امام صادق علیه السلام بر حراست از این اثر باقی و جاودانه امام سجاد علیه السلام از یک طرف، و از منظری دیگر، مفاهیم بی مانند آن که در قالب مناجات نامه با خالق بی همتاست، عالمان و اندیشمندان شیعی را بر آن داشت تا هر یک به نوبه خود بر محافظت و نگهبانی از «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله»، سخت بکوشند.

نمونه های این تلاشی را میتوان در طول قرن های متمادی در روایت، درایت، قرائت، تدریس، استنساخ نسخ و مراقبت در تصحیح، کتابت و نقل آن و نگارش ده ها تعلیقه، حاشیه، ترجمه و شرح که بر این مناجات نامه شیعی نگاشته شده، یافت و علاوه بر آن بعضی از اندیشمندان و محدثین، بر این کتاب گرانقدر مستدرکاتی نگاشته اند که با اسناد و طرق مختلف به دعاها سقط شده اشاره کرده و دعاها را دیگر منسوب به امام سجاد علیه السلام را نیز ذکر

بزرگانی همچون شیخ حر عاملی، میرزا عبدالله افندی، میرزا حسین نوری طبرسی، حسین محسن امین عاملی و شیخ محمد صالح مازندرانی - رحمه الله علیهم اجمعین - به جمع آوری دعاهای امام زین العابدین علیه السلام از میان متون کتاب های حدیثی پرداخته و به نگارش کتابهایی با عنوان «الصحیفه الثانیه» تا «الصحیفه السادسه» پرداخته اند.

در سال های اخیر نیز با استفاده از صحیفه کامله سجادیه و مستدرکات پنجگانه. اثر جدید. به نام «الصحیفه السجادیه الجامعه» ارائه گردید که در آن، دعاهای صحیفه به ۲۷۰ دعا افزایش داده شده و به شکل نموداری، سلسله اسناد دعاها. در پایان کتاب آمده است.

تمامی این تلاش ها، اولاً به آن خاطر است که حفظ احادیث و کلمات نورانی ائمه معصومین علیهم السلام و رساندن آنها به دیگران، در بین مسلمانان - خاصه مکتب حقه تشیع - جایگاهی ویژه و بس رفیع داشته است و بزرگان در نقل و تصحیح آن اهمتامی خاص نموده اند و حتی در این مسیر، هر که را لایق نقل حدیث می یافتند، اجازه روایت حدیث اعطا می کردند. و ثانیاً دعا و نیایش، بخش جدایی ناپذیر از فرهنگ اسلامی است که به شکلی زیبا و دقیق و در آوازی مناجات گونه، به تفهیم و تعلیم بسیاری از معارف دینی پرداخته است. از این رو دعاهای منسوب و مأثور از ائمه معصومین علیهم السلام خصوصاً حضرت سید الساجدین علیه السلام، یکی از ذخایر عظیم و پر ارج فرهنگ ناب مکتب تشیع می باشد.

جای بسی تأسف است که در زمان حاضر تصور عامه مردم از دعاهای روایت شده از ائمه معصومین علیهم السلام، تنها خواندن و زمزمه نمودن آن است و تلاشی در جهت فهم آن و درک معانی آنچه بر زبان جاری می سازند، نمی نمایند. حتی برخی از اندیشمندان دینی نیز به کتاب های دعایی و صحیفه مبارکه سجادیه، به دید یکی از عمیق ترین مأخذ معارف الهی نظر نکرده و در مباحث مطروحه: به جملات و فرازهای آن ارجاعی نداشته اند و از این رو ستمی

بس عظیم به بخش وسیعی از معارف منحصر به فرد فرهنگ آل البیت علیهم السلام رفته است.

در بررسی اجمالی که از چند کتاب موضوعی حدیث که در سالهای اخیر نگاشته شده به عمل آمد، مشخص گردید ارجاعات و استنادات به صحیفه سجادیه، بسیار کم است. در کتابی که ۱۷۷۰ روایت، حدیث و گفتار ائمه معصومین علیهمالسلام، به صورت موضوعی بیان شده، فقط پانزده ارجاع به صحیفه سجادیه وجود داشت (کمتر از یک درصد). در کتاب دیگری که ۴۷۹ گفتار معصوم را بیان کرده بود، فقط دو بار به صحیفه سجادیه مراجعه شده بود (کمتر از نیم درصد). و این در حالیست که در بسیاری از موضوعات، می توان از فرازهای صحیفه سجادیه نیز استفاده برد. ولی نویسندگان آن کتاب ها به دلیل عدم موضوع بندی جامع بر صحیفه مبارکه سجادیه، نتوانسته اند از آن استفاده موضوعی نمایند.

لذا ضروری است اندیشمندان حوزه دین و عالمان بلند همت، دعا را نه فقط به عنوان زمزمه ای عارفانه، بلکه به عنوان منبعی غنی در القای ظریف ترین معارف الهی، به مردم معرفی کرده، به تبیین و تفسیر این کلمات آسمانی پردازند.

در این مسیر نخستین گام برای زدودن غبار غربت از دعاهای روح افزای معصومین علیهم السلام خصوصاً صحیفه سجادیه، تهیه معاجم و فرهنگ نامه هایی برای تسریع در دستیابی به محتوا و مضامین فرازهای ادعیه است.

نباید از نظر دور داشت که صحیفه سجادیه دارای دو شأنیت است: اول آنکه در جمع احادیث شیعی قرار گرفته و به آن نگاهی روایی شده و همانند دیگر روایات مأثوره، دارای سلسله اسناد و اجازات است و بزرگان اخبار آن را در کتاب های روایی خود آورده اند و بعضاً به شرح بعضی از لغات آن در همان کتاب پرداخته اند.<sup>(۱)</sup> برخی عالمان نیز به نقل اسناد صحیفه

ص : ۹

---

۱ - ۱) علامه بزرگوار مجلسی خانه درصد فحه ۵۹ جلد ۱۱۰ بحارالانوار، به نقل اسناد صحیفه پرداخته و میگوید: «روایات صحیفه با بیش از آن است که به شمارش آید.» مرتضی زبیدی حنفی که از عالمان بنام قرن دوازده هجری می باشد نیز در صفحه ۴۸۰ جلد ۴ کتاب «اتحاف السادهالمت قین» با سندی خاص، به تقلیدعای چهل و هفتم صحیفه پرداخته است.

پرداخته، در سلسله اسناد آن همانند دیگر روایات نقد و بررسی کرده و راویان آن را توثیق نموده اند. تمامی این تلاش ها حکایت از آن دارد که صحیفه را به صورت یک روایت، همانند دیگر روایات دیده اند.

دومین شأنیت صحیفه سجادیه آن است که دعاهای این کتاب در جمع دعاهای پربار و زیبای شیعی قرار دارد و بزرگان بدان نگاهی مناجاتی کرده و آن را راهی برای راز و نیاز با خالق بیهمتا برشمرده اند.<sup>(۱)</sup>

ولی متأسفانه با آنکه صحیفه دارای دو شأنیت است، نه موضوع نگاری جامعی بر دعاهای مأثوره از ائمه معصومین طالقان از جمله صحیفه سجادیه صورت گرفته و نه برای تمامی روایات و احادیث روایت شده و کتاب های روایی، نمایه زنی شده است. البته از دیر زمان عالمان دینی در تدوین کتاب های حدیثی به دسته بندی و تبویب دست ورزیده اند که اولین اثر آن را می توان کتاب شریف «کافی» اثر باقی ثقه الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۸ هـ. ق) دانست و از آن پس نیز مؤلفان، عموماً کتابهای خود را در فصل ها و عنوان هایی هر چند محدود، تدوین می نمودند. به تدریج هر چه زمان می گذشت و احساس نیاز به موضوع بندی احادیث تقویت می شد، نویسندگان در تدوین احادیث و روایات از

عنوان، فصل و باب های بیشتری در تنظیم کتاب های -خورد استفاده کردند.<sup>(۲)</sup>

ص : ۱۰

---

۱- ۱) شهید ثانی در کتاب «اللمعه الدمشقیه»، در اعمال روز عرفه، خواندن دعای چهل هفتم صحیفه را سفارش کرده است. محقق بحرزی نیز در صفحه ۳۹۰ جلد ۱۶ کتاب «الحدائق الناضره» میگوید: «مستحب است در روز عرفه دعا خواندن و بهتراست دعای عرفه امام حسین ایالا و دعای عرفه امام سجاد ایالا هر صحیفه کامله، خوانده شود.

۲- ۲) نگاهی به کتاب فقهی «تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه» نوشته شیخ ابی جعفر محم ادبن حسن طوسی (م ۴۶۰ هـ. ق) و کتاب «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» تألیف شیخ محمد بن حسن حر عاملی (م ۱۱۰۴ هـ ق) بازگوی این حقیقت است که کتاب او لکه در قرن پنجم تألیف شده، دارای ۳۹۵ باب است. درحالی که کتاب دو مکه در اوآخر قرن یازدهم نگارش یافته، دارای ۷۰۸۱ باب می باشد.

اما این روش، هرگز نتوانست همه آنچه را که در لابه‌لای متون حدیث و دعاهای ائمه معصومین علیهم السلام بود، در مقابل دیدگان محققین قرار دهد. چون در بسیاری از احادیث و روایات، چندین موضوع مطرح شده که باید در چندین باب و فصل قرار میگرفت یا حداقل به آن ارجاع داده می‌شد، در حالی که تنها در یک فصل از یک باب، آن روایت وارد شده و چنانچه دعاها آورده می‌شد، فقط به عنوان ادعیه و در کتاب مزار ذکر می‌گردید.

تلاش برخی از نویسندگان کتاب‌های حدیثی از این بالاتر رفته و کتاب‌هایی به صورت موضوعی و دارای زیر موضوع‌های متعدد و وابسته به یکدیگر با ذکر آیات قرآن، احادیث و فرازهایی از بعضی دعاها، به همراه ترجمه فارسی و آدرس منبع، نگاشته شد. از آن جمله می‌توان به کتاب‌هایی نظیر «میزان الحکمه» و «آثار الصادقین» اشاره کرد. در اینگونه کتاب‌ها به گوشه‌هایی از صحیفه سجادیه و فرازهایی از آن در موضوعات مختلف اشاره شده است. ولی نویسندگان اینگونه کتاب‌ها نیز اولاً بسیاری از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام و فرازهای صحیفه سجادیه را ذکر ننموده‌اند و ثانیاً بنا نداشته‌اند به تمامی معانی و مفاهیم حدیثی که ذکر نموده‌اند، توجه داشته باشند و آن روایت را در موضوعات متعدد ذکر نمایند. چرا که این خود، امری غیرممکن است و از طرفی نیز هر مفهوم و عبارت ممکن است چندین احتمال معنایی داشته باشد و نگارندگان این کتاب‌ها، بنایی بر عنوان بندی تمامی محتوای حدیث و فرازهای دعاهای صحیفه سجادیه نداشته‌اند.

با نگارش کتاب‌های معجم لفظی (۱) برای صحیفه مبارکه سجادیه و بعضی از کتابهای حدیث، روش جدیدی برای تکمیل اطلاعات و تسهیل و دقت در دسترسی به مضامین و

ص: ۱۱

---

۱- ۱) شاید این نام برگرفته از حدیثی باشد که از حروف الفبا به «معجم» یاد کرده. همانند احادیث «من لا یحضره الفقیه»، ج ۴، ص ۱۳ او «تهذیب الاحکام»، ج ۱۰، ص ۲۶۳.



اطلاعات آن کتاب، عرضه شد که این کار در رساندن محقق به موضوعات، بسیار با اهمیت، مفید و ارزنده بود.

امروزه ما به وسیله رایانه، کامل ترین معاجم لفظی از قرآن و کتابهای حدیثی از جمله نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را در اختیار داریم که با توجه به آنکه شکل کلمات برای محققان اهمیت ویژه ای دارد از روشهای کارگشا و کم نقص محسوب می شود و با توجه به اینکه زمان زیادی از ارائه آن نمی گذرد، برای تأمین قسمتی از نیاز محققان، هنوز جایگزینی مناسب برای آن یافت نشده است. علاوه بر آنکه بعضی از این معجم ها به چاپ رسیده، بسیاری از برنامه های رایانه ای نیز وجود دارند که دارای معجم و امکان جستجوی لفظی با دقت بسیار بالا می باشند.

دیگر روشی که در سده های اخیر جهت تسریع در دستیابی به محتوا، مورد توجه و اهتمام دانشمندان قرار گرفته، فهرست نگاری موضوعی، یا تهیه کشف المطالب است. اکنون پژوهشگران اسلامی فهرست نگاری های متعددی بر قرآن و کتاب های حدیثی تألیف کرده اند. پس از نگارش کشف المطالب ها و کشف الایاتهای بسیاری بر قرآن کریم، موضوع نگاری های متعددی بر نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و بعضی از کتاب های حدیثی صورت گرفته است. از آن جمله می توان به «خورشید بی غروب نهج البلاغه»،<sup>(۱)</sup> «الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه»<sup>(۲)</sup> و «الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه»<sup>(۳)</sup> اشاره کرد.

در این روش ابتدا نویسنده، چهارچوبی ذهنی برای محتوای کتاب می سازد و تلاش میکند، محتوای کتاب را در این چهارچوب پیش ساخته جای داده و سپس برخی از این

ص : ۱۲

---

۱-۱) نوشته عبدالمجید معادیخواه، سال ۱۳۷۲، ده جلد.

۲-۲) نوشته علی انصاری، سال ۱۳۵۷، یک جلد.

۳-۳) نوشته محمد دحسین مظفر، سال ۱۳۶۲، یک جلد.

محتواها را موضوع و برخی را زیر موضوع موضوعات قرار می دهد. این روش گرچه مخاطب را با موضوعات و زیر موضوع های کتاب آشنا می کند، ولی در بعضی از موارد هیچ ارتباطی بین متن و موضوع خود ساخته ذهنی مؤلف نمی بینیم و از طرفی بسیاری از محتوای منطوقی و مفهومی متن در قالب موضوع، ارائه نشده است. یعنی از جهتی، جامع تمامی موضوعات کتاب نبوده و از سوی دیگر، بسیاری از موضوعات، با اصل کتاب مطابقت نمی کند و از این مشکل تر آنکه، موضوعات در چهارچوبه زمان و مکان نویسنده گرفتار آمده و مؤلف با توجه به مباحثی که در جامعه مطرح است، به موضوع نگاری متن پرداخته و سعی دارد اینگونه القا کند که این مطالب در کتاب وجود دارد. (۱)

جدیداً بعضی از نویسندگان فرهنگ نامه های موضوعی، بر این باورند که نبایستی در مفاهیم کتاب سیر نمود و در چهارچوب ذهنی خود اسیر گشت و یا با توجه به موقعیت زمانی و مکانی به موضوع نگاری پرداخت، بلکه موضوعات می باید از منطوق کلمات استخراج شود.

در این روش، مؤلف بدون هیچ پیش فرض ذهنی و طرح قبلی، مستقیماً به صورت تجربی و عینی به سراغ متن رفته و با استفاده از واژه های متن و در بعضی از موارد ایجاد رابطه میان کلمات، به ساخت موضوع می پردازد و سپس موضوعات را به ترتیب الفبایی، منظم کرده، مجموعه اطلاعات هر موضوع که از این یک واژه خاصی برگرفته شده است را در زیر یکدیگر نوشته و زیر موضوعاتی را پدید می آورد و سپس با واژه های کمکی و تکمیلی، مجموعه اطلاعاتی را به صورت شکل یافته، فراهم نموده، به کاربران و پژوهشگران عرضه می دارد.

این روش هر چند از اعمال سلیقه کمتری برخوردار است و محققان ارجمندی نیز قرآن و

ص : ۱۳

---

۱- همچون موضوعاتی که اخیراً یکی از موضوع نگاران بر کتاب شریف نهج البلاغه، نگاشته و آن کتاب را حاوی موضوعاتی همچون «فوتوریسم»، «فورمالیسم»، «فیزیوئومی»، «فیزیولوژی» و ... دانسته است.

صحیفه جامعه سجادیه را اینگونه موضوع یابی نموده اند،<sup>(۱)</sup> ولی این روش برای کسانی که با زبان عربی آشنایی دارند، مفید می باشد. زیرا موضوعات، برخاسته از متن عربی است و افراد بیگانه با آن زبان، قادر به بهره برداری از آن نیستند و چنانچه نویسندگان موضوعات را ترجمه نمایند، به منظور خود که استفاده از منطوقی کلمات است، دست نیافته است. زیرا در ترجمه موضوعات و زیر موضوعات باز چهارچوبه ذهنیت مترجم کارساز است و موضوعات اسیر ذهن و زمان نگارش میگردد و از طرفی سردرگمی مراجعه کننده غیر آشنا به زبان عربی را به دنبال دارد. چرا که او به دنبال همه واژه های به کار رفته در آن موضوع است و با ترجمه آن نمی تواند تمامی موضوعاتی که بدان معنا است، یکجا بیابد. و از طرفی در این فرهنگها، هر چند کلمات همان کتاب به کار رفته، اما موضوعات ساخته شده معادل نیز فراوان بوده و مؤلف از زبان فارسی و عربی به صورت ادغامی بهره گرفته است.

اشکال دیگری که به روش فرهنگ نویسی آنان وارد است این است که نویسندگان محترم این گونه فرهنگ واره ها بنا بر آن داشته اند که از منطوق و عین کلمات به سراغ جملات آن کتاب رفته، به موضوعات دسترسی یابند. در حالی که به تأویل، تفسیر و همچنین در مورد فرهنگ نامه های قرآنی، به شأن نزول بعضی از آیات نیز توجه کرده اند و برخی موضوعات را با توجه به تفسیر، تأویل و شأن نزول ساخته اند، که این کار حتی از کسانی که با توجه به چهارچوبه ذهن خود به ایجاد موضوع میپردازند نیز سر زده است.

با توجه به مطالبی که گذشت، نیاز به موضوع نگاری صحیفه مبارکه سجادیه، بیشتر احساس

می شد. زیرا پیرامون قرآن کریم حداقل ده ها کشف المطالب و کشف الایات با تمامی محشّنات

ص: ۱۴

---

۱- ۱) «فرهنگ موضوعی قرآن مجید» اثر خرمشاهی وفانی / انتشارات فرهنگ معاصر سال ۱۳۶۴. «نمایه نامه موضوعی صحیفه سجادی ه» اثر مصطفی درایتی .

و کاستیها موجود بود(۱) و پیرامون کتاب شریف نهج البلاغه نیز فرهنگ نامه های متعددی وجود داشت.(۲) اما در مورد کتاب گران بار صحیفه مبارکه سجادیه، تنها اثر مهمی که به عنوان فرهنگ نامه موضوعی نگاشته شده بود، کتاب «الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه» است که مؤلف آن، فارغ از واژه ها و الفاظ موجود در صحیفه سجادیه، به بررسی آن پرداخته و هر آنچه را که به عنوان موضوعی قابل طرح یافته، در ۳۲۸ صفحه، ۱۹ موضوع و ۱۹۷ زیر موضوع گرد آورده است. موضوعاتی که نویسنده برگزیده، عبارت اند از: توحید، نبوت، امامت، معاد، اسلام، ملائکه، اخلاق، طاعات، ذکر و دعا، سیاست، اقتصاد، انسان، هستی، جامعه، علم، زمان، تاریخ، سلامتی و امور نظامی. با بررسی دقیق این موضوعات، به این نتیجه میرسیم که اکثر این موضوعات، عناوینی است ساخته مؤلف، که این عنوان ها در صحیفه کامله سجادیه به چشم نمی خورد. زیرا موضوعات نیز تابع هیچ مشخصه ای نیست و نویسنده محترم آن، در بسیاری از موارد سلیقه ای عمل کرده است.

کتاب «نمایه نامه موضوعی صحیفه سجادیه» که در دو جلد انتشار یافته، علی رغم محشّناتی که دارد، به موضوع نگاری صحیفه مبارکه سجادیه که شامل ۵۴ دعاست پرداخته، بلکه صحیفه جامعه سجادیه، که دارای ۲۷۰ دعا می باشد را موضوع نگاری نموده است. این فرهنگ دارای ۷۵۰۰ مدخل اصلی و ۳۵۰۰ مدخل ارجاعی بوده و قابل تطابق و استفاده برای صحیفه کامله سجادیه نیست. چرا که صحیفه جامعه در بسیاری از موارد، از جمله در شماره دعاها با صحیفه کامله پنجاه و چهار دعایی اختلاف دارد. به طور مثال، دعاهای یکم تا دهم صحیفه کامله، در صحیفه جامعه به شماره های ۱، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۳۰،

۳۲ آمده است.

ص : ۱۵

- 
- ۱-۱) بنگرید به « کتابشناسی جهانی قرآن کریم»/خانه کتاب قم/۱۳۸۲، ج ۱، صص ۳۸-۱۴.  
۲-۲) بنگرید به «امام علی در آینه قلم»/ج ۱، صص ۵۵۷-۵۵۰.

احساس نیاز به وجود فرهنگ واره ای جامع برای صحیفه کامله سجاده (با توجه به اینکه موضوع نگاری دعا و مناجات از ویژگی و حساسیت خاصی برخوردار است)، ما را بر آن داشت تا با سبکی جدید به موضوع نگاری صحیفه مبارکه سجاده بپردازیم. طی سالهای اخیر در مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، اقدامات پژوهشی و تحقیقی متعددی چه به شکل نرم افزار رایانه ای و چه به صورت مکتوب، برنامه ریزی شده که تاکنون برخی از آنان به مرحله تولید رسیده و برخی دیگر در حال تکمیل می باشد.

یکی از این برنامه ها که به شکل مکتوب ارائه میگردد، فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجاده است. در تدوین و تنظیم این فرهنگ نامه در مرحله اول، صحیفه سجاده ای که توسط مرحوم حجه الاسلام سید علی نقی فیض الاسلام قدس سره تصحیح و فrazبندی شده بود را به عنوان متن اصلی انتخاب کرده، بدون هیچ قالب پیش ساخته ذهنی یا خارجی، به اصل متن صحیفه مراجعه و کلمه به کلمه متن را بررسی نمودیم و پس از گزینش واژه هایی که دارای بار موضوعی خاصی بود، با استفاده از رایانه، آنها را به صورت الفبایی و معجمی، مرتب نمودیم. با بررسی دقیقی کلمات انتخاب شده، به این نتیجه رسیدیم که واژه های انتخابی بر دو قسم هستند: یک قسم کلماتی بودند که علاوه بر دارا بودن بار موضوعی، در متن محور سخن و یا مطلبی بودند که بدون شک این واژه ها در ترکیب موضوعی قرار میگرفتند. نظیر موضوعات «آب»، «آتش»، «آسمان» و.... قسم دوم واژه هایی بودند که بار موضوعی داشتند، اما محور سخن یا مطلبی نبودند. در اینجا کلماتی که می توانست محقق را در رساندن به مطالب یاری دهد، ذکر نمودیم. همچون موضوعات «رسیدن»، «روگردانی»، «روی آوری»، «همانند» و.... سپس واژه هایی را که علی رغم داشتن بار موضوعی، نمیتوانست در راستای منظور محقق نقش آفرینی نماید، ذکر نکردیم. نظیر موضوعات «آبشخور»، «سقالبها»، «معوذتین» و.... زیرا بر این باور بودیم که چنین موضوعاتی برای مراجعه کننده نه تنها مفید

نخواهد بود، بلکه ممکن است گیج کننده و ملالآور باشد. (البته چنین مواردی نسبت به کل موضوعات مطرح شده، بسیار نادر بود.) در این میان به کلماتی برخوردیم که محور سخن نبودند و در بعضی فرازهای دعا، دارای بار موضوعی و در برخی از جملات، فاقد بار موضوعی بودند که با بررسیهای دقیق، مواردی که دارای بار موضوعی بود، ذکر شده و از فرازهایی که کلمه در آن فاقد بار موضوعی بود، چشم پوشی شد. زیرا فرهنگ نامه موضوعی باید هدایتگر به واژه هایی باشد که راهنمای موضوع بحث در متن قرار گیرد و مراجعه کننده را به مطالبی در اطراف آن موضوع، راهنمایی کند و چنانچه او به دنبال همه واژه های به کار رفته در تمامی فرازهای دعا است، باید برای رفع نیاز خود به معجم لفظی صحیفه مبارکه سجادیه مراجعه کند نه به فرهنگ نامه موضوعی که بنای خود را بیان موضوع قرار داده نه بیان تمامی الفاظ به کار رفته در صحیفه سجادیه.

سپس آن واژه ها را (با توجه به جمله ای که آن واژه در آن به کار رفته بود)، ترجمه کردیم. توجه به جمله ای که آن کلمه عربی در آن به کار رفته، به این خاطر است که بعضی از کلمات دعا در زبان فارسی، معانی متعددی دارد و یا از کلمات مترادفی است که دارای مصادیق متعدد است و باید دید، منظور امام علیه السلام از این کلمه در این فراز چه بوده است. البته در بسیاری از موارد به شرح نیز مراجعه می شد. در این میان کلماتی بودند که می توانست به مصادیق متعدد، تطبیق یابد و یا به چند معنی ترجمه شود و شارحین و مترجمین صحیفه سجادیه، به تمامی آن معانی و یا مصادیق، آن فراز را ترجمه و تطبیق کرده بودند. لذا ما آن کلمه را در تمامی آن معانی و مصادیق در ذیل موضوعات متعدد ذکر کرده، به مقتضای موضوع، آن کلمه را ترجمه نمودیم. به عنوان مثال از کلمه «جازیاً» در عبارت «کفی بک جازیاً»، (۱) در موضوع «پاداش» و همچنین در موضوع «کیفر» استفاده کردیم و یا از واژه «کلفتنی» در عبارت «اللهم

اٹلی کلفتی من نفیی ما آنت آمللف به منی»، (۱) در موضوعات «تکلیف» و «گماشتن» بهره بردیم. نیز موضوعات استخراج شده را پس از ترجمه فارسی، به صورت الفبایی چینش نمودیم و موفق به تفکیک مناسب موضوعات از یکدیگر شدیم. مثلا موضوعات «عفو»، «آمزش» و «گذشت» (علی رغم تشابه معنای ظاهر) در سه موضوع جداگانه، به تناسب عبارت عربی فراز و نیز لحاظ نمودن ترجمه در آن، قرار گرفت. در این هنگام متوجه واژه هایی که دارای معنای یکسان (و یا مشابه) بود شده، تمامی آنها را با در نظر گرفتن مشخصه هایی خاص، یک موضوع دانسته و تحت موضوعی واحد قرار دادیم. مثلا کلماتی که به «حتمی»، «لازم»، «لزوم»، «واجب» و «وجوب» ترجمه شده بود، تحت موضوع «واجب» در نظر گرفته شد.

در این میان واژه هایی وجود داشت که احتمال وجود معانی متعدد از آن بعید نبود. مانند موضوع «مژده» که واژه های معادل «بشارت»، «تبشیر» و «نوید» از آن استنباط و به موضوع «مژده» ارجاع داده شد. همچنین در این فرهنگ، موضوعاتی داشتیم که جهت تکمیل بحث، ارجاع آنها به دیگر موضوعات مشابه، خالی از لطف نبود. پس با چنین ارجاعاتی نیز، موضوعات ارجاعی پدید آوردیم.

حال قطع نظر از موضوعات ارجاعی، سایر موضوعات هر یک دارای فرازهای متعددی از دعاهای مختلف بود. در بعضی موارد، تعدد فرازها چنان بود که رجوع به آنها، جز سردرگمی در میان انبوه فرازها، چیز دیگری نداشت. لذا بر آن شدیم، جهت تسهیل در فهم و نجات از سردرگمی، برای هر یک از فرازها، عنوانی برخاسته از منطوق فراز قرار دهیم. توجه به این نکته ضروریست که این عناوین (که در فرهنگنامه موضوعی، بر اساس شماره دعا و فراز، تحت موضوعات قرار دارند)، به عنوان زیر موضوع نیستند، بلکه بر اساس تسهیل در فهم موضوعی فراز در نظر گرفته شده اند. به همین دلیل، این عناوین که بیشترین حجم

ص : ۱۸

فرهنگ نامه را به خود اختصاص داده اند، بر اساس ترتیب الفبایی چینش نشده و تنها موضوعات دارای چینش الفبایی اند.

سپس جهت سهولت دستیابی مراجعه کننده به دعاها و فرازهایی که عناوین از آنها استخراج شده، به چینش فرازهای تقطیع شده، بر اساس ترتیب عددی دعا و نیز شماره فراز، اقدام نمودیم.

از آنجایی که مراجعه کنندگان به چنین فرهنگ نامه هایی، عموماً فارسی زبان هستند، جهت تسهیل در فهم مراجعین، تمامی دعاها صحیفه سجادیه ترجمه شد و ترجمه هر فراز و عبارت تقطیع شده، در زیر فراز مربوطه قرار گرفت تا معنای فراز دعا، در دسترس و مفهوم عنوان استنباطی از آن فراز، کاملاً مشخص و واضح گردد.

با توجه به اینکه در برخی موارد از واژه های زبان عربی در زبان فارسی، معانی مختلفی استنباط می شود و ما قائل به از دست ندادن موضوعات و عناوین در حد توان بودیم، لذا با توجه به موضوعات، ترجمه های متفاوتی از لغات برداشت کرده و به تناسب موضوع، از آن بهره جستیم. نظیر عبارت «لا تفتنی» که در جمله «ولا تفتنی بالسعه»<sup>(۱)</sup>، به عبارت «گمراهم نکن» و نیز «آزمایشم نکن» ترجمه شده و یا واژه «المانی» که در عبارت «آنا الجانی علی نفسه»<sup>(۲)</sup> به کلمات گنجهکار» و در جایی دیگر به «جنایتکار، ترجمه گردیده است.

در پایان چینش موضوعات و فرازهای دعاها، (پایان جلد سوم) دعاها صحیفه سجادیه به همراه ترجمه آن قرار داده شد تا مراجعه کننده برای پی بردن به قبل و بعد هر عبارت و فراز تقطیع شده که همراه با موضوعات ذکر گردیده، ناچار به مراجعه به چاپهای دیگر صحیفه

(که چه بسا فراز بندی نشده) نباشد.

در این فرهنگ، بیش از ۹۰۰ موضوع اصلی وجود دارد و تعداد ۷۹۴ موضوع ارجاعی

ص : ۱۹

---

۱-۱) بخشی از فراز بیست و دوم دعای بیست.

۲-۲) فراز هشتاد و دوم از دعای چهل و هفتم.



تعبیه گردیده است. در زیرساخت موضوعات اصلی آن، عناوینی برای فرازهای دعا نگاشته شده که تعداد آن عناوین نیز ۹۲۲۶ عنوان می باشد.

نظر به اینکه فرهنگنامه حاضر، علی رغم دقت و تلاش انجام شده، خالی از عیب نیست، لذا نقادی اهل فن، در بهتری نمودن این مسیر، قطعاً کارگشا و مثمر ثمر خواهد بود.

در پایان، خداوند منان را حمد و سپاس میگوییم که توفیق عطا فرمود تا در حول محور صحیفه مبارکه سجادیه، این اقدام پژوهشی انجام و آن را به پیشگاه حضرت امام سجاد علیه السلام تقدیم داریم.

همچنین از عنایات ویژه مرجع عالیقدر و زعیم حوزه علمیه اصفهان، حضرت آیه الله العظمی مظاهری «مدظل به العالی» - که تأسیس مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، از برکات وجودی معظم له است - سپاس گزار می نمایم.

در تدوین فرهنگ نامه ای که پیش روی دارید، شش تن از پژوهشگران مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، برای به دست آوردن سبکی موضوع نگاری ادعیه و ترتیب آن، و استخراج موضوعات و عناوین، و همچنین تقطیع و عنوان نگاری فرازها و نیز ترتیب چینش آنها و ویرایش متن، مساعدت های فراوانی نمودند که بر خود لازم می دانم از تک تک آنان تشکر نمایم.

اللهم لك الحمد بدیع السماوات و الارض

سید احمد سجادی

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

فروردین ماه ۱۳۸۵

ص : ۲۰

شناساندن سنجش آب ها، به فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ عَرَفْتُهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که وزن آب ها رابه آنان شناسانده

ای. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۱۶

فرشتگان ساکن آب

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و ساکنان هوا و زمین و آب. ۱۰/۳ و ۱۱ و ۲۳

آغاز نمودن بندگان، از آبی ناچیز

اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ... مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا

خداوندا و تو از آب ناچیز آغازمان نموده ای.

۵/۹

آشامیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

يَا إِلَهِي لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِدَلِيكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من، اگر در مدت زندگی ام، آب خاکسترآلود بنوشم، باز هم با آن همه سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم

نیستم. ۳۰/۱۶

فرشتگان و آب رسانی سودمند، به بندگان

وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ... بِسَقْيِي مِنْكَ نَافِعٍ...

و فرشتگان را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز. ۲/۱۹

آب رساندنی سودمند، با فراوانی دائم

أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقِيٍّ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ، وَاسِعٍ دِرْرُهُ، وَابِلٍ سَرِيْعٍ عَاجِلٍ

فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادنِ آبی سودمند از جانب خود - که فراوانی اش همیشگی، جاری شدنش بسیار، سخت، تند و شتابان باشد - آماده ساز. ۲/۱۹

نتایج آب دادن خداوند، به بندگان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظُّرَابَ، وَ تَمْلَأُ مِنْهُ الْجِيَابَ، وَ تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَ تُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ، وَ تُزَخِّصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ، وَ تَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَ الْخَلْقَ، وَ تُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ تُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ، وَ تُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ، وَ تَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا

خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را

ص : ۲۱

جاری گردانی و چاه ها را از آن پر کنی و رودخانه ها را با آن روان سازی و درخت ها را به وسیله آن برویانی و با آن قیمت ها را - در همه شهرهای بزرگ - ارزان کنی و چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سر پا بداری و روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی و کشت ها را به وسیله اش برایمان برویانی و پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی و به وسیله آن نیرویی بر نیروی ما بیفزایی، سیراب نما. ۵/۱۹

شور نگرداندن آب ابرها

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أُجَا جَا

خداوندا آب آن (ابر) را بر ما شور و تلخ نگردان. ۶/۱۹

در آمیختن آب های مشرکان، به و با

اللَّهُمَّ وَ امزج مياهمم بالوباء

خداوندا و آب هایشان را به و با در آمیز.

۱۲/۲۷

آبی پست و بی ارزش

وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءَ مَهِينًا مِنْ صُلْبٍ... إِلَى رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ...

و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی.

۲۳/۳۲

آب جوش و ساکنان دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... تَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيًّا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که اهلش را آب جوشان می نوشاند. ۲۹/۳۲ و ۳۰

زایل نمودن خشکی شهرها، با آب (باران)

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ

خداوندا خشکسالی شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز. ۴/۳۶

دشمن، و نوشاندن آبی تلخ به بنده

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... يُجْرِعُنِي زُعَاقَ مَرَارَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که آب بسیار تلخ زهر آگین را جرعه جرعه به من نوشاند. ۴/۴۹

آباد

آباد گشتن، با بندگی خدا

وَ اَعْمُرْ لَيْلِي بِاَيْقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَفَرِّدِي بِمَالَتَهْجِدِ لَكَ، وَ تَجَرِّدِي بِسَيِّكُونِي اِلَيْكَ، وَ اِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ، وَ مُنَازِلَتِي اِيَّاكَ  
فِي فَكَاكَ رَقِيَّتِي مِنْ نَارِكَ، وَ اِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ اَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، و کوشش کردنم برای خو گرفتن با تو و درخواست نمودن حاجت هایم از تو و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد

ص : ۲۲

ساختنم از آتشت و حفظ نمودنم از عذابت که سزاوارش [دوزخیان]، در آن به سر می برد، آباد گردان. ۱۲۳/۴۷

آبرو

ریختن آبروی دیگران

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ... شَتْمٍ عَرَضٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از آبروریزی، سپاس برای خودت را قرار ده. ۱۳/۲۰

حفظ نمودن آبروی بنده، با توانگری

وَّصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ

و آبرویم را با توانگری حفظ کن. ۲۶/۲۰

حفظ آبروی جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ خَلْفَ غَازِيَا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَأَجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بَوْزُنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ...

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛

پس وی را هم سنگ و هم گون پاداش او، پاداش ده. ۱۶/۲۷

وامی آبروبرنده

و هَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِي

و مرا معاف دار، از وامی که با آن آبرویم را ببری. ۱/۳۰

آبرومندترین پیامبر

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا... وَ أَوْجِهَهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و

آبرومندترین آنان نزد خود قرار ده. ۱۸/۴۲

حفظ آبروی بنده، از درخواست نمودن از جهانیان

وَّصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن. ۱۳۱/۴۷

آبروی بنده، آماج تیرهای حسودان

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... جَعَلَ عِرْضِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ

و چه بسیار حسودی که آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد.

۹/۴۹

ص : ۲۳

آتش

رهاندن تابعین، از همیشه ماندن در آتش دوزخ

تُعَافِيهِمْ مِمَّا تَفَعُّ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْدُورَاتِهَا، وَ كَبِهِ النَّارِ وَ طُولِ الْخُلُودِ فِيهَا

ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از امور ترسناک و سختی آتش و همیشه ماندن در آتش است، عافیت بخشی.

۱۸/۴

آتش دوزخ، سرانجام دعوت شیطان

وَ أَنَا حِينِيذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ... مُتْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ

و من در همان هنگام باور دارم که پایان دعوت او به سوی آتش است. ۲۴/۱۶

آتش دوزخ، جزای معصیت کار

وَ إِن كُنْتَ تَعْفُؤْ لِي حِينَ أَسِئْتُ وَجِبُّ مَغْفِرَتِكَ... فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرٌ وَاجِبٌ لِي بِأَسِيئَتِي خَقِاقٍ... إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود. ۳۱/۱۶

خاموش کردن آتش دشمنی

حَلِّي بِحَلِيهِ الصَّالِحِينَ... فِي... إِطْفَاءِ النَّارِ

مراد در فرونشاندن (آتش) کینه، به زینت شایستگان بیار. ۱۰/۲۰

آتش دوزخ، (ابزاری برای) وعده عذاب الهی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، وعده عذاب داده ای. ۲۹/۳۲

آتش دوزخ (ابزار) سخت گیری بر نافرمان



اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.

۲۹/۳۲

زنهارخواهی جهت دوری از آتش دوزخ

وَ أَشْهَدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا، وَ أَخَّرَ عَنْهَا

و از تو راهنمایی می خواهم، برای آنچه از آن (آتش) دور سازد و عقب گرداند. ۳۱/۳۲

وَ أَجْرِنِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ

و مرا به بسیاری رحمتت از آن (آتش) ایمن ساز. ۳۲/۳۲

ص : ۲۴

درخواست برای آزادی از آتش دوزخ

وَ اَعْمُرْ لَيْلِي بِاِيقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ... وَ مُنَازِلَتِي اِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد ساختنم از آشت، آباد گردان. ۱۲۳/۴۷

ویژگی های آتش دوزخ:

أ. سختی اش

وَ تُعَافِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا، وَ كَبِهَ النَّارِ

و ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از امور ترسناک و سختی آتش است، عافیت بخشی. ۱۸/۴

ب. شکنجه آن

وَ قِنِي (بِرَحْمَتِكَ) عَذَابَ النَّارِ

و مرا به رحمت خود از عذاب آتش، حفظ فرما. ۳۰/۲۰

وَ اَعِدْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

و ما را از شکنجه آتش پناه ده.

۱۲/۲۵

وَ قَنَا عَذَابَ النَّارِ

و از شکنجه آتش نگاهمان دار.

۱۳/۲۵

ج. روی هم غلطیدن پاره های آن

اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا، وَ يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَي بَعْضٍ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که پاره هایش یکدیگر را می خورد و برخی بر برخی دیگر حمله می برد. ۲۹/۳۲

د. تاریک و نزدیک بودنش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ... وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که نورش تاریکی، و دورش نزدیک است. ۲۹/۳۲

ه. دردناک بودن آن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... هَيِّنُهَا أَلِيمٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که آسایشش دردناک است. ۲۹/۳۲

و. پوسانده استخوان بودنش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ تَذَرُ الْعِظَامَ رَمِيًّا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که استخوان ها را می پوساند.

۳۰ و ۲۹/۳۲

ز. ناتوانی اش از سبک کردن خود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسَلَمَ إِلَيْهَا

ص : ۲۵

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که قادر بر سبک کردن (شعله ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست. ۲۹/۳۲ و ۳۰

ح. دیدار آن، با دوزخیان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرٍ مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با ساکنان خود با سوزان ترین کیفر دردناک و عواقب سخت روبرو می شود.

۲۹/۳۲ و ۳۰

ط. نامهربان بودنش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ لَا تَبْقَى عَلَى مَنْ تَصْرَعُ إِلَيْهَا، وَ لَا تَرْحَمُ مَنْ اسْتَعْظَفَهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که بر زاری کنندگانش مهربان نیست و به مهرجویانش رحم نمی کند. ۲۹/۳۲ و ۳۰

ی. گرمی آن

...فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ

... پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟ ۵/۵۰

آخر پایان

آخرت

محبوبیت عمل برای آخرت، نزد تابعین

وَ تُحِبُّبِ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ

و عمل برای آخرت را در نظرشان محبوب کنی. ۱۶/۴

عامل کامل گرداندن نیکی دنیا و آخرت، برای بنده

بَبْهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْعُغْلَةِ، وَ اسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ... أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. و در روزهای مهلت عمرم، به طاعت خود بگمار. و بدین وسیله، خیر دنیا و

آخرت را برایم کامل نما. ۲۹/۲۰

درخواست عطای حسنه، در دنیا و آخرت

وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

و در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی، عطایمان کن. ۱۳/۲۵، ۳۰/۲۰

خدا دانا به صلاح بنده، در امر دنیا و آخرت

اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. ۱۰/۲۲

ص : ۲۶

نگهداری بنده از خطا، در دنیا و آخرت

وَ ارزُقْنِي التَّحْفُظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْاِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. ۱۳/۲۲

جدایی نینداختن بین بنده و تندرستی، در دنیا و آخرت

وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی نینداز. ۱/۲۳

تندرستی دنیا و آخرت

عَافِنِي عَافِيَةً... تُؤَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

به من عافیت ده. عافیتی که در جسم عافیت زاید، عافیت دنیا و آخرت. ۲/۲۳

اصلاح حال بنده، در دنیا و آخرت

وَ اَمُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُضِلُّحَنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي...

و هر چه در دنیا و آخرت به صلاحم است، بر من ارزانی دار. ۹/۲۵

درخواست برای دنیا و آخرت، از خدا

وَ اَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لَوْلَدِي فِي عَاجِلِ

الدُّنْيَا وَ اَجَلِ الْآخِرَةِ

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانند آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، در دنیای

کنونی و آخرت آینده ببخش. ۱۲/۲۵

نزدیکی زمان رحلت به سوی آخرت

وَ دَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَةِ رَجِيلٌ وَ انْطَلَقُ

و کوچ کردن و رفتن ما به جهان دیگر نزدیک شود. ۱۳/۴۲

درخواست محل رسوایی نبودنِ آخرت

وَ إِذْ لَمْ تُقَمِّنِي مَقَامَ فَضِيحِهِ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقَمِّنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار. ۱۲۰/۴۷

اعطای خیری از دنیا و آخرت، به مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَيْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ تُعْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می‌نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می‌نمایی، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می‌کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان. ۲/۴۸

ص : ۲۷

امید نداشتن به غیر خدا، برای امر دنیا و آخرت

فَإِنِّي... لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ سِوَاكَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم. ۴/۴۸

پیوسته ساختن فضل خدا در دنیا، به نیکی آخرت

وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ سَعِهَ مَا عِنْدَكَ... وَ صِلْ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَ نَعِيمِهَا

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان. ۲۸/۴۸

محروم نساختن بنده، از خیر دنیا و آخرت

إِلَهِي فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرِ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى لِقَلِّهِ شُكْرِي

خدای من، پس مرا به خاطر سپاس اندکم، از خیر آخرت و دنیا بی بهره نگردان. ۱۳/۵۱

مهربانی خدا، در دنیا و آخرت

يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو. ۱/۵۴

آدم انسان

آدم علیه السلام

گماشتن راهنما، از زمان آدم علیه السلام تا محمد صلی الله علیه و آله

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از دوران آدم تا محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ۲/۴.

آذوقه

رساندن آذوقه به مزدداران اسلام

وَ وَاتَرَ بَيْنَ مِيرِهِمْ



و آذوقه ایشان را پیاپی برسان. ۲/۲۷

آذوقه های مشرکان، در دورترین سرزمین

وَ اجْعَلْ مِيزَهُمْ فِي اَحْصِ اَرْضِكَ وَ اَبْعِدْهَا عَنْهُمْ

و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین (نقاط) زمین خود قرار ده. ۱۲/۲۷

آرا احکام

آراستگی

نفس بنده، و آراستن حاجت خواهی از

ص : ۲۸

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ... سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي رَفَعَهَا إِلَيَّ مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می

آراید. ۱۵/۱۳

شیطان و آراستن باطل

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَّفْنَا

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. ۷/۱۷

آراستن بنده، به زیور شایستگان

وَ حَلَّيْتُ بِحِلِّيهِ الصَّالِحِينَ

و مرا به زینت شایستگان بیارا. ۱۰/۲۰

آراستن مجلس والدین، به فرزندان

وَ زَيَّنُّ بِهِمْ مَحْضَرِي

و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما.

۴/۲۵

آراسته شدن خطا، با اندیشه بد

وَ سَوَّلَ لِي الْخَطَاءَ حَاطِرُ الشُّوءِ فَفَرَّطْتُ

و اندیشه بد خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم. ۱۶/۳۲

آراستن اوقات ماه رمضان، به طاعت بنده

وَ زَيَّنُّ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ

و اوقاتش را به طاعت ما برای خود، زینت ده.

آراستن مناجات بندگان

وَزَيْنٌ لِّيَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیار. ۱۱۰/۴۷

آراستن بنده، به زیور پرهیزکاران

وَحَلِيٌّ حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ

و مرا به زیور پرهیزکاران بیارای. ۱۲۷/۴۷

آراستگی باغ های بهشت

وَجَاوِزِ بَيْ الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَّةِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ

و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگان آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستان همسایه گردان. ۱۲۸/۴۷

آرام آهسته و نیز آرامش

آرامش آسایش

شب و آرام گرفتن از حرکات خسته کننده

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

ص : ۲۹

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیسایند. ۵/۶

دربر کردن جامه راحت و آرام شب

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند.

۵/۶

وارد شدن موجودات آرام، در صبح

وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمَلَتِهَا لَكَ: سَمَاوَةٌهَا وَ أَرْضُهَا، وَ مَا بَثَّتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَ مُتَحَرِّكُهُ...

و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنده ساختی، از آرام و جنبنده و همه از آن تو هستیم. ۹/۶

آرام گرفتن، به فضل الهی

فَضْلُكَ آتَسْنِي

فضل تو مرا آرام نمود. ۲۵/۱۳

نبرد آرامش دهنده ای برای ترس بنده، از دیدار خدا

أَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفٍ لِقَائِكَ. فَلَا مَسَكَنَ لِرَوْعَتِي

به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترس ندارم. ۱/۲۱

آرامش دل بنده، به خدا و نیکان خلق

...بَلِ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَ أُنْسَ نَفْسِي وَ اسْتِغْنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بَحْيَارِ خَلْقِكَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده.

۱۲/۲۱

سبب دریافتن آرامش دل

وَ ارزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لِمَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ... حَتَّى أَعْرِفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَ طِمَإُنِيهِ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا

يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَالْأَمْنِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم.

۱۱/۲۲

تهی ساختن دل دشمنان، از آرامش

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنِ

خداوندا، دل هایشان را از آرامش تهی دار.

۱۱/۲۷

مرگ، آرامشگاه نیکوکاران

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى

ص : ۳۰

وَشَكَكَ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّىٰ يَكُونَ الْمَوْتُ مَا نَسْنَا الَّذِي نَأْنَسُ بِهِ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی که مرگ برای ما محل انسی باشد که به آن انس گیریم. ۳/۴۰

آرام گیرندگان در سایه (حمایت) قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در سایه بال (حمایت) آن ساکن می شوند. ۷/۴۲

گورها، آرامگاه مردگان

وَ كَانَتْ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَىٰ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ

و گورها تا هنگام قیامت، جایگاه (آرامگاه) ماندن باشد. ۱۳/۴۲

آرام گرفتن در استراحتگاهی نزد خدا

اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْ إِلَىٰ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا

برایم نزد خود استراحتگاهی که آسوده خاطر در آن آرام گیرم، قرار ده. ۱۲۹/۴۷

آرام ساختن دل بنده، به آنچه نزد خداست

وَ اجْعَلْ قَلْبِي وَائِقًا بِمَا عِنْدَكَ

و دلم را به آنچه نزد توست، مطمئن (و آرام) گردان.

۱۳۰/۴۷

فراهم نمودن آرامش، برای بنده

وَ اجْمَعْ لِي... الطَّمَأْنِينَةَ

و آرامش را برایم فراهم ساز. ۱۳۰/۴۷

آرام نگرفتن کینه دشمن

فَرَدَّدَتْهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ، وَ لَمْ يَسْكُنْ غَلِيْلُهُ

پس در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی.

۶/۴۹

آرمیدن رگ ها و بی خبری تن

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَآلَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوِقِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده. ۸/۵۲

آرایش آراستگی

آرزو

آرزوی دراز

وَ نَعُوذُ بِكَ أَنْ... نَمُدَّ فِي آمَالِنَا

و پناه می بریم به تو از اینکه آرزوهایمان را دراز کنیم. ۵/۸

اعتماد به آرزوهای شیطان

ص : ۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ... مِنَ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ

خداوندا ما از اطمینان به آرزوهای او به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

تبدیل آرزوی القا شده شیطان، به ذکر عظمت الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي... ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ...

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده. ۱۳/۲۰

پابرجایی آرزوی بنده، در امید به رحمت الهی

وَ حَقَّقْ فِي رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي

و آرزویی را که در امید به رحمت دارم تحقق بخش. ۲۸/۲۰

جز خدا راهی به آرزوها نیافتن

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ... مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ

خداوندا اگر فضل بزرگت را از من بازداری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

آرزو، و خلف وعده شیطان درباره آن

وَ إِنْ مَنَّا أَخْلَفْنَا

و اگر ما را آرزومند گرداند، خلف وعده کند.

۷/۲۵

آزمودن بندگان، به آرزوی دراز

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا... فِي آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ

خداوندا همانا تو ما را در مدّت زندگی هایمان به آرزوی دراز، آزمودی. ۱/۲۹

آرزو، سبب طمع در عمر کهنسالان



وَ طَمِعْنَا بِأَمْالِنَا فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ

و با آرزوهایمان، در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم. ۱/۲۹

آرزومندی نسبت به خداوند

فَأَقْبَلَ نَحْوَكَ مُوءَمِّلاً لَكَ

پس (با آرزوی) امیدوارانه به تو، به سویت روی آورده. ۸/۳۱

کردار اندک و آرزوی بزرگ

وَ أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْجَسِيمُ أَمَلًا

و من بنده ای هستم که عملش ضعیف و آرزویش بزرگ است. ۹/۳۲

بریده شدن رشته آرزوهای بنده، جز عفو الهی

وَ تَفَطَّعْتُ عَنِّي عِصْمُ الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ

ص : ۳۲

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام. ۹/۳۲

در زمره ناامیدترین گروه آرزومند

وَلَا أُنْجَىٰ... أَقْطَطُ وُفُودِكَ الْأَمَلِينَ

و مبادا من از ناامیدترین گروه های آرزومندت باشم. ۱۵/۳۲

عطای آرزوی بنده

وَهَبْ لِي أَمَلِي

و آرزویم را به من ببخش. ۱۶/۳۷

بازداشتن بندگان، از آرزوی دراز داشتن

وَ أَكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصْرَهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ...

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل راستین، آن را از ما کوتاه کن. ۱/۴۰

عامل بازداشته نشدن بندگان از کار، به سبب آرزو

وَ اِخْطَطُ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ... حَتَّى... تَقْفُو بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ، وَ لَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز، تا ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند و آرزو،

آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد. ۹/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و آرزومندی بهترین خیر و

بخشش الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد،

برسانی. ۲۱/۴۲

نزدیک بودن آرزوها، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ قَرَّبَتْ فِيهِ الْأَمَالَ

درود بر تو ماهی که آرزوها در آن نزدیک شد.

۲۵/۴۵

آرزوها و رسیدن به پایان کرم خدا

انْصَرَفَتِ الْأَمْالُ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است. ۱۲/۴۶

محروم نماندن آرزومندان، از خدا

لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْأَمْلُونَ

آرزومندان از (درگاه) تو بی بهره نمی شوند.

۱۵/۴۶

انعام آمرزش، به آرزومند خدا

وَ اٰمَنُنَّ عَلٰى - بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ اَنْ تَمُنَّ بِهٖ عَلٰى مَنْ اَمَلَكَ - مِنْ غُفْرَانِكَ

و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به

ص : ۳۳

کسی که آرزومند توست، به خاطر آمرزش ارزانی می داری. ۷۰/۴۷

ناامید نگردانیدن بنده، از آرزومندی به خدا

وَلَا تُؤْخِشْنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ

و از آرزومندی به خود ناامیدم نکن، که ناامیدی از رحمت بر من چیره شود. ۱۰۱/۴۷

آرزومند عفو الهی

فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُوْءِئِلُّ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَلَّاقَيْتُ بِيَدِي

پس اگر جایگاهی که از بخشایش آرزومندم نبود، خود را هلاک می ساختم. ۳/۵۰

آرزوی دراز، سبب اشتغال به کار بیهوده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَآلَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَةٌ لِطُولِ أَمَلِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش، به بیهوده کاری مشغول شده.

۸/۵۲

چیره گشتن آرزو، بر بنده

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءَآلَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ

پس - ای مولای من - از تو درخواست

می کنم، درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته است. ۸/۵۲ و ۹

آرمان آرزو

آز حرص و نیز طمع

آزاد

عامل آزاد شدن از آتش دردناک خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم. ۱۵ و ۱۰/۱

آزاد نمودن گردن های بندگان، از عذاب الهی

... وَ أَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نَفْمَتِكَ

و گردن های ما را از عذابت آزاد کن. ۲/۵

آزاد کردن گردن بنده، با عفو خدا

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به گذشت خود آن

را آزاد کن. ۲۹/۱۶

ص : ۳۴

بنده، آزادشده رحمت خداوند

وَ اجْعَلْنِي... عَتِيقَ رَحْمَتِكَ

و مرا آزاد گردیده رحمت قرار ده. ۳۳/۱۶

آزادی از قید عدالت خدا، با احسان او

فَأَصْبِحَ... عَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَثَاقِ عَذَابِكَ

پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است. ۱۰/۳۹

عفو الهی، آزادکننده بنده، در شب های رمضان

وَ إِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيْلِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْتَقُهَا عَفْوُكَ... فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ

و چنانچه در هر شب از شب های این ماه ما، برای تو بندگانی باشد، که عفو تو، آنها را آزاد می کند، پس ما بندگان را از آن بندگان قرار ده.

۱۴/۴۴

کثرت آزادشدگان خدا، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عِتْقَاءَ اللَّهِ فِيكَ

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو! ۳۰/۴۵

درخواست، جهت آزاد شدن از آتش

وَ اَعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْطَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ... وَ مُنَازِلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و رجوع کردن پیاپی من بر آزاد ساختنم از آتش، آباد گردان. ۱۲۳/۴۷

آزار

آزار رساندن به والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى... فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا، وَ عَلُوًّا فِي دَرَجَاتِهِمَا، وَ زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان و بلندی درجات ایشان و افزایش نیکی  
هایشان قرار ده. ۸/۲۴

برگرداندن آزار و زیان ابرها، از بندگان

أَنْزَلَ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابِ وَ بَرَكَتَهَا، وَ اصْرَفَ عَنَّا أَذَاهَا وَ مَضَرَّتَهَا

سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور و آزار و زیانشان را از ما برگردان. ۲/۳۶

بازداشتن بنده، از آزار مسلمانان و مؤمنان

وَ امْتَنَعِنِي عَنْ أَدَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان بازدار. ۱/۳۹

جبران اذیت و آزار بنده، به دیگران

اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا عِبَادٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَذْرَكَهُ مِنِّي دَرَكًا، أَوْ مَسَّهُ مِنْ نَاحِيَّتِي أَذَى... أَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَوْفِيهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِكَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که ناروایی از من به او رسیده یا از ناحیه من به او آزاری رسیده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز.

۴/۳۹

آزار رساندن حسود، با نیش زبانش

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... سَلَّقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ

و چه بسیار حسودی که با زبان تیزش مرا آزرده. ۹/۴۹

آزم شرم

آزمایش

آزمودن فرمانبری بندگان

ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا

سپس ما را فرمان داد تا اطاعت پذیریمان را بیازماید. ۲۱/۱

رومان، آزمایش کننده اهل قبور

... وَ رُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ

... و رومان آزمایش کننده (مردگان) قبرها.

۱۸/۳

اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و آزمایش الهی

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً... وَ الَّذِينَ أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمد و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند... ۳/۴

رهایی یافتن تابعین، از عواقب آزمایش



تُعَافِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا...

ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از امور ترسناک است، عافیت بخشی. ۱۸/۴

آزمودن اخبار (اعمال و کردار) بندگان

بِكُلِّ ذَلِكَ... يَبْلُو أَخْبَارَهُمْ

بدین گونه اخبار آنها را می آزماید. ۷/۶

آزمودن بندگان، با بدگمانی در روزی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمان به بدگمانی، آزمودی. ۱/۲۹

آزمودن بندگان، به آرزوی دراز

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا... فِي آجَالِنَا بِطُولِ الأَمَلِ حَتَّى... طَمِعْنَا بِأَمْالِنَا فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ

خداوندا همانا تو ما را در مدت زندگی هایمان به آرزوی دراز، آزمودی. تا جایی که با آرزوهایمان،

در عمرهای کهنسالان، طمع کردیم. ۱/۲۹

خلوت، و آزمایش الهی

وَلَا تُحِبُّ... خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِتْنَتِكَ

و تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم آشکار می شود، باطل نکن. ۱۳۱/۴۷

آزمایش های گمراه کننده

وَنَجِّنِي مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ

و مرا از آزمایش های گمراه کننده نجات ده.

۸/۵۴

درخواستِ آزمایشِ نشدن به:

أ. ناامیدی از عدل الهی

اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِّي بِالْقُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ

خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت آزمایش نکن. ۱۲/۱۴

ب. آسودگی به سبب نادانی (به کیفر)

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ

خداوندا او (ستمگر) را به ایمنی از کیفرت آزمایش نکن. ۱۲/۱۴

ج. نگاه کردن (چشم به راه بودن)

وَلَا تَفْتِنِّي بِالنَّظْرِ

و مرا به نگاه کردن (چشم به راه بودن)، آزمایش نکن. ۳/۲۰

د. یاری خواستن از غیر خدا

وَلَا تَفْتِنِّي بِالِاسْتِعَانِهِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرَرْتُ

و مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی ام آزمایش نکن.

۱۲/۲۰

ه. فروتنی در مقابل غیر خدا

وَلَا تَفْتِنِّي... بِالْخُضُوعِ لِسُوءِ الْغَيْرِ كَ إِذَا افْتَقَرْتُ

و مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به هنگام نیازم، آزمایش نکن.

۱۲/۲۰

و. زاری نزد غیر خدا

لَا تَفْتِنِّي... بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ

مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترس، آزمایش نکن. ۱۲/۲۰

ز. آنچه (دارایی) به (ثروتمندان) داده

وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا أُعْطِيَتْهُمْ

و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن. ۲/۳۵

ح. آنچه از بنده بازداشته

وَلَا تَفْتِنَّهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي...

و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز. ۲/۳۵

ص : ۳۷

آزمودن آزمایش

آسان

آسان گرداندن راه رستاخیز، بر بندگان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... يُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعُوثِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن راه رستاخیز را بر ما آسان سازد. ۱۰/۱ و ۱۲/۱

امت پیامبر صلی الله علیه و آله و مکلف شدن به کارهای آسان

و لَمْ يُجَشِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا

و ما را جز به کار آسان نگماشته. ۲۳/۱

آسان نمودن اندوه تابعین، در هنگام جان کندن

و تَهَوَّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يُحِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی. ۱۷/۴

آسان نمودن زحمت بنده، بر نویسندگان اعمال

اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَيَّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَوُوتَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز. ۱۵/۶

عامل آسان شدن کارهای دشوار

ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ

سختی ها به توانایی تو آسان شد. ۲/۷

نبود آسان کننده ای، برای آنچه خدا دشوار نموده

و لَا مَيْسَرٌ لِمَا عَسَّرَتْ

و برای آنچه دشوار کردی، آسان کننده ای نیست. ۷/۷

آسان بودن خواسته ها و حاجت ها، برای خدا

...وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ

...و (برآوردن) آن (حوائج) بر تو آسان است.

۱۳/۲۱، ۱۶/۱۲

...وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ

...و آن بر تو آسان است. ۳۰/۳۱

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَهَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمت و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱/۴۸

وَتَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَتَيْسِيرِ ذَلِكَ عَلَيْكَ

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به

ص : ۳۸

قدرتی که بر آن داری و آسان بودن آن بر تو، به عهده گیر. ۴/۴۸

یاری بنده، با آسان ساختن دشواری ها

تَوَلَّيْنِي... بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرَ

با آسان کردن سختی برای من یاری ام فرما.

۲۳/۱۳

آسان نساختن ستم ستمگر، به بنده

وَلَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي

و ستم کردن او را بر من آسان نگردان.

۷/۱۴

آسانی اندوه و پیشامد غضب الهی

وَكُلُّ مَرْزُئِهِ سَوَاءٌ مَعِ مَوْجِدَتِكَ

و هر گرفتاری ای با غضب تو هموارشدنی است. ۹/۱۴

آسان بودن راهنمایی بنده، برای خدا

وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ أَمَكَّنْتَنِي هِدَايَتِي

و (چنان کن که) گمراه نگردم، در حالی که می توانی هدایت من کنی. ۱۴/۲۰

راهی آسان، به سوی محبت خدا

وَأَنْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً

و راهی آسان به سوی محبتت، برایم هموار گردان. ۲۹/۲۰

روا نمودن درخواست بنده، در سختی یا آسانی

وَلَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِدِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي... فِي... شِدَّةِ أَوْ رَخَاءِ

و مرا فراموشکارِ یادت در آنچه به من عطا نمودی، قرار نده، در تنگی باشم یا فراخی.

۸/۲۱

عبارت قرآن و آسان شدن سختی زبان ها

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِي أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَزْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتت آسان کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند. ۴/۴۲

ماه نو، ماه آسانی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هَلَالًا... يُسِّرُ لَنَا يُمَارِجُهُ عُسْرًا

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه آسانی نیامیخته با دشواری قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵

آسانی راه خدا

هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ... وَ سَبِيلِكَ الَّذِي سَهَّلْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به راهت که

ص : ۳۹

آن را آسان نمودی، هدایت کردی. ۱۹/۴۵

نامیدی (مغرور به کرم خدا)، از به آسانی رهایی یافتن

وَمَا أَقْنَطُهُ مِنْ سُهُولِهِ الْمَمَّ - خُرَجِ...

و چه نامید است از به آسانی رهایی یافتن!

۲۰/۴۶

گشایشی آسان، برای ولی خدا

وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا

و برای او پیروزی به آسانی بگشای. ۶۱/۴۷

آنچه بنده از خدا می خواهد بر او آسان گرداند:

أ. عفوش

فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنْكَ

پس به ممت خود، بخشایشت را بر ما آسان گردان. ۲/۱۰

ب. آنچه بر بنده فرود آورده

وَ يَسِّرْ لِي مَا أَخْلَلَتْ بِي

و آنچه بر من وارد نموده ای، برایم آسان کن. ۶/۱۵

ج. راه های رسیدن به خوشنودی اش

سَهِّلْ إِلَيَّ بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي

راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما. ۲۸/۲۰

د. راه به دست آوردن روزی

وَ أَسْأَلُكَ فِي أَنْ تُسَهِّلَ إِلَيَّ رِزْقِي سَبِيلًا



و از تو درخواست می کنم که راهی آسان برای روزی ام، (فراهم) نمایی. ۲۸/۳۲

ه. آنچه از قضای الهی دشوار می داند

وَ سَهَّلْ عَلَيْنَا مَا نَسْتَضِعُّ مِنْ حُكْمِكَ

و آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان. ۴/۳۳

و. سختی جان کندن

وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَيَّ أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ، وَ جَهْدَ الْأَنْبِيَاءِ، وَ تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ...

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن و سختی ناله و خرناسه های پی در پی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان.

۱۳/۴۲

ز. راه خیرات

وَ سَهَّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتِ، وَ الْمَشَاحَةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا أَرَدْتِ

و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای و رقابت در آنها را آنگونه که تو خواسته ای،

ص : ۴۰

برای من آسان گردان. ۹۴/۴۷

آسایش آرامش

روانه ساختن تابعین، به آسایشگاه متقین

و تُصَيِّرُهُمْ إِلَىٰ أَمْنٍ مِّنْ مَّقِيلِ الْمُتَّقِينَ

و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی. ۱۹/۴

خواب، (مایه) آسایش و نشاط بندگان

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِّيُنْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ، فَيَكُونَ ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَ قُوَّةً

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند، که خواب برای آنان نشاط و نیرو آور است. ۵/۶

روانه شدن به سوی آسایش فرج

وَ يَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرُجُ إِلَىٰ رَوْحِ الْفَرْجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایشی فراخ، از او درخواست می شود. ۱/۷

رهایی یافتن از اندوه، با رفتن به سوی آسایش

وَ اجْعَلْ... خَلَاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَىٰ رَوْحِكَ

و رهایی از گرفتاریم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

عطای خاطری آسوده، به بنده

وَ اَمْنِي حُسْنَ الدَّعَىٰ

و آسودگی خاطر به من عطا فرما. ۲۲/۲۰

آرزو نمودن آسایشی بهتر از آسایش خلق

وَ اَرْزُقْنِي سَلَامَةً الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّى لَا اَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي... سَعَةٍ اَوْ رَخَاءٍ اِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي  
اَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در گشایش یا رفاه داده  
ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

هنگام آسایش، خدا را از روی اخلاص خواندن

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَّرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ

و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصان بیچاره، در نیایش برای تو. ۱۴/۲۲

کامیاب نمودن بنده، از شیرینی آسایش

وَ اَوْجِدْنِي... حَلَاوَةً رَحْمَتِكَ وَ رَوْحَكَ وَ رِيحَانِكَ

و مرا از شیرینی رحمتت و آسودگی و آسایش کامیاب گردان. ۱۲۵/۴۷

ص : ۴۱

فراهم ساختن آسایش، در زندگی

وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ وَالِدَّعَةَ...

و بی نیازی و پاکدامنی و آسایش را، برایم فراهم ساز. ۱۳۰/۴۷

شتاب خدا، به آسایش محمد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ وَالرَّوْحَ... لَهُمْ

و در فرج و آسایش آنان، شتاب فرما.

۱۱/۴۸

آستان درگاه

آسمان

اهل آسمان ها، پیرو جبرئیل

جِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ، الْمَطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ

جبرئیل امین وحی توست، فرمانروا در میان اهل آسمان هایت است. ۴/۳

فرشتگان ساکن آسمان ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند، و در آسمان هایت ساکنند.

۶/۳

جای دادن فرشتگان، در درون طبقه های آسمان ها

وَ أَشْكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای. ۱۱/۳

وارد شدن آسمان، در صبح

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهُمَا وَ أَرْضُهَا

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و همه از آن تو هستیم. ۹/۶

گواه گرفتن آسمان و ساکنان آن

وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ سَائِرِ خَلْقِكَ

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را شاهد می گیرم. ۲۱/۶

چشم نینداختن به اطراف آسمان، از شرمندگی

يَا إِلَهِي لَوْ... ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكُلَّ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِخْيَاءً مِنْكَ مَا اسْتِتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ  
مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی

تو، چشم از کرانه های آسمان بردارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

روزی دادن به بندگان از برکات آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ... ارزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

خداوندا ما را از برکات آسمان ها و زمین روزی عطا فرما. ۷/۱۹

عدم اذن بارش، به آسمان دشمنان مزداران اسلام

...لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرٍ

آسمانشان را در باریدن، اذن نده. ۶/۲۷

روزی بندگان، در آسمان

...وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ

و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است. ۴/۲۹

سوگند به پروردگار آسمان

ثُمَّ قُلْتُ: فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین...» ۵/۲۹

شنواندن گفتار خود، به آسمان و ساکنان آن

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّي بِسُوءِ أَثْرِي... لَكِنْ لِيَسْمَعَ سَمَاوَةٌكَ وَمَنْ فِيهَا...

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمانت و هر که در آن است، بشنود. ۲۶/۳۱

درودی پُرکننده زمین و آسمان

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاةً... تَمْلَأُ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ

و بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که آسمان و زمین را پر کند. ۳۴/۳۲

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... مِلْءَ سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ

پروردگار من، بر ایشان به گنجایش آسمان هایت و آنچه در بالای آنهاست، درود فرست. ۵۹/۴۷

سپاسی پُرکننده زمین و آسمان

فَلْكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد. ۶/۳۶

خدا، پدیدآورنده آسمان ها

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین. ۲/۴۷

اللَّهُمَّ... بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

ص : ۴۳

خداوندا، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.

۲/۴۸

سُبْحَانَكَ... فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ

پاک و منزهی! آفریننده آسمان. ۳۱/۴۷

پوشیده نبودن چیزی در آسمان و زمین، بر خداوند

وَ أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. ۳/۵۰

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. ۱/۵۲

آسودگی آسایش

آسیاب

به گردش در آوردن آسیاب عذاب

وَ أَدْرُ رَحَى نَقْمَتِكَ عَلَى الْمُلْحِدِينَ

و آسیاب کيفرت را برای ملحدان به گردش در آور. ۳/۳۶

آشامیدن

بی نیاز بودن فرشتگان، از خوردنی و

آشامیدنی

وَ أَعْيَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای. ۱۱/۳

آشامیدن آب خاکستر آلود، تا پایان عمر



يَا إِلَهِي لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من، اگر در مدّت زندگی ام آب خاکستر آلود بنوشم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

گواراتر از آشامیدن تشنه

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِرِوَالِدِي وَ بَرِي بِهِمَا... اَتَلَّحْ لِبَصْدَرِي مِنْ شَرِبِهِ الظَّمَانِ...

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را برای سینه ام از نوشیدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. ۵/۲۴

گوناگونی آشامیدنی های بهشت

وَ لَوْحٌ مِنْهَا لِابْصَارِهِمْ مَا اَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الَّانْهَارِ الْمُطْرِدَةِ بِانْوَاعِ الشَّرْبِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای، از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز. ۴/۲۷

زیادی آشامیدنی مادر، خوراک جنین

ص : ۴۴

جَعَلْتَ لِي قُوَّةً مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرِيَّتَهُ لِأَمَتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقرر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی. ۲۴/۳۲

آب جوش، آشامیدنی ساکنان آتش

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... تَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيًّا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که اهلش را آب جوشان می نوشاند. ۲۹/۳۲ و ۳۰

ویژگی آشامیدنی ساکنان آتش

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْنِدَةَ سُكَّانِهَا، وَ يَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ

و از آشامیدنی اش که روده و دل ساکنانش را پاره پاره می کند و دل هایشان را برمی کند، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

منع آشامیدنی ها، در ماه رمضان

وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَسَارِبَ إِكْرَامًا

و از جهت گرمی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود. ۴/۴۴

نوشاندن طاعت خدا، به دل بنده

وَ أَشْرَبَ قَلْبِي عِنْدَ ذُحُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ

و دلم را هنگام غفلت عقل ها، به طاعت خود

سیراب کن. ۱۳۰/۴۷

آشتی

توفیق آشتی کردن بنده، با دشمنش

وَ وَفَّقْنَا لِأَنَّ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاسِي مَنْ عُوِدِي فِيكَ وَ لَكَ

و ما را توفیق ده که با کسی که با ما دشمنی کرده، مسالمت نماییم. مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی

شده. ۱۰/۴۴

## آشفتگی

عدم آشفتگی پیروان صحابه، در پیروی از آثار اصحاب

وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ

و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها آشفته نساخت. ۱۱/۴

عدم آشفتگی پیروان صحابه، در اقتدا به نشانه های هدایت صحابه

وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي... الْإِئْتِـمَامِ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ

و تردیدی ایشان را از اقتدا به چراغ هدایت آنها آشفته نساخت. ۱۱/۴

دور ساختن آشفتگی شک، از بنده

فَأَزِجْ عَنَّا رَيْبَ الْإِرْتِيَابِ

پس آشفتگیِ تردید را از ما دور گردان.

۲/۳۳

آشکار

آشکار بودن نعمت های خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَن عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَي مَا... أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

مَا أَفْشَى فِينَا نِعْمَتَكَ

چه آشکار است در (جمع) ما نعمت تو!

۱۸/۴۵

آشکار گشتن دشمنی خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله ، با او

وَ كَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ

و در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت. ۶/۲

آشکار بودن درون اخبار، بر خدا

وَ يَا مَنْ تَظَهَّرَ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ

و ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است. ۶/۵

آشکار نکردن زشتی های بنده

وَ لَمْ تُبْدِ سَوَاءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَائِبِي مِنْ جِيرَتِي...

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

آشکارا یافتن مژده الهی

وَ اَكْتُبْ لِي اَمَانًا مِنْ سَخَطِكَ، وَ بَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْاٰجِلِ بُشْرَى اَعْرِفُهَا، وَ عَرَّفْنِي فِيهِ عَلَامَةً اَتَّبِيْنَهَا

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده. مژده ای که آن را بشناسم و در آن مرا از نشانه ای آگاه کن که آن را آشکارا بیابم. ۳۳/۱۶

آشکار ساختن راهی به سوی محبت خدا

وَ اَنْهَجْ لِي اِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيْلًا سَهْلَةً

و راهی آسان به سوی محبتت، برایم هموار گردان. ۲۹/۲۰

آشکار شدن دوستی بنده، نسبت به همسایگان

ص : ۴۶

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَسِرُّ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً

و خداوندا مرا بر آن دار که در نبودشان دوستی را، آشکار سازم. ۳/۲۶

آشکار ساختن اموری، در برابر چشمان مرزداران اسلام

وَ لَوْحٍ مِنْهَا لِابْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ وَ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ وَ الْحُورِ الْحِسَانِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای، از خانه های همیشگی و سراهای کرامت و حوریان زیباروی، در مقابل دیدگانشان نمایان ساز.

۴/۲۷

آشکار نمودن راز خود، برای خدا

وَ أَبْشِرْكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُصُوعًا

و با خضوع، از رازهایش - آنچه را که خود به آن داناتری - برایت آشکار کرده. ۹/۳۱

توبه از گناهان پنهان و آشکار

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ... بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَ ظَوَاهِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان پنهان و آشکارم، به درگاہت توبه می کنم. ۱۴/۳۱

آشکار ساختن پشیمانی خود، برای خدا

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّي بِسُوءِ أَثْرِي... لَكِنُّ

لَتَسْمَعَ سَمَآءُكَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمان و هر که در آن است و زمینت و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگاهت آشکار نمودم را بشنود. ۲۶/۳۱

آشکار بودن هر پوشیده ای، بر خدا

وَ انْكَشَفَ كُلُّ مَسْتُورٍ دُونَ حُجْرِكَ

و هر پوشیده ای نزد آگاهی تو، آشکار است.

توانایی خدا، بر آشکار ساختن بدی ها و خطاهای بندگان

كَمْ... سَيِّئِهِ اَكْتَسَبْنَاهَا، وَ حَطِيئِهِ اِذْ تَكْتَبْنَاهَا كُنْتَ... الْقَادِرَ عَلٰى اِعْلَانِهَا فَوْقَ الْقَادِرِينَ

چه بسیار بدی ای که آن را کسب کردیم و خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بیشتر از همه قدرتمندان بر آشکار کردنش قادر بودی. ۲/۳۴.

آشکار بودن کرم خدا، در رفتار با نافرمان

فَسُبْحَانَكَ مَا اَبِيْنَ كَرَمَكَ فِيْ مُعَامَلِهِ مَنْ اَطَاعَكَ اَوْ عَصَاكَ....

پس منزهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی

ص : ۴۷

کرده است. ۱۰/۳۷

آشکار گشتن عیب مؤمن، بر بنده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ... مِنْ عَيْبِ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از عیب مؤمنی که برای من آشکار شد، پس آن را نپوشاندم.

۱/۳۸

آشکار نکردن حال بنده، در پیش چشم بزرگان

وَلَا تُعْلِنُ عَلَيَّ عُيُونَ الْمَلَأِ خَبْرِي

و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان، علنی نکن. ۲/۴۱

آشکار نساختن راز

وَلَا تُبْرِزْ مَكْتُومِي، وَ لَا تَكْشِفْ مَسْتُورِي

و رازم را آشکار مکن و (عیب) پوشیده ام را نمایان نسا. ۲/۴۱

آشکار شدن احکام، به واسطه قرآن

جَعَلْتَهُ... قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ...

آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی. ۲ و ۱/۴۲

پناه بردن به دلیل های آشکار قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَيِّنَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند. ۴/۴۲

آشکار گشتن راه خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ كَمَا... أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و چنان که به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمد و خاندانش درود



عامل آشکار ساختن آراستگی ظاهری بندگان

وَ أَدِّمُ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا

و با قرآن ظاهر نیک ما را آشکار ساز.

۱۱/۴۲

آشکار شدن فرشته مرگ

وَ تَجَلَّىٰ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد. ۱۳/۴۲

آشکار ساختن مبهمات

أَمَّنْتُ بِمَنْ... أَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ

ص : ۴۸

ایمان آوردم به کسی که با تو مبهمات را واضح نمود. ۲/۴۳

نشانه های آشکار قرآن

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ الشُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ

و سپاس سزاوار خدایست که ماه خود، ماه رمضان را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. که در آن قرآن فرودستاده شد که برای مردم هدایتگر و نشانه های آشکار از هدایت و جدا سازی (حق از باطل) است. ۳/۴۴

آشکار گرداندن فضیلت ماه رمضان

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها آشکار ساخت.

۴/۴۴

قرار دادن وقتی آشکار، برای ماه رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا لَا يُجِيزُ جَلًّا وَ عَزًّا أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود. ۴/۴۴

آمزش گناهان آشکار و نهان

اغْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ

گناهان پنهان و آشکار ما را بیامر. ۴۸/۴۵

(قرآن)، آشکار سازنده حق

مَا... أَضَدَّعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ

چه آشکار کننده حق است کتاب فرق گذار (قرآن) تو! ۲۲/۴۷

مطابق بودن ظاهر سپاس الهی، با نهانش

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ

سپاس برای توست. سیاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد. ۴۳ و ۳۶/۴۷

آشکار ساختن (گناهان)، در برابر خداوند

أَنَا الَّذِي اسْتَحْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ

منم آنکه (گناهم را) از بندگانت پنهان کرده و نزد تو آشکار نمودم. ۷۹/۴۷

توبه و باقی نماندن گناهان آشکار و پنهان

و تُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا... لَا تَذُرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سَرِيرَةً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری. ۱۲۶/۴۷

روز آشکار گشتن پنهانی ها

وَ لَا تُهْلِكُنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ

و در روزی که پنهان ها آشکار می شود هلاکم نکن. ۱۲۹/۴۷

آنچه برای بنده آشکار می شود

...ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأَ لَكَ

...سپس دعا کن آنچه را برایت آشکار شد.

۲۸/۴۸

زمان آشکار گشتن چاپلوسی ستمگر

...وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بَشَاشَةَ الْمَلِكِ

...در حالی که چاپلوسانه برایم خوش رویی می کرد. ۷/۴۹

آشکار ساختن عذر بنده

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي... أَظْهِرْ فِيهَا عُذْرِي

خداوندا خواسته من این است. عذرم را در آن آشکار فرما. ۷/۵۴

آغاز

ابتدایی بودن نعمت های خدا

...وَإِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ

...و چون همه نعمت های تو ابتدا است.

۳/۱۲

مِنْكَ ابْتِدَاءٌ

بخشش تو ابتدا(یی و بدون مقدمه) است.

۴/۴۵

خداوند آغاز کننده (آفریننده)

إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ الْمُبْدِي الْمُعِيدُ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِيدُ

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده، ستوده، آغازگر، بازگرداننده، انجام دهنده هر چه خواهی می باشی. ۱۸/۲۷

بندگی خدا، از آغاز تا پایان ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حق این ماه و به حق کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱۲/۴۴

آنچه خدا آن را آغاز می کند:

ا. آفرینش بندگان، از آب بی ارزش

اللَّهُمَّ وَ إِنَّكَ... مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا

خداوندا و تو از آب ناچیز آغازمان نموده ای. ۵/۹

ب. نعمت های بزرگ

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالنَّعْمِ الْجِسَامِ

پس سپاس تو را که نعمت های بزرگ را آغاز نمودی. ۲۸/۳۲

ج. یاری کردن بنده

فَابْتَدَأْتَنِي بِنَصْرِكَ

پس به یاری کردنم آغاز نمودی. ۶/۴۹

ص : ۵۰

د. بخشش پیش از درخواست

وَلَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأَتْ

و از تو درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی. ۱۴/۴۹

ه. نیکی و احسان به بنده

لِكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ

ولی تو احسانت را در حق من آغاز نمودی. ۲/۵۱

آفت

نرساندن آفتی در ابرها، به بندگان

وَلَا تُصِيبْنَا فِيهَا بِآفَةٍ

و در آنها آفتی به ما نرسان. ۲/۳۶

نفرستادن آفتی، بر روزی بندگان

وَلَا تُرْسِلْ عَلَيَّ مَعَايِشَنَا عَاهَةً

و زیانی بر معیشت ما نفرست. ۲/۳۶

آفت، و فرورفتن زبان در باطل

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَهُ مُخْرِسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از آفتی باشد قرار ده. ۱۰/۴۲

ماه نو، ماه ایمنی از آفات

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالًا أَمِنًا مِنَ الْآفَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه ایمنی از آفت ها قرار دهد. ۴/۴۳و۵

آفتاب

ناتوانی بشر، از (تحمل) گرمی آفتاب

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ،  
الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ

پس خداوند، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد. ۵/۵۰

آفریدگار

خدا، آفریدگار:

أ. شب و روز

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید. ۱/۶

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ

ص : ۵۱

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیسایند. ۵/۶

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا...

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید.

۶/۶

ب. بندگان

فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا

همانا تو ما را آفریدی و امر و نهی نموده ای. ۶/۲۵

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... خَالِقِي وَ خَالِقِكَ... أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدایی که آفریننده من و آفریننده تو است، درخواست می کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستد. ۴/۴۳

ج. ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... خَالِقِي وَ خَالِقِكَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالًا بَرَكَهٍ

پس از خدایی که آفریننده من و آفریننده تو است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد. ۴/۴۳

د. هر آفریده ای

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ... خَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ

خداوندا سپاس برای توست، آفریدگار آفریدگان. ۲/۴۷

ه. آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین. ۲/۴۷

سُبْحَانَكَ... فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ

پاک و منزهی! آفریننده آسمان. ۳۱/۴۷



اللَّهُمَّ... بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

خداوند، پدیدآورنده آسمان ها و زمین.

۲/۴۸

و. جان ها

سُبْحَانَكَ... بَارِئِ السَّمَاتِ

پاک و منزهی! پدیدآورنده جان ها.

۳۱/۴۷

ز. حمد

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ

سپاس برای توست. سپاسی که آنچه از سپاس ها آفریدی را گرد آورد. ۳۶/۴۷ و ۴۶

ح. درود

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَاةً... تُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا

ص : ۵۲

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که با آن درودهای دیگر پدید آوری، که درودهای گذشته را با آن چندین برابر کنی. ۵۵/۴۷

آفریدگان

زندگی در بین آفریدگان سپاس گزار خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِيمَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بین آفریدگان سپاس گزارش، عمر طولانی نمایم.

۱۰/۱۱۱

درود خدا، بر فرشتگان ناظر بر خلق

... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ... مَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ

... پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که هر کدام از آنان بر خلق

مشغولند. ۲۳ و ۲۰ و ۱۱ و ۳/۱۰

گواه گرفتن آفریدگان

وَ أَشْهَدُ... سَائِرِ خَلْقِكَ...

و سایر آفریدگان را شاهد می گیرم. ۲۱/۶

محمد صلی الله علیه و آله برگزیده خدا از بین آفریدگان

وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ

و همانا محمد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگان است. ۲۲/۶

وَ صَلِّ عَلَى خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ...

خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود، درود فرست. ۵/۳۴

وَ صَلِّ عَلَى... مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ الصُّفْوَةِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ

و بر محمد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست. ۵/۳۴

بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ... تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَّعَمِدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلاً

به حق آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال  
بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده. ۸۶/۴۷

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... خَيْرَ تَكٍ مِنْ خَلْقِكَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد انتخاب شده خود از آفریدگانت درود فرستی.

۳/۴۸

درود فرستادن خدا، بر بعضی آفریدگانش

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

خداوندا پس بر محمد و خاندانش درود

ص : ۵۳

فرست بیش از آنچه بر کسی از آفریدگانت فرستادی. ۲۳/۶

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ

خداوندا و بر محمد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی. ۳۰/۲۰

سبب ستایش خدا، توسط آفریدگان

وَ يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ

ای آنکه با گذشت نیک، آفریدگانش را به سپاس خود واداشته است. ۱۰/۱۲

بی نیازی خدا، از آفریدگانش

تَمَدَّخْتَ بِالْغِنَاءِ عَنِ خَلْقِكَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهایی. ۱۱/۱۳

روی آوردن به آفریدگان، برای حاجت خود

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَّتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ... فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِزْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگان تو رو آورد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده. ۱۴/۱۳

نعمت خدا، بر مخلوقات

وَ أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا

و تو آنی که برای هر آفریده ای در نعمت هایت بهره ای مقرر داشته ای.

۶/۱۶

وَ فَشَّتْ نِعْمَتَكَ فِي جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ

و نعمت در همه آفریدگان پراکنده است.

۱۴/۳۹

گنجیدن همه آفریدگان، در قدرت خدا

وَ أَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ

و تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتت گنجیده اند. ۱۰/۱۶

آب، موجب سرِ پا داشتن آفریدگان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمُ وَالْخَلْقَ

خداوندا ما را با بارانی که چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سرِ پا بداری، سیراب نما. ۵/۱۹

پوشاندن (جامه) وحشت از بدکاران خلق به بنده

وَ أَلْبَسَ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ

و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان.

۱۱/۲۱

واگذاری امور بنده، به خدا و نیکان خلق

...بَلِ اجْعَلْ... كِفَايَتِي بِكَ وَ بَحْيَارِ خَلْقِكَ

ص : ۵۴

...بلکه کفایت را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده. ۱۲/۲۱

واگذار نکردن بنده، به خلق خدا

وَلَا تَكِلْنِي إِلَىٰ خَلْقِكَ

و مرا به خلقت وانگذار. ۲/۲۲

نتیجه واگذاری کار بنده، به خلق

إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَىٰ خَلْقِكَ تَجْهَمُونِي

اگر مرا به آفریدگانت واگذاری، با من ترش رویی کنند. ۳/۲۲

ادا نمودن (حق) آفریدگان خدا

وَ أَقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ ... لِخَلْقٍ مِّنْ خَلْقِكَ ...

و مرا به انجام آنچه برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده. ۶/۲۲

رشک نبردن به هیچ یک از آفریدگان

وَ اِرْزُقْنِي سَلَامَةَ الصُّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّىٰ لَا أَحْسَدَ أَحَدًا مِّنْ خَلْقِكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا به هیچ یک از آفریدگانت حسد نبرم. ۱۲/۲۲

واجب گرداندن حقی (برای امت اسلام)، بر خلق

وَ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا أُوجِبَتْ لَنَا الْحَقُّ عَلَىٰ الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ

و بر محمد و خاندانش درود فرست، چنانکه به سبب او برای ما حقی بر خلق واجب نمودی.

۴/۲۴

فضل خداوند به همه آفریدگان

وَ أَخَذَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ

و با همه آفریدگانش با فضل رفتار کرد.

رشک بردن به آفریدگان

وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا أُعْطَيْتَهُمْ... فَأَحْسَدَ خَلْقَكَ

و مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن، که بر آفریدگانت حسد برم. ۲/۳۵

اعتراف آفریدگان، به ستمکار نبودن خدا

فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی. ۸/۳۷

آماده سازی کیفرهایی، برای مخلوقات

وَلَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِبَعْضِيَانِكَ كُلِّ مَا أَعَدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ

و حال آنکه او در آغاز که همت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می

شد. ۱۴/۳۷

ص : ۵۵

ماه، آفریده ای فرمانبردار

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ

ای آفریده فرمانبردار. ۱/۴۳

راهنمایی آفریده ای، توسط آفریده دیگر

وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَكَ مِنْكَ كَانَ مُؤْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ...

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای،

راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد. ۱۷/۴۵

فرمانبری همه مخلوقات، از خدا

وَ انْقَادًا لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ

و همه آفریدگانت برای تسلیم در برابر تو، گردن نهاده اند. ۲۶/۴۷

سپاسی که آفریده ای مانند آن، خدا را سپاس نگزارده باشد

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که هیچ آفریده ای مانند آن، تو را ستایش نکرده باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۴

درود انواع آفریدگان خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ

كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را

دربرگیرد.

۵۴/۴۷

عزیز گرداندن بنده، در نزد آفریدگان

وَ أَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ



و مرا در نزد آفریدگان عزیز دار. ۱۱۸/۴۷

مضحکه آفریدگان خدا نشدن

وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِّخَلْقِكَ

و مرا سبب خنده آفریدگان قرار نده.

۱۲۴/۴۷

رفتن به سوی مخلوق، به امید صله و عطای او

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ...

خداوندا، هر کسی خود را مهیا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطای او نائل شود.

۵/۴۸

ناامیدی از شفاعت مخلوقی جز محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

ص : ۵۶

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً مِّنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَأَشْفَاعَهُ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعت آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمد و خانواده او - که درود تو بر او و بر ایشان باد - ۶/۴۸.

ترسوترین، افتاده ترین و خوارترین خلق خدا

سُبْحَانَكَ أَخْشَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ، وَ أَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ، وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ

پاک و منزهی! ترسنده ترین آفریدگانت از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست. و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده ترین ایشان به فرمان توست. و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد. ۲/۵۲

مرگ، مقدر برای همه مخلوقات

سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتَ

پاک و منزهی! مرگ را برای همه آفریدگانت رقم زده ای. ۵/۵۲

واجب بودن حق خدا، بر همه مخلوقات

إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن حق واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. ۱۰/۵۲

زایل شدن نام بنده، از میان آفریدگان

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي إِذَا... امَّحَى مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي

مولای من! هنگامی که یادم از میان آفریدگان محو گردد، به من رحم کن. ۵/۵۳

رها نساختن دین خدا، در اثر ترس از آفریدگان

وَ اسْتَعْمَلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

و مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم. ۶/۵۴

آفرینش

صرف روزهای بنده، در آنچه برای آن آفریده شده

وَ اسْتَفْرَغَ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ

و سراسر روزهایم را در آنچه مرا برای آن

ص : ۵۷

آفریدی صرف نما. ۳/۲۰

آفرینشی دیگر برای (جنین)

ثُمَّ أَنْشَأْتِنِي خَلْقًا آخَرَ كَمَا شِئْتَ

آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی. ۲۳/۳۲

عدم دفع زیان از خدا، با آفرینش انسان

أَسْتَوْهَبُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَمْتَنِعَ بِهَا مِنْ سُوءِ

ای خدای من از تو بخشش نفسم را می خواهم که آن را نیافریدی تا به سبب آن از زیان حمایت شوی. ۷/۳۹

هدف از آفرینش انسان

...لَكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِبْرَاءً لِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ مِثْلَهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود. ۷/۳۹

متهم نبودن خدا در آفرینش

...لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّهَمٍ عَلَيَّ خَلْقِكَ

...برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت متهم نیستی. ۹/۴۸

ویژگی های آفرینش انسان:

أ. برگزیدن نیکویی های آفرینش، در

خلقت او

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ

و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید. ۱۷/۱

ب. آفرینش او از ناتوانی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا

خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده ای.

۵/۹

ج. نعمت دادن به او، پیش و پس از آفرینشش

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ

خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینش و پس از آفرینش، او را نعمت داده ای. ۶۷/۴۷

د. درست اندام بودنش

اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا

خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی. ۱/۵۰

ویژگی های آفرینش:

أ. با قُوْت و قدرت

ص : ۵۸

ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا

به قدرت خویش آفریدگان را بی هیچ نمونه ای آفرید. ۳/۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید. ۱/۶

ب. با هدف

...لَكِنْ أَنْشَأَتْهَا إِبْطَاتًا لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا، وَ اخْتِجَاجًا بِهَا عَلَى شَكْلِهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود و بدین سبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی. ۷/۳۹

ج. بی اصل و بنیاد

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنَخٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که اشیا را بدون هیچ اصلی آفریدی.

۱۲/۴۷

د. بدون مانند و نمونه

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي... ابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا اخْتِدَاءٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که نوپیداها را بدون پیروی (از الگویی)

پدید آوردی. ۱۲/۴۷

أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأْتَ، وَ اخْتَرَعْتَ

تویی آنکه بدون نمونه آفرید و اختراع نمود. ۲۱/۴۷

ه. به اندازه معلوم

أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا

تویی آنکه هر چیزی را اندازه معلوم زدی.

أَنْتَ الَّذِي... قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا

تویی آنکه هر چیز را به اندازه معلوم ایجاد نموده ای. ۱۷/۴۷

و. بدون شریک، وزیر، شاهد و ناظر

أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعِينِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَ لَمْ يُوَازِرَكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِيرٌ

تویی آنکه در آفریدنت، شریکی یاری ات نداد و در کارت، وزیری تو را کمک نکرده و برای تو بیننده و مانندی نبوده است.

ز. نیک بودن

أَنْتَ الَّذِي... أَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ

تویی آنکه آفرینش آنچه را که آفرید، نیک گرداند. ۲۱/۴۷

ح. بدون ابزار

أَنْتَ الَّذِي... ابْتَدَعَ

تویی آنکه تازه آفرید. ۲۱/۴۷

ط. پنهان نبودن آفریده، بر خدا

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَكَيْفَ يَخْفَى عَلَيْكَ يَا إِلَهِي مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ؟

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. و چگونه آنچه را که خود آن را آفریده ای - ای خدای من - بر تو

پنهان باشد؟ ۱/۵۲

ی. احاطه بر آفریده

وَ كَيْفَ لَا تُخْصِي مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ؟

و چگونه آنچه را که خود ساخته ای، شمار آن را ندانی؟ ۱/۵۲

آقا سید

آگاهی

نفخه صور، آگاهی دهنده مردگان

إِسْرَافِيلُ... الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ، فَيَنْفِخُهُ بِالنَّفْحِ صَرَوَعِي رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، همان که منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست، تا با دمیدن مردگانِ گرو گورها را

بیدار کند. ۲/۳

آگاه گشتن بنده، از غفلت خویش

اَنْتَبَهْتُ بِتَذْكِيرِكَ لِي مِنْ غَفْلَتِي

با یادآوری تو، از غفلتم آگاه شدم. ۱۶/۱۳

بیماری، عامل آگاهی بنده به توبه



...أَمْ وَقْتُ الْعَلَّةِ الَّتِي مَحَّضْتَنِي بِهَا، وَالنَّعْمِ الَّتِي أَنْحَفْتَنِي بِهَا... تَنْبِيهَا لِنَنَاوِلِ التَّوْبَةِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت هایی را به من هدیه نمودی تا برای فراگرفتن توبه آگاهی باشد. ۴/۱۵

اندک بودن آگاهی بنده، از تهدید خدا به کیفرش

...بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَقَلُّ لِي وَعِيدِكَ ائْتِبَاهَا وَارْتِقَابًا مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي

...بلکه من - ای خدای من - نسبت به تهدیدهای کم هوشیارتر و نامراقب تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا

بر یادآوری گناهام توانا باشم. ۲۷/۱۶

آگاه گرداندن بنده، در اوقات غفلت

و تَبَهَّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ

و مرا در اوقات غفلت، برای یاد خود بیدار کن. ۲۹/۲۰

ص : ۶۰

آگاهی خدا، از مشرکان بی نام و نشان

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِعَذَابِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَالرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرُكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاءُهُمْ وَ صِيَفَاتُهُمْ... وَ  
قَدْ... أَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امت های مشرک، که نام  
ها و نشانه هایشان پنهان است و به توانایی ات بر آنان اشراف داری.

۹/۲۷

آگاهی خداوند، از کارهای پنهان

اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمَكَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است. ۱۱/۳۲

آشکار بودن هر پوشیده ای، در برابر آگاهی خدا

وَ انْكَشَفَ كُلُّ مَسْتُوْرٍ دُونَ خُبْرِكَ

و هر پوشیده ای نزد آگاهی تو، آشکار است.

۱۱/۳۲

عافیت بخشیدن خدا، پس از آگاهی اش

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ... مُعَافَاتِكَ بَعْدَ خُبْرِكَ

خداوندا سپاس تو را، بر عافیت بخشی ات پس از آگاهی ات. ۱/۳۴

آگاه ساختن بندگان، از فرمان الهی

كَمْ... أَمْرٍ قَدْ وَقَفْتَنَا عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ

چه بسیار امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدی نمودیم. ۲/۳۴

آگاه نساختن ستمگر، به ارتکاب هایش

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّي... لَا تَقْفُهُ عَلَيَّ مَا ارْتَكَبَ فِيَّ

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند، او را به خاطر آنچه درباره من انجام داد، آگاه نکن.

۲/۳۹

آگاه گرداندن بنده، از اوقات، واجبات و شرایط نماز

وَقَفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِبِ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَوُضَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی و وظایف آن که معین نمودی و اوقاتش که تعیین گرداندی، آگاه فرما. ۸/۴۴

خبیر و آگاه بودن خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. قدیم آگاه. ۷/۴۷

ص : ۶۱

پوشاندن آنچه خدا از بنده آگاه است

تَعَمَّدَنِي فِيمَا اَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي...

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی ببوشان.

۱۱۹/۴۷

آگاه گرداندن بنده، از اجابت دعا

لَا تُهْلِكُنِي يَا إِلَهِي عَمَّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَ تُعَرِّفَنِي الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي

ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی.

۱۴/۴۸

آل خاندان

آلات ابزار

آلودگی چرکی

آماده

آمادگی برای پس از مرگ

وَ تُحِبُّبِ إِلَيْهِمْ... الْإِسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی ۱۶/۴

آماده ساختن کیفرها

صَوَّرَ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا... أَعْدَدْتَ لِخَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ

نمونه مجازات و کیفری که برای دشمنم آماده کردی، در دلم بگذار. ۱۵/۱۴

وَ لَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْيَانِكَ كُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ

و حال آنکه او در آغاز که همت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می

آماده سازی بندگان، برای (دور کردن) شیطان

اللَّهُمَّ... بَصِّرْنَا مَا نَكَايِدُهُ بِهِ، وَ أَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن. و آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما. ۷/۱۷

آماده ساختن فرشتگان، جهت آب رسانی

أَشْهَدُ مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ السَّفَرَةَ. بِسَقِيٍّ مِنْكَ نَافِعٍ

فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز. ۲/۱۹

آماده نمودن اموری در بهشت، برای بنده

و لَوْحٍ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ وَ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ وَ الْحُورِ الْحِسَانِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از خانه های همیشگی و سراهای کرامت و حوریان

آماده نمودن کار، برای جنگجویان

اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مَلَّتِكَ... فَلَقَّهِ الْيُسْرَ وَ هَيَّئْ لَهُ الْأَمْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، پس او را با آسانی روبرو کن و کارش را آماده ساز. ۱۳/۲۷

آماده بودن کرامت الهی، در آخرت

اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَاجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بَوْرِنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ... إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرِيَتْ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَعَدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضلت برای او روان ساخته ای و از بزرگی ات برایش آماده کرده ای، برسد. ۱۶/۲۷

آماده ساختن پاداش بنده، قبل از طاعت

وَ أَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ

و تو پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعت وارد شوند. ۷/۳۷

جایگاه هایی آماده، برای دوستان خدا

جَلَّلْنِي شَرَائِفَ نَحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمَعْدَةِ لِأَجْبَانِكَ

در مکان هایی که برای دوستانت آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بیوشان. ۱۲۸/۴۷

آمادگی رفتن به سوی مخلوق، به امید عطا

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَ تَعَبَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِرُفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ... فَأَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتْ الْيَوْمَ تَهَيَّيْتِي وَ تَعَبَّيْتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي

خداوندا، هر کسی خود را مهیا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود. پس ای سرور من، امروز مهیا و آماده گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم.

آمادگی رفتن به سوی خدا، به امید عفو و احسانش

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَاعْتَدَّ لِرَفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَطَلَبَ نَيْلِهِ وَجِائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ  
تَهَيَّئْتِي وَتَعَبَّبْتِي وَاعْتَدَدْتِي وَاسْتَعْدَدْتِي رَجَاءَ عَفْوِكَ وَرِفْدِكَ وَطَلَبَ نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ

خداوندا، هر کسی خود را مهیا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و  
عطا و درخواست

ص : ۶۳

بخشش و احسان او نائل شود. پس ای سرور من، امروز مهیا و آماده گشته و ساز و برگ تهیه نموده تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آموزش و صله و درخواست بخشش و احسان تو نائل شوم. ۵/۴۸

آمدن

قصد آمدن به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا أَوْءُكُمْ بِالْوَفَادَةِ

پس اینکه منم که آهنگ آمدن به درگاه تو را نمودم. ۲۵/۴۶

حالت آمدن بنده، به درگاه خدا

إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... أَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی از همان درهایی که فرمان داده ای از آنها وارد شوند، نزد تو آمده ام. ۷۲/۴۷

أَتَيْتُكَ مُقَرًّا بِالْجُرْمِ وَالْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم. به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگ امیدوارم.

۷/۴۸

آمزش عفو و نیز گذشت

طواف آموزش جویان، به گرد خداوند

يَا أَعْظَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ

ای مهربانی که آموزش خواهان گرد او می گردند. ۹/۱۲

طلب آموزش الهی

...وَ اغْفِرْ ذَنْبِي

...و گناهم را ببامرز. ۱۶/۱۲



وَ اَغْفِرْ لِي

و مرا بیامرز. ۲۶/۴۸، ۱۵/۳۲

رَبَّنَا... اَغْفِرْ لَنَا

پروردگارا، ما را بیامرز. ۱۱/۴۵

اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي

برای گناهان گذشته ام از تو آمرزش می خواهم.

۲۶/۴۸

إِلَهِي... فَاسْتَغْفِرْتُ فَأَقَلَّتْ

خدای من پس آمرزش خواستم و تو درگذشتی.

۱/۴۹

أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفُرَ عَنِّي، وَ تَغْفِرَ لِي

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام.

۷/۵۱

اَغْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِي

گناهانی را که از من می دانی، بیامرز. ۱۳/۵۱

ص : ۶۴

خداوند، اهل آمرزش

إِنَّكَ... أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

زیرا تو سزاواری که بیامری. ۱۶/۱۲

أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَ أَنْكَ... أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

می دانم دلیل روشن از آن توست و سزاواری که بیامری. ۱۱۶/۴۷

آمرزش بنده و عدم شایستگی او

وَ إِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ... فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ

و اگر مرا بیامری هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. ۳۱/۱۶

اللَّهُمَّ... إِلَيَّ عَفْوِكَ قَصِدْتُ... وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَ لَا فِي عَمَلِي مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ

خداوندا به سوی بخشایش تو آهنگ نموده ام. در حالی که آنچه موجب آمرزیدن تو گردد، در من نیست و در عملم چیزی

که سزاوار عفو تو شوم وجود ندارد. ۱۵/۲۰

لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ

هیچ کس در حدی نیست که به سبب استحقاقش آمرزش را ایجاب کند. ۴/۳۷

چشاندن شیرینی آمرزش، به بنده

وَ أَدْفِنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ

و شیرینی آمرزش را به من بچشان. ۳۳/۱۶

آمرزش والدین، به سبب مهربانی به فرزند

وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِرَّهَمَا بِي مَغْفِرَةً حَتَّى مَا

و ایشان را به خاطر نیکی ایشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن. ۱۴/۲۴

آمرزش فرزند، به سبب دعا به والدین

وَاعْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا...

و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرز.

۱۴/۲۴

آمزش والدین و شفاعتشان در حق فرزند

اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ

خداوندا و اگر آمرزش برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. ۱۵/۲۴

آمزش فرزند و شفاعتش در حق والدین

اللَّهُمَّ... وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا

خداوندا و اگر آمرزش برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. ۱۵/۲۴

گرد آمدن والدین و فرزندان، در محل آمرزش

اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي

ص : ۶۵

دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمتت گرد آیم. ۱۵/۲۴

بزرگ نبودن آمرزش گناه بزرگ، بر خدا

...لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاطَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ

... زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست. ۱۰/۳۱

رو آوردن خدا به بنده، با آمرزش

وَ الْقِنِي بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتَكَ بِإِقْرَارِي

و با آمرزش خود به من رو آور، همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم. ۱۲/۳۱

آمرزش آنچه خدا از بنده می داند

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَأَعْفُؤْ لِي مَا عَلِمْتَ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، ببامرز.

۱۷/۳۱

درخواست آمرزش، سبب ریختن گناهان

وَ إِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

و اگر درخواست آمرزش سبب ریختن گناهان است، پس من به درگاه تو از آمرزش خواهانم.

۲۸/۳۱

اعتماد کردن به خدا، برای آمرزش خود

وَ وَثِقْتُ بِكَ رَبِّ فِي الْمَغْفِرَةِ لِي، وَ أَنْتَ أَوْلَى مَنْ وَثِقَ بِهِ

و پروردگار من، در آمرزش - برای خود - به تو اعتماد نمودم و تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد شد. ۲۲/۳۲

لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ... فَمَنْ غَفَرَتْ لَهُ فَبَطُولِكَ

هیچ کس در حدی نیست که به سبب استحقاقش آموزش را ایجاب کند. پس هر کس را آمرزیدی، از احسان  
توست. ۴/۳۷و۵

عدم سخت گیری، در ابزار رسیدن به آموزش

و لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ

و از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آموزش تو نائل شد، حسابکشی سخت نکردی.

۱۳/۳۷

طلب آموزش برای دیگران

ص : ۶۶

اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا عِبْدٍ نَالَ مِنْي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ... فَاعْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّي

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.

۲/۳۹

مرگ، دری از درهای آمرزش خدا

وَ اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ

و آن را دری از درهای آمرزش قرار ده.

۴/۴۰

کامل ساختن کرامت بنده، با آمرزش

وَ اكْمِلْ كَرَامَتِي بِغُفْرَانِكَ

و به آمرزش، کرامت مرا کامل گردان.

۴/۴۱

آمرزش گناهان پنهان و آشکار بنده

وَ اعْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ

و گناهان پنهان و آشکار ما را بیامرز.

۴۸/۴۵

آمرزش خواهان و عذاب الهی

وَ لَا يَشْقَى بِنَقْمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ

و آمرزش خواهان به کیفیت تیره بخت نمی شوند. ۱۵/۴۶

انعام آمرزش، به بنده

وَ اٰمَنُنَّ عَلٰى - بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ اَنْ تَمُنَّ بِهٖ عَلٰى مَنْ اَمَلَكَ - مِنْ غُفْرَانِكَ

و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می کند ارزانی می داری.

۷۰/۴۷

توبه کننده و طلب آمرزش

تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ... عَاذَ بِاسْتِعْفَارِكَ تَائِبًا

در این روز، مرا بیوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو

آورده. ۸۶/۴۷

طلب آمرزش، در عید قربان و روز جمعه

اَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ... اَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَ لِهَمَّ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما و ایشان را ببامرزی. ۳/۴۸

اطمینان بنده، به آمرزش الهی

اِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ اَوْثَقُ مِنِّي بِعَمَلِي، وَ لِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است و آمرزش و رحمت تو، از گناهانم وسیع تر

است. ۴/۴۸

ص : ۶۷

گشایش دادن به بنده، با آمرزش

وَ تَوَسَّعَ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ

و به آمرزشت به من گشایش ده. ۸/۴۸

رحمت الهی و آمرزش بنده

وَ إِنْ تَغْفِرُوا فَأَنْتَ أَزْحَمُ الرَّاحِمِينَ

و اگر ببخشایید، پس تو بخشاینده ترین بخشاینده گانی. ۱۴/۵۱

آمرزنده

خدا، آمرزنده (گناهان) بزرگ

إِنَّكَ أَنْتَ... الْغَافِرُ الْعَظِيمُ

به درستی که تو آمرزنده برای (گناه) بزرگ هستی. ۲۴/۶

خداوند، آمرزنده بنده گریان

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... غَافِرٌ لِمَنْ بَكَكَ فَأُسْرِعَ فِي الْبُكَاءِ؟

ای خدای من آیا تو گریه کننده ات را می آمرزی تا من در گریستن شتاب نمایم؟

۱۵/۱۶

آمرزنده بودن خداوند

إِنَّكَ... غَفُورٌ...

همانا تو آمرزنده ای. ۱۲/۲۵

خدا، بهترین آمرزنده

إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ

به درستی که تو بهترین آمرزنده گانی.



إِنَّكَ أَنْتَ... خَيْرُ الْغَافِرِينَ

همانا تو بهترین آمرزندگان. ۶۵/۴۷

خدا، آمرزنده همه گناهان

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

به درستی که خدا همه گناهان را می آمرزد.

۲/۵۰

نیافتن آمرزنده ای جز خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... سُوءَ آلَ مَنْ لَا يَجِدُ... لِدُنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که بخشاینده ای برای گناهانش جز تو نمی یابد. ۳/۵۴

آموختن

آموختن نادانسته های مرزداران، به آنان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرِّفُهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمُهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست و آنچه را نمی شناسند، به آنان بشناسان و آنچه نمی دانند، به ایشان بیاموز. ۳/۲۷

ص : ۶۸

آموختن روش نیکو (در معیشت)، به بنده

اللَّهُمَّ... عَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ

خداوندا روش نیکو را به من بیاموز. ۳/۳۰

آموختن ستایش، به بنده

و تَكْفِيءٍ مَنْ حَمِدَكَ وَ أَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ

و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی و حال آنکه سپاس گزاری را تو به او آموخته ای. ۷/۴۵

آموخته علم

آمیختن

آمیختگی کارها

و وَفَّقْنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاهَا

و آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

آمیختگی آب های مشرکان، به وبا

اللَّهُمَّ وَ امْرُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا درآمیز.

۱۲/۲۷

آمیخته شدن خوراک مشرکان، با بیماری

اللَّهُمَّ وَ امْرُجْ... أَطْعَمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ

خداوندا و خوردنی هایشان را به امراض درآمیز. ۱۲/۲۷

جامی آمیخته به زهر مرگ

وَ تَجَلَّى مَلِكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ... وَ دَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ كَأَسَا مَسْمُومَةٍ الْمَدَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهر آلود است - آمیخته سازد. ۱۳/۴۲

نیامیختن آسانی، با دشواری

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هَلَالًا... يُشِيرُ لَا يُمَازِجُهُ عُسْرٌ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه آسانی نیامیخته با دشواری قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵

نیامیختن عطای خدا، با منت

إِنْ أَعْطَيْتَ لَمْ تَشِبْ عَطَاءَ كَ بِمَنْ

اگر عطا کنی، عطایت را با منت نیامیخته ای.

۵/۴۵

نیامیختن کارهای نیک، با معصیت

لَا تُخْبِطُ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوْبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، باطل نکن. ۱۳۱/۴۷

آمیختن لبه تیغ، با زهرهای کشنده

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَذَ لِي ظُبَّهُ مُدَيْتِهِ... وَ دَافَ لِي

ص : ۶۹

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و آن را برای من با زهرهای کشنده اش درهم آمیخت. ۴/۴۹

آوازه شهرت

آوازه ای نیک، در بین آیندگان

وَ اجْعَلْ لِي... ذِكْرًا نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ

و برای من آوازه نیک در آیندگان قرار ده.

۱۲۷/۴۷

آویختن

حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، آویختنگاه اصحاب

اللَّهُمَّ وَ اصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً... الَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمد و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند... ۳/۴۶

آویختن به عصمت قرآن

وَ لَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ

و هر که به دستاویز عصمت آن چنگ زد، دست هلاکت به او نمی رسد. ۳/۴۲

آهسته

صدای آهسته، در برابر والدین

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي

خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز.

۶/۲۴

آیات

دلالت آیات قرآن، به رحمت خداوند

إِنَّ ذَلِكَ... لَا يُؤْوِدُكَ فِي جَزِيلِ هَبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ

بدرستی که این در برابر بخشش های بسیار که نشانه هایت بر آن دلالت دارد بر تو سنگین نمی باشد. ۳۴/۱۶

گردن نهادن در برابر آیات محکم قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمِ-حُكْمِ آيَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

محمد صلی الله علیه و آله ، رساننده آیات قرآن

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ، وَ أَدَّى مِنْ آيَاتِكَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را

ص : ۷۰

ابلاغ نمود و آیه هایت را رساند، پاداش ده. ۲۲/۴۲

تلاوت آیات قرآن و هراس بنده

اجْعَلْ... رَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ

هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.

۱۲۲/۴۷

آیندگان

داشتن نام نیک، در بین آیندگان

وَ اجْعَلْ لِي... ذِكْرًا نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ

و برای من آوازه نیک در آیندگان قرار ده.

۱۲۷/۴۷

دشمنانِ جانشینانِ خدا، از پیشینیان و آیندگان

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان لعنت کن. ۱۰/۴۸

آینده

رسیدن به (سود) آینده

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصَرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ... وَ يَسِرُّوْا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَ دَرَكَ الْآجِلِ فِي  
أُخْرَاهُمْ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند و در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از  
دنیا و یافتن سود آینده در آخرت. ۶/۶

عطا نمودن خواسته ها، در آینده

وَ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لَوْلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانند آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده بیخس. ۱۲/۲۵

رساندن عمرها، به ماه رمضان آینده

وَ اَبْلُغْ بِاَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ اَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ

و عمر ما - که در پیش روی ماست - را، به ماه رمضان آینده برسان. ۴۶/۴۵

آیین دین

ص : ۷۱





الف

ابتدا آغاز

ابتکار اختراع

ابتهال دعا

ابر

فرشتگانِ سرعت دهنده ابرها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ... زَوَّجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که حرکت دهندگان ابرند. ۱۳ و ۱۱ و ۳/۱۰

به شنا درآمدن ابر خروشان

وَ إِذَا سَبَحْتَ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

و آنگاه که با خروش او (فرشته)، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد. ۱۴/۳

باران فراوان ابر

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ أَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ مِنَ السَّحَابِ

خداوندا ما را از باران سیراب نما و رحمت را با باران فراوان از ابر، بر ما بگستران. ۱۹/۱

بیان ویژگی های ابر (مطلوب)

...سَحَابًا مُتْرَاكِمَا هَنِيئًا مَرِيئًا طَبَقًا مُجَلَجَلًا، غَيْرَ مُلِثٍّ وَ دَقُّهُ، وَ لَا خُلْبٍ بَرَقُهُ

...ابری درهم فشرده، گوارا، خوش، فراگیر، غزنده. نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و بی باران. ۱۹/۳

کنار رفتن ابرهای کوری (گمراهی)، از مقابل (دیدگان) بنده

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى، وَ تَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابُ الْعَمَى... فَرَأَى كَبِيرَ عَضِيَانِهِ كَبِيرًا

...ایا همین که چشم هدایت برای او گشوده شد و ابرهای کوری از مقابلش کنار رفت، پس گناه بزرگش را بزرگ

ابر، نشانه ای از خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَاتِنِ مِنْ آيَاتِكَ

خداوندا همانا این دو (ابر و آذرخش)، دو نشانه از نشانه های تو هستند. ۱/۳۶

ص : ۷۳

ابر، خدمت گزار خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ... هَذَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ

خداوندا همانا این دو، دو خدمت گزار از خدمت گزاران تو هستند. ۱/۳۶

رخت بلا نپوشاندن بر بندگان، به وسیله ابر

اللَّهُمَّ... لَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ

خداوندا به سبب آن دو (ابر و آذرخش)، جامه بلا بر ما نپوشان. ۱/۳۶

ابر، شتابنده به فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... يَبْتَغِيَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نِقْمَةٍ ضَارَّةٍ

خداوندا همانا این دو، به رساندن رحمتی سودمند یا کیفری زیان بار، به طاعت می شتابند.

۱/۳۶

فرستادن سود و برکت ابرها، برای بندگان

وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابِ وَبَرَكَاتَهَا

و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور.

۲/۳۶

برداشتن زیان ابرها، از بندگان

وَأَصْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا وَمَضَرَّتَهَا

و آزار و زیانشان را از ما برگردان. ۲/۳۶

نفرستادن بیماری، به وسیله ابرها

وَلَا تُصِيبْنَا فِيهَا بِآفَةٍ

و در آنها آفتی به ما نرسان. ۲/۳۶

ابره‌ای کیفر

اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً وَأَرْسَلْتَهَا سَخَطَةً فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته‌ای و از روی خشم فرستاده‌ای، پس ما از خشمت، از تو امان می‌خواهیم. ۳/۳۶

وَ كَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَيْتَهَا عَنِّي، وَ سَحَابٍ نِعْمٍ أَمْطَرْتَهَا عَلَيَّ

و چه بسیار ابرهای مصیبت‌باری که از من برطرف نمودی و ابرهای نعمت‌افزایی که بر من باراندی. ۱۱/۴۹

دور نمودن ابرهای ناخوشایند، از بنده

وَ كَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَيْتَهَا عَنِّي

و چه بسیار ابرهای مصیبت‌باری که از من برطرف نمودی. ۱۱/۴۹

فرستادن ابرهای نعمت، بر بنده

وَ كَمْ مِنْ ... سَحَابٍ نِعْمٍ أَمْطَرْتَهَا

و چه بسیار ابرهای نعمت‌افزایی که بر من باراندی.

۱۱/۴۹

ص : ۷۴

ابراهیم علیه السلام و آل او، از برگزیدگان خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ... عَلَى أَصْفِيائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. مانند درودهایی که بر برگزیدگان: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی. ۱۱/۴۸

درود، برکات، و تحیات خدا بر ابراهیم علیه السلام و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. مانند درودها و برکت ها و تحیات هایی که بر برگزیدگان: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی.

۱۱/۴۸

ابزار

ابزار بسط، در (بدن) انسان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ

و سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست. ۲۰/۱

ابزار قبض، در (تن) انسان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... جَعَلَ لَنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ

و سپاس خدای را که افزارهای قبض و در هم کشیدن را برای ما قرار داد. ۲۰/۱

ابزار رسیدن به آموزش الهی

وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْآلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ

و از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها، به آموزش تو نائل شد، حسابکشی سخت نکردی.

ابطال

ابطال مکر و حيله شيطان

اللَّهُمَّ... وَ أْبْطِلْ كَيْدَهُ

خداوندا و فرییش را باطل فرما. ۱۳/۱۷

ابلیس شيطان

ابهام شكّ

اتّصال پیوستگی

اتقان استواری

اتّهام تهمت

اثبات

اثبات قدرت خدا، در آفریدن

ص : ۷۵

...لَكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِيَّاتَا لِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ مِثْلَهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود. ۷/۳۹

اثر نشانه

اجابت

نزدیکی به پیامبر صلی الله علیه و آله ، با اجابت (دین خدا)

وَقَرَّبَ الْأَقْصَيْنِ عَلَيَّ اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ

و دورتران را بر اثر پذیرفتنشان - برای تو - نزدیک نمود. ۱۰/۲

و عده خدا، به اجابت بیچارگان

سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجِبْتَ إِجَابَتَهُمْ

پاک و منزهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای. ۴/۱۰

اللَّهُمَّ... عَرَّفْنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ

خداوندا اجابتی که بیچارگان را وعده داده ای، به من بشناسان. ۱۲/۱۴

خدا و اجابت نمودن هر که او را خوانده

إِنَّكَ... مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ

به درستی که تو برای هر که تو را صدا زند، اجابت کننده ای. ۵/۱۱

خداوند، ضمانت کننده اجابت دعا

يَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ

ای آنکه روا شدن خواسته ها را برای ایشان ضمانت کرده است. ۱۰/۱۲

وَ أَقْضِ لِي حَوَائِجِي، وَ لَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَ قَدْ ضَمِنْتَهَا لِي

و حاجت هایم را برآور و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمانت کرده ای.

طلب اجابت دعا

وَ أَنْجِحْ طَلِبَتِي... آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و درخواستم را برآور. بپذیر، پروردگار جهانیان. ۱۶/۱۲

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

۱۶/۱۴، ۴/۲۶، ۴/۴۱، ۱۲/۴۸

وَ اسْمِعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ... آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و آنچه خواسته ایم بشنو. پروردگار جهانیان اجابت فرما. ۱۶/۱۷

وَ أَنْجِحْ مَطْلِبِي

و مطلبم را برآور. ۴/۲۱

...آمِينَ

(این دعا را) اجابت فرما. ۳/۲۵

وَ اقْضِ لِي حَوَائِجِي...

ص : ۷۶



و حاجت هایم را برآور. ۹/۲۵

وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي

و دعایم را مستجاب کن. ۲۵/۴۶

وَ اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ

و همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام، برایم مستجاب فرما. ۲۸/۴۸

غیر خدا را سبب برآوردن حاجت قرار دادن

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَّتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِزْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

خداوند اجابت کننده

كُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا

درخوامم را اجابت کن. ۲۱/۱۳

إِنَّكَ... مُجِيبٌ...

همانا تو اجابت کننده ای. ۱۲/۲۵

یاری نمودن بنده، با برآوردن حاجتش

وَ تَوَلَّيْنِي بِنُجْحِ طَلَبْتِي وَ قَضَاءِ حَاجَتِي

و به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم مرا یاری فرما. ۲۳/۱۳

سبب اجابت دعای بندگان

وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلَبْتِي

و بر محمد و خاندانش درود فرست و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده.

۲۴/۱۳

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... صَلَاةً... يُسْتَجَابُ لَهَا دُعَاؤُنَا

و بر او و خاندانش درود فرست، درودی که دعای ما به سبب آن مستجاب گردد. ۵۶/۴۵

پیوند دادن دعای بنده، به اجابت

صَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ

درخواست مرا به روا شدن متصل گردان.

۱۱/۱۴

اجابت نکردن دعوت شیطان

وَ لَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا

و هرگاه که (شیطان) ما را فراخواند، پاسخش ندهیم. ۱۴/۱۷

اجابت درخواست بنده، به قدرت الهی

اللَّهُمَّ فَاطِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ

خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می کنم، برایم برآور. ۲۵/۲۰

ناامید نگشتن، از اجابت الهی

وَ لَا تَجْعَلْنِي... آيسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَ إِنِ ابْطَأَتْ عَنِّي

ص : ۷۷

و مرا ناامید از اجابت - گرچه دیر شود - قرار نده. ۸/۲۱

وعده اجابت

اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ... مُنْتَجِزًا وَعَدَاكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که وفا به وعده ای را که پیرامون اجابت داده ای، خواستارم. زیرا که می فرمایی: «مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم.» ۱۱/۳۱

و قُلْتَ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

و فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.» ۱۵/۴۵

أَدْعُوكَ فَتَجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ تَدْعُونِي

تو را می خوانم، پس مرا اجابت می کنی و اگر چه هنگامی که مرا می خوانی، کند هستم.

۱۱/۵۱

درود اجابت کنندگان، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً... تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای بندگان از جن و انس و اجابت کنندگان دعوت را شامل شود.

۵۴/۴۷

پذیرفتن اجابت حاجت بنده، از جانب خدا

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا

و بر آوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری، به عهده گیر. ۴/۴۸

تأخیر مرگ، تا زمان اجابت دعا

لَا تُهْلِكْنِي يَا إِلَهِي عَمَّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَ تَعْرِفَنِي الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي

ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابت کنی و از روا شدن دعایم آگاهم نمایی.

اعتماد بنده، به اجابت سریع الهی

فَنَادَيْتُكَ... وَاتَّقَا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ

پس تو را خواندم، در حالی که به اجابت سریع تو اطمینان داشتم. ۱۰/۴۹

اجابت دعا، هنگام اضطرار

أَنْتَ الَّذِي أَجَبْتَ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي

تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی. ۴/۵۱

اجازه اذن

عدم اجازه الهی، در پیش انداختن زمان ماه رمضان

ص : ۷۸

وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنَنَا لَا يُجِيزُ جَلًّا وَعَزًّا أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ...

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود. ۴/۴۴

اجتماع

اجتماع با پیامبران، در بهشت

و الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُصَافُّ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمَقَامِهِ الَّتِي لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است. ۱۰/۱۶ و ۱۰/۱

اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و گرد آوردن مردم، بر (دین) خدا

...وَمَا حَاشُوا الْخَلْقَ عَلَيْكَ

و مردمان را بر تو گرد آوردند. ۷/۴

اجتماع آفریدگان، تحت اراده خدا

...و تَضْمَنَّا مَشِيئَتَكَ

و اراده توست که ما را جمع می کند. ۱۰/۶

گرد آمدن (خوی های زشت)

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که از آنچه بر او گرد آمده، ترسان است. ۱۲/۱۲

رستاخیز، محل گرد آمدن دشمنان

اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي... تَزَكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخِصْمِ... أَيُّدِنِي مِنْكَ بَيْنِي صَادِقِهِ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستاخیز و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس مرا به

نیت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده. ۱۴/۱۴

گرد نیامدن با دوری گزیننده از خدا

وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ... وَ لَا مُجَامَعِهِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ

و مرا به سستی در عبادت و گرد آمدن با کسی که از تو دوری نموده، گرفتار نساز. ۱۱/۲۰

گرد آمدن والدین و فرزندان، در محل آموزش

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي سَأَلْتُكَ مَغْفِرَتَكَ لَهُمَا فَاغْفِرْ لَهُمَا فَيَّ، وَ إِنِّي سَأَلْتُكَ مَغْفِرَتَكَ لِي فَسَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ  
مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ

خداوندا و اگر آموزش برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر

ص : ۷۹

آموزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آموزش و رحمتت گرد آیم. ۱۵/۲۴

گرد آمدن مشرکان علیه مسلمانان

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ... وَ تَبْطِئْهُمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضد مسلمانان بازشان دار. ۱۰/۲۷

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ... أَخْرَجْتَهُ تَحْزُبِ أَهْلِ الشُّرْكِ عَلَيْهِمْ، فَتَوَى غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَأَكْتُبِ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که اجتماع مشرکان بر ضد ایشان، اندوهگینش نمود، از این رو قصد جنگ کرد، اما ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

عامل گردآورنده کارهای پراکنده بندگان

وَ اجْمَعْ بِهِ مُتَشَرِّ أُمُورِنَا

و با آن (قرآن) کارهای پراکنده ما را گرد آور.

۱۱/۴۲

گرد آوردن بندگان، در گروه پیامبر صلی الله علیه و آله (در قیامت)

وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ

و ما را در گروه او محشور کن. ۲۰/۴۲

عید فطر، روز اجتماع مسلمانان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشَدًا -

خداوندا ما در روز فطرمان که آن را برای اهل ایمان عید و شادی و برای اهل دینت محل اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم.

۵۲/۴۵

درودی گردآورنده درود آفریدگان

بُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که درود هر که آفریده ای و ایجاد نموده ای از انواع آفریدگانت را دربرگیرد.

۵۴/۴۷

اجتماع مسلمانان، در روز عید قربان و جمعه

وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمین گرد هم می آیند. ۱/۴۸

اجتناب دوری

اجر پاداش

ص : ۸۰



اجرا انجام دادن

اجرا نمودن درخواست بنده، از خدا

وَ اَسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ... وَ اَمُضِهِ

و همه آنچه را که از تو خواسته ام، برایم مستجاب فرما و آن را اجرا کن. ۲۸/۴۸

اجمال

نزول اجمالی قرآن، بر محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجْمَلًا

خداوند! همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بدون تفصیل و شرح نازل کردی. ۵/۴۲

احتجاج حجت

احترام حرمت

احتیاج نیاز

احسان نیکی

احصا شمار

احضار فراخوانی

احکام فرمان

نظارت خدا به (رفتار) بندگان، در مورد

احکامش

وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَ مَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ

و می نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجبات و موارد احکامش چگونه اند. ۷/۶

تجاوز نمودن، از احکام و حدود الهی

وَتَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ انْتِهَكْتُهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام. ۱۸/۳۲

وَ أَيْتُ إِلَّا... تَعَدِّيًّا لِحُدُودِكَ

و من جز تعدی از حدود تو کاری نداشته ام.

۱۴/۴۹

آشکار شدن راه های احکام الهی

وَ جَعَلْتَهُ... قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ

و آن را قرآنی قرار دادی که با آن راه های احکامت را روشن ساختی. ۱/۴۲ و ۲/۴۲

بازداشتن بندگان، از تجاوز نمودن از احکام

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَ تَعَدِّي حُدُودِكَ ذَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از

حدودت باشد. ۱۲/۴۲

ص : ۸۱

وَ قَفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی، آگاه فرما. ۸/۴۴

انجام دستورات ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس حدودش را آن طوری که حقش بوده به پا داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما

بیخش. ۵۰/۴۵

به پا داشتن احکام و حدود الهی

وَ أَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ...

و کتاب خود و احکامت را به وسیله او به پا دار. ۶۲/۴۷

احیا

پیامبر صلی الله علیه و آله و احیای دین خدا

وَ قَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ

و در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

اخبار آگاهی

آشکار بودن درون اخبار، بر خدا

يَا مَنْ تَطَهَّرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ

ای کسی که اخبار پنهانی نزد او آشکار است.

۶/۵

آزمودن اخبار (اعمال) بندگان

بِكُلِّ ذَلِكْ... يَبْلُو أَخْبَارَهُمْ

بدین گونه اخبار آنها را می آزماید. ۷/۶

روز آشکار گشتن اخبار بندگان

يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ

روزی که اخبار بندگان را آشکار می کنی...

۴/۱۱

پنهان نبودن اخبار دادخواهان، از خدا

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ

ای کسی که خبرهای دادخواهان بر او پنهان نیست. ۱/۱۴

اختراع آفرینش، آفریدگار و نیز آفریدگان

اختراع و ایجاد خلق

ص : ۸۲

وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَيَّ مَشِيئَةً اخْتِرَاعًا

و ایشان (آفریدگان) را به خواست خود از هیچ، به وجود آورد. ۳/۱

بدعت گذاران و اختراع اندیشه

أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ... وَ رَفُضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ

این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و فروگذاردن اهل بدعت و هر که به رأی ساختگی خود عمل می کند، کامل گردان. ۱۰/۲۰

خدا، مخترع و آفریننده

أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأْتَ، وَ اخْتَرَعْتَ

تویی آنکه بدون نمونه آفرید و اختراع نمود.

۲۱/۴۷

اختصاص

اختصاص فرشتگان، به خدا

...وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَّصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

...و گروه های فرشتگانی که به خود اختصاصشان داده ای. ۱۱/۳

اختصاص بهترین ها، برای محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ

الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.

۱/۲۴

اختصاص والدین، به کرامت الهی

وَ اَخْصِصِ اللّٰهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ

و خداوندای، پدر و مادر مرا به کرامت نزد خود اختصاص ده. ۲/۲۴

اختصاص والدین، به برترین امور

وَ اَخْصِصْ اَبُوَيَّ بِاَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهٖ اَبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اُمَّهَاتِهِمْ

و پدر و مادر مرا به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده. ۱۲/۲۴

اختصاص خدا، به دعای بنده

اَنْتَ الْمَخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِي

تویی مخصوص به خواندن من، پیش از آنکه کسی را بخوانم. ۹/۲۸

اختصاص اسلام، به امت محمد صلی الله علیه و آله

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي... اَخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ

و سپاس خدای را که ما را به آئین خویش

اختصاص داد. ۲/۴۴

اختصاص داشتن نیکی الهی، به بندگان

مَا... أَحْصَنَّا بِرِّكَ

چه مخصوص گشته است نیکی ات به ما!.

۱۸/۴۵

اختصاص دادن درجه رفیع، به ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ... فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی. ۹/۴۸

اختلاط آمیختن

اختیار

برگزیدن نیکویی های آفرینش، برای بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ

و سپاس خدایی را که زیبایی های آفرینش را برای ما برگزید. ۱۷/۱

وانگذاشتن بندگان، به اختیار خود

وَ لَا تُحَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفُوسِنَا وَ اخْتِيَارِهَا

و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود

وامگذار. ۴/۹

اختیار باطل، مگر به توفیق الهی

...فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقَتْ

...چون آن (نفس) باطل را برمی گزیند مگر تو توفیق دهی. ۴/۹

اطمینان به آنچه خدا اختیار نموده

...وَأَجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ، وَثِقْتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ

...و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدر نمودی و اعتمادم به آنچه انتخاب کرده ای قرار ده.

۱۵/۱۴

الهام شناخت اختیار، به بندگان

وَأَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما.

۲/۳۳

ناتوانی در شناخت اختیار خداوند

وَلَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنُعِمْتَ قَدْرَكَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدر تو را سبک شماریم.

۳/۳۳

عدم برگزیدن ناپسند الهی

أَلْهِمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى... لَا

ص : ۸۴



نَتَخَيَّرَ مَا كَرِهَتْ

گردن نهبی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا آنچه را ناپسند داشته ای، اختیار نکنیم. ۵/۳۳

ماه رمضان، از جمله کارهای برگزیده، از جانب خداوند

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوُظَائِفِ... شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ

خداوندا و تو از کارهای برگزیده، ماه رمضان را قرار دادی. همان که آن را از بقیه ماه ها مخصوص داشتی. ۲۰/۴۵

برگزیدگان خدا:

أ. مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... نَجِيْبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفِيْكَ مِنْ عِبَادِكَ

خداوندا بر محمد - برگزیده از آفریدگان و دوست تو از بندگانت - درود فرست. ۳/۲

وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ

و همانا محمد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگان است. ۲۲/۶

وَ صَلِّ عَلَيَّ خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٍ وَ عِزَّتِهِ...

خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمد و خانواده او درود فرست.

۵/۳۴

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّجِبِ الْمُصْطَفَى... أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندان محمد که برگزیده و اختیار شده اند، برترین درودهایت را بفرست. ۵۰/۴۷

بِحَقِّ مَنْ اِنتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ بِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ... تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَّعَمَدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا

به حق آنکه او را از آفریدگان برگزیده ای و آنکه برای خودت پسندیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که

پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده. ۸۶/۴۷

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ حَبِيْبِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد بنده و فرستاده و دوست و برگزیده و انتخاب شده خود از آفریدگانت، درود فرستی.

۳/۴۸

صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ الْمُصْطَفَى

درود خدا بر سرور ما، محمد، فرستاده خدا که برگزیده است باد. ۹/۵۴

ص : ۸۵

ب. اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

صَلِّ عَلَيَّ خَيْرَ تَكَلُّمٍ مِنَ خَلْقِكَ، مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ

خداوندا بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمد و خانواده او درود فرست. ۵/۳۴

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی. ۵۶/۴۷

ج. پیامبران

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ... أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی. ۲۲/۴۲

د. بندگان شایسته و نیکوکار

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ... مِنْ مَلَائِكَةِ قَرْبَتِهِ، أَوْ... عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حق کسانی که در آن (ماه)، تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرب ساختی،

یا بنده صالحی که او را برگزیدی، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱۲/۴۴

ه. دین اسلام

هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی هدایت کردی. ۱۹/۴۵

و. ماه رمضان

وَ تَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمَنِ وَاللُّهُورِ

و از همه زمان ها و روزگارا برتری اش دادی. ۲۰/۴۵

ز. امت محمد صلی الله علیه و آله

ثُمَّ آتَيْنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، وَاصْطَفَيْنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَّةِ

سپس ما را بر بقیه امّت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را - نه اهل آئین های دیگر را - برگزیدی. ۲۱/۴۵

ح. جایگاه امامت

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِيُخْلَفَاكَ وَ أَصْفِيَاكَ...

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگان است. ۹/۴۸

انعام خداوند به برگزیدگان:

أ. بهشتی آراسته

ص : ۸۶

وَ جَاوِزِ بَيْ الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ

و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگان آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستان همسایه گردان. ۱۲۸/۴۷

ب. درود، برکات و تحیات

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. مانند درودها و برکت ها و تحیات هایی که بر برگزیدگان: ابراهیم و آل

ابراهیم فرستادی. ۱۱/۴۸

اخگر آتش

اخلاص

اخلاص در توحید و یگانگی خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... دَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ

و سپاس خدای را که ما را به اخلاص در یگانگی اش راهنمایی نمود. ۱۰/۱

اللَّهُمَّ وَ اعْمُمْ بِدَلِّكَ مَنْ... أَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر

که به یگانگی ات اخلاص ورزید، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

خالص گرداندن توبه

وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

و خالصانه برای تو توبه می کند. ۸/۱۲

از روی اخلاص رفتار نمودن

وَ سَدَّدْنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از سرِ اخلاص برخوردار کنم. ۹/۲۰

خدا را از روی اخلاص خواندن

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ

و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصانِ بیچاره، در نیایش برای تو. ۱۴/۲۲

محبت به همسایگان، از روی اخلاص

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَحَبُّ بَقَاءِ النِّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا

و خداوندا مرا بر آن دار که از سرِ اخلاص، بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم. ۳/۲۶

خالص گرداندن خود، با پیوستن به خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِانْقِطَاعِي إِلَيْكَ

خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل

بریده و به تو پیوسته ام. ۱/۲۸

الهام نمودن اطمینان خالص، به بندگان

وَ أَلْهَمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُغْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ

و اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری. ۲/۲۹

با اخلاص، خدا را قصد کردن

وَ قَصَدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا

و از سر اخلاص با ترس، آهنگ تو نمود.

۸/۳۱

یقین و باور مخلصان

وَ أَيَّدْنَا بِيَقِينِ الْمُمْخْلِصِينَ

و ما را به یقین اهل اخلاص، توانا فرما.

۲/۳۳

خالص گرداندن کردار از ریا و شهرت طلبی

ثُمَّ خَلَصَ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِينَ، وَ سَمِعَهُ الْمُسْمِعِينَ

سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران و شهرت جویی شهرت طلبان، خالص گردان.

۷/۴۴

خالص گرداندن دارایی ها

وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ

و ما را توفیق ده، که دارایی هایمان را از مظالم

خالص گردانیم. ۱۰/۴۴

خالص گرداندن بندگان، از بدی ها

وَ اسْلَخْنَا عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ اسْلَاحِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا وَقَدْ... أَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

و با گذشتن روزهایش، سختی هایمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که در آن از بدی ها خالصمان نموده

ای. ۱۵/۴۴

اخلاق

پناه بردن به خدا، از تندخویی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... شَكَاسِهِ الْخُلُقِ

خداوندا به تو پناه می برم از بد خلقی. ۱/۸

خصلت های بازدارنده بنده، از طلب درخواست از خدا

اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالَ ثَلَاثٍ... يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ. فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَ نَهَيْتَنِي عَنْهُ. فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ. فَفَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا

خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد. بازمی دارد مرا، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم، و کاری که مرا از آن بازداشتی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی

ص : ۸۸



کردم. ۱/۱۲ و ۲

خصلت ترغیب کننده بنده، به درخواست از خدا

اللَّهُمَّ... تَخْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةً وَاحِدَةً... يَخْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفْضُلِكَ عَلَيَّ مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ

خداوندا یک خصلت مرا بر آن (درخواست از تو) می راند. وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضل تو به آنکه رو به تو

آورد. ۱/۱۲ و ۳

وانگذاشتن بنده، در خوی زشت

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تُعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی. ۶/۲۰

وانگذاشتن بنده، در خوی پسندیده ناتمام

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ... أَكْرَوْمَةً فِيَّ نَاقِصَةً إِلَّا أَتَمَمْتَهَا

خداوندا مرا در خوی پسندیده ای که در من ناقص باشد وامگذار، مگر آنکه کاملش فرمایی.

۶/۲۰

نرم نمودن اخلاق فرزندان، در برابر والدین

وَ أَلِنَ لَهُمَا عَرِيكَتِي

و خویم را برایشان نرم نما. ۶/۲۴

سالم داشتن اخلاق فرزندان، برای والدین

وَ أَصَحَّ لِي أَيْدِيَهُمْ وَ أَدْيَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ

و بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار. ۲/۲۵

همسایگان و اخلاق نیک الهی

وَ وَفَّقُهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ...

و آنان را برای به پا داشتن سنت و فراگیری آداب نیکویت توفیق ده. ۲/۲۶

بخشیدن اخلاق نیکوکاران، به بندگان

وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ

و زیباییِ خویهای نیکوکاران را به ما ببخش.

۹/۴۲

دور گرداندن اخلاق پست، از بندگان

وَ جَنَّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ وَ مَدَانِيَ الْأَخْلَاقِ

و با آن (قرآن)، ما را از خویهای نکوهیده و اخلاق پست، دور کن. ۱۲/۴۲

حسود، و نسبت دادن خصلت های خود، به دیگران

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... قَلَدْنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ

و چه بسیار حسودی که ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به من نسبت داد. ۹/۴۹

ادا انجام دادن

ناتوانی بشر، از ادای سپاس الهی

ص : ۸۹

فَكَيْفَ نَطِيقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى نُوءَدِّي شُكْرَهُ؟

پس چگونه سپاس او را به جا آوریم یا چه زمان توانیم شکرش گزاریم؟ ۱۹/۱

ادای حقّ بنده، بی کم و کاست

اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا عِبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَذْرَكَهُ مِنِّي دَرَكٌ... أَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِكَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که ناروایی از من به او رسیده، حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز. ۴/۳۹

ادای نماز، بر طبق سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَثَرًا... الْمَوَدَّيْنَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ...

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] قرار داد - به جا آورده اند. ۹/۴۴

ادای حقّ ماه رمضان

فَنَحْنُ مُودُّعُوهُ وَ دَاعٍ مَنْ... لَزِمْنَا لَهُ... الْحَقُّ الْمَقْضِيُّ

پس آن را وداع می گوئیم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او، حقّ ادا نماییم. ۲۳/۴۵

ادای اندکی (از عبادات)، در ماه رمضان

أَدَيْنَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ

در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم. ۴۴/۴۵

ادات ابزار

ادب

ادب آموختن والدین، به فرزندان

وَ أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ

و مرا بر تربیت و ادب آموختن ایشان یاری نما. ۵/۲۵

ادراک دریافت

اذن اجازه

اسرافیل، منتظر اذن و دستور خداوند

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاحِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست. ۲/۳

بارش و رویش، به اذن خدا

لَا تَأْذَنُ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرٍ، وَلَا لِلْأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ

آسمانشان را در باریدن و زمینشان را در رویدن، اذن نده. ۶/۲۷

فرود آمدن فرشتگان در شب قدر، به اذن الهی

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

ص : ۹۰

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. ۵/۴۴

اذیت آزار

اراده خواسته، قصد و نیز میل

وجود، به اراده خداوند

وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَىٰ مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا

و ایشان (آفریدگان) را به خواست خود از هیچ، به وجود آورد. ۳/۱

مخلوقات، در راه اراده خدا

سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ اِرَادَتِهِ

آنها را در راهی که می خواست روان ساخت.

۴/۱

اراده پیامبر صلی الله علیه و آله از هجرت نمودن

اِرَادَهُ مِنْهُ لِاِعْزَازِ دِينِكَ

با این خواسته که دین تو را عزت دهد.

۱۶/۲

گرد آمدن بندگان، تحت اراده خدا

وَ تَضَمَّنَا مَشِيَّتِكَ

و اراده توست که ما را جمع می کند. ۱۰/۶

به کار گرفتن اشیا، به اراده خداوند

وَ مَضَّتْ عَلَىٰ اِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ

و اشیا بر وفق اراده تو تحقق یافته اند.

فرمان برداری اشیا، به اراده خداوند

فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُوءْتَمِرَةٌ

پس آن اشیا به خواست تو بدون سخت فرمانبردارند. ۳/۷

اراده خدا، بر عفو یا کیفر بندگان

اللَّهُمَّ إِنِّ تَشَأُ تَعْفُ عَنَّا فَبِغَضِّكَ، وَإِنْ تَشَأُ تُعَذِّبُنَا فَبِعَدْلِكَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست و اگر بخواهی ما را عذاب کنی، از عدالت توست. ۱/۱۰

شبهه ترین چیزها به اراده الهی

وَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ... رَحْمَةً مِنْ أَسْتَرْحَمَكَ، وَ غَوْثٌ مِنْ اسْتَعَاثَ بِكَ

و شبهه ترین چیزها به اراده ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته و کمک به کسی است که از تو کمکی

طلبیده. ۵/۱۰

فعل خدا، بر اساس اراده او

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ

بدرستی که تو آنچه می خواهی انجام می دهی و آنچه اراده نمایی حکم می کنی. ۳۴/۱۶

ص : ۹۱

إِنَّكَ... الْفَعَالُ لِمَا تُرِيدُ

به درستی که تو انجام دهنده هر چه خواهی می باشی. ۱۸/۲۷

تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ

آنچه خواهی انجام دهی. ۶/۳۳، ۳۳/۳۲

تَفْضِي بِمَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ

به آنچه خواستی، بر هر کس خواستی، فرمان می رانی. ۵/۳۶

إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ

به درستی که تو هر آنچه را که خواهی، به جا می آوری. ۱۹/۴۴

کاستن برخی نیکی های بنده، به اراده الهی

فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلٍ عَطِيَّتِكَ وَ كَثِيرٍ مَا عِنْدَكَ... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاصِنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي... يَوْمَ الْاَلْقَاكَ

پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نماند که خواهی به سبب آن

از نیکی هایم بکاهی، در روزی که تو را دیدار می کنم. ۷/۲۲

مانعی در برابر اراده قصدکننده جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرٌ الْأِسْلَامِ... فَتَوَى غَرَوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَا يَبْغِي فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، اما ناتوانی او را بازداشت، یا مانعی در

راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس.

۱۷/۲۷

توبه نمودن از امور مخالف اراده الهی

إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ

همانا من از هر چه مخالف خواسته تو، به در گاهت توبه می کنم. ۲۲/۳۱

آفرینش انسان، به اراده خداوند

أَنْشَأْتَنِي خَلْقًا آخَرَ كَمَا شِئْتَ

مرا آنچه‌نانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی.

۲۳/۳۲

شتاب ماه، به سوی اراده خدا

وَ اَمْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ التَّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَ الْاُفُولِ... فِي كُلِّ ذَلِكَ اَنْتَ لَهٗ مُطِيعٌ، وَ اِلَى اِرَادَتِهِ سَرِيعٌ

و تو را با فزونی و کاستی و طلوع و غروب، به خدمت گرفتی. و در همه آن حالات، تو مطیع او هستی و به سوی خواسته اش،

شتابنده ای. ۲/۴۳

نزول فرشتگان در شب قدر، بر هر که خدا بخواهد

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ... عَلٰى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

ص : ۹۲



در آن فرشتگان و روح، به فرمان پروردگارشان بر هر یک از بندگانش که بخواهد، برای هر کاری فرود می آیند. ۵/۴۴

عدم اراده خداوند، بر رسوایی بندگان

تَشْتُرُ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ فَصَحَّتَهُ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی. ۸/۴۵

عدم اراده الهی، بر محروم نمودن بنده

تَجُودُ عَلَيَّ مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ

می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. ۸/۴۵

اراده خدا، بر سود بردن بندگان

تُرِيدُ رَبِّحَهُمْ فِي مَتَاجِرَتِهِمْ لَكَ

می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود بربندی. ۱۲/۴۵

اراده خدا، بر چندین برابر نمودن

اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند. ۱۳/۴۵

اراده خدا و به سختی نیفتادن او

إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ

به درستی که تو آنچه بخواهی، برایت سخت

و دشوار نیست. ۲۵/۴۶

حتمی بودن آنچه خدا اراده کرده

أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتَّى مَا مَا أَرَدْتَ

تویی آنکه اراده کردی و اراده ات حتمی شد.

اراده و عزم الهی

سُبْحَانَكَ... إِزَادَتُكَ عَزْمٌ

پاک و منزهی! اراده ات حتمی است.

عدم وجود بازگرداننده مشیت الهی

سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ

پاک و منزهی! برای مشیت تو بازگرداننده ای نیست. ۳۰/۴۷

اراده خدا، بر پاک گرداندن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالدَّنَسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِكَ

به خواست خویش، آنان را از پلیدی و آلودگی پاک نمودی. ۵۶/۴۷

راه خیر و اراده الهی

وَ سَهَّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ... وَالْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا أَرَدْتُ

و راه خیرات به سوی خود و رقابت در آنها را

آنگونه که تو خواسته ای، برای من آسان گردان.

۹۴/۴۷

برآورده شدن خواسته های بنده

فَأَحْيِي حَيَاةَ طَيْبَةٍ تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که آنچه می خواهم فراهم گردد. ۱۱۷/۴۷

اراده خدا، بر تباهی یا گرفتاری قومی

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِي مِنْهَا لَوْأَدَا بِكَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده. ۱۲۰/۴۷

متهم نبودن خدا، در اراده و خواستش

...لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرِ مُتَّهَمٍ عَلَى خَلْقِكَ وَ لَا لِإِرَادَتِكَ

...برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت و اراده ات متهم نیستی. ۹/۴۸

تدبیر قطعی و اراده الهی

لَا يُجَاوِزُ الْمَـخْتُومَ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ

از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان درگذشت. ۹/۴۸

برنگشتن به امور ناپسند، به خواست خدا

فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ

پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به چیزی که آن را از من نپسندیده ای، برنمی گردم.

۲۷/۴۸

خدا را اراده نمودن

إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ... مُنْقَبِضًا حِينَ أَرَدْتُكَ

خدای من، هنگامی که قصد تو نمودم، تو را درهم کشیده ندیدم. ۵/۵۱

خواستِ هر حاجتی، از خدا

وَ أَسْأَلُكَ كُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِي

و هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم. ۱۱/۵۱

ارتش لشکر

ارتکاب

ارتکاب گناه و بد جدا شدن روز، از بنده

وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ

و از بدی جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی یا مرتکب شدن گناه صغیره یا کبیره، حفظمان کن. ۱۳/۶

اعتراف به ارتکاب گناهان بزرگ

هَلْ يُنَجِّينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ؟

ص : ۹۴

آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه (گناهی که) مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ ۶/۱۲

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ

و اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهایی که زیر بار آن رفته ام و به سترگی خطاهایی که مرتکب آن شده ام. ۶۹/۴۷

مرتکب نواهی الهی شدن

اللَّهُمَّ إِنَّكَ... نَهَيْتَنِي فَرَكِبْتُ

خداوندا همانا تو مرا نهی نمودی، پس مرتکب شدم. ۱۶/۳۲

ارتکاب گناه و خطا، و پرده پوشی خداوند

وَ تَعَدَيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ انْتِهَكُوتِهَا، وَ كَبَائِرِ ذُنُوبِ اجْتِرَاحُوتِهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام و گناهان بزرگی انجام داده ام.

۱۸/۳۲

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ... وَأَعْظَا لَنَا، وَ زَاَجِرًا عَنْ... اقْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ

پس آن عیب ها که پوشانیدی، برای ما پنددهنده و بازدارنده از خطاکاری قرار ده. ۳/۳۴

ارتکاب کار زشت و رسوا نمودن آن، از جانب خدا

فَكُلُّنَا قَدْ اقْتَرَفَ الْعَائِيَةَ فَلَمْ تَشْهَرُهُ، وَ ارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ

چرا که هر کدام از ما کار ناپسند انجام داد، او را مشهور (در بدکاری) نکردی و کردار زشت به جا آورد، پس او را رسوا نمودی. ۱/۳۴

ارتکاب خطا و آگاهی خدا از آن

كَمْ... خَطِيئَةٍ ارْتَكَبْنَاهَا كُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَيْهَا

چه بسیار خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطلع بودی. ۲/۳۴

عدم شتاب الهی، در کیفر مرتکب نواهی

فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَالْمُؤَافِقُ نَهْيَكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ

و اما آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی.

۱۴/۳۷

مرتکب خطا شدن فردی، در مورد بنده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّْي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ... لَا تَفْفُهِ عَلَيَّ مَا ارْتَكَبَ فِيَّ

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی، او را به خاطر آنچه درباره

من انجام داد، سرزنش نکن. ۲/۳۹

تاوان نگرفتن خدا، از مرتکب گناه

ص : ۹۵

وَلَا تُقَاصِنِي بِمَا اجْتَرَحْتُ

و مرا به خاطر آنچه انجام دادم، تقاص نکن.

۲/۴۱

ارتکاب گناه در ماه رمضان و پرده پوشی خدا

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ، أَوْ وَقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ، وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا گناهی که در آن انجام دادیم؛ پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان و به عفو خود از ما در گذر.

۴۷/۴۵

زندگی پاکیزه و عدم ارتکاب نواهی

فَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً... مِنْ حَيْثُ... لَا أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار. در صورتی که آنچه را نهی نموده ای، مرتکب نشوم.

۱۱۷/۴۷

ارتکاب به خشم آورنده خدا

وَلَا حَاجِرَنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ

و آن مرا از ارتکاب آنچه تو را به خشم می آورد، جلوگیری نمود. ۱۳/۴۹

عوامل بازدارنده بنده، از ارتکاب گناه:

أ. قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِيَجْوَِرِحَنَّا عَنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِرًا

و قرآن را مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، قرار ده. ۱۰/۴۲

ب. ملکه عصمت

وَهَبْ لِي عِصْمَةً... تَقْطَعْنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ

و به من عصمتی بخش که از انجام دادن حرمت بازم دارد. ۱۱۱/۴۷

ارث میراث

ارحام خویشان

ارزان

آب، ارزان کننده قیمت ها

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ

خداوندا ما را با بارانی که با آن قیمت ها را - در همه شهرهای بزرگ - ارزان کنی، سیراب نما.

۵/۱۹

ارکان

محافظت از ارکان نماز

ص : ۹۶



وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَةً... الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که ارکانش را محافظت نموده اند. ۹/۴۴

ارمغان

بیماری، ارمغان الهی

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟... أَوْ قَتُّ الصَّحَّةِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَّنْتَنِي بِهَا، وَالنَّعْمِ الَّتِي أَتَحَفَّنِي بِهَا

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت هایی را به من هدیه نمودی؟

۴-۲/۱۵

ارمغان کوچک به خدای بزرگ

يَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرَ مَا يُتَّحَفُ بِهِ

ای کسی که تحفه خردی را که به او داده می شود، برمی گزیند. ۶/۴۶

درخواست ارمغانی از خداوند

أَتَحْفِنِي بِتُحْفَةٍ مِنْ تُحَفَاتِكَ

تحفه ای از تحفه هایت را به من ارمغان ده.

۱۲۵/۴۷

اسارت

اسیر نمودن مشرکان و دشمنان

أَمْدَدُهُمْ بِمَلَائِكِهِ مِنْ عِنْدِكَ مُرَدِّفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطِعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسْرًا

آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمین برانند. ۸/۲۷

اللَّهُمَّ وَ اعْمَمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند. ۹/۲۷

فَإِنْ حَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَقَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ... أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرُ...

پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که با اسیری، ایشان (دشمن) را به سختی افکنده است. ۱۵/۲۷

بنده، اسیر رنج و سختی خود

فَأَنَا الْأَسِيرُ بِبَلِيَّتِي

...از این رو من اسیر بلای خود هستم.

۱/۵۳

اسباب ابزار

ص : ۹۷

استجابات اجابت

استحباب مستحب

استحقاق شایستگی

استخوان

از جا کنده شدن استخوان پشت، با رکوع بسیار

يَا إِلَهِي لَوْ... رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلَعَ صُلْبِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَهُ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر برای تو رکوع کنم تا استخوان پشتم کنده شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

خشک گرداندن استخوان های صلب مردان دشمن

يَبْسُ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ

صلب (تیره کمر) مردانشان را خشک نما.

۶/۲۷

درهم و تنگ بودن استخوان های صلب

اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبٍ مُتَصَابِقِ الْعِظَامِ، حَرَجِ الْمَسَالِكِ إِلَيَّ رَحِمَ ضَيْقِهِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و

راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی.

۲۳/۳۲

پوسیدن استخوان ها، با آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ تَذْرُ الْعِظَامَ رَمِيَّ مَاءً

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که استخوان ها را می پوساند. ۳۰ و ۲۹/۳۲

رسیدن جان ها، به استخوان های بالای سینه

وَ هُوَ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا... تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِي

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، خرناسه های پی در پی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد. ۱۳/۴۲

ضعف استخوان بنده و ناتوانی از (تحمل) آتش دوزخ

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ،  
الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ؟

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی

آفتاب را ندارد، پس چگونه گرمای آفتاب را توانایی دارد؟ ۵/۵۰

استطاعت توانایی

استعانت یاری

استعجاب شگفتی

استعلا برتری

استعمار آبادانی

استعمال گماشتن

استغاثه فریادرسی

استغنا بی نیازی

استغفار آمرزش و نیز توبه

استقامت استواری

استکبار تکبر

استکبار ورزیدن در فرمانبری خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از بزرگ شمردن طاعت و بندگی. ۱/۸ و ۲

استکبار نورزیدن بنده و محبوبیت او نزد خدا

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... عَالِمٍ بِأَنَّ... أَحَبُّ

عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است

که بر تو گردنکشی نکند. ۱۳ و ۱۲/۱۲

بیزاری جستن از استکبار

وَ أَنَا أَكْبَرُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ

و من از گردنکشی بر تو سخت بیزارم.

۱۴/۱۲

استکبار نامیده شدن ترک عبادت

فَسَمَّيْتَ دُعَاءَ كَيْ عِبَادَةٍ، وَ تَوَكَّهْ اسْتِكْبَارًا

پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی. ۱۵/۴۵

وارد دوزخ گشتن مستکبران

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنم خواهند شد.

۱۵/۴۵

معصیت و استکبار

نَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ... لَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ

او را از نافرمانی نهی کردی، پس با فرمانت

ص : ۹۹

مخالفت نموده، به نهیت شتافت. نه از روی گردنکشی کردن بر تو. ۶۸/۴۷

استماع شنیدن

استماع نوای قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِهِمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ

و آن را شفایی برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، قرار دادی.

۳/۴۲

استمرار همیشگی

استنصار یاری

استواری

استواری کتاب خدا

فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ...

پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده است. ۹/۱

وَ قَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگان را می پذیری.

۱۵/۳۱

استوار گرداندن اندام کردارها، در بنده

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَثْبَتَ فِيْنَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ

و سپاس خدای را که اعضای (کار و) کردارها را در ما ثابت ساخت. ۲۰/۱

اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، و استوار نمودن پیامبری او

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَ الَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ... وَ قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ

خداوندا و بخصوص یاران محمّد، آنان که همراهانی نیکو بودند و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند، و در پایدار ساختن نبوت او با پدران و فرزندان‌شان جنگیدند... ۳/۴ و ۴

پایدارترین افراد، به احکام الهی

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... اَقْوَمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ

و ما را از پایدارترین آنها به آئینی که مقدر نموده ای قرار ده. ۲۰/۶

پایداری و استقامت، در راه راست

فَاَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدَّدْنَا بِتَشْدِيدِكَ

پس ما را به توفیق خود توانایی ده و به راه راست خود ثابت قدم گردان. ۶/۹

وَفُقِّنِي لِمَا رَزَقْتَنِي مِنْ حَقِّكَ

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم



گرداند، توفیق ده. ۸/۲۰

أَيُّدُنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسَدِيدِكَ

مرا به توفیق و راهنمایی ات به راه راست، نیرو ده. ۱۱۳/۴۷

پایداری در راه راست و برگشتن از لغزش

وَ رَجَعْتُ وَ نَكَصْتُ بِتَسَدِيدِكَ عَنْ عَثْرَتِي

و با استواری ات برگشته و از لغزشم دست برداشتم. ۱۶/۱۳

استواری سست و شکننده

اللَّهُمَّ... انْقُضْ مَا أْبْرَمَ

خداوندا آنچه (شیطان) استوار نمود، درهم شکن. ۱۲/۱۷

پابرجایی یقین

اللَّهُمَّ... صَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي

خداوندا یقینم را به آنچه نزد توست درست گردان. ۲/۲۰

در زمره استوارکاران

وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ

و مرا از درستکاران قرار ده. ۱۸/۲۰

پابرجایی آرزوی بنده

حَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي

آرزویی را که در امید به رحمت دارم تحقق

بخش. ۲۸/۲۰

استوار ساختن بازوی والدین، به وسیله فرزندان

اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِي

خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان. ۴/۲۵

پابرجا قرار دادن فرزندان، برای (کمک به) والدین

وَ اجْعَلْهُمْ... مُسْتَقِيمِينَ لِي

و آنان را به راه من مستقیم قرار ده. ۴/۲۵

استوار ساختن مرزهای مسلمانان

اللَّهُمَّ... حَصِّنْ تُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ

خداوندا به عزت خود، مرزهای مسلمانان را استوار فرما. ۱/۲۷

محکم گرداندن حومه مزداران اسلام

وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ

و حومه آنان را نفوذناپذیر کن. ۲/۲۷

استوار نمودن شهرهای مسلمانان

اللَّهُمَّ وَ قَوِّ بِذَلِكَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَ حَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوت بخش و شهرهایشان را استوار ساز. ۷/۲۷

ص : ۱۰۱

پابرجایی در قصد طاعت الهی

اللَّهُمَّ وَ تَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي

خداوندا و نیت مرا در فرمانبرداریت، ثابت بدار. ۱۳/۳۱

شفاعتی استوار

فَيَنَالِنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ... أَوْ شَفَاعِهِ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي

پس دعایی از او به من رسد، یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است. ۲۷/۳۱

ثابت و پابرجا گشتن اندام جنین

تُصَرِّفُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِي إِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ، وَ أُثَبَّتْ فِي الْجَوَارِحِ

مرا از حالی به حال دیگری می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی و در من اندام ها را پابرجا کردی. ۲۳/۳۲

استواری آیات قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمَ آيَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

ناتوانی کوه های استوار از فهم قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَي قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَمَعَتِ الْجِبَالُ الرِّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی.

۱۰/۴۲

عامل پابرجایی آراستگی ظاهر بندگان

أَدِمُّ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا

با قرآن ظاهر نیک ما را آشکار ساز. ۱۱/۴۲

پا بر جا گرداندن گام های بندگان، هنگام گذشتن از پل دوزخ

ثَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَيْهَا زَلَّ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن)، پا بر جا گردان. ۱۵/۴۲

ثابت و پا بر جا ساختن بنده، بر توبه خالص

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَهُ نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشُّكِّ وَالْإِزْتِيَابِ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا... وَتَبَتَّنَا عَلَيْهَا

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را

ص: ۱۰۲

از ما بپذیر و ما را بر آن ثابت گردان. ۵۲/۴۵

پایداری سلطنت خداوند

حُجَّتْكَ قَائِمُهُ لَا تُدْحَضُ، وَ سُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ

حجت تو پابرجاست که باطل نمی شود و سلطنت تو ثابت و بی زوال است. ۱۹/۴۶

محکم و استوار گرداندن پشت ولی خدا

وَ اشْدُدْ أَرْزُهُ

و پیشش را محکم ساز. ۶۱/۴۷

استوار ساختن پشت بنده، به قوت الهی

وَ شَدَدَتْ أَرْزِي بِقُوَّتِكَ

و به توانایی ات پشتم را نیرومند ساختی.

۶/۴۹

استهزا مسخره

اسرار راز

اسراف

پناه بردن به خدا، از اقدام بر اسراف

نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ

پناه می بریم به تو از انجام اسراف. ۷/۸

بازداشتن بنده، از اسراف

وَ امْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ

و مرا از اسرافکاری بازدار. ۲۳/۲۰

وَ اٰخُجِنِّي عَنِ السَّرَفِ

و مرا از اسراف باز دار. ۳/۳۰

خواب آلودگی اسرافکاران

تَبْهِنِي مِنْ ... سِنَّهُ الْمُسْرِفِينَ

مرا از خواب آلودگی اسراف کاران، بیدار فرما.

۹۱/۴۷

ناامید نشدن اسراف کنندگان به خود، از رحمت الهی

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اَسْرَفُوا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ

ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید. ۲/۵۰

اسراف بر خود و خوار گشتن

اَنَا يَا سِرَافِي عَلٰى نَفْسِي ذَلِيلٌ

من به خاطر زیاده روی بر خود، خوار گشته ام.

۷/۵۲

اسرافیل

اسرافیل، صاحب صور و منتظر فرمان الهی

اِسْرَافِيْلُ صَاحِبُ الصُّوْرِ، الشَّاحِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْاِذْنَ

ص: ۱۰۳

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست. ۲/۳

اسکان

اسکان فرشتگان، در درون طبقه های آسمان

وَ أَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ

و آنها را در دل طبقه های آسمان هایت، سکونت داده ای. ۱۱/۳

اسکان شیطان، در سینه ها

أَسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا

او (شیطان) را در سینه های ما جا دادی.

۶/۲۵

اسکان جنین، در رحم مادر

...الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا، وَ أَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا

...همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی و مرا در قرارگاه رحم او سپردی.

۲۴/۳۲

اسلام

توفیق حفظ و نگهداری اسلام

وَ وَفَّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ حَيَّاهُ الْإِسْلَامَ

و ما را برای انجام نیکی و حفظ اسلام، توفیق ده. ۱۸/۶

جزای مسلمان نگران اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَتَوَى غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، اما ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را

در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

ماه نو، ماه اسلام (فرمانبری)

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هَيْلًا... سَلَامَةً وَإِسْلَامًا

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سلامت و اسلام قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵

رمضان، ماه اسلام (اطاعت)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ الشُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ... شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطُّهُورِ

و سپاس سزاوار خدایست که ماه خود، ماه رمضان، ماه اسلام و ماه پاکی را، (یکی) از آن راه ها قرار داد. ۳/۴۴

اسم نام

ص: ۱۰۴



غرق گشتن گونه های تائب، در اشک

عَزَّ قَت دُمُوعُهُ خَدَّيْهِ

دو گونه اش غرق اشک شده. ۹/۱۲

روان شدن اشک بنده، از ترس خداوند

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي، فَيُضْ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ

ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود می بینی. ۱۹/۱۶

ویژگی های اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَصِيحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصِيرِهِ، وَ كَانْفُوهُ، وَ أَشِيرَعُوا إِلَيَّ وَفَادَتِي، وَ سَيَابِقُوا إِلَيَّ دَعْوَتِي، وَ اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمِعْتَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِي. وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِي، وَ قَاتَلُوا الْأَبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِي تَشْيِيبِ نُبُوتِي، وَ انْتَصِرُوا بِهِ. وَ مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَيَّ مَحَبَّتِي، يَرْجُونَ تَجَارَةَ لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِي. وَ الَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُزُوتِي، وَ انْتَفَتَ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ

قَرَابَتِي.

خداوندا و بخصوص یاران محمد، آنان که همراهانی نیکو بودند و آنان که در یاری او از آزمایش خوب برآمدند و به وی کمک رساندند و به سوی پیامش شتافتند و به سوی دعوتش پیشی گرفتند و هنگامی که دلیل رسالت های خود را به گوششان رساند اجابت کردند، و در راه آشکار نمودن دین او، از زنان و فرزندان خود جدا شدند و در پایدار ساختن نبوت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند، و به همراه او پیروز شدند، و آنها که محبت او را در دل پروراندند، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند، و آنان که چون به دسته آن حضرت آویختند، قبیله هایشان از آنها دوری نمودند و آنگاه که در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند... ۶-۳/۴

درخواست هایی از خدا، برای اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و بیان علت درخواست ها

فَلَمَّا تَسَسَّ لَهُمُ اللَّهْمُ مِمَّا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ، وَ أَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ بِمَا حَاشُوا الْخُلُقَ عَلَيْكَ، وَ كَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاءَ لَكَ  
إِلَيْكَ. وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ، وَ خُرُوجِهِمْ مِنْ سَيِّعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ، وَ مَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ  
مَظْلُومِهِمْ.

پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها

ص : ۱۰۵

کردند برای آنان از نظر دور نदार و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز که مردمان را بر تو گرد آوردند و برای تو با پیامبرت دعوت کننده به سوی تو بوده اند. و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای خویشان هجرت کردند و از زندگی راحت به سختی افتادند و آن افراد بسیاری را که به خاطر ارجمند ساختن دینت ستم ها دیدند پاداش عنایت کن. ۷/۴و۸

پیروان نیکوکار اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعین نیکوکار ایشان برسان. ۹/۴

ویژگی های پیروان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

الَّذِينَ قَصَدُوا سِيَمَتَهُمْ، وَ تَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ، وَ مَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ. لَمْ يَشْنِهِمْ رَيْبٌ فِي بَصَةِ بَرْتِهِمْ، وَ لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَ الْإِثْمِ مَامَ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ. مُكَانِفِينَ وَ مُوَازِرِينَ لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَ يَهْتَدُونَ بِهِدْيِهِمْ، يَتَفَقُّونَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا يَتَّهَمُونَهُمْ فِيمَا أَدَّوْا إِلَيْهِمْ.

آنان که راه ایشان را قصد نمودند و به سوی جهت آنها رو آوردند و به روش آنها رفتار نمودند. آنان که عقیده اشان را شکی برنگرداند و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها و اقتدا به چراغ هدایت ایشان آشفته نساخت. در حالی که بر

ایشان یاری کننده و کمک دهنده می باشند، دین آنان را پیروی می کنند، به راهنمایی آنها راه می یابند، با ایشان موافقت دارند و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند. ۱۲-۱۰/۴

قرار دادن اصحابی برای مجاهد مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مَلَّتِكَ... فَلَقَّهِ الْيُسْرَ... وَ تَخَيَّرْ لَهُ الْأَصْحَابَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، پس او را با آسانی روبرو کن و برای او یارانی برگزین. ۱۳/۲۷

اصحاب یمین

وَ انْظُرْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ

و مرا در جماعت یاران دست راست درآور.

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَ أَصْحَابِ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده. ۱۴/۴۴

اصرار

پناه بردن به خدا، از اصرار بر گناه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... الْأَصْرَارِ عَلَى الْمَأْتَمِ

ص : ۱۰۶

خداوندا به تو پناه می برم از پافشاری بر گناه.

۱/۸و۲

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ

و از اصرار (بر گناه) به تو پناه می برم.

۱۴/۱۲

دور گرداندن بندگان، از اصرار (بر گناه)

أَزَلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ

ما را از اصرار بر آنچه ناپسند توست، دور مدار. ۱/۹

أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ... جَانَبَ الْإِصْرَارِ

همانا محبوب ترین بندگانت نزد تو کسی است که پافشاری (بر گناه) را ترک کند. ۱۳/۱۲

پافشاری و اصرار بر ستم

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيَصِرَّ عَلَى ظُلْمِي

خداوندا او (ستمگر) را به ایمنی از کیفیت آزمایش نکن، تا به ستم نمودن بر من پافشاری کند. ۱۲/۱۴

میراندن بندگان، و عدم اصرار (بر گناه)

أَمِتْنَا... تَائِبِينَ غَيْرِ عَاصِينَ وَ لَا مُصِرِّينَ

ما را توبه کنندگان غیر گنهکار و اصرارنکننده، بمیران. ۵/۴۰

ناامید نگشتن اصرارکنندگان به درگاه خدا

وَ يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمُلْحِنِينَ عَلَيْهِ

و ای کسی که اصرارکنندگان خود را ناامید نمی کند. ۴/۴۶

اصلاح

اصلاح حال بندگان، در پرتو آفرینش شب و روز

بِكُلِّ ذَلِكْ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ

بدین گونه حال ایشان را اصلاح می نماید.

۷/۶

توبه و اصلاح تباهی های بندگان

يَا مَنْ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ

ای آنکه فاسد ایشان را با توبه اصلاح کرده است. ۱۰/۱۲

دور بودن از اصلاح نفس

...مَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ

کیست که به صلاح نفس خود از من دورتر باشد؟ ۲۳/۱۶

اصلاح گنهکاران

إِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَّاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش

ص: ۱۰۷

می کنم، چون طمع در مهربانی تو دارم - که اصلاح کار گناهکاران به آنست - ۲۸/۱۶.

اصلاح نمودن بنده، با تندرستی

وَ اسْتَضِلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ

و صلاحم را با تندرستی بخواه. ۳۳/۱۶

اصلاح نمودن گیاه شکسته (پژمرده)، با باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا عَيْثًا... تَجْبُرُ بِهِ الْمَهِيضَ

خداوندا ما را از بارانی که به وسیله آن گیاه پژمرده را اصلاح کنی، سیراب گردان. ۴/۱۹

خداوند اصلاح کننده آنچه تباه شده

اللَّهُمَّ... اسْتَضِلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي

خداوندا امور تباهم را به توانایی خود، اصلاح نما. ۲/۲۰

عِنْدَكَ... لِمَا فَسَدَ صِلَاحٌ

اصلاح آنچه تباه شده، نزد توست. ۲۰/۲۰

خدا و اصلاح هر خوی زشتی، در بنده

اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةَ تُعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی. ۶/۲۰

اصلاح فساد در بین مردم

حَلِّنِي بِحَلِيَةِ الصَّالِحِينَ... فِي... إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ

مرا در اصلاح بین مردم، به زینت شایستگان بیارا. ۱۰/۲۰

به جا گذاشتن امور مسبب اصلاح نفس بنده

اللَّهُمَّ... أَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا

خداوندا از من برایم، آنچه را که اصلاح نماید، باقی گذار. ۱۹/۲۰

اصلاح بنده، به کرم و بخشش خدا

أَصْلِحْنِي بِكَرَمِكَ

به کرم خویش، مرا اصلاح فرما. ۲۱/۲۰

دانایی خدا و اصلاح امر دنیا و آخرت بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. ۱۰/۲۲

اصلاح نمودن فرزندان، برای والدین

اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَيَّ... يَا صَلاَحِيهِمْ لِي

خداوندا و بر من به اصلاح نمودن ایشان (فرزندانم) برای من، منت گذار. ۱/۲۵

اصلاح بنده، در دنیا و آخرت

ص: ۱۰۸



وَ اٰمَنَّا عَلٰی بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِيْ فِيْ دُنْيَايَ وَ اٰخِرَتِيْ

و هر چه در دنیایم و آخرتم به صلاحم است، بر من ارزانی دار. ۹/۲۵

قرار دادن بنده، در زمره اصلاحگران

وَ اجْعَلْنِيْ فِيْ جَمِيْعِ ذٰلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِيْنَ

و مرا در همه آن (امور)، از شایسته کاران قرار ده. ۱۰/۲۵

خدا، اصلاح کننده کردار تبهکاران

يَا... مُسْتَصْلِحِ عَمَلِ الْمُفْسِدِيْنَ

ای خواهان اصلاح عمل تبهکاران. ۵/۴۰

اصلاح حال دوستداران ائمه علیهم السلام

وَ اَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ

و احوالشان را برای آنها اصلاح نما. ۶۵/۴۷

دست نیافتن به اصلاح نفس، بدون احسان خداوند

وَ لَوْ لَا اِحْسَانُكَ اِلَيّْیْ وَ سُبُوْعُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ... اِصْلَاحَ نَفْسِيْ

و اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه اصلاح خویش را نمی یافتم.

۲/۵۱

اضطراب تپش

اضطراب بیچارگی

اطاعت فرمانبری

اطراف

درود بر فرشتگان اطراف آسمان ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامِ وَعْدِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که بر اطراف آن آسمان هایند، آنگاه که فرمان تمام شدن وعده ات نازل شود. ۱۲ و ۱۱ و ۱۰/۳

چشم نینداختن به اطراف آسمان

يَا إِلَهِي لَوْ... ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكُلَّ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِخْيَاءً مِنْكَ مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر در این مدّت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، سپس از شرمندگی تو، چشم از کرانه های آسمان برندارم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۱۶/۳۰

روان بودن ابرها، در اطراف زمین

وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ، الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ، الْمُوتِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ

ص : ۱۰۹

و رحمت را با باران فراوان از ابری که برای رویاندن گیاه چشم انداز در همه نواحی زمینت روان است، بر ما بگستران. ۱/۱۹

مشرکان و دست درازی به نواحی مسلمین

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان و از چیرگی به نواحی مسلمانان، بازدار. ۱۰/۲۷

اطلاع آگاهی

اطمینان آرامش

اعتدال میانه روی

اعتراف

سود و نجات در اعتراف به بدی ها

فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِفْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا أَرْتَكِبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ و آیا اعترافم در درگاه تو به زشتی آنچه مرتکب شده ام، مرا رها می نماید؟ ۶/۱۲

تبدیل القایات شیطان، به اعتراف به نیکی خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي... اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، اعتراف به نیکی ات را قرار ده.

۱۳/۲۰

اعتراف نمودن دشمن، به وحدانیت خدا

أَمْدُدْهُمْ بِمَلَائِكَهِ مِنْ عِنْدِكَ مُرَدِّفِينَ حَتَّى يَكْسِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسِيرًا، أَوْ يُقْرُوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمین برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

روی آوری بنده به خدا، با اقرار

وَ الْقَنِي بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتَكَ بِإِقْرَارِي

و با آمرزش خود به من رو آور، همچنان که من با اقرارم به تو رو آوردم. ۱۲/۳۱

جایگاهی برای اقرار کننده، نزد خدا

فَهَذَا... مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ

پس این محل اعتراف کننده برای توست.

۱۵/۳۲

ص : ۱۱۰

اقرار همگان، به ناتوانی خود

وَ كُلُّ مُقِرٍّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبَتْ

و همگی به تقصیر خود در ادای آنچه تو شایسته آنی، اقرار دارند. ۸/۳۷

مقام امامان علیهم السلام، و اعتراف دوستان ایشان به آن

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقام ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

بیان حال بنده، پس از اعتراف

...وَأَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِّينَ، وَ أَدَلُّ الْأَذَلِّينَ، وَ مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا

...و من بعد از این، کمترین کمتران و خوارترین خواران و مانند ذره ای یا کمتر از آنم.

۷۵/۴۷

وارد شدن در صبحگاه و شامگاه، در حال اعتراف به گناه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبِحُ وَ أُمْسِي... مُعْتَرِفًا بِذُنُوبِي، مُقِرًّا بِخَطَايَايَ

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که به گناهم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می کنم. ۷/۵۲

درخواست از خداوند، همراه با اعتراف به خطاها

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءًا لِمَنْ اسْتَكْتَرْتُ ذُنُوبَهُ، وَ اعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناهانش را بسیار دانسته، و به خطایش اعتراف نموده است.

۸/۵۲ و ۹

اعتراف و اقرارهای بنده به:

أ. بی بهره نبودن از احسان الهی، در همه حالات

مُقَرَّرٌ لَكَ بِأَنِّي... لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ امْتِنَانِكَ

اقرار می کنم به اینکه در همه حال از احسان تو بی بهره نبوده ام. ۵/۱۲

ب. فرمان نبردن از خدا، جز خودداری از معصیت

مُقَرَّرٌ لَكَ بِأَنِّي لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَقْتُ إِحْسَانِكَ إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِضْيَانِكَ

اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام.

۵/۱۲

ص : ۱۱۱

ج. ناتوانی و بیچارگی خویش

أَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قَلَّةِ حِيلَتِي

به ضعف قوتم و کمی چاره اندیشی ام اعتراف دارم. ۷/۲۱

د. گناه و بدکرداری خویش

اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ إِقْرَارًا بِالْإِسَاءَةِ، وَ اعْتِرَافًا بِالْإِضَاعَةِ

خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بدکرداری، اقرارکننده و به سهل انگاری، اعتراف کننده ایم. ۴۵/۴۵

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ

و اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهایی که زیر بار آن رفته ام و به سترگی خطاهایی که مرتکب آن شده ام.

۶۹/۴۷

أَنَا... الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ

منم اعتراف کننده خطاکار لغزشکار.

۷۶/۴۷

أَتَيْتَكَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَ الْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي

به درگاه تو آمده ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم. ۷/۴۸

فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِي، الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي

زیرا من به گناه خود، اقرار داشته و به

خطای خویش، اعتراف می کنم. ۴/۵۳

ه. نیک بودن قضا و قدر الهی

وَ هَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرِ

و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم.

۳/۳۵

و. ستمکار نبودن خدا

فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

پس همه آفریدگان اعتراف می کنند که تو هر که را عقوبت نمودی، ستمگر نیستی.

۸/۳۷

ز. بینات (محکومات) و متشابهات قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَفْزَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضِحَاتِ بَيِّنَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که خود را در پناه اقرار به (آیات) متشابه و دلایل روشنش قرار می دهند. ۴/۴۲

ح. از جانب خدا بودن قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست.

۶/۴۲

ص: ۱۱۲



ط. درماندگی (در سپاس گزاری خدا)

وَقُضِيَ بِالْقُرْآنِ بِالْحُسُورِ

و نهایت تلاش من اقرار به درماندگی است. ۲۴/۴۶

ی. عنایت خدا، به او

وَأُوزِعْنِي أَنْ... أَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتُهُ إِلَيَّ

و به من الهام کن که به آنچه به من عنایت نموده ای، اعتراف نمایم. ۱۱۴/۴۷

ک. فراوانی نعمت های الهی

هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده است. ۱۵/۴۹

اعتزال تنهایی

اعتقاد

تابعین و اعتقاد به امید داشتن به خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَبْعُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به خود برانگیزی. ۱۵ و ۱۴ و ۱۳/۴

اعتقاد و تسلیم در برابر آیات قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمِـَحْكَمِ آيَاتِهِ

پس ما را از کسانی قرار ده که با اعتقاد و تسلیم در برابر آیات محکم آن، دینداری می کنند.

۴/۴۲

اعتماد

اعتماد به خداوند

أَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثَّقَةِ بِكَ

با اعتماد به تو، امیدم را به سوی تو فرستادم.

۱۸/۱۳

وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ

با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است. ۸/۳۱

وَبِكَ أَثِقُ

و به تو اعتماد می کنم. ۱۱/۵۲

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ تَقْتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا

پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. ۸/۵۴

اعتماد بنده به آنچه خدا برایش برگزیده

وَ اجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقِنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ، وَ ثِقَتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ

...و آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدر

ص: ۱۱۳

نمودی و اعتمادم به آنچه انتخاب کرده ای قرار ده.

۱۵/۱۴

اعتماد به آرزوهای شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ... مِنَ التَّقَهِّ بِأَمَانِيهِ

خداوندا ما از اطمینان به آرزوهای او به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

خواب غفلت، سبب اعتماد به شیطان

اللَّهُمَّ... أَيْقِظْنَا عَنْ سِنَةِ الْعَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ

خداوندا ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان.

۷/۱۷

اعتماد بنده، به فضل الهی

اللَّهُمَّ... بِفَضْلِكَ وَثِقْتُ

خداوندا به احسان تو اعتماد کرده ام.

۱۵/۲۰

الهام اعتماد و اطمینان خالص، به بنده

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ... خَالِصَةً تُغْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ

اطمینانی خالص در دلمان بینداز، که با آن ما را از سختی رنج معاف داری. ۲/۲۹

خدا، سزاوارترین مورد اعتماد

أَنْتَ أَوْلَى مَنْ وَثِقَ بِهِ

تو سزاوارترین کسی هستی که به او اعتماد

شد. ۲۲/۳۲

اعتماد نمودن بنده به خدا، در آمرزش

وَ وَثِقْتُ بِكَ رَبِّ فِي الْمَغْفِرَةِ لِي

و پروردگار من، در آمرزش - برای خود - به تو اعتماد نمودم. ۲۲/۳۲

اعتماد نکردن بنده، به رازپوشی همسایه و خویشاوند

لَمْ أَتَقِ بِهِمْ رَبِّ فِي السِّتْرِ عَلَيَّ

پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم. ۲۲/۳۲

استوار نبودن اعتماد بنده، به روزی دادن خداوند

فَعَدَوْتَنِي بِفَضْلِكَ غَدَاءَ الْبُرِّ اللَّطِيفِ... وَ لَا تَتَأَكَّدُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربان خوراک دادی. و با این همه اعتمادم به تو محکم نمی شود. ۲۶/۳۲

بخشیدن اعتماد به بنده و اقرار او به نیکی قضای الهی

وَ هَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَقِرَّ مَعَهَا بِأَنْ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرِ

و به من اعتمادی بخش تا به اینکه قضای تو

جز به نیکی جاری نگشته، اعتراف کنم. ۳/۳۵

اعتماد خدا، به دوام ملک خود

أَمْهَلْتُهُمْ ثِقَّةً بِدَوَامِ مُلْكِكَ

از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری. ۱۷/۴۶

اعتماد به گذشت الهی، سبب نافرمانی بنده

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بَوَعِيدِكَ... وَاثِقًا بِتَجَاوُزِكَ

پس با علم به تهدیدت و اعتماد به گذشتت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد. ۶۸/۴۷

اعتماد به آنچه نزد خداست

ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ... وَالثَّقَّةَ بِمَا عِنْدَكَ

سپس باز گشت به سوی تو و اعتماد به آنچه نزد توست را، در پی آن روانه ساخته ام. ۷۳/۴۷

وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ

و دلم را به آنچه نزد توست، مطمئن قرار ده.

۱۳۰/۴۷

اعتماد بنده به آمرزش الهی، بیش از اعتمادش به کردار خویش

إِنِّي بِمَعْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْثِقُ مِنِّي بِعَمَلِي

همانا اطمینانم به آمرزش و رحمت تو، از (اطمینانم به) عملم بیشتر است. ۴/۴۸

عدم اعتماد به اعمال شایسته خود

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَّةً مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو نیامده ام. ۶/۴۸

اعتماد به اجابت سریع الهی

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي مُسْتَعِينًا بِكَ، وَاثِقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که از تو یاری خواسته و به اجابت سریع تو اطمینان داشتم. ۱۰/۴۹

اعراض روگردانی

اعضا اندام و نیز بدن

اعلی علیین

سپاسی بالارونده، تا اعلی علیین

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عَلِيَّيْنَ

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها (ی بهشتی) بالا رود. ۱۰/۱۳ و ۱۰/۱

اغراق

اغراق در ستایش خداوند

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي... إِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ

ص: ۱۱۵

عَلَيْكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته، ثنای فراوانت را قرار ده. ۱۳/۲۰

اغماض گذشت

افتادن

افتادگان در گروی گورها و دمیدن در صور

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاحِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ... فَيَبِّئُهُ بِاللَّنْفَخِ صَرَغَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه توست، تا با دمیدن مردگانِ گرو گورها را بیدار کند. ۲/۳

دفع آنچه بنده در آن افتاده

أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ... دَفَعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ

و تو بر برطرف کردن آنچه در آن افتاده ام توانایی. ۱۰/۷

شرمندگی تائب، از آنچه در آن افتاده

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... خَالِصِ الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که از آنچه در آن افتاده،

سخت شرمنده است. ۱۲/۱۲

بازگشت بنده از افتادن

وَ اجْعَلْ... مُتَحَوِّلِي عَنْ صَرَغَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ

و بازگشت از به زمین افتادنم را به گذشت خود قرار ده. ۶/۱۵

افتادن در پیشگاه خدا

هَا أَنَا ذَا يَا رَبِّ مَطْرُوحٍ بَيْنَ يَدَيْكَ

ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام. ۱۳/۱۶

گریستن بسیار، تا افتادن پلک ها

يَا اِلٰهِي لَوْ بَكَيتُ اِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ اَشْفَارُ عَيْنِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَعُو سَيِّئِهِ وَاِحْدَهٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگرییم تا پلک های چشمانم بیفتند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

بلند کردن بنده، از افتادن نگاه های گناهان

وَاَرْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي

و مرا از افتادن نگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فروافکنده ام. ۱۲/۳۱

به زمین انداختن بنده، توسط شیطان

ص : ۱۱۶



فَأَوْفَعَنِي وَ قَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُؤَبَّقَةٍ

پس در حالی که از گناهان کوچکِ هلاکت بار به سویت می گریختم، مرا بر زمین زد. ۱۳/۳۲

افتادن در لغزش ها و پشیمان شدن

وَ اجْعَلْ نِدَامَتِي عَلَى مَا وَقَعْتُ فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ... تَوْبَهُ تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که در آن افتاده ام، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند. ۳/۳۸

افتادن گاه های خطاکاران

اجْعَلْنِي أُسْوَةً مَنْ قَدْ أَنَهَضَتْهُ بِنَجَاوَزِكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ

مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادن گاه های خطاکاران بلند کردی. ۱۰/۳۹

افتادن از چشم حفظ و نگهداری خداوند

وَ لَا تَزِمْ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. ۱۰۴/۴۷

افتادنی همچون افتادن پرت شوندگان (در عذاب)

لَا تَزِمْ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطِهِ الْمُتَرَدِّينَ

مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده).

۱۰۴/۴۷

دستگیری خداوند، از افتادگان

كَمْ مِنْ... صَرَغَةٍ أُنْعَشَتْ

چه بسیار به زمین خوردن هایی که بلند کردی.

۱۲/۴۹

در گذشتن خدا از لغزش بنده، هنگام افتادن (در گناه)

أَنْتَ الَّذِي... أَقْلَتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِي

تویی که هنگام (به گناه) افتادن، از لغزشم در گذشتی. ۴/۵۱

افتادن بنده، با تمام رخسارش

مَوْلَايَ اِرْحَمْ كَبُوتِي لِحُرِّ وَجْهِي

مولای من! بر به رو افتادم با تمام رخسارم، رحم کن. ۴/۵۳

افترا تهمت

افراد مردم

افراط

افراط در خواهش نفس

ص: ۱۱۷

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... إِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از زیاده روی شهوت. ۱/۸

افراط نکردن خدا، در کیفر گناهکاران

وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُفْرِطُ فِي عِقَابِ مَنْ عَصَاكَ

و تویی آنکه در کیفر گناهکاران زیاده روی نمی کنی. ۱۲/۱۶

افروختن

چراغ افروختن، از چراغ قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ ... يَسْتَضِيحُ بِمِصْبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که از نور چراغ آن، روشنی می افروزند. ۷/۴۲

افزار ابزار

افزایش

نبود افزایشده ای، برای هر که خدا از او کاسته

لَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ

از کسانی که (خدا) کاسته، افزایشده ای نمی افزاید. ۵/۱

نبود کاهنده ای، برای هر که خدا به او

فراوانی داده

لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ

از کسی که (خدا) به او فراوانی داده، کاهنده ای نمی کاهد. ۵/۱

سپاسی چندین برابر هریک از نعمت های الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... مَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عِدَّةٌ مِنْهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا

پس سپاس او را، به جای هر یک از آنها به شماره چندین برابر، همیشه و جاوید. ۲۷/۱

فزونی بخشیدن امت اسلام

كَثَّرْنَا بِمَنِّهِ عَلَيَّ مَنْ قَلَّ

ما را با احسان خود، بر کسانی که اندک بودند، فزونی بخشید. ۲/۲

تبدیل بدی ها، به چندین برابرش از خوبی ها

يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها. ۲۶/۲

درودی فزاینده کرامت و تقرب فرشتگان

وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَيَّ كَرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَيَّ طَهَارَتِهِمْ

ص : ۱۱۸

و بر آنان درود فرست، درودی که کرامتی بر کرامتشان و پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید. ۲۵/۳

اقرار به افزایش گناهان خود

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَحِفِّ بِحُزْمِهِ رَبِّهِ. الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده، سخن می گویم. آنکه گناهانش

بزرگ و رو به فزونی است. ۷/۱۲۸

درودی فزاینده، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً

بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی پیوسته و فزاینده. ۲۴/۱۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَ أضعافَ ذَلِكَ كُلِّهِ بِالْأضعافِ الَّتِي لَا يُحصِيهَا غَيْرُكَ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست. به عدد درودی که بر دیگران درود فرستاده ای، و چندین برابر همه آن به چندین

برابر که جز تو شمار آنها را نداند. ۱۹/۴۴

صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا

بر او درود فرست، درود فراوانی که درودی فراوان تر از آن نباشد. ۵۱/۴۷

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ آلِهِ، صَلَاةً... تُشْتَبِهُ مَعَ ذَلِكَ

صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِيدُهَا عَلَيَّ كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ

و بر او و بر خاندانش درود فرست، درودی که با آن درودهای دیگر پدید آوری، که درودهای گذشته را با آن چندین برابر

کنی و آن را با گذر روزگار بیفزایی، افزودنی در چندین برابر که جز تو (کسی) نتواند آن را شمارش کند. ۵۵/۴۷

افزایش بدی های بنده، در قیامت

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَعْفَلْتَهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ وَ كَثِيرِ مَا عِنْدَكَ... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ

مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاصِنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي، أَوْ تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ أَلْقَاكَ يَا رَبِّ

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را

از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نماند که بخواهی به سبب آن از نیکی

هایم بکاهی، یا بر بدی هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می کنم. ای پروردگار من. ۷/۲۲

دادن تندرستی فزاینده، به بنده

عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً

به من عافیت ده. عافیتی کافی، بهبودی بخش، عالی و روزافزون. ۲/۲۳

ص : ۱۱۹

افزایش حسنات والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهٖمَا مِنِّي مِنْ أَدَى... فَاجْعَلْهُ... زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب افزایش نیکی هایشان قرار ده.

۸/۲۴

افزایش عمر فرزندان، برای والدین

إِلَهِي... زِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ

خداوندا در مدت عمرشان برایم بیفزا.

۲/۲۵

افزودن شماره (تبار)، به وسیله فرزندان

اللَّهُمَّ... كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي

خداوندا تعداد مرا به وسیله آنها (فرزندانم) بیفزا. ۴/۲۵

افزایش بینش همسایگان، نسبت به حق امام علیه السلام

... وَ زِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِي حَتَّى يَسْعُدُوا بِي وَ أَسْعَدَ بِهِمْ

و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزا. تا آنان به وسیله من، نیک بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک بخت

گردم. ۴/۲۶

بازداشتن بنده، از زیاده روی

وَ احْجُبْنِي عَنِ السَّرْفِ وَ الْإِزْدِيَادِ

و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار. ۳/۳۰

افزودن هدایت الهی

وَ زِدْنِي مِنْ هُدَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي

و هدایت خود را برایم بیفزا، که با آن به توفیق در عملم برسم. ۱۶/۳۷

به خدمت گماشتن ماه، با افزونی و کاستی (نور او)

وَ امْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ

و تو را با افزونی و کاستی، به خدمت گرفت.

۲/۴۳

رستگاری بنده و افزونی یافتن از خدا

تُرِيدُ... فَوْزَهُمْ بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ، وَ الزِّيَادَةَ مِنْكَ

می خواهی در آمدن به سوی تو و افزونی یافتن از جانب تو، رستگار شوند. ۱۲/۴۵

خدا و افزودن بها در داد و ستد با بندگان

أَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ

تویی آنکه در داد و ستد با بندگان، در بهای آن بر خود افزوده ای. ۱۲/۴۵

اراده خدا، بر افزودن

اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر

ص : ۱۲۰



می کند. ۱۳/۴۵

وام دادن به خدا و افزایش آن

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟ ۱۳/۴۵

نزول آیات بیانگر افزایش حسنات

وَمَا أَنْزَلْتُمْ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ

و مانندهای آن (آیه هایی) که از افزایش های نیکی ها در قرآن فرورستادی. ۱۳/۴۵

سپاس الهی و افزایش

لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

اگر شکر گزارید، شما را فزونی دهم. ۱۴/۴۵

صدقه دادن، جهت افزایش نعمت های الهی

تَصَدَّقُوا لَكُمْ طَلَبًا لِمَزِيدِكُمْ

جهت طلب افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند. ۱۶/۴۵

افزایش ایمان، در ماه رمضان

وَ ضَاعَفْتُمْ فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ

و ایمان را در آن، چندین برابر نمودی.

۲۰/۴۵

افزایش گنجینه های الهی

إِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ

همانا گنجینه های تو کم نمی شود، بلکه فزونی می یابد. ۵۰/۴۵

عطایی افزون و چند برابر

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وَجْدِكَ، وَ أَعْطِنَا أضعافَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حق رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما. ۵۰/۴۵

خداوند، افزایش دهنده نیکی ها

يَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتَّى يُثْمِرَهَا

ای کسی که نیکی را بارور می کند، تا آن را بیفزاید. ۱۱/۴۶

سپاسی افزاینده خوشنودی خداوند

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَي رِضَاكَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید. ۳۵/۴۷

ص : ۱۲۱

افزایش های پی در پی (حمد)

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ، وَ يَتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتْرَادِفَةً

سپاس برای توست. سپاسی که با گردش زمان ها، چندین برابر شود و پیوسته، چندین برابر افزایش یابد. ۳۹ و ۴۷/۳۶

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... تَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّلًا مِنْكَ

سپاس برای توست. سپاسی که تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی در پی پیوند دهی.

۴۸ و ۴۷/۳۶

سپاسی فزونی گیرنده، بر نوش\_ته های نویسندگان

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَيْتَهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتْبَةُ

سپاس برای توست. سپاسی که بر آنچه نویسندگان (اعمال) در کتاب تو به شمار آورده اند، افزونی یابد. ۴۰ و ۴۷/۳۶

حمد و افزایش (نعمت)

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُقُورِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که با بسیاری اش به همراه کرمت، فراوانی (نعمت) را لازم گرداند.

۴۸ و ۴۷/۳۶

درودی فزاینده خوشنودی خداوند

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صِيْلَمَاءَ تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید. و بر او درود فرست، درودی که برای او جز به آن راضی نشوی. ۴۷/۵۲

درودهای فزاینده، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمْ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّائِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک، پاک، فزاینده (در) هر صبح و شام، بفرست.

۶۴/۴۷

افزایش فقر و نیاز بنده، به درگاه خدا

وَ زِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَهُ وَ فَقْرًا

و بر فقر و نیازم به درگاهت بیفزا. ۱۱۸/۴۷

افزودن فضل الهی

وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ سَعَهُ مَا عِنْدَكَ

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. ۲۸/۴۸

عدم افزایش ملک خدا، با عذاب بنده

ص : ۱۲۲

لَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، وَلَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ

عذاب من، چیزی نیست که ذره ای بر پادشاهی تو بیفزاید. و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم. ۶/۵۰

افزودن افزایش

افزون افزایش

افسار مهار

افسوس حسرت

افشا

(توفیق) فاش کردن خیر و نیکی

حَلَّنِي بِحَلِيهِ الصَّالِحِينَ... فِي... إِفْشَاءِ الْعَارِفِ

مرا در آشکار کردن نیکی، به زینت شایستگان بیار. ۱۰/۲۰

افکندن پرت کردن

افکندن خود در:

أ. اختیار خداوند

أَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

چون خویش را در پیشگاه تو افکنده ایم،

بی نیازمان گردان. ۵/۱۰

ب. ذره های فساد و تباهی

تَفَحَّمْتُ أَوْدِيَةَ الْهَلَاكِ، وَ حَلَلْتُ شِعَابَ تَلْفٍ

در وادی های هلاکت رفتم و به ذره های نابودی وارد شدم. ۲/۴۹

ج. محرّمات

أَبَيْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرْمَاتِكَ

من جز وارد شدن در حرام های تو کاری نداشته ام. ۱۴/۴۹

اقامت ماندن

اقتدا پیروی

اقتدا به نشانه های هدایت و رستگاری اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

لَمْ يَخْلَجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَالْإِثْمِ مِمَّا بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ

تردید ایشان را از پیروی نشانه های آنها و اقتدا به چراغ هدایت ایشان آشفته نساخت.

۱۱/۴

اقتدا نمودن به روشنایی قرآن

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَقْتَدِي بِتَلْجِ إِسْفَارِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به درخشش

ص: ۱۲۳

روشنایی آن اقتدا می کنند. ۷/۴۲

اقتدا به امامت ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الْمَوْءُتَّمِينَ بِإِمَامَتِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که اقتداکنندگان به امامت ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

اقدام

اقدام بر تکلف و کار با مشقت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... تَعَاطِي الْكُلْفِ

خداوندا به تو پناه می برم از انجام دادن کار با مشقت. ۱/۸ و ۲

اقدام به اسراف

نُعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ

پناه می بریم به تو از انجام اسراف. ۷/۸

بیماری و اقدام به توبه

فَمَا أَدْرِي... أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟... أَوْ قُتِ الصَّحَّةِ... أَمْ وَقُتِ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَضَّتَنِي بِهَا... تَنْبِيْهَا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ

نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گذاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری که مرا با آن

نجات دادی تا برای فراگرفتن توبه آگاهی باشد؟ ۴-۲/۱۵

اقدام بنده به بدی، زمان قرار گرفتن بین دعوت خدا و شیطان

وَمَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى الشُّؤْمِ مِنِّي؟ حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می

پذیرم؟ ۲۳/۱۶

اقدام نکردن جز به ننگه دارنده از کیفر الهی

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْاصِيكَ... حَتَّى... لَا نَتَّعَاطِي إِلَّا الَّذِي يَبْقَى مِنْ عِقَابِكَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا جز آنچه از کیفر تو نگاه دارد، انجام ندهیم. ۷/۴۴ و ۶/۴۴

اقدام به عبادتی شایسته خداوند

فَإِذَا بَلَغْتَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ

پس چون ما را به آن رساندی، ما را بر انجام عبادتی که تو شایسته آنی، یاری فرما. ۴۵/۴۶

اقدام به نافرمانی خدا، با علم به تهدید او

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ

پس با علم به تهدیدت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد. ۴۷/۶۸

ص : ۱۲۴



عَلَّتْ أَقْدَامَ بِهِ نَوَاهِي وَ گناهان:

أ. غرور

تَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيبًا

با غرور، آنچه از آن نهی نموده ای، انجام داده. ۶/۳۱

ب. جرأت در برابر خدا

أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِّئًا

منم آنکه از روی جرأت، در برابر تو (به گناه) اقدام نمود. ۷۷/۴۷

اقرار اعتراف

اکنون

پارسایی در فراخی (زندگی) کنونی

و تَزُهَّدَهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ

و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی.

۱۶/۴

گردش در زمین، برای رسیدن به سود کنونی دنیا

يَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ ثِقَلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود

کنونی از دنیا. ۶/۶

بشارت ایمنی از خشم خدا، (در دنیای) کنونی

وَ اَكْتُبُ لِي اَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَ بَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْاَجَلِ

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس و هم اکنون (دنیا) پیش از آینده (آخرت)، مرا به آن مژده ده.

عطای درخواست بنده، در دنیای کنونی

أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لَوْلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ

به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانند آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، در دنیای کنونی و آخرت آینده ببخش. ۱۲/۲۵

الحاح اصرار

الحاد کفر

عذاب خدا، بر ملحدان و کفار

أَدِرُّ رَحِي نَقِمَتِكَ عَلَى الْمُلْحِدِينَ

آسیاب کيفرت را برای ملحدان به گردش

ص : ۱۲۵

دور گرداندن بندگان از الحاد و کج روی در:

أ. امر خداوند

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... جَبَّبْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ

و سپاس خدای را که ما را از کج روی و شک در امر خود، دور ساخت. ۱۰/۱

ب. توحید

جَبَّبْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ

ما را از کجروی در یگانگی ات دور گردان.

۱۳/۴۴

الطاف لطف

الفت انس و نیز دوستی

القا آموختن

القائات شیطان، به بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَ التَّظَنِّيِّ وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد

بزرگی ات را قرار ده. ۱۳/۲۰

الهام

الهام شکرگزاری، به بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... أَلْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ

و سپاس خدای را که شکرش را به ما الهام نمود. ۱۰/۱

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى... إِلَهَامِكَ الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِنْعَامِ

پس سپاس تو را که شکرگزاری بر نیکی کردن و نعمت دادنت را به من الهام کردی. ۲۸/۳۲

تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ، وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ

هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی و حال آنکه شکرگزاری را تو به او الهام کرده ای. ۶/۴۵

الهام نمودن دانش قرآن، به پیامبر صلی الله علیه و آله

وَأَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا

و علم به شگفتی هایش را به صورت کامل، به او الهام کردی. ۵/۴۲

الهام نمودن شکرگزاری، به ولی خدا

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيِّكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ

خداوندا، پس به ولی خود، شکر آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و مانند آن (شکر)

را در نعمت، به ما الهام نما. ۶۱/۴۷

آنچه بندگان از خدا می خواهند که به ایشان الهام نماید:

أ. وسایل دور ساختن شیطان

اللَّهُمَّ... أَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ

خداوندا آنچه برای (دور ساختن) او باید آماده سازیم، به ما الهام فرما. ۷/۱۷

ب. پرهیزکاری

وَ أَلْهِمْنِي التَّقْوَى

و پرهیزکاری در دلم افکن. ۱۶/۲۰

ج. دانستن آنچه درباره والدین، واجب است

وَ أَلْهِمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَيَّ إِلَهَامًا

و آموختن آنچه را که در حق آنان بر من واجب است، به من الهام کن. ۳/۲۴

د. اطمینان خالص و پاک

أَلْهِمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً

اطمینانی خالص در دلمان بینداز.

۲/۲۹

هـ. شناخت (امر) خیر

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما.

۲/۳۳

و. فرمانبری نسبت به مشیت الهی

أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ

گردن نهبی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما. ۵/۳۳

ز. سپاس گزاری از نعمت و عطاى خدا

وَ أَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ

و در آن (ماه) شکر نعمت را به ما الهام کن. ۷/۴۳

وَ أَوْزِعْنِي أَنْ أَثْنِي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ

و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم. ۱۱۴/۴۷

ح. شناخت برتری و حرمت ماه رمضان

أَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

شناخت فضیلتش، و بزرگ داشت احترامش را به ما الهام کن. ۶/۴۴

امام پیشوا و نیز ولی

امامت

اقتدا به امامت (ائمہ علیہم السلام)

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الْمَوْءُ تَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ

ص : ۱۲۷

خداوندا و بر دوستان آنها که اقتداکنندگان به امامت ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

امانت دار

غصب کردن رتبه امانت داران

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعِ أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَرُوهَا

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگان و جایگاه امانت داران است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی، (و دشمنان آن را) ربودند. ۹/۴۸

امانت داران الهی:

أ. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا أَمِينًا عَلَيَّ وَحِيكَ

خداوندا بر محمد - امین و حیت - درود فرست. ۳/۲

ب. جبرئیل

جَبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَيَّ وَحِيكَ

جبرئیل امین و حی توس. ۴/۳

ج. فرشتگان

... فَصِّلْ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَيَّ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ

دُونِهِمْ مِنْ... أَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَيَّ رِسَالَتِكَ

... پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند. ۶/۳

... فَصِّلْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيَّ الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ وَحِيكَ

... پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و آنها که بر وحی تو امانت دارند. ۱۰/۳

امت

بی بهره بودن امت های گذشته، از وجود محمد صلی الله علیه و آله

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منت نهاد، نه بر امت های گذشته. ۱/۲

شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در حق مؤمنان امتش

وَ عَرَّفَهُ فِي أَهْلِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلًا مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش

ص : ۱۲۸



و مؤمنان امتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن. ۲۵/۲

حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، پنددهنده به امتش

أَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا

او را به نصیحت کردن امتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد. ۲۲/۶

پاداش الهی به پیامبران، از جانب امت آنها

اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ... وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ

خداوندا پس بر محمد و خاندانش درود فرست و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبران از جانب امتش دادی، به او پاداش ده. ۲۳/۶

درخواست اسارت و کشته شدن امت های مشرک

اللَّهُمَّ اغْزُبْ كُلَّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَيَّ مَنْ يَازَانِيهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ... حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسْرًا...  
اللَّهُمَّ وَ اَعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرُكِ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آیند، گسیل دار تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در

زمینت برانند. خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امت های مشرک. ۸/۲۷ و ۹

برگزیدن امت محمد صلی الله علیه و آله ، بر همه امت ها

ثُمَّ آتَرْتَنَا بِهِ عَلَيَّ سَائِرِ الْأُمَّمِ

سپس ما را بر بقیه امت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی. ۲۱/۴۵

امتحان آزمایش

امتناع بازداشتن

امداد یاری

امر فرمان

امن ایمنی

امتیت ایمنی

امید آرزو، اعتماد و نیز انتظار

امید اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، به تجارتی کسادناپذیر

وَمَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَيَّ مَحَبَّتِهِ، يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ

و آنها که محبت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند.

۵/۴

ص : ۱۲۹

امید نیکو به خداوند

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ ... صَلَاةً ... تَبَعْتُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به خود برانگیزی. ۱۵ و ۱۴ و ۱۳/۴

امید به آمرزش الهی

فَأِنَّكَ ... مَرْجُوٌّ لِلْمَغْفِرَةِ

همانا برای آمرزش، امیدواری به توست.

۱۵/۱۲

امید و اعتماد به خداوند

فَقَصَدْتُكَ، يَا إِلَهِي بِالرَّغْبَةِ، وَأَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثَّقَةِ بِكَ

پس ای خدای من از روی میل آهنگ تو کرده و با اعتماد به تو امیدم را به سوی تو فرستادم.

۱۸/۱۳

قطع نشدن امید بنده، از خدا

وَلَا تَقْطَعُ رَجَائِي عَنْكَ

و از خود ناامیدم نکن. ۲۲/۱۳

امیدواری به رحمت الهی

إِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي ... رَجَاءً لِرَحْمَتِكَ

تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش

می کنم، چون امیدواری به رحمت تو می باشد.

۲۸/۱۶

قطع امید شیطان، از بنده

اللَّهُمَّ... اقْطَعِ رَجَاءَهُ مِنَّا

خداوندا امیدش را از ما قطع کن. ۹/۱۷.

محرومیت بنده و امید گاه بودن خداوند

أَنْتَ مُتَّجِعِي إِنْ حُرِمْتُ

اگر ناامید گردم، امید من به توست.

۲۰/۲۰

پابرجایی آرزوی بنده و امید به رحمت الهی

اللَّهُمَّ... حَقِّقْ فِي رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي

خداوندا آرزویی را که در امید به رحمت دارم تحقق بخش. ۲۸/۲۰.

امید به داشتن نعمتی، بهتر از نعمت خلق

وَ ارْزُقْنِي سَيِّئَاتِهِ الصَّادِرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم. ۱۲/۲۲.

ص : ۱۳۰

شریک نشدن کسی با خدا، در امید بنده

لَا يَشْرُكَكَ أَحَدٌ فِي رَجَائِي

هیچ کس در امید من، با تو شریک نیست.

۹/۲۸

نگذشتن امید امیدواران، از خدا

يَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ

ای کسی که امید امیدواران، از او نمی گذرد.

۲/۳۱

خدا، سزاوارترین امید گاه بنده

وَ أَنْتَ أَوْلَى مَنْ رَجَاهُ

و تو سزاوارترین کسی هستی که به او امید است. ۲۰/۳۲

عطا نمودن آنچه بنده به آن امید دارد

فَأَعْطِنِي يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ

پس ای پروردگار من، آنچه را امید دارم، به من عطا کن. ۲۰/۳۲

ناامیدی از نجات، استوارتر از امید به رهایی

تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي... بِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النَّجَاهِ أَوْ كَدُّ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَّاصِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ناامیدی اش از نجات، محکم تر از امیدش به

رهایی است. ۱۲/۳۹

توبه نصوح، و امید به زدوده شدن بدی ها

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزدايد.

۱۰/۴۵

رمضان، ماه امید

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ... مَرْجُوٍّ أَلَمْ فِرَاقُهُ

درد بر تو ماه امید که فراقش رنج آور بود.

۲۶/۴۵

ناامید نگشتن اصرارکنندگان به درگاه خدا

وَيَا مَنْ لَا يُحَيِّبُ الْمُلِحِّينَ عَلَيْهِ

و ای کسی که اصرارکنندگان خود را ناامید نمی کند. ۴/۴۶

امید به عفو خداوند

فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بَوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ

پس با علم به تهدیدت و امیدواری به بخشایشت، بر آن نافرمانی ها اقدام کرد. ۶۸/۴۷

أَتَيْتَكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر)

ص : ۱۳۱

خطا کاران گذشته. ۷/۴۸

ناامید نشدن از خدا

وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ

و آن را جفت امید به تو کردم. همان (امیدی) که با وجود آن، امیدوار به تو کمتر ناامید می شود.

۷۳/۴۷

جز به خدا امید نداشتن

فَإِنِّي... لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ سِوَاكَ

پس به درستی که برای کار آخرت و دنیایم به احدی جز تو امید ندارم. ۴/۴۸

إِلَهِي لَمْ تَفْضَحْنِي بِسِرِّي... فَلَا أَدْعُو سِوَاكَ، وَ لَا أَرْجُو غَيْرَكَ

خدای من، به (ناپاکی) درونم مرا رسوا نکردی. پس جز تو را نمی خوانم و به جز تو امیدوار نیستم. ۱۱/۵۱

روز عید قربان و جمعه، و امید به عفو الهی

فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهَيَّئِي... رَجَاءَ عَفْوِكَ

پس ای سرور من، امروز مهیا گشته تا به سوی تو آیم. بدین امید که به آمرزش تو نائل شوم.

۵/۴۸

ناامید نکردن امید بنده، در روز قربان و جمعه

لَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي

امروز این امید مرا ناامید نکن. ۶/۴۸

به خدا امید داشتن

وَ إِيَّاكَ أَرْجُو

و فقط به تو امیدوارم. ۱۱/۵۲

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقْتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا

پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. ۸/۵۴

امید به غیر خدا

مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَّةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرَكَ

هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. ۸/۵۴

امین امانت دار

انابه توبه

انانیت تکبر

انباشته متراکم

انتخاب اختیار

انتظار

خدا، در انتظار بازگشت بندگان

... وَ انْتِظَرُ مَرَاجَعَتِنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا

... و به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت

ص : ۱۳۲



ما را انتظار کشید. ۲۱/۱

اسرافیل، در انتظار فرمان خدا

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاحِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست. ۲/۳

از روی ملاحظت نبودن انتظار خدا

لَمْ تَكُنْ أَنْتُكَ عَجْزًا... وَ لَا أَنْتَظَرُكَ مُدَارَاةً

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است و به تأخیر انداختنت نه از روی نرمی کردن است.

۲۲/۴۶

در انتظار ایام (دولت) ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمْ... الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که منتظران روزهای (دولت) ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

انتظار ستمگر، و فرصت مناسب شکار

وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَعَانِي بِمَكَائِدِهِ... وَ أَضْبَأُ إِلَى إِضْبَاءِ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ أَنْتَظَارًا لِانْتِهَازِ الْفُرْصَةِ لِفَرِيَسَتِهِ

و چه بسیار ستمگری که با نیرنگ هایش به من ستم کرد و همانند در کمین نشستن درنده ای برای شکارش، با چشم به راهی برای غنیمت دانستن وقت مناسبی برای شکار، در کمین من نشست.

۷/۴۹

انتقال جابه جایی

انتقال یابنده بودن همه در صفات، جز خدا

وَ مَنْ سِوَاكَ... مُتَنَقِّلٌ فِي الصِّفَاتِ

و غیر تو، در صفاتش دگرگون می باشد.

یاری الهی، در حرکت و انتقال

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ. ۲۵/۴۶

انتقام کینه

عدم شتاب خداوند، در انتقام گرفتن

...لَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ

...در سرکوب ما عجله نمود. ۲۱/۱

وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيَنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي

و مرا با پوشش خود بپوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی. ۱۲/۳۱

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ... فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ

دانسته ام که در انتقام تو شتاب، نیست.

۱۵/۴۸

خیر بنده، در انتقام نگرفتن از ستمگر

ص : ۱۳۳

اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَتَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَضْلِ وَ مَجْمَعِ الْخِصْمِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَيْدِي مَنْكَ بَيْنَهُ صَادِقِهِ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقم و به کیفر نرسیدن ستمگرم تا روز رستخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به نیت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده. ۱۴/۱۴

در آمدن به درگاه انتقام الهی، توسط شیطان

... وَ أَخْرَجَنِي إِلَىٰ فِتْنَةٍ نَقَمْتِكَ طَرِيدًا

... و مرا رانده شده، به سوی درگاه انتقامت در آورد. ۱۳/۳۲

علت شتاب نکردن خدا، در انتقام

فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَ الْمَوَاقِعَ نَهْيِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ لِكَيْ يَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَىٰ طَاعَتِكَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی، تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعتت عوض کند.

۱۴/۳۷

عدم توانایی تحمل انتقام الهی

فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِلُّ بِنِقْمَتِكَ

پس به درستی که نیروی من تاب انتقام تو را ندارد. ۵/۳۹

انتقام گرفتن (از دشمنان خدا)، برای خدا

وَ لَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِخَلْقِكَ... وَ لَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت قرار نده و جز برای انتقام گرفتن برای تو، خدمت گزارم نگردان.

۱۲۴/۴۷

نشانه انتقام خدا نگشتن

لَا تَجْعَلْنِي... لِئِقْمَتِكَ نَصَبًا

مرا نشانه انتقام خود نگردان. ۱۶/۴۸

بینایی خدا به ناتوانی بنده، از انتقام گرفتن

فَنظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَيَّ... عَجَزِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ

ای خدای من، پس تو عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده، مشاهده کردی.

۵/۴۹

پناهنده شدن به پناهگاه انتقام الهی

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي... عَالِمًا أَنَّهُ... لَا يَفْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَيَّ

ص : ۱۳۴

مَعْقِلٍ اِنْتِصَارِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به پناهگاه انتقام تو پناهنده شود، هراسی ندارد. ۱۰/۴۹

انتها پایان

انجام دادن اجرا و نیز اقدام

مورد سؤال واقع نشدن خدا، از آنچه انجام می دهد

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ

از آنچه او انجام می دهد، بازخواست نشود و ایشان (آفریدگان) بازخواست شوند. ۷/۱

لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ

تو از آنچه انجام می دهی، بازخواست نخواهی شد. ۱۳/۴۹

خدا، انجام دهنده آنچه بخوهد

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ

همانا تو آنچه می خواهی انجام می دهی.

۳۴/۱۶

إِنَّكَ... الْفَعَالُ لِمَا تُرِيدُ

به درستی که تو انجام دهنده هر چه بخواهی می باشی. ۱۸/۲۷

إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ

به درستی که تو هر آنچه را که بخواهی، به جا می آوری. ۱۹/۴۴

انجام خدمت گزارِ والدین

وَلَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَهُ خِدْمَتِهِمَا

و من وظیفه خدمت گزارِ ایشان را انجام نداده ام. ۱۱/۲۴

انحراف کجی

انداختن افکندن

اندازه تقدیر

اندازه گیری

شناساندن اندازه آب ها، به فرشتگان

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ عَرَفْتُهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که وزن آب ها را به آنان شناسانده

ای. ۱۶ و ۱۱ و ۳/۱۰

به اندازه ذره ای به پادشاهی خدا نیفزودن عذاب بنده

وَ لَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

و عذاب من، چیزی نیست که ذره ای بر پادشاهی تو بیفزاید. ۶/۵۰

ص : ۱۳۵

اندام بدن

استوار گرداندن اندام کردارها، در بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَثْبَتَ فِينَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ

و سپاس خدای را که اعضای (کار و) کردارها را در ما ثابت ساخت. ۲۰/۱

فروبردن اندام های بندگان، در معصیت خدا

لَا تَجْعَلْ لِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوزًا فِي مَعْصِيَتِكَ

اعضای ما را در نافرمانی ات نفوذناپذیر کن.

۶/۹

حرکت اندام، در مسیر جلب پاداش الهی

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَ حَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا وَ لَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ

و رازهای دل هایمان و جنبش های اعضایمان و نگاه های زیرچشمی دیدگانمان و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث

پاداش تو شود قرار ده. ۷/۹

اندام ها در مسیر طاعت خداوند

وَ اشْغَلْ... جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ

و اعضای ما را به اطاعت خود از هر اطاعتی مشغول ساز. ۱/۱۱

رنج نبردن اندام، در ثبت برخی اعمال

پاکیزه

فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكِيِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ... وَ لَا جَارِحَةٌ تَكَلَّفَتْهُ

در بین آن بیماری نویسندهگان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که نه دلی در آن اندیشیده و نه اندامی آن را

با مشقت انجام داده. ۵/۱۵

لرزش اندام بنده از شکوه خداوند

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي... انْتِقَاصَ جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ

ای خدای من، ناتوانی اندامم را از هیبت خود می بینی. ۱۹/۱۶

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... اضْطِرَابَ أَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ

خداوندا، پس به لرزش اندامم از شکوهت، رحم فرما. ۲۳/۳۱

سنگین نگرداندن اندام بنده

وَ وَفَّقْنِي لِلنُّفُودِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى... لَا تَثْقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْحُفُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ

و مرا برای انجام به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا اعضایم از انجام آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین

نشود. ۳/۲۴

سالم داشتن اندام فرزندان

عَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ

آنان را در جان و اعضا تندرستی ده. ۲/۲۵

ص : ۱۳۶



سست نمودن اندام دشمن، از جنگ

أَوْهِنُ أَرْكَانَهُمْ عَنْ مُنَازَلَةِ الرَّجَالِ

اندامشان را از جنگیدن با مردان سست گردان. ۱۱/۲۷

سالم ماندن اندام، از کیفر الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَيَّ حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ

خداوندا و همانا من به درگاہت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم ماند. ۲۲/۳۱

ثابت نمودن اندام، در تن بنده

أُثْبِتُ فِي الْجَوَارِحِ كَمَا نَعْتُ فِي كِتَابِكَ...

در من اندام ها را پابرجا کردی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. ۲۳/۳۲

عامل بازدارنده اندام، از ارتکاب گناه

اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِحَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِرًا

قرآن را مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، قرار ده. ۱۰/۴۲

روزه و بازداشتن اندام از گناهان

أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ

ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان

و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. ۶/۴۴

از هم پاشیدن اندام

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي... حَالِي إِذَا... تَفَرَّقَتْ أَعْضَائِي

مولای من! بر حال من، هنگامی که اعضایم گسسته شود، رحم کن. ۶/۵۳

اندرز پند

فزونی بخشیدن امت مسلمانان، بر کسانی که اندک اند

وَ كَثَرْنَا بِمَنْهُ عَلَى مَنْ قَلَّ

و ما را با احسان خود، بر کسانی که اندک بودند، فزونی بخشید. ۲/۲

اندک بودن درخواست بسیار بنده، نزد خدا

وَ عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي وَجْدِكَ

و دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است. ۱۹/۱۳

اندک بودن هر ناپسندی، در برابر خشم خدا

فَكَلَّ مَكْرُوهٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ

پس هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک است. ۹/۱۴

اندک نبودن آنچه پایانش همیشگی است

وَ غَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقَبْتُهُ الْبَقَاءُ

و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست. ۳/۱۸

کم و ناگوار بودن بخشش خویشان

إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَإِنْ أَعْطَوْنَا قَلِيلًا نَكِدًا

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محروم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند.

۳/۲۲

اندک دانستن نیکوکاری خود، درباره والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيَّ وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْطَانِ... حَتَّى... أَسْتَقِيلَ بَرِّي بِهِمَا وَ إِنْ كَثُرَ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خوابِ آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی خود را درباره

ایشان - اگرچه بسیار باشد - اندک بدانم. ۵/۲۴

بسیار شمردن نیکویی اندک والدین

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيَّ وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ

رَقْدِهِ الْوَسْطَانِ... حَتَّى... أَسْتَكْتَبِرَ بَرَّهُمَا بِي وَ إِنْ قَلَّ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خوابِ آلوده، خوش تر قرار ده. تا نیکی ایشان را درباره

خود - اگرچه اندک باشد - بسیار شمارم. ۵/۲۴

اندک نمایی دشمن، در چشم مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلَّلَهُمْ فِي عَيْنِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما. ۱۵/۲۷

اندکی طاعت بنده، از خدا

قَلَّ عِنْدِي مَا أَعْتَدُ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ

طاعتی که به شمار آورم، نزد من کم است.

۱۰/۳۲

خدا، پاداش دهنده سپاس اندک

إِنَّكَ... الْقَابِلُ يَسِيرَ الْحَمْدِ، الشَّاكِرُ قَلِيلَ الشُّكْرِ

همانا تو قبول کننده سپاس اندک، (و) پاداش دهنده شکر کم، هستی. ۷/۳۶

پاداش خداوند، به طاعت کم

و تَتَّيَّبُ عَلَيَّ قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ

و بر اندک طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی. ۶/۳۷

جزای خداوند، به عمل اندک

ص : ۱۳۸

تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی.

۶/۳۷

يَا مَنْ... يَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ

ای کسی که اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد. ۶/۴۶

يَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَازِي بِالْجَلِيلِ

ای کسی که (عمل) کم را سپاس می گذارد و پاداش بزرگ می دهد. ۷/۴۶

خوشنودی خدا، به کمتر از استحقاقش

فَجَمِيعُ مَا أَخْرَجَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... تَرَكَ مِنْ حَقِّكَ، وَرَضِيَ بِدُونِ وَاجِبِكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، ترک کردن حق خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده

است. ۱۵/۳۷

اندکی نیکی های بنده، در بین بدی هایش

تَفَعَّلَ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلَّةِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

ادای اندکی (از عبادات)، در ماه رمضان

وَ أَدَّيْنَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ

و در آن اندکی از بسیار را انجام دادیم.

۴۴/۴۵

احسان فراوان خداوند و شکر اندک بنده

إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَيَّ أَقَلَّهُ

احسان تو افزون تر از آنست که بر کمترین آن شکر توان کرد. ۲۳ و ۴۶/۲۲

کمترین کمتران بودن بنده، پس از اعتراف

وَ أَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِّينَ

و من بعد از این، کمترین کمترانم. ۴۷/۷۵

اندک بودن قدر و منزلت بنده

فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَمْرٌ حَقِيرٌ، وَ خَطِرٌ يَسِيرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم، و منزلتم اندک است. ۵۰/۶

اندک شمردن کردار خود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبِحُ وَ أُمْسِي مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِي

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

اندک بودن اندیشه بنده

ص : ۱۳۹

أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَالَ مَنْ... فَفِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که اندیشه اش برای آنچه به سوی آن بازمی گردد، اندک است. ۸/۵۲

اندوخته ذخیره

اندوه

آسان نمودن اندوه جان کندن

و تَهَوَّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يُحِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی. ۱۷/۴

و هَوَّنَ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السِّيَاقِ

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، دشواری جان کندن را بر ما آسان گردان. ۱۳/۴۲

شکست دادن تسلط غم و اندوه

وَ أَكْسِرَ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ

و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن. ۸/۷

غم و اندوه، بازدارنده عمل به واجبات و مستحبات

وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِـمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ

و مرا به سبب غم و اندوه از رعایت واجبات و انجام سنت خود بازمدار. ۹/۷

توانایی خداوند، بر دفع اندوه بنده

وَ امْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ

و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام و تو بر دفع آنچه به آن گرفتار شده ام توانایی. ۱۰/۷

رهایی یافتن از اندوه

وَاجْعَلْ... خَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ

و رهایی از اندوهم را به بخشایشت قرار ده.

۶/۱۵

خدا، شادی هر اندوهگین

وَ يَا فَرَجَ كُلِّ مُكْرُوبٍ كَتِيبٍ

و ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین.

۴/۱۶

خدا، یاور بنده اندوهگین

اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ خَزِنْتُ

خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی. ۲۰/۲۰

ص : ۱۴۰



غم های سخت بنده و فریادرسی خداوند

وَ بِكَ اسْتِغَاثِي إِنَّ كَرِهُتُ

و اگر اندوه مرا فراگیرد، از تو فریادرسی خواهم. ۲۰/۲۰

اندوهگین نشدن بنده، از منع الهی

وَ اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ... حَتَّى... لَا أَخْزَنَ عَلَيَّ مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا

و ستایش مرا ویژه خودت قرار ده. تا به آنچه مرا از آن بازداشته ای، غمگین نگردم. ۹/۲۱

روزی بنده نمودنِ اندوه کیفر

وَ ارْزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ

و ترسِ اندوهِ وعده ها(ی عذاب) را روزی ام فرما. ۹/۲۲

رهاندن مجاهد، از غم تنهایی

وَ أَجْرُهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ

و او را از اندوه تنهایی حفظ کن. ۱۳/۲۷

پاداش اندوهگینی مسلمان، از گرد آمدن مشرکان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ... أَخْزَنَهُ تَحْزُبُ أَهْلِ الشُّرْكِ عَلَيْهِمْ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که اجتماع مشرکان بر ضدّ ایشان، اندوهگینش نمود، پس نام او را در

عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

پناه بردن به خدا، از اندوه قرض

وَ أَعُوذُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَ فِكْرِهِ

و به تو پناه می برم - ای پروردگرم - از اندوه و اندیشه وام. ۲/۳۰

نجات از اندوه، در روز رستاخیز

وَنَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...

و ما را به وسیله آن (قرآن)، در روز رستاخیز از هر اندوهی نجات ده. ۱۵/۴۲

اندوهناک شدن روزه داران، از رفتن ماه رمضان

فَنَحْنُ مُودُّعُوهُ وَدَاعٍ مَنْ... عَمْنَا وَ أَوْحَشْنَا أَنْصِرَافُهُ عَنَا

پس آن را وداع می گوئیم، وداع از کسی که رفتنش از (میان) ما، اندوهگین و بیمناکمان می سازد. ۲۳/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ... مَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ

درود بر تو که پیش از از دست رفتنش، بر آن اندوه خوردند. ۳۸/۴۵

پناه بردن به خدا، از اندوه عقاب

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ... حَتَّى نَجِدَ... كَأَبَةِ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ

ص : ۱۴۱

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدار داده شده را روزی ما گردان. تا اندوه آنچه از آن به تو پناه می بریم، دریابیم. ۵۳/۴۵

اندوهگین نمیراندن بنده

وَلَا تُهْلِكْنِي يَا إِلَهِي غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي

و ای خدای من، مرا اندوهگین نمیران، تا اینکه اجابتم کنی. ۱۴/۴۸

خدا، دورکننده غم و اندوه

وَنَفْسِي

و اندوهم را برطرف کن. ۱۶/۴۸

وَأَفْرِجْ هَمِّي، وَ اكْشِفْ غَمِّي

و اندوه مرا برطرف کن و غمم را بزدا.

۱/۵۴

غَضَبُهُ وَ اندوه، گلوگیر حسود

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بَغْضَتِهِ

و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد. ۹/۴۹

خداوند، بردارنده پرده های اندوه

وَ كَمْ مِنْ... غَوَاشِي كُزَّبَاتٍ كَشَفْتَهَا

و چه بسیار پرده های اندوه که برداشتی.

۱۱/۴۹

شکوه نمودن به خدا، از بسیاری اندوه ها

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي... كَثْرَةَ هُمُومِي

ای خدای من، از بسیاری اندوه هایم، به تو شکایت می کنم. ۱۰/۵۱

ناتوانی اندیشه ها، از توصیف خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِي... عَجَزْتُ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ

سپاس خدای را، همان که پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است. ۱/۱ و ۲/۱

نیندیشیدن درباره اعمال پاکیزه ثبت شده، هنگام بیماری

و فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ

و در بین آن بیماری نویسنده اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند، که دلی در آن نیندیشیده. ۵/۱۵

تفکر در قدرت الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي... تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، اندیشه در قدرتت را قرار ده. ۱۳/۲۰

اندیشه در مالی فتنه انگیز

وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ حَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ

و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن. ۴/۲۷

وام و پراکندگی فکر بنده

وَ هَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دِينٍ... يَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِي

و مرا معاف دار، از وامی که فکرم برای آن پریشان گردد. ۱/۳۰

اندیشه قرض

وَ اَعُوذُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَ فِكْرِهِ

و به تو پناه می برم - ای پروردگارم - از اندوه و اندیشه وام. ۲/۳۰

اندیشیدن در مخالفت با پروردگار

وَ فَكَّرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ

و در آنچه با آن پروردگارش را مخالفت کرده، اندیشید. ۷/۳۱

توبه از اندیشه بد

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي، وَ لَحَظَاتِ عَيْنِي

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته تو یا دور از دوستی توست؛ از اندیشه های دلم و نگاه های چشمم، به درگاهت

توبه می کنم. ۲۲/۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... مِنْ كُلِّ... خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ

خداوندا ما از هر اندیشه بدی که در دل داشته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

اندیشه در کبریایی خداوند

وَ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته. ۷/۳۲

آراسته شدن خطا، با اندیشه بد

وَ سَوَّلَ لِي الْخَطَاءَ حَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ

و اندیشه بد خطا را برای من آراسته، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم. ۱۶/۳۲

قرآن، حافظ بندگان از خطور اندیشه های وسوسه انگیز

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا

قرآن را نگهبان ما، از وسوسه های شیطان و از اندیشه های بد، قرار ده. ۱۰/۴۲

وَ اخْبُجِبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحِّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار. ۱۱/۴۲

راهنمایی خداوند، و رسیدن اندیشه ها به

ص : ۱۴۳

وَ أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ... عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ... لَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ

و تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی، اندیشه هایشان به آن نمی رسید.

۱۴/۴۵

درماندن اندیشه ها، از ادراک ذات خدا

أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِيكَ

تویی آنکه اندیشه ها از حقیقت ذات تو قاصرند. ۱۸/۴۷

کمین گرفتن دشمن، و تفکر نمودن بنده درباره آن

فَنظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى... وَخَدَتِي فِي كَثِيرٍ عَدَدٍ مِنْ نَاوَانِي، وَ أَرَصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أُعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیان) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده و برای گرفتار ساختنم در آنچه درباره آن نیندیشیده ام، در کمین نشسته، مشاهده کردی.

۵/۴۹

اندیشیدن ستمگر و دام او

وَ رَدَدْتُهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ، فَأَنْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رَبِّ جِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، در آمد. ۸/۴۹

اندیشه اندک بنده، نسبت به آخرت

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَ أَلْ مَنْ... فِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که اندیشه اش برای آنچه به سوی آن بازمی گردد، اندک

است. ۸/۵۲

انذار

بیم داشتن از انذار الهی

اجْعَلْ... حَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَ إِنْذَارِكَ

بیم مرا از مهلت دادن ها و ترساندنیهایت، قرار ده. ۱۲۲/۴۷

انزوا تنهایی

أنس

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله ، از محل انشش

وَ هَاجَرَ إِلَى... مَحَلِّ النَّأْيِ عَنْ... مَا نَسِ نَفْسِهِ

و از جای انس گرفتنش، به محل دور هجرت نمود. ۱۶/۲

ص : ۱۴۴



انس گرفتن مرزداران اسلام، با یکدیگر

وَ أَلْفَ جَمْعَهُمْ

و جمعشان را الفت ده. ۲/۲۷

انس گرفتن با:

أ. خداوند

يَا أُنْسُ كُلُّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ

ای آرام دل هر وحشت زده دور از وطن.

۴/۱۶

وَ هَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ

و انس با خودت را به من ببخش.

۱۱/۲۱

...بَلْ اجْعَلْ سَكُونَ قَلْبِي وَ أُنْسَ نَفْسِي وَ اسْتِعْنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود قرار ده.

۱۲/۲۱

وَ اعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْطَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ... وَ تَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و کوشش کردنم برای خو گرفتن با تو، آباد گردان. ۱۲۳/۴۷

ب. دوستان خدا و پیروان او

هَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ وَ بِأَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش. ۱۱/۲۱

ج. نیکان خلق

...بَلْ اجْعَلْ سَكُونَ قَلْبِي وَ اُنْسَ نَفْسِي وَ اسْتَعْنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلْقِكَ

...بلکه آرامش دلم و انس جانم و بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده. ۱۲/۲۱

د. مرگ

وَ اَنْسَنَا بِهِ قَادِمًا

و ما را به آن تازه وارد (مرگ)، انس ده.

۴/۴۰

ه. قرآن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. ۱۰/۴۲

و. رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ اَلَيْفِ اَنْسٍ مُقْبِلًا فَسَّرَ

درود بر تو همدمی که چون روی آورد، دل ها را آرام نمود و شادمان ساخت. ۲۷/۴۵

انسان

پناه بردن به خدا، از شرّ هر جنّ و انس

ص: ۱۴۵

وَ أَعِدُّنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَزْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده. ۶/۲۳

درود جنّ و انس، بر محمّد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً... تَشْتَمِلُ عَلَيَّ صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای بندگانت از جن و انس و اجابت کنندگان دعوتت را شامل شود.

۵۴/۴۷

انسائیت

حدود انسائیت و مرز حیوانیت

وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسائیت خارج شده، به مرز حیوانیت رومی آوردند. ۹/۱

انصاف عدل

انفاق

اثر و نتیجه انفاق

وَ أَصِْبِ بِي سَبِيلَ الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أُنْفِقُ مِنْهُ

و مرا در آنچه از آن دارایی انفاق می کنم، به راه رستگاری برسان. ۲۳/۲۰

انفاق در راه های خیر

وَ وَجَّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ إِتْفَاقِي

و انفاق نمودم را در مسیرهای خیر قرار ده.

انفاق کنندگان اموال، در راه خدا

وَقُلْتُ: مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبِتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ، وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

و فرمودی: «داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند.» ۱۳/۴۵

انقضا گذشته

انقطاع بریدن

انقیاد فرمانبری

انکار

ائمه علیهم السلام ، گواه بر منکران (دین)

ص : ۱۴۶

جَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَىٰ مَنْ جَحَدَ

ما را بر کسانی که انکار کرده اند، شاهد گرداند.

۲/۲

نزدیکان محمد صلی الله علیه و آله و انکار خداوند

وَ أَفْصَىٰ الْأَذْنَيْنِ عَلَىٰ جُحُودِهِمْ

و نزدیکان را بر اثر انکارشان، دور نمود.

۹/۲

انکار کردار شیطان

اللَّهُمَّ وَ أَشْرَبَ قُلُوبَنَا إِنْكَارَ عَمَلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز. ۸/۱۷

منکر احسان الهی

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا... كَالْمُنْكَرِ فَضَلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ...

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده. مانند انکارکننده بسیاری فضل تو به خودش.

۶/۳۱ و ۷

کیفر بنده و انکار نکردن عدل الهی

لَا يُنْكِرُ يَا إِلَهِي عَدْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ

ای خدای من، اگر او را عقوبت دهی، عدل تو را انکار نمی کند. ۱۰/۳۱

بنده و عدم انکار شایستگی کیفر الهی

إِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ ذَلِكَ يَا إِلَهِي تَفَعَّلَهُ بِمَنْ لَا يَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِكَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که شایستگی عقوبت تو را انکار نمی

اَوَّل

اَوَّل بودن خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بَلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ

سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده است. ۱/۱

عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوْلِيَّتِهِ

فرمانروایی تو، چنان با عزّت است، که حدّی برای اوّلش نیست. ۴/۳۲

كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوْلِيَّتِكَ

چنین است که تو خدایی هستی که در اوّلیت خود اوّلی. ۸/۳۲

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. نخستین پیش از هر کس. ۹/۴۷

اوّلین درخواست کننده از خدا

فَمَا أَنَا بِأَوَّلٍ رَاغِبٍ رَغِبٍ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ هُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ

ص : ۱۴۷

پس من اولین روآورنده نیستم که به تو روآورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است. ۲۰/۱۳

آتش، جزای اولین معصیت

وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ... فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِأَسْتَحْقَاقٍ... إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ  
النَّارَ

و اگر مرا بیامرزی هنگامی که مستوجب آمرزش تو باشم، پس بدرستی که آن از سزاوار بودن من نیست. زیرا کیفر من در نخستین گناهی که کردم، آتش بود. ۳۱/۱۶

اولین توبه کننده

وَإِنْ يَكُنِ التَّرْكَ لِمَعْصِيَتِكَ إِنَابَةً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُنِيبِينَ

و اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من نخستین بازگشت کننده ام. ۲۸/۳۱

سزاواری همه کیفرها، با اولین معصیت

وَلَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعُصْيَانِكَ كُلَّ مَا أَعَدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ

و حال آنکه او در آغاز که همت نافرمانی تو نمود، همه عقوبت های تو را که برای همه آفریدگانت آماده ساختی، سزاوار می شد.

۱۴/۳۷

درخواست دوام (نعمت) اول

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُشْتَدُّ بِهِ الْأَوَّلُ

سپاس برای توست. سپاسی که دوام اولین، به وسیله آن درخواست گردد. ۳۸ و ۳۶/۴۷

درودی با آغازی بی حد، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوْلِيهَا

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودی که مرزی در اولش نباشد. ۵۸/۴۷

جفت کردن اوایل نعمت های الهی، با اواخر آنها

وَاشْفَعْ لِي أَوَّيْلَ مَنِّكَ بِأَوَّخِرِهَا

و برای من اولین نعمت هایت را، با آخرین آن توأم ساز. ۱۲۱/۴۷

اولی الارحام خویشان

اولی الامر پیشوا

اهانت

تغییر معاشرتِ اهانت آمیز، به معاشرتِ نیک

أَبْدِلْنِي... مِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ

درباره من اهانت معاشران را به معاشرتِ نیک مبدل فرما. ۷/۲۰

ص : ۱۴۸



اهتمام کوشش

مورد اهتمام خدا قرار گرفتن

و بَلَّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنَيْتَ بِهِ

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای. ۱۰۵/۴۷

اهل خویشان

اهل بیت علیهم السلام

درود خداوند، بر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

خداوندا بر محمد و بر خانواده پاک و پاکیزه او درود فرست. ۱۵/۱۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

خداوندا بر محمد و بر خاندان پاکش درود فرست. ۱/۲۴

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً مَنِي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ سَلَامُكَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعت آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو

نیامده ام، جز شفاعت محمد و خانواده او - که درود تو بر او و بر ایشان باد - ۶/۴۸.

برپایی جنگ علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

وَ أَعِدَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شر هر جن و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده. ۶/۲۳

درود خداوند، بر پاکیزه تران اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ...

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست. ۵۶/۴۷

امید به شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ تَقَةً مِّنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ سَلَامُكَ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم و شفاعت آفریده ای که به او امید بسته باشم به درگاه تو نیامده ام، جز شفاعت محمد و خانواده او - که

ص : ۱۴۹

ایجاد اختراع

ایستادن قیام

در ملک خدا بودن هر ایستاده ای

وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ... مُقِيمُهُ وَ شَاخِصُهُ

و صبح کردند همه چیز از ثابت و رونده و همه از آن تو هستیم. ۹/۶

ایستادن به درگاه خدا

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي وَاقِفٌ بِيَابِ عِزِّكَ وَ قُوفَ الْمُشْتَسَلِمِ الدَّلِيلِ

پس ای خدای من، به درگاه عزت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام. ۴/۱۲

...فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ

...پس با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو برخاسته. ۸/۱۲

إِلَهِي... لَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ وَ قَدْ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

خدای من در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن. ۱۷/۱۶

ایستادن بنده، بین دعوت خدا و شیطان

وَ مَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى الشُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ

دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةِ الشَّيْطَانِ...

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم؟ ۲۳/۱۶

ایستادن در برابر خدا، تا ورم کردن پاها

يَا إِلَهِي لَوْ... قُمْتُ لَكَ حَتَّى تَنْشُرَ قَدَمَايَ... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنقدر در برابر تو بایستم تا پاهایم ورم کند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم

ایستادن در برابر خدا، با زاری

فَمَثَلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا

پس زاری کنان در پیشگاهت ایستاده است.

۹/۳۱

به پا ایستادن بنده، با امید به خدا و ترس از او

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ... وَاقْفًا بَيْنَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ

پس با وجودی فروتن پیش روی توست، در حالی که میان (دو راهی) میل به تو و ترس از تو ایستاده است. ۱۹/۳۲

ایستادگی بر احکام خدا

ص : ۱۵۰

اللَّهُمَّ وَ مَنْ ... قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس حدودش را آن طوری که حَقش بوده به پا داشته؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش. ۵۰/۴۵.

ایمان

حقیقت ایمان و علاقه به پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ... فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند، پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن. ۱/۴۲ و ۱/۴۲

طلب آمرزش، برای برادران ایمانی

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ...

همانها که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیش قدم شدند بیامرز.

۹/۴

کامل ترین ایمان

بَلِّغْ يَا إِيْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ

ایمان مرا به کامل ترین ایمان برسان. ۱/۲۰

به خدا ایمان آوردن

أَمَنْتُ بِمَنْ نُورَ بِكَ الظُّلْمَ

ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو ظلمت ها را نورانی ساخت. ۲/۴۳

أَمَنْتُ بِكَ

به تو ایمان آوردم. ۶/۵۲

وَ بِكَ أُوْمِنُ

و تنها به تو ایمان دارم. ۱۱/۵۲

ماه نو، ماه ایمان

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هَلَالًا أَمِنًا وَإِيمَانًا

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه ایمنی و ایمان قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵

ماه رمضان، و ایمانی چند برابر

و ضَاعَفَتْ فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ

و ایمان را در آن، چندین برابر نمودی.

۲۰/۴۵

قرار گرفتن در زمره اهل ایمان

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ

خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود قرار ده. ۱۲/۴۸

ص : ۱۵۱

شفاعت محمد صلی الله علیه و آله ، برای مؤمنان

وَ عَرَفَهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلًا مَا وَعَدْتَهُ

و او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن. ۲۵/۲

پناه بردن مؤمنان، به خدا

وَ أَعِدَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

و مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمتت از آنچه گفته شد پناه ده. ۱۰/۸

وَ أَعِدَّنَا... وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَدَّنَا مِنْهُ

و ما و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. ۱۵/۱۷

مردان و زنان مؤمن، در پناهگاه الهی

اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهْلَانَا وَ ذَوِي أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حِزِّ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ

پدران، مادران، فرزندان، خانواده، خویشان، نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شر) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده

و پناهگاهی بازدارنده قرار ده. ۱۰/۱۷

درخواست قرار گرفتن در مراتب مؤمنان

... وَ صَيَّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ وَ مَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ

... و به وسیله آن ما را در مرتبه های نیکوکاران و جایگاه های اهل ایمان قرار ده.

تبدیل غیبت کردن از مؤمن، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ... اغْتِيَابِ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از غیبت مؤمن غائب، سپاس برای خودت را قرار ده. ۱۳/۲۰

درجه و مقام والدین مؤمنان

وَ اَخْصُصْ اَبَوَيَّ بِاَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهٖ اَبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اُمَّهَاتِهِمْ

و پدر و مادر مرا به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده. ۱۲/۲۴

طلب درخواست از خداوند، برای تمامی مؤمنان

ص : ۱۵۲



وَ أَعْطِ جَمِيعَ... الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لَوْلَدِي...

و به همه مردان و زنان با ایمان، مانند آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش. ۱۲/۲۵

عذرخواهی از ادا نکردن حق مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ... مِنْ حَقِّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُوفِّهِ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از حق لازم حقدار مؤمنی که تمامش را ادا نکردم. ۱/۳۸

عذرخواهی از نپوشاندن عیب مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ... مِنْ عَيْبِ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از عیب مؤمنی که برای من آشکار شد، پس آن را نپوشاندم.

۱/۳۸

بنده، و آزار نرساندنش به فرد مؤمن

وَ امْنَعْنِي عَنْ أَدَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان بازدار. ۱/۳۹

قرار دادن محبت بنده، در دل های اهل ایمان

وَ اجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ذَا

و دوستی ما را در سینه های مؤمنان، قرار ده.

۱۶/۴۲

خوار نگرداندن پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، در روز قیامت

...يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

...روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. ۱۱/۴۵

شکوه رمضان، در دل های مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ... أَهْبَيْكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ

درود بر تو. چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان! ۳۲/۴۵

روز فطر، روز عید و سرور مؤمنان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا - الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُرُورًا

خداوندا ما در روز فطرمان که آن را برای اهل ایمان عید و شادی قرار دادی، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

امام علیه السلام ، پناه مؤمنان

فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِدِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ

پس او نگهدارنده پناهندگان و پناهگاه مؤمنان است. ۶۰/۴۷

ص : ۱۵۳

برکندن کینه مؤمنان، از سینه بنده

وَ اَنْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ

و کینه داشتن برای مؤمنان را از سینه ام بر کن.

۱۲۷/۴۷

تقسیم خیر بین مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان. ۲/۴۸.

شریک بودن در دعای مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می خواند، شریک گردانی. ۳/۴۸.

توکل مؤمنان

أَسْأَلُكَ... تَوَكَّلِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ

توکل مؤمنان بر تو را، از تو درخواست می نمایم. ۵/۵۴.

ایمنی

روانه ساختن تابعین، به جایگاهی امن

وَ تُصَيِّرْهُمْ إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ

و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی. ۱۹/۴.

ستمگر، و ایمنی از کيفر

اللَّهُمَّ... لَا تَفْتِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ

خداوندا او را به ایمنی از کیفیت آزمایش نکن. ۱۲/۱۴

بخشیدن ایمنی روز معاد، به بنده

وَهَبْ لِي أَمْنًا يَوْمَ الْمَعَادِ

و مرا آسایش روز بازگشت ببخش. ۲۰/۲۰

وَ اكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْقَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا

و با آن (قرآن)، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان. ۱۱/۴۲

عدم وجود ایمن کننده ای، هنگام ترس از خدا

وَ مَنْ يُوءِ مِنْنِي مِنْكَ وَ أَنْتَ أَحْفُتَنِي؟

و چه کسی مرا از تو امان بخشد، در حالی که تو مرا ترسانده ای؟ ۲/۲۱

غالب ایمنی دهنده مغلوب

لَا يُوءِ مِنْ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ

شکست خورده را جز پیروز، امان نمی بخشد.

۳/۲۱

ص : ۱۵۴

هنگام ایمنی و دریافت آرامش دل

...حَتَّى أَتَعْرِفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِثْلِي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ...

...تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است،

دریابم. ۱۱/۲۲

ایمن گشتن دشمن، از ظلم بنده

وَ ارْزُقْنِي... الْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلِهِ سَوَاءٍ... مُوَدِّعًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَ جَوْرِي

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدم شمارم. تا دشمنم از ظلم و ستم من ایمن باشد. ۱۳/۲۲

ایمنی، منت خدا بر بنده

إِثْنُ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَ الْأَمْنِ...

با تندرستی و ایمنی بر من منت گذار.

۳/۲۳

شیطان، ایمن سازنده بندگان از کیفر الهی

يُؤْءِ مِنَّنَا عِقَابَكَ، وَ يُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ

(شیطان) ما را از کیفر تو ایمنی می دهد و از غیر تو می ترساند. ۶/۲۵

ایمنی بنده، در پرتو عفو الهی

وَ قَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فَلْيُؤْءِ مِنِّي عَفْوُكَ

و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایش مرا ایمن گرداند. ۲۵/۳۱

نمود پناه دهنده ای برای ایمن ساختن بنده، در برابر خدا

وَلَا خَفِيرٌ يُؤْءِ مَنِّي عَلَيْكَ

و نه پناه دهنده ای هست که برایم از تو امان گیرد. ۱۴/۳۲

بردن بنده در راه های ایمن شدگان

و وَجَّهِنِي فِي مَسَالِكِ الْأَمِينِ

و مرا به سوی راه های ایمن شدگان بفرست.

۴/۴۱

ماه نو، هلال ایمنی از آفات

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْأَفَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه ایمنی از آفت ها قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵

ص : ۱۵۵

از خدا ایمن گشتن و از بندگان ترسیدن

أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ

منم آنکه از بندگان ترسیده و از تو آسوده خاطر بودم. ۸۰/۴۷

طلب ایمنی از:

أ. خشم خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... أَمْنَا مِنْ غَضَبِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که ایمنی از خشمش باشد. ۲۹ و ۲۷/۱

وَ أَكْتُبُ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس.

۳۳/۱۶

ب. نفس

وَ آمِنُ خَوْفَ نَفْسِي

و ترس وجودم را ایمنی ده. ۱۶/۱۲

ج. گناهان

وَ آمِنُ مِنَ السَّيِّئَاتِ فَرَقًا وَ خَوْفًا

و از نواهی از روی ترس و بیم ایمن بمانم.

۸/۲۲

د. شرّ و بدی

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوءَمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منحرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی اش ایمن

سازی.

۷/۲۳۸

ه. سخت گیری های دردناک خداوند

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ، وَ تَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ

خداوندا و همانا من به در گاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم ماند و از قهرهای دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد. ۲۲/۳۱

و. آنچه بنده از آن می ترسد

وَ آمِنِّي مَا حَذَرْتُ

و از آنچه ترسیده ام، مرا ایمنی ده.

۲۰/۳۲

ز. بدی آرزو

وَ آمِنَّا مِنْ شُرُورِهِ

و ما را از شرورش ایمن ساز. ۲/۴۰

ح. آفات

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ

ص : ۱۵۶



پس از خدا درخواست می‌کنم که تو را ماه ایمنی از آفت‌ها قرار دهد.

۴/۴۳ و ۵

ط. عذاب الهی

وَ أَسْأَلُكَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ آمِنِّي

و ایمنی از عذابت را از تو می‌خواهم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا ایمن ساز. ۱۹/۴۸

ی. عقاب الهی

وَ آمِنُ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ

و به وسیله آن، از کیفرت ایمن گردم.

۱۷/۴۹

ص : ۱۵۷



فرشتگان زمامدار خزانه های باد

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَالْقَوْمِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيحِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و زمامداران بر گنجینه بادها. ۱۵ و ۱۱ و ۳/۱۰

باد گرم

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سُمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده. ۱۹/۶

بادیه بیابان

باران

فرشتگان، خزانه دار باران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ... خُزَانِ الْمَطَرِ وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که خزانه داران باران و حرکت دهندگان

ابرند. ۱۳ و ۱۱ و ۳/۱۰

فرشتگان فرود آمده با دانه های باران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَالْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و فرودآمدگان به همراه قطره های نازل شده

باران. ۱۵ و ۱۱ و ۳/۱۰

فرشتگان آشنا با پیمانان های باران

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ... كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَعَوَالِجُهَا

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگانی که پیمانان باران های شدید و رگبارهای

متراکم را به آنان شناسانده ای. ۱۶ و ۱۱ و ۳/۱۰

رحمت الهی و باران فراوان

وَ أَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بَغِيْثِكَ الْمُعْدِي...

و رحمت را با باران فراوان، بر ما بگستران.

۱/۱۹

ص : ۱۵۹

سیراب گرداندن بندگان، به باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ

خداوندا ما را از باران سیراب نما. ۱/۱۹

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا...

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش سیراب گردان. ۴/۱۹

درخواست همیشگی نبودن باران ابر

وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَ تَوَسَّعْ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتْرَاكِمًا... غَيْرَ مُلْتٌ وَ دَقُّهُ

و رحمت را با باران فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، نه ابری پیوسته  
بارانی. ۳ و ۱/۱۹

آب رسانی سودمند، با بارانی سخت و تند

وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ. بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ عَزْرُهُ، وَاسِعِ دَرْرُهُ، وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ

و فرشتگان بزرگوار نویسنده ات را به فرستادن آبی سودمند از جانب خود - که فراوانی اش همیشگی، جاری شدنش بسیار،  
سخت، تند و شتابان باشد - آماده ساز. ۲/۱۹

عذاب نگرداندن ریزش باران، بر بندگان

اللَّهُمَّ... لَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا

خداوندا باریدنش را بر ما تیر بلا قرار نده.

۶/۱۹

فرمان ریزش باران ندادن، به آسمان

لَا تَأْذَنْ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرِ

آسمانشان را در باریدن، اذن نده. ۶/۲۷

نباراندن باران زیان آور، بر بندگان

فَلَا تُمِطُّنَا بِهِمَا مَطَرِ السَّوَاءِ

پس به سبب آن دو (ابر و آذرخش)، باران زیانبار بر ما نباران. ۱/۳۶

باراندن ابرهای نعمت، بر بنده

وَ كَمْ مِنْ... سَحَابٍ نَعَمَّ أَمْطَرْتَهَا عَلَيَّ

و چه بسیار ابرهای نعمت افزایی که بر من باراندی. ۱۱/۴۹

بارز آشکار

بارو قلعه

بارور

بارور نمودن نیکی ها، از جانب خداوند

وَ يَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ يُنْمِيَهَا

و ای کسی که نیکی را بارور می کند، تا آن را بیفزاید. ۱۱/۴۶

باریک

باریک گشتن گردن بنده، با گناهان

ص : ۱۶۰

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقِيَّتِي قَدْ أُرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ

خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده. ۲۹/۱۶

بازداشتن

عدم بازداشتن بندگان، از معرفت حمد خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَيَّ مَا أَثْبَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعِهِ... لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ...

و سپاس خدای را که اگر بندگان را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی در پی که به ایشان داده باز می داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

سپاسی جلوگیری از معصیت

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... حَاجِزًا عَنِ مَعْصِيَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که مانعی از معصیتش باشد. ۲۹ و ۲۷/۱

بازداشتن تابعین، از مکر شیطان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که

به سبب آن آنان را از حيله شیطان بازدارد.

۱۴ و ۱۳/۴

عطای الهی و منع منع کنندگان

اللَّهُمَّ... مَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعَ الْمَانِعِينَ

خداوندا هر که را تو عطا فرمودی، جلوگیری کردن منع کنندگان از او نکاست. ۱۲/۵

ناامید نساختن بندگان، با منع نمودن ایشان

وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ

و به منع خویش، ما را ناامید مکن. ۳/۱۰

خصلت های بازدارنده بنده، از طلب درخواست از خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالَ ثَلَاثٍ... يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ. فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَ نَهَيْتَنِي نَهْيَتِي عَنْهُ. فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ. فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا

خداوند سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد. بازمی دارد مرا، امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن کندی کردم، و کاری که مرا از آن بازداشتی و من به سوی آن شتافتم و نعمتی که به من بخشیدی و من در شکرگزاری آن کوتاهی کردم. ۲ و ۱/۱۲

سزاوار منع بودن بنده و عطای خدا به او

ص : ۱۶۱



فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتُهُ وَهُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنَعَ

پس من اولین روآورنده نیستم که به تو روآورده و به او بخشش کردی، با اینکه سزاوار منع است. ۲۰/۱۳

تَشْتَرُ عَلَيَّ مِنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَ تَجُودُ عَلَيَّ مِنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَ كَلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ وَ الْمَنَعِ...

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی، و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. و حال آنکه هر دو از جانب تو سزاوار رسوایی و محرومیتند.

۸/۴۵

منع الهی، از هتک حرمت دیگران

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا... انْتَهَكُهُ مِنِّي مِمَّا حَجَزَتْ عَلَيْهِ

ای خدای من، تو می دانی از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای. ۵/۱۴

طلب بازداشتن ستمگر از ستم

وَ خُذْ ظَالِمِي وَ عُدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ

و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. ۶/۱۴

بخشش خدا، افزون تر از منع او

وَ أَنْتَ الَّذِي عَطَاوُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ

و تویی آنکه عطا و بخشش او بیش از محروم

نمودنش است. ۹/۱۶

بازداشتن شیطان از حرص، نسبت به بندگان

وَ ادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا

و او (شیطان) را از حریص بودن به ما باز دار.

۹/۱۷

پناهگاه بازدارنده از شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا... مِنْهُ فِي... كَهْفٍ مَانِعٍ

و پدرانمان را، از (شرّ) او در پناهگاهی بازدارنده قرار ده. ۱۰/۱۷

بازداشتن شیطان، از تصمیم خود

اللَّهُمَّ... تَبَّطُّهُ إِذَا عَزَمَ

خداوندا هر تصمیمی (شیطان) گرفت، از اقدامش بازدار. ۱۲/۱۷

منع الهی از رحمت خویش

وَ لَا تَفْتِنِّي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرُّتُ... فَأَسْتَحِقَّ بِدَلِيكَ خِذْلَانِكَ وَ مَنَعَكَ وَ إِعْرَاضَكَ

و مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی ام، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار خواری و بی بهره‌گی و روی گرداندن تو شوم.

۱۲/۲۰

توانایی خدا بر بازداشتن بنده (از ستم)

ص : ۱۶۲

وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي

و (چنان کن که) بر کسی ستم نکنم، در حالی که تو قادری بازم داری. ۱۴/۲۰

به دست خدا بودن عطا و منع

أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ

تو عهده دار بخشیدن و بازداشتنی، نه آنها.

۲۶/۲۰

بازداشتن فضل خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ... مَنْعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ

خداوندا اگر فضل بزرگت را از من بازداری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

اندوهگین نشدن، با بازدارندگی خدا

وَ اجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ... حَتَّى... لَا أَحْزَنَ عَلَيَّ مَا مَنْعْتَنِي فِيهَا

و ستایش مرا ویژه خودت قرار ده. تا به آنچه مرا از آن بازداشته ای، غمگین نگردم. ۹/۲۱

بازنداشتن روزی بنده، از او

فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي

پس روزی ام را از من بازمدار. ۲/۲۲

بازداشتن شر بدخواهان، از بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و شرش را از من بازدار. ۷/۲۳

شیطان، بازدارنده از قصد عمل صالح

إِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ بَطَّنَا عَنْهُ

چنانچه قصد کار شایسته ای کردیم، (شیطان) ما را از آن بازدارد. ۷/۲۵

دعا، سبب بازداشتن شیطان از بنده

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ...

خداوندا با سلطه خود، تسلط او را از ما دور کن، تا اینکه با دعای زیاد ما، او را از ما بازدارد.

۸/۲۵

بازنداشتن بنده، از دعا

وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي، وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ

و اجابت (دعا) را از من دریغ نکن، که خود آن را ضمانت کرده ای و دعایم را از خود بازندار، که خود مرا به آن امر فرموده

ای. ۹/۲۵

منع نشدن از جانب خدا، با توکل بر او

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُضْلِحِينَ بِسُوءِ الْإِيَّاكَ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ غَيْرِ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ

و مرا در همه آن (امور) به خاطر درخواستم

ص: ۱۶۳

از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. که با توکل بر تو، (از لطف) بازداشته نشدند. ۱۰/۲۵

در آمدن مانعی بین بندگان و گناهان

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْم - حَالِ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده، قرار ده.

۱۱ و ۱۰/۲۵

جلوگیری از فقر و نیازمندی

وَ وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... سَدِّ خَلَّتِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در برطرف کردن کم و کاستشان، توفیق ده. ۲/۲۶

بازداشتن دست دشمنان مرزداران اسلام، از گشودن

وَ أَقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ

و دست هایشان را از گشودن بازدار. ۵/۲۷

بازداشتن مشرکان، از گرد آمدنشان علیه مسلمانان

وَ جَبْطُهُمْ بِالْفَرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ

و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضد مسلمانان بازشان دار. ۱۰/۲۷

بازداشتن قلعه های زمین، از مشرکان

وَ أَمْنَعْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ

و پناهگاه های آن (زمین) را از آنها بازدار.

۱۲/۲۷

پیش آمدن مانعی برای جهاد مسلمان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرٌ الْإِسْلَامِ... فَتَعَدَّ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ عَرَّضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، اما ناتوانی او را بازداشت، یا مانعی در راه اراده اش ایجاد شد؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

عصمتی بازدارنده (از گناهان)

و تَوَلَّيْ بِعِضْمِهِ مَانِعِهِ

و به نگهداری بازدارنده، سرپرستی ام کن.

۱۹/۳۱

عدم وجود محلّ بازدارنده بنده، از خدا

و لَا حِصْنٌ يَحْجُبُنِي عَنْكَ

و نه جای استواری است که مرا از تو بازدارد.

۱۴/۳۲

ص : ۱۶۴

عامل بازدارنده از بدخویی

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ... وَاعِظًا لَنَا، وَزَاجِرًا عَنِ سُوءِ الْخُلُقِ، وَاقْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ

پس آن عیب‌ها که پوشانیدی، برای ما پنددهنده و بازدارنده از بدخویی و خطاکاری، قرار ده.

۳/۳۴

آزمایش و بازداشته شدن توسط خداوند

وَلَا تَفْتِنُهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي...

و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نساز. ۲/۳۵

سپاس از خدا، برای بازداشته هایش از بنده

وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَيَّ مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَيَّ مَا خَوَّلْتَنِي

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

۳/۳۵

عدم (توانایی) امتناع و بازداشتن غلبه الهی

وَلَا بِأَحَدٍ عَن سَطْوَتِكَ امْتِنَاعٌ

و هیچ کس از غلبه ات امتناع نتواند کرد.

۵/۳۶

شکرگزاری، و توانایی خودداری از آن

تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ... حَتَّى كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَكُوا اسْتِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گردانیدی - کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای. ۶/۳۷

منع الهی بر ریختن آبروی دیگران

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ... انْتَهَكَ مِنِّي مَا حَجَزْتَ عَلَيْهِ... فَاعْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّي

خداوندا و هر بنده ای که آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرزد. ۲/۳۹

بازنداشتن فضل الهی، از بندگان

...لَأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که فضل خود را از کسی باز نمی دارد. ۱۳/۳۹

عامل بازدارنده گام ها، از رفتن به سوی گناه

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِسًا

ص : ۱۶۵



و قرآن را نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، قرار ده. ۱۰/۴۲

عامل بازدارنده اندام، از انجام گناه

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِحِجَارِ حِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْاَثَامِ زَاجِرًا

و قرآن را مانع برای اندام های ما از انجام گناهان، قرار ده. ۱۰/۴۲

بازدارنده بودن مثل های قرآن (از گناه)

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ امْتِثَالِهِ...

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مثل های بازدارنده اش را به دل های ما برسانی. ۱۰/۴۲

قرآن، بازدارنده از تجاوز از احکام الهی

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَ تَعَدَّى حُدُودِكَ ذَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد.

۱۲/۴۲

منع خوردنی و آشامیدنی، در ماه رمضان

وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ اِكْرَامًا

و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود. ۴/۴۴

روزه و بازداشتن اندام از گناهان

أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ

ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان، یاری فرما. ۶/۴۴

نرفتن به سوی منع شده ها (در ماه رمضان)

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى... لَا نَخْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان، یاری فرما. تا با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم. ۶/۴۴ و ۷/۴۴

از روی ستم نبودن بازدارندگی خدا

إِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنُوعَكَ تَعَدِّيًّا

اگر منع کنی، منع داشتنت از روی ستم نیست.

۵/۴۵

بازایستادن از نهی امام علیه السلام

وَأَمْرَتٌ بِامْتِنَالِ أَوْامِرِهِ، وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ

و فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و از نهی های او بازایستند. ۶۰/۴۷

منع نمودن خدا و بازنايستادن بنده

زَجْرَتُهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ

او را بازداشتی، پس بازنايستاد. ۶۸/۴۷

بازداشته نشدن بنده از خدا، توسط مانعی

ص : ۱۶۶

وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُوقِنًا أَنَّهُ... لَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ

و اینک منم در پیشگاه تو، باوردارنده به اینکه هیچ بازدارنده ای مرا از (بلای) تو باز نمی دارد.

۶۹/۴۷

بازداشتن و برنگرداندن نازپروردگان

فِيَا مَنْ... لَا يَنْدُهُ الْمُتَرْفِينَ

پس ای آنکه نازپروردگان را نمی رانی.

۷۵/۴۷

بازداشتن بنده، از قصد نمودن آنچه نزد خداست

وَ أَعْدَنِي مِمَّا... يَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ

و از چیزی که مرا از آنچه نزد تو می خواهم، باز می دارد، مرا نگهدار. ۹۳/۴۷

مانعی بین بنده و سود او

وَ أَعْدَنِي مِمَّا... يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ

و از چیزی که میان من و بهره ام از تو، مانع می شود، مرا نگهدار. ۹۳/۴۷

ایجاد مانعی بین بنده و خواهش نفسش

وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي، وَ هَوَى يُوبِقُنِي، وَ مَنَقَصَهُ تَرْهَقُنِي

و میان من و دشمنی که مرا گمراه می کند، و

خواهش نفس که مرا هلاک می گرداند، و نقیصه ای که مرا فرامی گیرد، جدایی انداز. ۹۹/۴۷

بازایستادن از بدی های زشت

وَ أَشْعُرُ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ

و دلم را به خودداری از بدی های زشت، بیوشان. ۱۰۷/۴۷

دوستی دنیا، منع کننده از آنچه نزد خداست

وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دِينِي، تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ

و دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بر کن. ۱۰۹/۴۷

بازداشته نشدن آمرزش الهی، از گنهکاران

ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُذَّتْ عَلَيْهِمُ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ

سپس اصرار بسیار آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازداشت. ۷/۴۸

مانع و جلوگیری خدا نبودن هیچ کس

وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْزِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ

و اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود؟ ۱۵/۴۸

بازداشته نشدن خدا، از اتمام احسانش

ص : ۱۶۷

لَمْ تَمْنَعَكَ إِسَاءَتِي عَنْ إِيْتَامِ إِحْسَانِكَ

بدکرداری من تو را از تمام نمودن احسانت باز نداشت. ۱۳/۴۹

امتناع خداوند و امتناع بنده

أَبَيْتَ يَا مَوْلَايَ إِلَّا إِحْسَانًا وَ أَمِينًا وَ تَطَوُّلاً وَ إِنْعَامًا، وَ أَبَيْتُ إِلَّا تَفْحَمًا لِحُرْمَاتِكَ

تو ای مولای من، جز احسان و بخشش و لطف و انعام کاری نکرده ای و من هم جز وارد شدن در حرام های تو کاری نداشته

ام. ۱۴/۴۹

منع قضا و قدر ترسناک الهی، از بنده

وَ مَنَعَتْ مِنِّي مَحْذُورَ الْقَضَاءِ

و مقدراتی که موجب ترس است را از من بازداشتی. ۲/۵۱

عدم توانایی بنده، بر منع قدرت الهی

وَ لَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ

و کسی که قدرت تو را تکذیب نمود، نمی تواند خود را از تو بازدارد. ۳/۵۲

خدا، بازدارنده بنده از:

أ. ستم

وَ أَحْبَبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ

و ما را از کج روی در عظمت خود بازدار.

۱/۵

ب. اسراف و زیاده روی

وَ أَمْنَعِنِي مِنَ السَّرْفِ

و مرا از اسرافکاری بازدار. ۲۳/۲۰

وَ احْجُبْنِي عَنِ السَّرْفِ وَ الْاِزْدِيَادِ

و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار.

۳/۳۰

ج. گناهان

وَ اخْضُرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ

و از گناهان بازم دار. ۵/۲۲

أَسْتَعِصِمُكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اعْصِمْنِي

از تو می خواهم که مرا (از گناه) باز داری، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا (از گناه) باز دار. ۲۷/۴۸

د. آزار رساندن به مؤمنان

وَ امْنَعْنِي عَنِ اَذَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ

و مرا از آزار رساندن به هر مرد و زن با ایمان و به هر مرد و زن مسلمان باز دار.

۱/۳۹

ه. آرزوی دراز

وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ

و ما را از آرزوی دراز باز دار. ۱/۴۰

و. در دل گذراندن اندیشه های بد

ص : ۱۶۸

وَ اِخْجَبْ بِهٖ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنِ صِحَّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن (قرآن)، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار. ۱۱/۴۲

ز. درخواست آنچه نزد فاسقان است

وَ ذُنُوبِي عَنِ التَّمَّاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ

و مرا از طلبیدن آنچه نزد فاسقان است، باز دار. ۱۳۱/۴۷

ح. سختی

فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ

پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او بازداشتی. ۱۰/۴۹

بازگرداندن بازگشت

بازگشت

بازگشت تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، در حال خواهان و ترسان بودن از خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ ... صَلَاةً ... تَبْعُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ ... لِتَرْدَهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به

خود برانگیزی. بدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی.

۱۶-۱۳/۴

عدم بازگرداننده ای، برای آنچه خدا به بنده رساند

فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أُوْرِدَتْ

پس برای آنچه به من رساندی، بازگرداننده ای نیست. ۷/۷

عدم وجود بازگرداننده ای، برای آنچه خدا متوجه ساخته

وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهَتْ

و برای آنچه بر من فرستادی، دورکننده ای نیست. ۷/۷

پناه بردن به خدا، از بدی بازگشت

و نَعُوذُ بِكَ مِنْ... سُوءِ الْمَأْتَبِ

و پناه می بریم به تو از بدی سرنوشت. ۹/۸

شادمان برگشتن نویسندگان نیکی ها، از نزد بندگان

و يَتَوَلَّى كُتَّابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا

و نویسندگان خوبی ها - به سبب آنچه از نیکی های ما نوشته اند - شادمان برگردند. ۲/۱۱

ص : ۱۶۹



بازگشت از به سر درآمدن (در گناه)

رَجَعْتُ وَ نَكَصْتُ بِتَسَدِيدِكَ عَنْ عَثْرَتِي

با راهنمایی تو برگشته و از لغزشم دست برداشتم. ۱۶/۱۳

ناامید برنگرداندن بنده، از درگاه خدا

فَأَسْأَلُكَ... أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پس از تو می خواهم مرا ناامید برنگردانی.

۲۵/۱۳

مِنْهَا فَرَزْتُ إِلَيْكَ رَبِّ... دَاعِيًا فَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که خواهانم، به سوی تو گریخته ام، پس مرا ناامید برنگردان. ۸/۵۱

بازگشت از گناه را، روزی بنده نمودن

وَ ارزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ

و نیکی بازگشت از گناه را روزی ام فرما.

۳۳/۱۶

بازگرداندن آنچه از دست رفته، با باران

وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ

و با آن آنچه را که از دست رفته، برگردانی.

۳/۱۹

بازگشت گیاه (سبز پیشین)، با باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا عَيْثًا... تَرُدُّ بِهِ النَّهِيضَ

خداوندا ما را از بارانی که با آن گیاه روینده را بازگردانی، سیراب گردان. ۴/۱۹

بازنگرداندن دعا و درخواست بنده، به خودش

وَلَا تَرُدُّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا

و دعایم را به خودم بازگردان. ۲۲/۲۰

بازگرداندن بدخواه، از بنده

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز. ۷/۲۳

برگرداندن مکر و فریب شیطان، از بنده

وَاللَّا تَصْرِفُ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلَّنَا

و اگر فریب او را از ما بازنداری، گمراهمان کند. ۷/۲۵

وَأَتَّضِعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ عَنِّي

و به درگاه تو زاری می کنم، تا فریبش را از من بازگردانی. ۲۷/۳۲

خدا، بازگرداننده همگان (در قیامت)

إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ الْمُبْدِي الْمُعِيدُ...

به درستی که تو بسیار نعمت دهنده، ستوده، آغازگر، (و) بازگرداننده هستی. ۱۸/۲۷

در دل نگذراندن بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَهُ مَنْ... لَا يُضْمِرُ أَنْ يَعُودَ فِي خَطِيئِهِ

خداوندا من به در گاهت توبه می کنم، توبه کسی که قصد بازگشت به خطا را ندارد. ۱۴/۳۱

بازنگشتن به امر ناپسند

وَ لَكَ يَا رَبِّ شَرْطِي أَلَّا أَعُودَ فِي مَكْرُوهِكَ

و ای پروردگار من، با تو قرار می گذارم، در کاری که ناپسند توست، برنگردم. ۱۶/۳۱

توبه و بازگشت به گناه و خطای خویش

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُودُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداوندا، هر بنده ای که به در گاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم. ۲۰/۳۱

بازنگرداندن بنده، به ناامیدی از رحمت الهی

وَ لَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَبِيئَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ

و مرا به ناامیدی از رحمت بازگردان.

۲۹/۳۱

بازگشتی گرامی

وَ اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِي هِيَ أَحْمَدُ عَاقِبَتِهَا، وَ أَكْرَمُ مَصِيرًا

و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر و سرانجامش گرامی تر است، ختم کن. ۶/۳۳

بازگرداندن زیان ابرها، از بندگان

وَ اصْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا وَ مَضَرَّتِهَا

و آزار و زیانشان را از ما برگردان. ۲/۳۶

دیر شمردن بازگشت به سوی خدا

وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبِطُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن بازگشت به سوی تو را کُند شماریم. ۳/۴۰

خوار نکردن بنده، با برگرداندنش از (درگاه) خدا

وَلَا تَسْمِنِي بِالرَّدِّ عَنْكَ

و با دست رد زدن بر سینه ام، مرا خوار نساز.

۱/۴۱

بازگشت بنده، نزد آنکه از بنده دوری گزیده

وَقَفْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُرَاجِعُ مَنْ هَاجَرَنَا

ما را در آن ماه توفیق ده، که به کسی که از ما دوری نموده، بازگردیم. ۱۰/۴۴

برگشتن بنده از حق و بازگرداندن او به حق

ص : ۱۷۱

وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا

و اگر در آن (ماه) کجروی کرده ایم، پس ما را بازگردان. ۱۶/۴۴

ترس دل ها، از بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ... الَّذِينَ يُؤْءُتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که آنچه را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است.

۱۸/۴۴

رمضان و بازگشت بدی ها، از بندگان

كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكُمْ عَنَّا

چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد! ۳۹/۴۵

بازگشت به طاعت و فرمانبری خداوند

وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ... قَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِكَ

و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که بازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته ای.

۵۴/۴۵

کرم الهی و برگشتن آرزوها با خواسته ها

انصرفتِ الأَمَالُ دُونَ مَدَىٰ كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با

حاجت ها برآورده شده است. ۱۲/۴۶

بازگشت بندگان، به فرمان الهی

وَإِنَّمَا تَأْتِيَتْ بِهِمْ لِيَفِيؤُوا إِلَىٰ أَمْرِكَ

و همانا از این رو با آنان درنگ کرده ای، تا به فرمان تو بازگردند. ۱۷/۴۶

عذاب همیشگی در صورت برگشتن از خدا

فَالْوَيْلُ لِلدَّائِمِ لِمَنْ جَنَحَ عَنْكَ

پس افسوس همیشگی، برای کسیست که از تو برگشته. ۱۹/۴۶

بازگشت پی در پی (مغرور به کرم خدا)، در کیفر الهی

وَمَا أَطْوَلَ تَرُدُّدُهُ فِي عِقَابِكَ

و چه طولانی است پی در پی بازگشتنش، در کيفرت! ۲۰/۴۶

نمود بازگرداننده ای برای مشیت الهی

سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ

پاک و منزهی! برای مشیت تو بازگرداننده ای نیست. ۳۰/۴۷

بی زیان گشتن بازگشت بنده (به قیامت)

وَ اجْعَلْ... كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ

و بازگشتتم (به قیامت) را بی زیان قرار ده.

۱۲۶/۴۷

ص : ۱۷۲

خداوند، تنها بازگرداننده بدی از بنده

فَإِنِّي... لَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءًا قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ

پس به درستی که هیچ کس جز تو بدی ای را از من برنگردانده است. ۴/۴۸

برنگشتن بنده به ناپسند الهی

فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ

پس به درستی که اگر تو بخواهی، من هرگز به چیزی که آن را از من نپسندیده ای، برنمی گردم.

۲۷/۴۸

شناخت نسبت به آنچه (گناهانی که) خدا بر گردانده

ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتَ إِذْ عَرَفْتَنِيهِ

سپس چون آگاهم کردی، آنچه را بر گردانده بودی شناختم. ۱/۴۹

بازگرداندن نشانه گیری دشمن، به خودش

وَ جَعَلْتَ مَا سَدَّدَهُ مَرْدُودًا عَلَيْهِ

و آنچه آن را نشانه گرفته بود، بر خودش برگرداندی. ۶/۴۹

برگرداندن دشمن و عدم بهبودی خشمش

فَرَدَّدْتَهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ، وَ لَمْ يَسْكُنْ غَلِيلُهُ

پس در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را باز گرداندی. ۶/۴۹

بازگرداندن ستمگر، در پرتگاه گودالش

رَدَّدْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ

او را در پرتگاه گودالش باز گرداندی. ۸/۴۹

بازگرداندن سختی بلا، از بنده

وَ صَرَفْتُ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ

و سختی گرفتاری را از من دور کردی. ۲/۵۱

إِلَهِي فَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتُ عَنِّي

خدای من، پس چه بسیار بلاهای سختی که از من برگرداندی! ۳/۵۱

ناتوانی از بازگرداندن فرمان الهی

وَ لَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يُرَدَّ أَمْرَكَ

و کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند. ۳/۵۲

اندک بودن اندیشه بنده، نسبت به آنچه به سویش بازمی گردد

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَ الْ... فِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که اندیشه اش برای آنچه به سوی آن بازمی گردد، اندک

است. ۸/۵۲

بازگشت بنده، در میان یاران خدا

وَ اجْعَلْ... فِي أَحْبَابِكَ مَصْدَرِي

ص: ۱۷۳



و بازگشتم را در میان یارانت، قرار ده. ۷/۵۳

بازگشت بندگان به سوی:

أ. خوشنودکننده خداوند

فَمِلْ بِنَا إِلَىٰ مَا يُؤْصِيكَ عَنَّا

پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان. ۳/۹

ب. گذشت الهی

وَ اجْعَلْ... مُتَحَوِّلِي عَن صَرَعتِي إِلَىٰ تَجَاوُزِكَ

و بازگشت از به زمین افتادیم را به گذشت خود، قرار ده. ۶/۱۵

ج. آنچه خداوند دوست دارد

وَ اصْرِفْنِي بِقُدْرَتِكَ إِلَىٰ مَا أَحْبَبْتَ

و به قدرت خود، مرا به آنچه دوست داری، بازگردان. ۱۷/۳۱

د. خداوند

إِلَيْكَ الْمَصِيرُ

بازگشت (همه) به سوی توست. ۷/۳۶

وَ أَمْرُهُمْ آئِلَةٌ إِلَىٰ أَمْرِكَ

و کردارشان به فرمان تو بازمی گردد.

۱۸/۴۶

وَ أَكْرَمُ مِنِّ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِي

و رفتنم را از نزدت و بازگشتم را به

سویت، گرامی دار. ۲۵/۴۶

وَ كُلِّ صَائِرٍ إِلَيْكَ

و همه به سوی تو برگشت کننده اند.

۵/۵۲

هـ. حکم خداوند

كُلُّهُمْ صَائِرُونَ، إِلَى حُكْمِكَ

همه ایشان به حکم تو می رسند. ۱۸/۴۶

و. بسیاری کرامت و رحمت خداوند

إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ... أَنْ تُثَبِّتَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ

خدای من، به آن حق واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که با رحمت خویش مرا به بسیاری بخشش خود بازگردانی. ۱۰/۵۲

بازماندن

بازماندن چشم ها، از دیدن خدا

و يَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُوعَيْتِهِ الْأَبْصَارُ

و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است.

۴/۵

بازو

استوار نمودن بازوی والدین، به وسیله

ص : ۱۷۴

فرزندان

اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي

خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان. ۴/۲۵

توانایی بخشیدن به بازوی ولی خدا

وَقَوِّ عَضْدَهُ

و بازویش را قوت ده. ۶۱/۴۷

باطل

پناه بردن به خدا، از اختیار نمودن باطل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... إِيثارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ

خداوندا به تو پناه می برم از برتری دادن باطل بر حق. ۱/۸ و ۲

نفس و اختیار نمودن باطل

و لَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَ اِخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقَتْ

و در آنگاه، نفوس ما را به اختیار خود وامگذار، چون آن باطل را برمی گزیند مگر تو توفیق دهی. ۴/۹

فرورفتن در باطل و نادرستی

وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ... مَنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ...

و چه کسی از من در نادرستی فرورونده تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می

پذیرم؟ ۲۳/۱۶۴

بی باکی در باطل

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - در انجام باطل گستاخ تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا

باشم.

باطل آرابی شیطان، برای بندگان

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَّفْنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. ۷/۱۷

تبدیل گواهی باطل بنده، به سپاس الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ... أَوْ شَهَادَةِ بَاطِلٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از سخن زشت یا گواهی نادرست، سپاس برای خودت را قرار

ده. ۱۳/۲۰

شیطان و نمایاندن باطل، به صورت حق

وَلَوْ لَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

ص : ۱۷۵

و اگر او (شیطان)، باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهی از راه تو گمراه نمی شد. ۹/۳۷

عامل بازدارنده زبان ها، از فرو رفتن در باطل

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْصِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَهُ مُخْرَسًا

و قرآن را بندآورنده زبان هایمان از فرورفتن در باطل، بی آنکه از بیماری باشد، قرار ده.

۱۰/۴۲

باطل نشدن برهان الهی

وَ لَمْ يَدْخُصْ لَتَرْكِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُكَ

و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است. ۱۸/۴۶

پابرجایی حجت الهی و باطل نشدن آن

حُجَّتُكَ قَائِمَةٌ لَا تُدْخِصُ

حجت تو پابرجاست که باطل نمی شود.

۱۹/۴۶

باطن درون

باغ

تابعین و باغ های بهشتی

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... تَفْسُخُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که در باغ های بهشتت بر ایشان وسعت دهی.

۱۳/۴ و ۱۴

بالا بلند

بامداد صبح

بخت بدبختی و نیز خوش بختی

بخشایش آمرزش و نیز عفو

بخشش کرم

بخشش نعمت های پی درپی، به بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَوْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعَهُ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَطَاهِرَهُ، لَتَصَيَّرُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ...

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر بخشش های پی درپی که به ایشان داده و نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده باز می داشت، آنها نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند. ۸/۱

بخشش الهی و بی نیازی از دیگران

اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَبِّ الْوَهَابِينَ بِهَيْتِكَ... حَتَّى لَا نَزْعَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدْلِكَ

خداوندا ما را با عطای خود، از بخشش بخشنندگان بی نیاز کن، تا با بخشش تو از دیگران درخواست نکنیم. ۷/۵

وَ اَغْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ يَا زَفَادِكَ

و به یاری خود ما را از غیر خود بی نیاز گردان.

۱۳/۵

بخشندگی دیگران

وَ اِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ

و به درستی که بخشنندگان از زیادی عطای تو می بخشند. ۱۱/۵

نبودن خیری برای بندگان، جز آنچه خدا عطا نموده

لَيْسَ لَنَا... مِنَ الْخَيْرِ اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ

برای ما از خیر، چیزی جز آنچه تو بخشیدی نیست. ۱۱/۶

شاکرترین بندگان، نسبت به عطای الهی

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... اَشْكُرُهُمْ لِمَا اَوْلَيْتَ مِنْ نِعْمِكَ

و ما را از شکرگزارترین آنان بر نعمتی که ارزانی داشته ای قرار ده. ۲۰/۶

شیرینی بخشش الهی

وَ اَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ

و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان. ۸/۷

عدم وجود منت، در بخشش های الهی

وَ يَا مَنْ لَا يُكَدِّرُ عَطَايَاهُ بِالْاِمْتِنَانِ

و ای آنکه با منت گذاشتن، بخشش هایش را تیره نمی سازد. ۴/۱۳

إِنْ أُعْطِيتَ لَمْ تَشُبْ عَطَاءَكَ بِمَنْ

اگر عطا کنی، عطایت را با منت نیامیخته ای.

۵/۴۵

عطایا و بخشش های الهی

وَ عَلِمْتُ... أَنْ يَدَّكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ

و دانستم که دست عطای تو از هر دستی بالاتر است. ۱۹/۱۳

وَ أَجْرِلُ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ

و سهم مرا از بخشش ها به لطف خود فراوان کن. ۱۲۹/۴۷

وَ وَفَّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ

و نصیب مرا از احسان، به فضل خود فراوان گردان. ۱۲۹/۴۷

بخشنده بودن خداوند

إِنَّكَ... الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ

همانا تویی بسیار بخشنده که عطایت تمام

ص : ۱۷۷



خداوند، عطاکننده نعمت های بزرگ

إِنَّكَ... الْمَتَّوِّلُ بِالْإِمْتِنَانِ

همانا تویی که بدون استحقاق نعمت بزرگ می بخشی. ۷/۱۵

إِنَّكَ... الْوَهَّابُ لِعَظِيمِ النِّعَمِ

همانا تو بخشنده نعمت های عظیمی. ۷/۳۶

افزونی بخشش خداوند، نسبت به منع او

وَ أَنْتَ الَّذِي عَطَاوَهُ أَكْثَرَ مِنْ مَنَعِهِ

و تویی آنکه عطا و بخشش او بیش از محروم نمودنش است. ۹/۱۶

نیافتن عطاکننده ای، جز خدا

إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِيًا غَيْرَكَ

خدای من کسی را که جز تو بخشنده ای نمی یابد ناامید نکن. ۱۶/۱۶

توفیق با بخشش پاداش دادن بنده، به محروم کننده اش

وَ سَدَّدَنِي لِأَنَّ... أَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ

و مرا توفیق ده تا به آنکه محروم نموده، با بخشش پاداش دهم. ۹/۲۰

ترک بخشش، به غیر مستحق

وَ أَلْبَسَنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... تَرْكِ... الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ

و زیور پرهیزکاران را در احسان نکردن به کسی که شایسته احسان نیست، به من بپوشان.

أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ

تو عهده دار بخشیدن و بازداشتنی، نه آنها.

۲۶/۲۰

بنده و ستایش نمودن از شخص عطاکننده

وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَاسْتَرْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ... فَأَفْتِنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخوام. آنگاه به ستایش آنکه به من عطا کرده، گرفتار شوم.

۲۶/۲۰

طلب عطا و بخشش، از افراد پست

صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَاسْتَرْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ اسْتَعِطِي شِرَارَ خَلْقِكَ

آبرویم را با توانگری حفظ کن و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخوام و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. ۲۶/۲۰

ص : ۱۷۸

عطای کم خویشان، به بنده

وَإِنِ الْجَائِئِينَ إِلَىٰ قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَإِنِ أَعْطُوا أَعْطُوا قَلِيلًا نَّكَدًا

و اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند و اگر عطا کنند، اندک و ناگوار عطا کرده اند.

۳/۲۲

عطای الهی، و فروگذاری تکلیف از بنده

فَادُهُ عَنِّي مِنْ جَزِيلٍ عَطِيَّتِكَ وَ كَثِيرٍ مَا عِنْدَكَ

پس آن (تکلیف) را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا کن. ۷/۲۲

فرزند و بخشش به والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتَهُ لُهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم. ۹/۲۴

درخواست عطای الهی، برای مؤمنان

وَ أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لِوَلَدِي...

و به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانند آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم،

بخش. ۱۲/۲۵

عطا فرمودن خواسته های بندگان

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَ رَحْمَتِكَ

خداوندا به توفیق و رحمت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما. ۱۲/۲۵

سودرسانی همسایگان، با بخشش فراوان

وَ وَفَّقْهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ آدَبِكَ فِي... الْعُودِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَ الْأَفْضَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در رسیدگی با ثروت و بخشش فراوان به آنان، توفیق ده. ۲/۲۶

همسایگان و عطای قبل از درخواست

و وَفَّقَهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ الشُّوْءِ إِلِ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.

۲/۲۶

فراوان گرداندن عطایای مرزداران اسلام

اللَّهُمَّ... أَسْئَلُكَ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ

خداوندا از دارایی خویش، بخشش های آنان را فراوان ساز. ۱/۲۷

روگرداندن بنده از نیازمند به بخشش خداوند

وَ صَرَفْتُ وَجْهِي عَمَّنْ يَحْتَاجُ إِلَيَّ رِفْدِكَ

ص : ۱۷۹

و از آنکه نیازمند عطای توست، روگرداندم.

۳/۲۸

آنچه از مال دنیا، به بنده ارزانی شده

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا... بُلِّغَهُ إِلَى جِوَارِكٍ...

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، وسیله رسیدن به جوار خود قرار ده.

۶/۳۰

خداوند، عطاکننده و بخشنده ترین کس

وَ أَنْتَ... أَعْطَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

و تو بخشنده ترین کسی می باشی که از او درخواست شد. ۲۲/۳۲

إِنَّكَ تُفِيدُ الْكَرِيمَةَ، وَ تُعْطِي الْجَسِيمَةَ

به درستی که تو عطای گرانمایه می دهی و (نعمت) بزرگ می بخشی. ۶/۳۳

خداوند، عطاکننده حسنه و نیکی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ... تُعْطِي الْحَسَنَةَ

خداوندا همانا تو نیکی عطا می کنی.

۳۳/۳۲

آزمایش الهی و عطای او (به ثروتمندان)

لَا تَفْتِنُنِي بِمَا أَعْطَيْتَهُمْ

مرا به آنچه به آنان (دنیاداران) عطا کردی، آزمایش نکن. ۲/۳۵

سپاس گزاری از خدا، برای بخشش های او

وَ اجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي

و شکرگزاری مرا، به آنچه از من گرفتی بیش از شکرم به آنچه به من مرحمت کردی، قرار ده.

۳/۳۵

وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا حَوَّلْنَا مِنَ النِّعَمَاءِ...

و شکر تو راست، بر آنچه از نعمت هایت که به ما بخشیدی. ۶/۳۶

إِلٰهِي أَحْمَدُكَ... عَلَيَّ... جَزِيلَ عَطَائِكَ عِنْدِي

خدای من، تو را سپاس گزارم بر بسیاری عطاها و بخشش هایت درباره من. ۱/۵۱

عطا و بخشش خداوند، به فرمانبر و گنهکار

أَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ

هر یک از آن دو (فرمانبر و گنهکار) را چیزی عطا کرده ای که برایش لازم نبود. ۱۱/۳۷

بالاترین عطایای تقرب جویان

وَ اجْعَلْ مَا سَمَحْتَ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَ تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ... أَغْلَىٰ صَلَاتِ الْمُتَقَرِّبِينَ

و گذشت از ایشان را که من کردم، و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، بالاترین بخشش های تقرب جویان قرار

۲/۳۹.ده

عطای دین، به بندگان

ص : ۱۸۰

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ

و سپاس خدای را که دین خود را به ما هدیه کرد. ۲/۴۴

نیکی کردن به خویشان، با صله و بخشش

وَفَقْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَاةِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم. ۱۰/۴۴

دل جوئی از همسایگان، با عطا و احسان

وَفَقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِضْطِغَالِ وَالْعَطِيَّةِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجوئی نماییم. ۱۰/۴۴

عدم پشیمانی خداوند، از عطا و بخشش

وَا مَنْ لَّا يَنْدَمُ عَلَى الْعَطَاءِ

و ای کسی که بر عطا (و بخشش) پشیمان نمی شود. ۲/۴۵

بخشش خدا و (توانایی او بر) منع نمودن

و تَجُودُ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ

و می بخشی بر کسی که اگر می خواستی، محرومش می کردی. ۸/۴۵

پوشاندن بندگان، به نعمت و بخشش

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ، وَ غَمَرَهُمْ

بِالْمَنْ وَالطُّولِ

ای آنکه با احسان و تفضل، مورد ستایش بندگان قرار گرفته ای و با بخشش و نعمت، ایشان را پوشانده ای. ۱۸/۴۵

بخشندگی خداوند و فضل او

وَأَنْتَ... الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ

و تو بخشنده هر آنچیزی هستی که از فضلت درخواست گردد. ۲۱/۴۵

إِنَّكَ... أَعْطَى مَنْ سئِلَ مِنْ فَضْلِهِ

به درستی که تو بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده. ۵۶/۴۵

گوارا بودن عطا و بخشش خداوند

إِنَّ عَطَاءَكَ لِلْعَطَاءِ الْمُهِتَاءِ

به درستی که عطای تو، عطایی گواراست.

۵۰/۴۵

عطایی چند برابر

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَعْطِنَا أضعافَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حق رعایتش است؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش و از فضلت، چندین برابر آن را به ما عطا فرما. ۵۰/۴۵

زیاد شدن جود و بخشش الهی

ص : ۱۸۱



وَ اِمْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَهُ الطَّلِبَاتِ

و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است. ۱۲/۴۶

روا بودن جود و بخشش خداوند، برای درخواست کنندگان

وَ جُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ

و بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است. ۱۴/۴۶

نامید نگشتن از عطا و بخشش خداوند

وَ لَا يِنَاسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ

و آنان که به تو پرداختند، از عطایت مأیوس نمی گردند. ۱۵/۴۶

درخواست عطا و بخشش نیکو، از خدا

وَ أَسْأَلُكَ حُسْنَ الرَّفَادَةِ

و پذیرایی نیکو از تو می خواهم. ۲۵/۴۶

خدا، بخشنده ای با توانگری بسیار

سُبْحَانَكَ مِنْ... جَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ

پاک و منزهی! ای بخشنده که بسیار توانگری!

۲۴/۴۷

فراوانی بخشش های الهی، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، وَ تُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَ نَوَافِلِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامت را برای ایشان بسیار سازی و چیزهایی

از عطاها و بخشش هایت را برای آنها کامل گردانی. ۵۷/۴۷

بسیاری بخشش الهی، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ... أَجْزَلَتْ فِيهِ عَطِيَّتَكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که عطایت را در آن فراوان نموده ای. ۶۶/۴۷

بخشش به بنده تسلیم شونده خدا

وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ - عَلَيَّ مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ - مِنْ عَفْوِكَ

و به من ببخش همان چیزی را که به کسی که به خاطر عفو تو تسلیم می گردیده است می بخشی.

۷۰/۴۷

عدم بخشش الهی، در صورت عدم طاقت بنده

و لَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَطَنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ

و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی. ۱۰۲/۴۷

ص : ۱۸۲

پی در پی رساندن بخشش خدا، به بنده

وَ ظَاهِرٌ لَدَىٰ فَضْلِكَ وَ طَوْلِكَ

و فضل و بخشش خود را بر من پوسته گردان.

۱۱۲/۴۷

ستایش الهی و عطای او

وَ أَوْزَعْنِي أَنْ أَتُنِّي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ

و به من الهام کن که به خاطر آنچه به من داده ای، ثنا (ی تو را) گویم. ۱۱۴/۴۷

مواهب و بخشش های خداوند، به بنده

وَ سُقِّ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ

و بخشش های گرامی ات را به سوی من روان فرما. ۱۲۸/۴۷

عطایای بزرگ الهی (در بهشت)

جَلَّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمَعْدَةِ لِأَجْبَائِكَ

در مکان هایی که برای دوستان آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بیوشان. ۱۲۸/۴۷

درخواست از خدا، به سبب بخشش او

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمیت، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱/۴۸

عطا نمودن نیکی دنیا و آخرت، به بندگان

أَسْأَلُكَ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ تُعْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْ تُؤَفِّرَ حَطِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

از تو درخواست می نمایم که هر گاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، یا خیری از خیرهای دنیا و آخرت را به ایشان عطا می کنی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

درخواست بخشش و عطاى خداوند

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ... لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَيْلِهِ وَ جَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهَيَّيْتُ... رَجَاءَ عَفْوِكَ وَ رِفْدِكَ وَ طَلَبَ نَيْلِكَ وَ جَائِزَتِكَ

خداوندا، هر كسى خود را مهيا مى كند تا بر مخلوقى وارد شود، بدین امید كه به صله و عطا و درخواستِ بخشش و احسان او نائل شود. پس اى سرور من، امروز مهيا گشته تا به سوى تو آيم. بدین امید كه به آمرزش و صله و درخواستِ بخشش و احسان تو نائل شوم. ۵/۴۸

عطاى الهى، و كم نشدن از (گنجينه) خدا

يَا مَنْ... لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ

اى كسى كه هيچ بخششى، (گنج هاى) او را نمى كاهد. ۶/۴۸

ص : ۱۸۳

عطای الهی، و نیک بختی بنده

وَ أَسْعِدْنِي بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ

و مرا به آنچه از آن عطا می کنی، نیک بخت گردان. ۲۸/۴۸

عطای نیکوی الهی

وَ أَنْبَلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتُ

و عطای نیکو نمودی، پس نافرمانی کردم.

۱/۴۹

درخواست از خداوند و عطای او

وَ لَقَدْ سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ، وَ لَمْ تُسَأَلْ فَابْتَدَأْتَ

و چون از تو درخواست شد، پس عطا کردی و درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی.

۱۴/۴۹

بخشنده یافتن خدا، نسبت به خواسته ها

...بَلْ وَجَدْتُكَ... لِمَطَالِبِي مُعْطِيًا

...بلکه تو را برای خواسته هایم، بخشنده یافتم. ۵/۵۱

توکل و اعتماد بر جود و بخشش خدا

وَ عَلَى جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَتَكَلُّ

و تنها بر بخشش و بزرگواری تو دل می بندم.

۱۱/۵۲

بخشش خداوند، در دنیا و آخرت

يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا

ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو. ۱/۵۴

از خدا درخواست نمودن بخشش:

أ. رحمت و گشایش بی رنج

وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَيِّئًا

و از جانب خویش رحمت و گشایش گوارا به من ببخش. ۸/۷

ب. آسودگی روز معاد

وَهَبْ لِي أَمَّنَ يَوْمِ الْمَعَادِ

و مرا آسایش روز بازگشت ببخش.

۲۰/۲۰

ج. راهنمایی حقیقی

وَأْمِنِّي حُسْنَ الْإِشَادِ

و خوب ارشاد کردن را به من عطا نما.

۲۰/۲۰

وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ

و مرا هدایت راستین ببخش. ۲۲/۲۰

د. زندگی آسوده

وَأْمِنِّي حُسْنَ الدَّعَى

و زندگی آسوده نیکو به من عطا فرما.

۲۲/۲۰

هـ. توان و نیرو

وَهَبْ لِي قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرَضَاتِكَ

و به من نیرویی عنایت کن تا بتوانم همه خوشنودی ات را حمل کنم. ۱۱/۲۱

و. خو گرفتن باخدا، دوستان و پیروان او

هَبْ لِي الْإِنْسَ بِكَ وَ بِأَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ

انس با خودت و دوستانت و فرمانبرانت را به من ببخش. ۱۱/۲۱

ز. نور هدایت

وَهَبْ لِي نُورًا أَهْتَمِي بِهِ فِي النَّاسِ

و مرا نوری بخش که با آن در بین مردم راه روم. ۸/۲۲

ح. تندرستی

وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ

و عافیت را به من ببخش. ۱/۲۳

ط. فرزند پسر

وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا

و از نزد خود افزون بر ایشان، پسران دیگری به من ببخش. ۵/۲۵

ی. همه درخواست ها

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُوءٍ لِي

خداوندا همه خواسته هایم را به من عطا کن. ۹/۲۵

ک. حسنه و نیکی در دنیا و آخرت

وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

و ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن. ۱۳/۲۵

ل. یقین صادق

وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا...

و ما را یقینی راستین ببخش. ۲/۲۹

م. آنچه بنده به آن امیدوار است

فَأَعْطِنِي يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ

پس ای پروردگار من، آنچه را امید دارم، به من عطا کن. ۲۰/۳۲

ن. آرزو

وَهَبْ لِي أَمَلِي

و آرزویم را به من ببخش. ۱۶/۳۷

س. چیزی که بخشیدن آن، از خدا نمی کاهد

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْهِبُكَ - يَا إِلَهِي - مَا لَا يُنْقِصُكَ بَدْلُهُ

خداوندا، ای خدای من، همانا من از تو

ص : ۱۸۵



بخششی می خواهیم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی کاهد. ۶/۳۹

ع. خوی های نیکوکاران

وَهَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ

و زیبایی خوی های نیکوکاران را به ما ببخش. ۹/۴۲

ف. سلطنتی پیروزمند، به ولتش

وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

و او را از جانب خود، سلطنتی پیروزمند عطا فرما. ۶۱/۴۷

ص. مهربانی ولی خدا

وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ

و محبت او را به ما روا دار. ۶۳/۴۷

ق. عصمت

وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ

و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند. ۱۱۱/۴۷

ر. گشایش و فرج

وَهَبْ لَنَا يَا إِلَهِي مِنْ لَدُنْكَ فَرْجًا

و ما را - ای خدای من - از جانب خود گشایش ده. ۱۳/۴۸

ش. رحمت و توفیق همیشگی الهی

فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ دَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا أَتَّخِذُهُ سَلْمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ

پس ای خدای من، از رحمت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از

آن بالا روم. ۱۷/۴۹

ت. توکل و اعتماد صادق

وَ هَبْ لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ

و توکل راستین به خود را، به من ارزانی دار. ۴/۵۴

بخیل

بخیل نیافتن خدا، هنگام درخواست از او

إِلٰهِي مَا وَجَدْتُكَ بَخِيلاً حِينَ سَأَلْتُكَ

خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم. ۵/۵۱

بدبختی

نافرمانی خدا و بدبخت شدن

فَالْهَالِكُ مِنَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ

پس بدبخت از ما کسی است که به خاطر

ص : ۱۸۶

نافرمانی او هلاک شود. ۲۴/۱

بدترین بدبختی

و نَعُوذُ بِكَ مِنْ ... أَشَقَى الشَّقَاءِ

و پناه می بریم به تو از بدترین تیره بختی.

۹/۸

و الشَّقَاءِ الْأَشَقَى لِمَنْ اغْتَرَّ بِكَ

و بدبخت ترین بدبختی برای کسیست که به تو مغرور گشته. ۱۹/۴۶

سبب بدبخت گشتن نیک بختی خواه

و لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشَقَيْتَ مَنْ اسْتَسْعَدَ بِكَ

و به منع خویش، ما را ناامید مکن. و گرنه کسی که از تو نیک بختی خواسته، بدبخت کرده ای. ۳/۱۰

روی آوردن بدبخت، به درگاه الهی

فَتَكُونَ قَدْ أَشَقَيْتَ مَنْ اسْتَسْعَدَ بِكَ... فَإِلَى مَنْ حِينِيذٍ مُنْقَلَبًا عَنْكَ؟ وَإِلَى أَيْنَ مَذْهَبًا عَنْ بَابِكَ؟

...و گرنه کسی که از تو نیک بختی خواسته، بدبخت کرده ای. پس در این هنگام از جانب تو به چه کسی رو آوریم؟ و از در

خانه تو به کجا رویم؟

۳/۱۰ و ۴

بدبخت شدن، به سبب دوست داشتنی ها

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَلْتِ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ، فَأَكُونَ قَدْ شَقَيْتُ بِمَا أَحْبَبْتِ...

پس بهره مرا از رحمت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت

شوم. ۱/۱۸

بدبختی و به هلاکت افتادن

و مَنْ أَشَقَى مِمَّنْ هَلَكَ عَلَيْكَ؟

و شقی تر از کسی که بر اثر نافرمانی ات به هلاکت افتاده، کیست؟ ۱۶/۳۷

بدبختی و مهمانی مرگ

وَلَا تُشْقِنَا بِضِيَاغَتِهِ

و در پذیرایی از او ما را به شقاوت میفکن.

۴/۴۰

بدبختی، و نعمت الهی

تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا... يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيَّهُمْ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. ۹/۴۵

محرومیت بدبختان، از شناخت وقت ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي... وَقَفْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ

ص : ۱۸۷

جَهْلَ الْأَشْقِيَاءِ وَقْتَهُ، وَ حُرْمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را برای آن به وسیله نعمت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بخنان، وقت آن را شناختند و بر اثر شقاوتشان، از فضل آن ماه محروم گشتند.

۴۳/۴۵

عدم بدبختی آموزش خواهان

و لَا يَشْقَى بِنَقْمَتِكَ الْمُشْتَغْفِرُونَ

و آموزش خواهان به کیفیت تیره بخت نمی شوند. ۱۵/۴۶

لایق بدبختی بودن

مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَدَلْتُهُ لَهَا

هر که از شقاوت‌مندان باشد، او را از آن جهت خوار می کنی. ۱۷/۴۶

بدبختان، و جرأت نمودن به (نافرمانی) خدا

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي... مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّبِينَ عَلَيْكَ

خود را در جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند، واداشته ام. ۲/۵۳

بدر

روز جنگ بدر و لشکری از فرشتگان

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِنُاسٍ مِنْ بَأْسِكَ كَفَعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ

و بر آنان سپاهی از فرشتگان را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر.

۱۱/۲۷

بدرفتاری بدی

مبدل شدن بدرفتاری خویشاوندان، به خوش رفتاری

وَ أٰبِدِنِي... مِنْ عُقُوٰقِ ذَوِي الْاٰرْحَامِ الْمَبْرَةِ

و درباره من بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری مبدل فرما. ۷/۲۰

بدرفتاری با والدین

وَ لَا تَجْعَلْنِي فِيْ اَهْلِ الْعُقُوٰقِ لِلْاٰبَاءِ وَ الْاُمَّهَاتِ

و مرا از بدرفتاری کنندگان با پدران و مادران قرار نده. ۱۱/۲۴

بدخویی و بدخلقی

فَاَجْعَلْ مَا سَتَرْتِ مِنْ الْعُوْرَةِ... زَاَجِرًا عَنْ سُوْءِ الْخُلُقِ

پس آن عیب ها که پوشانیدی، بازدارنده از بدخویی قرار ده. ۳/۳۴

بدرود وداع

ص : ۱۸۸

بدعت

توفیق ترک بدعت ها

وَوَفَّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ مُجَانِبِهِ الْبَدْعِ

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و ترک بدعت ها، توفیق ده.

۱۸/۶

واگذاشتن بدعت گزاران

أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ... وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبَدْعِ

این (اوصاف) را برای من با اطاعت همیشگی و فروگذاردن اهل بدعت، کامل گردان. ۱۰/۲۰

بدگمانی گمان

بدن اندام

مَشَقَّتْ هَيَّ وَارَدَهُ بِرِ بَدَنِ پيامبر صلی الله علیه و آله

وَ عَرَّضَ فَيْكَ لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ

و به خاطر تو، بدنش را در معرض سختی قرار داد. ۵/۲

بیرون شدن جان ها، از بدن ها

وَ تُهَوَّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَحُلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان ها از تن بیرون رود، هر

اندوهی را بر ایشان آسان گردانی. ۱۷/۴

آسایش بدن، در سپاس گزاری از نعمت الهی

وَ اجْعَلْ... فَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ

و آسایش تن هایمان را در سپاس گزاری نعمت خود قرار ده. ۱۴/۵

سلامت پیشین بدن و بیماری کنونی آن

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامِهِ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحْدَثْتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي

خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم. و تو را سپاس بر بیماری ای که در جسمم پدید آوردی. ۱/۱۵

به کار بردن بدن، در آنچه خدا از بنده می پذیرد

وَ اسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تَقْبَلُهُ مِنِّي

و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر.

۹/۲۱

ضعف بدن، از انجام واجبات

وَ اقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ... وَ إِنِ ضَعْفَ عَن ذَلِكَ بَدَنِي

و مرا به انجام آنچه بر من لازم و واجب

ص : ۱۸۹



نموده ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان باشد. ۶/۲۲

تندرستی در بدن بنده

وَ عَافِيَةٍ... عَافِيَةً تُؤَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و به من عافیت ده. عافیتی که در جسمم عافیت زاید، عافیت دنیا و آخرت. ۲/۲۳

سلامتی در جسم و دین

وَ اٰمِنُنَّ عَلٰى بِالصَّحٰهِ وَالْاٰمِنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِيْنِي وَ بَدَنِي

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم بر من منت گذار. ۳/۲۳

سلامت بدن فرزندان

وَ اَصِحَّ لِيْ اَبْدَانَهُمْ...

و بدنشان را برای من سالم بدار. ۲/۲۵

بدن های دشمنان و توانائیشان

اللّٰهُمَّ اٰخِلِ... اَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ

خداوندا، تن هایشان را از قوت تهی دار.

۱۱/۲۷

بدن و عمر بنده، در راه طاعت الهی

وَ اَسْأَلُكَ... اَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَ عُمْرِي فِي سَبِيْلِ طَاعَتِكَ

و از تو درخواست می کنم که آنچه از جسم و عمرم سپری شده در راه طاعتت قرار دهی. ۲۸/۳۲

عدم دگرگونی جسم بنده

وَ لَا تُبَدِّلْ لِيْ جِسْمًا

و تنم را دگرگون نکن. ۱۲۴/۴۷

جسم بنده، سپاس گزار خداوند

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي

تنم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. ۶/۵۱

آرمیدن رگ ها و غافل بودن بدن

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءَآلَ مَنْ... بَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوَقِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که تن او به خاطر آرامش رگ هایش، غافل مانده. ۸/۵۲

عافیت تن بنده و حاجت خواهی از خدا

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي... عَافٍ فِيهَا جَسَدِي

خداوندا خواسته من این است. تنم را در آن عافیت بخش. ۷/۵۴

بدی

جزا دادن به بدی کردار بنده

ص : ۱۹۰

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا

تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد.

۶/۱، ۷/۶

خداوند، تبدیل کننده بدی ها به خوبی ها

يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها. ۲۶/۲، ۸/۲۴

بدی دام های شیطان

وَ أَكْفِنَا... شَرَّ مَصَايِدِ الشَّيْطَانِ

و ما را از شرّ دام های شیطان نگهدار. ۱۰/۵

توفیق دوری از بدی

وَ وَفَّقْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَ هِجْرَانِ الشَّرِّ

و ما را برای انجام نیکی و ترک بدی، توفیق ده. ۱۸/۶

بدرفتاری با زبردستان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا

خداوندا به تو پناه می برم از بدرفتاری با زبردستان. ۱/۸ و ۳

بدی بازگشت (به دوزخ)

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ... سُوءِ الْمَآبِ

و پناه می بریم به تو از بدی سرنوشت. ۹/۸

سبب باقی نماندن کار بد بنده

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ، حَتَّى... لَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ

و رازهای دل هایمان و سخنان زبان هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار بدی که به وسیله آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما نماند. ۷/۹

فرشتگان نویسنده بدی ها و عدم ذکر بدی

فَإِنْ قَدَرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَيِّئَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبَعُهُ... حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصِيحَتِهِ خَالِيَةً مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان بدی ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما بازگردند. ۲/۱۱

اعتراف به بدی و بدکرداری

فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءٍ مَا اكْتَسَبْتُ؟

ای خدای من آیا نزد تو اقرار به بدی ای که انجام داده ام، مرا سود می دهد؟ ۶/۱۲

اللَّهُمَّ فَالِكَ الْحَمْدُ إِقْرَارًا بِالْإِسَاءَةِ

خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بدکرداری، اقرار کننده ایم. ۴۵/۴۵

أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ

منم بدکارِ اعتراف کننده خطا کار لغزشکار.

۷۶/۴۷

أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ وَالْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي

به درگاه تو آمده‌ام، در حالی که اقرار به گناه و بدی بر خود دارم. ۷/۴۸

پناه دادن بنده، از آنچه بدکرداران از آن ترسانند

وَأَجْرَنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَةِ

و از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده.

۱۵/۱۲

بدرفتاری ستمگر، با بنده

وَأَبْدَلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي رَحْمَتِكَ

و به جای بدرفتاری اش، رحمت را به من عطا کن. ۹/۱۴

پناه بردن به خدا، از خواهش بد

وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ...

و از خواهش بد پناهم ده. ۱۵/۱۴

سبب پاکی بنده، از بدی ها

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟... أَوْ وَقْتُ الصَّحَّةِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَضَيْتَنِي بِهَا... تَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمْتَ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم سازد؟ ۴-۱۵/۲

شرمندگی از خدا، به سبب بدرفتاری

...كُلَّ ذَلِكْ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي

همه اینها از روی شرمی است که از بدکرداری خود دارم. ۲۰/۱۶

بدی بنده و همسایگان او

...وَلَمْ تُبَدِ سَوَاءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

مهربانی های خدا و بدی های بنده

ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءِ مَا عَاهَدتَ مِنِّي

آن همه (عنایت) مرا از شتافتن به سوی بدی - که تو از من می دانی - بازداشت. ۲۲/۱۶

اقدام به بدی، هنگام ایستادن بین دعوت خدا و شیطان

وَمَنْ... أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ

ص : ۱۹۲

دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةَ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ...

و چه کسی از من بر اعمال زشت بی باک تر است، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می ایستم، دعوت او را می پذیرم؟ ۲۳/۱۶

بازداشتن خود، از بدی های خوارکننده

وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي... لِأَنَّ... أَقْلَعَ عَنْ سَيِّئَاتِي الْمُمْ-خَلْقَهُ

و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من است. برای اینکه از بدی های - خوارکننده ام - جدا شوم. ۲۶/۱۶

از بین بردن (محو) بدی های بنده

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيْ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتند، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

بدی جایگاه بنده

فَارْحَمْ... سُوءَ مَوْقِفِي

پس بر بدی جایگاهم رحم کن. ۳۲/۱۶

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي

شاید برخی از آنها به رحمتت بر بدی جایگاهم، به من رحم کند. ۲۷/۳۱

چشم پوشی از بدی

وَ سَدَّدْنِي لِأَنَّ... أَعْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ

و مرا توفیق ده تا از بدی (دیگران) چشم پوشی کنم. ۹/۲۰

بخشش طلبیدن، از مردمان بدکردار

لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ، فَاسْتَرْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَاسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز، تا از کسانی که روزی خوار تو هستند، روزی بخواهم. و از آفریدگان بدت، عطا طلبم. ۲۶/۲۰

وحشت از بدکاران خلق

وَ أَلَيْسَ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ

و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بیوشان.

۱۱/۲۱

سبب نیفزودن بر بدی های بنده در قیامت

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَغْفَلْتَهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ وَ كَثِيرِ مَا عِنْدَكَ... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ... تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ الْقَاكَ

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از عطای بزرگ و فراوانی که نزد توست، از جانب من ادا

ص : ۱۹۳



کن. تا چیزی از آن بر من نماند که بخواهی به سبب آن بر بدی هایم بیفزایی، در روزی که تو را دیدار می کنم. ۷/۲۲

سبب ایمن و آسوده شدن از بدی ها

وَ ارْزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى... آمَنَ مِنَ السَّيِّئَاتِ فَرَقًا وَ خَوْفًا

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا از بدی ها، از روی ترس و بیم ایمن بمانم. ۸/۲۲

پناه بردن به خدا، از شرّ و بدی اموری

وَ اَعِدْنِي وَ دُرَيْتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَ مِنْ شَرِّ السَّمَاءِ وَ الْهَامَّةِ وَ الْعَامَّةِ وَ اللَّامَّةِ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ... وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ  
أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده و از شرّ جانور زهردار نکشنده و جانور زهردار کشنده و سایر جانوران و چشم زخم و  
از شرّ هر شیطانِ سرکش و از شرّ هر جنبنده ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده. ۶/۲۳

دفع بدی بدخواه، از بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و شرش را از من بازدار. ۷/۲۳

ایمن فرمودن بنده، از بدی بدخواه

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُؤْءِ مَنِّي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ...

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی اش ایمن  
سازی. ۷/۲۳

همسایگان بدکردار

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْرِي بِالْإِحْسَانِ مُسَيِّئُهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش ده. ۳/۲۶

درخواست بخشش بدی کردار خود، از خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي... أَسْتَؤْهِبُكَ سُوءَ فِعْلِي

خداوندا، به درستی که من از زشتی کردارم، از تو بخشش می طلبم. ۲۱/۳۱

گفتار بنده و بد کرداری او

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّي بِسُوءِ أَثْرِي

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. ۲۶/۳۱

بدی بنده و دشوار نبودن عفو او بر خدا

وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ

و گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست. ۱۰/۳۲

ص : ۱۹۴

بدی کردار بنده و خشم خداوند

...وَ اسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطَكَ

...و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم.

۱۳/۳۲

اندیشه بد و آراستن نادرستی برای بنده

وَ سَوَّلَ لِي الْخَطَاءَ خَاطِرُ الشُّوءِ فَفَرَّطْتُ

و اندیشه بد خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم. ۱۶/۳۲

بدی مجاورت و همسایگی شیطان، با بنده

فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي

پس از بد همسایگی او با من، به تو شکایت می کنم. ۲۷/۳۲

اكتساب بدی های بسیار

كَمْ... سَيِّئَةٍ اِكْتَسَبْنَاهَا... كُنْتُ الْمَطَّلِعَ عَلَيْهَا

چه بسیار بدی ای که آن را کسب کردیم، (و) تو بر آن مطلع بودی. ۲/۳۴

بنده و نپذیرفتن عذرخواهی بد کردار

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ... مِنْ مُسِيءٍ اِعْتَدَرْتُ إِلَيْكَ فَلَمْ أَعْدِرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از بد کرداری که از من عذرخواهی کرد، پس عذر او را نپذیرفتم. ۱/۳۸

قصد بنده، بر به جا نیاوردن بدی

وَ اجْعَلْ... عَزْمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند. ۳/۳۸

بسیاری رحمت خدا، به بدکاران

فَكَمْ قَدْ لِحِقَتْ رَحْمَتُكَ بِالْمُسِيئِينَ

پس چه بسیار رحمتت که به بدکاران رسید.

۹/۳۹

اندک بودن نیکی های بنده، در مقابل بدی هایش

تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلِّهِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

بدی های آرزو

وَ آمِنًا مِنْ شُرُورِهِ

و ما را از شرورش ایمن ساز. ۲/۴۰

ص : ۱۹۵

ماه نو، ماه سلامتی از بدی ها

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هَلَالًا... سَلَامَةً مِنَ السَّيِّئَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سلامتی از بدی ها قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵/۴۳

خالص گشتن از بدی ها، در ماه رمضان

وَ اسْلُخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ اسْتِسْلَاحِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقِضِي عَنَّا وَقَدْ... أَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

و با گذشتن روزهایش سختی هایمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که در آن از بدی ها خالصمان نموده

ای. ۱۵/۴۴

زدودن بدی ها، از بندگان

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایمان را از شما بزدايد.

۱۰/۴۵

همانندی کیفر، با کار بد بنده

وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا

و هر کس کار بدی کند، جز مانند آن جزا داده نمی شود. ۱۲/۴۵

برگرداندن بدی ها از بنده، به سبب ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا

درود بر تو. چه بسیار بدی ها که به سبب تو، از ما برطرف شد! ۳۹/۴۵

خروج از بدی ها، با پایان ماه رمضان

وَ أَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا

و با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر. ۴۹/۴۵

توبه از کار بد و اندیشه بد

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا... مِنْ كُلِّ... سُوءٍ أَسْلَفْنَا، أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَا

خداوندا ما در روزِ فطرمان از هر بدی ای که در گذشته انجام داده ایم یا اندیشه بدی که در دل داشته ایم، به درگاه تو توبه می کنیم. ۵۲/۴۵

در گذشتن خدا، از بدی

و يَا مَنْ... يَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُعْفِيَهَا

و ای کسی که از بدی درمی گذرد، تا آن را محو کند. ۱۱/۴۶

عادت خدا، احسان به بدکاران

عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ

عادت تو احسان به بدکاران است. ۱۶/۴۶

عدم شتاب خدا، در کیفر بدکاران

ص : ۱۹۶

فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ

پس ای آنکه بر (کیفر) بدکاران شتاب نمی کنی.

۷۵/۴۷

بازایستادن از بدی ها

أَشْعِرُ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ

دلَم را به خودداری از بدی های زشت بپوشان.

۱۰۷/۴۷

نجات از بدی و فتنه

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَانجِنِي مِنْهَا لَوْأَدَّا بِكَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده. ۱۲۰/۴۷

برگرداندن بدی، از بنده

فَإِنِّي... لَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءًا قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ

پس به درستی که هیچ کس جز تو بدی ای را از من برنگردانده است. ۴/۴۸

گریزگاه بدکار

وَ إِلَيْكَ مَفْرَأُ الْمُسِيءِ

و گریزگاه بدکار به سوی توست. ۳/۴۹

بدکرداری بنده و احسان خداوند

لَمْ تَمْنَعْكَ إِسَاءَتِي عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ

بدکرداری من تو را از تمام نمودن احسانت

بازنداشت. ۱۳/۴۹

وَعُدُّ... يَا حَسَنَكَ عَلَى إِسَاءَتِي

و با احسانت بر بدکرداری ام تلافی کن.

۴/۵۳

پناه دادن بنده، از شر آنچه از آن پناه طلبد

وَ اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا

و به وسیله آنان، به درگاہت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. ۱۶/۴۹

بدی آنچه نوشته شده و گذشته

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَا

و از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می برم. ۵/۵۴

بذل بخشش

بزرگی

بر آوردن حاجت اجابت

برابر

عدم برابری رتبه کسی، با پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ... إِلَى الدَّرَجَةِ العُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ حَتَّى لَا يُسَاوَى فِي مَنْزِلِهِ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشت

ص : ۱۹۷



بالا بر. تا آنکه کسی در منزلت با او یکسان نباشد.

۲۴ و ۲۳/۲

عدم برابری هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسلی، با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ... إِلَى الدَّرَجَةِ العُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ حَتَّى... لَا يُوَازِيَهُ لَدَيْكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ

خداوندا، او را به بالاترین درجه از بهشت بالا- بر. تا آنکه نزد تو هیچ فرشته مقرب و پیامبر فرستاده شده ای با او برابری

نکنند. ۲۴ و ۲۳/۲

یکسان بودن حال بنده، در خشم و رضا

وَ ارزُقْنِي... الْاِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ... فِي حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ، حَتَّى اَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خویشتن داری از لغزش ها، روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می

رسد، حالی یکسان داشته باشم. ۲۲/۱۳

عدم برابری طاقت بنده، با خشم الهی

وَ اِنَّ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِكَ

و همانا طاقت من، با خشم تو برابری نمی کند.

۵/۳۹

عدم همسانی در پاداش (عمل)

وَ يَا مَنْ لَا يُكَافِي عِبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ

و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی دهد. ۴۵/۳

عدم برابری دیگر روزهای سال، با روزهای ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الاَّيَّامُ

درود بر تو ماهی که روزها (دیگر) با آن برابری نمی کند. ۴۵/۳۳

سپاسی برابر با لطف و احسان خدا، از او

وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ

و سپاس برای توست. سپاسی که با لطف تو، برابری کند. ۳۴/۴۷

سپاسی برابر با عرش الهی، از خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَيُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد، و با کرسی بلندپایه ات برابری نماید. ۳۶/۴۷ و ۴۱

برادران

برادران پیشی گیرنده در ایمان

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ...

پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر

ص : ۱۹۸

ما پیش قدم شدند پیامرز. ۹/۴

درخواست پناه دادن برادران، از خدا

وَ أَعِدُّنَا وَ أَهْلَيْنَا وَ إِخْوَانَنَا... مِمَّا اسْتَعَدَّنَا مِنْهُ

و ما و خویشاوندان و برادرانمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. ۱۵/۱۷

براندازی

براندازی شوکت دشمن

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ... تَخْضُدُ بِهِ شَوْكَتَهُمْ

و بر آنان سپاهی از فرشتگان بفرست. تا بدین سبب، سختی و صلابتشان را براندازی.

۱۱/۲۷

برانگیختن

برانگیختن آفریدگان، در طریق دوستی خدا

وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ

و آنها را در راه دوستی به خود، برانگیخت.

۴/۱

برانگیخته شدن حرص و آز

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ

خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص. ۱/۸

برانگیخته شدن بنده، با درخواست از خدا

وَ يَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفْضُلِكَ عَلَيَّ مِنْ أَقْبَلِ بَوَجْهِهِ إِلَيْكَ

و وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضل تو به آنکه رو به تو آورد. ۳/۱۲

برانگیختن لشکری از فرشتگان الهی

وَ اَبْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنُودًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ...

و بر آنان سپاهی از فرشتگان بفرست.

۱۱/۲۷

برانگیختن ابرها برای عذاب

اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً وَ أَرْسَلْتَهَا سَخَطَةً فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته ای و از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشم، از تو امان می خواهیم. ۳/۳۶

برانگیخته شدن بندگان، از قبور

وَ نَوَّزُ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ سُدْفَ قُبُورِنَا

و پیش از برانگیخته شدن، تاریکی قبرهایمان را با آن (قرآن)، روشن ساز. ۱۵/۴۲

ص : ۱۹۹

برانگیخته شدن بندگان، برای دیدار خدا

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ

و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوادم نسا. ۱۱۴/۴۷

برپا داشتن

برپا داشتن راهنما، برای مردمان هر زمان

فِي كُلِّ ذَهْرٍ وَ زَمَانٍ أُرْسِلَتْ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا...

در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی و برای اهل آن راهنمایی گماشتی... ۲/۴

خدا، به پادارنده عدالت

أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ... قَائِمٌ بِالْقِسْطِ

همانا من شهادت می دهم که تو برپادارنده عدلی. ۲۱/۶

برپا داشتن سنت الهی

وَ وَفَّقَهُمْ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت توفیق ده.

۲/۲۶

اقامه قرآن، در ساعات شبانه روز

وَ أَقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آثَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ...

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

عدم عذر و بهانه، با برپا داشتن راهنما

فَمَا عُذْرٌ مَنْ أَعْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامِهِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن در و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟! ۱۱/۴۵

به پا داشتن امام علیه السلام ، به عنوان نشانه ای برای بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مَآمِ أَقَمْتَهُ عَلَمَا لِعِبَادِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگان به پا داشتی. ۶۰/۴۷

به پا داشتن کتاب و احکام الهی

وَ أَقَمَ بِهِ كِتَابَكَ وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ

و کتاب خود و احکامت و قوانینت و روش های پیامبرت را، به وسیله او (ولیی خود) به پا دار.

۶۲/۴۷

برج قلعه

ص : ۲۰۰

برتری

برتری دادن انسان، بر همه آفریدگان

جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ

با دادن قدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد. ۱۸/۱

سپاسی برتر از هر سپاس

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يُفْضَلُ سَائِرَ الْحَمْدِ...

و سپاس خدای را، سپاسی که بر سایر سپاس ها برتری یابد. ۲۶/۱ و ۲۵/۱

برتری پروردگار، بر همه آفریدگانش

حَمْدًا يُفْضَلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبَّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

...سپاسی که بر سایر سپاس ها، برتری یابد، همانند برتری پروردگارمان، بر همه آفریدگانش.

۲۶/۱

برترین همراه

وَ اجْعَلْهُ... أَفْضَلَ صَاحِبِ صَحْبَانَاهُ

و آن (روز) را برترین همراهی که با آن همراه شده ایم قرار ده. ۱۹/۶

پناه بردن به خدا، از برتری دادن باطل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... إِثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ

خداوندا به تو پناه می برم از برتری دادن باطل بر حق. ۱/۸ و ۲

برترین یقین

اللَّهُمَّ... اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ

خداوندا یقینم را برترین یقین قرار ده.

برترین راه

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُثَلَّى

خداوندا مرا به بهترین راه ببر. ۱۷/۲۰

برترین درودها، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ

خداوندا و بر محمد و خاندانش درود فرست، همانند برترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگانت فرستادی. ۳۰/۲۰

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ... وَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَكَتُهَا

خداوندا بر محمد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. همچنانکه بر فرشتگان مقربت درود فرستادی. و برتر از آن ای پروردگار

جهانیان، درودی که برکت آن به ما رسد. ۵۶/۴۵

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندان محمد برترین درودهایت را بفرست.

۵۰/۴۷

ص: ۲۰۱



برترین را برای خود آرزو نمودن

وَ ارْزُقْنِي سَلَامَةً الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّى لَمَّا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمَتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ...

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در دین یا دنیا داده ای، نبینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

برتری دادن رضای خدا، بر غیر رضای او

وَ ارْزُقْنِي... الْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلِهِ سَوَاءٍ... مُؤَثِّرًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدم شمارم. ۱۳/۲۲

برترین رحمت ها، نیکی ها، و درودها

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ  
خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.

۱/۲۴

برتری دادن میل والدین، به میل خود

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدِي وَ بَرِّي بِهِمَا أَفْرَأَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْوَاسِ... حَتَّى أُؤَثِّرَ عَلَيَّ هَوَايَ هَوَاهُمَا

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا میل ایشان را بر میل خود برتری دهم.

۵/۲۴

اختصاص والدین، به برترین امور

وَ اَخْصُصْ اَبُوِيْ بِاَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهٖ اَبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اُمَّهَاتِهِمْ

و پدر و مادر مرا به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده. ۱۲/۲۴

همسایگان و دوستان آشنا به حق ائمه علیهم السلام ، و برترین یاری الهی

وَ تَوَلَّيْنِي فِي حِيْرَانِي وَ مَوْلِي الْعَارِفِيْنَ بِحَقِّنَا، وَ الْمُتَابِعِيْنَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَ لَأَتِيكَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حق ما و مخالف با دشمنان ما هستند، به بهترین

ص : ۲۰۲

وجه یاری فرما. ۱/۲۶

افزایش معرفت همسایگان ائمه علیهم السلام ، به برتری ایشان

وَزِدَّهُمْ... مَعْرِفَةً بِفَضْلِي...

و بر فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزاید.

۴/۲۶

برتری اعمال مستحبی

وَلَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ...

و من هیچ گاه با فضیلت (عمل) مستحب به سویت توسل نمی جویم. ۱۸/۳۲

گمان برتر بودن ثروتمند

وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَةٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمان فضل برم، حفظ فرما. ۴/۳۵

برتری ندادن نیازمند درخواست کننده، بر خود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ... مِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤْتِرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم. ۱/۳۸

برتری قرآن، بر هر سخن خداوند

وَفَضَّلْتُهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتُهُ

و آن را بر هر سخنی که حکایت کرده ای، برتری دادی. ۱/۴۲

برتری آل محمد صلی الله علیه و آله

وَفَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ

و ما را بر کسی که به علم آن نادان بود، برتری بخشیدی. ۵/۴۲

شناساندن برتری قرآن، به امت مسلمان

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَفْنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمد که با آن سخن راند، درود فرست. ۶/۴۲

رساندن پیامبر صلی الله علیه و آله، به برترین فضل الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی. ۲۱/۴۲

برترین پاداش الهی، برای محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را

ص: ۲۰۳

ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود دادی. ۲۲/۴۲

سبب برتری ماه رمضان، بر دیگر ماه ها

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمُؤَفُّورَةِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت. ۴/۴۴

برتری های آشکار ماه رمضان

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنْ... الْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به فضایل مشهور آشکار ساخت. ۴/۴۴

برتری شبی از شب های ماه رمضان

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَهُ وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد. ۵/۴۴

الهام برتری ماه رمضان، بر امت اسلام

وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ...

و شناخت فضیلتش را به ما الهام کن.

۶/۴۴

سبب برتری ماه رمضان، بر همه اوقات سال

وَ آثَرَتْهُ عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلَتْ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالنُّورِ

و آن را بر همه زمان های سال برگزیدی. به سبب آنچه در آن ماه از قرآن و نور نازل کردی.

۲۰/۴۵

برتری امت مسلمان، بر دیگر امت ها

ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَّمِ، وَ اصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمَلَلِ

سپس ما را بر بقیه ائمت ها به وسیله آن (ماه)، برتری دادی و به فضیلت آن ما را - نه اهل آئین های دیگر را - برگزیدی. ۲۱/۴۵

أَنْتَ وَلِيُّ مَا آتَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ

تویی مولایی که ما را به وسیله شناخت آن، برتری دادی. ۴۴/۴۵

سودمند گشتن به برترین سودها

وَ قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مَقَامَ حَمْدٍ... وَ أَرْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ

و این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد و ما را به برترین سودهای جهانیان، سودمند نمود. ۲۲/۴۵

درود بر فضل و برتری ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِّمْنَاهُ

درود بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم

ص: ۲۰۴

سپاسی که تنها خدا برتری آن را شناسد

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ

سپاس برای توست. سپاسی که احدی جز تو، فضیلت آن را نداند. ۳۶/۴۷ و ۴۴

رحمت الهی و برتری دادن بنده

إِلَهِي أَحْمَدُكَ... عَلَيَّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ

خدای من، تو را سپاس گزارم بر رحمتت که مرا به وسیله آن برتری دادی. ۱/۵۱

برخاستن قیام

بردباری

بردباری خدا، و منتظر بازگشت بندگان بودنش

وَ انْتَظَرُ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا

و به مهربانی اش از روی بردباری، بازگشت ما را انتظار کشید. ۲۱/۱

شگفت از بردباری خدا

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَّكَ عَنِّي

و شگفت تر از آن بردباری تو با من است.

۲۶/۱۶

بردباری خدا و فضل او

وَ حَلُمْتَ عَنِّي بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُعَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ

و به فضل خود درباره من بردباری نمودی و نعمتت را بر من تغییر ندادی. ۳۲/۱۶

به رنج نیفتادن خداوند، در بردباری اش

إِنَّ ذَلِكَ... لَا يَتَّصِعُكَ فِي أَنَاتِكَ

بدرستی که این در برابر بردباری ات دشوار نیست. ۳۴/۱۶

بردباری خداوند، با عصیان گران

و تَلَقَّيْتَ مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ

و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی. ۹/۴۵

حلیم و بردبار بودن خدا

و عَائِدَةً مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمٌ

و (این همه) سودی از مهربانی توست، ای بردبار! ۹/۴۵

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ

معبودی جز تو نیست، بردبارِ بزرگوار.

۲/۴۸

بردباری خدا، نسبت به دشمنش

و حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ

و حلمت به کسی که با تو دشمنی نموده،

ص : ۲۰۵



پرداخته است. ۱۶/۴۶

قدرت و بردباری خدا

تَعَمَّدَنِي فِيمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَّعَمَدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبُطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ

مراد در آنچه بر آن از من آگاهی بیوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد).

۱۱۹/۴۷

خشم و بردباری خداوند

اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ

خداوندا، غضب تو را جز بردباری ات دور نمی سازد. ۱۳/۴۸

نادانی بنده و بردباری خداوند

وَ عُدَّ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي

و با بردباری ات بر نادانی ام تلافی کن.

۴/۵۳

بردگی اسارت

بردن

عامل بازدارنده گام های بنده، از بردن او به سوی گناه

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِسًا

و قرآن را نگهدار گام های ما از حرکت به سوی گناهان، قرار ده. ۱۰/۴۲

بردن آلودگی خطایا، از بنده

وَ أَذْهَبَ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا

و آلودگیِ خطاها را از من بپر. ۱۱۲/۴۷

از خدا درخواست نمودنِ بردنِ بنده به سوی:

أ. راه اراده و خواست خدا

ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ

سپس آنها را در راهی که می خواست روان ساخت. ۴/۱

ب. راه حق

وَ اسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ يَا رِشَادِكَ

و به راهنمایی خود ما را به راه حق رهسپار ساز. ۱۳/۵

ج. راه پرهیزکاری

وَ اسْلُكْ بِنَا مِنَ التَّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى

و برخلاف راه هلاکت بار او (شیطان)، ما را به راه پرهیزکاری بپر. ۵/۱۷

ص : ۲۰۶

د. بهترین راه

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُثَلَّى

خداوند! مرا به بهترین راه ببر. ۱۷/۲۰

ه. راه پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ اسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ

و ما را به راه او ببر. ۲۰/۴۲

برزخ

سپاسی روشن کننده تاریکی های برزخ

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، تاریکی های برزخ را برای ما روشن نماید. ۱۰/۱ و ۱۲/۱

برطرف کردن

خدا و برطرف کردن دشواری ها

...وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ

و از آنها جز آنچه تو برطرف کنی، برطرف نمی شود. ۴/۷

برطرف ساختن نیازمندی بندگان

فَاجْبُرْ فَاقْتِنَا بِوَسْعِكَ

پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن.

۳/۱۰

برطرف ساختن گرفتاری رنج دیدگان

سُبْحَانَكَ نَحْنُ... أَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ

پاک و منزهی تو! ما گرفتارانیم که رفع گرفتاری آنها را وعده داده ای. ۴/۱۰

برطرف کردن احتیاج از خود، به وسیله خدا

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواند، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده. ۱۳/۱۳

خدا، برطرف کننده اندوه هر اندوهگین

وَا يَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَتِيبٍ

و ای گشایش دهنده هر دلتنگ اندوهگین.

۴/۱۶

بار سنگین برطرف نشدنی

وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلَلْتُ فِيهِ، أَوْ بُتُ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيَّ بَلَاءٌ لَا يَنْقَطِعُ، وَوِزْرٌ لَا يَرْتَفِعُ فَقَدِّمِ لِي مَا أُخْرَتِ

و اگر این تندرستی، که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد و گناهی که برداشته

ص: ۲۰۷

نمی شود باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز. ۲/۱۸

خدا، برطرف کننده ابرهای مصیبت بار

وَ كَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا عَنِّي

و چه بسیار ابرهای مصیبت باری که از من برطرف نمودی. ۱۱/۴۹

خدا، برطرف کننده اندوه پناهنده به او

وَ تُفَرِّجُ عَمَّنْ لَأَذِ بِكَ

و غم و اندوه را از کسی که به تو پناه آورده، برطرف می کنی. ۱۲/۵۱

خدا، برطرف کننده غم و اندوه

يَا فَارِجَ الْغَمِّ، وَ كَاشِفَ الْغَمِّ

ای برطرف کننده اندوه و ازبین برنده غم.

۱/۵۴

برطرف ساختن غم و اندوه بنده

وَ أَفْرِجْ هَمِّي، وَ اكْشِفْ عَمِّي

و اندوه مرا برطرف کن و غم را بزدا.

۱/۵۴

برف

درود بر فرشتگان همراه برف

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ مُشَيِّعِي التَّلْجِ وَ الْبَرْدِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و همراهی کنندگان برف و

تگرگ. ۱۰/۳ و ۱۱/۱۵

درخشش شعله های برق ها و خروش ابرها

...فَصَيَّلَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحِ الْإِيَّيْنِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّتِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ، وَإِذَا سَبَّحْتَ بِهِ حَفِيفَهُ السَّحَابِ التَّمَعَّتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدا شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد. ۱۴ و ۱۱ و ۳/۱۰

فریبنده نبودن برق ابر

وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ... وَتُوسِّعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتْرَاكِمًا... غَيْرِ مُلْتٍ وَدُقُّهُ، وَلَا خُلْبٍ بَرَقُهُ

و رحمت را با باران فراوان از ابر، بر ما بگستران. و با آن روزی ها فراخی دهی. ابری درهم فشرده، نه ابری پیوسته بارانی و نه ابری جهنده و

بی باران. ۳ و ۱/۱۹

برق، نشانه ای از نشانه های خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَاتِنِ مِنْ آيَاتِكَ

خداوندا همانا این دو (ابر و آذرخش)، دو نشانه از نشانه های تو هستند. ۱/۳۶

برق، خدمت گزار و شتابان در فرمان خدا

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ... عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ، يَبْتَغِيَانِ طَاعَتَكَ...

خداوندا همانا این دو (ابر و آذرخش)، دو خدمت گزار از خدمت گزاران تو هستند، که به طاعت می شتابند. ۱/۳۶

برکت

محمد صلی الله علیه و آله ، کلید برکت

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... مِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ

خداوندا بر محمد - کلید برکت - درود فرست. ۳/۲

برکات آسمان ها و زمین

اللَّهُمَّ... اَرْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

خداوندا ما را از برکات آسمان ها و زمین روزی عطا فرما. ۷/۱۹

برکت در دارایی

وَوَفَّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَةِ فِيهِ

و دارایی ام را با برکت، افزون ساز. ۲۳/۲۰

برکت دادن خدا، به رزق و نعمتش

وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَفِيمَا خَوَّلْتَنِي وَفِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

و برایم در آنچه روزی ام نمودی، و به من ارزانی داشته ای، و به من نعمت داده ای، برکت ده.

برکات خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُوْلِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلٰى آلِهِ

خداوندا و بر من منت گذار به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت - که درودهایت بر او و رحمت و برکاتت بر او و بر خاندانش باد - .

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلٰى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَهُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ

و درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

بهترین برکات خدا، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ، وَ اَهْلِ بَيْتِهِ



الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ

خداوند ابر بر محمّد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست و ایشان را به برترین رحمت ها و برکات و سلام خویش، اختصاص ده.

۱/۲۴

برکت ابرها

وَ أَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابِ وَ بَرَكَاتَهَا

و سود و برکت این ابرها را بر ما فرود آور.

۲/۳۶

پر خیر و برکت بودن خدا

فَتَبَارَكْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ

پس والاتر (پر خیر و برکت تر) از آنی که جز به احسان وصف شوی. ۱۶/۳۷

يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ...

ای خدای مبارک و والای من... ۸/۴۹

فَتَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ

پس تو مبارک و برتری. ۵/۵۲

مبارک گرداندن فرود در قبر

وَ بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلِي

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) را برای ما مبارک گردان. ۱۴/۴۲

مبارک گرداندن طول ماندن بنده، در بین

طبقات خاک

وَ بَارِكْ لَنَا فِي... طُولِ الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى

و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان. ۱۴/۴۲

ماه نو، ماه برکت

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَهٍ...

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد. ۴/۴۳

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ... يُمْنٍ لَا نَكَدَ مَعَهُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه برکتی بی گرفتاری با آن، قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵

ادامه برکت شب قدر، تا طلوع فجر

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَهِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ...

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. آن شبِ سلام (به همراه) برکتی است که تا

برآمدن سپیده دم دوام دارد. ۵/۴۴

بابرکت بودن نام خدا

فَقُلْتُ تَبَارَكَ اسْمُكَ...

پس تو که نامت مبارک است، فرمودی...

۱۰/۴۵

فَقُلْتُ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتَ...

ص : ۲۱۰

پس تو که نامت مبارک و بلندمرتبه است، فرمودی... ۱۲/۴۵

برکات و نیکی های ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَقَدْتِ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ

درود بر تو همان طور که با برکت ها بر ما وارد شدی. ۳۶/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ... وَ عَلَى مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سَلْبِنَاهُ

درود بر تو و بر نیکی های گذشته ات که از دست دادیم. ۴۲/۴۵

برکت روز عید فطر

وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَ فِطْرِنَا

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان.

۴۸/۴۵

رسیدن برکت صلوات خدا، به بندگان

وَ صَلَّى عَلَيْهِ وَ آلِهِ... صَلَاةً تَبْلُغُنَا بِرَكَّتِهَا

و بر او و خاندانش درود فرست، درودی که برکت آن به ما رسد. ۵۶/۴۵

کامل ترین برکات الهی، برای محمد صلی الله علیه و آله

وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ

و کامل ترین برکت هایت را بر او روان ساز.

۵۰/۴۷

درودهای با برکت، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلَّى عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای مبارک بفرست. ۶۴/۴۷

ازین برنده برکات

وَ طَوْقِنِي طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا... يَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ

و طوقِ دست برداشتن از آنچه برکت ها را از بین می برد، به گردنم انداز. ۱۰۶/۴۷

عید قربان و روز جمعه، روزهای با برکت

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيِّمُونَ

خداوندا این روزیست مبارک و خجسته.

۱/۴۸

تقسیم برکت، بین مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَرَكَهٍ... أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمان، نیکی یا عافیت یا برکت قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان. ۲/۴۸

تقدیری مبارک و نیک

وَ خِزْلِي فِيمَا تَقْضِي مِنْهُ، وَ بَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ

و به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده و آن را برای من مبارک کن. ۲۸/۴۸

ص : ۲۱۱

برکناری

برکناری از شمار دوستان شیطان

وَ اغْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَانِهِ

و ما را از شمار دوستانش برکنار فرما.

۱۴/۱۷

برکناری خودنمایی، از جنگجوی مسلمان

وَ اغْزِلْ عَنْهُ الرِّيَاءَ

و خودنمایی را از او دور کن. ۱۴/۲۷

برکناری قدرت از بنده

وَ لَوْ تَكَلَّنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي، أَوْ تَضَطَّرَّنِي إِلَى قُوَّتِي لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَرِلًا

و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وامی گذاردی یا مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا توان از من کناره می گرفت. ۲۵/۳۲

برگزیدن اختیار

برگشتن بازگشت

برندگی تیزی

برهان حجّت

بریدن

سپاسی قطع نشدنی، از خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا انْقِطَاعَ لِأَمْدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که مدّتش نامقطوع می باشد. ۲۸ و ۲۷/۱

قطع نشدن درخواست های نیازمندان، از خدا

و يَا مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ

و ای آنکه درخواست های نیازمندان از او قطع نمی گردد. ۹/۱۳

قطع نکردن امید بنده، از خدا

و لَا تَقْطَعُ رَجَائِي عَنْكَ

و از خود ناامیدم نکن. ۲۲/۱۳

نالیدن با آواز بلند، تا قطع شدن صدا

يَا إِلَهِي لَوْ... انْتَجَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر چنان شیون کنم تا صدایم قطع شود، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم

نیستم. ۳۰/۱۶

بلا و گرفتاری قطع نشدنی

وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ، أَوْ بُتُّ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيَّ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ... فَقَدَّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ...

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از

ص: ۲۱۲

گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز. ۲/۱۸.

پیوستن بنده، به فرد بریده از او

وَ سَدَّدْنِي لِأَنْ... أَكْفَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ

و مرا توفیق ده تا کسی را که از من جدا شده به پیوستن مکافات دهیم. ۹/۲۰.

بریده شدن رشته اتصال الهی، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ... قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيكَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ

خداوندا اگر رشته (رحمت) خود را از من ببری، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم. ۵/۲۱.

درودی قطع نشدنی، بر محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... صَلَاةً... لَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا

خداوندا بر محمد درود فرست، درودی که شماره اش قطع نگردد. ۱۸/۲۷.

بریدن از دیگری و پیوستن به خدا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِثْقَاعِي إِلَيْكَ

خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل بریده و به تو پیوسته ام. ۱/۲۸.

قطع اهتمام بنده، به رزق ضمانت شده

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ... قَاطِعًا

لَاهْتِ مَا مَنَّا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَفَّلْتَ بِهِ

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهتمام ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار ده.

و تَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصْمُ الْأَمْالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ

و رشته های آرزو از من بریده، جز بخشایشت که به آن چنگ زده ام. ۹/۳۲

عدم قطع احسان الهی، از بندگان

و لَا تَقْطَعُ عَنَّا كَافَّةً مَادَّةَ بَرِّكَ

و اصل احسانت را از جمع ما قطع نساز.

۴/۳۶

بریده شدن گفتار بنده

و انْقَطَعَتْ مَقَالَتِي

و گفتارم قطع گردیده. ۱/۵۳

بریده شدن نشان و اثر بنده، از دنیا

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثْرِي

مولای من! هنگامی که اثرم از دنیا قطع شود، به من رحم کن. ۵/۵۳

درخواست قطع و بریده شدن:

ص: ۲۱۳



أ. نشانه پای شیطان، از بندگان

وَ اقْطَعْ عَنَّا اِثْرَهُ

و اثرش را از ما قطع کن. ۴/۱۷

ب. امید شیطان، از بندگان

اللَّهُمَّ... اقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا

خداوندا امیدش را از ما قطع کن.

۹/۱۷

ج. کمک به دشمنان مرزداران اسلام

وَ اقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ

و کمک رسانی را از ایشان قطع کن.

۵/۲۷

د. نسل چهارپایان دشمنان

وَ اقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ اَنْعَامِهِمْ

و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن. ۶/۲۷

ه. ریشه دشمنان

وَ اِجْعَلْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ يَبْأَسُ مِنْ بَأْسِكَ كَفِعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ

و بر آنان سپاهی از فرشتگانت را با عذابی از عذاب هایت بفرست. مانند کارت در روز بدر. تا بدین سبب، ایشان را ریشه کن سازی.

۱۱/۲۷

و. نیازمندی بنده به دنیا

وَ اقْطَعِ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي

و نیازم را از دنیا قطع کن. ۴/۵۴

بزرگان

فاش نساختن حال بنده، نزد بزرگان

وَ لَا تُعْلِنُ عَلَيَّ عُيُونِ الْمَلَأِ خَبْرِي

و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان، علنی نکن. ۲/۴۱

بزرگداشت بزرگی

بزرگواری بزرگی

بزرگی

بزرگواری خدا و همراهی اش با گنهکاران

... وَ لَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكَرُّمًا

... و در سرکوب ما عجله ننمود. بلکه به رحمتش از روی کرامت، به ما مهلت داد. ۲۱/۱

بزرگی احسان و فضل الهی، بر بندگان

وَ جَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا، وَ جَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا

و احسانش بر ما بزرگ و فضلش بر ما تمام است.

۲۲/۱

ص: ۲۱۴

فرشتگان، و تعظیم و بزرگداشت خدا

وَ الَّذِينَ... لَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ...

و همانها که فراموشی غفلت‌ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی‌سازد... ۷/۳

فروتنی فرشتگان، در پیشگاه عظمت خدا

الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبْرِيَاءِكَ

(آنان) در پیشگاه با عظمت، بزرگ و بلند تو فروتنند. ۸/۳

شگفتی‌های عظمت خدا

يَا مَنْ لَا تَنْقِصِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ

ای کسی که شگفتی‌های بزرگی او پایانی ندارد.

۱/۵

بازداشتن بندگان، از ستم در عظمت خدا

وَ اخْجَبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ

و ما را از کج روی در عظمت خود بازدار.

۱/۵

سلامتی دل‌ها و یاد عظمت و بزرگی خدا

وَ اجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ

و سلامتی دل‌های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده. ۱۴/۵

خدا، بخشنده نعمت بزرگ

إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ

به درستی که تو بسیار بخشنده نعمت بزرگ هستی. ۲۴/۶

خدا، آمرزنده گناه بزرگ

إِنَّكَ أَنْتَ... الْغَافِرُ الْعَظِيمُ

به درستی که تو آمرزنده برای (گناه) بزرگ هستی. ۲۴/۶

عرش بزرگ الهی

يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

ای صاحب عرش و تخت بزرگ. ۱۰/۷

بزرگ داشتن طاعت و بندگی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از بزرگ شمردن طاعت و بندگی. ۱/۸ و ۲

بزرگواری خداوند و سزاوارترین کارها

وَأَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مَنِ اسْتَرْحَمَكَ

و سزاوارترین کارها به بزرگواری ات، بخشش است بر آنکه از تو رحمت خواسته. ۵/۱۰

بزرگی یاد خدا، برای یادکنندگان

يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ

ای که یاد او برای یادکنندگان بزرگی است.

۱/۱۱

ص: ۲۱۵

خدا، صاحب عظمت و بزرگواری

إِنَّكَ... ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

همانا تویی دارای بزرگواری و احترام.

۷/۱۵

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ... ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

خداوندا سپاس برای توست، دارای بزرگواری و کرم. ۲/۴۷

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایشی.

۱۱/۴۷

سُبْحَانَكَ مِنْ... رَفِيعَ مَا أَرْفَعُكَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ

پاک و منزهی! ای بلندمرتبه که بسیار بلندمرتبه ای! تویی دارای زیبایی و ارجمندی و بزرگواری و ستایش. ۲۴/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

معبودی جز تو نیست، دارای بزرگواری و احترام. ۲/۴۸

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ای دارای بزرگواری و کرم، بر محمد و خاندانش درود فرست. ۲۸/۴۸

تَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

از من درگذر، ای دارای بزرگی و کرم. ۷/۵۰

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَشَأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ

ای صاحب عظمت و کرامت! از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست

داری. ۳/۵۴

لرزش اندام بنده، از شکوه و بزرگی خدا

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي... انْتِقَاصَ جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ

ای خدای من، ناتوانی اندامم را از هیبت خود می بینی. ۱۹/۱۶

اللَّهُمَّ فَارْحَمِ... اضْطِرَابَ أَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ

خداوندا، پس به لرزش اندامم از شکوهت، رحم فرما. ۲۳/۳۱

مبدل ساختن القائنات شیطانی، به ذکر عظمت الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي... ذِكْرًا لِعِظَمَتِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده. ۱۳/۲۰

تبدیل سخن زشت، به بزرگ دانستن خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أُجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ... ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانه جاری ساخته از سخن زشت، اقدام به

بزرگ دانستنت را قرار ده. ۱۳/۲۰

به پا داشتن بنده، به عظمت الهی

وَ بِعَظَمَتِكَ فَأُنْعِشْنِي

و به عظمت خویش به پام دار. ۴/۲۲

بزرگ و عظیم بودن خداوند

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

به درستی که تو ستوده بزرگواری.

۱۴/۲۲، ۱۱/۴۸

...لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ

... زیرا تو پروردگار بزرگی هستی. ۱۳/۳۹

وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ. ۲۵/۴۶

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْعَظِيمُ الْمُتَعَزِّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. عظیم در نهایت عظمت، بزرگ در نهایت بزرگی.

۴/۴۷

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

ای بزرگ، ای بزرگ. ۸/۴۸

پناه بردن به خدا، از شر هر کوچک و بزرگ

وَ أَعِذْنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ

و من و فرزندانم را از شر هر کوچک و بزرگی پناه ده. ۶/۲۳

پناه بردن به خدا، از شرّ هر بزرگوار و پست

وَ أَعِزَّنِي وَ ذَرِّبْنِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَ وَضِيعٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه ای پناه ده. ۶/۲۳

درهم شکستن بزرگی بدخواه بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تَكْسِرَ جَبْرُوتَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا بزرگی اش را بشکنی. ۷/۲۳ و ۸

بزرگی و شرافت مسلمانان، به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَمَا شَرَفْتَنَا بِهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، چنانکه ما را به وسیله او شرافت دادی. ۴/۲۴

والدین، بزرگ ترین نعمت الهی بر فرزند

فَهُمَا... أَعْظَمُ مِنْهُ لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بِعَدْلِ

پس نعمتشان نزد من بزرگ تر از آن است که با عدل از آنان تقاص بگیرم. ۱۰/۲۴



بردن شوکت و بزرگی دشمنان اسلام

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنُودًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ... تَخْضُدُ بِهِ شُوكَهُمْ

و بر آنان سپاهی از فرشتگان را بفرست. تا بدین سبب، سختی و صلابتشان را براندازی.

۱۱/۲۷

بزرگ دیدن گناه بزرگ خود

فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا وَ جَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا

پس گناه بزرگش را بزرگ و ناسازگاری سترگش را سترگ دانست. ۷/۳۱

بزرگ نشمردن عفو خداوند، (نسبت به سعه رحمتش)

وَ لَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِنَّ عَفْوَتَ عَنْهُ وَ رَحْمَتَهُ

و اگر از او گذشتی و به او رحم آوردی، گذشتت را بزرگ نشمارد. ۱۰/۳۱

بزرگ نبودن آمرزش گناه بزرگ، نزد خدا

...لَا تَنْتَكِرُ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاطَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ

... زیرا تویی پروردگار کریمی، که آمرزش گناه بزرگ در نظر تو بزرگ نیست. ۱۰/۳۱

کبریایی خدا و سرگردانی اندیشه ها در آن

وَ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ

و تصوّرهای دقیق در بزرگواری ات سرگردان گشته. ۷/۳۲

طاعت خدا و بزرگواری شدن

فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَفَتْهُ طَاعَتُكَ

پس به درستی که شرافتمند کسی است که اطاعت تو شریفش گرداند. ۴/۳۵

بزرگواری خدا، در رفتار با فرمانبردار و گنهکار

فَسُبْحَانَكَ مَا أُبَيِّنُ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلِهِ مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ...

پس منزهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است. ۱۰/۳۷

بزرگی و شرافت آل محمد صلی الله علیه و آله

وَقَوَّيْنَا عَلَيْهِ لِنَرْفَعَنَّا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ

و ما را بر (دریافت) آن قوت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمل آن را نداشت، رفعت بخشی. ۵/۴۲

شناخت بزرگی و برتری قرآن

اللَّهُمَّ فَكَمَا... عَرَفْنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ

خداوندا، پس همچنان که به رحمت خود

ص: ۲۱۸

شرافت و فضیلت آن را به ما آموختی، پس بر محمد که با آن سخن راند، درود فرست. ۶/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگ ترین منزلت در قیامت

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّنَ مِنْكَ مَجْلِسًا... وَ أَجْلَهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و بزرگوارترین آنها نزد خود، قرار ده. ۱۸/۴۲

بزرگ گرداندن برهان محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و برهان او را عظمت بخش. ۱۹/۴۲

بزرگی فضل خدا

إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَ فَضْلٍ كَرِيمٍ

به درستی که تو دارای رحمت گسترده و فضل بزرگ هستی. ۲۱/۴۲

بزرگداشت رمضان و حرام کردن حلال ها، در آن

فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتنش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد. ۴/۴۴

شناخت بزرگداشت حرمت ماه رمضان

وَ أَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

و شناخت فضیلتش، و بزرگ داشتن احترامش را به ما الهام کن. ۶/۴۴

کوتاهی در بزرگداشت خدا

وَ جَبَّنَا... التَّقْصِيرَ فِي تَمْجِيدِكَ

و ما را از کوتاهی در بزرگ داشتن دور گردان.

بزرگ گرداندن شب قدر

وَ أَجَلَّتْ فِيهِ مِنْ لَيْلِهِ الْقَدْرِ (الَّتِي هِيَ) خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی. ۲۰/۴۵

رمضان، بزرگ ترین ماه خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا. ۲۳/۴۵

بزرگ بودن احترام و گرامیداشت رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينِ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود. ۲۶/۴۵

بزرگی ماه رمضان، در دل های مؤمنان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ... أَهْبَيْكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ

دروود بر تو. چه با هیبت بودی، در سینه های مؤمنان! ۳۲/۴۵

بزرگی دادن (به امت اسلام)، به وسیله ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی. ۴۳/۴۵

عمل اندک بنده و پاداش بزرگ خداوند

و يَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَازِي بِالْجَلِيلِ

و ای کسی که (عمل) کم را سپاس می گذارد و پاداش بزرگ می دهد. ۷/۴۶

خدا و بزرگ ترین بزرگی

فَلَكَ... الْجَلَالُ الْأَمَّجَدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ

پس بزرگ ترین بزرگی بر فوق هر بزرگی برای توست. ۱۲/۴۶

خرد بودن هر بزرگی، در برابر خدا

كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ

هر بزرگی نزد تو کوچک است. ۱۳/۴۶

خواری هر بزرگواری، در برابر بزرگواری خدا

وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِي جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ

و هر بزرگواری در کنار بزرگواری ات حقیر است. ۱۳/۴۶

دلیل خدا، بزرگ تر از توصیف شدن

حُجَّتُكَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا

حجت تو بزرگ تر از آنست که به همه آن وصف شود. ۲۳/۴۶

بزرگی خدا و حقیقت آن

وَمَجْدُكَ أَزْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ

و بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به حدی درآید. ۲۳/۴۶

درمانده شدن از بزرگداشت خدا

وَفَهَّيْنِي الْأَمْسَاكَ عَنْ تَمْجِيدِكَ

و خودداری (از سخن)، مرا از بزرگ داشتن تو درمانده کرده. ۲۴/۴۶

بی مانندی خدا، در عظمت و بزرگی

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْعَظِيمُ الْمُتَعَزُّمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. عظیم در نهایت عظمت. ۴/۴۷

بزرگی مرتبه خداوند

سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلَّ شَأْنُكَ

پاک و منزهی! چه بزرگ است شأن تو!

۲۲/۴۷

ص : ۲۲۰

سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنُكَ

پاک و منزهی! چه بزرگست مرتبه تو! ۴/۵۲

فروتنی برای عظمت خداوند

وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ

و آنچه زیر عرش تو است، برای بزرگی تو خاشع شد. ۲۶/۴۷

سپاسی همسنگ عرش بزرگ خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ

سپاس برای توست. سپاسی که با عرش بزرگ تو همسنگ باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۱

سپاسی شایسته بزرگی ذات خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَجِبُ لِكْرَمِ وَجْهِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که سزاوار ذات کریم تو باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۹

سپاسی برابر با غلبه عظمت خدا

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ

سپاس برای توست. سپاسی که با غلبه بزرگی ات برابر باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۹

بزرگداشت روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای. ۶۶/۴۷

اقرار بنده، به گناهان بزرگ

هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَ جَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ

اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته ام و به سترگی خطاهایی که مرتکب آن شده

بزرگ نبودن انعام آمرزش، به بنده

وَ اٰمِنُنَّ عَلٰی - بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ اَنْ تَمُنَّ بِهٖ عَلٰی مَنْ اَمْلَكَ - مِنْ غُفْرَانِكَ

و به من ارزانی دار آنچه بر تو گران نیست و به کسی که آمرزش تو را آرزو می کند ارزانی می داری.

عامل رهایی از گرفتار شدن به گناهان بزرگ

وَ هَبْ لِيْ عِصْمَةً... تَفَكَّنِيْ مِنْ اَسْرِ الْعِظَائِمِ

و به من عصمتی بخش که از بند گناهان بزرگ رهایم سازد. ۱۱۱/۴۷

توبه و گناهان کوچک و بزرگ

وَ تُبِّ عَلٰی تَوْبَةٍ نُّصُوْحًا لَا تُبْقِيْ مَعَهَا ذُنُوْبًا صَغِيْرَةً وَ لَا كَبِيْرَةً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری.



پوشاندن بنده، به عطایای بزرگ

جَلَّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ

در مکان هایی که برای دوستان آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا بپوشان. ۱۲۸/۴۷

بنده را با گناهان بزرگ نسنجیدن

وَلَا تُقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ

و مرا با گناهان بزرگ مَسَنج. ۱۲۹/۴۷

اصرار ورزیدن بر گناه بزرگ

ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ

سپس اصرار بسیار آنان بر جرم های بزرگ، تو را از اینکه به ایشان رحمت و آمرزش ببخشی، بازداشت. ۷/۴۸

بزرگی گذشت الهی

أَتَيْتَكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی. ۷/۴۸

فَيَا مَنْ... عَفْوُهُ عَظِيمٌ

پس ای کسی که گذشتش بزرگ است. ۸/۴۸

برتری بزرگ خداوند

وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا

و تو - ای خدای من - از این (امور) برتر و والاتری. ۱۵/۴۸

بزرگی سلطنت خداوند

لَكِنَّ سُلْطَانِكَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ... مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَهُ الْمُطِيعِينَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر از آن است که طاعت فرمانبران بر آن بیفزاید. ۶/۵۰

نزد بنده بودن احسان بزرگ الهی

وَ كَمْ مِنْ صَنِيعِهِ كَرِيمٍ لَكَ عِنْدِي

و چه بسیار نیکی بزرگ، که برای تو نزد من است! ۳/۵۱

سوگند به اسم بزرگ خدا

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ... وَ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به نام بزرگت و به بزرگی ذات بزرگوart، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. ۱۰/۵۲

بزرگ گرداندن رغبت بنده، نسبت به حاجتش

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي

خداوندا خواسته من این است. پس رغبت

ص : ۲۲۲

بستر

گسترده بسترهای کرامت الهی، برای بنده

أَفْرِشِنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ

بسترهای کرامت را برای من بگستر. ۱/۴۱

بستن

بستن در نیازمندی بنده، به سوی بندگان

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ

و سپاس خدایی را که در نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. ۱۹/۱

نبود گشاینده، برای آنچه خداوند بسته

وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ

و برای آنچه بست، گشاینده ای و برای آنچه گشود، بستنده ای نیست. ۷/۷

خدا، گشاینده آنچه شیطان ببندد

اللَّهُمَّ... افْتِقْ مَا رَتَقَ

خداوندا آنچه (شیطان) بست، بگشا. ۱۲/۱۷

بستن زبان دشمنان، از گفتار

وَ اخْرِمَ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ

و زبان هایشان را از گفتن ببند. ۵/۲۷

بسط گسترش

بسیاری فراوانی

بشارت مژده

بشر انسان

بشره پوست

بغض کینه

بقا

بندگان گذشته و باقی مانده

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَ الْبَاقِينَ...

پس سپاس او را، به جای هر نعمتی که او بر ما و بر همه بندگانش - گذشتگان و باقی ماندگان - دارد. ۲۷/۱

عفو الهی، در (زیان) ماندگارتر

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَ قَفْنَا بَيْنَ نَفْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

ص: ۲۲۳

پایانی باقی

وَ غَيْرُ قَلِيلٍ مَّا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ

و آنچه فرجامش بقاست، کم نیست. ۳/۱۸

باقی نماندن (تکلیفی)، بر عهده بنده

هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَ أَغْفَلْتَهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَأَدِّهِ عَنِّي... حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاصِنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي

آن (تکلیف) ای پروردگار من، از چیزهایی است که بر من به حساب آورده ای و من خودسرانه از آن غافل شدم. پس آن را از جانب من ادا کن. تا چیزی از آن بر من نماند که بخواهی به سبب آن از نیکی هایم بکاهی. ۷/۲۲

حج و عمره، و باقی و زنده بودن بنده

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ... اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي...

خداوندا و بر من منت گذار به حج و عمره، همیشه تا هنگامی که زنده ام. ۴/۲۳

باقی ماندن فرزندان و الدین

اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَيَّ بِبِقَاءِ وُلْدِي

خداوندا و بر من به بقای فرزندانم منت گذار.

۱/۲۵

بقای نعمت همسایگان

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَحِبُّ بَقَاءَ النُّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا

و خداوندا مرا بر آن دار که خیرخواهانه بقای نعمت را نزدشان دوست بدارم. ۳/۲۶

بقای گنجینه های خداوند

وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ فَادْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ

و آنچه از کالای دنیای فانی، از من گرفتی، پس آن را برای من در گنجینه های جاوید خود ذخیره فرما. ۵/۳۰

توبه و سلامتی در آنچه (از زندگی) باقی مانده

فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ... تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ

پس این توبه ام را توبه ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه مانده است، قرار ده.

۲۰/۳۱

بقای عزت الهی

اللَّهُمَّ يَا ذَا... الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَيَّ مَرَّ الدُّهُورِ

خداوندا ای عزیزی که با سپری شدن روزگارها، ماندگار است. ۱/۳۲ و ۳

آخرت، سرای هستی و بقا

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

ص : ۲۲۴

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایش پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

بقای سپاس گزاری از خدا

فَلَكَ الْحَمْدُ... مَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُحْمَدُ بِهِ، وَ مَعْنَى يَنْصَرِفُ إِلَيْهِ

پس ستایش برای توست، تا آنجا که برای ستایش کلمه ای که با آن ستایش شوی باقی ماند و مقصودی که به آن باز گردد، وجود داشته باشد.

۱۷/۴۵

درودی پیوند خورده به بقای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَواتٌ... يَتَّصِلُ اتِّصَالَهَا بِبَقَائِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که اتصالش به بقای تو پیوند خورد. ۵۳/۴۷

توبه و باقی نگذاشتن گناهان

وَ تُبِّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَّصُوحًا لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً

و توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاری. ۱۲۶/۴۷

(انجام) حج و عمره، در باقی مانده عمر

وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ اِتِّبَاعًا وَ جِهَةً

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حج و عمره قرار ده. ۱۳۳/۴۷

بلا گرفتاری

بلند

بالا رفتن سپاس بنده، به اعلی علین

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ...

سپاس خدای را، سپاسی که از ما به سوی بالاترین مرتبه ها (بهشتی) بالا رود. ۱۰/۱ و ۱۳/۱

بلند گردیدن «کلمه الله»

...عَلَّتْ كَلِمَتُكَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

...سخن تو بلند گردید، اگر چه مشرکان نمی پسندیدند. ۲۲/۲

پیامبر صلی الله علیه و آله و بالاترین مقام بهشت

اللَّهُمَّ فَارِزِعُهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشت بالا بر. ۲۳/۲

میکائیل، بلندمرتبه در نزد خدا

ص : ۲۲۵



مِكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ

میکائیل نزد تو دارای مقام والا است، و از اطاعتت جایگاهی بلند دارد. ۳/۳

در ملک خدا بودن آنچه در هوا بالا رود

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهَا وَ أَرْضُهَا... وَ مَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و آنچه در هوا بالا رفته و همه از آن تو هستیم. ۹/۶

بالا تر بودن دست خدا از هر دستی، در بخشش

وَ عَلِمْتُ... أَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ

و دانستم که دست عطا تو از هر دستی بالاتر است. ۱۹/۱۳

بالا تر بودن بخشش خدا، از کیفرش

وَ أَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ

و تویی آنکه بخشایش او از کیفرش برتر است.

۷/۱۶

دادن تندرستی بالاتر، به بنده

عَافِنِي عَافِيَةً... عَالِيَةً... عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

به من عافیت ده. عافیتی عالی، عافیت دنیا و

آخرت. ۲/۲۳

سبب بلندی درجات والدین

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى... فَاجْعَلُهُ... عَلُوًّا فِي دَرَجَاتِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب بلندی درجات ایشان قرار ده.

۸/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمد درود فرست، درودی بالای همه درودها و مشرف بر همه تحیات

ها. ۱۸/۲۷

بلندی خواستن و پست شدن

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا، وَحَاوَلُوا الْإِرْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند. ۶/۲۸

والایی و بلندمرتبگی خداوند

لَكَ يَا إِلَهِي... دَرَجَةُ الْعُلُوِّ وَالرُّفْعَةِ

خداوندا درجه والایی و بلندی، از آنِ توست.

۱۰/۲۸

ص : ۲۲۶

...تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ

...نامت مبارک و بلندمرتبه است. ۱۲/۴۵

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ. ۲۵/۴۶

يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ...

ای خدای مبارک و والای من... ۸/۴۹

فَتَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

پس تو مبارک و برتری. جز تو معبودی نیست. یگانه ای هستی که برای تو شریکی نمی باشد.

۵/۵۲

خدا والاتر از داشتن همتا

فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَالْأَضْدَادِ

پس تو از داشتن ماندها و همتاها برتر بودی.

۱۲/۲۸

بلندپایه بودن پادشاهی خدا

وَ اسْتَعْلَى مُلْكُكَ عَلَوًّا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمْدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

بالاترین عطایای تقرب جویان

وَ اجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَ تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ... أَعْلَى صَلَاتِ الْمُتَقَرِّبِينَ

و گذشت از ایشان را که من کردم، و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، بالاترین بخشش های تقرب جویان قرار

بالایی ذکر خدا

تَعَالَى ذِكْرَكَ عَنِ الْمَذْكُورِينَ

یاد تو از یادشدگان برتر است. ۱۴/۳۹

خوشنودی خدا و بلندمرتبه نمودن بنده

شَرَّفَ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ

درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده.

۴/۴۱

بالا بردن درجه و مرتبه محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ... وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و درجه اش را رفیع گردان. ۱۹/۴۲

سزاواران بالاترین مرتبه

وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ

و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو، مستحق بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده.

۱۲/۴۴

بلندترین بلندی

ص : ۲۲۷

فَلَكَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَى فَوْقَ كُلِّ عَالٍ، وَالْجَلَالُ الْأَمَجْدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ

پس بلندترین بلندی بر فوق هر بلندی، و بزرگ ترین بزرگی بر فوق هر بزرگی برای توست.

۱۲/۴۶

بالا تر بودن بزرگی خداوند، از به حدی (پایانی) در آمدن حقیقتش

و مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ

و بزرگی تو بالاتر از آنست که حقیقت آن به حدی در آید. ۲۳/۴۶

بلندمرتبه بودن خدا، در منتهای بلندی

و أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بلندمرتبه در نهایت بلندی مرتبه. ۵/۴۷

خداوند، نزدیک و بلندمرتبه

و أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. با وجود بلندی خود نزدیک، و با وجود نزدیکی خود بلندی. ۱۰/۴۷

شگفت از بلندی منزلت خداوند

سُبْحَانَكَ! مَا... أَسْنَى فِي الْأَمَاكِنِ مَكَانَكَ

پاک و منزهی! چه بلند است در مکان ها، مکان (منزلت) تو! ۲۲/۴۷

سُبْحَانَكَ مِنْ... رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ

پاک و منزهی! ای بلندمرتبه که بسیار بلندمرتبه ای! ۲۴/۴۷

کرسی بلندپایه خداوند

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... يُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعِ

سپاس برای توست. سپاسی که با کرسی بلندپایه ات برابری نماید. ۳۶/۴۷ و ۴۱

درخواست از خدا و بلندی خواهی

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ... لَا مُتَعَالِيًا بِدَالِهِ الْمُطِيعِينَ

از تو درخواست می نمایم، درخواست خُرد، خوار، بدحال. نه از روی بلندی خواهی به گستاخی و اعتمادِ فرمانبران. ۷۴/۴۷

درخواست از خدا و بلندپروازی

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ... لَا مُسْتَطِيلًا بِتَكْبَرِ الْمُتَكَبِّرِينَ

از تو درخواست می نمایم، درخواست خُرد، خوار، بدحال، نه از روی برتری جستن (و بلند پروازی) به تکبر متکبران. ۷۴/۴۷

بلندمرتبه گشتن، در میان بندگان

ص : ۲۲۸

وَ ارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ

و مرا در میان بندگانت سر بلند فرما.

۱۱۸/۴۷

داشتن درجه ای بلند، در درگاه خدا

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَوْ تَرْفَعَ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً... أَنْ تُوفِّرَ حَطِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، یا درجه ای را که از ایشان نزد خود بالا می بری، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان. ۲/۴۸

برتری و بلندمرتبگی خداوند

وَ قَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا

و تو - ای خدای من - از این (امور) برتر و والاتری. ۱۵/۴۸

بلند مرتبه گردیدن توسط خدا، و پست نشدن

إِلَهِي إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي

خدای من، اگر تو مرا بلندمرتبه گردانی، پس کیست آنکه مرا پست نماید؟ ۱۵/۴۸

بلند مرتبه نشدن بنده، در صورت پست شدنش از جانب خدا

إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي

اگر مرا پست کنی، پس کیست آنکه بلندمرتبه ام گرداند؟ ۱۵/۴۸

منزلت بلندپایه محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمدی، به سوی تو نزدیکی می جویم. ۱۶/۴۹

بند

ایمن ساختن بنده از بندها و دام ها

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَصْرِفْهُ عَنِّي... وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوَعِّمَنِّي مِنْ جَمِيعِ... حَبَائِلِهِ وَ مَصَائِدِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منحرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه بندها و دام های او ایمن سازی. ۷/۲۳

کندن بند دل دشمنان

وَ اِخْلَعْ وَتَأْتِقَ أَفْنِدَتِهِمْ

و رگ های دلشان را بکن. ۵/۲۷

آزاد شدن از بند عدالت خدا، با احسان او

فَأَصْبِحَ... عَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَتَأَقِ عَدْلِكَ

پس به واسطه نیکی ات از بند دادگری ات، آزاد شده است. ۱۰/۳۹

ص : ۲۲۹



در آمدن دشمن، در بند دام

وَرَدَدَتْهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ، فَأَنْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رَبِيقِ حِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، در آمد. ۸/۴۹

بندگان

رفتار خدا با بنده

وَ أَفْعَلُ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزِی که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. ۲۴/۳۱

کردار اندک و آرزوی بزرگ بنده

أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْجَسِيمُ أَمَلًا

من بنده ای هستم که عملش ضعیف و آرزویش بزرگ است. ۹/۳۲

دشوار نبودن عفو بنده، بر خدا

لَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ

گذشت از بنده ات گر چه بد کرده، بر تو دشوار نیست. ۱۰/۳۲

ناتوانی شاکرترین بندگان، از شکر خدا

فَأَشْكُرُ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ

پس شکر گزارترین بندگان از شکر تو، عاجز است. ۳/۳۷

کوتاهی عابدترین بندگان، از اطاعت خدا

أَعْبُدُهُمْ مُقَصِّرٌ عَنْ طَاعَتِكَ

عابدترین آنان از اطاعتت مقصر است. ۳/۳۷

لزوم پاداش الهی، بر سپاس گزاری بندگان

تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ... حَتَّى كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمَرَ مَلَكَوَا اسْتِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکرگزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گرداندی - کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای. ۶/۳۷

دعا در حق بنده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّْي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ، وَ انْتَهَكْتَ مِنِّْي مَا حَجَزْتَ عَلَيْهِ... فَاعْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّْي

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته بودی و آبرویی از من برد که بر او ممنوع ساخته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، ببامرز.

۲/۳۹

ص : ۲۳۰

خوشنود ساختن بنده و ادای حَقِّش، از جانب خدا

اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا عِبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَذْرَكَهُ مِنِّي دَرَكٌ... أَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِكَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که ناروایی از من به او رسیده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت پرداز. ۴/۳۹

شرح کتاب الهی، برای بندگان

وَ جَعَلْتَهُ... كِتَابًا فَصَلِّتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا

و آن را کتابی قرار دادی که برای بندگانت با تفصیل بیان نمودی. ۲ و ۱/۴۲

محمد صلی الله علیه و آله ، بنده خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

خداوندا بر محمد بنده خود درود فرست.

۱۷/۴۲

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَةً... الْمَوْءَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سَنَّتِی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] قرار داد - به جا آورده اند. ۹/۴۴

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد بنده خود درود فرستی. ۳/۴۸

پند دادن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به بندگان

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا... نَصَحَ لِعِبَادِكَ

خداوندا او را به سبب اینکه بندگانت را نصیحت کرد، پاداش ده. ۲۲/۴۲

شب قدر و فرود آمدن فرشتگان بر بندگان

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا... عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

در آن فرشتگان و روح، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، فرود می آیند. ۵/۴۴

کوشش در بندگی خدا، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلَكَ قَرَّبْتَهُ، أَوْ... عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَّيْتَهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حق کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او را مقرب ساختی، یا بنده صالحی که او را برگزیدی، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱۲/۴۴

در زمره بندگان صالح قرار گرفتن

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. ۱۸/۴۴

ص : ۲۳۱

خدا و جزای بنده

وَيَا مَنْ لَا يُكَافِي عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ

و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی دهد. ۳/۴۵

گشودن دری به سوی عفو الهی، برای بندگان

أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایش گشوده ای. ۱۰/۴۵

خدا، و داد و ستد با بندگان

أَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السُّؤْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ

تویی آنکه در داد و ستد با بندگانت، در بهای آن بر خود افزوده ای. ۱۲/۴۵

بندگان و راهنمایی خداوند

وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَتُكَ مِنْكَ كَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگانت را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد.

۱۷/۴۵

نیکی و فزونی خداوند، بر بندگان

يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ

ای آنکه با احسان و تفضّل، مورد ستایش بندگانت قرار گرفته ای. ۱۸/۴۵

درود خدا، بر بندگان صالحش

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی. ۵۶/۴۵

رحم بندگان و رحم الهی

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ

ای کسی که رحم می کند، به آنکه بندگان به او رحم نمی کنند. ۱/۴۶

درودی دربرگیرنده درودهای بندگان

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً... تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای بندگان از جن و انست و اجابت کنندگان دعوت را شامل شود.

۵۴/۴۷

حجّت های خدا بر بندگان

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ... حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را حجّت های خویش بر بندگان قرار دادی. ۵۶/۴۷

ص : ۲۳۲

امامان، علامت (راهنما) برای بندگان

أَقَمْتُهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ

او را نشانه برای بندگانت به پا داشتی. ۶۰/۴۷

روز عرفه و احسان الهی بر بندگان

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ... تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که به وسیله آن بر بندگانت تفضل کرده ای. ۶۶/۴۷

نعمت الهی به بنده، پیش و پس از آفرینش او

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ

خداوندا و من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینش و پس از آفرینش، او را نعمت داده ای.

۶۷/۴۷

نعمت های خدا به بندگان

كَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ

حال آنکه با آن عنایت هایی که به او داشته ای، سزاوارترین بندگانت بود که نافرمانی ات را نکند.

۶۸/۴۷

بنده، و آشکار نمودن (گناهان) نزد خدا

أَنَا الَّذِي اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ

منم آنکه (گناهم را) از بندگانت پنهان کرده و

نزد تو آشکار نمودم. ۷۹/۴۷

ترس داشتن از بندگان خدا

أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمْنَكَ

منم آنکه از بندگانت ترسیده و از تو آسوده خاطر بودم. ۸۰/۴۷

بلندمرتبه ساختن بنده، در میان بندگان

وَ ارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ

و مرا در میان بندگانت سربلند فرما. ۱۱۸/۴۷

تقسیم خیر، تندرستی، برکت و هدایت بین بندگان مؤمن

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می‌نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می‌نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان. ۲/۴۸

شریک شدن در دعای بندگان با ایمان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم که ما را در درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را می‌خواند، شریک گردانی. ۳/۴۸

زنده گشتن بندگان مرده

ص : ۲۳۳



وَهَبْ لَنَا يَا إِلَهِي مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُحْيِي أَمْوَاتَ الْعِبَادِ

و ما را - ای خدای من - از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی، گشایش ده. ۱۳/۴۸

بندگان، و هلاکت الهی

إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ

اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود؟ ۱۵/۴۸

خدا و بشارت به بندگان

اللَّهُمَّ إِنِّي وَحِدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فرو فرستاده ای و بندگان را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

بندگی عبادت

بنیان

بنیان انسان، بر وهن و سستی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّكَ... عَلَى الْوَهْنِ بَيْنَتَنَا

خداوندا و تو ما را بر سستی بنا نهاده ای.

۵/۹

بلند ساختن بنیان محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ شَرِّفْ بُيَاتَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بنیاد او را شرافت ده. ۱۹/۴۲

افعال خدا، بر بنیان احسان

أَنَّكَ بَنَيْتَ أفعالَكَ عَلَى التَّفْضِيلِ

همانا تو کارهایت را بر تفضل قرار داده ای.

۸/۴۵

بها

عدم فروش نعمت ها، به ازای قیمت ها

يَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعْمَهُ بِالْأَثْمَانِ

ای که نعمت هایش را به بها نمی فروشد. ۳/۱۳

ارزان ساختن نرخ ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُرْخِصْ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ

خداوندا ما را با بارانی که با آن قیمت ها را - در همه شهرهای بزرگ - ارزان کنی، سیراب نما.

۵/۱۹

ص : ۲۳۴

خدا و افزودن بها در داد و ستد با بندگان

أَنْتَ الَّذِي زِدْتِ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ

تویی آنکه در داد و ستد با بندگان، در بهای آن بر خود افزوده ای. ۱۲/۴۵

بهانه

جای بهانه نگذاشتن، برای بندگان

...وَلَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِّنَّا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا

...و برای احدی از ما، برهان و عذری به جا ننهاد. ۲۳/۱

بدبختی، و بسیاری عذر

تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لَكِنَّمَا... يَشْفِي بِنِعْمَتِكَ شَقِيئَهُمْ إِلَّا عَن طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ، وَ بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از حجت های پیاپی آوردن بر او. ۹/۴۵

بهانه نداشتن غافل، بعد از به پا داشتن راهنما

فَمَا عُذْرٌ مِّنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَإِقَامِهِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن در و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟! ۱۱/۴۵

گناهکار بودن، و ناتوانی از عذر آوردن

أَسْأَلُكَ أَنْ... تَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بَرِيئًا فَأَعْتَذِرَ

از تو می خواهم که بیماری ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم. ۷/۵۱

بهبودی

بهبودی یافتن بنده، با خشم بر ستمگر

أَعْدِنِي عَلَيْهِ عَدْوَى حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غَيْظِي بِهِ شِفَاءً

مراد در مقابل او یاری کن. یاری نمودن آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد. ۸/۱۴

دادن تندرستی بهبودی دهنده، به بنده

عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً...

به من عافیت ده. عافیتی کافی و بهبودی بخش.

۲/۲۳

قرآن، شفا و بهبودی

وَجَعَلْتَهُ... شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِهِمِ التَّصَدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ

و آن را شفایی برای کسی که با فهم و تصدیق

ص : ۲۳۵

به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، قرار دادی.

۳/۴۲

خشم بهبودی نیافته دشمن

فَرَدَّدَتْهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ، وَ لَمْ يَسْكُنْ غَلِيلُهُ

پس در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را بازگرداندی.

۶/۴۹

به پا خاستن قیام

به پایان بردن انجام دادن

بهتر

رساندن بهترین پاداش الهی، به تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ يَا حَسَانَ... خَيْرَ جَزَائِكَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعین نیکوکار ایشان برسان. ۹/۴

بهترین زمان بودن هر روز از زندگی

وَ اجْعَلْهُ... خَيْرَ وَقْتٍ ظَلَلْنَا فِيهِ

و آن (روز) را بهترین زمانی که در آن به سر برده ایم قرار ده. ۱۹/۶

خدا، بهترین کسی که از او یاری خواسته

شود

أَعْنِي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتُعِينَ بِهِ

مرا یاری ده. ای بهترین کسی که به وسیله او یاری خواسته شده. ۱۱/۲۴

خدا، بهترین آمرزندگان

إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ

به درستی که تو بهترین آمرزندگان.

۱۵/۳۲

إِنَّكَ أَنْتَ... خَيْرُ الْغَافِرِينَ

همانا تو بهترین آمرزندگان. ۶۵/۴۷

خداوند، بهترین روزی دهندگان

إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

به درستی که تو بهترین روزی دهندگان.

۲۸/۳۲

خدا، بهترین پناه دهندگان

...يَا خَيْرِ الْمُمْجِرِينَ

...ای بهترین پناه دهندگان. ۳۲/۳۲

قبرها، بهترین منزل ها

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده. ۱۴/۴۲

رساندن پیامبر صلی الله علیه و آله به بهترین نیکی و خیر

ص : ۲۳۶

الهی

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ

خداوند! بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که با آن او را به برترین خیر و فضل و کرامتی که آرزو دارد، برسانی. ۲۱/۴۲

در زمره بهترین اصحاب ماه رمضان بودن

اجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ

ما را برای ماه مان از بهترین خویشان و یاران قرار ده. ۱۴/۴۴

شب قدر، بهتر از هزار ماه

وَ أَجَلَّتْ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ (الَّتِي هِيَ) خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

و شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی. ۲۰/۴۵

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

رمضان، بهترین ماه

السَّلَامُ عَلَيْكَ... يَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ

درود بر تو، ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها. ۲۴/۴۵

روز عید فطر، بهترین روزها

بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَ فِطْرِنَا، وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا

برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان. و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده. ۴۸/۴۵

خدا، بهترین نعمت دهندگان

إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ

به درستی که تو بهترین نعمت دهندگانی.

۱۳۲/۴۷

مقدر نمودن بهترین عاقبت امور، برای بنده

فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، فَأَقْضِ لِي بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً

پس من صبح کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. پس آنچه سرانجامش بهترین است را برایم مقدر

فرما. ۸/۵۴

بهدت زدگی سرگردانی

به جا آوردن ادا و نیز انجام دادن

به دست آوردن کسب

ص : ۲۳۷



به دوش کشیدن

به دوش کشیدن معصیت

وَ كَثُرَ عَلَيَّ مَا أُبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و معصیت که بر دوش کشم، بر من زیاد است.

۱۰/۳۲

بهروزی خوش بختی

بهره

بهره مندی از نسیم (خوش) زندگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ

و سپاس خدای را که ما را به نسیم های زندگی بهره مند ساخت. ۲۰/۱

قرار دادن بهره ای در رحمت الهی، برای بندگان

اجْعَلْ لَنَا نَصِيْبًا فِي رَحْمَتِكَ

از رحمت خود برای ما بهره ای قرار ده.

۳/۵

صبح و بهره مندی از روشنی روز

اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ، وَ مَتَّعْنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و با آن ما را از روشنی روز

بهره مند گرداندی. ۸/۶

بهره ای از بندگان خدا، برای بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حِظًّا مِنْ عِبَادِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، بهره ای از بندگانت قرار ده. ۱۶/۶

بهره ای از سپاس گزاری خدا، برای بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ... نَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، سهمی از سپاس گزاری ات قرار ده.

۱۶/۶

بهره ای برای هر آفریده، در نعمت های الهی

...جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا

برای هر آفریده ای در نعمت های بهره ای مقرر داشته ای. ۶/۱۶

غفلت بنده، نسبت به بهره خود

مَنْ أَعْفَلَ مِنِّْي عَنْ حَظِّهِ؟

چه کسی از بهره خود فراموشکارتر از من است؟ ۲۳/۱۶

إِنْ تُعَذِّبْ فَإِنَّا... الْمُعْفِلُ حَظَّ نَفْسِي

ص : ۲۳۸

اگر کیفر کنی، این من هستم که واگذارنده بهره خویشم. ۱۴/۵۱

بهره مندی از رستگاری

أَمْتَعْنَا مِنَ الْهُدَىٰ بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ

ما را به اندازه گمراهی او (شیطان)، از رستگاری ات بهره مند گردان. ۵/۱۷

رحمت الهی و بهره بنده

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتَ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده. ۱/۱۸

بهره مند گرداندن بنده، به میانه روی

مَتَّعَنِي بِالْأَقْصَادِ

مرا به میانه روی، بهره مند گردان. ۱۸/۲۰

نعمت بهره بردن از فرزندان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَيَّ... يَا مَتَاعِي بِهِمْ

خداوندا و بر من به بهره مندی ام از آنان، منت گذار. ۱/۲۵

کامل ترین بهره های همسایگان

وَ اجْعَلْ لِي أَوْفَى الْحُظُوظِ فِيمَا عِنْدَهُمْ

و از آنچه ایشان (همسایگان) دارند، کامل ترین بهره ها را برای من قرار ده. ۴/۲۶

آسوده خاطری بنده، از بهره اش نزد خدا

فَعَدَّوْتَنِي بِفَضْلِكَ غِذَاءَ الْبِرِّ اللَّطِيفِ... لَا تَتَأَكَّدُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي فَأَتَفَرَّغَ لِمَا هُوَ أَحْظَى لِي عِنْدَكَ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربان خوراک دادی. با این همه اعتمادم به تو محکم نمی شود، تا برای آنچه که

برای من نزد تو بهره دهنده تر است آسوده خاطر شوم. ۲۶/۳۲

خوشنود ساختن بنده، نسبت به بهره اش

وَ أَسْأَلُكَ... أَنْ تُرْضِيَنِي بِحِصَّتِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي

و از تو درخواست می کنم که مرا به بهره ام در آنچه برایم قسمت کرده ای، راضی نمایی. ۲۸/۳۲

بهره مندی از ثروتی همیشگی

مَتَّعْنَا بَنُوهُ لَّا تَنفَدُ

ما را به ثروتی که نابود نشود، بهره مند نما.

۵/۳۵

بهره بندگان، در ترغیب الهی

أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَ تَرْغِيكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَي مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكُهُ أَبْصَارُهُمْ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، و با ترغیب نمودنت که بهره آنان را دربر دارد، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشانیدی، دیدگانشان آن را در نمی یافت.

۱۴/۴۵

ص : ۲۳۹

بهره مندترین افراد، از ماه رمضان

اجْعَلْنَا مِنْ ... أَجْزَلِهِمْ قِسْمًا فِيهِ، وَ أَوْفَرِهِمْ حَظًّا مِنْهُ

و ما را از پرنسب ترین آنان در آن ماه و از بهره مندترین ایشان از آن قرار ده. ۴۹/۴۵

نعمت الهی، و بهره محمد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ... وَ تُوفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که با آن بخشش و کرامت را برای ایشان بسیار سازی و بهره ی

آنان را از نعمت ها و سودهای فراوان گردانی. ۵۷/۴۷

بهره ای از خوشنودی خدا

اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ

در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم. ۷۱/۴۷

مانعی بین بنده و بهره او

أَعِدْنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ

از چیزی که مرا از تو دور می کند و میان من و بهره ام از تو، مانع می شود، مرا نگهدار. ۹۳/۴۷

بهره هایی از عطای الهی

أَجْزِلُ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ

سهم مرا از بخشش ها به لطف خود فراوان کن. ۱۲۹/۴۷

فراوانی بهره بنده

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُوْءَمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد

گردان. ۲/۴۸

تباه کردن بهره خود

وَإِلَيْكَ... مَفْرَعُ الْمُضَيِّعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلتَجِيِّ

و پناهگاه آنکه بهره اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست. ۳/۴۹

احسان الهی و بهره بنده

لَوْ لَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِخْرَازَ حَظِّي

اگر احسان تو به من و فراوانی نعمت هایت بر من نبود، هیچگاه به بهره خود نمی رسیدم.

۲/۵۱

بهشت

سپاس الهی و راهی به سوی بهشت

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... طَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ

ص : ۲۴۰

پس سپاس او را، سپاسی که راهی به سوی بهشتش باشد. ۲۹ و ۱/۲۷

پیامبر صلی الله علیه و آله و بالاترین مقام بهشت

اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ بِمَا كَدَّحَ فِيكَ إِلَيَّ الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشت بالا بر. ۲۳/۲

تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، و باغ های بهشت

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ ... صَلَاةً ... تَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که در باغ های بهشت بر ایشان وسعت دهی.

۱۴ و ۱۳/۴

بهشت، سرانجام دعوت خدا

أَنَا حِينِنْدِ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُتَّهَى دَعْوَتِكَ إِلَيَّ الْجَنَّةِ

من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت است. ۲۴/۱۶

جایگاهی در بهشت

وَ اجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ

و سرای مرا در بهشت مقرر گردان. ۱۱/۲۱

بهشت، در برابر چشمان مرزداران اسلام

وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ نَضْبَ أَعْيُنِهِمْ

و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده.

۴/۲۷

رابطه دارایی دنیوی، با بهشت

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا... ذَرِيعَةً إِلَيَّ جَنَّتِكَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله دست یابی به بهشت قرار

ده. ۶/۳۰

فرود آمدن در میان بهشت

أَحْلِلْنِي بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ

مرا در میان بهشت جای ده. ۱/۴۱

قرآن، پیشوایی به سوی بهشت

وَ اعْصِمْنَا بِهٖ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّىٰ يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ اِلَىٰ رِضْوَانِكَ وَ جَنَّاتِكَ قَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت باشد.

۱۲/۴۲

میراث بران بهشت

وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتُونَ

ص : ۲۴۱



الْفِرْدَوْسَ...

و ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که بهشت را ارث می برند. ۱۸/۴۴

توبه نصوح و درآمدن در بهشت ها

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزدايد و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است. ۱۰/۴۵

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ، راه بهشت

رَبِّ صَلِّ عَلَىٰ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ... وَ جَعَلْتَهُمْ... الْمَسْلُوكِ إِلَىٰ جَنَّتِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنها را راهی به سوی بهشت قرار دادی. ۵۶/۴۷

کامیاب گشتن بنده، از بهشت

أَوْجِدُنِي... جَنَّةِ نَعِيمِكَ

مرا از بهشت پر نعمت، کامیاب گردان.

۱۲۵/۴۷

همسایگی در بهشت

وَ جَاوِزِ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَّةِ

و در بهشت ها، مرا با پاک ترین دوستانت

همسایه گردان. ۱۲۸/۴۷

آراستن بهشت، برای برگزیدگان خدا

جَاوِزِ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَّةِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ

در بهشت هایی که آنها را برای برگزیدگان آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستانت همسایه گردان. ۱۲۸/۴۷

به هم پیوستگی

به هم پیوستگی استخوان های پشت

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبِ مُتَصَائِقِ الْعِظَامِ، حَرَجِ الْمَسَالِكِ إِلَيَّ رَحِمِ ضَيْقِهِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی. ۲۳/۳۲

بیابان

تنها ماندن در بیابان خشم الهی

...فَأَصْحَرَنِي لِغَضَبِكَ فَرِيدًا

...پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود.

۱۳/۳۲

ص : ۲۴۲

بیان احکام الهی، (به وسیله پیامبران)

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَقْوَمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ

و ما را از پایدارترین آنها به آئینی که مقدر نموده ای قرار ده. ۲۰/۶

بیان وعده و نوید الهی، در وحی

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ... قَاطِعًا لَاهْتِ مَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَفَّلْتَ بِهِ...

و وعده های آشکاری را که در وحی خود بیان نموده ای، موجب قطع اهمیت ما به روزی ای که خود کفالت کرده ای قرار

ده. ۳/۲۹

زبان بنده و نیکو بیان نمودن قرآن

اللَّهُمَّ فَإِذْ... سَهَّلْتَ جَوَاسِي السِّنِّيَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که زبان های خشن ما را به نیکویی عبارتش نرم کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان

که باید رعایت می کنند. ۴/۴۲

پیامبر صلی الله علیه و آله ، بیان کننده فرمان خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... كَمَا... صَدَعَ بِأَمْرِكَ

خداوندا بر محمد درود فرست. همچنانکه

فرمانت را با صدای رسا بیان کرد. ۱۷/۴۲

گویا نشدن زبان، جز به آنچه خدا بیان فرموده

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنِ مَعَاصِيكَ... حَتَّى... لَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا زبان هایمان جز به آنچه تو بیان کرده ای، سخن نگوید. ۷ و ۶/۴۴

بیان دلیل ها، از جانب خداوند

فَقَدْ... أَتَيْتَ الْأَعْدَارَ

پس به تحقیق عذرها را، بیان نموده ای.

۲۱/۴۶

عدم عجز الهی، از بیان و سخن فصیح

أَنْتَ الَّذِي... لَمْ يُعِيكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ

تویی آنکه دلیل روشن و سخن آشکاری، تو را عاجز نکرده است. ۱۶/۴۷

بی باکی

بی باکی بنده، در باطل و نادرستی

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - در انجام باطل

ص : ۲۴۳

گستاخ تر از آنم که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم. ۲۷/۱۶

بی پروا

دست رد نزدن خدا، بر پیشانی بی پروایان

يَا مَنْ لَا يَجِبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالِّهِ عَلَيْهِ

ای کسی که دست رد بر پیشانی بی پروایان نمی زند. ۵/۴۶

علو و بلندی خواهی، به بی پروایی و ناز

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ... لَا مُتَعَالِيًا بِدَالِهِ الْمُطِيعِينَ

از تو درخواست می نمایم، درخواست خرد، خوار، بدحال، نه از روی بلندی خواهی به بی پروایی و گستاخی فرمانبران. ۷۴/۴۷

بی تاب

رفتن ماه رمضان و بی تابی دوستان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلَيْفٍ... أَوْحَشَ مُنْقَضِيًا فَمَضَّ

درود بر تو همدمی که چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند. ۲۷/۴۵

گرمی آفتاب و جان بی تاب بنده

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمِ-خُزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ

الْحُجْبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرَّمَّةَ الْهَلُوعَةَ، الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و

این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد. ۵/۵۰

جان و استخوان بی تاب بنده، و گرمی آتش دوزخ

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمِ-خُزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجْبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرَّمَّةَ الْهَلُوعَةَ،

الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ؟

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و

این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد، پس چگونه گرمای آتشت را توانایی دارد؟ ۵/۵۰

بیت المعمور

فرشتگانِ طواف کننده بیت المعمور

...فَصَلُّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ

ص : ۲۴۴

قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ الطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و طواف کنندگان بیت المعمور. ۱۸ و ۱۱ و ۳/۱۰

بیچارگی

اقرار به بیچارگی و اضطرار خویش

سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أُوجِبَتْ إِجَابَتُهُمْ

پاک و منزهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای. ۴/۱۰

خدا و اجابت دعای بیچارگان

سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أُوجِبَتْ إِجَابَتُهُمْ

پاک و منزهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای. ۴/۱۰

عَرَفْنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ

اجابتی که بیچارگان را وعده داده ای، به من شناسان. ۱۴/۱۲

أَنْتَ الَّذِي أَجَبْتَ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي

تویی که هنگام بیچارگی، دعایم را اجابت نمودی. ۴/۵۱

بیچارگان و ذکر احسان الهی

يَا مَنْ إِلَى ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ

ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی اش پناه

می برند. ۲/۱۶

هنگام بیچارگی و یاری طلبیدن از غیر خدا

لَا تَقْتِنِي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرَرْتُ

مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی ام، آزمایش نکن. ۱۲/۲۰

خواندن خدا، در حال اضطرار و بیچارگی

أَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قَلَّةِ حِيلَتِي

به ضعف قوتم و کمی چاره اندیشی ام اعتراف دارم. ۷/۲۱

دَعَوْتُكَ يَا رَبِّ... مُضْطَرًّا إِلَيْكَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بیچاره درگاه تو هستم. ۹/۵۱

در هنگام خوشی و بیچارگی، خدا را خواندن

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّحَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ

و مرا از کسانی قرار ده که هنگام رفاه تو را خالصانه می خوانند. خواندن خالصان بیچاره، در نیایش برای تو. ۱۴/۲۲

خدا، بینا به بیچارگی بنده

...فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَ قَلَّةَ حِيلَتِي وَ تَضَرَّرَعِي إِلَيْكَ

...زیرا ناتوانی و بیچارگی و زاری ام را به



درگاه خود می بینی. ۱۶/۴۸

بیچارگی بنده و رحم الهی

مَوْلَايَ... اَرْحَمُ... قَلَّةٌ حَيْتَى

مولای من! بر بیچارگی ام رحم کن. ۴/۵۳

بی خبری غفلت

بی خوابی

بی خوابی ناشی از وام

أَعُوذُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ... شُغْلِ الدِّينِ وَ سَهَرِهِ

به تو پناه می برم - ای پروردگرم - از کار قرض و بی خوابی اش. ۲/۳۰

بیداری

اطاعت خدا و سستی بیداری بنده

بَلْ أَنَا يَا إِلَهِي... أَضَعُفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيْقُظًا... مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذِكْرَ ذُنُوبِي

بلکه من - ای خدای من - بیداری ام هنگام طاعتت سست تر از آن است که زشتی های خود را برای تو بشمارم، یا بر یادآوری گناهانم توانا باشم.

۲۷/۱۶

بیداری برای بندگی خدا

اعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْظَانِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ

شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، آباد گردان. ۱۲۳/۴۷

از خدا درخواست نمودن بیداری از:

أ. خواب غفلت

اللَّهُمَّ... أَتَقِظْنَا عَنْ سِنِّهِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ

خداوندا ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان. ۷/۱۷

ب. خواب بی خبران

تَبَّهْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْغَافِلِينَ

مرا از خواب غافلان، بیدار فرما.

۹۱/۴۷

ج. خواب آلودگی اسرافکاران

تَبَّهْنِي مِنْ... سِنِّهِ الْمُسْرِفِينَ

مرا از خواب آلودگی اسراف کاران، بیدار فرما. ۹۱/۴۷

د. چرت زدن خوارشدگان

تَبَّهْنِي مِنْ... نَعْسِهِ الْمَخْذُولِينَ

مرا از چرت خوارشدگان، بیدار فرما.

۹۱/۴۷

ص : ۲۴۶

بیراهه نرفتن زبانه ترازوی عدل قرآن

وَجَعَلْتَهُ... مِيزَانَ قِسْطٍ لَّا يَحِيْفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن را ترازوی عدلی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، قرار دادی. ۳/۴۲

بیزاری

بیزاری جستن از سرکشی نمودن نزد خدا

أَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ

من از گردنکشی بر تو سخت بیزارم.

۱۴/۱۲

بیزاری شیطان، از بنده

...و تَوَلَّى الْبِرَاءَةَ مِنِّي

...و از من بیزاری جست. ۱۳/۳۲

بیزاری از گناه

تَغَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری

نموده. ۸۶/۴۷

بیزاری از پرستش گر غیر خدا

بَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ

از هر که جز تو را پرستید، بیزاری جستم.

۶/۵۲

اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و بیگانه پنداشته شدن توسط خویشانان

وَ الَّذِينَ... انْتَفَتْ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكُنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ

و آنان که چون در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند.

۶/۴

بیم ترس

بیماری

سپاس گزاری از خدا، برای بیماری

وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا أَحَدَّثَتْ بِي مِنْ عِلْمِهِ فِي جَسَدِي

و تو را سپاس بر بیماری ای که در جسمم پدید آوردی. ۱/۱۵

وَ ارزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصَّحَّةِ وَالسَّقَمِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم،

(اعتراف به) حق

ص : ۲۴۷

را روزی ام فرما. ۱۱/۲۲

رهاندن بنده (از گناهان)، هنگام بیماری

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟... أَوْ قَتُّ الصَّحَّةِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحْضَتْنِي بِهَا

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گزاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی؟ ۴-۲/۱۵

خروج از بیماری، با عفو و بخشایش الهی

وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ

و بیرون شدنم از بیماری را به عفو و گذشتت قرار ده. ۶/۱۵

توفیق عیادت از همسایگان بیمار

وَ وَقَّفْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در عیادت بیمارشان، توفیق ده.

۲/۲۶

آمیخته شدن خوراک مشرکان، با بیماری

اللَّهُمَّ وَ امزُجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَ اطْعِمْتَهُمْ بِاللَّذْوَاءِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا و خوردنی هایشان را به امراض درآمیز. ۱۲/۲۷

دچار بیماری مهلک نشدن، با ابرها

وَ لَا تُصِبْنَا فِيهَا بِآفِهِ

و در آنها آفتی به ما نرسان. ۲/۳۶

بینایی

بازماندن دیده ها، از دیدن خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُوءَيْتِهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ

سپاس خدای را، همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر است. ۱/۱ و ۲

وَيَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُوءَيْتِهِ الْأَبْصَارُ...

و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است.

۴/۵

خشوع و بینایی

...الْخَشَعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ...

(آنان که) دیدگان را به زیر افکنده و قصد نگریستن سوی تو را ندارند، پس بر ایشان درود فرست. ۱۰ و ۸/۳

بینایی تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و شک

لَمْ يَتَّبِعْهُمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ

آنان که عقیده اشان را شکی برنگرداند. ۱۱/۴

ص : ۲۴۸

بیناکننده بودن روز، برای بندگان

وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَتَّبِعُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند. ۶/۶

بینایی به جاهای به دست آمدن روزی

اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ... وَ بَصَّرْتَنَا مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی، و ما را از جایی که بتوان روزی به دست آورد بینا

نمودی. ۸/۶

بینایی بندگان و فریفتن شیطان، توسط آنها

اللَّهُمَّ... بَصَّرْنَا مَا نَكَايِدُهُ بِهِ

خداوندا ما را به راه فریب دادنش، آگاه کن.

۷/۱۷

مَنْت گذاشتن بر بنده و (ایجاد) بینایی در دلش

وَ اٰمَنُنَّ عَلٰى بِالصَّحٰه... وَ الْبَصِيْرَه فِى قَلْبِى

و با تندرستی و بینایی در دلم بر من مانت گذار. ۳/۲۳

دانایی و بینایی

وَ وَفَّقْنِى لِلنُّفُوذِ فِيمَا تُبَصِّرُنِى مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِى

اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنتش بینایم می کنی، توفیق ده. تا انجام دادن آنچه به من آموختی، از دستم نرود. ۳/۲۴

فرزندان بنده، در زمره بینایان (راه حق)

وَ اجْعَلْهُمْ اَبْرَارًا اَتْقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ

و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده. ۳/۲۵

افزایش بینایی همسایگان امام علیه السلام ، در حق او

وَزِدَّهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّ

و بر حق بینی آنان نسبت به من بیفزاید. ۴/۲۶

بینا ساختن مرزداران اسلام

وَبَصَّرَهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ

و به آنچه بینایی ندارند، بینایشان سازد.

۳/۲۷

استوار ساختن بینایی بنده، در عبادت خدا

وَأَحْكِمَ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي

و بینش مرا در بندگی ات، استوار گردان.

۱۳/۳۱

بینا ساختن بندگان، به تقرب نزد خدا

ص : ۲۴۹



وَبَصَّرْتَنَا الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ وَ الْوُصُولَ إِلَيَّ كَرَامَتِكَ

و ما را به (راه) نزدیکی نزد خودت و رسیدن به کرامتت، بینا نمودی. ۱۹/۴۵

بینا و بصیر بودن خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. شنوای بینا. ۷/۴۷

بینوایی

رحم نمودن به بینوایی بنده

فَارْحَمْ... شِدَّةَ مَسْكَتِي

پس بر شدت نیازم رحم کن. ۳۲/۱۶

ارْحَمْ... مَسْكَتِي وَ قَلْبَهُ حِيلَتِي

بر نیازمندی ام و بیچارگی ام رحم کن. ۴/۵۳

زاری به درگاه خدا، هنگام بینوایی

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي... أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ

خداوندا مرا چنانم کن که هنگام تهی دستی، به درگاه تو زاری کنم. ۱۲/۲۰

مسکین و بینوای درگاه خدا بودن

فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ...

پس به درستی که من بنده بینوا و زار توام.

۷/۲۱

دَعْوَتُكَ يَا رَبِّ مَسْكِينًا، مُسْتَكِينًا... إِلَيْكَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوا و فروتن درگاه تو هستم. ۹/۵۱

روز جمعه، و فرود آوردن بینوایی خود به درگاه خدا

اللَّهُمَّ... بِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي وَ مَسْكَتِي

خداوندا، در این روز، تنگدستی و نیازمندی و بی چیزی ام را به سوی تو فرود آوردم. ۴/۴۸

تغییر بینوایی و مسکنت بنده

وَ كَمْ مِنْ... مَسْكَنَةٍ حَوَّلَتْ

و چه بسیار نیازمندی هایی را که تغییر دادی.

۱۲/۴۹

بی نیازی توانگری

بی نیاز بودن فرشتگان، از خوردنی و آشامیدنی

وَ أَعْيَبْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای. ۱۱/۳

بی نیازی بی نیازان، به قوه الهی

اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ

خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی

ص : ۲۵۰

نیروی تو بی نیاز می شوند. ۱۱/۵

درخواستِ بی نیاز گشتن

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَكْفِنَا

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را بی نیاز گردان. ۱۱/۵

وَ أَغْنِنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ

و مرا بی نیاز گردان و روزی ات را بر من بگستر.

۳/۲۰

وَ أَشْتَكِفِيكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَكْفِنِي

و از تو کفایت می خواهم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا کفایت کن. ۲۳/۴۸

بی نیاز شدن با گواهی خداوند (از گواهی دیگران)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا

خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است. ۲۱/۶

خدا، بی نیاز بی نیازان

يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ

ای بی نیازترین بی نیازان. ۳/۱۰

نیاز به خدا و بی نیازی به وسیله او

وَ يَا مَنْ يُسْتَعْنَى بِهِ وَ لَا يُسْتَعْنَى عَنْهُ

و ای که به او بی نیاز می گردند و از او بی نیاز

نمی شوند. ۵/۱۳

خدا و بی نیازی از آفریدگانش

تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَاءِ عَنِ خَلْقِكَ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای.

۱۱/۱۳

شایسته بودن خدا، به بی نیازی از بندگان

تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَاءِ عَنِ خَلْقِكَ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ

خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و خود شایسته بی نیازی از آنهايي. ۱۱/۱۳

نفس، و جلوه گری حاجت خواهی از آنکه از خدا بی نیاز نیست

سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَيَّ مِنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ، وَ لَا يَسْتَعِينِي فِي طَلِبَاتِهِ عَنْكَ، وَ هِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ

نفس من رفع آن (حاجت) را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده و در خواسته هایش از تو بی نیاز نیست، برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران است.

۱۵/۱۳

پرسش از خدا، درباره بی نیاز شدن

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... مُغْنٍ مَن شَكَأَ إِلَيْكَ، فَقَرَّهُ تَوَكُّلاً؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکل، به سوی تو شکایت کرد،

ص : ۲۵۱

بی نیاز می سازی؟ ۱۵/۱۶

بی نیاز نشدن بنده، جز به وسیله خداوند

إِلَهِي... لَا تَحْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَعِينِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونِكَ

خدای من کسی را که از غیر تو بی نیاز نمی گردد، خوار نگردان. ۱۶/۱۶

بی نیازی از کاری که بنده را از عبادت بازمی دارد

وَ اكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاِهْتِـمَامُ بِهِ

و مرا از آنچه اهتمام به آن مشغولم می سازد کفایت کن. ۳/۲۰

بی نیازی بنده، به واسطه خداوند

وَ لَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَ سَعِي

و (چنان کن که) فقیر نگردم، در حالی که دارایی ام از نزد تو می باشد. ۱۴/۲۰

...بَلِ اجْعَلْ... اسْتِعْنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلْقِكَ

...بلکه بی نیازی ام و کفایتم را به خود و آفریدگان خوبت قرار ده. ۱۲/۲۱

تاج بی نیازی

وَ تَوَجَّجْنِي بِالْكَفَايَةِ

و تاج بی نیازی بر سرم گذار. ۲۲/۲۰

بی نیازی از کسب روزی، با رنج

وَ اكْفِنِي مُؤُونَةَ الْاِكْتِسَابِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار. ۲۴/۲۰

خدا، بی نیازکننده ناتوان

اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ

خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان. ۱/۲۱

درخواست از خدا، در حال نیازمندی و بی نیازی

وَلَا تَجْعَلْنِي... آيسًا مِنْ اِجَابَتِكَ لِي... فِي سَرَاءٍ كُنْتُ اَوْ ضَرَاءً... اَوْ فَقْرًا اَوْ غِنًى

و مرا ناامید از اجابتت قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تهی دستی یا ثروت. ۸/۲۱

تندرستی بی نیازکننده

وَ عَافِيَةً كَافِيَةً...

و به من عافیت ده. عافیتی کافی. ۲/۲۳

بی نیاز نمودن والدین، به وسیله فرزندان

وَ اَعْنِي بِهِمْ عَلَي حَاجَتِي

و در برآمدن نیازم به وسیله آنان یاری ام ده.

۴/۲۵

به بی نیازی خدا، از فقر توانگر گشتن

ص : ۲۵۲

وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُغْنَيْنِ مِنَ الْفَقْرِ بِغْنَاكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به توانگری تو از فقر به بی نیازی رسیده اند، قرار ده.

۱۱ و ۲۵/۱۰

بی نیاز نبودن از فضل الهی

وَ قَلْبْتُ مَسْأَلَتِي عَمَّنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ فَضْلِكَ

و درخواستم را از آنکه از فضل تو بی نیاز نبودم. بازگرداندم. ۴/۲۸

توانایی کافی و بی نیاز کننده

اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ، فَقَوِّنِي بِقُوَّةِ كَافِيهِ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از گناهان برایم ممکن نیست. پس با قوت کافی، مرا قوی ساز. ۱۹/۳۱

رفتار خدا با بنده، مانند توانگر بی نیاز کننده فقیر

وَ أَفْعَلْ بِي فِعْلًا... غِيٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ

و با من همانند توانگری که بنده بینوایی پیش او آمده، پس او را بی نیاز کرده، رفتار نما.

۳۱/۲۴

بی نیاز نبودن جنین

وَ لَمْ أَسْتَعْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ

و از فریادرسی فضل تو بی نیاز نبودم. ۲۴/۳۲

بی نیاز شدن، به وسیله خداوند

فَإِنَّ الْغِنَى مِنْ أَعْيَتِ

پس همانا توانگر کسی است که تو توانگر ساختی. ۴/۳۶

خدا، بی نیاز کننده ترین کس

إِنَّكَ... أَكْفَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ

به درستی که تو بی نیازکننده تر کسی هستی که بر او اعتماد شده. ۵۶/۴۵

بی نیاز ساختن بنده، از فرد بی نیاز از او

وَ أَغْنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي

و از کسی که از من بی نیاز است، بی نیازم گردان. ۱۱۸/۴۷

فراهم نمودن بی نیازی، برای بنده

وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى...

و بی نیازی را برایم فراهم ساز. ۱۳۰/۴۷

بی نیازی خدا، از بنده

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا... وَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَ غِنَاكَ عَنِّي

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری و به نیازمندی من به تو و به بی نیازی تو از من، به عهده

گیر. ۴/۴۸

ص: ۲۵۳



بی نیازی خدا، از هر جزادهنده و حسابگر

وَ كَفَى بِكَ جَازِيًا، وَ كَفَى بِكَ حَسِيًّا

و از هر جزادهنده و حسابگری، بی نیازی.

۳/۵۰

روزی بنده نمودن بی نیازی در کارها

وَ رَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ

و بی نیازی را در همه کارهایم به من روزی دادی. ۲/۵۱

اسباب بی نیازی:

أ. فضل الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ

و سپاس خدای را که ما را به فضل خود، بی نیاز گرداند. ۲۰/۱

فَبِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ، فَأَغْنِنِي

پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان. ۴/۲۲

ب. صله و بخشش خداوند

اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَبِّهِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ

خداوندا ما را با عطای خود، از بخشش بخشندهگان بی نیاز کن. ۷/۵

وَ اغْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ يَا رِفَادِكَ

و به یاری خود ما را از غیر خود بی نیاز گردان. ۱۳/۵

ج. وا گذاشتن خود، در اختیار خداوند

اغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

چون خویش را در پیشگاه تو افکنده ایم، بی نیازمان گردان. ۵/۱۰

د. عافیت الهی

وَ أَعْنِي بِعَافِيَتِكَ

و مرا به عافیت بی نیاز فرما. ۱/۲۳

ه. عبادت و بندگی خدا

إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ... أَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ

خدای من، به آن حق واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که مرا به وسیله بندگی ات از هر چیزی بی نیاز گردانی.

۱۰/۵۲

بینی

به خاک مالیدن بینی شیطان

اللَّهُمَّ... وَ أَرْغِمِ أَنْفَهُ

ص : ۲۵۴

خداوندا و بینی اش را به خاک بمال.

۱۳/۱۷

بیهوده باطل

سبب گوش ندادن به لغو و بیهوده

وَ أَعِنَّا عَلَىٰ صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُضْيِئُكَ حَتَّىٰ لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَىٰ لَغْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. تا با گوش هایمان هیچ لغوی گوش ندهیم. ۶/۴۴

ص : ۲۵۵



پا قدم

پابرجایی استواری

پاداش

پاداش سرشار و کیفر ترسناک خداوند

حَتَّىٰ إِذَا... اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ قَبْضَهُ إِلَىٰ مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ تَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورٍ عِقَابِهِ

زمانی که (آفریده) حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.

۶/۱

جزا دادن به بدکرداران و نیکوکاران

...لِيُجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ

تا بدکاران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را پاداش نیکو عنایت کند.

۶/۱، ۷/۶

روز به جزا رسیدن

يَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

روزی که هر کس به آنچه کسب کرده، جزا داده شود. ۱۱/۲۴، ۱۲/۱

پاداش خداوند، به اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَىٰ هَجْرِهِمْ فَيْكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ...

و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای خویشانشان هجرت کردند پاداش عنایت کن.

۸/۴

پاداش الهی، به تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعین نیکوکار ایشان برسان. ۹/۴

سبب از دست نرفتن کار نیک سزاوار پاداش

وَ اجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ، حَتَّى لَا تَفُوتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ

و رازهای دل هایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده، تا کار نیکی که به سبب آن سزاوار پاداش تو شویم از دستمان

نرود. ۷/۹

نعمت دادن و پاداش نخواستن خداوند

ص : ۲۵۷

وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَزَعْبُ فِي جَزَاءِ مَنْ أَعْطَاهُ

و تویی آنکه به هر که نعمت داد، پاداش نمی خواهد. ۱۱/۱۶

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَزَعْبُ فِي الْجَزَاءِ

خداوندا ای کسی که پاداش نمی خواهد.

۱/۴۵

توفیق پاداش دادن بنده، به برخی افراد

وَ سَدَّدْنِي لِأَنْ... أَجْرِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ، وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ، وَ أَكْفَيْ مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ

و مرا توفیق ده تا آنکه از من دوری کرده را به نیکی جزا دهم. و به آنکه محروم نموده، با بخشش پاداش بخشم. و کسی را که از من جدا شده به پیوستن مکافات دهم. ۹/۲۰

میل بنده، به پاداش وعده داده شده الهی

وَ ارزُقْنِي... شَوْقَ ثَوَابِ الْمُوعُودِ

و اشتیاق پاداش وعده ها (ی بهستی) را روزی ام فرما. ۹/۲۲

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمُوعُودِ

خداوندا شوق پاداش وعده داده شده را روزی ما گردان. ۵۳/۴۵

پاداش حج، عمره و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰی بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ... وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا، مَشْكُورًا...

خداوندا و بر من منت گذار به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت. و آن را پذیرفته شده و پاداش داده شده قرار ده. ۴/۲۳

پاداش خدا به والدین، برای تربیت فرزند

اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي

خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن. ۷/۲۴

پاداش خدا به والدین، جهت گرامیداشت فرزند

اللَّهُمَّ... أَثْبُتْهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي

خداوندا آنها را بر گرامی داشتتم، پاداش ده.

۷/۲۴

پاداش اوامر الهی

فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا وَ رَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا وَ رَهَبْتَنَا عِقَابَهُ

همانا تو ما را آفریدی و امر و نهی نمودی و در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان و از کیفر نافرمانی خود بیممان داده

ای. ۶/۲۵

پاداش نیکو دادن، به همسایگان بدکردار

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزِي بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَهُمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش ده. ۳/۲۶

ص : ۲۵۸



پاداشی همانند پاداش مسلمان جنگجو

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَأَجْرُهُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ وَزُنَا بَوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

تباه نشدن پاداش نیکوکاران

يَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ

ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی شود. ۳/۳۱

خدا، پاداش دهنده سپاس کم

إِنَّكَ... الشَّاكِرُ قَلِيلَ الشُّكْرِ

همانا تو پاداش دهنده شکر کمی. ۷/۳۶

پاداش الهی، به فرمانبری و طاعت کم

وَ تُثِيبُ عَلَى قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ

و بر اندک طاعتی که از تو شود، پاداش می دهی. ۶/۳۷

و جوب پاداش، بر شکر گزاری بندگان

تَشْكُرُ يَسِيرًا مَا شَكَرْتَهُ... حَتَّى كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ... أَمْرٌ مَلَكُوا اسْتِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی. تا اینکه گویا شکر گزاری بندگانت - که پاداش آنها را لازم گرداندی - کاری است که آنان بدون تو، توانایی خودداری از آن را داشتند. پس از این رو آنها را مزد داده ای. ۶/۳۷

پاداش خدا، به عمل اندک

تَشْكُرُ يَسِيرًا مَا شَكَرْتَهُ

اندک کاری را که پذیرفتی، جزا می دهی.

يَا مَنْ... يَشْكُرُ يَسِيرًا مَا يُعْمَلُ لَهُ

ای کسی که اندک عملی را که برای او انجام می شود، سپاس می دارد. ۶/۴۶

آماده نمودن پاداش بندگان، پیش از فرمانبری

وَ أَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ

و پاداششان را آماده نموده ای، پیش از آنکه در طاعتت وارد شوند. ۷/۳۷

پاداش فرمانبر

فَسُبْحَانَكَ مَا أَبْيَنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلِهِ مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ...

پس منزهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است، از فرمانبر در آنچه تو

برایش فراهم

ص : ۲۵۹

نموده ای، تشکر می کنی. ۱۰/۳۷

فرمانبر و نیافتن پاداش الهی

وَلَوْ كَافَأَتِ الْمُطِيعَ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَأَوْشَكَ أَنْ يَفْقَدَ ثَوَابَكَ

و اگر (بنا بود) فرمانبر را بر آنچه تو او را بر آن گماشته ای، جزا دهی، چه بسا پاداش تو را از دست می داد. ۱۲/۳۷

پاداش بلندمدت، به کردار کوتاه مدت

...لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَائِيهِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عمل کوتاه مدت زودگذر، پاداش درازمدت همیشه دادی. ۱۲/۳۷

سزاوار پاداش الهی نبودن

فَمَتَى كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيْئًا مِنْ ثَوَابِكَ؟ لَأَمْتَى!

پس کی (چنین بنده ای) مستحق ثوابی از سوی تو می شد؟ نه! هیچ گاه! ۱۳/۳۷

فروگذاردن پاداش بنده

وَلَا يُخَافُ إِغْفَالَكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ

و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری. ۱۶/۳۷

خدا، ضامن پاداش نیکوکاران

يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُنْمَحْسِنِينَ

ای ضامن پاداش نیکوکاران. ۵/۴۰

قرآن، عاملی جهت پاداش یافتن بندگان

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ ... سَبَبًا نُجْزَى بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرْضِهِ الْقِيَامَةِ

و قرآن را دستاویز پاداش ما به صورت نجات در عرصه قیامت قرار ده. ۸/۴۲

پاداش خداوند، به پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود و پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی. ۲۲/۴۲

پاداش شاکران و نیکوکاران

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ... لِيُجْزِيََنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ

سپاس خدای را که ما را از اهل سپاس قرار داد. تا ما را بر آن، پاداش نیکوکاران دهد. ۱/۴۴

رنج نکشیدن، جز برای پاداش الهی

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى... لَا نَتَكَلَّفَ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ

ص : ۲۶۰

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا خود را جز در آنچه به پاداش تو نزدیک کند، به رنج نیندازیم. ۶/۴۴ و ۷/۴۴

عدم همسانی در پاداش (عمل)

و يَا مَنْ لَا يُكَافِي عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ

و ای کسی که بنده خود را همسان (عملش) جزا نمی دهد. ۳/۴۵

خدا، پاداش دهنده ستایشگر

تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ

هر که تو را شکر کرد، قدردانی کنی. ۶/۴۵

و تُكَافِي مَنْ حَمَدَكَ

و هر که تو را سپاس گزارد، جزا دهی.

۷/۴۵

روزه و قیام وسیله دست یابی به پاداش الهی

فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ، وَ قُفْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ... وَ تَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ

پس به فرمان تو روزش را روزه گرفتیم و به یاری تو شبش را به پا خاستیم. و آن را وسیله پاداش تو قرار دادیم. ۲۱/۴۵

طلب پاداش، در ماه رمضان

فَأَجْرُنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا

نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل پسندیده را دریابیم. ۴۵/۴۵

پاداشی همانند روزه دار و عابد

وَ اَكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

و برای ما مانند پاداش کسانی که روزه گرفته اند یا در این ماه تا روز قیامت تو را عبادت می کنند، بنویس. ۵۱/۴۵

پاداشی بزرگ، به عملی اندک

و يَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَازِي بِالْجَلِيلِ

و ای کسی که (عمل) کم را سپاس می گذارد و پاداش بزرگ می دهد. ۷/۴۶

سپاسی با پاداش کامل و فراگیر

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَائِهِ

سپاس برای توست. سپاسی که پاداش آن نزد تو کامل باشد، و جزایش همه جزاها را فراگیرد.

۳۶/۴۷ و ۴۲

خداوند پاداش دهنده

وَ كَفَى بِكَ جَازِيًا

و همین بس که تو جزادهنده ای. ۳/۵۰

ص : ۲۶۱

پادشاه

تلخی غلبه پادشاه

وَ أَكْفِنَا... مَرَارَةَ صَوْلِهِ السُّلْطَانِ

و ما را از تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

۱۰/۵

ستم نمودن پادشاه، بر بندگان

نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ

پناه می بریم به تو از اینکه پادشاه به ما ستم کند. ۶/۸

پناه بردن به خدا، از شر پادشاه ستمگر

وَ أَعِزَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ

و من و فرزندانم را از شر هر پادشاه ستمگری پناه ده. ۶/۲۳

ترسیدن از والدین، همانند ترسیدن از پادشاه ستمکار

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خودکامه، بیمناک باشم. ۵/۲۴

پادشاهی

خدا، دارنده هر ملک و پادشاهی

أَنْتَ أَشْهَدُ أَنَّكَ... مَالِكُ الْمُلْكِ

همانا من شهادت می دهم که تو صاحب هر ملکی. ۲۱/۶

سلطه الهی و فرود آمدن (سختی) به بنده

وَ قَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ... وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتُهُ إِلَيْكَ

و ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است و تو به سلطه خویش آن را بر من فرستادی. ۶/۷

شکست دادن پادشاهی غم

وَ أَكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ

و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن. ۸/۷

رها کردن بندگان، در پادشاهی جاویدان (بهشت)

وَ اسْرِخْنَا فِي مُلْكِكَ الْأَبَدِ

و ما را در سلطنت ابدی، رها کن. ۵/۳۵

ماه، نشانه ای از نشانه های پادشاهی خدا

وَ جَعَلْكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَ عَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ

و تو را نشانه ای از نشانه های پادشاهی اش و علامتی از علامت های سلطنتش قرار داد. ۲/۴۳

ص : ۲۶۲



عطا نمودن سلطنت، به ولی خدا

وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

و او را از جانب خود، سلطنتی پیروزمند عطا فرما. ۶۱/۴۷

پادشاهی برای خداست

اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ

خداوندا، ای پروردگار ما، به درستی که پادشاهی برای توست. ۲/۴۸

اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ وَالْحَمْدَ

خداوندا به درستی که پادشاهی و سپاس مختص به توست. ۳/۴۸

عدم افزایش ملک خدا، با عذاب نمودن بنده

لَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

عذاب من، چیزی نیست که ذره ای بر پادشاهی تو بیفزاید. ۶/۵۰

عذاب بنده و پادشاهی خدا

وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ

و اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم. ۶/۵۰

ویژگی های پادشاهی خدا:

أ. دارای مدتی بی پایان

وَ يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةَ مُلْكِهِ

و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد. ۲/۵

عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا... لَا مُنْتَهَى لَهُ بِآخِرِيهِ

فرمانروایی تو، چنان با عزت است، که پایانی برای آخرش نیست. ۴/۳۲

ب. فراگیرنده بر بندگان

يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَ سُلْطَانُكَ

سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرامی گیرد. ۱۰/۶

ج. عدم رهایی از آن

وَ لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ

و مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست. ۶/۲۱

كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ؟

چگونه از تو رهایی یابد، کسی که در غیر قلمرو تو، راهی برایش نمی باشد؟ ۱/۵۲

د. ثبات

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَابِدِ بِالْخُلُودِ

ص : ۲۶۳

خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید. ۱/۳۲

وَ سُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ

و سلطنت تو ثابت و بی زوال است.

۱۹/۴۶

ه. بدون لشکر و پشتیبان بودن

اللَّهُمَّ يَا ذَا... السُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَ لَا أَعْوَانٍ

خداوندا ای فرمانروای استوار بدون لشکریان و یاران. ۱/۳۲ و ۲

و. چیرگی و استواری

عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوْلِيَّيْهِ، وَ لَا مُنْتَهَى لَهُ بِآخِرِيَّهِ

فرمانروایی تو، چنان با عزت است، که حدی برای اولش و پایانی برای آخرش نیست.

۴/۳۲

ز. بلندپایگی

وَ اسْتَعْلَى مُلْكُكَ عُلُوًّا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمْدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود. ۵/۳۲

ح. همیشگی بودن

أَمَّهَلْتُهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْكِكَ

از آن جهت مهلتشان داده ای که به دوام پادشاهی خود اعتماد داری. ۱۷/۴۶

لَكِنْ... مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ

ولی پادشاهی ات پایدارتر از آن است که طاعت فرمانبران بر آن بیفزاید. ۶/۵۰

ط. قوی و توانا

سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكَ مَا أَمْنَعَكَ

پاک و منزهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری! ۲۴/۴۷

ی. بزرگ بودن

لَكِنْ سُلْطَانُكَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ... مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَهُ الْمُطِيعِينَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید.

۶/۵۰

ک. عدم کاهش و نقص آن

لَكِنْ سُلْطَانُكَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ، وَ مُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ... تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِينَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر و پادشاهی ات پایدارتر از آن است که نافرمانی گنهکاران (چیزی) از آن بکاهد. ۶/۵۰

ص : ۲۶۴

لَا يُنْقِصُ سُلْطَانَكَ مَنْ أَشْرَكَ بِكَ، وَ كَذَّبَ رُسُلَكَ

کسی که به تو شرک آورد و پیامبرانت را دروغگو شمارد، از فرمانروایی ات نمی کاهد.

۳/۵۲

ل. قهر و غلبه

سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنُكَ، وَ أَفْهَرَ سُلْطَانَكَ

پاک و منزهی! چه بزرگست مرتبه تو! و چه غالب است پادشاهی ات! ۴/۵۲

پارسایی زهد

پاره پاره

پاره پاره شدن روده های ساکنان دوزخ

وَ أَعْوَدُ بِكَ مِنْ... شَرَابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْنِدَهُ سُكَّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دل ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم.

۳۱/۳۲

پاره پاره شدن مفاصل بنده

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي... حَالِي إِذَا... تَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي

مولای من! بر حال من، هنگامی که مفاصلم پاره پاره شود، رحم کن. ۶/۵۳

پاسداری نگهداری

پاشیدگی پراکندگی

پافشاری اصرار

پاکدامنی خویشتن داری

پاکدامنی، و فروبستن چشم از همسایگان

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَغْضَبَ بَصَرِي عَنْهُمْ عَفَّةً

و خداوندا مرا بر آن دار که با پاکدامنی، دیده از ایشان فروبندم. ۳/۲۶

فراهم نمودن پاکدامنی، برای بنده

وَاجْمَعْ لِي... الْعَفَافَ

و پاکدامنی را برایم فراهم ساز. ۱۳۰/۴۷

پاکی و پاکیزگی

پاک و منزّه بودن نام های خداوند

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ

نام هایش مقدّس است. ۷/۱

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ عَنِ الْمُنْسُوبِينَ

نام هایت از نسب داران مقدّس تر است.

۱۴/۳۹

بندگان و روزی های پاک

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ

ص : ۲۶۵

و سپاس خدایی را که روزی های پاکیزه را برایمان جاری ساخت. ۱۷/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... غَدَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرَّزْقِ

و سپاس خدای را که با روزی های پاکیزه، پرورشمان داد. ۲۰/۱

پاکی محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت و خاندان او

عَرَفَهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلَ مَا وَعَدْتَهُ

او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش و مؤمنان امتش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن. ۲۵/۲

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

پس بر محمد و خاندانش که پاک، پاکیزه، نیکوکار و شریف ترین اند، درود فرست. ۲۴/۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

خداوندا بر محمد و بر خانواده پاک و پاکیزه او درود فرست. ۱۵/۱۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و بر خاندان پاکش درود فرست. ۱/۲۴

وَ صَلِّ عَلَى... مُحَمَّدٍ وَ عَتَرَتِهِ الصُّفْوَةِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ

و بر محمد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست. ۵/۳۴

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و درود بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد. ۲۲/۴۲

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و خدا بر محمد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد. ۷/۴۳

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ... وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيرًا يَارَادَتِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و به خواست خویش، آنان را از

پلیدی و آلودگی پاک نمودی. ۵۶/۴۷

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و خداوند بر محمد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد. ۱۳۳/۴۷

أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ

از تو درخواست می کنم که بر محمد و بر خاندان محمد که نیکوکاران پاکان بر گزیده اند، درود فرستی. ۳/۴۸

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ... وَ عَلَيَّ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

و درود خدا بر سرور ما، محمد و بر خاندان

ص : ۲۶۶



فرشتگان، و تقدیس و پاک دانستن خدا

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ... لَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ

خداوندا و حاملان عرش که از تقدیس تو دلتنگ نمی شوند... ۱/۳

وَ أَعْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيسِكَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای. ۱۱/۳

خدا را به پاکی یاد کردن

سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ

منزهی تو، ما آنگونه که شایسته پرستش تو بود، تو را پرستش نکردیم. ۹/۳

سُبْحَانَكَ نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ إِيَابَتُهُمْ

پاک و منزهی تو! ما درماندگانیم که اجابت آنها را واجب گردانده ای. ۴/۱۰

سُبْحَانَكَ

پاک و منزهی تو. ۷/۱۲

لَيْسَ... لِذَنْبِي غَافِرٌ غَيْرُكَ، حَاشَاكَ

برای گناه من غیر از تو آمرزنده ای ندارم. تو از عیوب منزه و دوری. ۱۵/۱۲

سُبْحَانَ رَبِّي...

منزه است پروردگارم. ۱۷/۱۳

اللَّهُمَّ... لَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ

خداوندا از حکم کننده ای جز تو یاری نمی جویم. پاک و منزهی. ۱۱/۱۴

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي

پاک و منزّهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهی. ۲۵/۱۶

فَسُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

پس تو منزّهی. معبودی جز تو نیست.

۱۲/۲۸

فَسُبْحَانَكَ مَا أَتَيْنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلِهِ مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ...

پس منزّهی تو! چه آشکار است کرم تو در رفتار با کسی که تو را اطاعت کرده یا نافرمانی کرده است. ۱۰/۳۷

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! ۳/۴۳

سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلَّ شَأْنُكَ

پاک و منزّهی! چه بزرگ است شأن تو!

۲۲/۴۷

سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَكَ

پاک و منزّهی! ای لطیفی که چه بسیار لطیفی!

۲۳/۴۷

سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكِ مَا أَمْنَعَكَ

پاک و منزّهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری!

۲۴/۴۷

ص : ۲۶۷

سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ

پاك و منزهي! دست را به نيكي ها گشوده اي.

۲۵/۴۷

سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ

پاك و منزهي! هر كه در علم تو قرار گرفت، براي تو فروتن گشت. ۲۶/۴۷

سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّ وَلَا تُجَسُّ

پاك و منزهي! نه حس مي شوي و نه قابل جستجو هستي. ۲۷/۴۷

سُبْحَانَكَ سَيِّلِكَ جَدُّ

پاك و منزهي! راه تو هموار است. ۲۸/۴۷

سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ

پاك و منزهي! گفتارت حكمت است.

۲۹/۴۷

سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ

پاك و منزهي! براي مشيت تو بازگرداننده اي نيست. ۳۰/۴۷

سُبْحَانَكَ بَاهِرَ الْآيَاتِ

پاك و منزهي! اي كه نشانه هایت آشكار است.

۳۱/۴۷

سُبْحَانَكَ أَحْشَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ

پاك و منزهي! ترسنده ترين آفريدگان از تو، آگاه ترين آنها به (كبريائي) توست. ۲/۵۲

سُبْحَانَكَ لَا يَنْقُصُ سُلْطَانَكَ مِنْ أَشْرَكَ بِكَ

پاک و منزّهی! کسی که به تو شرک آورد، از

فرمانروایی ات نمی کاهد. ۳/۵۲

سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنُكَ

پاک و منزّهی! چه بزرگست مرتبه تو! ۴/۵۲

سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتِ

پاک و منزّهی! مرگ را برای همه آفریدگانت رقم زده ای. ۵/۵۲

سُبْحَانَكَ أَيُّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ

پاک و منزّهی! به کدامین جرأت بر تو تجرّی نمودم؟ ۳/۵۳

افزایش پاکی فرشتگان

وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ... طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ

و بر آنان درود فرست، درودی که پاکی ای بر پاکیشان بیفزاید. ۲۵/۳

برخاستن در پیشگاه خدا، با دلی پاک و پاکیزه

...فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ

...پس با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو برخاسته. ۸/۱۲

روزی های پاک و تندرستی بنده

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟... أَوْ قَتَّ الصَّحَّةِ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ...

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گذاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا

وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟ ۳ و ۲/۱۵

عامل پاکی از بدی ها

...أَمْ وَقْتُ الْعَلَّةِ الَّتِي مَحَّضْتَنِي بِهَا، وَالنَّعْمِ الَّتِي أَنْحَفْتَنِي بِهَا... تَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی و نعمت هایی را به من هدیه نمودی تا از بدی هایی که در آن فرورفته ام پاکم

سازد. ۴/۱۵

نوشته شدن کردارهای پاک، برای بنده

وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ

و در بین آن بیماری نویسنده گان اعمال، کردارهای پاکیزه ای را برای من نوشتند. ۵/۱۵

پاک ساختن بنده، از پلیدی اعمال پیش فرستاده اش

وَ طَهَّرَنِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ

و مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما. ۶/۱۵

پاک شدن از چرکی گناه

وَ هَبَ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ

و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش.

۱۱۲/۴۷

حفظ نمودن و پاک گرداندن بنده

اعْصِمْنِي وَ طَهَّرْنِي

مرا حفظ کن و پاک گردان. ۲/۵۴

پاک نمودن بنده، با توبه

وَ طَهَّرْنِي بِالتَّوْبَةِ

و با توبه پاکم گردان. ۳۳/۱۶

آب وسیله به کمال رساندن روزی های پاک

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تَكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ

خداوندا ما را با بارانی که روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی، سیراب نما. ۵/۱۹

پاکیزه ترین روش ها

و وَفَّقْنِي لِلتِي هِيَ اَزْكٰى

و مرا به پاکیزه ترین روش توفیق ده. ۱۶/۲۰

پاکیزه ترین اعمال

و وَفَّقْنِي... اِذَا تَشَابَهَتِ الْاَعْمَالُ لِاَزْكَاهَا

هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

پاکیزه ترین بخشش های بخشنندگان

و اجْعَلْ مَا... تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ اَزْكٰى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ

ص : ۲۶۹

و بخششی که بی هیچ عوضی به آنان دادم، پاکیزه ترین صدقه های صدقه دهندگان قرار ده.

۲/۳۹

منزه ندانستن نفس، از سزاواری انتقام الهی

إِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ ذَلِكَ يَا إِلَهِي تَفَعَّلَهُ بِمَنْ... لَا يُبْرِئُ نَفْسَهُ مِنْ اسْتِيجَابِ نِقْمَتِكَ

ای خدای من، به درستی که تو اگر چنین کنی، آن را درباره کسی انجام می دهی، که نفس خود را از سزاواری انتقامت، مبرا نمی داند.

۱۱/۳۹

پاک نمودن بندگان، با تطهیر قرآنی

وَ اِخْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْأَوْزَارِ... حَتَّى تُطَهَّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِيرِهِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی. ۹/۴۲

ماه نو، ماه طهارت و پاکی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِمَالًا... طَهَارَهُ لَا تُدْنِسُهَا الْأَثَامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه طهارتی قرار دهد، که گناهان آن را آلوده نکند.

۴/۴۳

پاکیزه ترین بینندگان ماه نو

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ

و ما را از پاک ترین کسانی که به سوی آن (ماه) نگرسته (اند) قرار ده. ۶/۴۳

رمضان، ماه پاکیزگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ... شَهْرَ الطُّهُورِ، وَ شَهْرَ التَّمْجِيسِ

و سپاس سزاوار خدایست که ماه خود، ماه رمضان، ماه پاکی و ماه پاکسازی را (یکی) از آن راه ها قرار داد. ۳/۴۴

به جا آوردن نماز، با کامل ترین طهارت

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَةً... الْمَوءَدِّينَ لَهَا... عَلَى أَتَمِّ الطَّهُّورِ وَ أَسْبِغِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را با پاکی تمام و فراگیر به جا آورده اند.

۹/۴۴

زکات و پاک نمودن دارایی ها

وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُطَهِّرُهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَّوَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که آن (دارایی ها) را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم. ۱۰/۴۴

پاک ساختن بندگان از گناهان، با کردارهای پاکیزه

ص : ۲۷۰



وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكَاكِيهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن با اعمال شایسته به سوی تو تقرب می جویم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی. ۱۰/۴۴ و ۱۱/۴۴

ماه رمضان و پاک شدن از خطاها

وَ اسْلَخْنَا عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ اسْلَاحِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا وَقَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ

و با گذشتن روزهایش سختی هایمان را از ما بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته ای. ۱۵/۴۴

درودهای پاکیزه، بر دوستان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الصَّلَوَاتِ... الزَّكَاكِيَاتِ

خداوندا و بر دوستان آنها درودهای پاک بفرست. ۶۴/۴۷

زنده داشتن بنده، به زندگی پاکیزه

فَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار. ۱۱۷/۴۷

همسایگی با پاکیزه ترین دوستان خدا

وَ جَاوِزِ بَيْ الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَّةِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ

و در باغ هایی که آنها را برای برگزیدگان آراسته ای، مرا با پاک ترین دوستان همسایه

گردان. ۱۲۸/۴۷

پایان

آخر بودن خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الْآخِرِ بَلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ

سپاس خدای را، آخری که پس از او آخری نباشد. ۱/۱

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. آخرین بعد از هر شمار. ۹/۴۷

پایانی معین، برای آفریدگان

وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا

و برای او (آفریده اش) زمانی محدود قرار داد. ۶/۱

به پایان رسیدن عمر

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَقْصَىٰ أَثَرِهِ، وَ اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ قَبْضَهُ إِلَىٰ مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورٍ عِقَابِهِ

زمانی که به پایان عمرش رسد و حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا  
کیفر ترسناک خود روانه سازد. ۶/۱

حَتَّىٰ إِذَا رَأَىٰ... غَايَةَ الْعُمُرِ قَدْ انْتَهَتْ...

تا اینکه می بیند مدت عمر به پایان رسیده.

۸/۱۲

ص : ۲۷۱

سپاسی بی پایان، از خدا

تُمْ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ... وَ لَا مَبْلَغَ لِعَايَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که حدّش بدون انتها و آخرش بدون نهایت می باشد. ۲۸/۱ و ۲۷/۱

پایان ناپذیری شگفتی های عظمت خدا

يَا مَنْ لَا تَنْقِضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ

ای کسی که شگفتی های بزرگی او پایانی ندارد.

۱/۵

به آخر نرسیدن مدّت پادشاهی خدا

و يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةَ مُلْكِهِ

و ای کسی که زمان پادشاهی او به پایان نمی رسد. ۲/۵

پایان معین، برای شب و روز

وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَ أَمَدًا مَمْدُودًا

و برای هر یک پایانی معین و زمانی معلوم مقرر فرمود. ۳/۶

خدا، منتهای درخواستِ حاجت ها

اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

خداوندا ای نهایت درخواستِ نیازها. ۱/۱۳

درودی پایان ناپذیر

وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً... لَا انْقِطَاعَ لِأَبْدِهَا وَ لَا مُنْتَهَى لِأَمَدِهَا

و بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که روزگار آن سپری نشود و مدّتش به پایان نرسد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا

خداوندا بر محمد درود فرست، درودی که مدتش پایان نپذیرد. ۱۸/۲۷

و صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَى

و درود خدا بر او و خاندانش. درودی که حد و نهایتی برایش نیست. ۳۵/۳۲

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا، وَ لَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَ لَا نِهَائَةَ لِآخِرِهَا

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست، درودی که مرزی در اولش و زمانی برای پایانش و نهایتی برای آخرش

نباشد. ۵۸/۴۷

بهشت، سرانجام دعوت خدا

وَ أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ

و من در همان هنگام باور دارم که فرجام دعوت تو به سوی بهشت است. ۲۴/۱۶

آتش، سرانجام دعوت شیطان

وَ أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ... مُنْتَهَى دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ

و من در همان هنگام باور دارم که پایان دعوت او به سوی آتش است. ۲۴/۱۶

نوشیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

ص : ۲۷۲

يَا إِلَهِي لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي، وَ ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر در مدت زندگی ام آب خاکستر آلود بنوشم، و در این مدت (آنقدر) ذکر تو را گویم تا زبانم از کار بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

عفو الهی و پایان عمر بنده

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي

خداوندا زندگی مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

شکست دادن مشرکان، تا پایان خاک در زمین

وَ أَمِدُّهُمْ بِمَلَأِكِهِ مِنْ عِنْدِكَ مُرَدِّفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ...

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمین برانند.

۸/۲۷

مجاهد مسلمان و پایانی نیک

فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ...

پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

به پایان رسیدن وقت بنده، و فضل الهی

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمًا مُسْلِمًا خَلَفَ غَايِبًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَمَا جَزَ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَ زَنَا بَوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوَّضَهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَّضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أُجْرِيَتْ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزرداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوضِ نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. تا آنگاه که زمان او به پایان رسد، به آنچه از فضل برای او روان ساخته ای، برسد.

۱۶/۲۷

خدا، انتهای ترس عبادت کنندگان

وَايَا مَنْ هُوَ مُتْتَهَىٰ خَوْفِ الْعَابِدِينَ

و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است. ۴/۳۱

خدا، پایان بیم پرهیزکاران

وَايَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ

ص : ۲۷۳

و ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.

۵/۳۱

نبرد پایانی، برای سلطنت الهی

عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا... لَا مُنْتَهَى لَهُ بِآخِرِيهِ

فرمانروایی تو، چنان با عزت است، که پایانی برای آخرش نیست. ۴/۳۲

فروماندن هر چیز، پیش از رسیدن به پایان ملک خدا

وَ اسْتَعْلَى مُلْكُكَ عُلُوًّا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ

و سلطنت تو، چنان بلندمرتبه است، که همه چیز پیش از رسیدن به پایان آن، ساقط شود.

۵/۳۲

پایانی ستوده

وَ اخْتِمْ لَنَا بِالَّتِي هِيَ أَحْمَدُ عَاقِبَتِهِ

و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر است، ختم کن. ۶/۳۳

نرسیدن به غایت و نهایت شکر خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد. ۱/۳۷

کردار بنده و پایانی زایل شدنی

...لِكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازِيَتُهُ... عَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الرَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ الْبَاقِيَةِ

...ولی تو او را با کرمت در برابر عملی با پایانی نزدیک و زوال پذیر، پاداشی درازمدت پایدار عطا نموده ای. ۱۲/۳۷

عبادت خدا، از آغاز تا پایان ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حق کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

پایان یافتن وقت ماه رمضان

ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مَدَّتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش و به سر آمدن مدتش، از ما جدا شد. ۲۲/۴۵

آرزوها، خواسته ها و پایان جود و بخشش الهی

انصرفتِ الأَمَالُ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرم، با حاجت ها برآورده شده است. ۱۲/۴۶

پایان کار سزاوار نیک بختی

فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمَتْ لَهُ بِهَا

ص : ۲۷۴



پس هر که از سعادت‌مندان باشد، برایش به سعادت پایان دهی. ۱۷/۴۶

گشایشی در پایانِ (کارِ) بنده مغرور به کرم الهی

وَمَا أَبْعَدَ عَائِتَهُ مِنَ الْفَرْجِ

و چه دور است که در پایان (کار) او گشایش حاصل شود! ۲۰/۴۶

به پایان نرساندن روز بنده، با ناامیدی

وَلَا تَخْتَمُ يَوْمِي بِخَيْبَتِي

و روزم را به ناامیدی به پایان نرسان.

۲۵/۴۶

قرار دادن پایان، برای هر چیز

أَنْتَ الَّذِي... جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا

تویی آنکه برای هر چیز پایانی قرار داده‌ای.

۱۷/۴۷

نمود پایانی برای خدا

أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا

تویی آنکه حدی نداری، تا محدود باشی.

۱۹/۴۷

دوام اول و آخر

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يُشْتَدَّامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يُشْتَدَّعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ

سپاس برای توست. سپاسی که دوام اولین و بقای آخرین، به وسیله آن درخواست گردد.

۳۸ و ۳۶/۴۷

منتها درجات بنده مورد عنایت الهی

و بَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ

و مرا به منتها درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای. ۱۰۵/۴۷

چشیدن مزه عافیت، تا پایان زندگی

و أَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي

و طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان. ۱۴/۴۸

سپاس، و منتهای خوشنودی خدا از بنده

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي... حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي

تم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد. ۶/۵۱

رحم خدا بر به پایان رسیدن روزها(ی زندگی)

ارْحَمْ شَيْئِي، وَ نَفَادَ أَيَّامِي

بر پیری ام و به آخر رسیدن روزهایم رحم کن.

۴/۵۳

ص : ۲۷۵

پایداری استواری

پایندگی بقا

پایه مرتبه

پایین

فرشتگانی (در مرتبه) پایین تر

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ...

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند. ۶/۳

نرسیدن وصف واصفان، به پایین ترین مرتبه الهی

وَ لَا يَبْلُغُ أَذْنَى مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى نَعْتِ النَّاعِيْنَ

و آخرین وصف ستاینندگان، به پایین ترین مرتبه ای که به خود اختصاص داده ای، نمی رسد.

۶/۳۲

پدر و مادر والدین

پیکار اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، با پدران خود

وَ قَاتِلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنََاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ

و در پایدار ساختن نبوت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند. ۴/۴

درخواست بنده از خدا، برای پدر و مادر

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا... مِنْهُ فِي حِرْزِ حَارِزٍ، وَ حِصْنِ حَافِظٍ...

و پدران و مادرانمان را، از (شر) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده قرار ده.

۱۰/۱۷

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي...

خداوندا یاد آنان را بعد نمازهایم از یادم نبر.

۱۳/۲۴

وَ اغْفِرْ لِي بِجُدْعَائِي لَهْمَا، وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةٍ حَتَّى مَيِّا، وَ ارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًا عَزْمًا، وَ بَلِّغُهُمَا بِالْكَرَامَةِ  
مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ

و مرا به (برکت) دعایم برای آنان، بیامرزد. و ایشان را به خاطر نیکی ایشان بر من، آمرزشی حتمی عنایت کن. و به میانجیگری  
من از آنها یکسره خوشنود شو. و ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان. ۱۴/۲۴

اللَّهُمَّ... وَ إِنِ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ...

خداوندا و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو گرد آییم. ۱۵/۲۴

عاق شدگانِ پدران و مادران

وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ

ص : ۲۷۶

و مرا در زمره عاق شدگان پدران و مادران قرار نده. ۱۱/۲۴

پاداش پدر و مادر بنده

وَ اِخْصُصْ اَبَوَيَّ بِاَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهٖ اَبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اُمَّهَاتِهِمْ

و پدر و مادر مرا به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده ای، اختصاص ده. ۱۲/۲۴

گذشت خداوند، از پدران و مادران

اللّٰهُمَّ تَجَاوَزْ عَنَّا وَاَبَائِنَا وَاُمَّهَاتِنَا... اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

خداوندا از پدران و مادران ما، تا روز رستاخیز در گذر. ۵۵/۴۵

پدیدار آشکار

پذیرش

پذیرش مقدرات الهی، بر سود و زیان خود

اللّٰهُمَّ... وَفَّقْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَ عَلَيَّ

خداوندا مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدر نمودی، پذیرا باشم. ۱۳/۱۴

پذیرش دعوت شیطان

وَ مَنْ اَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ، وَ اَشَدُّ اِقْدَامًا عَلَي السُّوْءِ

مَنْ حِيْنَ اَقْفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ...

و چه کسی از من در نادرستی فرورونده تر و بر اعمال زشت بی باک تر، هنگامی که بین دعوت تو و دعوت شیطان می

ایستم، دعوت او را می پذیرم؟

۲۳/۱۶

به کار گرفتن بدن، در آنچه خدا می پذیرد

وَ اسْتَعْمِلْ بَدَنِيْ فَيَمَا تَقْبَلُهُ مِنِّيْ

و بدنم را در آنچه از من می پذیری به کار گیر.

۹/۲۱

پذیرفته شدن حج، عمره و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ، از بنده

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُ عَلٰی بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ... وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا...

خداوندا و بر من منت گذار به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت. و آن را پذیرفته شده قرار ده.

۴/۲۳

خدا و عدم پذیرش تأخیر در وقت ماه رمضان

وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا... لَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ

و برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که نمی پذیرد از آن وقت به تأخیر افتد. ۴/۴۴

ص : ۲۷۷

پذیرش کتاب خدا

وَ قَبِلْتُ كِتَابَكَ

و کتابت را پذیرفتم. ۶/۵۲

خدا پذیرنده:

أ. عذرآورنده به پیشگاهش

وَ مَا أَنَا بِاللَّوْمِ مَنِ اعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ

و من نکوهیده تر از عذرآورنده به پیشگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم.

۱۱/۱۲

ب. توبه

وَ قَدْ قُلْتُ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ... فَأَقْبَلُ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتِ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری. پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را بپذیر.

۱۵/۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً نَصُوحًا خَالِصَةً مِنَ الشُّكِّ وَاللَّازِيئَاتِ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا

خدایاندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را از ما بپذیر. ۵۲/۴۵

ج. سپاس اندک

إِنَّكَ... الْقَابِلُ يَسِيرَ الْحَمْدِ

همانا تو قبول کننده سپاس اندکی.

۷/۳۶

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا

و سپاس خدای را. سیاسی که آن را از ما بپذیرد. ۲/۴۴

د. شفاعت محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و شفاعت او را بپذیر. ۱۹/۴۲

ه. بازگشت بندگان به طاعتش

وَ اجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ... قِيلَتْ مِنْهُمْ مُرَاجِعَهُ طَاعَتِكَ

و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که بازگشت به طاعتت را از آنان پذیرفته ای.

۵۴/۴۵

و. کسی که اهل شهرها، او را نپذیرند

وَ يَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ

و ای کسی که می پذیرد، آن را که (اهل) شهرها او را نمی پذیرند. ۲/۴۶

ز. هر چیز خرد

ص : ۲۷۸



وَيَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرَ مَا يُنْحَفُ بِهِ

و ای کسی که تحفه خردی را که به او داده می شود، برمی گزیند. ۶/۴۶

پراکندگی

فرشتگان و نپاشیدن کوه ها

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ الْمُؤَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و گمارده شدگان به کوه ها تا

فرونیاشد. ۱۵ و ۱۱ و ۱۰/۳

آنچه در آسمان و زمین پراکنده شده

وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمَلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهَا وَ أَرْضُهَا، وَ مَا بَثَّتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا

و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنده ساختی و همه از آن تو هستیم. ۹/۶

(توفیق) گرد آوردن پراکنندگان

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... ضَمَّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ

و زیور پرهیزکاران را در پیوند دادن پراکنندگان، به من پیوشان. ۱۰/۲۰

پراکنده ساختن دشمنان

وَ شَرَّدَ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ...

و با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز. ۵/۲۷

وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنُودًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ... تُفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ

و بر آنان سپاهی از فرشتگان را بفرست. تا بدین سبب، تعدادشان را از هم پاشی. ۱۱/۲۷

پراکنده ساختن مشرکان، از گرد آمدن علیه مسلمانان

وَ بَطَّطُهُمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ

و با تفرقه افکنی میان آنان، از گرد آمدن بر ضد مسلمانان بازشان دار. ۱۰/۲۷

وام و پراکندگی اندیشه

و هَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دِينٍ... يَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِي

و مرا معاف دار، از وامی که فکرم برای آن پریشان گردد. ۱/۳۰

پراکندگی نعمت خدا، در بین آفریدگان

و فَشَتْ نِعْمَتُكَ فِي جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ

و نعمت در همه آفریدگان پراکنده است.

۱۴/۳۹

آنچه فاش و پراکنده کردنش ننگ است

أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَشْرُهُ عَلَيَّ عَارًا

ص : ۲۷۹

آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می باشد را، از آنان پنهان کن. ۳/۴۱

قرآن، گردآورنده کارهای پراکنده بنده

وَاجْمَعْ بِهِ مُنْتَشِرَ أُمُورِنَا

و با آن کارهای پراکنده ما را گرد آور.

۱۱/۴۲

پراکندگی و گستردگی کردار (شایسته)، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ... نُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ

درود بر تو ماهی که اعمال در آن گسترده گشت.

۲۵/۴۵

پراکندگی و از هم پاشیدگی اندام

مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي... حَالِي إِذَا بَلَى جِسْمِي، وَتَفَرَّقَتْ أَعْضَائِي

مولای من! بر حال من، هنگامی که جسمم پوسیده گردد، و اعضایم گسسته شود، رحم کن.

۶/۵۳

پرت کردن

سقوط پرت شدگان (در عذاب)

وَلَا تَزِمْ بِي رَهْمِي... مَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطِهِ الْمُتَرَدِّينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده. بلکه از سقوط پرت شدگان، دستم را بگیر (نجاتم ده).

۱۰۴/۴۷

دور افتادن از دیده مراقبت الهی

وَلَا تَزِم بِي رَمَى مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. ۱۰۴/۴۷

ستمگر در پرتگاه گودالش

رَدَدَتْهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ

او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی. ۸/۴۹

پرده

فرشتگان حجاب ها و پرده ها

الرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ

روح، همان که او بر فرشتگان حجاب ها گماشته شده. ۵/۳

برنداشتن پرده، در برابر گواهان قیامت

وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَي رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ

و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار نزن. ۴/۱۱

علم خداوند به پرده دری دیگران، درباره

ص : ۲۸۰

حرمت بنده

قَدْ عَلِمْتُ، يَا إِلَهِي، مَا... انْتَهَكُهُ مِنِّي مِمَّا حَجَزَتْ عَلَيْهِ

ای خدای من، تو می دانی از من حرمت هایی شکسته که تو ممنوع کرده ای. ۵/۱۴

در پرده داشتن گناهان بنده

وَ كَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتُهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي

و چه بسیار گناهانی که برای من در پرده داشتی و (به آن) مشهورم نمودی. ۲۱/۱۶

به جا آوردن زشتی و عدم پرده دری خدا

وَ كَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلَمَّمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا

و چه بسیار زشتی هایی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی. ۲۱/۱۶

پرده (عفو) الهی

إِلَهِي فَإِذْ قَدْ تَعَمَّدَتْنِي بِسِتْرِكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِي...

خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی... ۳۲/۱۶

وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ...

و مرا با پوشش خود بیوشان. ۱۲/۳۱

وَ جَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ

و مرا به پرده خویش بیوشان. ۲۴/۳۱

وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

و ما را به پرده خود بیوشان. ۴۷/۴۵

قرار دادن پرده ای میان بندگان و شیطان

وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ سِتْرًا لَّا يَهْتِكُهُ

و میان ما و او پرده ای افکن که نتواند آن را چاک زند. ۳/۱۷

پرده عافیت الهی

اَسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفْضُلًا

با فضل خویش، مرا به پرده عافیت بپوشان.

۲۱/۳۱

پوشش بودن عافیت الهی، از رسوایی های گناهان

وَ كَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتَهَا، كَانَتْ عَافِيَتُكَ لِي مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْرًا

و گناهان بزرگی انجام داده ام که عافیت داشتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

۱۸/۳۲

پرده دری بنده

وَ تَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ انْتِهَاطِهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام. ۱۸/۳۲

پوشاندن رجم، به پرده ها

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءَ مَهِينًا مِنْ صُلْبٍ... إِلَى رَحِمِ ضَيْقِهِ سَتَرْتَهَا بِالْحُجْبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست

ص : ۲۸۱

(بودم)، از صلیبی به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی. ۲۳/۳۲

عافیت الهی، پرده ای پیش چشم ناظران

كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما پرده ای پیش چشمانشان قرار داد. ۲/۳۴

منع الهی و پرده دری بندگان

اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا عِبَادٍ... انْتَهَكَ مِنِّي مَا حَجَزَتْ عَلَيْهِ... فَأَغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّي

خداوندا و هر بنده ای که از من پرده دری نمود که بر او ممنوع ساخته بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرزد. ۲/۳۹

آمدن فرشته مرگ، از پرده های پنهانی ها

وَ تَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد. ۱۳/۴۲

پرده دری، و نسیان و فراموشی

اللَّهُمَّ وَ مَا أَلَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسِنَا، أَوْ انْتَهَكْنَا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم یا با آن حرمت دیگری را

پرده دری نمودیم؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

پرده های اندوه

وَ كَمْ مِنْ... غَوَاشِي كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا

و چه بسیار پرده های اندوه که برداشتی.

۱۱/۴۹

پرده ها و پوشاندن جمال و نیکویی خدا

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرَّمَّةَ الْهَلُوعَةَ

پس خداوند، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی. ۵/۵۰

پرده پوشی خدا، و عدم رسوایی بنده

فَلَوْلَا سِتْرُكَ عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

پس اگر پرده پوشی تو (از موجبات) شرمندگی ام نبود، هر آینه از رسواشدگان بودم.

۷/۵۱

پرده پوشی پرده

پرده دری پرده

ص : ۲۸۲



پرستش

پرستش شده ای جز خدا نیست

أَنْتِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست. ۲۱/۶

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

معبودی جز تو نیست.

۳ و ۲/۴۸، ۷/۳۶، ۱۲/۲۸

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست.

۱۲-۳/۴۷

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

جز تو معبودی نیست. ۵/۵۲

خدا، پرستیده شده هر پرستیده ای

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ... إِلَهَ كُلِّ مَلُوءٍ

خداوندا سپاس برای توست، خدای خدایان.

۲/۴۷

پُر کردن

دو طرف روز بنده (اول تا آخرش) را با اموری پر کردن

وَ امْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرْفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا

و دو طرف آن (روز) را برای ما از سپاس و ستایش و پاداش و ذخیره و فزونی و نیکی پر ساز.

پر ساختن نامه های (اعمال) بندگان، از نیکی ها

وَ اَمَلًا لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفًا

و نامه های اعمال ما را از نیکی هایمان پر کن.

پر گشتن و لبریز شدن از غم

وَ اَمْتَلَاتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا

و از آنچه برایم رخ داده از غم و اندوه پر گشته ام. ۱۰/۷

پر ساختن چاه ها، با آب باران

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تَمَلُّا مِنْهُ الْجِبَابَ

خداوندا ما را با بارانی که چاه ها را از آن پر کنی، سیراب نما. ۵/۱۹

پر ساختن دل دشمنان، از ترس

وَ اَمَلًا اُفَيْدَ تَهُمُ الرُّعْبَ

و دل هایشان را از ترس پر ساز. ۵/۲۷

درودی پرکننده زمین و آسمان

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... صَلَاةً تَشْحُنُ الْهَوَاءَ، وَ تَمَلُّا الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ

و بر محمد و خاندانش درود فرست. درودی که هوا را آکنده سازد و آسمان و زمین را پر کند.

۳۴/۳۲

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... مِلْءَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ

پروردگار من، بر ایشان به گنجایش آسمان هایت و آنچه در بالای آنهاست، درود فرست. ۵۹/۴۷

سپاسی پرکننده زمین و آسمان

فَلَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

پس سپاس تو راست، سپاسی که زمین و آسمانش را پر سازد. ۶/۳۶

پر ساختن ماه رمضان، از عبادت بندگان

اللَّهُمَّ اشْحِنهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاكَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان. ۱۷/۴۴

بخشش الهی و پر شدن جام حاجات

وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَهُ الطَّلِبَاتِ

و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است. ۱۲/۴۶

پر ساختن دست بنده، از سودهای الهی

املاً مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي

دستم را از سودهای خود پر نما. ۱۲۸/۴۷

پروردگار

گشودن درهای علم به پروردگاری خدا، بر بنده

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ

و سپاس خدای را که درهایی از علم به پروردگاری اش را بر ما گشود. ۱۰/۱

خدا، پروردگار جهانیان

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

۴/۲۶، ۱۶/۱۷، ۱۶/۱۴، ۱۶/۱۲

۱۲/۴۸، ۴/۴۱

فَلْكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ ذَلِكِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس تو را بر همه اینها سپاس. ای پروردگار جهانیان. ۱۴/۳۹

...يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

...ای پروردگار جهانیان.

۳/۴۸، ۱۳۳/۴۷، ۵۶/۴۵

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

۱/۴۷

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای پروردگار جهانیان. ۷/۵۳

ص : ۲۸۴

خواندن خدا به اسم رب (پروردگار)

وَ مِنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ كَذَا وَ كَذَا

ای پروردگار من و از جمله خواسته ام چنین و چنان است. ۲۵/۱۳

هَا أَنَا ذَا يَا رَبِّ مَطْرُوحٍ بَيْنَ يَدَيْكَ

ای پروردگار من اینک منم که در پیش روی تو افتاده ام. ۱۳/۱۶

أَعُوذُ بِكَ، يَا رَبِّ

به تو پناه می برم، ای پروردگارم. ۲/۳۰

لَمْ أَتَقِ بِهِمْ رَبِّ فِي السِّتْرِ عَلَيَّ

پروردگار من، در رازپوشی بر من، به آنها اعتماد ندارم. ۲۲/۳۲

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست. ۵۱/۴۷-۵۴ و ۵۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست.

۵۵/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ...

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست. ۵۶/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ وَ عَلَيَّهِمْ

پروردگار من، بر او و بر آنها درود فرست.

۵۸/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّهِمْ زَنَّهُ عَوْشِكَ وَ مَا دُونَهُ

پروردگار من، بر ایشان هم وزن عرش خود و آنچه زیر آن است، درود فرست. ۵۹/۴۷

اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ

خداوندا، ای پروردگار ما، به درستی که پادشاهی برای توست. ۲/۴۸

يَا رَبِّ يَا رَبِّ...

ای پروردگار من، ای پروردگار من...

۲۸/۴۸

إِنْ تُعَذِّبْنِي فَإِنِّي لِدَلِيكَ أَهْلٌ، وَهُوَ يَا رَبِّ مِنْكَ عَدْلٌ

اگر مرا عذاب نمایی، پس به درستی که من سزاوار آنم و آن - ای پروردگار من - از جانب تو عدل است. ۴/۵۰

مِنْهَا فَرَزْتُ إِلَيْكَ رَبِّ تَائِبًا فَتُبَّ عَلَيَّ

پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر.

۸/۵۱

دَعْوَتِكَ يَا رَبِّ مِسْكِينًا... إِلَيْكَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوای درگاه تو هستم. ۹/۵۱

رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي

ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده.

۱/۵۳

گواهی به پروردگاری خدا

اللَّهُمَّ وَاعْتَمِدْ بِدَلِيكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر

که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

شناخت علم های پروردگار

اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ... اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّائِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که در راه شناخت علم های خدایی از تو یاری خواست تا بر ضد او اقدام کند، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

پرورده شده و پروردگار

لَا يُجِيرُ، يَا إِلَهِي، إِلَّا رَبُّ عَلَى مَرْبُوبٍ

ای خدای من، پرورده را جز پروردگار، پناه نمی دهد. ۳/۲۱

خدا، پروردگار بزرگ

...لَأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی. ۱۳/۳۹

پروردگار انسان و ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هَلَالًا بَرَكَهٍ

پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد. ۴/۴۳

فرود فرشتگان و روح، به اذن پروردگار

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری فرود می آیند. ۵/۴۴

زدودن بدی های بنده، از جانب پروردگار

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزداید.

۱۰/۴۵

نمود پروردگاری، جز خدا

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءًا لَّ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که پروردگاری برای او جز تو نیست. ۸/۵۲ و ۹.

پرونده اعمال کتاب اعمال

پرهیزکاری زهد

جلوداران اهل تقوا و پرهیزکاری

أَقَمْتِ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا... مِنْ أُمَّهِ الْهُدَىٰ، وَقَادَهُ أَهْلُ التَّقَىٰ عَلَىٰ جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ

برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی از امامان رستگاری و پیشوایان اهل

ص : ۲۸۶



پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - ۲/۴

آسایشگاه پرهیزکاران (در بهشت)

و تُصَيِّرُهُمْ إِلَىٰ أَمْنٍ مِّنْ مَّقِيلِ الْمُتَّقِينَ

و آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی. ۱۹/۴

خدا، سزاوار تقوا و پرهیزکاری

إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ

زیرا تو سزاواری که از تو پروا کنند. ۱۶/۱۲

وَ أَنْتَ... أَهْلُ التَّقْوَىٰ

و شایسته ای که از تو بترسند. ۱۱۶/۴۷

يَا أَهْلَ التَّقْوَىٰ

ای سزاوار پرهیزکاری. ۷/۵۱

دادن توشه پرهیزکاری، به بندگان

وَ زُوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَىٰ ضِدَّ غَوَايَتِهِ

و بر ضد گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده. ۵/۱۷

زیور پرهیزکاران

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ

و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان.

۱۰/۲۰

حَلَّنِي حَلِيَةَ الْمُتَّقِينَ

مرا به زیور پرهیزکاران بیارای. ۱۲۷/۴۷

الهام نمودن پرهیزکاری، به بنده

وَ أَلْهَمْنِي التَّقْوَى

و پرهیزکاری در دلم افکن. ۱۶/۲۰

پرهیزکاری از روی میانه روی

وَ ارْزُقْنِي... وَرَعًا فِي إِجْمَالٍ

و مرا پرهیزکاری از روی میانه روی، روزی فرما. ۲۷/۲۰

پوشاندن دل بنده، به جامه پرهیزکاری

أَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ

قلبم را به جامه پرهیز از خود ببوشان. ۹/۲۱

پرهیز از کیفر خدا، توشه بنده از دنیا

وَ اجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي

و پرهیزکاری را توشه من از دنیا قرار ده.

۱۱/۲۱

پرهیزکار ساختن بنده، از حرام ها

وَ رَعْنِي عَنِ الْمَحْرَمِ

و مرا از حرام ها پرهیز ده. ۵/۲۲

آرزو نمودن بهترین پرهیزکاری

وَ ارْزُقْنِي سَلَامَةً الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ... حَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعْمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي... تَقْوَى... إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ  
ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا



نعمتی از نعمت هایت را که به هر یک از آفریدگانت در پرهیزکاری داده ای، نسینم، مگر آنکه بهتر از آن را برای خود، به وسیله تو و از تو آرزو کنم.

۱۲/۲۲

پرهیزکار قرار دادن فرزندان

وَ اجْعَلْهُمْ اَبْرَارًا اَتْقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ

و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و دانا و شنوا و فرمانبر خود قرار ده. ۳/۲۵

تقوا، و نگه داشتن بنده از گناه و لغزش

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَاةِ بِتَقْوَاكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو، از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده. ۱۰/۲۵ و ۱۱/۱

خدا، منتهای بیم پرهیزکاران

يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ

ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.

۵/۳۱

خدا، شایسته تقوا

أَنْتَ... أَحَقُّ مَنْ خَشِيَهُ وَ اتَّقَاهُ

تو شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید و از او پرهیز نمود. ۲۰/۳۲

پرهیز از گناهان در ماه رمضان، به طور شایسته

اللَّهُمَّ وَ مَنْ... اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس از گناهان خویش به طوری که حق پرهیز کردن بوده پرهیز نموده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

سامان یافتن کردارِ دوستان ائمه علیهم السلام ، بر پایه تقوا

وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ

و کردارشان را بر پرهیزکاری سامان ده.

۶۵/۴۷

پری جنّ

پریشانی آشفتگی

پزشک طیب

پس

نبودنِ آخری، پس از خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الْأَخِرِ بَلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ

سپاس خدای را، آخری که پس از او آخری نباشد. ۱/۱

ص : ۲۸۸

ناتوانی جانداران از تأخیر آنچه خدا جلو انداخته

لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَ لَهُمْ إِلَيْهِ

آنها توانایی عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، ندارند. ۴/۱

خیر بنده، در با تأخیر گرفتن حَقِّش

اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي... إِلَى يَوْمِ الْفُضَيْلِ وَ مَجْمَعِ الْخُضْمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَيِّدْنِي مِنْكَ بِبَيْتِهِ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حَقِّم تا روز رستاخیر و محل جمع شدن دشمنان می باشد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به نیت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده.

۱۴/۱۴

مقدم انداختن آنچه به تأخیر افتاده

فَقَدَّمْ لِي مَا أَخَّرْت

پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز. ۲/۱۸

أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ

گردن نهدی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی، دوست نداشته باشیم. ۵/۳۳

به تأخیر انداختن آنچه مقدم شده

وَ أَخَّرْ عَنِّي مَا قَدَّمْتَ

و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.

۲/۱۸

أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ... تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ

گردن نهدی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست

قصد جهاد و تأخیرداران

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَتَوَى عَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَفَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ أَخْرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، اما ناتوانی او را بازداشت، یا حادثه ای او را (از جهاد) عقب انداخت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

نتیجه به تأخیر انداختن کیفر بنده

فَجَمِيعٌ مَا أَخْرَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَأَتْ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقْمَةِ وَ الْعِقَابِ تَرَكَ مِنْ حَقِّكَ، وَ رَضِيَ بِدُونِ وَاجِبِكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای،

ترک کردن حقّ خود و راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است. ۱۵/۳۷

پیش یا پس انداختن ماه رمضان

جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا لَا يُجِيزُ جَلًّا وَعَزًّا أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَلَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ

برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به تأخیر افتد. ۴/۴۴

پیش انداختن هشدار الهی، و به تأخیر انداختن (کیفر)

قَدْ تَقَدَّمْتَ بِالْوَعِيدِ... وَأَخَّرْتَ وَأَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمَعَاجِلِ

هشدارها را، پیشتر داده ای و با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای.

۲۱/۴۶

پیش و پس نیفتادن از امام علیه السلام

أَمَرْتُ بِامْتِنَالِ أَوْامِرِهِ... وَأَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ

فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و هیچ پیشی گیرنده ای از او پیشی نگیرد و هیچ بازمانده ای از او بازماند. ۶۰/۴۷

پستان

پر (شیر) ساختن پستان چهارپایان

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُدْرِ بِهِ الضَّرْعَ

خداوندا ما را با بارانی که پستان حیوان را با آن پر (شیر) سازی، سیراب نما. ۵/۱۹

پستی خواری

آغاز نمودن انسان، از آب پست

إِنَّكَ... مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا

همانا تو از آب ناچیز آغازمان نموده ای.



سرفرازی نزد مردم و پستی در مقابل نفس خود

وَلَا تَزْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتُني عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا

و در میان مردم درجه مرا بالا نبر، مگر آنکه به همان مقدار در نظر خودم فرود آوری.

۴/۲۰

اقرار به پستی خود

إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ

خدای من، صبح و شام را به سر کردم، در حالی که بنده خوار توام. ۷/۲۱

وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا

و اینک منم در پیشگاه تو، پست، ذلیل، فروتن. ۶۹/۴۷

ص : ۲۹۰

شَرِّ اِفْرَادِ پَسْت

وَ اَعْذِنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَ وَضِعٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه ای پناه ده. ۶/۲۳

قصد بلندی کردن و پست شدن

فَكَمْ قَدَرًا رَأَيْتُ يَا اِلَهِي مِنْ اُنَاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الْاِرْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند. ۶/۲۸

پست ساختن خود، برای خدا

وَ اَرْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الدُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي

و مرا از افتادنگاه های گناهان، بلند گردان، چنانکه خود را برای تو فروافکنده ام. ۱۲/۳۱

آبی پست و صلبی با استخوان های تنگ

اللّٰهُمَّ وَ اَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِيْنًا مِنْ صُلْبٍ مُتَصَاقِقِ الْعِظَامِ، حَرَجِ الْمَسَالِكِ اِلَى رَحِمِ ضَيْقِهِ سَتَرْتَهَا بِالْحُجْبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی

تنگ که آن را با پرده ها پوشانیدی، سرازیر نمودی. ۲۳/۳۲

گمان پست بودن فقیر

وَ اَعْصَمْنِي مِنْ اَنْ اُظَنَّ بِذِي عَدَمٍ خَسَاسَةً

و مرا از اینکه به فقیری گمان پستی برم، حفظ فرما. ۴/۳۵

دور ساختن بنده، از اخلاق پست

وَ جَبْتُنَا بِهِ الضَّرَائِبِ الْمَذْمُومَةِ وَ مَدَانِيِ الْاَخْلَاقِ

و با آن (قرآن)، ما را از خوی های نکوهیده و اخلاق پست، دور کن. ۱۲/۴۲

پست بودن دنیا

انزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَاهُ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ

دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد را از دلم بر کن. ۱۰۹/۴۷

گرفتار نساختن بنده، به پستی

وَلَا تَسْمِنِي خَسِيْسَةً يَضْعُرُ لَهَا قَدْرِي

و پستی ای را که با آن، مرتبه ام خُرد گردد، دچارم مساز. ۱۲۱/۴۷

پست گرداندن بنده

إِلَهِي إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضْعِينِي، وَإِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُونِي

خدای من، اگر تو مرا بلندمرتبه گردانی، پس کیست آنکه مرا پست نماید؟ و اگر مرا پست کنی، پس کیست آنکه بلندمرتبه ام گرداند؟

۱۵/۴۸

ص : ۲۹۱

پسندیده خوشنودی

سپاس خدا و پسندیده ترین ستایشگران

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ... أَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ

و سپاس خدای را، به هر سپاسی که پسندیده ترین سپاس گویانش، او را ستوده اند.

۲۵/۱

آنچه خدا برای بنده پسندیده

حَبَّبَ إِلَيَّ مَا رَضِيَتْ لِي

آنچه برایم پسندیده ای را محبوب من گردان.

۶/۱۵

گماشتن بنده، به کار پسندیده تر

وَ اسْتَعْمَلَنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى

و مرا به پسندیده ترین رفتار وادار. ۱۶/۲۰

توفیق (پیروی از) پسندیده ترین مذهب

وَفَّقَنِي... إِذَا تَنَاقَصَتِ الْمِلَّةُ لِأَرْضَاهَا

زمان تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

پسندیده گرداندن صدای فرزند، برای والدین

اللَّهُمَّ... أَطْبِ لَّهُمَا كَلَامِي

خداوندا، سختم را با آنها خوشایند فرما.

۶/۲۴

پایانی پسندیده

وَ اٰخِئْمِ لَنَا بِاَلَّتِي هِيَ اَحْمَدُ عَاقِبَةً

و کار ما را به آنچه عاقبتش ستوده تر است، ختم کن. ۶/۳۳

راهنمایی بندگان، به آئین مورد پسند خداوند

هَدَيْتَنَا لِديْنِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ، وَ مِلَّتِكَ الَّتِي ارْتَضَيْتَ

ما را به دینت که آن را برگزیدی و به آئینت که آن را پسندیدی، هدایت کردی. ۱۹/۴۵

پسندیده زیستن ماه رمضان، در میان مسلمانان

قَدْ اَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرَ مُقَامَ حَمْدٍ

این ماه در بین ما (در) مقام پسندیده اقامت کرد. ۲۲/۴۵

درودی پسندیده، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونَكَ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد.

۵۵/۴۷

یاری کردن بنده، به گفتار پسندیده

ص : ۲۹۲

أَعْنِي عَلَيَّ... مَرَضِي الْقَوْلِ

بر (داشتن) گفتار پسندیده یاری ام فرما.

۱۱۳/۴۷

پشت

سوار شدن بر پشت (مرکب های) نهی الهی

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَرَكِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ

پس از راه فرمانش، مخالفت کردیم و بر پشت (مرکب)های نهی سوار شدیم. ۲۱/۱

پشت کردن روزگار، به بنده

أَذْبَرْتُ أَيَّامَهُ فَوَلَّتْ

روزگارش پشت کرده و سپری شده. ۸/۱۲

بیماری، سبک کننده گرانباری پشت بنده

...أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحْضَنِي بِهَا... تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا خطاهایی را که پشت مرا سنگین کرده سبک نماید.

۴/۱۵

سنگین گشتن پشت بنده، با خطاها

أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتُ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ

من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده.

۱۴/۱۶

هَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثَقَلْتُهُ الْخَطَايَا

این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده. ۲۹/۱۶

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ... وَظَهَرَ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَايَا

پس با وجودی فروتن و پستی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست. ۱۹/۳۲

مرزداران اسلام و پشت نکردن به دشمن

وَ أَنسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعِ الْعُرُورِ، وَ أَمَحَّ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفُتُونِ... حَتَّى لَا يَهَمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ

و هنگام برخورد با دشمن، یاد دنیای فریبنده گول زنده را از خاطرشان ببر و اندیشه مال فتنه انگیز را از دلشان برطرف کن، تا هیچ یک از آنان آهنگ پشت کردن (به دشمن) نکند. ۴/۲۷

پراکنده ساختن پشت سری (پشتیان)های دشمن

شَرَّدَ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَ نَكَلُ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ

با (شکست) ایشان، پشت سری هایشان را پراکنده ساز و آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان. ۵/۲۷

شهادت بنده، پس از پشت کردن و شکست خوردن دشمن

فَإِنْ... قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ... أَنْ يُوَلِّيَ عَدُوَّكَ

ص : ۲۹۳

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت روگردانده، فرار نموده است.

۱۵/۲۷

حفظ آبروی جنگجو، در پشت سر او

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ خَلْفَ غَايِبٍ أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَأَجْرٌ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بَوْزِنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا آبرویش را در نبود او نگهداشت؛

پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده. ۱۶/۲۷

پشت کردن و فرار کردن شیطان

...إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتَكَ... أَذْبَرَ مَوْلِيًا عَنِّي، فَأَصْحَرَنِي لِعُضْبِكَ فَرِيدًا

...همین که به نافرمانی ات پرداختم، پشت کنان از من فرار کرد. پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود. ۱۳/۳۲

پشت کردن به خدا و خوانده شدن به سوی او

يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَذْبَرَ عَنْهُ

ای کسی که به سوی خود می خواند کسی را که، از او روی گرداند. ۹/۴۶

پشت کردن و فرار کردن دشمن

أَذْبَرَ مَوْلِيًا قَدْ أَخْلَفْتُ سَرَايَاهُ

پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیانش از آنچه گفته بودند، تخلف کردند. ۶/۴۹

پشتیبان

سپاسی پشتیبان اطاعت از خدا

تُمْ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... ظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که پشتیبانی بر طاعتش باشد. ۲۹ و ۲۷/۱



دفاع و پشتیبانی از امام علیه السلام

وَ اجْعَلْنَا لَهُ... إِلَى نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ

و ما را در مدد نمودنش و دفاع از او، یاری کنندگان قرار ده. ۶۳/۴۷

پشتیبان ستمگران

لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا

مرا پشتیبان ستمگران قرار نده. ۱۳۲/۴۷

پشیمانی

پشیمانی بنده و توبه

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَى مَا فَرَطَ مِنْهُ

ص : ۲۹۴

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است. ۱۲/۱۲

وَ اجْعَلْ نَدَامَتِي عَلَى مَا وَقَعْتُ فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ، وَ عَزْمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْرِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند. ۳/۳۸

آشکار ساختن پشیمانی خود، برای خدا

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِي بِسُوءِ أَثْرِي... لَكِن لِيَسْمَعَ سَمَاوَةٌكَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن است، پشیمانی ای که به پیشگاهت آشکار نمودم را بشنود.

۲۶/۳۱

پشیمان ترین پشیمانان

اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ

خداوندا اگر پشیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم. ۲۸/۳۱

عذرخواهی از خدا، از روی پشیمانی

اعْتَذِرُ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي مِنْهُمْ وَ مِنْ نَظَائِرِهِمْ اعْتِدَارَ نَدَامِهِ...

ای خدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذرخواهی از روی پشیمانی. ۲/۳۸

روز پشیمانی و ندامت

وَ بَيِّضُ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُ وُجُوهُ الظَّالِمِينَ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان. ۱۶/۴۲

پشیمان نشدن خدا، از عطا و بخشش

يَا مَنْ لَا يَنْدَمُ عَلَى الْعَطَاءِ

ای کسی که بر عطا (و بخشش) پشیمان نمی شود. ۲/۴۵

پشیمانی حقیقی دل‌ها، برای خداست

وَ لَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ

و پشیمانی قطعی دل‌هایمان، برای توست.

۴۵/۴۵

پل

لرزیدن پل دوزخ، در روز گذشتن از آن

ص : ۲۹۵

ثَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَـجَازِ عَلَيْهَا زَلَّ أَقْدَامِنَا

هنگام لرزیدن پل دوزخ، در آن روز که بر آن عبور می کنیم، لغزش گام های ما را به وسیله آن (قرآن)، پابرجا گردان. ۱۵/۴۲

پلک

گریستن تا افتادن پلک های چشمان

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَشَقَطَ أَشْفَارُ عَيْنِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگرییم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

پلیدی چرکی

پاکی اهل بیت علیهم السلام ، از هر گونه پلیدی

طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالدَّنَسِ تَطْهِيرًا يَارَادَتِكَ

به خواست خویش، آنان را از پلیدی و آلودگی پاک نمودی. ۵۶/۴۷

پناه

سپاسی پناه دهنده از عذاب الهی

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... خَفِيرًا مِنْ نَقِمَتِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که پناه دهنده ای از عذابش باشد. ۲۹ و ۲۷/۱

خدا، پناهگاه سختی ها

أَنْتَ الْمَفْرُغُ فِي الْمَلِمَاتِ

تویی خوانده شده برای دشواری ها. ۴/۷

پناه دادن بنده و همه مؤمنان، به رحمت الهی

أَعْدَنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

مرا و همه مردان و زنان با ایمان را به رحمت از آنچه گفته شد پناه ده. ۱۰/۸

پناهگاهی برای بنده

أَيُّقِنَنَّ أَنَّهُ لَا مَحِيصَ لَهُ مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْكَ

باور کرده که پناهگاه و گریزگاهی از تو برایش نیست. ۸/۱۲

وَلَا مَلَأُكَ الْجَأُ إِلَيْهِ مِنْكَ

و نه پناهگاهی است که از تو بدان پناه برم.

۱۴/۳۲

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءَ أَلَمَنْ... لَا مَلْجَأَ لَهُ مِنْكَ، إِلَّا إِلَيْكَ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که پناهگاهی برای او از

ص : ۲۹۶

تو، جز به سوی تو نیست. ۸/۵۲ و ۹

پناه بردن بیچارگان، به یاد احسان خدا

يَا مَنْ إِلَىٰ ذِكْرِ إِحْسَانِهِ يَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ

ای کسی که بیچارگان به یاد نیکی اش پناه می برند. ۲/۱۶

پناهگاه های نگهدارنده از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا... مِنْهُ فِي حِرْزِ حَارِزٍ، وَ حِصْنِ حَافِظٍ، وَ كَهْفِ مَانِعٍ

و پدران و مادرانمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده. ۱۰/۱۷

ویران ساختن پناهگاه شیطان

اللَّهُمَّ... وَ اهْدِمْ كَهْفَهُ

خداوندا و پناهگاهش را ویران ساز. ۱۳/۱۷

پروردگار، و پناه دادن به پرورده

لَا يُجِيرُ، يَا إِلَهِي، إِلَّا رَبُّ عَلَىٰ مَرْبُوبٍ

ای خدای من، پرورده را جز پروردگار، پناه نمی دهد. ۳/۲۱

پناه دادن گریز بنده

أَجْرُ هَرَبِي

گریزم را پناه ده. ۴/۲۱

پناهندگی بنده، به خدا

فَإِنِّي عَبْدُكَ... الْمُسْتَجِيرُ

پس به درستی که من بنده پناه گیرنده توام.

مِنْهَا فَزَرْتُ إِلَيْكَ رَبِّ... مُتَعَوِّذًا فَأَعِدْنِي

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که پناهنده ام، به سوی تو گریخته ام، پس پناهم ده.

۸/۵۱

و تَفَرِّجْ عَمَّنْ لَأَذِّبُكَ

و غم و اندوه را از کسی که به تو پناه آورده، برطرف می کنی. ۱۲/۵۱

وَ إِلَيْكَ أَلْجَأُ

و تنها به سوی تو پناه می برم. ۱۱/۵۲

بنده را در هر حال، پناه داده شده قرار دادن

وَ اجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالَتِي... مُعَاذًا، مُجَارًا

و مرا در همه حالت هایم، پناه داده شده، (از عذاب الهی) امان داده شده قرار ده. ۵/۲۲

خو گرفتن به پناه بردن به خدا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُعَوِّدِينَ بِالتَّعَوُّذِ بِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به پناه بردن به تو خو گرفته اند، قرار ده. ۱۰/۲۵ و ۱۱

پناه بردن به عزت و توانایی خدا

ص : ۲۹۷

وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَجَارِينِ بِعِزِّكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به عزّت تو پناه آورده اند، قرار ده. ۱۱ و ۱۰/۲۵

پناه دهنده بنده

اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ فَلْيَخْفُرْنِي عِزُّكَ

خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزّت مرا پناه دهد. ۲۵/۳۱

هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ

اینک منم در پیشگاه تو، باوردارنده به اینکه هیچ امان دهنده ای مرا از تو امان نمی دهد. ۶۹/۴۷

توبه و پناه بردن به خدا

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِي بِسُوءِ أَثْرِي... لَكِنْ لَتَسْمَعَ سَمَاوُكَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا... لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن است، توبه ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را بشنود. ۲۶/۳۱

پناه آورنده به خدا

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ

پس این جایگاه پناهنده شده به توست.

۱۵/۳۲

خدا، بهترین پناه دهندگان

...يَا خَيْرِ الْمَجِيرِينَ

...ای بهترین پناه دهندگان. ۳۲/۳۲

پناه برندگان به دلیل های روشن قرآن

فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يُفْزَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَيِّنَاتِهِ



پس ما را از کسانى قرار ده كه خود را در پناه اقرار به (آيات) متشابه و دلايل روشنش قرار مى دهند. ۴/۴۲

به پناهگاه محكم قرآن پناه بردن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَاوَىٰ مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَىٰ حِزْزِ مَعْقِلِهِ

و ما را از كسانى قرار ده كه از متشابهات به پناهگاه محكمش پناه مى برند. ۷/۴۲

اندوه و پناه بردن به خدا

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ... حَتَّىٰ نَجِدَ... كَأَبِهِ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ

خداوندا ترسِ كيفِ هشدار داده شده را روزى ما گردان. تا اندوه آنچه از آن به تو پناه مى بريم، دريابيم. ۵۳/۴۵

امام عليه السلام ، پناه اهل ايمان

فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِدِينَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ

پس او نگهدارنده پناهندگان و پناهگاه

ص : ۲۹۸

پناهندگی بنده، به عفو و رحمت خدا

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ، لَأِنِّذَا بِرَحْمَتِكَ

و اینک منم در پیشگاه تو، پناهنده به بخشایش، پناه خواه به رحمت. ۶۹/۴۷

درخواست از خدا، از روی پناه خواهی

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ... وَ مَعَ ذَلِكَ... تَعُوذًا وَ تَلَوُّذًا

از تو درخواست می نمایم، درخواست خرد، خوار، بدحال. و با آن احوال، درخواستم به همراه پناه خواهی و پناه جویی است. ۷۴/۴۷

پناه آوردن به آمرزش خدا

تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ... عَاذَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو آورده. ۸۶/۴۷

پناهندگی به خدا و نجات یافتن

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فَتَنَهُ أَوْ سُوءًا فَانجِنِي مِنْهَا لَوْأَذَا بِكَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده. ۱۲۰/۴۷

خدا، پناهگاه پناهنده

وَ إِلَيْكَ... مَفْرَعُ الْمُضَيِّعِ لِحِطِّ نَفْسِهِ الْمُلتَجِي

و پناهگاه آنکه بهره اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست. ۳/۴۹

پناهنده شدن به پناهگاه انتقام الهی

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي... عَالِمًا أَنَّهُ... لَا يَفْرَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ انْتِصَارِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به پناهگاه انتقام تو پناهنده شود، هراسی ندارد. ۱۰/۴۹

پناه خواستن از شرّ هر چیز بد

فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمَحْمَدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ، وَالْعَلَوِيَّةِ الْبَيْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا

خداوندا، پس من به منزلت بلندپایه محمدی و مقام گرامی علوی، به سوی تو نزدیکی می جویم و به وسیله آنان به درگاہت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. ۱۶/۴۹.

خدا، پناه بنده در هنگام ناتوانی

يَا كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ

ای پناه من، وقتی که راه ها مرا ناتوان می کند و راه نمی نماید. ۷/۵۱.

به خدا پناه بردن از:

ص : ۲۹۹

أ. افراط در شهوت و عصبیت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... إلْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَ مَلَكَهِ الْحَمِيَّةِ

خداوندا به تو پناه می برم از زیاده روی شهوت و غلبه عصبیت. ۱/۸

ب. کمی قناعت و تندخویی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... قَلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شَكَاسَةِ الْخُلُقِ

خداوندا به تو پناه می برم از کاستی قناعت و بدخلقی. ۱/۸

ج. تندی خشم، غلبه حسد و ضعف صبر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... سُورَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلْبَةِ الْحَسَدِ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ

خداوندا به تو پناه می برم از شدت خشم و چیرگی حسد و سستی شکیبایی. ۱/۸

د. حرص و آز

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ

خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص. ۱/۸

أَعْدَنِي مِنْ ... هَلَعِ أَهْلِ الْحِرْصِ

از آز حریصان پناهم ده. ۱۵/۱۴

ه. پیروی هوس و مخالفت با رستگاری

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... مُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی هوا و هوس و مخالفت رستگاری. ۱/۸ و ۲

و. سهل انگاری و کار با زحمت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... سِنَةِ الْغَفْلَةِ، وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از خواب غفلت و انجام دادن کار با مشقت. ۱/۸ و ۲

ز. بزرگ شمردن طاعات

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از بزرگ شمردن طاعت و بندگی. ۱/۸ و ۲/۸

ح. برتری دادن باطل بر حق

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... إِيْتَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ

خداوندا به تو پناه می برم از برتری دادن باطل بر حق. ۱/۸ و ۲/۸

ط. کوچک شمردن گناه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... اسْتِصْغَارِ الْمُعْصِيَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از کوچک شمردن نافرمانی. ۱/۸ و ۲/۸

ص : ۳۰۰

وَتَعُوذُ بِكَ مِنْ... اخْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ

و پناه می بریم به تو از ناچیز شمردن گناه کوچک. ۶/۸

ی. اصرار بر گناه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثَمِ

خداوندا به تو پناه می برم از پافشاری بر گناه. ۱/۸ و ۲

أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ

از اصرار (بر گناه) به تو پناه می برم.

۱۴/۱۲

ک. فخر کردن ثروتمندان و حقیر کردن تهی دستان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... مُبَاهَاةِ الْمُكْثَرِينَ، وَالْإِزْرَاءِ بِالْمُقَلِّينَ

خداوندا به تو پناه می برم از فخرفروشی ثروتمندان و تحقیر کردن تهی دستان.

۱/۸ و ۳

ل. بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی از هدیه دهنده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا، وَتَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اضْطَنَّعَ الْعَارِفَهُ عِنْدَنَا

خداوندا به تو پناه می برم از بدرفتاری با زیردستان و ناسپاسی از کسی که به ما نیکی

کرده است. ۱/۸ و ۳

م. یاری نمودن ستمگر و خوار گرداندن ستم دیده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ نَعُصِدَ ظَالِمًا، أَوْ نَحْدَلَ مَلْهُوفًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستمگری را کمک کنیم یا آنکه ستم دیده ای را خوار گردانیم. ۱/۸ و ۴

ن. خواستن افزون بر حق خود، و گفتار بدون علم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... نُرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، أَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه آنچه حق ما نیست بخواهیم یا بدون داشتن آگاهی سخن بگوییم. ۱/۸ و ۴

س. خیانت، خودپسندی در اعمال، و آرزوهای بلند

و نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشِّ أَحَدٍ، وَ أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا، وَ نَمُدَّ فِي آمَالِنَا

و پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم و در کارهایمان خودپسند باشیم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

۵/۸

ص: ۳۰۱

ع. بددلی، چیره شدن شیطان و ستم پادشاهان

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ... وَ أَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكَبَنَا الزَّمَانُ، أَوْ يَتَهَضَّنَا السُّلْطَانُ

و پناه می بریم به تو از نیت بد و اینکه شیطان بر ما دست یابد یا زمانه ما را دچار سختی نماید یا پادشاه به ما ستم کند. ۶/۸

ف. اسراف و نیافتن روزی به اندازه کافی

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْأِسْرَافِ، وَ مِنْ فِقْدَانِ الْكَفَافِ

و پناه می بریم به تو از انجام اسراف و از نیافتن روزی کافی. ۷/۸

ص. زندگی سخت و مرگ بدون آمادگی

وَ نَعُوذُ بِكَ... مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَ مِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ

و پناه می بریم به تو از زندگی در سختی و از مرگ ناگهانی. ۸/۸

ق. شماتت و سرزنش دشمنان

نَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ

پناه می بریم به تو از سرزنش دشمنان.

۸/۸

أَعْدَانِي مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ

مرا از سرزنش دشمنان پناه ده.

۱۱۹/۴۷

ر. حسرت عظیم و مصیبت بزرگ

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى، وَ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى

و پناه می بریم به تو از حسرت بزرگ و بزرگ ترین مصیبت. ۹/۸

ش. بدترین تیره بختی و بازگشت بد



وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَشَقَى الشَّقَاءِ، وَ سُوءِ الْمَأْتِ

و پناه می بریم به تو از بدترین تیره بختی و بدی سرنوشت. ۹/۸

ت. محرومیت از ثواب و فرود آمدن کیفر

وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ... حِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَ حُلُولِ الْعِقَابِ

و پناه می بریم به تو از بی بهرگی از پاداش و فرود آمدن کیفر. ۹/۸

ث. آنچه بدکرداران از آن ترسانند (کیفر)

أَجْرِنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءِ

از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده.

۱۵/۱۲

ص: ۳۰۲

خ. خواهش بد

وَ أَعِدَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ

و از خواهش بد پناهم ده. ۱۵/۱۴

ذ. شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان - رانده شده - به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

وَ أَعِدَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر شیطانِ سرکش پناه ده. ۶/۲۳

وَ أَعِدَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و من و فرزندانم را از شیطانِ رانده شده پناه ده. ۶/۲۵، ۶/۲۳

ض. آنچه از ترس آن، پناه خواسته شود

أَعِدَّنَا وَ أَهْلَانَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَدَّنَا مِنْهُ، وَ أَجْرَنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ

ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. و از آنچه از ترس آن از تو

ایمنی طلبیدیم، امانمان ده. ۱۵/۱۷

ظ. پادشاه ستمگر

وَ أَعِدَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر پادشاهِ ستمگری پناه ده. ۶/۲۳

غ. شرّ انسان ها و جن ها

وَ أَعِدَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَ وَضِيعٍ... وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر بلندمرتبه و فرومایه و از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه

ده. ۶/۲۳

أ.ب. شرّ حیوانات

وَ أَعِدُنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنبنده ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده. ۶/۲۳

أ.ج. شرّ امور زهر آگین، مردمان (جاهل) و چشم زخم

وَ أَعِدُنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ وَ الْعَامَةِ وَ اللَّامَةِ

و من و فرزندانم را از شرّ جانور زهر دار نکشنده و جانور زهر دار کشنده و سایر جانوران و چشم زخم پناه ده. ۶/۲۳

ص: ۳۰۳

أ.د. ظلم و ستم

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكُمْ مِنْ... الْمَجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از ستم (دیگران) به عدل تو پناه آورده اند، قرار ده. ۱۰/۲۵ و ۱۱/۲۵

أهـ. آتش دوزخ و عذاب آن

أَعِدْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

ما را از شکنجه آتش پناه ده. ۱۲/۲۵

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی. ۲۹/۳۲

أَجْرِنِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ

مرا به بسیاری رحمت از آن (آتش) ایمن ساز. ۳۲/۳۲

أ.و. قرض و وام

أَعُوذُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَ فِكْرِهِ، وَ شُغْلِ الدَّيْنِ وَ سَيِّئِهِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِدْنِي مِنْهُ، وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ ذَلَّتِهِ فِي الْحَيَاةِ، وَ مِنْ تَبِعْتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجْرِنِي مِنْهُ بِوَسْعِ فَاضِلٍ أَوْ كِفَافٍ وَاصِلٍ

و به تو پناه می برم - ای پروردگرم - از

اندوه و اندیشه وام و از کار قرض و بی خوابی اش، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از آن پناه ده. و پناه از تو می جویم - ای پروردگرم - از خواری آن در زندگی و از پیامد آن پس از مرگ، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا با ثروت فراوان و روزی کافی، از آن نجات ده. ۲/۳۰

أ.ز. توبه شکستن

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاہت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم.

أ.ح. رسوایی های سرای آخرت

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بَعْفُوكَ... فَأَجْرَنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمُكْرَمِينَ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایش پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان

ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

ص: ۳۰۴

أ. ط. کژدم ها و مارهای آتش دوزخ

أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَقَابِهَا الْفَاعِزَةِ أَفْوَاهُهَا، وَ حَيَاتِهَا الصَّالِقَةَ بِأَنْيَابِهَا

از عقرب های آن که دهانشان گشوده است و از مارهای آن که با نیش هایشان می زنند، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

أ. ی. آشامیدنی های آتش دوزخ

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... شَرَابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفْتِدَهُ سُكَّانِهَا

و از آشامیدنی اش که روده و دل ساکنانش را پاره پاره می کند، به تو پناه می برم. ۳۱/۳۲

أ. ک. غضبش

فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

پس ما از خشم، از تو امان می خواهیم.

۳/۳۶

أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِزَّنِي

خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و پناهم ده. ۱۷/۴۸

أ. ل. دورگرداننده بنده، از خدا

وَ أَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ

و از چیزی که از تو دورم می کند، مرا

نگهدار. ۹۳/۴۷

أ. م. مانع شونده میان بنده و بهره اش

أَعِزَّنِي مِمَّا... يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ

از چیزی که میان من و بهره ام از تو، مانع می شود، مرا نگهدار. ۹۳/۴۷

أ. ن. بازدارنده بنده از قصدش، نزد خدا

أَعِدُّنِي مِمَّا... يَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ

از چیزی که مرا از آنچه نزد تو می خواهم، باز می دارد، مرا نگهدار. ۹۳/۴۷

أ.س. مؤاخذه مهلت دادن

أَجْرِنِي مِنْ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ

از مؤاخذه مهلت دادن پناهم ده. ۹۸/۴۷

أ.ع. فتنه و بدی ای که خدا برای قومی بخواهد

وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَتَنْجِنِي مِنْهَا لَوْ إِذَا بِكَ

و هرگاه خواستی به قومی، عذابی یا بدی ای (فروفرستی)، پس مرا که به تو پناه برده ام، نجات ده. ۱۲۰/۴۷

أ.ف. خشم و سخط او

أَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجْرِنِي

ص : ۳۰۵

امروز از خشمتم به تو پناه آورده ام، پس بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا پناه ده. ۱۸/۴۸

أص. بدی آنچه نوشته شده و گذشته

أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَا

از بدی آنچه نوشته شده و گذشته، به تو پناه می برم. ۵/۵۴

پنجگانه

اوقات نمازهای پنجگانه

وَ قَفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِبِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ

و ما را در آن بر اوقات نمازهای پنجگانه، با حدودش که مشخص نمودی و واجباتش که واجب کردی، آگاه فرما. ۸/۴۴

پند

اشتغال پیامبر صلی الله علیه و آله ، به نصیحت پذیرندگان دعوت الهی

شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ

خود را به نصیحت کردن به پذیرندگان دعوت مشغول ساخت. ۱۵/۲

پند دادن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به امت

أَمَرَتْهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا

او را به نصیحت کردن امتش دستور دادی، پس آنها را نصیحت کرد. ۲۲/۶

پنددهندگان دوستان خداوند

وَ اجْعَلْهُمْ... لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ

و آنان (فرزندانم) را دوستدار و پنددهنده دوستانت قرار ده. ۳/۲۵

توفیق همسایگان، به پند دادن

وَفَقَّهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... مُنَاصِحِهِ مُسْتَشِيرِهِمْ



آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در پند دادنِ مشورت کننده شان، توفیق ده. ۲/۲۶

عبرت قرار دادن دشمن

...نَكَلُ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ

آنان را برای کسانی که در پس ایشانند، عبرت گردان. ۵/۲۷

پند گرفتن دورانیش

فَصَحَّ بِمَعَايِنِهِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَقَّهُهُ اغْتِبَارُهُ

پس (شخص) دورانیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتنش سبب توفیق او شد.

۷/۲۸

ص : ۳۰۶

پنهان نمودن بدی های بنده و پنددهنده بودنش

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ، وَ أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ وَاِعْظَا لَنَا

پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده قرار ده. ۳/۳۴

عذرخواهی از روی پشیمانی و پنددهنده بودنش

أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي مِنْهُنَّ وَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ أَعْتَذَارَ نَدَامَةٍ يَكُونُ وَاِعْظَا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْبَاهِهِنَّ

ای خدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذرخواهی از روی پشیمانی، که از مانند آنها مرا در آینده ام، پنددهنده باشد.

۲/۳۸

قرآن، منتشرکننده پندها

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... لِمَا طَوَّتِ الْعُقْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصْفُحِ الْإِعْتِبَارِ نَاشِرًا

و قرآن را ناشر پندهایی که غفلت از دید ما می پوشاند، قرار ده. ۱۰/۴۲

پند دادن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به بندگان خدا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... كَمَا... نَصَحَ لِعِبَادِكَ

خداوندا بر محمد درود فرست. همچنانکه بندگان را نصیحت کرد. ۱۷/۴۲

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا... نَصَحَ لِعِبَادِكَ

خداوندا او را به سبب اینکه بندگان را نصیحت کرد، پاداش ده. ۲۲/۴۲

پند گرفتن پندپذیران

وَ لَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَظَ، وَ لَا نَكَالًا لِمَنْ اِعْتَبَرَ

و مرا پند پذیران و درس عبرت پذیران، قرار نده. ۱۲۴/۴۷

پند دادن خدا و سخت دل گشتن بنده

إِلَهِي... وَعَظَّتْ فَقَسَوْتُ

خدای من، پند دادی، پس سنگدل گشتم.

۱/۴۹

پندار گمان

پنهان

درود خدا بر حاملان غیب

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَحُمَمِ الغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و آنها که رسانندگان اخبار نهانی بر رسولانت می باشند. ۱۰/۳

ایمان آوردن به پیامبران، به طور پنهانی

اللَّهُمَّ وَاتَّبِعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ

ص : ۳۰۷

الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانی پیامبران از اهل زمین... ۱/۴

آنچه در زیر خاک پنهان است

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجَمَلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهَا وَ أَرْضُهَا... وَ مَا كُنَّ تَحْتَ الثَّرَى

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و آنچه در زیر زمین پنهان است و همه از آن تو هستییم. ۹/۶

شمارش کارهای پنهانی خویش

سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَ أَعَدَّدُهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي

پاک و منزهی تو، شگفتا از این گواهی که بر خود می دهم. و کار پنهانی خویش را می شمارم.

۲۵/۱۶

غیبت کردن از مؤمن غائب

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَعْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ... اغْتِيَابِ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از غیبت مؤمن غائب یا ناسزا به شخص حاضر و مانند اینها، سپاس

برای خودت را قرار ده. ۱۳/۲۰

ارزانی داشتن امور پنهان، به بنده

وَ اٰمِنُنَّ عَلٰی كُلِّ مَا يُصَلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ

و هر چه در دنیا و آخرت به صلاح من است، چه آن را به یاد آوردم یا آنچه فراموش کردم، و اظهار کردم یا پنهان نمودم، بر

من ارزانی دار.

۹/۲۵

کتمان رازها و عیب های همسایگان

وَفَقَّهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... كِتَابِ مَنْ أَسْرَارِهِمْ، وَ سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ

آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در کتمان اسرارشان و پوشاندن عیب هایشان، توفیق ده. ۲/۲۶

دوستی همسایگان، در پنهان

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أُسِرُّ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً

و خداوندا مرا بر آن دار که در نبودشان دوستی را، آشکار سازم. ۳/۲۶

پنهان بودن نام و نشان برخی مشرکان

اللَّهُمَّ وَ اعْمَمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرْكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاءُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و

ص : ۳۰۸

دیگر امت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است. ۹/۲۷

توبه نمودن از گناهان پنهان و آشکار

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ... بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَظَوَاهِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان پنهان و آشکارم به در گاهت توبه می کنم. ۱۴/۳۱

توبه شکستن و علم غیب خداوند

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَعَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَخَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداوندا، هر بنده ای که به در گاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم. ۲۰/۳۱

دانایی خدا بر کارهای پنهان

اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است. ۱۱/۳۲

پنهان نمودن بدی های خود، از همسایه

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَيَّرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجِرْنِي مِنْ فَضَّةِ يَحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ... مِنْ حِيَارِ كُنْتُ أَكَاتِمُهُ سَيِّئَاتِي

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و از همسایه ای که بدی هایم را از او پنهان می داشتم، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

خدا، پنهان کننده بدی و زشتی

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ، وَ أَحْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ وَاعِظًا لَنَا...

پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده، قرار ده.

وَلَا تُبْرِزْ مَكْتُومِي

و (عیب) پوشیده ام را نمایان نساز.

۲/۴۱

پنهان داشتن امور ننگین بنده

أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَشْرُهُ عَلَيَّ عَارًا

آنچه انتشارش (مایه) ننگ من می باشد را، از آنان پنهان کن. ۳/۴۱

پنهان داشتن امور رسواکننده بنده

وَ اطو عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ شَارًا

و آنچه نزد تو مرا رسوا می نماید، از آنان بیوشان. ۳/۴۱

ص : ۳۰۹

آشکار شدن فرشته مرگ، از پرده های پنهان

تَجَلَّىٰ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ

فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد. ۱۳/۴۲

سخن خدا از (عالم) غیب و نهان

أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود راهنمایی کردی. ۱۴/۴۵

مطابق بودن آشکار سپاس، با نهان آن

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقَّ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفَقَّ لِصِدْقِ النَّيِّ

سپاس برای توست. سپاسی که ظاهرش با باطنش همخوان باشد و باطنش با نیت صادقانه موافق باشد. ۳۶/۴۷ و ۴۳

پنهان نمودن (گناهان خود)، از بندگان

أَنَا الَّذِي اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ

منم آنکه (گناهم را) از بندگان پنهان کرده و نزد تو آشکار نمودم. ۷۹/۴۷

توبه و وانگذاشتن گناهان آشکار و نهان بنده

تُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا... وَ لَا تَذَرُ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا

سَرِيرَةً

توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری. ۱۲۶/۴۷

زشتی پنهان کاری های دشمن

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي... فُتِحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ، أَرْكَسْتَهُ لِأُمَّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ

پس همین که - ای خدای من - زشتی آنچه در دل داشت، ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار کننده

بود)، سرنگون نمودی. ۸/۴۹



بر خدا پنهان نبودن:

أ. اخبار شکوه کنندگان

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ

ای کسی که خبرهای دادخواهان بر او پنهان نیست. ۱/۱۴

ب. کارهای اندک و رازهای نهانی

لَا تَنْطَوِي عَنْكَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ، وَلَا تَعْزُبُ عَنْكَ غَيْبَاتُ السَّرَائِرِ

کارهای ریز و کوچک، از تو پنهان نمی ماند و رازهای نهان، از تو غایب نیست.

۱۱/۳۲

ج. علم و دانستنی های هر چیز

ص : ۳۱۰

لَا يَغْرُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ

چیزی از علم او پنهان نیست. ۲/۴۷

د. هیچ چیز نهانی، در زمین و آسمان

وَ أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ

و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. ۳/۵۰

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. ۱/۵۲

ه. آفریدگان و آنچه خود تدبیر نموده

كَيْفَ يَخْفَى عَلَيْكَ يَا إِلَهِي مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ؟ وَ كَيْفَ لَا تُحْصِي مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ؟ أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تُدَبِّرُهُ؟

چگونه آنچه را که خود آن را آفریده ای - ای خدای من - بر تو پنهان باشد؟ و چگونه آنچه را که خود ساخته ای، شمار آن را ندانی؟ یا چگونه از تو پنهان شود، آنچه که خود آن را تدبیر می نمای؟ ۱/۵۲

پوزش

پوزش خواهی به پیشگاه خدا و پذیرش

پوزش

وَ مَا أَنَا بِاللَّوْمِ مَنِ اعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ

و من نکوهیده تر از عذر آورنده به پیشگاهت که تو عذرش را پذیرفته ای، نیستم. ۱۱/۱۲

عذر خواهی از خدا، به سبب نپذیرفتن پوزش عذرخواه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدَرُ إِلَيْكَ... مِنْ مُسِيءٍ اعْتَدَرَ إِلَيَّ فَلَمْ أَعْدِرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از بدکرداری که از من عذرخواهی کرد، پس عذر او را نپذیرفتم. ۱/۳۸

پوزش خواستن از خدا، از روی پشیمانی

أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي مِنْهُمْ وَ مِنْ نَظَائِرِهِمْ اِعْتِذَارَ نَدَامَةٍ...

ای خدای من، از آنها و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذرخواهی از روی پشیمانی. ۲/۳۸

پوزش خواستن از روی راستی و برای خدا

وَ لَكَ... مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الْاِعْتِذَارِ

و عذر خواستن راستین زبان هایمان، برای توست. ۴۵/۴۵

پوزش خواهی بنده از خدا، برای:

ص : ۳۱۱

أ. جهل و نادانی خود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي

خداوندا، به درستی که من از نادانی ام، در پیشگاه تو عذر می خواهم. ۲۱/۳۱

ب. گناهان

أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي مِنْهُمْ وَمِنْ نَظَائِرِهِمْ أَعْتَذَارَ نَدَامَةٍ يَكُونُ وَعَظًّا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْبَاهِهِمْ

ای خدای من، از آنها (گناهان) و نظایر آنها از تو عذر می خواهم، عذرخواهی از روی پشیمانی، که از مانند آنها مرا در آینده ام، پنددهنده باشد. ۲/۳۸

وَ اتَّصَلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي

و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته، پوزش می طلبم. ۸/۵۱

پوست

سیاه شدن پوست ها

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۰/۱۴

پوسیدگی

پوسیدن استخوان ها، با آتش دوزخ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ تَذَرُ الْعِظَامَ رَمِيًّا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که استخوان ها را می پوساند. ۲۹/۳۲ و ۳۰

فرود به خانه پوسیده (قبر)

اللَّهُمَّ... بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلِي

خداوندا فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) را برای ما مبارک گردان. ۱۴/۴۲

پوسیدن تن بنده

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي وَ حَالِي إِذَا بَلِيَ جِسْمِي

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسمم پوسیده گردد، بر من رحم کن. ۶/۵۳

پوشاندن

پوشاندن (گناهان بندگان) در قیامت

وَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَي رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ

و در برابر گواهان، پرده ای که با آن ما را پوشانده ای کنار زن، روزی که اخبار بندگان را

ص: ۳۱۲

آشکار می کنی. ۴/۱۱

خدا، پوشاننده عیب ها و زشتی های بنده

فَكَمْ مِنْ عَائِيهِ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي

چه بسیار عیب هایی که بر من پوشاندی و رسوایم نکردی. ۲۱/۱۶

پوشاندن بنده، به پرده و ستر الهی

إِلٰهِي فَاذْ قَدْ تَعَمَّدَتْنِي بِسِتْرِكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِي...

خدای من، اکنون که مرا به پرده (عفو) خود پوشاندی و رسوایم نکردی... ۳۲/۱۶

وَ اسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيَنِي عَنِ الْاِنْتِقَامِ مِنِّي

و مرا با پوشش خود بیوشان، آنگونه که در انتقام از من درنگ فرمودی. ۱۲/۳۱

وَ جَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ

و مرا به پرده خویش بیوشان. ۲۴/۳۱

وَ اسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

و ما را به پرده خود بیوشان. ۴۷/۴۵

پوشاندن زره های محافظت کننده از شر شیطان، به مؤمنان

وَ اَلْبَسَهُمْ مِنْهُ جُنًّا وَاَقِيَهٗ

و بر اندام آنان زره های بازدارنده از آزار و اذیت او بیوشان. ۱۰/۱۷

پوشاندن زیور پرهیزکاران، به بنده

اَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِيْنَ

زیور پرهیزکاران را به من بیوشان. ۱۰/۲۰

(توفیق) پوشاندن عیب و زشتی

أَلْبَسَنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... سِتْرِ الْعَائِبَةِ

زیور پرهیزکاران را در پوشاندن عیب، به من بپوشان. ۱۰/۲۰

پوشاندن خوشنودی خدا، بر بنده

جَلَّلَنِي رِضَاكَ

خوشنودی ات را بر من بپوشان. ۲۱/۲۰

پوشاندن دل بنده، به (جامه) تقوا

أَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ

قلبم را به جامه پرهیز از خود بپوشان.

۹/۲۱

پوشاندن (جامه) وحشت از بدکاران خلق بر دل بنده

وَ أَلْبَسَ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ

و دلم را به وحشت از بدکاران خلقت بپوشان.

۱۱/۲۱

بنده را در هر حال، پوشیده قرار دادن

وَ اجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالَتِي مَحْفُوظًا، مَكْلُوءًا، مَسْتُوْرًا، مَمْنُوعًا، مُعَاذًا، مُجَارًا

و مرا در همه حالت هایم، محفوظ، نگاه داشته،

ص: ۳۱۳

(گناهانم را) پنهان شده، (در برابر دشمنانم) حمایت شده، پناه داده شده، (از عذاب الهی) امان داده شده قرار ده. ۵/۲۲

پوشاندن عافیت، بر بنده

أَلْبَسْنِي عَافِيَتَكَ

لباس عافیتت را بر من بپوشان. ۱/۲۳

أَلْبَسْنَا فِيهِ جُنَّ الْعَافِيَةِ

در آن (ماه) پوشش های عافیت را به ما بپوشان. ۷/۴۳

سَرَّلْنِي بِسِرِّبَالِ عَافِيَتِكَ

لباس عافیت خود را به من بپوشان.

۱۱۲/۴۷

كَمْ مِنْ... عَافِيَةِ الْبَسْتِهَا

چه بسیار (جامه های) تندرستی ای که (بر من) پوشاندی. ۱۱/۴۹

إِنْ تَعْفُ عَنِّي فَقَدِيمًا... أَلْبَسْتَنِي عَافِيَتَكَ

اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که عافیت خویش را بر من پوشانده ای. ۴/۵۰

توفیق پوشاندن عیب های همسایگان

وَفَقَّهْمُ لِإِقَامِهِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ

آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در پوشاندن عیب هایشان، توفیق ده. ۲/۲۶

پوشاندن بنده، به پرده عافیت الهی

اسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً

با فضل خویش، مرا به پرده عافیتت بپوشان.



پوشاندن بنده در دنیا، به عفو و فضل الهی

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَتَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرِهِ الْأَكْفَاءِ فَأَجْرُنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشاندی و (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

پوشاندن رحم، به پرده ها

اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبِ مُتَصَائِقِ الْعِظَامِ، حَرَجِ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمِ ضَيْقِهِ سَتَرْتَهَا بِالْحُجْبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلیبی با استخوان های درهم تنیده و راه های تنگ، به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی. ۲۳/۳۲

پوشاندن (خطا توسط) خدا، پس از علم او

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سِتْرِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت. ۱/۳۴

ص: ۳۱۴

خدا، پوشاننده عیب ها

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ... وَاعْظًا لَنَا...

پس آن عیب ها که پوشاندی، برای ما پنددهنده قرار ده. ۳/۳۴

به رحمت نپوشاندن بنده و تباه شدنش

فَإِنَّكَ إِن تَكْفِنِي بِالْحَقِّ تُهْلِكْنِي، وَإِلَّا تَعَمَّدَنِي بِرَحْمَتِكَ تُوبِقِنِي

زیرا اگر تو مرا به حق مکافات دهی، هلاکم. و اگر مرا به رحمت نپوشانی، تباهم. ۵/۳۹

پوشاندن جامه های امان، به بندگان

وَ اَكْسَنَا بِهٖ حُلَّ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا

و با آن (قرآن)، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بیوشان. ۱۱/۴۲

پوشاندن (گناه) بنده و رسوا نکردنش

تَشْتُرْ عَلَيَّ مِنْ لَوْ شِئْتَ فَضَخْتَهُ

می پوشانی بر کسی که اگر می خواستی، رسوایش می نمودی. ۸/۴۵

امید به پوشاندن بدی، از جانب پروردگار

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید

است که پروردگارتان بدی هایتان را ببوشاند.

۱۰/۴۵

عدم دریافت (حقایق) پوشاننده شده از بنده

أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ... عَلَىٰ مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی دیدگانشان آن را

درنمی یافت.

۱۴/۴۵

رمضان، پوشاننده زشتی ها

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ... أَشْتَرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ

درود بر تو. چه پوشنده بودی، انواع عیب ها را!! ۳۱/۴۵

عطا نمودن پوشش، به بنده

فَعُدْ عَلَيَّ بِمَا تَعُوذُ بِهِ - عَلَيَّ مَنِ اقْتَرَفَ - مِنْ تَعَمُّدِكَ

پس بر من از پوششت، همان چیزی را که به کسی که گناه کرده می دهی، عطا کن. ۷۰/۴۷

پوشاندن بنده زاری کننده به درگاه خدا

تَعَمُّدُنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که

ص: ۳۱۵

پوشاندی با آن، کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده. ۸۶/۴۷

پوشاندن یا آشکار ساختن (گناه)

أَنْتَكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تَشْهَرَ

به درستی که تو به پرده پوشی نزدیک تری تا اینکه آشکار سازی. ۱۱۶/۴۷

پوشاندن آنچه خدا از بنده می داند

تَغَمَّدَنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی ببوشان.

۱۱۹/۴۷

پوشاندن بنده و توانایی بر سخت گرفتن بر او

تَغَمَّدَنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ

مرا در آنچه بر آن از من آگاهی ببوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد).

۱۱۹/۴۷

پوشاندن بنده، به عطایای بزرگ الهی

جَلَّلَنِي شَرَائِفَ نَحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحْبَائِكَ

در مکان هایی که برای دوستان آماده کرده ای، به عطاهای والایت مرا ببوشان. ۱۲۸/۴۷

بازگشت بنده (به گناه)، و پوشاندن خدا

فَعُدْتُ فَسْتَرْتُ

پس (باز به نافرمانی) برگشتم و تو پوشاندی.

۱/۴۹

پوشیده شدن جمال و نیکویی خداوند

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخُزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرَّمَّةَ الْهَلُوعَةَ

پس خداوند، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوشیده بقرار رحم نمایی. ۵/۵۰

پوشیده پنهان

پهن پهناور

پهناور

بارانی پهناور و عریض

اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا مَرِيحًا مُمْرِغًا عَرِيضًا وَاسِعًا غَزِيرًا

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش، خرمی بخش، سرسبزکننده، پهناور، دامنه دار و پُر آب، سیراب گردان. ۴/۱۹

ص: ۳۱۶

ایمن ساختن بنده از پیادگان و سواران بدخواه

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَصْرِفْهُ عَنِّي... وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُوءِّمَنِي مِنْ... رَجُلِهِ وَحَيْلِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از نیروهای پیاده و سواره اش ایمن سازی.

۷/۲۳ و ۸

جنگیدن دشمن با پیادگان (مسلمان)

أَوْهِنُ أَرْكَانَهُمْ عَن مَّنَّارَلِهِ الرَّجَالِ

اندام آنها (مشرکان) را از جنگیدن با مردان (پیاده نظام) سست گردان. ۱۱/۲۷

پیام

خستگی پیامبر صلی الله علیه و آله ، در تبلیغ پیام خدا

أَذَّابَ نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ

در تبلیغ پیام تو، خود را به رنج انداخت.

۱۳/۲

فرشتگان، امانت داران پیام خداوند

...فَصَلُّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ مِنْ... أَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَاتِكَ

...پس بر آنها درود فرست، و نیز بر فرشتگانی که از آنان پایین ترند و بر رساندن پیام هایت امانت دارند. ۶/۳

برهان رسالت و پیام های پیامبر صلی الله علیه و آله

اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّجَهُ رِسَالَاتِهِ

هنگامی که دلیل رسالت های خود را به گوششان رساند، اجابت کردند. ۳/۴

پیامبر صلی الله علیه و آله و رساندن پیام خدا

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرُتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتُهُ رِسَالَتِكَ فَأَدَّأَهَا

همانا محمد بنده تو و فرستاده ات و برگزیده تو از بین آفریدگانت است، رسالت خود را بر او دادی، پس آن را انجام

داد. ۲۲/۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

پاداش ابلاغ پیام های خدا

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده.

۲۲/۴۲

ص: ۳۱۷

گرد آمدن با پیامبران خدا، در بهشت

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نَزَّاجِمٌ بِهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَ نُضَامٌ بِهِ أَنْبِيَاءُهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرب تنگ نماییم و با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است. ۱۶/۱ و ۱۰/۱

مَنْت گذاشتن خدا بر مسلمانان، به خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد بر ما مانت نهاد. ۱/۲

برابری نداشتن هیچ پیامبر مرسل، با محمد صلی الله علیه و آله

...لَا يُسَاوَى فِي مَنْزِلِهِ، وَ لَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبِهِ، وَ لَا يُوَازِيهِ لَدَيْكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ

...کسی در منزلت با او (محمد)، یکسان و در مقام همتا نباشد و نزد تو هیچ فرشته مقرب و پیامبر فرستاده شده ای با او برابری نکند. ۲۴/۲

استوار کردن پیامبری محمد صلی الله علیه و آله

قَاتَلُوا الْأَبَاءَ وَ الْأَبْنََاءَ فِي تَثْبِيتِ بُبُوتِهِ

و در پایدار ساختن نبوت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند. ۴/۴

پاداش محمد صلی الله علیه و آله، برترین پاداش خدا به پیامبران

اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ

خداوند! پس بر محمد و خاندانش درود فرست و از طرف ما بهترین و گرامی ترین پاداشی را که به پیامبران از جانب امتش دادی، به او پاداش ده. ۲۳/۶

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ... أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنِ

خداوند! او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. بهترین پاداشی که به یکی از فرشتگان نزدیک خود و



پیامبران فرستاده شده برگزیده ات دادی. ۲۲/۴۲

محمد صلی الله علیه و آله ، خاتم پیامبران

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ

خداوندا بر محمد - آخر پیامبران - درود فرست. ۱۵/۱۷

مردن بر آیین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

و تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص : ۳۱۸

و هنگامی که مرا میراندی، بر دین خود و دین پیامبرت محمد - که درود بر او باد - بمیران.

۱۳/۳۱

نزول وحی، بر پیامبر خدا؛ محمد صلی الله علیه و آله

جَعَلْتَهُ... وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَنْزِيلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی. ۱/۴۲ و ۲/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُجَمَّلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بدون تفصیل و شرح نازل کردی. ۵/۴۲

نزدیک ترین پیامبران به خدا، در روز رستاخیز

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار

ده. ۱۸/۴۲

پیامبران فرستاده شده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْنَيْدَائِهِ إِلَى وَفْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلِكٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حق کسانی که در آن، از آغاز آن تا پایانش تو را بندگی کرده اند؛ از فرشته ای که او

را مقرب ساختی، یا پیامبری که او را فرستادی، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱۲/۴۴

خوار نشدن پیامبر صلی الله علیه و آله ، در روز رستاخیز

...يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

...روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. ۱۱/۴۵

درود خدا بر محمد صلی الله علیه و آله ، پیامبر مسلمانان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا...

خداوندا بر محمد پیامبرمان درود فرست.

۵۶/۴۵

درود خدا، بر پیامبران مرسل

صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ

بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی. ۵۶/۴۵

درودی جمع کننده درودهای پیامبران

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ

ص : ۳۱۹

پروردگار من، بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و فرمانبران تو را  
فراگیرد. ۵۴/۴۷

ترک شدن سنّت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

يُرُونَ... سُنَنَ نَبِيِّكَ مَثْرُوكَةً

می بینند روش های پیامبرت ترک شده است.

۹/۴۸

پیایی (پی درپی)

پی درپی بودن نعمت های خدا

تَظَاهَرَتْ آلاؤُهُ

نعمت هایش آشکار و پی درپی است. ۷/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا... أَشْبَعَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ

و سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسش بر نعمت های آشکار که برای آنها تمام کرده بازمی داشت، آنها  
نعمت هایش را صرف می نمودند و او را سپاس نمی گزاردند.

۸/۱

پی درپی رساندن آذوقه مرزداران اسلام

وَ اتَزَيَّنَ مَبْرَهُمْ

آذوقه ایشان را پیایی برسان. ۲/۲۷

نفس زدن های پی درپی محتضر، در وقت جان کندن

هُوَ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا... تَرَادَفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النَّفُوسُ التَّرَاقِي

به وسیله قرآن هنگام مرگ، خرناسه های پی درپی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می

رسد. ۱۳/۴۲

تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا... يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيئُهُمْ إِلَّا عَنْ طَوْلِ الْأَعْدَارِ إِلَيْهِ، وَ بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّهِ عَلَيْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر بعد از عذرهای فراوان بر او و پس از حجّت های پیاپی آوردن بر او. ۹/۴۵

پی در پی ساختن ارجمندی های نعمت، نزد بنده

تَمَّمْ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ، عَلَيَّ، وَ ظَاهِرُ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ

فراخی نعمت را بر من تمام کن، و کرامت های آن را نزد من پیوسته گردان. ۱۲۸/۴۷

پیدا آشکار

پیرایه زیور

ص : ۳۲۰

ایمان واقعی پیروان پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند... ۱/۴

روبرو شدن پیروان پیامبران، با تکذیب ستیزه جویان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ - مِنْ - أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضِهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پنهانی پیامبران از اهل زمین، در هنگامی که با تکذیب ستیزه جویان روبرو می شدند... ۱/۴

بهترین پاداش الهی، به پیروان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعین نیکوکار ایشان برسان. ۹/۴

ویژگی های پیروان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله

الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ

همان (تابعین) که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیش قدم شدند پیامرز. ۹/۴

الَّذِينَ قَصَدُوا سَمَتَهُمْ، وَ تَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ، وَ مَضَوْا عَلَى سَاكِلَتِهِمْ

آنان که راه ایشان را قصد نمودند و به سوی جهت آنها رو آوردند و به روش آنها رفتار نمودند.

۱۰/۴

لَمْ يَنْهَبْهُمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَ لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ

آنان که عقیده اشان را شکی برنگرداند و تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها آشفته نساخت. ۱۱/۴

يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَّفِقُونَ عَلَيْهِمْ، وَلَا يَتَّهَمُونَهُمْ فِيمَا أُدْوِيَ إِلَيْهِمْ

...دین آنان را پیروی می کنند، به راهنمایی آنها راه می یابند، با ایشان موافقت دارند و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی

زنند. ۱۲/۴

درود خدا، بر پیروان پیامبران علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست. ۱۳/۴

ص : ۳۲۱

درخواست از خدا، برای پیروان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صِلَامًا تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ تَفْسَحَ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَ تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَ تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ، وَ تَقِيَهُمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را از معصیت نگه داری و در باغ های بهشت بر ایشان وسعت دهی، و آنان را از حيله شيطان بازداري، و بر خواسته های نيك آنان كمك رسانی و آنها را از حوادث شب و روز - مگر خيري که پيش آيد - حفظ نمایی. ۱۳/۴ و ۱۴

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صِلَامًا... تَبْعْتُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّحَاءِ لَكَ، وَ الطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَ تَرْكِ التُّهْمَةِ فِيمَا تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدی نیکو به تو و طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است، برانگیزی.

۱۳/۴ و ۱۴ و ۱۵

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... لِتُرَدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ، وَ تُزَهِّدَهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ، وَ تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَ الْاسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، بدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس

از خویش بازگردانی و در گشادگی دنیا آنان را بی میل نمایی، و عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را در نظرشان محبوب کنی.

۱۳/۴ و ۱۶

تُهَوِّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَحُلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أُبْدَانِهَا

در آن روز که جان ها از تن بیرون می رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی. ۱۷/۴

تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْدُورَاتِهَا، وَ كَبَةِ النَّارِ وَ طُولِ الْخُلُودِ فِيهَا

ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از امور ترسناک و سختی آتش و همیشه ماندن در آتش است، عافیت بخشی.

۱۸/۴



تُصَيِّرُهُمْ إِلَىٰ أَمْنٍ مِّنْ مَّقِيلِ الْمُتَّقِينَ

آنها را به جایگاهی آسوده که استراحتگاه پرهیزکاران است روانه کنی. ۱۹/۴

دوستان ائمه علیهم السلام ، پیروان راه ایشان

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ... الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که پیروان راه روشن ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

لعنت خدا، بر پیروان دشمنان برگزیدگان خدا

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ

ص : ۳۲۲

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان لعنت کن. ۱۰/۴۸

پیروزی

پیروزی اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، به همراه او

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ ... انْتَصَرُوا بِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمد، آنان که به همراه او پیروز شدند... ۳/۴ و ۴/۴

پیروز گرداندن بنده، بر دشمنش

وَ اجْعَلْ لِي ... ظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي

و برایم بر آنکه با من ناسازگاری نمود، پیروزی ای قرار ده. ۸/۲۰

وَ اَعْلَيْتَ كَعَبِي عَلَيْهِ

و مرا بر او پیروز نمودی. ۶/۴۹

قرار گرفتن در زمره پیروزشدگان

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُوءِ إِلَيَّ إِيَّاكَ، الْمُتَجِدِّينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ

و مرا در همه آن (امور) به خاطر درخواستم از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. ۱۰/۲۵

اسباب پیروزی

فَيَنَالِنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي، أَوْ

شَفَاعِهِ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بِهَا... فَوْزَتِي بِرِضَاكَ

پس دعایی از او به من رسد که از دعای من نزد تو شنیدنی تر است، یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است،

که پیروزی من به وسیله خوشنودی ات حاصل شود. ۲۷/۳۱

فَذَكِّرْهُ بِمَنِّكَ، وَ شَكَرْهُ بِفَضْلِكَ، وَ دَعُوْكَ بِأَمْرِكَ، وَ تَصَدَّقُوا لَكُمْ طَلَبًا لِمَزِيدِكَ، وَ فِيهَا كَانَتْ... فَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ

پس با نعمت خودت، تو را یاد کردند و با تفضلت، تو را شکر گزاردند و به فرمانت، تو را خواندند و جهت طلب افزودن

(نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها، پیروزشان به خوشنودی ات نهفته بود. ۱۶/۴۵

پناهنده شدن به پناهگاه پیروزی خدا

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي... عَالِمًا أَنَّهُ... لَا يَفْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ انْتِصَارِكَ

ای خدای من، پس تو را خواندم، در حالی که می دانستم هر که به پناهگاه پیروزی تو پناهنده شود، هراسی ندارد. ۱۰/۴۹

ناتوانی از پیروزی

أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفُوَ عَنِّي، وَ تَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بِرَبِيًّا فَأَعْتَدِرَ، وَ لَا بَدِي قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرَ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامرزی ام.

ص: ۳۲۳

زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز شوم. ۷/۵۱

پیروی

پیروی تابعین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، از نشانه های صحابه

لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ

تردیدی ایشان را از پیروی نشانه های آنها آشفته نساخت. ۱۱/۴

توفیق پیروی از سنت ها

وَفَقَّنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، لِاسْتِعْمَالِ... وَ اتِّبَاعِ السُّنَنِ

و در امروز ما و امشب ما و در همه روزهایمان، ما را برای انجام نیکی و پیروی از سنت ها، توفیق ده. ۱۸/۶

پیروی از هوس

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... مُتَابَعَةِ الْهَوَى

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی هوا و هوس. ۱/۸ و ۲

دور شدن از پیروی شیطان

نَعِطُّ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنْ اتَّبَعَ زَجْرَنَا

هر کس نهی ما را پذیرفت، از پیروی او

(شیطان) بازداریم. ۱۴/۱۷

توفیق پیروی از راهنما

وَفَقَّنِي لِبَطَاعِهِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَ مُتَابَعِهِ مَنْ أَرَشَدَنِي

مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده.

۸/۲۰

پیروی از نور قرآن

جَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ

آن را نوری قرار دادی که ما با پیروی از آن، از تاریکی های گمراهی و نادانی ره یابیم. ۳/۴۲

پیروی از روشنی جویندگان از نور قرآن

و تَقْفُوا بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا بِنُورِهِ، وَلَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ

و ما را در پی کسانی گردانی که از نور آن، روشنی جستند و آرزو، آنان را از کار (نیک) سرگرم نکرد. ۹/۴۲

پیروی از نشانه های به پادارندگان قرآن

وَ أَقْفُوا بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آثَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند.

۹/۴۲

ص : ۳۲۴

خدا و پدید آوردن نوپیداشده ها، بدون پیروی (از دیگران)

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي... ابْتَدَعْتَ الْمُتَبَدِّعَاتِ بِلَا اخْتِدَاءٍ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که نوپیداها را بدون پیروی (از الگویی) پدید آوردی. ۱۲/۴۷

پیروی از راه روشن ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ أَوْلِيَانِهِمْ... الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که پیروان راه روشن ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

پیرو خوشنودی خدا بودن

وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِخَلْقِكَ... وَلَا تَبْعَا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت و جز پیرو خوشنودی ات قرار نده. ۱۲۴/۴۷

پیری

روزی خدا و هنگام پیری

اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ

فراخ ترین روزی ات را بر من، زمانی که پیر شدم قرار ده. ۱۱/۲۰

رحم نمودن خدا، بر پیری بنده

مَوْلَايَ... اَرْحَمَ شَيْئِي

مولای من! بر پیری ام رحم کن. ۴/۵۳

پیش

نبودنِ اوّلی، پیش از خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ

سپاس خدای را، اوّلی که پیش از او اوّلی نبوده است. ۱/۱

ناتوانی جانداران از به تأخیر انداختن آنچه خدا پیش انداخته

لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَ لَهُمْ إِلَيْهِ

آنها توانایی عقب انداختن آنچه (خدا) آنان را به سوی آن جلو انداخته، ندارند. ۴/۱

محو ساختن اعمال بدی که بنده پیش از این انجام داده

وَ امْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ

و از من زشتی آنچه پیش فرستاده ام را بزدای.

۶/۱۵

مقدم انداختن آنچه به تأخیر افتاده

فَقَدَّمْ لِي مَا أَخَّرْتُ

پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز. ۲/۱۸

ص : ۳۲۵

أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أُوْرَدَتْ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ

گردن نهدی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تأخیر آنچه را پیش انداختی، دوست نداشته باشیم. ۵/۳۳

به تأخیر انداختن آنچه مقدم شده

وَ أَخْرَجْنِي مَا قَدَّمْتَ

و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.

۲/۱۸

أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أُوْرَدَتْ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ... تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ

گردن نهدی بر خواسته ات را - که بر ما وارد ساختی - به ما الهام فرما، تا تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای، دوست نداشته باشیم. ۵/۳۳

پیش انداختن خوشنودی پدر و مادر، بر خوشنودی خود

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوْلَادِي وَ بَرِي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّى... أُقَدِّمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خواب خواب آلوده، خوش تر قرار ده. تا خوشنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدم اندازم. ۵/۲۴

سود آنچه پیش از این انجام شده

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَمَا جَزَلَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَ زَنَا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوَّضَهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُورَ مَا أَتَى بِهِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده و کارش را عوض نقد عطا کن که سود آنچه پیش فرستاده و شادی آنچه را انجام داده، به زودی دریافت کند. ۱۶/۲۷

پیش انداختن مُتَاع دنیا، برای بنده

وَ اجْعَلْ مَا حَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَيَّ جَوَارِكَ



و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، و هم اکنون به دستم رسانده ای، وسیله رسیدن به جوار خود قرار

ده. ۶/۳۰

پیش یا پس انداختن ماه رمضان

جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا لَا يُجِزُّ جَلًّا وَعَزًّا أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَلَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ

برای آن، زمان آشکاری قرار داد، که خداوند عزیز و جلیل روا نمی دارد که پیش انداخته شود و نمی پذیرد که از آن وقت به

تأخیر افتد. ۴/۴۴

پیش انداختن هشدار الهی، و به تأخیر

ص : ۳۲۶

انداختن (کیفر)

قَدْ تَقَدَّمْتَ بِالْوَعِيدِ... وَ أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمُعَاجَلَةِ

هشدارها را، پیشتر داده ای و با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای.

۲۱/۴۶

پیش و پس نیفتادن از امام علیه السلام

أَمَرْتُ بِامْتِثَالِ أَوْامِرِهِ... وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مُتَقَدِّمًا، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرًا

فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و هیچ پیشی گیرنده ای از او پیشی نگیرد و هیچ بازمانده ای از او بازماند. ۶۰/۴۷

پیش فرستادن ایمان به یگانگی خدا

إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَقْدِمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفَى الْأَضْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْكَ

همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانگی دانستن تو و نفی شریکان و

همتایان و ماندهایی از تو را، پیش فرستاده ام. ۷۲/۴۷

کردار شایسته پیش فرستاده شده

فَإِنِّي لَمِ آتِكَ ثِقَةً مِّنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ

پس به درستی که من با اطمینان به عمل شایسته ای که پیش فرستاده باشم، به درگاه تو

نیامده ام. ۶/۴۸

دانایی خدا به آنچه پیش از این از بنده سرزده

قَدْ تَقَدَّمْ مِّنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي

پیش از این از من (گناهای) سرزده که تو می دانی و از من به آنها داناتری. ۲/۵۰

پیشامد

پیروان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و پیشامد نیک

وَتَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

و آنها را از حوادث شب و روز - مگر خیری که پیش آید - حفظ نمایی. ۱۴/۴

پیشامدهای بلا و سختی ها

اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ،... وَ وَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْآفَاتِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی و در آن ما را از پیشامدها و بلاها نگهداشتی. ۸/۶

پیشامد آرامش دل

...حَتَّى أُنْعَرَفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِينَ النَّفْسِ مِئِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيهَا يَحْدُثُ

...تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت

ص : ۳۲۷

به آنچه رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم. ۱۱/۲۲

پیشامد به تأخیراندازنده مجاهد، از جنگ

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَتَوَى عَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... أَوْ أَخْرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أُوجِبَ لَهُ ثَوَابُ الْمَجَاهِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، اما ناتوانی او را بازداشت، یا حادثه ای او را (از جهاد) عقب انداخت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس و پاداش مجاهدان را برای او واجب گردان. ۱۷/۲۷

پیشامد آزمایش الهی

لَا تُحِطُ... خَلَوَاتِي بِمَا يَعْزِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِتْنَتِكَ

تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم پیش می آید، باطل نکن. ۱۳۱/۴۷

پیشانی

دست ردّ نزدن بر پیشانی بنده

إِلَهِي... لَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ وَقَدْ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

خدای من در حالی که در پیشگاه تو ایستاده ام دست رد بر پیشانی ام نزن. ۱۷/۱۶

يَا مَنْ لَا يَجِبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّةِ عَلَيْهِ

ای کسی که دست رد بر پیشانی آنان که به محبت او اعتماد دارند، نمی زند. ۵/۴۶

و لَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي

و در خواشتم، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۲۵/۴۶

لَا تَجْبِهْنِي بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ

همانگونه که دست رد بر پیشانی ستیزه جویان با خود زده ای، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۱۱۶/۴۷

پیشانی به خاک گذاردن برای خدا

اللَّهُمَّ وَ قَوْ بِذَلِكَ مَحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَ حَصَّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ... حَتَّى... لَا تُعَفِّرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جَبْهَهُ دُونَكَ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوت بخش و شهرهایشان را استوار ساز، تا پیشانی هر یک از آنان جز در برابر تو به خاک گذاشته نشود. ۷/۲۷

پیشتازی

پیش افتادن از پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و عفو الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نَسِيقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَي رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او،

ص : ۳۲۸

پیشی گیریم. ۱۱/۱۰

پیشی گیرندگان به ایمان

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعینِ نیکوکارِ ایشان برسان. همانها که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را، که در ایمان، بر ما پیش قدم شدند بیامرز. ۹/۴

پیشی گرفتن رحمت خدا، بر غضبش

أَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ

تو آنی که رحمتش بر غضبش پیشی می گیرد.

۸/۱۶

پیشی گرفتن به فضیلت

الْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي... وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ

زیور پرهیزکاران را در پیشی گرفتن به فضیلت، به من بپوشان. ۱۰/۲۰

پیشی گرفتن آمرزش خدا بر والدین یا فرزندان

اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقْتُ مَغْفِرَتَكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَ إِنْ سَبَقْتُ مَغْفِرَتَكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی

گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. ۱۵/۲۴

پیشی گیرندگان به نیکی ها

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ... مِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. از آنان که در نیکی ها می شتابند و ایشان برای آن پیشی می گیرند. ۱۸/۴۴

پیشی نگرفتن بر امام علیه السلام

أَمَرَتْ بِأَمْتِئَالِ أَوْامِرِهِ... وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مَتَقَدِّمٌ

فرمان دادی که به امرهای او امتثال کنند و هیچ پیشی گیرنده ای از او پیشی نگیرد. ۶۰/۴۷

پیشی گرفتن به راه نیکویی ها

سَهْلٌ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرَتْ

و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن به آنها را از جهتی که فرمان داده ای، برای من آسان گردان. ۹۴/۴۷

پیشرفت

پیشرفت نمودن در کارها

ص : ۳۲۹

وَ اٰمَنُ عَلٰی بِالصَّحَّهِ... وَ النَّفَاذِ فِيْ اُمُوْرِيْ

و با تندرستی و پیشرفت در کارهایم بر من منت گذار. ۳/۲۳

پیشوا

محمد صلی الله علیه و آله ، پیشوای رحمت

اللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰی مُحَمَّدٍ اَمِيْنِكَ عَلٰی وَحِيْكَ... وَ صَفِيْكَ مِنْ عِبَادِكَ، اِمَامِ الرَّحْمَةِ

خداوندا بر محمد - امین وحیت و دوست تو از بندگان، آن پیشوای رحمت - درود فرست.

۳/۲

پیشوایان هدایت و رستگاری

وَ اَقَمْتَ لِاَهْلِهِ دَلِيْلًا... مِنْ اَنْمِهِ الْهُدٰى...

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از امامان رستگاری... ۲/۴

تأیید گشتن دین اسلام، به امام و پیشوا

اللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَيَّدْتَ دِيْنَكَ فِيْ كُلِّ اَوَانٍ يَا اِمَامٍ اَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگان به پا داشتی. ۶۰/۴۷

قرار گرفتن در زمره امامان و پیشوایان

اللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَهْلِ... التَّصَدِيْقِ بِرَسُوْلِكَ، وَ الْاٰثِمَةِ الَّذِيْنَ حَتَمَتْ طَاعَتَهُمْ

خداوندا و مرا از باورداران به پیامبرت و امامانی که اطاعتشان را واجب نمودی، قرار ده.

۱۲/۴۸

پیشینیان گذشتگان

پیکار جنگ

پیمان



عهد بنده با خدا، دوری نمودن از معاصی

وَ لَكَ يَا رَبِّ... عَهْدِي أَنْ أَهْجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ

و ای پروردگار من، با تو عهد می بندم، از همه نافرمانی های تو، دوری گزینم. ۱۶/۳۱

پیمان با رمضان

فَنَحْنُ مُؤَدَّعُوهُ وَدَاعٍ مَنْ... لَزِمْنَا لَهُ الدِّمَامُ الْمَـ خُفُوظُ

پس آن را وداع می گوئیم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او پیمان نگه داریم. ۲۳/۴۵

پیمان امام علیه السلام و حبل الهی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمَاً لِعِبَادِكَ... بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای

ص : ۳۳۰

بندگان به پا داشتی، پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود پیوستی. ۶۰/۴۷

وفا نمودن به عهد و پیمان خداوند

تَوَحَّدَنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ

تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده.

۸۸/۴۷

پیمانه

پیمانه باران و فرشتگان

... وَالَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ... كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَعَوَالِجُهَا

... و آنها که پیمانه باران های شدید و رگبارهای متراکم را به آنان شناسانده ای. ۱۶/۳

پیوستگی

به هم پیوستن ابزار بسط، در بدن

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ

سپاس خدای را که آلات بسط و گشادن را در ما به هم پیوست. ۲۰/۱

پیوستن دعای بنده، به اجابت

صِلْ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ

درخواست مرا به روا شدن متصل گردان.

۱۱/۱۴

پیوستن به خدا

لَا تَبْتَلِيْنِي بِالْكَسْلِ عَنْ عِبَادَتِكَ... وَ لَا مُجَامَعِهِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَ لَا مُفَارَقَهُ مَنِ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ

مرا به سستی در عبادتت و گرد آمدن با کسی که از تو دوری نموده و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز. ۱۱/۲۰

پیوستن به قرب الهی

وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَايَاهَا... وَصَلِّهِ إِلَى قُرْبِكَ

و آنچه از کالای آن (دنیا)، که به من ارزانی داشته ای، وسیله پیوستن به قربت قرار ده. ۶/۳۰

پیوستگی، و رحمت خداوند

خَرَجْتُ مِنْ يَدِي أَسْبَابُ الْوَصْلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمت وصل شده. ۹/۳۲

سبب آرزو نمودن پیوستگی نفسی به نفس دیگر

وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصْرَهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّى... لَا اتَّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ، وَ لَا لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ

و ما را از آرزوی دراز بازدار و با عمل

ص : ۳۳۱

راستین، آن را از ما کوتاه کن، تا بدانجا که پیوستگی نفسی را به نفسی و در پی هم آمدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم. ۱/۴۰

پیوستن حمد بنده، به افزونی

لَكَ الْحَمْدُ... حَمْدًا... تَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّلًا مِنْكَ

سپاس برای توست. سپاسی که تو آن را از روی احسانت، با افزونی پی در پی پیوند دهی.

۳۶/۴۷ و ۴۸

پیوستگی درود بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او، به بقای الهی

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ... يَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبَقَائِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که اتصالش به بقای تو پیوند خورد. ۵۳/۴۷

پیوستگی درود بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او، به دیگر درودها

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... صَلَاةً... مُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِمْ أَبَدًا

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که تا ابد به ماندهای آن (درودها) متصل باشد.

۵۹/۴۷

پیوستگی پیمان امام علیه السلام، به پیمان خدا

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مُمِيتُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ... بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی، پس از

آنکه ریسمان او را به ریسمان خود پیوستی. ۶۰/۴۷

پیوستگی اطاعت از محمد صلی الله علیه و آله، به طاعت الهی

بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ... تَغَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا

به حق کسی که اطاعت از او را به اطاعت خود پیوند زده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن،

کسی را که با حال بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده.

پیوستن زندگی بنده، به خواسته هایش

فَأَخِينِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ

پس مرا به حیاتی پاکیزه زنده دار، که به آنچه می خواهم پیوسته گردد. ۱۱۷/۴۷

پیوستن فضل خدا در دنیا، به خیر آخرت

وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ سَعَهُ مَا عِنْدَكَ... وَ صِلْ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَ نَعِيمِهَا

و برایم از فضل و فراخی آنچه نزد توست، بیفزا. و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانش پیوسته گردان. ۲۸/۴۸

ص : ۳۳۲

تابش درخشش

تابعین پیروان

تأخیر پس

تاریکی تیرگی و نیز ظلمت

تازه

روز نو و تازه

هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ

این روزی نو و تازه است. ۱۲/۶

لغزش های گذشته و تازه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ ... سَوَالِفِ زَلَّاتِي وَ حَوَادِثِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از لغزش های گذشته و تازه ام، به درگاہت توبه می کنم. ۱۴/۳۱

ماه نو، ماهی نو برای کاری نو

جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ

تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داد.

۳/۴۳

خدا و تازه های خلقت

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي ... ابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِدَاءٍ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که نوپیداها را بدون پیروی (از الگویی) پدید آوردی. ۱۲/۴۷

درودی دربردارنده هر درود گذشته و تازه

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالَفِهِ وَ مُسْتَأْنَفِهِ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و تازه ای را فراگیرد.

۵۵/۴۷

سودهای دیرینه و تازه الهی

اشْفَعْ لِي أَوَائِلَ مَنِّكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا

برای من اولین نعمت هایت را، با آخرین آن و سودهای دیرینت را، با تازه های آن توأم ساز.

۱۲۱/۴۷

تأنی مهلت

ص : ۳۳۳

تاوان قصاص

تباهی هلاکت

توبه و اصلاح تباهی ها

يَا مَنْ اسْتَضَلَّحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ

ای آنکه فاسد ایشان را با توبه اصلاح کرده است. ۱۰/۱۲

تبهکاری های شیطان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان - رانده شده - به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

إِلَّا تَقْنَا خَبَالَهُ يَسْتَرِلْنَا

اگر ما را از تبهکاری اش نگه نداری، به لغزشمان اندازد. ۷/۲۵

راه شیطان، راه تباهی

وَ اسْلُكْ بِنَا مِنَ التُّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى

و برخلاف راه هلاکت بار او (شیطان)، ما را به راه پرهیزکاری ببر. ۵/۱۷

اصلاح آنچه تباہ شده

اللَّهُمَّ... اسْتَضَلِّحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي

خداوندا امور تباہم را به توانایی خود، اصلاح نما. ۲/۲۰

عِنْدَكَ... لِمَا فَسَدَ صَلَاحُ

اصلاح آنچه تباہ شده، نزد توست. ۲۰/۲۰

تباہ نساختن عبادت بنده

عَبْدُنِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ



مرا به عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با خودپسندی تباه نگردان. ۳/۲۰

حفظ روزی از تباه گشتن

حَصَّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ

روزی ام را از تلف شدن نگهدار. ۲۳/۲۰

تباه گشتن حق پدر و مادر

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى... أَوْ ضَاعَ قَبِيْلِي لَهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده یا حقی از آنها نزد من ضایع شده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان قرار

ده. ۸/۲۴

تباه شدن حق فرزند

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّى عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ... أَوْ ضَيَّعَاهُ لِي مِنْ حَقٍّ... فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدی نموده اند یا حقی را از من ضایع ساخته اند، پس آن را به ایشان بخشیدم. ۹/۲۴

تباه نشدن پاداش نیکوکاران، نزد خدا

يَا مَنْ لَا يَضِيْعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِيْنَ

ص : ۳۳۴

ای کسی که پاداش نیکوکاران، نزد او تباه نمی شود. ۳/۳۱

کارهای بزرگ تباه کننده

فَأَوْقَعَنِي وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُؤَبِّقَةٍ، وَكِبَائِرِ أَعْمَالٍ مُرْدِيَةٍ

پس (دشمن تو) در حالی که از گناهان کوچکِ هلاکت بار و از کردارهای بزرگِ نابودکننده به سویت می گریختم، مرا بر زمین زد. ۱۳/۳۲

تباه ساختن واجبات

...حَاشَا فُرُوضِكَ الَّتِي مَنْ ضَيَعَهَا هَلَكَ

...مگر واجبات تو، که هر که آن را انجام نداد، به هلاکت رسد. ۱۷/۳۲

نپوشاندن بنده به رحمت الهی و تباه شدنش

وَإِلَّا تَعَمَّدَنِي بِرَحْمَتِكَ تُوبِقِنِي

و اگر مرا به رحمت نپوشانی، تباهم.

۵/۳۹

اصلاح کردار تبهکاران

يَا... مُشْتَصِلِحِ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ

ای خواهان اصلاح عمل تبهکاران. ۵/۴۰

عامل محافظ بنده از تبهکاری های شیطان

اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا... مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ الْوَسْوَاسِ حَارِسًا

قرآن را نگهبان ما از تبهکاری های شیطان و از اندیشه های بد، قرار ده. ۱۰/۴۲

رسوایی با گناهان تباه سازنده

لَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضرانِ قیامت، رسوا نکن. ۱۴/۴۲

اعتراف بنده، به تباه نمودن

اللَّهُمَّ فَلِكِ الْحَمْدُ... اعْتِرَافًا بِالْإِضَاعَةِ

خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به تباه نمودن، اعتراف کننده ایم. ۴۵/۴۵

هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوحِ النِّعَمِ... وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ

این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت ها اعتراف کرده و به تباه ساختن (نعمت ها)، به ضرر خود گواهی داده

است. ۱۵/۴۹

إِنْ تُعَذِّبُ فَإِنَّا الظَّالِمُ الْمُفْرَطُ الْمُضَيِّعُ الْآثِمُ الْمُقْصِرُ الْمُضَجِّعُ الْمُغْفَلُ حَظَّ نَفْسِي

اگر کیفر کنی، این من هستم که ستمکار، سهل انگار، تباه کننده، گنهکار، مقصّر، اهمال کننده، واگذارنده بهره

خویشم. ۱۴/۵۱

فروود آمدن به درگاه غیر خدا و تباه شدن

ص : ۳۳۵

وَضَاعَ الْمَلِئُونَ إِلَّا بِكَ

و آنان که بر درگاه جز تو فرود آمدند، ضایع شدند. ۱۳/۴۶

حسنت تباه شده

طَوَّقَنِي طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا يُحِبُّ الْحَسَنَاتِ

طوق دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده، به گردنم انداز. ۱۰۶/۴۷

تباه نساختن حسنت بنده، با معصیت

لَا تُحِبُّ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

کارهای نیک مرا با درآمیختن به نافرمانی ات، باطل نکن. ۱۳۱/۴۷

تنهایی بنده، و آزمایش های تباه کننده

لَا تُحِبُّ... خَلَوَاتِي بِمَا يَعْزِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ

تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم آشکار می شود، باطل نکن. ۱۳۱/۴۷

ورود به درّه های تباهی

حَلَلْتُ شِعَابَ تَلْفٍ

به درّه های نابودی وارد شدم. ۲/۴۹

تباه شدن بهره بنده

إِلَيْكَ مَفَرُّ الْمُسِيءِ، وَ مَفْرَعُ الْمُضْيِعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِي

گریزگاه بدکار و پناهگاه آنکه بهره اش را تباه کرده و پناهنده گشته، به سوی توست. ۳/۴۹

تباهی و فساد قصد دشمن

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ دَعَلَ سَرِيرَتِهِ... أَرْكَسْتَهُ لَأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ

پس همین که -ای خدای مبارک و والای من- تباهی باطن او را ملاحظه کردی، او را با مغز سر در گودالش (که برای شکار

کنده بود)، سرنگون نمودی. ۸/۴۹

گناهان تباه سازنده بنده

أَسْتَقِيلُكَ عَثْرَاتِي، وَ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أُوْبَقْتَنِي

از تو می خواهم که از لغزش هایم در گذری و به درگاه تو از گناهانم که تباهم ساخته، پوزش می طلبم. ۸/۵۱

تبذیر و لخرجی

تبشیر مژده

تبعات

تبعات و وبال های کسب

وَ ارزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا اسْتِغْلَالَ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَ لَا اَحْتِمَلَ إِضْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ

و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سرگرم روزی جستن نشوم و زیر بار پیامدهای بد کسب نروم. ۲۴/۲۰

ص : ۳۳۶

تبعات وام، پس از مرگ

أَسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبُّ... مِنْ تَبِعْتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ

و پناه از تو می جویم - ای پروردگار من - از پیامد آن (وام) پس از مرگ. ۲/۳۰

سپری شدن گناهان و به جا ماندن تبعاتش

...مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرْتُ لَهَا فِدَاهَتَهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ

از گناهانی که لذت هایش سپری شد و گذشت، و پیامدهای آن به جای ماند و پایدار شد. ۹/۳۱

تبعات و گرفتاری های بنده

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. ۱۸/۳۱

در پیش چشم خدا بودن تبعات بنده

كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ عَلِمِكَ الَّذِي لَا يَنْسِي

و همه آنها (گرفتاری ها) پیش چشم تو که نمی خوابد و در علم تو که فراموش نمی کند، قرار دارد. ۱۸/۳۱

تبعات و آثار گناه

تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلْبِهِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ، وَ ضَعْفِ حُجَجِهِ فِي جَمِيعِ تَبِعَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه تبعاتش (و گناهانش) ضعیف است. ۱۲/۳۹

خالص نمودن اموال، از تبعات

وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نُخَلِّصُ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم. ۱۰/۴۴

رمضان و کاستن تبعات (کارهای) بندگان

اسْلَخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ اِنْسِلَاخِ اَيَّامِهِ

با گذشتن روزهایش تبعاتمان (سختی هایمان) را از ما بکن. ۱۵/۴۴

تبعیت پیروی

تپش

خدا، بینا به دلهره و تپش قلب بنده

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي... وَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ

ص : ۳۳۷

ای خدای من، نگرانی دلم را از بیم خود می بینی. ۱۹/۱۶

تپش قلب بنده، از ترس خداوند

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... وَجِيبْ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ

خداوندا، پس به تپیدن دلم از ترس، رحم فرما. ۲۳/۳۱

تپه

باران و روان شدن تپه ها

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظُّرَابَ

خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی، سیراب نما. ۵/۱۹

تجارت

تجارتی بدون کساد

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ... مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ، يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ

خداوندا و بخصوص یاران محمد، آنها که محبت او را در دل پرورانده، در دوستی اش امید به تجارتی بدون کساد داشتند...

۳/۴۵

تجارت با خداوند

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الرَّابِحِينَ فِي التِّجَارَةِ عَلَيْكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) در تجارت با تو سود کرده اند، قرار ده. ۱۱ و ۱۰/۲۵

تُرِيدُ رَبِّحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ

می خواهی در تجارت کردنشان با تو، سود ببری. ۱۲/۴۵

سودمند گرداندن تجارت بنده

وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً



و تجارت (اخروی) مرا سودمند قرار ده.

۱۲۶/۴۷

تجاوز

تعدی از مواضع احکام الهی

و تَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ انْتِهَاجِهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام. ۱۸/۳۲

تجاوز از فرمان خداوند

كَمْ نَهَيْ لَكَ قَدْ أَتَيْنَاهُ، وَ أَمْرٍ قَدْ وَقَفْتَنَا عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ

چه بسیار نهی نمودنی که آن را انجام دادیم و امری که ما را بر آن آگاه کردی، پس ما از آن تعدی نمودیم. ۲/۳۴

ص : ۳۳۸

عامل بازدارنده بنده، از تجاوز از حدود الهی

اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتْنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ... حَتَّى يَكُونَ... لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَتَعَدَّى حُدُودِكَ ذَائِدًا

به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد. ۱۲/۴۲

رابطه رحمت خدا و تجاوزکنندگان از حد

سُتِّكَ الْإِبْقَاءَ عَلَى الْمُعْتَدِينَ

روش تو مهربانی با تجاوزکنندگان است.

۱۶/۴۶

درودی متجاوز از خوشنودی خدا

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد.

۵۳/۴۷

تجاوز از حدود و احکام الهی

لَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَتَعَدَّى طُورِي فِي حُدُودِكَ، وَمُجَاوَزِهِ أَحْكَامِكَ

مرا به کوتاهی نمودنم در حقت و تعدی کردنم در حدودت و تجاوز از احکامت کیفر نکن.

۸۹/۴۷

أَيُّتُ إِلَّا... تَعَدِّيَا لِحُدُودِكَ

من جز تعدی از حدود تو کاری نداشته ام.

۱۴/۴۹

تدبیر قطعی خدا، و عدم تجاوز از آن

لَا يُجَاوِزُ الْمَـ حُتُومٌ مِّنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ

از تدبیر قطعی تو، به هر گونه و هر زمان که بخواهی نمی توان در گذشت. ۹/۴۸

تجاهل نادانی

تجمع اجتماع

تحریف

تحریف واجبات الهی

يُرْوَنَ... فَرَأَيْتَكَ مُحَرِّفَهُ عَنِ جِهَاتِ أَسْرَاعِكَ

می بینند واجبات از جهاتی که قانون نهاده ای، تحریف شده است. ۹/۴۸

تحریک برانگیختن

تحفه ارمغان

تحیر سرگردانی

تخیل اندیشه

تداوم همیشگی

ص : ۳۳۹

تدبیر

تدبیر پیامبر صلی الله علیه و آله

اسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ

آنچه او درباره دوستان می اندیشید، برایش کامل گردید. ۱۸/۲

تصرّف بندگان، در حیطة تدبیر خدا

نَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ، وَ نَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ

از روی فرمان توست که دست به کاری می زنیم و به تدبیر توست که در کارها تصرّف می کنیم. ۱۰/۶

برهم زدن تدبیر شیطان

اللَّهُمَّ... افسَحْ مَا دَبَّرَ

خداوندا آنچه (شیطان) اندیشید، باطل کن.

۱۲/۱۷

القائات شیطانی و تدبیر در (کار) دشمن خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي... تَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، تدبیر علیه دشمنت را قرار ده. ۱۳/۲۰

مرزداران اسلام و تدبیر نمودن کار ایشان

اللَّهُمَّ... دَبِّرْ أَمْرَهُمْ

خداوندا امرشان را تدبیر فرما. ۲/۲۷

ماه و فلک تدبیر

أَيُّهَا... الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ

ای که در منزل های قرارداد شده، آمد و شد می کنی و در فلک تدبیر تصرّف می کنی. ۱/۴۳

تدبیر خدا، در امر (آفرینش) ماه

سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ!

پاک و منزّه است او. چه شگفت انگیز است، آنچه در امر تو تدبیر نمود! ۳/۴۳

تدبیر خدا برای ماسوای خود

أَنْتَ الَّذِي... دَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا

تویی آنکه ماسوای خود را اداره نمودی.

۱۳/۴۷

تدبیر قطعی خداوند

لَا يُجَاوِزُ الْمَـ حُتُومٌ مِنْ تَدْبِيرِكَ

از تدبیر قطعی تو، نمی توان در گذشت.

۹/۴۸

تدبیر الهی، و پنهان نگشتن امور از خدا

كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تُدَبِّرُهُ؟

چگونه از تو پنهان شود، آنچه که خود آن را تدبیر می نمایی؟ ۱/۵۲

ص : ۳۴۰

ترازو

ترازوی عدل الهی و کردار بنده

لَا تَحْمِلْ عَلَيَّ مِيزَانَ الْإِنصَافِ عَمَلِي

عملم را در ترازوی انصاف نگذار. ۲/۴۱

قرآن، ترازوی عدل

جَعَلْتَهُ... مِيزَانَ قِسْطٍ لَّا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

آن را ترازوی عدلی که زبانه اش از راستی به بیراهه نمی رود، قرار دادی. ۳/۴۲

سنگین ساختن ترازوی محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و میزانش را سنگین گردان. ۱۹/۴۲

تربیت

تربیت فرزند و سپاس الهی

اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي

خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن. ۷/۲۴

بسیاری و طول کار والدین، برای تربیت فرزند

فَهُمَا أَوْجِبُ حَقًّا عَلَيَّ... مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بِعَدْلٍ... أَيْنَ

إِذَا يَا إِلَهِي طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَّتِي؟!

پس حق ایشان بر من واجب تر از آن است که با عدل از آنان تقاص بگیرم. ای خدای من، در این هنگام کجاست درازی کار

آنها، در پرورش دادن من؟! ۱۰/۲۴

پرورش دادن فرزندان خردسال، برای والدین

إِلَهِي... رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ

خداوندا خردسالشان را برای من پرورش ده.

۲/۲۵

یاری کردن والدین، در تربیت فرزندان

أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ، وَبِرَّهُمْ

مرا بر تربیت و ادب آموختن و نیکی به ایشان یاری نما. ۵/۲۵

پرورش دادن بنده، در کوچکی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ... رَبِّيَتِي صَغِيرًا

خداوندا، تو مرا در کوچکی پرورش دادی.

۱/۵۰

تردد

تردد ماه

أَيُّهَا... الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ

ص : ۳۴۱

ای که در منزل های قرارداد شده، آمد و شد می کنی. ۱/۴۳

تردید شک

ترس

پاداش سرشار و کیفر ترسناک خداوند

اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ قَبْضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ تَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورٍ عِقَابِهِ

زمانی که (آفریده) حساب زندگی اش را بستاند، او را گرفته، به سوی آنچه فراخوانده بود، از پاداش فراوان یا کیفر ترسناک خود روانه سازد.

۶/۱

خواهان و ترسان بودن از خدا

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ ... صَلَاةً ... تَبْعُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ ... لِتَرْدَهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ

خداوند! و بر تابعین درود فرست، درودی که به سبب آن ایشان را بر اعتقاد به امیدوی نیکو به خود برانگیزی. بدین جهت که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی.

۱۶-۱۳/۴

رهاندن تابعین، از آزمایش های ترسناک

وَ تُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْذُورَاتِهَا

و ایشان را از آنچه که به وجود آورنده آزمایش هایی از امور ترسناک است، عافیت بخشی. ۱۸/۴

ترس بنده، از دوری گزینندگان از او

اَكْفِنَا وَخَشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصَلَاتِكَ

با پیوستن به خود، ما را از وحشت دوری کنندگان، نگهدار. ۷/۵

فضل الهی، و نهراسیدن بنده (از دوری گزیدن دیگران)

لَا نَسْتَوْحِشُ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ



با احسانت از کسی نهراسیم. ۷/۵

نهیی که خدا از آن ترسانده

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَّرْتَ مِنْ نَهْيِكَ

و ما را از خوددارترین ایشان از حرام هایی که از آن بیم داده ای قرار ده. ۲۰/۶

لرزش پاهای بنده، از ترس خدا

قَدْ أَرَعَشَتْ خَشْيَتُهُ رِجْلَيْهِ

ترس پاهایش را به لرزه انداخته. ۹/۱۲

توبه پشیمان ترسان

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةَ نَادِمٍ عَلَيَّ مَا فَرَطَ

ص : ۳۴۲

مِنْهُ، مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است. و از آنچه بر او گرد آمده، ترسان است. ۱۲/۱۲

پناه دادن بنده، از آنچه بدکرداران از آن ترسانند

أَجْرُنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءِ

از آنچه بدکاران وحشت دارند پناهم ده.

۱۵/۱۲

نهراسیدن بنده بر خود، مگر از خدا

وَلَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ

و من بر خود جز از تو نمی ترسم. ۱۶/۱۲

نتیجه نترسیدن از کیفر الهی

قَدْ عَلِمْتُ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ... وَ اغْتَرَارًا بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ

ای خدای من، تو می دانی از فلان کس فرزند فلان کس چیزهایی به من رسیده که تو نهی نموده ای و این از بی باکی او از کیفر تو می باشد.

۵/۱۴

گریستن خطاکاران، از ترس خداوند

وَا يَا مَنْ لِيخِيفَتِهِ يَتَّحِبُّ الْخَاطِئُونَ

و ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گیرند. ۳/۱۶

روان شدن اشک بنده، از ترس خداوند

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي، فَيُضِّدُ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ

ای خدای من، ریزش اشکم را از ترس خود می بینی. ۱۹/۱۶

پناه خواهی از خدا، از ترس اموری

أَعْدَانَا وَ أَهَالِينَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَدْنَا مِنْهُ، وَ أَجْرُنَا مِمَّا اسْتَجْرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ

ما و خویشاوندان و برادرانمان و همه مردان و زنان با ایمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. و از آنچه از ترس آن از تو ایمنی طلبیدیم، امانمان ده. ۱۵/۱۷

تلخی ترس از ستمکار و شیرینی ایمنی از او

وَ أَبْدَلْنِي... مِنْ مَرَارِهِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الأَمْنِهِ

و درباره من تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امتیّت مبدل فرما. ۷/۲۰

سلامتی یافتن، از عامل ترساننده

هَبْ لِي... سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي

مرا از آنکه تهدیدم نمود، سلامتی بخش.

۸/۲۰

ص : ۳۴۳

ترسیدن، و زاری در نزد غیر خدا

وَلَا تَفْتِنِّي... بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ

و مرا به زاری به درگاه دیگران هنگام ترسم، آزمایش نکن. ۱۲/۲۰

پناه دادن بنده، از ترس

وَأَجْرُنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أُرْهَبُ

و به عزت خود، از آنچه می ترسم، ایمنی ام ده. ۲۵/۲۰

ترس از دیدار خدا

أَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ. فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي

به ترس دیدارت نزدیک گشته ام و آرامش دهنده ای برای ترسم ندارم. ۱/۲۱

خدا، نگهدار (بندگان) از چیز ترسناک

اللَّهُمَّ يَا... وَاقِيَ الْأَمْرِ الْمَخُوفِ

خداوندا ای نگهدارنده از هر چیز ترسناک.

۱/۲۱

عدم وجود ایمن کننده ای، هنگام ترس از خدا

وَمَنْ يُوْءِ مَنِّي مِنْكَ وَ أَنْتَ أَحْفَنِي؟

و چه کسی مرا از تو امان بخشد، در حالی که تو مرا ترسانده ای؟ ۲/۲۱

بنده ترسان و زینهارخواه خدا بودن

فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمُهِنُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ

پس به درستی که من بنده بینوا، زار، ضعیف، بدحال و خوار، ناچیز، پست، فقیر، ترسان و پناه گیرنده توام. ۷/۲۱

بلندمرتبتگی دل بنده، با ترس از خدا

فَرَّغَ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ... وَ انْعَشَهُ بِخَوْفِكَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْكَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به خوف و ترس از خود بلندمرتبه کن. ۱۰/۲۱

ترس، و ایمنی از نواهی

وَ ازْزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى... آمَنَ مِنَ السَّيِّئَاتِ فَرَقًا وَ خَوْفًا

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. تا از نواهی از روی ترس و بیم ایمن بمانم. ۸/۲۲

ترس از اندوه (کیفر)

وَ ازْزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ

و ترسِ اندوهِ وعده‌ها (ی عذاب) را روزی ام فرما. ۹/۲۲

یافتن آرامش دل، هنگام ترس و ایمنی

وَ ازْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيْرِ يَوْمِي فِي الشُّكْرِ لَكَ... حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَ طَمَئِنِّيهِ النَّفْسِ مِنْ مِمَّا يَجِبُ لَكَ فِيمَا  
يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ...

ص : ۳۴۴

و هنگامی که در شکر کت کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم. ۱۱/۲۲

مَنْتَ كُذَّارِدْنَ بَرِ بِنْدَه، بَا تَرَسِ از خدَاوند

وَ اَمْنُنْ عَلَيَّ بِالصَّحْهِ وَ الْاَمْنِ وَ السَّلَامَةِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي... وَ الْخَشْيَةِ لَكَ، وَ الْخَوْفِ مِنْكَ...

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم و بیم و هراس از خودت بر من منت گذار.

۳/۲۳

ترس از والدین، همانند ترس از پادشاه ستمگر

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ

خدَاوندَا مَرَا چَنَانِ كُردَانِ كِهَ از هَر دُو (پدر و مادرم) هَمچُونِ تَرَسِ از پادشاهِ خُودِ كَامَه، بِيْمَنَاكِ بَاشْم. ۵/۲۴

ترساندن بندگان، از کیفر

فَإِنَّكَ... رَهْبَتَنَا عِقَابُهُ

همانا تو از کیفر نافرمانی خود بیمان داده ای.

۶/۲۵

خواهان پادشاه الهی و ترسان از کیفر او

فَإِنَّكَ... رَغْبَتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا وَ رَهْبَتَنَا عِقَابُهُ

همانا تو در پادشاه آنچه ما را امر کردی، رغبتمان و از کیفر نافرمانی خود بیمان داده ای.

۶/۲۵

ترس از خدا و نگه داشته شدن از خطا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُعْصُومِينَ مِنَ الدُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَايَا بِتَقْوَاكَ

و مَرَا در هَمه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده. ۱۱ و ۱۰/۲۵

ترسان ساختن دل های دشمنان

وَ اَمَلًا اَفْتَدَتْهُمْ الرُّعْبَ

و دل هایشان را از ترس پر ساز. ۵/۲۷

ترساندن دشمن، از پیکار با دلاوران اسلام

جَبْنَهُمْ عَنْ مَقَارِعِهِ الْاَبْطَالِ

ایشان (مشرکان) را از پیکار با دلاوران بترسان. ۱۱/۲۷

سالم ماندن مرزدار، از ترس

وَ اَعْفِهِ مِنَ الْجُبْنِ

و از ترس، سالمش دار. ۱۴/۲۷

خدا، انتهای ترس عبادت کنندگان

ص : ۳۴۵

وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَىٰ خَوْفِ الْعَابِدِينَ

و ای کسی که انتهای ترس عبادت کنندگان است. ۴/۳۱

خدا، پایان بیم پرهیزکاران

وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ

و ای کسی که نهایت هراس پرهیزکاران است.

۵/۳۱

با ترس، خدا را قصد نمودن

فَصَدَّكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا

از سر اخلاص با ترس، آهنگ تو نمود.

۸/۳۱

از کسی جز خدا نهراسیدن

وَأَفْرَحَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ

و ترسش از هر که - جز تو - از او بترسند، برطرف شد. ۸/۳۱

ترس بیدادگران، از قهر الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَىٰ حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ، وَ تَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَلِيمِ سَطَوَاتِكَ

خداوندا و همانا من به درگاہت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم ماند و از قهرهای

دردناکت که بیدادگران می ترسند، در امان باشد. ۲۲/۳۱

تپش قلب بنده، از ترس خداوند

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ... وَجِيبْ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ

خداوندا، پس به تپیدن دلم از ترست، رحم فرما. ۲۳/۳۱



ترسیدن بنده، از خطاهایش

وَ قَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فَلْيُوْءِ مِنِّي عَفْوُكَ

و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایشت مرا ایمن گرداند. ۲۵/۳۱

بنده، ایستا بین میل به خدا و ترس از او

هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ... فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ... وَاقِفًا بَيْنَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ

این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت. پس با وجودی فروتن پیش روی توست، در حالی که میان (دو راهی) میل به تو و ترس از تو ایستاده است. ۱۹/۳۲

ترس بنده و ایمن نمودن او

وَ آمَنِّي مَا حَذَرْتُ

و از آنچه ترسیده ام، مرا ایمنی ده.

۲۰/۳۲

خدا، شایسته ترسیدن از او

وَ أَنْتَ... أَحَقُّ مِنْ خَشْيَتِهِ وَ اتَّقَاهُ

و تو شایسته ترین کسی می باشی که باید از او ترسید. ۲۰/۳۲

ص : ۳۴۶

انجام معصیت و نترسیدن از ستم الهی

لَا يُخْشَى جُورُكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ

بیمی از آن نیست که بر کسی که تو را معصیت کرد، ستم کنی. ۱۶/۳۷

نترسیدن از غفلت خدا، درباره پاداش دادن به خوشنودکننده اش

وَلَا يُخَافُ إِغْفَالُكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ

و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری. ۱۶/۳۷

ترس از عدل الهی

و كَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ

و کریم تر از آنی که جز از عدالت ترسند.

۱۶/۳۷

علت کمی طمع به خدا، نسبت به ترس از او

تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَا أَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلَّةِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ...

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست، نه اینکه طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک است.

۱۲/۳۹

قیامت، روزِ ترسی عظیم

وَ اكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا

و با آن (قرآن)، ما را در سهمناک ترین روز، هنگامی که از قبرها سربرمی آوریم، به جامه های امان بپوشان. ۱۱/۴۲

کمان مرگ و تیرهای ترس از فراق

وَ تَجَلَّى مَلِكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَائِي بِأَسْهُمِ وَحْشَةِ الْفِرَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها) از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان مرگ ها نشانه گیرد.

۱۳/۴۲

نجات از ترس و اندوه روز قیامت

وَنَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَشَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّةِ

و ما را در روز رستاخیز از هر اندوهی و از ترس های سخت روز قیامت، به وسیله آن (قرآن)، نجات ده. ۱۵/۴۲

ترسان بودن دل ها، از بازگشت به سوی خدا

اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ... الَّذِينَ يُؤْءُتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

ما را از بندگان صالحت قرار ده. آنان که آنچه

ص : ۳۴۷

را بخشیدند، در حالی می بخشند که دل هایشان از بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است.

۱۸/۴۴

سپری شدن ماه رمضان و بیمناکی دوستان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلَيْفٍ... أَوْحَشَ مُتَّقِضِيًا فَمَضَّ

درود بر تو همدمی که چون سپری شد، بیمناک ساخت و بی تاب گرداند. ۲۷/۴۵

ترس از کیفرِ بیم داده شده

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدار داده شده را روزی ما گردان. ۵۳/۴۵

خواهش نفس و خواندن بنده به آنچه خدا از آن ترسانده

...بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَ إِلَى مَا حَذَّرْتَهُ

...بلکه خواهش نفسش به آنچه او را از آن بازداشتی و به آنچه از آن برحذر نمودی، فراخواندش. ۶۸/۴۷

اعتراف بنده ترسان (از خدا)، به گناهانش

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا بِعَظِيمٍ مِنَ الدُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ

و اینک منم در پیشگاه تو، پست، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان، اعتراف کننده به بزرگی گناهانی که زیر بار آن رفته

۶۹/۴۷.م

درخواست بنده نیازمند ترسان، از خدا

وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ

و از تو درخواست می نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال، نیازمند، ترسان، پناهنده.

۷۴/۴۷

درخواست از خدا، از روی ترس و زاری

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَهُ... الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَهُ وَ تَضَرُّعًا وَ تَعُوذًا وَ تَلُؤْذًا

از تو درخواست می نمایم، درخواستِ ترسان، پناهنده. و با آن احوال، درخواستم به همراه ترس و زاری و پناه خواهی و پناه جویی است. ۷۴/۴۷

ایمن گشتن از خدا و ترسیدن از بندگان

أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ

منم آنکه از بندگانت ترسیده و از تو آسوده خاطر بودم. ۸۰/۴۷

هراسان نبودن از عذاب الهی

أَنَا الَّذِي... لَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ

منم آنکه از عذابت نهراسیده ام. ۸۱/۴۷

نهراسیدن بنده، از قهر و غلبه الهی

أَنَا الَّذِي لَمْ يَزْهَبْ سَطْوَتَكَ

منم آنکه از قهر (و غلبه) تو نترسیده ام.

۸۱/۴۷

ص : ۳۴۸

دستگیری بنده، از ترسیدن (همانند) گمراهان

وَلَا تَزِم بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ... بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ... وَهَلِ الْمُتَعَسِّفِينَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. بلکه از وحشت گمراهان، دستم را بگیر (نجاتم ده). ۱۰۴/۴۷.

عصمتی نزدیک کننده به ترس از خدا

وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ

و به من عصمتی بخش که مرا به ترس از تو نزدیک کند. ۱۱۱/۴۷

ترس (از عذاب) و ناامیدی (از عفو)

لَا تَرْغِبِي رَوْعَهُ أُبْلِسُ بِهَا

مرا چنان وحشت نده که ناامید گردم.

۱۲۲/۴۷

ترس، هنگام خواندن آیات قرآن

اجْعَلْ... رَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ

هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.

۱۲۲/۴۷

ترس از تهدید الهی

اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ

هراس مرا در تهدیدهایت قرار ده. ۱۲۲/۴۷

بیم داشتن از مهلت دادن خداوند

اجْعَلْ... حَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ

بیم مرا از مهلت دادن ها و ترساندنهایت، قرار ده. ۱۲۲/۴۷

هراسان شدن، در برابر بیم الهی

لَا تَرَعْنِي... خَيْفَةً أَوْ جِسْ دُونَهَا

مرا چنان بیم نده که همیشه هراسان باشم.

۱۲۲/۴۷

ترساندن بنده، از مقام الهی

وَ أَخْفِنِي مَقَامَكَ

و مرا از مقامت بترسان. ۱۲۶/۴۷

مسلمانان طالب، راغب و ترسان

وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاعِبُ وَ الرَّاهِبُ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمین گرد هم می آیند، درخواست کننده و جويا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می

شوند. ۱/۴۸

شتاب، و ترس از فوت وقت

وَ إِنَّمَا يَعَجِلُ مَنْ يَخَافُ الْفُوتَ

و همانا کسی شتاب می کند که از گذشتن فرصت می ترسد. ۱۵/۴۸

قضا و قدر ترسناک

ص : ۳۴۹

وَمَعَتَ مِنِّي مَحْذُورَ الْقَضَاءِ

و مقدراتی که موجب ترس است را از من بازداشتی. ۲/۵۱

ترس پادشاهان، از قهر و غلبه های خدا

يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نَيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند و از قهرها و غلبه های او ترسانند. ۷/۵۱

خواندن خدا، در حال ترسان بودن به درگاه او

دَعْوَتِكَ يَا رَبِّ مِسْكِينًا، مُسْتَكِينًا، مُشْفِقًا، خَائِفًا، وَجِلًّا، فَقِيرًا، مُضْطَرًّا إِلَيْكَ

تو را خواندم - ای پروردگار من - در حالی که بینوا، فروتن، حذرکننده، ترسان، بیمناک، فقیر و بیچاره درگاه تو هستم. ۹/۵۱

خدا و بیم دادن دشمنانش (از عذاب)

أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ نَفْسِي عَنِ... الْم - جَانِبِهِ عَمَّا حَذَرْتَهُ أَعْدَاءُكَ

ای خدای من، از ناتوانی نفسم در دوری نمودن از آنچه دشمنانت را به آن بیم داده ای، به تو شکایت می کنم. ۱۰/۵۱

ترسوترین، افتاده ترین و خوارترین خلق خدا

سُبْحَانَكَ أَحْشَى خَلْقِكَ لِمَا أَعْلَمْتَهُمْ بِحُكِّكَ، وَ أَحْضَمْتَهُمْ لِمَا أَعْمَلْتَهُمْ بِطَاعَتِكَ، وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مِنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ

پاک و منزهی! ترسنده ترین آفریدگان از تو، آگاه ترین آنها به (کبریایی) توست. و خاضع ترین آنان از تو، عمل کننده

ترین ایشان به فرمان توست. و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد. ۲/۵۲

ترس از خدا، و دوری از دنیا

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ

خدای من، از تو می خواهم که مرا با ترس از خود، در دوری از دنیا، تسلی بخشی. ۱۰/۵۲

گریختن به سوی خدا و ترس داشتن از او

فَإِلَيْكَ أَفْرٌ، وَ مِنْكَ أَخَافُ



پس فقط به سوی تو می گریزم و تنها از تو می ترسم. ۱۱/۵۲

درخواست ترس عبادت کنندگان، از خدا

أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ

ترس عبادت کنندگان برای تو را، از تو درخواست می نمایم. ۵/۵۴

ترسی همانند ترس دوستان خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... رَهْبَتِي مِثْلَ رَهْبِهِ أَوْلِيَائِكَ

خداوندا، ترسم را مانند ترس اولیاءت قرار

ص : ۳۵۰

رها نکردن دین خدا، بر اثر ترس از کسی

اسْتَعْمَلَنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَّا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم. ۶/۵۴

ترک

توفیق ترک بدعت ها

وَفُتْنَا... لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ... وَ مُجَابَةِ الْبِدْعِ

ما را برای انجام نیکی و ترک بدعت ها، توفیق ده. ۱۸/۶

ترک کنندگان معصیت

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... التَّارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) همه نافرمانی هایت را ترک کرده اند، قرار ده.

۱۱ و ۱۰/۲۵

توبه و ترک معصیت

إِنْ يَكُنِ التَّرُكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنَابَةً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُتَنَبِّئِينَ

اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من

نخستین بازگشت کننده ام. ۲۸/۳۱

ترک فرمان الهی

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي فَتَرَكْتُ

خداوندا همانا تو مرا امر کردی، پس ترک گفتم. ۱۶/۳۲

ترک حق خدا

فَجَمِيعُ مَا... أَبْطَأَتْ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقْمَةِ وَالْعِقَابِ تَرْكٌ مِنْ حَقِّكَ

پس هر کیفر و عقابی که در انجام آن کُندی نموده ای، ترک کردن حقّ خودت بوده است.

۱۵/۳۷

توبه قرار گرفتنِ عزمِ ترکِ بدی ها

وَ اجْعَلْ... عَزْمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

و عزمم را بر ترکِ بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند. ۳/۳۸

استکبار و ترکِ دعا

فَسَمَّيْتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَ تَرَكْتَهُ اسْتِكْبَارًا

پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی. ۱۵/۴۵

ترکِ روزه، پس از ماهِ رمضان

ص : ۳۵۱

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرِ مُودَعٍ بَرَمًا وَ لَا مَثْرُوكٍ صِيَامُهُ سَأْمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

۳۷/۴۵

ترک سنت پیامبر صلی الله علیه و آله

يَرُونَ... سُنَنَ نَبِيِّكَ مَثْرُوكَةً

می بینند روش های پیامبرت ترک شده است.

۹/۴۸

ترک نکردن چیزی از دین خدا

اسْتَعْمَلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم. ۶/۵۴

تساوی برابر

تسبیح پاکی و پاکیزگی

فرشتگان و تسبیح خداوند

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشَكَ الَّذِينَ لَا يُفْتَرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ

خداوندا و حاملان عرشت که از تسبیح تو سستی نمی کنند... ۱/۳

و الَّذِينَ... لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ...

و همانها که خواهش های نفسانی، آنها را از تسبیح تو باز نمی دارد... ۷/۳

پیامبر صلی الله علیه و آله ، تسبیح گوی خدا به نام بزرگش

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن نام بزرگت که پیامبرت را فرمان دادی که تو را با آن تسبیح گوید، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان

تسلط غلبه

تسلیم

معرفت اختیار و تسلیم حکم خدا شدن

أَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ ذَرِيَعَةً إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَ التَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ

معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدر فرمودی و تسلیم به آنچه حکم نمودی،

قرار ده. ۲/۳۳

تسلیم شدن، در برابر آیات محکم قرآن

فَاجْعَلْنَا مَمَّنْ... يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمِ-حُكْمِ آيَاتِهِ

ص : ۳۵۲

پس ما را از کسانى قرار ده که با اعتقاد و تسليم در برابر آيات محکم آن، ديندارى مى کنند.

۴/۴۲

تسليم و گردن نهادن به (فرمان) خدا

انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ

همه آفريدگان برای تسليم در برابر تو، گردن نهاده اند. ۲۶/۴۷

تسليم فرمان ائمه عليهم السلام بودن

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که تسليم شدگانِ فرمان ايشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

تسليم شونده خدا و عفو الهى

جُدَّ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ - عَلَيَّ مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ - مِنْ عَفْوِكَ

به من ببخش همان چيزى را که به کسی که به خاطر عفو تو تسليم تو گرديده است مى بخشى.

۷۰/۴۷

تشنگى

گواراتر از رفع تشنگى

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدِي... أَتَلَجَّ لِيَصْدِرِي مِنْ شَرِّهِ الظَّمآنِ

و اطاعت از پدر و مادرم را برای سینه ام از نوشيدن تشنه کام، مطبوع تر قرار ده. ۵/۲۴

عامل سيراب گشتن تشنگى بندگان

وَ أَرْوِ بِهِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ظَمَأً هُوَ اجْرِنَا

و با آن (قرآن)، تشنگى شديد ما را در جاهای گرم در جاىگاهى که در پيشگاه توست، سيراب فرما. ۱۱/۴۲

تصديق

ایمان واقعی تصدیق کنندگان پیامبران

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الْإِسْتِثْقَاءِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران، هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند... ۱/۴

تصدیق قرآن

جَعَلْتَهُ... شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ

آن را شفایی برای کسی که با فهم و تصدیق به آن گوش فرا داد و استماعش نمود، قرار دادی.

۳/۴۲

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشُّكُّ فِي تَصْدِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به

ص : ۳۵۳

اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا شکی جلودار تصدیق ما نشود. ۶/۴۲

تصدیق کنندگان رسول خدا صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ... التَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ

خداوندا و مرا از باورداران به پیامبرت قرار ده. ۱۲/۴۸

تصدیق نمودن پیامبران خدا علیهم السلام

صَدَّقْتُ رُسُلَكَ

پیامبرانت را تصدیق نمودم. ۶/۵۲

تَصَرَّفَ

تصرف بندگان

تَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ، وَتَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ

از روی فرمان توست که دست به کاری می زنیم و به تدبیر توست که در کارها تصرف می کنیم. ۱۰/۶

تصرف ماه، در فلک تدبیر

أَيُّهَا... الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ

ای که در فلک تدبیر تصرف می کنی. ۱/۴۳

تصمیم قصد

تضرع زاری

تعبد عبادت

تعجب شگفتی

تعجیل شتاب

تعدی تجاوز و نیز ستم



تعصّب حمیت

تعقل اندیشه

تغذیه خوردنی

تغییر

تغییر نیافتن سرای کرامت (بهشت)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامٌ بِهِ أَنْبِيَاءُهُ الْمُرْسَلِينَ فِي... مَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در محل کرامتی که همیشگی است. ۱۶ و ۱۰/۱

خدا، تبدیل کننده بدی ها به خوبی ها

يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

ای تبدیل کننده بدی ها به چندین برابر آن از خوبی ها. ۲۴/۸، ۲/۲۶

تائب و صدای تغییر یافته اش

...دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِيٍّ

...با صدای آهسته پنهانی تو را می خواند.

۸/۱۲

ص: ۳۵۴

تغییر نیافتن حکمت الهی

يَا مَنْ لَا تُبَدَّلُ حِكْمَتُهُ الْوَسَائِلُ

ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی کند.

۸/۱۳

همراه ساختن شکایت بنده، با دگرگونی

اقْرُنْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ

دادخواهیم را با دگرگونی پیوند ده. ۱۱/۱۴

خدا و تغییر نعمت

حَلُمْتُ عَنِّي بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ

به فضل خود از من درگذشتی و نعمت را بر من تغییر ندادی. ۳۲/۱۶

يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النِّعْمَةَ، وَلَا يُبَادِرُ بِالنِّقْمَةِ

ای کسی که نعمت را تغییر نمی دهد و به کیفر سخت، شتاب نمی کند. ۱۰/۴۶

تغییر دشمنی دشمنان، به دوستی

وَأَبْدَلْنِي مِنْ بَغْضِهِ أَهْلَ الشَّنَانِ الْمُحِبَّةِ

و درباره من کینه توزی دشمنان را به محبت مبدل فرما. ۷/۲۰

تغییر زشتی ها

اللَّهُمَّ... عِنْدَكَ... فِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ

خداوندا تغییر آنچه زشت دانسته ای، نزد توست. ۲۰/۲۰

تغییر حال معصیت، به حال توبه

فَأَمَّا الْعَاصِيَ أَمْرَكَ وَ الْمَوَاقِعَ نَهْيِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ لِكَيْ يَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند و نهی تو را به جا آورد، پس به کیفرش شتاب نکردی، تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعتت عوض کند.

۱۴/۳۷

عدم تغییر کلمات خداوند

سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيتِكَ، وَ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ

پاک و منزّهی! برای مشیت تو بازگرداننده ای، و برای کلماتت تغییردهنده ای نیست. ۳۰/۴۷

تغییر ندادن نام و جسم بنده

لَا تُعَيِّرُ لِي اسْمًا، وَ لَا تُبَدِّلُ لِي جِسْمًا

نامم را تغییر نده و تنم را دگرگون نکن.

۱۲۴/۴۷

تغییر یافتن حکم خدا

يَرْوُنَّ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا

می بینند که احکامتت تغییر یافته است. ۹/۴۸

خدا، تغییردهنده بی چیزی ها

كَمْ مِنْ... مَسْكَنَةٍ حَوَّلَتْ

چه بسیار نیازمندی هایی را که تغییر دادی.

۱۲/۴۹

ص : ۳۵۵

تغییر نیافتن بزرگی ذات خداوند

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَتَغَيَّرُ، وَلَا يَحُولُ وَلَا يَفْنَى، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن بزرگی ذات بزرگوارت که کهنه و دگرگون نمی شود، و تغییر حال نمی دهد، و نابود نمی گردد، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. ۱۰/۵۲

رحم الهی و دگرگون شدن چهره بنده

مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، بر من رحم کن. ۶/۵۳

تفاخر فخر فروشی

تَفْحَصْ جَسْتَجُو

تفریط کوتاهی

تفسیر

آل محمد علیهم السلام ، تفسیرکنندگان قرآن

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُجْمَلًا... وَوَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بدون تفصیل و شرح نازل کردی و علم آن را تفسیرشده،

به ما ارث دادی. ۵/۴۲

تفصیل

تفصیل و شرح قرآن، برای بندگان

جَعَلْتَهُ... كِتَابًا فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا

آن را کتابی قرار دادی که برای بندگان با تفصیل بیان نمودی. ۱/۴۲ و ۲

تفضل لطف و نیز نیکی

رابطه روی آوردن به خداوند و تفضل او

يَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفَضُّكَ عَلَيَّ مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ

و اداری می کند مرا به درخواست از تو، تفضل تو به آنکه رو به تو آورد. ۳/۱۲

و عده پاداش نیکو و تفضل الهی

يَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ

ای آنکه ایشان را به فضل خود، پاداش نیک و عده داده است. ۱۰/۱۲

کرم و تفضل الهی

احْمِلْنِي بِكَرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ

به فضل خویش با من به احسان رفتار نما.

۲۰/۱۳

ص : ۳۵۶

تفضل نمودن خدا، به احسان و نیکی

إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ

همانا تویی که بدون سبب به نیکی رفتار می کنی. ۷/۱۵

بردباری خداوند و تفضل او

أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنْتَكَ عَنِّي... وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ... تَفَضُّلاً مِنْكَ عَلَيَّ...

شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از تفضل تو بر من است. ۲۶/۱۶

حَلَمْتُ عَنِّي بِتَفَضُّلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ

به فضل خود از من درگذشتی و نعمت را بر من تغییر ندادی. ۳۲/۱۶

تفضل الهی و عافیت بخشی به آفریدگان

فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ... شَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ مُتَفَضِّلٌ عَلَيَّ مِنْ عَافِيَةٍ

پس همه آفریدگان گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای. ۸/۳۷

تفضل الهی، بر فرمانبر و گنهکار

تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا يَقْضُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ

به هر یک از آنان (فرمانبر و گنهکار)، چیزی تفضل نموده ای که عملش کمتر از آن است.

۱۱/۳۷

از روی تفضل بودن عفو الهی

مِنْتَكَ ابْتِدَاءً، وَ عَفْوُكَ تَفَضُّلاً

بخشش تو ابتدا(یی و بدون مقدمه) و بخشایش از روی تفضل است. ۴/۴۵

بر تفضل بنا شدن افعال الهی

أَنَّكَ بَنَيْتَ أَفْعَالَكَ عَلَيَّ التَّفَضُّلِ

همانا تو کارهایت را بر تفضّل قرار داده ای.

۸/۴۵

تفضّل الهی، در روز عرفه

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ... تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که به وسیله آن بر بندگانت تفضّل کرده ای. ۶۶/۴۷

مهلت دادن خداوند و تفضّل او

يَا مَنْ... يَتَفَضَّلُ بِإِنظَارِ الْخَاطِئِينَ

ای آنکه با تفضّل خود خطاکاران را مهلت می دهی. ۷۵/۴۷

استجاب و تفضّل نمودن بر بنده

اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ... وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ

همه آنچه را که از تو خواسته ام، برایم مستجاب فرما و با آن بر من تفضّل نما. ۲۸/۴۸

سبب تفضّل الهی، بر بنده

وَ خِرْ لِي فِيْمَا تَقْضِي مِنْهُ، وَ بَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ

ص : ۳۵۷

و به من در آنچه از آن برایم حکم می کنی، خیر ده و آن را برای من مبارک کن و با آن بر من تفضل نما. ۲۸/۴۸

تقدیر

خدا، تقدیرکننده شب و روز

يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَ يُوَلِّجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ، فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

تقدیر الهی و اراده بنده

لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ

برای ما از اراده و خواسته، چیزی جز آنچه تو حکم کردی نیست. ۱۱/۶

قدرت و تقدیر الهی

وَ جَزَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ

و تقدیر به قدرت تو اجرا شد. ۲/۷

مقدر شدن فراغت از کارها، برای بنده

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاحًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاحَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را

نگیرد. ۲/۱۱

نیکی تقدیر خدا، درباره همه امور بنده

تَوَلَّيْ بِنُجْحِ طَلَبِي... وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ

به برآورده گشتن خواسته ام و نیکی تقدیرت برای من، در تمامی امور یاری ام فرما. ۲۳/۱۳

توفیق پذیرفتن تقدیر الهی



اللَّهُمَّ... وَفَّقْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَ عَلَيَّ

خداوندا مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدر نمودی، پذیرا باشم. ۱۳/۱۴

خوشنودی به تقدیر الهی

اجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ

آن را وسیله راضی شدنم به آنچه مقدر نمودی قرار ده. ۱۵/۱۴

اللَّهُمَّ مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْبَةً إِلَيَّ إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا

معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدر فرمودی، قرار ده. ۲/۳۳

نیکویی تقدیر الهی

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ

خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی، تو را سپاس. ۱/۱۸

ص : ۳۵۸

تقدیر و عدل الهی

عَدْلٌ فِی قَضَائِكَ

آنچه برای من تقدیر نمودی، عادلانه است.

۶/۲۱

تقدیر شهادت، برای مجاهد مسلمان

فَإِنْ... قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ

پس اگر شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است.

۱۵/۲۷

آموختن تقدیر نیکو (در معیشت)، به بنده

عَلَّمَنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ

تقدیر و روش نیکو را به من بیاموز. ۳/۳۰

قانع به تقدیر الهی

وَ أَسْأَلُكَ... أَنْ تُقَنِّعَنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي

و از تو درخواست می کنم که مرا به آنچه برایم مقدر فرموده ای، قانع سازی. ۲۸/۳۲

تقدیر خیر و نیکی، برای بنده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَقْضِ لِي بِالْخَيْرِ

خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواست

خیر دارم. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و برایم به خیر حکم فرما. ۱/۳۳

بندگان و نپسندیدن تقدیر الهی

حَبَّبَ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ

آنچه از مقدرات که نمی پسندیم، نزد ما محبوب فرما. ۴/۳۳

آسان گرداندن قضای الهی

سَهْلٌ عَلَيْنَا مَا نَسْتَضِعُّ مِنْ حُكْمِكَ

آنچه از حکمت که سخت می شماریم، بر ما آسان گردان. ۴/۳۳

علت سبک شمردن تقدیر الهی

لَا تَقْتِنِي بِمَا أُعْطَيْتَهُمْ... فَأَحْسَدَ خَلْقَكَ، وَ أَعْطَطَ حُكْمَكَ

مرا به آنچه به آنان (دنیا داران) عطا کردی، آزمایش نکن، که بر آفریدگانت حسد برم و حکم تو را سبک شمارم. ۲/۳۵

فراخی سینه بنده، نسبت به مقدرات

وَسَّعَ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي

سینه ام را به احکام (مقدرات) خود، فراخ ساز. ۳/۳۵

آمد و شد ماه، در منزلگاه های مقدر

أَيُّهَا... الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ

ص : ۳۵۹

ای که در منزل های قرارداد شده، آمد و شد می کنی. ۱/۴۳

خدا، تقدیرکننده انسان و ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكَ... وَ مُقَدِّرِي وَ مُقَدِّرِكَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِمَالاً بَرَكَهٍ

پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو، و تقدیرکننده من و تقدیرکننده تو است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد.

۴/۴۳

تقدیر الهی و شب قدر

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ... عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ

در آن فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان، بر هر یک از بندگانش که بخواهد، با آنچه از تقدیرش که محکم نموده، برای هر کاری فرود می آیند. ۵/۴۴

لیله القدر، شبی از شب های ماه رمضان

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَهُ وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّاهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ

آنگاه یک شب از شب های آن را بر شب های هزار ماه برتری داد، و آن را شب قدر نامید. ۵/۴۴

بزرگی شب قدر، در ماه رمضان

أَجَلَّتْ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ (الَّتِي هِيَ) خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن بزرگ داشتی. ۲۰/۴۵

لیله القدر، بهتر از هزار ماه

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

درود بر تو و بر شب قدر که بهتر است از هزار ماه. ۴۰/۴۵

خدا، تقدیرکننده (غصب خلافت)

أَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ

تویی که چنین تقدیر کرده ای. ۹/۴۸

خواست بنده، و تقدیر الهی

اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ... وَ أَرَدُهُ وَ قَدَّرُهُ وَ أَقْضِهِ وَ أَقْضِهِ

همه آنچه را که از تو خواسته ام، برایم مستجاب فرما و آن را بخواه و مقدر کن و فرمان ده و اجرا کن. ۲۸/۴۸

قضا و قدر ترسناک

وَ مَنَعْتَ مِنِّي مَحْذُورَ الْقَضَاءِ

و مقدراتی که موجب ترس است را از من بازداشتی. ۲/۵۱

ص : ۳۶۰

تقدیر نمودن مرگ، برای همه آفریدگان

سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتِ

پاک و منزهی! مرگ را برای همه آفریدگانت رقم زده ای. ۵/۵۲

تقدیر انجام بهترین کارها، برای بنده

فَأَفْضِلْ لِي بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً

پس آنچه سرانجامش بهترین است را برایم مقدّر فرما. ۸/۵۴

تقدیم پیش

تقرّب نزدیکی

تقسیم

تقسیم عادلانه معیشت ها

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود. ۱/۳۵

فراوان ساختن بهره بنده، از تقسیم نموده خداوند

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمَوْءَمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ... أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، ای پروردگار ما، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی

قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان. ۲/۴۸

تقصیر کوتاهی

تقوا پرهیزکاری

تکبر استکبار

دچار نکردن بنده، به کبر

أَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبْرِ

مرا گرامی دار و به خود بزرگ بینی گرفتارم نسا. ۳/۲۰

برهم زدن کبر بدخواه بنده

مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تَنْفَسَخَ كِبْرُهُ

هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا کبرش را بر هم زنی. ۷/۲۳ و ۸/۲۳

تکبر خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. بزرگ در نهایت بزرگی. ۴/۴۷

درخواست از خدا، و تکبر متکبران

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ... لَا مُسْتَطِيلًا

ص : ۳۶۱

## بِتَكْبِيرِ الْمُتَكَبِّرِينَ

از تو درخواست می‌نمایم، درخواستِ خُرد، خوار، بدحال. نه از روی برتری جستن به تکبیر متکبران. ۷۴/۴۷

تکبیر و بلندی جویی ستمگر

وَ رَدَدْتُهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ، فَأَنْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رَبِّقِ حِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا

و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن‌کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، در آمد. ۸/۴۹

تکلیف

طاقت و تکلیف

لَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا

(خداوند) جز به اندازه توان، بر ما تکلیف ننموده. ۲۳/۱

وَ لَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَجْهَظَنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ

و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای (و تکلیف نموده ای)، بشکنی.

۱۰۲/۴۷

توانایی خداوند و تکلیف نمودن بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَمْلِكُ بِهِ مِنِّي

خداوندا مرا - درباره خودم - به کاری مکلف ساختی، که تو از من به آن تواناتری. ۱/۲۲

تکیه گاه

ولِيَّ خِدا و تواناترین تکیه گاه الهی

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيَّكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ... وَ أَعِنُّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ

خداوندا، پس به ولی خود، شکر آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما. و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری



تگرگ

فرشتگان همراه با تگرگ

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَمُسَيِّعِي النَّجِجِ وَالْبَرِّدِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و همراهی کنندگان برف و

تگرگ. ۱۵ و ۱۱ و ۳/۱۰

تلاوت

کمک نمودن بندگان، به تلاوت قرآن

ص : ۳۶۲

اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ... فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَزْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می کنند. ۴/۴۲

هراس داشتن هنگام تلاوت آیات قرآن

اجْعَلْ... رَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ

هول مرا هنگام تلاوت آیات خود، قرار ده.

۱۲۲/۴۷

تلخی

تلخی غلبه پادشاه

اَكْفِنَا... مَرَارَةَ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ

ما را از تلخی قهر و غلبه پادشاه نگهدار.

۱۰/۵

تلخی ترس از ستمگر و شیرینی ایمنی از او

وَ أَبْدِلْنِي... مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنِ

و درباره من تلخی بیم از ستمگران را به شیرینی امتیّت مبدّل فرما. ۷/۲۰

نوشیدن آب تلخ

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... يُجْرِعُنِي زُعَاقَ مَرَارَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که آب بسیار تلخ زهر آگین را جرعه جرعه به من نوشاند. ۴/۴۹

تلقین

تلقین برهان بنده به او، در خواسته و حاجتش

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي... لَقِّنِي فِيهَا حُجَّتِي

خداوندا خواسته من این است. حجتم را در آن به من بفهمان. ۷/۵۴

تمام کامل

تمرد سرکشی

تمسخر مسخره

تمسك

تمسك جویان به قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان آن چنگ می زنند. ۷/۴۲

امام علیه السلام ، دستاویز چنگ زندگان

فَهُوَ... عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ

پس او دستاویز چنگ زندگان است. ۶۰/۴۷

ص : ۳۶۳

تَمَسَّكَ جَوِيَانُ بِهٖ وَوَلَايَتِ اٰثِمِهٖ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ اَوْلِيَائِهِمْ... الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُزْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که چنگ زندگان به دستاویزشان و تمسک جویان به ولایت ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

تَمَسَّكَ بِهٖ خَدَاوَنَدُ

مِنْهَا فَرَزْتُ اِلَيْكَ رَبِّ... مُعْتَصِمًا فَلَا تُسَلِّمْنِي

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که چنگ زنده ام، به سوی تو گریخته ام، پس رهایم نکن. ۸/۵۱

وَ تَخَلَّصُ مِنْ اِعْتَصَمَ بِكَ

و هر کس را که به (رشته) تو دست آویزد، می رهانی. ۱۲/۵۱

تَمَلَّقُ چاپلوسی

تن اندام و نیز بدن

تن آسایی کاهلی

تناقض

تناقض مذاهب، و پسندیده ترین آئین ها

وَفَّقْنِي... اِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِارْضَاهَا

زمان تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیق ده. ۲۱/۲۰

تنبلی کاهلی

تندرستی

نگهداری شدن توسط خدا و سالم ماندن

اِنَّ مَنْ تَقِهٖ يَسْلَمُ

همانا هر کس را که حفظ کنی، سالم می ماند.

إِنَّ السَّلَامَ مَنْ وَقَّيْتِ

همانا سالم کسی است که تو نگهداری نمودی.

۴/۳۶

سلامتی دل ها، در ذکر عظمت الهی

وَ اجْعَلْ سَلَامَهُ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ

و سلامتی دل های ما را در یاد بزرگی خود قرار ده. ۱۴/۵

فراغت از کار، همراه با سلامتی

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاحًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاحَ سَلَامِهِ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَهُ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. ۲/۱۱

گماشته شدن به امور سالم

وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمٌ

و مرا به آنچه سالم تر است، بگمار.

۱۳/۱۴

ص : ۳۶۴

سپاس گزاری از خدا، برای تندرستی

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامِهِ بَدَنِي

خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم. ۱/۱۵

توفیق اطاعت خدا، با تندرستی

قَوِّئِنِّي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ؟

با آن (تندرستی) بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی. ۳/۱۵

تندرستی و گوارایی روزی ها

أَوْقْتُ الصَّحَّةِ الَّتِي هُنَّاتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ...

آیا وقت تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ات را بر من گوارا نمودی؟ ۳/۱۵

تندرستی و شادمانی

نَشَطَّتَنِي بِهَا لِائْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی. ۳/۱۵

تندرستی بنده و گشایش الهی

وَاجْعَلْ... سَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشُّدَّةِ إِلَى فَرْجِكَ

و تندرستی ام از این سختی را به گشایشت قرار ده. ۶/۱۵

شیرینی تندرستی

أَوْجِدُنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ

مرا از شیرینی تندرستی کامیاب فرما. ۶/۱۵

گوارایی سلامت

أَذِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ

گوارایی سلامتی را به من بچشان. ۶/۱۵

سازگار نمودن بنده، با سلامت و تندرستی

وَ اسْتَضِلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ

و صلاحم را با تندرستی بخواه. ۳۳/۱۶

تندرستی، بهره ای از رحمت خدا

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتَ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده. ۱/۱۸

بلا و گرفتاری شدن تندرستی، برای بنده

وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلَلْتُ فِيهِ، أَوْ بُتُّ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيَّ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ... فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ، وَ أَخِّرْ عَنِّي مَا قَدَّمْتَ

و اگر این تندرستی که روز را در آن به سر برده ام یا شب را در آن به سر رسانده ام، پیش از گرفتاری ای که قطع نمی گردد باشد، پس آنچه برایم به تأخیر انداخته ای، پیش انداز و آنچه از من پیش انداخته ای، پس انداز.

۲/۱۸

ص : ۳۶۵

بلا و عافیت

فَأْمُنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ

پس پیش از گرفتاری، با تندرستی بر من منت گذار. ۲۰/۲۰

تندرستی در عبادت

ارزُفُنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ

مرا تندرستی در عبادت، روزی فرما.

۲۷/۲۰

اجابت درخواست بنده، در تندرستی و گرفتاری

وَلَا تَجْعَلْنِي... آيسًا مِنْ اِجَابَتِكَ لِي وَ اِنْ اَبْطَأْتُ عَنِّي، فِي سَرَاءٍ كُنْتُ اَوْ ضَرَاءً، اَوْ شِدَّةٍ اَوْ رَخَاءٍ، اَوْ عَافِيَةٍ اَوْ بَلَاءٍ

و مرا ناامید از اجابت - گرچه دیر شود - قرار نده، در خوشی باشم یا سختی، یا تنگی یا فراخی، یا تندرستی یا گرفتاری. ۸/۲۱

رضای الهی و تندرستی بنده

خُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةِ

رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما. ۱/۲۲

نعمت تندرستی و بیماری

وَ ارزُفُنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصَّحَّةِ وَالسَّقَمِ

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که در آسانی و سختی و تندرستی و بیماری به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم،

(اعتراف به) حق را روزی ام فرما. ۱۱/۲۲

فروبردن بنده، در تندرستی

جَلِّئَنِي عَافِيَتَكَ

مرا با عافیت فراگیر. ۱/۲۳



نگاه داشتن بنده، به تندرستی

حَصِّنِي بِعَافِيَتِكَ

به عافیت حفظم کن. ۱/۲۳

عطا کردن و بخشیدن تندرستی، به بنده

تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَ هَبْ لِي عَافِيَتَكَ

عافیت را به من صدقه ده و عافیت را به من ببخش. ۱/۲۳

بی نیاز شدن بنده، با تندرستی

أَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ

مرا به عافیت بی نیاز فرما. ۱/۲۳

گستراندن تندرستی، برای بنده

أَفْرِشْنِي عَافِيَتَكَ

عافیت را برایم بگستران. ۱/۲۳

سامان دادن تندرستی، برای بنده

ص : ۳۶۶

أُصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ

عافیت را بر من سامان ده. ۱/۲۳

جدایی نینداختن بین بنده و تندرستی

لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی نینداز. ۱/۲۳

گرامی ساختن بنده، به تندرستی

أَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ

به عافیت گرامی ام دار. ۱/۲۳

پوشاندن لباس عافیت، به بنده

الْبِسْنِي عَافِيَتَكَ

لباس عافیت را بر من بپوشان. ۱/۲۳

اسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً

با فضل خویش، مرا به پرده عافیت بپوشان.

۲۱/۳۱

الْبِسْنَا فِيهِ جُنَّ الْعَافِيَةِ

در آن (ماه) پوشش های عافیت را به ما بپوشان. ۷/۴۳

سَرِبْنِي بِسِرِّبَالِ عَافِيَتِكَ، وَ رَدَّنِي رِدَاءَ مُعَافَاَتِكَ

لباس عافیت خود را به من بپوشان و ردای تندرستی ات را بر تنم کن. ۱۱۲/۴۷

كَمْ مِنْ... عَافِيَةٍ أَلْبَسْتَهَا

چه بسیار (جامه های) تندرستی ای که (بر من) پوشاندی. ۱۱/۴۹

وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَقَدِيمًا شَمَلَنِي عَفْوُكَ، وَ أَلْبَسْتَنِي عَافِيَتَكَ

و اگر از من درگذری، پس از دیرزمانیست که بخشایشت مرا فراگرفته و عافیت خویش را بر من پوشانده ای. ۴/۵۰

تندرستی ای، با ویژگی های خاص

عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُؤَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

به من عافیت ده. عافیتی کافی، بهبودی بخش، عالی و روزافزون. عافیتی که در جسم عافیت زاید، عافیت دنیا و آخرت. ۲/۲۳

تندرستی و سلامتی در دین و بدن

وَ اٰمِنُنَّ عَلٰی بِالصَّحٰهِ وَالْاٰمِنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِيْنِيْ وَ بَدَنِيْ

و با تندرستی و ایمنی و سلامتی در دینم و جسمم بر من منت گذار. ۳/۲۳

سالم داشتن تن فرزندان، برای والدین

إِلٰهِيْ... أَصِحَّ لِيْ أَبْدَانُهُمْ وَ أَدْيَانُهُمْ وَ أَخْلَاقُهُمْ

خداوندا بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار. ۲/۲۵

عافیت بخشیدن به جان و اندام فرزندان

عَافِهِمْ فِيْ أَنْفُسِهِمْ وَ فِيْ جَوَارِحِهِمْ وَ فِيْ كُلِّ مَا عُنِيْتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ

ص : ۳۶۷

آنان را در جان و اعضا و کارهایشان - که برای من مهم است - تندرستی ده. ۲/۲۵

مجاهد مسلمان، و عافیت و سلامتی

تَوَلَّه بِالْعَافِيهِ، وَ أَصْحَبَهُ السَّلَامَةَ

تندرستی اش را به عهده گیر و رهایی از آفت ها را، همراهش فرما. ۱۴/۲۷

توبه و سلامتی (از معاصی)

فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ... تَوْبَةً مُّوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ

پس این توبه ام را توبه ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه مانده است، گردان.

۲۰/۳۱

سالم ماندن اندام، از کیفرهای الهی

اللَّهُمَّ وَ اِنِّي اَتُوبُ اِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَي حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ

خداوندا و همانا من به درگاہت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم ماند. ۲۲/۳۱

عافیت الهی، پوششی از رسوایی های گناهان

وَ كَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا، كَانَتْ عَافِيَتِكَ لِي مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْرًا

و گناهان بزرگی انجام داده ام که عافیت داشتن تو از رسوایی های آن، برای من پوششی گردید.

۱۸/۳۲

سبب متمایل شدن به راه خلاف عافیت

لَا تَسْمُنَا عَجْرَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَتَغْمِطَ قَدْرَكَ... نَجْنَحْ اِلَى الَّتِي هِيَ... اَقْرَبُ اِلَى ضِدِّ الْعَافِيَةِ

ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدر تو را سبک شماریم و به آنچه که به ضد عافیت نزدیک تر

است، تکیه نماییم. ۳/۳۳

عافیت بخشیدن به بنده، پس از آگاهی

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ... مُعَافَاتِكَ بَعْدَ خَيْرِكَ

خداوندا سپاس تو را، بر عافیت بخشی ات پس از آگاهی ات. ۱/۳۴

اثر عافیت بخشیدن به بندگان

كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما پرده ای پیش چشمانشان قرار داد. ۲/۳۴

تفضل الهی و عافیت بخشی به آفریدگان

فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ... شَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ مُتَفَضِّلٌ عَلَيَّ مِنْ عَافِيَةٍ

پس همه آفریدگان گواهند که تو هر که را عافیت بخشی، به فضل رفتار نموده ای. ۸/۳۷

ص : ۳۶۸

قرآن و رسیدن به جایگاه سلامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... سَلَامًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ

و قرآن را نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، قرار ده. ۸/۴۲

ماه نو، ماه سلامتی از بدی ها

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هَلَالًا... سَلَامَةً مِنَ السَّيِّئَاتِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سلامتی از بدی ها قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵/۴۳

ماه نو، ماه سلامت و اسلام

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هَلَالًا... سَلَامَةً وَ إِسْلَامًا

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سلامت و اسلام قرار دهد. ۴/۴۳ و ۵/۴۳

رمضان، ماه سلامت و بی گزند

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ

درود بر تو ماهی که از هر چیز سلامت است.

۳۴/۴۵

سرای سلامت (بهشت)

اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین

مهربانان. ۶۵/۴۷

درخواست تندرستی، از خداوند

اجْمَعْ لِي... الْمَعَاوَةَ وَ الصُّحَّةَ وَ السَّعَةَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْعَافِيَةَ

سلامتی و تندرستی و فراخی و آرامش و عافیت را، برایم فراهم ساز. ۱۳۰/۴۷

فراوان ساختن بهره بنده، از تندرستی

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ... أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي وَنَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می‌نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمانت، نیکی یا عافیت قسمت می‌نمایی، بهره و نصیب مرا از آن زیاد گردان.

۲/۴۸

چشاندن طعم تندرستی، به بنده

أَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي

طعم عافیت را تا پایان مدّت زندگی ام به من بچشان. ۱۴/۴۸

عافیت تن بنده، در حاجت درخواست شده از خدا

اللَّهُمَّ هِدْهُ حَاجَتِي... عَافٍ فِيهَا جَسَدِي

خداوندا خواسته من این است. تنم را در آن عافیت بخش. ۷/۵۴

ص : ۳۶۹

از خدا درخواست نمودن سلامتی از:

أ. آنکه بنده را می ترساند

هَبْ لِي... سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي

مرا از آنکه تهدیدم نمود، سلامتی بخش.

۸/۲۰

ب. حسد

وَ اَرْزُقْنِي سَلَامَةً الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان.

۱۲/۲۲

ج. فریب آرزو

سَلَّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ

ما را از فریبش سلامتی ده. ۲/۴۰

د. اندیشه های وسوسه انگیز در دل

وَ اِخْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنِ صِحِّهِ ضَمَائِرِنَا

و با آن، خاطره های وسوسه انگیز را از درون سالم ما بازدار. ۱۱/۴۲

ه. آنچه غلامان و کنیزان به آن دچارند

وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ اِمَائِكَ

و مرا از آنچه طبقات (مختلف) غلامان و کنیزان را به آن مبتلا نموده ای، عافیت بخش. ۱۰۵/۴۷

تنگ دستی فقر

فرو نریختن شکوه بنده، با تنگ دستی



لَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ

شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز. ۲۶/۲۰

اجابت درخواست بنده، در تنگ دستی و توانگری

وَلَا تَجْعَلْنِي... أَيَسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَإِنْ أَبْطَأْتُ عَنِّي، فِي... جِدِّهِ أَوْ لَأُؤَاءَ

و مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود - قرار نده، در توانگری باشم یا تنگدستی. ۸/۲۱

والدین و تنگ دستی

أَيْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَى أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعِ عَلَيَّ!؟

تنگی هایی که آن دو (پدر و مادرم) برای گشایش من بر خود گرفته اند، چه می شود؟

۱۰/۲۴

تنگی

تنگ ساختن جای فرشتگان

و الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُزَاجِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، جا را بر فرشتگان مقرب تنگ نمایم. ۱۰/۱۶ و ۱۰/۱۶

ص : ۳۷۰

اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، و تنگی و سختی در زندگی

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن. ۸/۴

ضیق نبودن کرم الهی

أَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُوءِ الْإِحْدِ

همانا بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد. ۱۹/۱۳

ضیق نبودن احسان خداوند

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ... فَلَا يَضِيقُنَّ عَنِّي فَضْلُكَ

پس این جایگاه پناهنده شده به توست. پس مبادا فضل تو از من تنگی نماید. ۱۵/۳۲

تنگی رحم مادر

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبِ مُتَصَائِقِ الْعِظَامِ... إِلَى رَحِمِ ضَيْقِهِ سَتَرْتَهَا بِالْحُجْبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با استخوان های درهم تنیده، به سوی رحمی تنگ که آن را با

پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی. ۲۳/۳۲

تنگی سوراخ مهره های پشت

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبِ... حَرَجِ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمِ ضَيْقِهِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلبی با راه های تنگ به سوی رحمی تنگ، سرازیر نمودی. ۲۳/۳۲

رحمت الهی و فراخ گرداندن تنگی لحد

وَ اَفْسَحَ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَا حِدِنَا

و به رحمتت، تنگی لحدهایمان را برای ما گشاد گردان. ۱۴/۴۲

تنهایی

خدا، فریادرس هر تنها

يَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ

ای فریادرس هر خوارشده تنها. ۴/۱۶

خدا، کفایت کننده تنها و ناتوان

اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ

خداوند ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان. ۱/۲۱

خطاکاری، و تنها ماندن

أَفْرَدْتَنِي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِيَ

خطاها مرا تنها گردانده و همراهی ندارم.

۱/۲۱

ص : ۳۷۱

تنها گذاردن بنده

مَنْ يُسَاعِدُنِي وَ أَنْتَ أَفْرَدْتَنِي؟

چه کسی مرا یاری دهد، در حالی که تو مرا تنها گذاشته ای؟ ۲/۲۱

خدا، تنها برآورنده حاجت بنده

... بَلْ تَفَرَّدَ بِحَاجَتِي

... بلکه درخواستم را به تنهایی روا کن.

۲/۲۲

خدا، برگزیننده تنهایی برای خود

وَ خَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

یگانه و بی شریکی. ۱۲/۲۲

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْفَرْدُ الْمُتَفَرَّدُ

تویی خدایی که معبودی جز تو نیست. تنهای بی نظیر. ۳/۴۷

خدا، تنها کارگزار سختی های مرزداران

تَوَحَّدَ بِكَفَايَةِ مُؤَدِّيهِمْ

سنگینی هایشان را به تنهایی کفایت فرما.

۲/۲۷

مسلمانان و تنهایی گزیدن با خدا

وَ فَرَّغَهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ، وَ عَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْوَةِ بِكَ حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرُكَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن،

برای عبادت خویش و کارزار با آنان، برای خلوت با خودت آسوده ساز، تا در همه جای زمین، جز تو پرستش نشود. ۷/۲۷

رحم خدا، به تنهایی بنده

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَخَدِّتِي بَيْنَ يَدَيْكَ

خداوندا، پس به تنهایی ام در برابرت، رحم فرما. ۲۳/۳۱

شیطان، و تنها رها کردن بنده، در بیابان گمراهی

فَأُضْحِرْنِي لِعُضْبِكَ فَرِيدًا

پس مرا تنها در بیابان خشمت رها نمود.

۱۳/۳۲

به تنهایی (احسان و نیکی کردن) خدا، به بنده

تَوَخَّذْنِي بِمَا تَتَوَخَّذُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ

تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که به عهد تو وفا کرده.

۸۸/۴۷

تنها به سر بردن بنده، به مناجات با خدا

وَ زَيْنٌ لِي التَّفَرُّدُ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و تنهایی مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیار. ۱۱۰/۴۷

ص : ۳۷۲

تنها به سر بردن (و خلوت کردن) با خدا

وَ ضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ

و چون با تو خلوت کردم، مرا فروتن گردان.

۱۱۸/۴۷

تنهایی، و شب زنده داری برای خدا

اعْمُرْ لِيْلَىٰ بِإِقَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَقَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ

شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب زنده داری برای تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

تنهایی، و آزمایش فسادانگیز

لَا تُحِبُّ... خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِتْنَتِكَ

تنهایی هایم را با آزمایش های فسادانگیزت که برایم آشکار می شود، باطل نکن. ۱۳۱/۴۷

بینایی خدا به تنهایی بنده، در برابر دشمن

فَنظَرْتَ يَا إِلَهِي إِلَيَّ... وَخَدَتِي فِي كَثِيرٍ عَدَدٍ مَنْ نَاوَانِي

ای خدای من، پس تو تنهایی ام را در برابر (سپاهیان) بی شمار کسی که با من دشمنی کرده، مشاهده کردی. ۵/۴۹

تنها گذاشتن دشمن

وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَخَدَهُ

و پس از آنکه در گروهی بسیار بود، او را تنها گذاشتی. ۶/۴۹

تواضع فروتنی

توانایی

توانایی، عامل برتری انسان بر آفریدگان

جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ

با دادن قدرت به ما، (ما را) بر همه آفریدگان برتری داد. ۱۸/۱

ناتوانی امت مسلمان و برداشتن وظیفه از آنها

لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ

از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته. ۲۳/۱

تکلیف و توان

لَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا

(خداوند) جز به اندازه توان، بر ما تکلیف ننموده. ۲۳/۱

قدرت و توانایی خدا

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ وَ إِنَّ عَظْمَ

ص : ۳۷۳

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منت نهاد، به قدرتش که از چیزی - اگر چه بزرگ باشد - ناتوان نیست. ۱/۲

نرھیدن چیزی، از قدرت و توانایی خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... بِقُدْرَتِهِ الَّتِي... لَا يَقْوَتْهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطْفَ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منت نهاد، به قدرتش که چیزی - اگر چه خرد باشد - از او رهایی نمی یابد. ۱/۲

توانایی محمد صلی الله علیه و آله ، به یاری خدا

فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ... مُتَّقَوِيًّا عَلَىٰ ضَعْفِهِ بِنَصْرِكَ

پس با قوت بخشیدن ضعف خود به کمک تو، به سوی آنان تاخت. ۱۹/۲

بی نیازی بی نیازان، به فضل قوه الهی

اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ

خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شوند. ۱۱/۵

فراگیر بودن توانایی خداوند

يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَ سُلْطَانُكَ

سلطه و فرمانروایی توست که ما را فرامی گیرد.

۱۰/۶

خشم الهی و سست نمودن توان بندگان

أَوْهِنُ قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْحِطُكَ عَلَيْنَا

توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن. ۳/۹

توانایی خدا و جنبش بنده

فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ



پس جنبشی برای ما جز به قدرت تو نیست.

۵/۹

توانایی دادن به بنده، با یاری کردنش

وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِالْعَوْنِكَ

و نیرویی برای ما جز به یاری تو نیست.

۵/۹

يَا مُوءِذِي بِالنَّصْرِ

ای نیرودهنده با یاری نمودن. ۷/۵۱

توانا ساختن بنده بر اطاعت خدا، هنگام تندرستی

قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ

با آن (تندرستی) بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی. ۳/۱۵

قرار گرفتن آفریدگان، در قدرت الهی

أَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ

تویی آنکه همه آفریدگان در گستره قدرتش گنجیده اند. ۱۰/۱۶

ص : ۳۷۴

توانایی خدا و روا ساختن درخواست بنده

إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُسْعِكَ، وَلَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ

به درستی که این (خواسته های من) در برابر گستره توانایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت سخت نمی باشد. ۳۴/۱۶

فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ، وَلَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ

پس به درستی که این (کار) در برابر دارایی ات بر تو دشوار نیست و در برابر قدرتت بر تو سخت نمی باشد. ۱۶/۴۹

توانا ساختن بنده، هنگام درماندگی اش

اجْعَلْ... أَقْوَى قُوَّتِكَ فِي إِذَا نَصَبْتُ

قوی ترین توانایی ات را در من، هنگامی که درمانده شدم قرار ده. ۱۱/۲۰

تبدیل القائنات شیطانی، به تفکر در قدرت الهی

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي... تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان در دل من می افکند، اندیشه در قدرتت را قرار ده. ۱۳/۲۰

نبود نیرو دهنده ای برای بنده، در برابر خشم خدا

ضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مَوْءِدَ لِي

در برابر خشم تو ناتوان شده ام و یاری دهنده ای ندارم. ۱/۲۱

توانا ساختن دل بنده، به رغبت داشتن به سوی خدا

فَرَّغَ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ... وَقَوَّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به رغبت به سوی خود، توانایی ده. ۱۰/۲۱

توانایی یافتن بر اطاعت از فرمان خدا

وَ اٰمَنْتُ عَلٰى بِالصَّحِّهِ... وَ الْقُوَّةَ عَلٰى مَا اَمَرْتَنِيْ بِهٖ مِنْ طَاعَتِكَ

و با تندرستی و توانایی بر انجام طاعتت - که مرا به آن فرمان داده ای - بر من منت گذار. ۳/۲۳

پناه بردن به خدا، از ناتوان و توانا

أَعِزَّنِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَ شَدِيدٍ

مرا از شرّ هر ناتوان و توانا پناه ده. ۶/۲۳

توانمندی فرزندان

إِلَهِي... قَوْلِي ضَعِيفَهُمْ

خداوندا ناتوانشان را برایم نیرومند نما.

۲/۲۵

توانمند ساختن تدبیر مسلمانان

اللَّهُمَّ وَقَوْلِي بِذَلِكَ مَحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

ص : ۳۷۵

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوت بخش. ۷/۲۷

تهی ساختن تن مشرکان، از توانایی

اللَّهُمَّ أَحْلِلْ... أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ

خداوندا، تن هایشان را از قوت تهی دار.

۱۱/۲۷

توانمندی جنگجویان اسلام

اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ... فَلَقَّهِ الْيُسْرَ... وَ ارزُقْهُ الشَّدَّةَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی که با ایشان جهاد نماید، پس او را با آسانی روبرو کن

و نیرومندی را روزی اش نما. ۱۴ و ۱۳/۲۷

خدا دارای قدرت کامل و کمال توانایی

لَكَ يَا إِلَهِي... مَلَكَةُ الْقُدْرَةِ الصَّمَدِ، وَ فَضِيلَةُ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ

خداوندا تسلط قدرت همیشهگی و کمال توان و نیرو، از آن توست. ۱۰/۲۸

جهل بنده به توانایی خدا بر او

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا، وَ تَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيبًا. كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ

پس با سهل انگاری از آنچه امر کرده ای کوتاهی کرده و با بی باکی آنچه از آن نهی نموده ای، انجام

داده. مانند نادان به قدرت تو بر خودش.

۶/۳۱ و ۷

توانا شدن بنده، به توانایی بی نیازکننده

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ، فَقَوِّنِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست. پس با قوت کافی، مرا قوی ساز. ۱۹/۳۱

وانگذاشتن بنده، به قدرت و توان خود

لَوْ تَكَلَّنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي، أَوْ تَضَطَّرَّنِي إِلَى قُوَّتِي لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَزِلًا، وَ لَكَانَتِ الْقُوَّةُ مِنِّي بَعِيدَةً

و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وامی گذاردی یا مرا ناگزیر می ساختی، به نیروی خود پناه برم؛ همانا توان از من کناره می گرفت و نیرو از من دور می شد.

۲۵/۳۲

لَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ

مرا به توانایی و نیروی خودم بدون توانایی و نیروی خودت وامگذار. ۱۱۳/۴۷

ناتوانی آتش دوزخ، از سبک کردن خود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ... لَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسَلَمَ إِلَيْهَا

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که

ص : ۳۷۶

قادر بر سبک کردن (شعله‌ها) از کسی که برایش فروتنی نماید و تسلیم او گردد، نیست.

۳۰ و ۲۹/۳۲

توان خداوند و توان بنده

مَلَكْتَ - يَا إِلَهِي - أَمْرُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ

ای خدای من، تو زمام امرشان را به دست داشته‌ای، پیش از آنکه بر عبادت تو توانایی داشته باشند. ۷/۳۷

توانایی بر اطاعت خدا، با خوردن رزق او

لَمْ تَسْمُهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعتت نیرو گرفت، نقاص نخواستی. ۱۳/۳۷

قدرت خدا و آفرینش بشر

...لَكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِبْرَاءًا لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود. ۷/۳۹

توانایی دادن به آل محمد صلی الله علیه و آله (بر فهم قرآن)

وَ قَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ

و ما را بر (دریافت) آن قوت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمل آن را نداشت، رفعت

بخشی. ۵/۴۲

محمد صلی الله علیه و آله ، تواناترین پیامبر

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَ أَمْكَنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود و

تواناترین شفاعت کنندگان ایشان قرار ده. ۱۸/۴۲

توانی نیست، جز به یاری خداوند

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

هیچ حرکت و نیرویی نیست، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه بزرگ. ۲۵/۴۶

توانایی نداشتن تسلط و غلبه ای، بر تسلط الهی

أَنْتَ الَّذِي... لَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ

تویی آنکه در برابر سلطه و غلبه ات، سلطه و قدرتی، توانایی ندارد. ۱۶/۴۷

توانایی بسیار خداوند

سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكَ مَا أَمْنَعَكَ

پاک و منزهی! ای پادشاه که شکست ناپذیری!

۲۴/۴۷

توانایی بخشیدن به بازوی ولی خدا

ص : ۳۷۷

وَقُوِّ عَضُدَهُ

و بازویش را قوت ده. ۶۱/۴۷

ولی خدا و تواناترین تکیه گاه

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ... وَاعِنْتَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ

خداوندا، پس به ولی خود، شکر آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری

فرما. ۶۱/۴۷

عدم بخشش الهی، در صورت عدم طاقت بنده

وَ لَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظَنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ

و آنچه طاقتش را ندارم به من نبخش، که پشتم را از بار گران دوستی ات که بر دوشم گذارده ای، بشکنی. ۱۰۲/۴۷

توانا نساختن دشمن، بر بنده

لَا تُمَكِّنُهُ مِنْ عُنُقِي

او را بر من توانا نساز. ۱۴/۴۸

خدا، توانایی مغلوب نشدنی

فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ

پس خدای من، سپاس برای توست. توانایی که شکست نمی خورد. ۱۴/۴۹

مصون نماندن تکذیب کننده توانایی خدا، از او

لَا يَمْنَعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ

کسی که قدرت تو را تکذیب نمود، نمی تواند خود را از تو بازدارد. ۳/۵۲

شگفت از شدت توانایی خداوند

سُبْحَانَكَ مَا... أَشَدَّ قُوَّتَكَ



سست بودن توانایی بنده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُوءَ آلِ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ ضَعْفَتْ قُوَّتُهُ... سُوءَ آلِ مَنْ لَا يَجِدُ... لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا... غَيْرَكَ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند، و نیرویش ضعیف است. درخواست کسی که نیرو دهنده ای برای ضعفش جز تو نمی یابد. ۳/۵۴

خدا، توانا بر:

أ. آفرینش خلق

ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا

به قدرت خویش آفریدگان را بی هیچ نمونه ای آفرید. ۳/۱

ب. فرمانبری مخلوقات از انسان

ص : ۳۷۸

فَكَلَّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةً لَنَا بِقُدْرَتِهِ

پس به قدرت او، همه آفریدگانش برای ما فرمانبردارند. ۱۸/۱

ج. منت گذاشتن بر امت مسلمان، به وجود محمد صلی الله علیه و آله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ

سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منت نهاد، به قدرتش که از چیزی - اگر چه بزرگ باشد - ناتوان نیست. ۱/۲

د. آفرینش شب و روز

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

سپاس خدای را که شب و روز را به توانایی خود آفرید. ۱/۶

ه. فرق گذاشتن بین شب و روز

مَيِّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ

به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت.

۲/۶

و. آسان شدن کارهای دشوار

ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ

سختی ها به توانایی تو آسان شد. ۲/۷

ز. انجام شدن قضا

جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ

تقدیر به قدرت تو اجرا شد. ۲/۷

ح. رساندن (گرفتاری) به بنده

قَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ... وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ، وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ

ای پروردگار من، بر من چیزی فرود آمده که سنگینی آن بر من دشوار است و تو به قدرتت آن را بر من وارد نمودی و به سلطه خویش آن را بر من فرستادی. ۵/۷۶

ط. شکست دادن تسلط غم، از بنده

وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ

و به توانایی ات سلطه غم و اندوه را بر من بشکن. ۸/۷

ی. عفو و بخشایش

فَاِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْعَفْوِ

همانا تو بر بخشایش نمودن توانایی.

۱۵/۱۲

ک. بازداشتن ستم کننده و دشمن، از بنده

خُذْ ظَالِمِي وَ عَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ

ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. ۶/۱۴

ص : ۳۷۹

ل. شکستن برندگی دشمن

أَفْلَلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ

با توانایی خود برندگی اش را از من بردار.

۶/۱۴

م. هر چیز

أَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

تو بر هر چیزی توانایی.

۱۶/۱۴، ۳۳/۳۲، ۶/۳۳، ۵۶/۴۵

۲۵/۴۶، ۱۶/۴۹

إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بدرستی که تو بر هر چیزی توانایی.

۳۴/۱۶، ۱۳/۲۱، ۳۰/۳۱، ۱۱/۴۵

۳/۴۸

إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ

به درستی که تو پیروزِ توانایی. ۸/۲۳

ن. اصلاح امورِ تباہِ بنده

اللَّهُمَّ... اسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي

خداوندا امورِ تباہم را به توانایی خود، اصلاح نما. ۲/۲۰

س. روا ساختن حاجت بنده

اللَّهُمَّ فَأَطْلِبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ

خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می کنم، برایم برآور. ۲۵/۲۰

وَ تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا

و بر آوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری، به عهده گیر. ۴/۴۸

ع. اصلاح نفس بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَمْلِكُ بِهِ مِنِّي، وَ قُدْرَتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ أَغْلَبُ مِنْ قُدْرَتِي

خداوندا مرا - درباره (اصلاح) نفسم - به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری و قدرت تو بر آن و بر من، از توانایی

من چیره تر است. ۱/۲۲

ف. ایجاد مانع میان بنده و گناهان

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْم - حَالِ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به قدرت تو میان آنها و گناهان فاصله افتاده، قرار ده. ۱۱ و ۱۰/۲۵

ص. یاری دادن مرزداران

اللَّهُمَّ... أَيْدِ حُمَاتِهَا بِقُوَّتِكَ

خداوندا به قدرت خویش، نگهبانان آن (مرزها) را یاری ده. ۱/۲۷

ق. آگاهی بر مشرکان

اللَّهُمَّ وَ اَعْمَمُ بِذَلِكَ اَعْدَاءَكَ فِي اَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ... وَ سَائِرِ اُمَمِ الشُّرْكِ، الَّذِينَ تَخْفَى

ص : ۳۸۰

أَسْمَاءُهُمْ وَصِفَاتُهُمْ... وَ أَشْرَفَتْ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و روم و دیگر امت های مشرک، که نام ها و نشانه هایشان پنهان است و به توانایی ات بر آنان اشراف داری. ۹/۲۷

ر. بازگرداندن بنده، به آنچه خدا دوست دارد

وَ أَصْرَفْنِي بِقُدْرَتِكَ إِلَيَّ مَا أَحْبَبْتَ

و به قدرت خود، مرا به آنچه دوست داری، بازگردان. ۱۷/۳۱

ش. خودداری دادن بنده، از خطا

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست. ۱۹/۳۱

ت. آشکار ساختن خطاهای بنده

كُنْتُ... الْقَادِرَ عَلَىٰ إِعْلَانِهَا فَوْقَ الْقَادِرِينَ

تو بیشتر از همه قدرتمندان بر آشکار کردنش قادر بودی. ۲/۳۴

ث. گذشت

أَنْتَ... أَجْرَيْتَ قُدْرَتَكَ عَلَيَّ التَّجَاوُزِ

همانا تو قدرتت را بر گذشت، جاری

ساخته ای. ۸/۴۵

خ. درخواست شده ها به درگاهش

أَنْتَ الْمَلِيءُ بِمَا رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ

تو توانا بر هر آنچه هستی که از درگاهت خواسته شود. ۲۱/۴۵

ذ. شتاب و پیش دستی نمودن

أَخْرَجَتْ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمَعَاجِلَةِ، وَ تَأْتِيَتْ وَ أَنْتَ مَلِيٌّ بِالْمُبَادَرَةِ

با آنکه بر شتاب نمودن توانایی، (عذاب را) به تأخیر انداخته ای و با آنکه به پیش دستی کردن قادری، درنگ نموده ای.

۲۱/۴۶

ض. سخت گیری

تَعَمَّدَنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ

مراد آنچه بر آن از من آگاهی بپوشان، آنگونه که می پوشاند قادر بر سختگیری، (و) اگر بردباری اش نبود (خطاها را ظاهر می کرد).

۱۱۹/۴۷

ظ. شمارش درود بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ... وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَاةَ لَا يَقْوَى عَلَيَّ إِحْصَائُهَا إِلَّا أَنْتَ

ص : ۳۸۱

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد بنده خود و بر خاندان محمد که نیکوکارانِ پاکانِ برگزیده اند، درود فرستی. درودی که جز تو کسی بر شمردن آن توانایی نداشته باشد. ۳/۴۸

غ. زنده کردن مردگان

وَهَبْ لَنَا يَا إِلَهِي مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُحْيِي أَمْوَاتَ الْعِبَادِ

و ما را - ای خدای من - از جانب خود به توانایی ای که با آن بندگان مرده را زنده می کنی، گشایش ده. ۱۳/۴۸

أب. زندگی بخشیدن به سرزمین های مرده

وَهَبْ لَنَا يَا إِلَهِي مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي... بِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ الْبِلَادِ

و ما را - ای خدای من - از جانب خود به توانایی ای که با آن سرزمین های مرده را زندگی می بخشی، گشایش ده. ۱۳/۴۸

أج. استوار گرداندن پشت بنده

شَدَدَتْ أَرْزِي بِقُوَّتِكَ

به توانایی ات پشتم را نیرومند ساختی.

۶/۴۹

أد. بازداشتن بنده، از نیروی حسود

فَحَصَّصْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ

پس تو به قدرت خویش، مرا از سختی و نیروی او بازداشتی. ۱۰/۴۹

ناتوانی بنده:

أ. در رسیدن به حاجاتش

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِي

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم. ۱۵/۱۳

ب. در خروج از سلطنت خداوند



لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ

مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست. ۶/۲۱

ج. در تجاوز از قدرت الهی

لَا أَسْتَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ

نمی توانم از قدرت تو بگریزم. ۶/۲۱

د. بر فقر

اللَّهُمَّ ... لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ

خداوندا تحمل فقر ندارم. ۲/۲۲

ه. در انجام واجبات

وَ أَفْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِكَ أَوْ لِحَلْقٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ إِنَّ

ص : ۳۸۲

ضَعُفَ عَنِ ذَلِكَ بَدَنِي، وَوَهَنْتُ عَنْهُ قُوَّتِي، وَلَمْ تَنْلُهُ مَقْدَرَتِي

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده و گرچه بدنم از (انجام) آن ناتوان و نیرویم از آن سست و توانایی ام به آن نرسد.

۶/۲۲

و. در مقابل خشم خدا

إِنَّ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِكَ

همانا طاقت من، با خشم تو برابری نمی کند. ۵/۳۹

ز. از تحمّل انتقام الهی

فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِيلُ بِنِقْمَتِكَ

پس به درستی که نیروی من تاب انتقام تو را ندارد. ۵/۳۹

ح. در گریز از خداوند

لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ

اگر کسی می توانست از پروردگار خود بگریزد، من به گریختن از تو سزاوارتر بودم.

۳/۵۰

كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ؟

چگونه می تواند از تو بگریزد، آنکه جز به وسیله روزی ات زندگی برایش نیست؟

۱/۵۲

ط. از (تحمّل) گرمی آفتاب

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ، الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و

این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد. ۵/۵۰

ی. از (تحمل) آتش دوزخ

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ،  
الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ؟

پس خداوند، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تومی خواهم که بر این جان بی تاب و  
این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی گرمی آفتاب را ندارد، پس چگونه گرمای آفتاب را توانایی دارد؟ ۵/۵۰

ص : ۳۸۳

ک. از (تحمل) آواز رعد و غرش ابر

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَلَمِ خُرُونِ مَنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرَّمَّةَ  
الْهَلُوعَةَ... الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ

پس خداوند، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و  
این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد. ۵/۵۰

ل. از (تحمل) بانگ خشم خدا

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَلَمِ خُرُونِ مَنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرَّمَّةَ  
الْهَلُوعَةَ... الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ صَوْتَ غَضَبِكَ؟

پس خداوند، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و  
این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشم را توانایی دارد؟

۵/۵۰

م. در پیروز شدن

أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ عَنِّي، وَتَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بَرِيئًا فَأَعْتَدِرْ، وَ لَا بَدِي قُوَّةٍ فَأَتَّصِرَ

از تو می خواهم که مرا ببخشایی و بیامری ام. زیرا من بی گناه نیستم تا عذری داشته باشم و دارای توانی نمی باشم تا پیروز  
شوم. ۷/۵۱

ن. در برابر بازگرداندن فرمان خدا

لَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ

کسی که حکم تو را نپسندید، نمی تواند فرمانت را بازگرداند. ۳/۵۲

توانگری بی نیازی

بخشندگان، و بخشش از زیادی توانگری خداوند

إِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جَدِّكَ

به درستی که بخشندگان از زیادی عطا (و توانگری) تو می بخشند. ۱۱/۵

برطرف ساختن نیاز بندگان، به توانگری خدا

فَاجِبُهُ فَاقْتَنَّا بِوُسْعِكَ

پس نیاز ما را به توانگری خود برطرف کن.

۳/۱۰

ص : ۳۸۴

خواسته های بنده و توانگری خداوند

عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي وُجْدِكَ

دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است. ۱۹/۱۳

توانگری بنده، از خداست

وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وُسْعِي، وَ لَا أَطْعَيْنَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَجْدِي

و (چنان کن که) فقیر نگردم، در حالی که دارایی ام از نزد تو می باشد و سرکشی نکنم، در حالی که توانایی ام از نزد

توست. ۱۴/۲۰

عطای توانگری به بنده، قبل از خواهش او

فَأْتُنِّي عَلَيَّ... قَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدِّهِ

پس پیش از درخواست، با توانگری بر من منت گذار. ۲۰/۲۰

توانگری خدا و آزمایش بنده

لَا تَقْتِنِي بِالسَّعَةِ

به توانگری آزمایشم مکن. ۲۲/۲۰

حفظ آبروی بنده، به توانگری

اللَّهُمَّ... صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ

خداوندا آبرویم را با توانگری حفظ کن.

۲۶/۲۰

روا ساختن درخواست بنده، در توانگری و تنگ دستی اش

وَلَا تَجْعَلْنِي... آيسًا مِنْ اِجَابَتِكَ لِي وَ اِنْ اَبْطَأْتُ عَنِّي، فِي... جِدِّهِ اَوْ لَأَوْاءِ

و مرا ناامید از اجابتت - گرچه دیر شود - قرار نده، در توانگری باشم یا تنگ دستی.

توانگری خدا و گشودن دست بنده

بَسَعَتِكَ فَأَبْسُطْ يَدِي

به توانگری ات گشاده دستم گردان. ۴/۲۲

توانگر و بخشنده بودن خداوند

فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

زیرا تو توانگرِ بخشنده ای. ۲۸/۴۸، ۷/۲۲

توانگری نسبت به همسایگان

وَوَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... الْعُودِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَالْإِفْضَالِ

آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در رسیدگی با ثروت و بخشش فراوان به آنان، توفیق ده. ۲/۲۶

رهاندن بنده از ذلت و ام، با توانگری

أَجْرَنِي مِنْهُ بُوْسَعٍ فَاضِلٍ أَوْ كَفَافٍ وَاصِلٍ

مرا با ثروت فراوان و روزی کافی، از آن

(قرض) نجات ده. ۲/۳۰

توانگری خدا و بخشش پاداش به بندگان

فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش. ۵۰/۴۵

شگفت از توانگری بسیار خدا

سُبْحَانَكَ مِنْ... جَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ

پاک و منزهی! ای بخشنده که بسیار توانگری!

۲۴/۴۷

توانگری خدا، و چشاندن مزه فراغت به بنده

أَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ

به وسیله توانگری ای از توانگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری، به من بچشان. ۱۲۵/۴۷

توانگری و پناه دهی خداوند

وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ

و به وسیله آنان، به درگاهت رومی آورم که مرا از شرّ این و آن پناه دهی. پس به درستی که این (کار) در برابر توانایی ات بر تو دشوار نیست.

۱۶/۴۹

توبه

راهنمایی بندگان، به (حقیقت) توبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ

و سپاس خدای را که ما را به توبه ای ره نمود که جز به فضل او، آن را به دست نیاوردیم. ۲۲/۱



فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ

البته روش او در (قبول) توبه، برای کسانی که پیش از ما بودند، این چنین نبوده و از (دوش) ما آنچه به آن طاقت نداریم برداشته. ۲۳/۱

توبه، محبوب خداوند

صَيَّرْنَا إِلَىٰ مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ

ما را به سوی توبه پسندیده خود بیر. ۱/۹

توبه الهی (بازگشت خدا از کیفر بنده)

اللَّهُمَّ وَ مَتَىٰ وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النِّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است و بازگشت را در آنکه دوامش طولانی است قرار ده.

۲/۹

ص : ۳۸۶

ناامید نشدن از خدا، با وجود در توبه

سُبْحَانَكَ، لَا أَيْسُ مِنْكَ وَقَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ

پاک و منزهی تو، از تو که در توبه را به رویم گشوده ای، ناامید نمی شوم. ۷/۱۲

رو آوردن به خدا، با توبه خالص

تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ

با توبه به تو روی آورده و خالصانه برای تو توبه می کند. ۸/۱۲

عادت کردن بندگان، به توبه پذیری خدا

يَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ

ای آنکه بندگانش را به قبول پشیمانی عادت داده است. ۱۰/۱۲

توبه و اصلاح تباهی های بندگان

يَا مَنْ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ

ای آنکه فاسد ایشان را با توبه اصلاح کرده است. ۱۰/۱۲

احسان الهی به توبه کننده

مَا أَنَا بِأَظْلَمَ مَنْ تَابَ إِلَيْكَ فَعُدَّتْ عَلَيْهِ

من ستمکارتر از توبه کننده به درگاهت که توبه او نیکی نموده ای، نمی باشم. ۱۱/۱۲

ویژگی های توبه

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَى مَا فَرَطَ مِنْهُ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو باز می گردم، بازگشت کسی که از آنچه از او سر زده، پشیمان است. ۱۲/۱۲

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةِ

خداوندا من به درگاهت توبه می کنم، توبه کسی که نافرمانی از ذهنش نمی گذرد. ۱۴/۳۱

آگاه نمودن بنده، برای توبه

...أَمْ وَقْتُ الْعَلَّةِ الَّتِي مَحَّضْتَنِي بِهَا... تَنْبِيهَا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ

...یا وقت بیماری که مرا با آن نجات دادی تا برای فراگرفتن توبه آگاهی باشد. ۴/۱۵

پاک کردن بنده، با توبه

وَ طَهَّرَنِي بِالتَّوْبَةِ

و با توبه پاکم گردان. ۳۳/۱۶

پذیرفتن توبه بنده

وَ قَدْ قُلْتُ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ... فَأَقْبَلُ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه بندگانت را می پذیری. پس همانگونه که وعده دادی، توبه ام را

پذیر. ۱۵/۳۱

ص : ۳۸۷

وَاقْبَلْ تَوْبَتِي

و توبه ام را قبول کن. ۲۹/۳۱

فَارْحَمْنِي... وَ تُبَّ عَلَيَّ

پس بر من رحم کن و توبه ام را بپذیر. ۷/۵۰

خدا، دوستدار توبه کنندگان

وَ قَدْ قُلْتَ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ... تُحِبُّ التَّوَّابِينَ

و ای خدای من، در کتاب استوارت فرموده ای همانا توبه کنندگان را دوست می داری. ۱۵/۳۱

يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ

ای دوستدار توبه کنندگان. ۳/۳۸

وفای به توبه، با عصمت الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ

خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست. ۱۹/۳۱

توبه شکنی و بازگشت به گناه

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداوندا، هر بنده ای که به در گاهت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس

همانا من به تو پناه می برم که اینچنین باشم. ۲۰/۳۱

توبه و نتایج آن

فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا أحتاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ

پس این توبه ام را گردان که پس از آن، به توبه ای نیازمند نشوم. توبه ای سبب محو آنچه گذشته و سلامتی در آنچه

مانده است. ۲۰/۳۱

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَيَّ حِيَالِهَا مِنْ تَبَعَاتِكَ

خداوندا و همانا من به درگاهت توبه می کنم. توبه ای که با آن هر عضوی به سهم خود از کیفرهایت سالم ماند. ۲۲/۳۱

وَ اجْعَلْ... عَزْمِي عَلَىٰ تَرْكِ مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند. ۳/۳۸

توبه و پناه بردن به خدا

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِنِّي بِسُوءِ أَثْرِي... لَكِنْ لَتَسْمَعَ سَمَاوَةٌكَ وَ مَنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا... لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ

پس هر چه گفتم، از جهل به بدی کردارم نیست. بلکه برای آن است که آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن است، توبه ای که به سبب آن به درگاهت پناه بردم را

ص : ۳۸۸

تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ... عَاذَ بِاسْتِعْفَارِكَ تَائِبًا

در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال توبه، پناه به آمرزش خواستن از تو آورده. ۸۶/۴۷

از نخستین توبه کنندگان بودن

إِنْ يَكُنِ التُّرُكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِيَابَهُ فَأَنَا أَوَّلُ الْمُتَّيِبِينَ

اگر ترک معصیت تو، بازگشت است، پس من نخستین بازگشت کننده ام. ۲۸/۳۱

توبه و پشیمانی به سوی خدا

اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَوَّلُ النَّادِمِينَ

خداوندا اگر پشیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم. ۲۸/۳۱

پذیرش توبه گنهکاران

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ

همانا تو توبه گنهکاران را می پذیری. ۲۹/۳۱

ناامیدترین توبه کننده

وَلَا أَكُنْ أَحْبَبَ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ

و مبادا من بی بهره ترین بندگان توبه کننده ات باشم. ۱۵/۳۲

کوشش برای توبه نابودکننده (ی بدی)

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعُورَةِ، وَ أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ وَاعْظَا لَنَا... وَ سَعِيَا إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاحِيَةِ

پس آن عیب ها که پوشاندی و بدی ها که پنهان نمودی، برای ما پنددهنده و کوشش به توبه محوکننده قرار ده. ۳/۳۴

رغبت به خداوند و توبه به درگاه او

إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَمِنَ الذُّنُوبِ تَائِبُونَ

زیرا ما به سوی تو راغب هستیم و از گناهان، توبه کننده ایم. ۴/۳۴

توبه، پشیمانی از لغزش و عزم ترک بدی

وَاجْعَلْ نَدَامَتِي عَلَى مَا وَقَعْتُ فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ، وَعَزْمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ تَوْبَةً تُوجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ

و پشیمانی ام را از لغزش هایی که به آن دچار شدم، و عزمم را بر ترک بدی هایی که برایم پیش آید، توبه ای قرار ده که دوستی تو را نسبت به من لازم گرداند. ۳/۳۸

مردن به همراه توبه

أَمْتَنَا... تَائِبِينَ غَيْرِ عَاصِينَ وَلَا مُصِرِّينَ

ما را توبه کنندگان غیر گنهکار و اصرارنکننده، بمیران. ۵/۴۰

توفیق توبه کردن، در هر ماه نو

ص : ۳۸۹

و وَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ

و ما را در آن (ماه) برای توبه توفیق ده.

۶/۴۳

کیفر معصیت کار و توبه

و تَلَقَّيْتِ مَنْ عَصَاكَ بِالْحَلْمِ... وَ تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ

و با کسی که نافرمانی ات را نموده، با بردباری رفتار می کنی و تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی. ۹/۴۵

فرمان خدا، به توبه نصوح

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا...

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. ۱۰/۴۵

توبه، دری گشوده شده به سوی عفو الهی

أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ، وَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ

تویی آنکه برای بندگانت، دری به سوی بخشایشت گشوده ای و آن را توبه نامیده ای.

۱۰/۴۵

توبه نمودن در روز عید فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا... تَوْبَةً نَصُوحًا خَلَصْتُ مِنَ الشُّكِّ وَ الْإِزْتِيَابِ

خداوندا ما در روز فطرمان به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک

باشد. ۵۲/۴۵

توبه کنندگان و دوستی خدا برای آنها

وَ اجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ الَّذِينَ أُوجِبَتْ لَهُمْ مَحَبَّتُكَ، وَ قَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِكَ

و ما را در نزد خود از توبه کنندگانی قرار ده که دوستی ات را برای آنها واجب نموده ای، و بازگشت به طاعتت را از آنان



پذیرفته ای.

۵۴/۴۵

پذیرش توبه دوستاناران ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... وَ تُبِّ عَلَيْهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها درود فرست و توبه آنان را بپذیر. ۶۴/۴۷ و ۶۵

توبه پذیر بودن خداوند

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

به درستی که تویی توبه پذیر بسیار مهربان.

۶۵/۴۷، ۷/۵۰

توبه و طلب قرب الهی

وَ إِنِّي وَإِنْ لَمْ أُقَدِّمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی

ص : ۳۹۰

جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو را، در پی آن روانه ساخته ام.

۷۳ و ۷۲/۴۷

پذیرش توبه نصوح، از بنده

تُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نُّصُوحًا لَأُتْبِقَ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا تَذَرُ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سِرِيرَةً

توبه ام ده، به توبه خالصی که با آن گناهان کوچک و بزرگ را باقی نگذاشته و با آن (گناهان) آشکار و نهان را وانگذاری. ۱۲۶/۴۷.

گشودن در توبه، به سوی بنده

اَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ...

درهای توبه ات را بر من بگشای. ۱۳۲/۴۷.

توبه کنان، از گناهان گریختن

مِنْهَا فَوَزْتُ إِلَيْكَ رَبِّ تَائِبًا فُتِبَ عَلَيَّ

پروردگار من، از آن (گناهان)، با حال توبه به سوی تو گریخته ام، پس توبه ام را بپذیر. ۸/۵۱.

توبه نمودن بنده از:

أ. گناهان کوچک و بزرگ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاہت توبه می کنم.

۱۴/۳۱

ب. انجام امور خلاف اراده الهی

اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته توست، به درگاہت توبه می کنم.

توبیخ سرزنش

توجه روی آوری و نیز اهتمام

نبرد دورکننده ای برای آنچه خدا متوجه ساخته

لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهَتْ

برای آنچه بر من فرستادی، دورکننده ای نیست. ۷/۷

توجه به غیر خدا

لَا تُوجِّهْنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَغَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ

در این حاجت و دیگر حاجتها، مرا به غیر خود متوجه نساز. ۲۲/۱۳

توجه خدا، به درخواست های بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيًّا

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را

ص : ۳۹۱

اصلاح می کند می دانی. پس به درخواست هایم عنایت فرما. ۱۰/۲۲

متوجه گرداندن انفاق بنده، در راه خیر

وَجَّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ انْفَاقِي

انفاق نمودنم را در مسیرهای خیر متوجه ساز.

۳/۳۰

خواهش خود را به سوی خدا متوجه گرداندن

وَجَّهْ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ ثَقَّ بِكَ

با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است. ۸/۳۱

توجه رحمت الهی، بر بنده

اللَّهُمَّ وَمَنْ... تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبِهِ... عَطَفْتَ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که رحمت را به او برگردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش. ۵۰/۴۵

توحید

اخلاص در توحید

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا... دَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ

و سپاس خدای را که ما را به اخلاص در یگانگی اش راهنمایی نمود. ۱۰/۱

اخلاص داشتن در وحدانیت خدا

اللَّهُمَّ وَ اعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ... أَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که به یگانگی ات اخلاص ورزید، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

دشمن و اعتراف به یگانگی خدا

وَ أَمْدُدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُؤَدِّينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطِعِ الثَّرَابِ قَتَلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسِيرًا، أَوْ يُقْرِؤُوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

۸/۲۷

خدا و یکتایی در عدد

لَكَ يَا إِلَهِي وَحْدَانِيَّةُ الْعَدَدِ

خداوندا یگانگی شمار از آنِ توست. ۱۰/۲۸

یگانگی خداوند

إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ

به درستی که تو تنها یکتایی. ۵/۳۵

ص : ۳۹۲

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ الْفَرْدُ الْمُتَقَرَّدُ

تویی خدایی که معبودی جز تو نیست. یکتای یگانه تنهای بی نظیر. ۳/۴۷

سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتَ مَنْ وَحَدَّكَ وَ مَنْ كَفَرَ بِكَ

پاک و منزهی! مرگ را برای همه آفریدگانت - آنکه تو را یگانه دانست و آنکه به تو کفر ورزید - رقم زده ای. ۵/۵۲

يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز، ای که نزائیده و زائیده نشده ای و برای او همتایی نبوده است.

۲/۵۴

دور گرداندن بندگان، از الحاد در توحید

وَ جَبَّبْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ

و ما را از کجروی در یگانگی ات دور گردان.

۱۳/۴۴

بنده، و پیش فرستادن یگانه دانستن خدا

وَ إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی یگانه دانستن تو را، پیش فرستاده

۷۲/۴۷.م

قرار گرفتن در زمره یکتاپرستان

اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ

خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود قرار ده. ۱۲/۴۸

یگانه دانستن خدا، دستاویز بنده به سوی او

وَ وَسَّيَلْتِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدُ

و وسیله من به سویت یگانه دانستن توست.

۳/۴۹

توسعه گسترش

توسل

عمل مستحبی و توسل بنده به خدا

وَلَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلِهِ مَعَ كَثِيرٍ مَّا أَغْفَلْتُ مِنْ وُظَائِفِ فُرُوضِكَ

و من هیچ گاه با فضیلت (عمل) مستحب به سویت توسل نمی جویم، با آنکه از بسیاری از شرایط واجبات غفلت نمودم. ۱۸/۳۲

توشه آذوقه

توشه تقوای بندگان

ص : ۳۹۳

وَزُوْدُنَا مِنَ التَّقْوَىٰ ضِدًّا غَوَايَتِهِ

و بر ضد گمراهی او (شیطان)، ما را از پرهیزکاری توشه ده. ۵/۱۷

توشه بنده، از دنیا

وَ اجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي

و پرهیزکاری را توشه من از دنیا قرار ده.

۱۱/۲۱

دشمنان و توشه آنها

وَ بَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ اَزْوَدَتِهِمْ

و میان آنها و زاد و توشه اشان جدایی انداز.

۵/۲۷

توصیف

عجز از توصیف خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِي... عَجَزْتُ عَنْ نَعْتِهِ اَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ

سپاس خدای را، همان که پندارهای وصف کنندگان از وصفش عاجز است. ۱/۱ و ۲

وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ الصِّفَاتُ

و توصیف ها پیش از رسیدن به وصف تو، از هم گسیخته اند. ۱۲/۴۶

توصیف حیوان صفتان، در قرآن کریم

وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْاِنْسَانِيَّةِ اِلَىٰ حَيْدِ الْبَهِيْمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: اِنْ هُمْ اِلَّا كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبِيْلًا

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیت خارج شده، به مرز حیوانیت رومی آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب

محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.» ۹/۱



شیرینی زبان بندگان، در توصیف خدا

وَ اجْعَلْ... انْطَلِقَ اَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِتِّكَ

و خوش سخنی هایمان را در بیان نعمت بزرگ خود قرار ده. ۱۴/۵

خدا و توصیف نمودن خود به رحمت

أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ

تویی آنکه خود را به رحمت وصف نموده ای.

۱۸/۱۶

بر نیامدن توصیف کنندگان، از وصف خدا

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ

خداوندا ای کسی که توصیف وصف کنندگان، او را نمی ستایند. ۱/۳۱

منتهای توصیف واصفان، و پایین ترین مرتبه وصف الهی

ص : ۳۹۴

وَلَا يَبْلُغُ أُذُنِي مَا اسْتَأْثَرْتُ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى نَعْتِ النَّاعِيَتَيْنِ

و آخرین وصف ستاینندگان، به پایین ترین مرتبه ای که به خود اختصاص داده ای، نمی رسد.

۶/۳۲

توصیف جنین، در کتاب خدا

تُصَرِّفُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ... كَمَا نَعَتَ فِي كِتَابِكَ: (نُطِفَةٌ ثُمَّ عَلَقَةٌ ثُمَّ مُضْغَةٌ ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ كَسَوَتْ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِي خَلْقًا آخَرَ) كَمَا شِئْتَ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خون بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آنچنانکه خواستی، آفرینشی دیگر دادی. ۲۳/۳۲.

توصیف نشدن خدا، جز به احسان

فَتَبَارَكْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ

پس والاتر از آنی که جز به احسان وصف شوی. ۱۶/۳۷.

وصف گشتن مخلوق

وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَكَ مِنْكَ كَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ، وَ مَنُوعُوتًا بِالْإِمْتِنَانِ

و اگر آفریده ای از جانب خودش آفریده ای را، به مانند آنچه تو با آن بندگان را از جانب خود راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به احسان وصف می شد و به بخشندگی تعریف می گشت. ۱۷/۴۵.

توصیف حجت و دلیل الهی

حُجَّتُكَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا

حجت تو بزرگ تر از آنست که به همه آن وصف شود. ۲۳/۴۶.

توفیق

توفیق دادن بنده، از جانب راهنماترین کس

وَوَفَّقْنِي يَا أَهْدَىٰ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ

و مرا توفیق ده. ای راهنماترین کسی که به او رغبت شده. ۱۱/۲۴

اطاعت خدا و توفیق یافتن در راه راست

وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُؤَفَّقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با فرمانبری تو به کار خیر و رشد و صواب، موفق گشته اند، قرار ده.

۱۱ و ۱۰/۲۵

ص: ۳۹۵

درخواست توفیق برای همسایگان

وَ تَوَلَّنِي فِي حَيْرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا... وَ وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حق ما هستند، یاری فرما. و آنان را برای به پا داشتن سنت توفیق ده. ۱/۲۶ و ۲/۲۶

پند گرفتن دوراندیش و توفیق وی

فَصَحَّ بِمُعَايَنَةِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَّقَهُ اعْتِبَارُهُ

پس (شخص) دوراندیش، با دیدن امثال ایشان سالم ماند. پند گرفتن سبب توفیق او شد.

۷/۲۸

رسیدن به توفیق در کردار

وَ زِدْنِي مِنْ هُدَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي

و هدایت خود را برایم بیفزای، که با آن به توفیق در عملم برسم. ۱۶/۳۷

دوام توفیق

فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ دَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلْمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ

پس ای خدای من، از رحمت و توفیق همیشگی ات مرا چیزی ببخش که آن را نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم.

۱۷/۴۹

از خدا درخواست نمودن توفیق:

أ. پذیرش مقدرات

وَ وَفَّقْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَ عَلَيَّ

خداوندا مرا توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدر نمودی، پذیرا باشم. ۱۳/۱۴

ب. فرمانبری و پیروی از راهنما

وَوَفَّقْنِي لِمَا أُرِيدُ، وَتَتَابَعَهُ مَنْ أُرِيدُ

و مرا به اطاعت از آنکه به راه راست استوارم گرداند و پیروی از کسی که ارشادم کرد، توفیق ده. ۸/۲۰

ج. رفتار خالصانه با خیانتکار

وَوَفَّقْنِي لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ

و مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم.

۹/۲۰

د. داشتن روشی پاکیزه تر

وَوَفَّقْنِي لِلَّتِي هِيَ أَزْكَى

و مرا به پاکیزه ترین روش توفیق ده.

۱۶/۲۰

ه. (آشنا شدن با) درست ترین کارها

وَوَفَّقْنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَائِهَا

و آنگاه که کارها بر من درهم گشت، به راست ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

ص : ۳۹۶

و. (انجام) پاکیزه ترین کردارها

وَفَّقْنِي... إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَرْكَاهَا

هنگامی که اعمال شبیه (یکدیگر) گردید، به پاکیزه ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

ز. (پیروی از) پسندیده ترین مذاهب

وَفَّقْنِي... إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا

و زمان تناقض آئین ها، به پسندیده ترین آنها توفیقم ده. ۲۱/۲۰

ح. انجام واجبات

وَ أَقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ وَجْهِ طَاعَتِكَ أَوْ لِحَلْقٍ مِنْ خَلْقِكَ

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت یا برای آفریده ای از آفریدگانت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق

ده. ۶/۲۲

ط. انجام آنچه بنده به آن بینا شده

وَ وَفَّقْنِي لِلنَّفُودِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ...

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. ۳/۲۴

ی. انجام اعمال شوینده چرکی خطایا

وَ وَفَّقْنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي

و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده. ۱۳/۳۱

ک. توبه نمودن در هر ماه نو

وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ

و ما را در آن (ماه) برای توبه توفیق ده.

ل. انجام اموری در ماه رمضان

وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ، وَ أَنْ نَتَعَاهِدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَ أَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبَعَاتِ، وَ أَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم و با فضل و عطا، همسایگانمان را دلجویی نماییم. و دارایی هایمان را از مظالم خالص گردانیم و آن را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم. ۱۰/۴۴

م. (عبادت) در ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي... وَفَّقْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهَلَ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را برای آن به وسیله نعمت، توفیق دادی، آنگاه که تیره بختان، وقت آن را

نشناختند. ۴۳/۴۵

ص : ۳۹۷

آنچه به توفیق الهی انجام می شود:

أ. برخاستن از لغزش ها

وَنَهَضْتُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ زَلَّتِي

و با توفیق تو از لغزیدنم برخاستم.

۱۶/۱۳

ب. اطاعت خداوند

قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ

با آن (تندرستی) بر طاعت خود توفیقم داده، توانایم گرداندی. ۳/۱۵

ج. یاری شدن بر مخالفت با شیطان

اللَّهُمَّ... أَحْسِنُ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ

خداوندا به توفیق خود ما را بر ضد او، نیکو یاری نما. ۷/۱۷

د. عطا فرمودن خواسته های بندگان

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ

خداوندا به توفیق و رحمت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما. ۱۲/۲۵

ه. رهایی یافتن از مهلکه های گنهکاران

اجْعَلْنِي أُسْوَةً مَنْ قَدْ... خَلَّصْتَهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُنْجَرِمِينَ

مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی. ۱۰/۳۹

و. روزه و به پا خاستن، در ماه رمضان

وَقَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ

و ما را -با (همه) کوتاهی (کردن هایمان)- توفیق دادی تا روزه اش و به پا خاستنش (در شبانگاه) را عهده دار شویم. ۴۴/۴۵



ز. ادای حقّ الهی

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... وَفَقَّتَهُ لِحَقِّكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که برای ادای حقّ خود، به وی توفیق دادی. ۶۷/۴۷

ح. نیرومند ساختن بنده

وَ أَيْدِنِي بِتَوْفِيقِكَ وَ تَشْدِيدِكَ

و مرا به توفیق و راهنمایی ات، نیرو ده.

۱۱۳/۴۷

توکل

بی نیاز کردن شکایت کننده متوکل

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... مُغْنٍ مَنْ شَكَأَ إِلَيْكَ، فَقَرَهُ تَوَكُّلاً؟

ای خدای من آیا تو هر کس را که از تهی دستی اش با توکل، به سوی تو شکایت کرد، بی نیاز می سازی؟ ۱۵/۱۶

باز داشته نشدن کامیابان (اجابت شدگان)، با توکل

ص : ۳۹۸

وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُوءِ الْإِيَّاكَ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ غَيْرِ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ

و مرا در همه آن (امور) به خاطر درخواستم از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. که با توکل بر تو، (از لطف) بازداشته نشدند. ۱۰/۲۵

توکل به بی نیازکننده ترین کس

إِنَّكَ... أَكْفَى مَنْ تُوَكَّلَ عَلَيْهِ

به درستی که تو بی نیازکننده تر کسی هستی که بر او اعتماد شده. ۵۶/۴۵

روی آوردن خدا، به توکل کننده

وَ تَلْقَى مَنْ تُوَكَّلَ عَلَيْكَ

و به کسی که بر تو اعتماد کرده، رو می آوری.

۱۲/۵۱

توکل به خدا، و جود و بخشش او

وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ عَلَى جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَتَكِلُ

و فقط بر تو توکل می کنم و تنها بر بخشش و بزرگواری تو دل می بندم. ۱۱/۵۲

بخشیدن صدق توکل، به بنده

وَ هَبْ لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ

و توکل راستین به خود را، به من ارزانی دار.

۴/۵۴

یقین توکل کنندگان و توکل مؤمنان

أَسْأَلُكَ... يَقِينِ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَ تَوَكُّلِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ

یقین توکل کنندگان بر تو و توکل مؤمنان بر تو را، از تو درخواست می نمایم. ۵/۵۴

توهین اهانت

تهاجم حمله

تهجد شب زنده داری

تهمت

مورد تهمت نبودن اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

وَلَا يَتَّبِعُونَهُمْ فِيمَا أَذْوَأَ إِلَيْهِمْ

و به آنچه آنها رساندند، تهمت نمی زنند.

۱۲/۴

تهمت نزدن پیروان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

صَلَاةً... تَبَعْتُهُمْ بِهَا عَلَى... الطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَ تَرَكَ التُّهْمَةَ فِيمَا تَخَوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ

درودی که به سبب آن ایشان را بر طمع در آنچه نزد تو است و ترک تهمت در آنچه که در دست بندگان است،

برانگیزی. ۱۴/۴ و ۱۵

متهم نبودن خدا

ص : ۳۹۹

...لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّبِعٍ عَلَى خَلْقِكَ وَلَا لِإِرَادَتِكَ

...برای اینکه تو به آن داناتری و در آفریدنت و اراده ات متهم نیستی. ۹/۴۸

تهمت زدن حسود

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَ حَرْنِي بِقَرْفِ عَيْوَبِهِ

و چه بسیار حسودی که با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشم بر من پر ساخت. ۹/۴۹

تهی خالی

تهی دستی تنگ دستی

تیر

تیرهای ترس از فراق

وَ تَجَلَّىٰ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَائِبِ بِأَسْهُمِ وَحْشَةِ الْفِرَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان ها)، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد.

۱۳/۴۲

دشمن و آماج تیرهایش

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... سَدَّدَ نَحْوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ

پس چه بسیار دشمنی که تیرهای هدف گیری خود را، به سوی من نشانه گرفت. ۴/۴۹

آبروی بنده، هدف تیرهای حسود

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... جَعَلَ عَرَضِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ

و چه بسیار حسودی که آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد. ۹/۴۹

تیرگی ظلمت

تیره نمودن بخشش، با منت

وَيَا مَنْ لَا يُكَدِّرُ عَطَايَاهُ بِالْإِمْتِنَانِ

و ای آنکه با منت گذاشتن، بخشش هایش را تیره نمی سازد. ۴/۱۳

تیره نساختن احسان الهی، بر بنده

وَلَمْ تُكَدِّرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِي

و نیکی ات را به من تیره نساختی. ۳۲/۱۶

تیزی

شکسته شدن تندی و تیزی سختی ها

وَيَا مَنْ يُفْتَنُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ

و ای کسی که شدت دشواری ها با او آرام می گردد. ۱/۷

تندی غضب

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سَوْرَةِ الْغَضَبِ

خداوندا به تو پناه می برم از شدت خشم.

۱/۸

ص : ۴۰۰

شکستن برندگی و تیزی دشمن

وَ خُذْ ظَالِمِيَّ وَ عَدُوِّيَّ عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ، وَ أَفْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ

و ستم کننده به من و دشمنم را با نیروی خود از ستم کردن به من بازدار. و با توانایی خود برندگی اش را از من بردار. ۶/۱۴

ثُمَّ فَلَلْتُ لِي حَدَّهُ

سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی.

۶/۴۹

سلاح هایی برنده

وَ أُعْطِيهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَهُ مَا ضِيَّهٖ

و سلاح های برنده بر ضد او (شیطان) به آنان عطا فرما. ۱۰/۱۷

تیز ساختن سلاح مرزداران اسلام

وَ أَشْحَذُ أَسْلِحَتَهُمْ

و سلاح (جنگی) شان را تیز کن. ۲/۲۷

تیزی لبه تیغ دشمن

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... شَحَدَ لِي ظُبَّهٖ مُدِّيَّتِهِ، وَ أَزْهَفَ لِي شَبَا حَدِّهِ

پس چه بسیار دشمنی که لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد.

۴/۴۹

حسود و تیزی زبانش

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَد... سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ

و چه بسیار حسودی که با زبان تیزش مرا آزرده. ۹/۴۹

ص : ۴۰۱



ثبات همیشگی

ثروت دارایی

فخرفروشی ثروتمندان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... مَبَاهَاهِ الْمُكْثَرِينَ

خداوندا به تو پناه می برم از فخرفروشی ثروتمندان. ۱/۸ و ۳

پناه خواهی از شرّ ثروتمند خوشگذران

وَ أَعِزَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي ... مِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرَفِّ حَفِيدٍ

و من و فرزندانم را از شرّ هر مُرَفَّه نازپرورده پناه ده. ۶/۲۳

ثروت طلبیدن، از غیر خدا

فَكَمْ قَدَرَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند. ۶/۲۸

برتر پنداشتن ثروتمند

وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ ... أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَةٍ فَضْلًا

و مرا از اینکه به ثروتمندی گمانِ فضل برم، حفظ فرما. ۴/۳۵

ثروتی همیشگی

وَ مَتَّعْنَا بِثَرْوَةٍ لَا تَنفَدُ

و ما را ثروتی که نابود نشود، ببخش. ۵/۳۵

ثمره میوه

ثنا سپاس



ثواب پاداش

ص: ۴۰۳



جابه جایی

عَلَّتْ جَابَهُ جَانِشْدَن كُوه هَا

...فَصَلَّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ الْمُؤَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و گمارده شدگان به کوه ها تا جابه جا

نگردد. ۱۵ و ۱۱ و ۳/۱۰

جاری روان

جالب

جالب ترین روزها

وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَ فِطْرِنَا، وَ اجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلِبِهِ لِعَفْوٍ

و برای ما روز عید و فطرمان را مبارک گردان. و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته است قرار ده که جالب ترین روز، برای عفو باشد.

۴۸/۴۵

جام

فرشته مرگ و جام زهر آگینش

وَ تَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضَةِهَا مِنْ حُجْبِ الْعُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَائِبِ بِأَسْدِهِمْ وَ حَشَّهِ الْفِرَاقِ، وَ دَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ كَأَسَا مَسْمُومَةَ الْمَدَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن، از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد. ۴۲/۱۳

سیرابی از جام پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَوْرَدْنَا حَوْضَهُ، وَ اسْقَيْنَا بِكَأْسِهِ

و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز. ۴۲/۲۰

جام های حاجات

وَ اَمْتَلَأْتُ بِفَيْضِ جُودِكَ اَوْعِيَهُ الطَّلِبَاتِ

و ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است. ۱۲/۴۶

جامه لباس

جانشین

جانشینی جنگجو، در امور خانه اش

ص: ۴۰۵

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَاجْزِ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

جانشینان خداوند، در زمین

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ... خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ

پروردگار من، بر پاکیزه تران خانواده اش درود فرست، آنان که برای فرمان خود برگزیدی و آنان را جانشینان خود در زمینت قرار دادی. ۵۶/۴۷.

جانشینان خدا و مقام (نماز عید قربان و جمعه)

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِيُخْلَفَاكَ وَ أَصْفِيَاكَ

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگان است. ۹/۴۸.

از دست رفتن حق جانشینان خداوند

...حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَرِينَ

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب و شکست خورده شده، حقوقشان به غارت رفت.

۹/۴۸

جانشینان الهی و آنچه دیده اند

...حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ... يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَ كِتَابَكَ مَبْثُودًا...

...تا اینکه برگزیدگان و جانشینان تو، مغلوب شده. می بینند که احکامت تغییر یافته و کتاب تو دور افتاده است. ۹/۴۸.

جاوید همیشگی

جایگاه

جایگاه گواهان

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... يُشْرَفُ بِهِ مَنَازِلُنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، منزلت ما را در جایگاه های گواهان، شرافت (و آبرو) دهد.

۱۰/۱۲

جایگاه پر برکت همیشگی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نُضَامُ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ، وَ مَحَلُّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است و محل کرامتی که همیشگی است.

۱۰/۱۶

ص: ۴۰۶

هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از قدمگاه (پرورشگاه) خود، به جای دور

وَ هَاجَرَ إِلَى... مَحَلِّ النَّأْيِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ

و از جایگاه اقامتش و قدمگاهش، به محل دور هجرت نمود. ۱۶/۲

جایگاه واجبات

وَ يَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَ مَنَازِلِ فُرُوضِهِ

و می نگرد آنها در اوقات طاعت و جاهای واجباتش چگونه اند. ۷/۶

جای دادن آفریدگان، در آسمان و زمین

وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ سَائِرِ خَلْقِكَ...

و آسمانت و زمینت و آنچه در آن دو جای دادی از فرشتگان و سایر آفریدگانت را شاهد می گیرم. ۲۱/۶

گواه گرفتن جایگاه بنده، در شهادت به یکتایی خدا

وَ أَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ... فِي يَوْمِي هَذَا... وَ مُسْتَقَرِّي هَذَا، أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و آسمانت و زمینت را در این روز و این جایگاه شاهد می گیرم که من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی

نیست. ۲۱/۶

بدی جایگاه بنده

فَارْحَمْ... سُوءَ مَوْفِي

پس بر بدی جایگاهم رحم کن. ۳۲/۱۶

آماده نساختن جایگاهی، برای شیطان

اللَّهُمَّ... لَا تُوْطِنَنَّ لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مَنْزِلًا

خداوندا او را در آنچه نزد ماست، منزل نده.

جایگاهی استوار از شرّ شیطان

وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا... مِنْهُ فِي حِزِّ حَارِزٍ

و پدران و مادرانمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم قرار ده. ۱۰/۱۷

قرار دادن جای بنده، در بهشت

وَ اجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوًى

و سرای مرا در بهشت مقرر گردان. ۱۱/۲۱

رساندن والدین به جایگاه آسایش (در بهشت)

وَ بَلِّغُهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ

و ایشان را با کرامت به جایگاه های سلامتی رسان. ۱۴/۲۴

جایگاه آمرزش الهی

وَ إِن سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ

ص: ۴۰۷



و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو و محل آمرزش و رحمت  
گرد آیم. ۱۵/۲۴

نمایان ساختن جاهای همیشگی (بهشتی)

و لَوْحٍ مِنْهَا لِلْبَصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از خانه های همیشگی، در مقابل دیدگان نشان نمایان ساز. ۴/۲۷

نمایان ساختن منازل کرامت

و لَوْحٍ مِنْهَا لِلْبَصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از سراهای کرامت، در مقابل دیدگان نشان نمایان ساز.

۴/۲۷

جایگاه بنده، جایگاه مغلوب شده شیطان

هَذَا مَقَامٌ مَنْ... اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ

این مقام کسی است که شیطان بر او چیره گشته. ۶/۳۱

گناهان و ماندگار نمودن بنده، در جایگاه رسوایی

فَقَدْ أَقَامْتَنِي يَا رَبُّ دُنُوبِي مَقَامَ الْخِزْيِ بِفِنَائِكَ

پس ای پروردگار من، گناهانم به درگاهت، مرا در جایگاه رسوایی ماندگار نموده. ۲۳/۳۱

بدی جایگاه بنده

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِشَوْءٍ مَوْقِفِي

شاید برخی از آنها به رحمتت بر بدی جایگاهم، به من رحم کند. ۲۷/۳۱

مواضع احکام و حدود الهی

و تَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ انْتَهَكْتُهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام. ۱۸/۳۲

جایگاه حاضران و رسوایی های بنده

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بَعْفُوكَ... فَأَجْرَنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایش پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان، مرا ایمن

ساز. ۲۱/۳۲

جایگاه رضای خداوند

وَلَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَتَنْعِمِطَ قَدْرَكَ، وَ نَكْرَهُ مَوْضِعَ رِضَاكَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم. ۳/۳۳

ص: ۴۰۸

نردبان رسیدن به جایگاه سلامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ، وَ سَلِّمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ

و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت و نردبانی برای عروجمان به محل سلامت، قرار ده. ۸/۴۲

جایگاهی در پیشگاه الهی

وَ أَرَوْهُ بِهٖ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ظَمًا هَوَّاجِرِنَا

و با آن، تشنگی شدید ما را در جایگاهی که در پیشگاه توست، سیراب فرما. ۱۱/۴۲

وَ اَرْحَمِ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا

و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

بهترین جایگاه، پس از دنیا

وَ اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا

و قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه های ما قرار ده. ۱۴/۴۲

تردد ماه، در منزلگاه های مقدر

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ... الْمُرْتَدُّ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ

ای آفریده فرمانبردار که در منزل های قرارداده شده، آمد و شد می کنی. ۱/۴۳

غفلت از آمدن به جایگاه (بهشت)

فَمَا عُدْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ الدَّلِيلِ

پس - بعد از گشودن در و به پا داشتن راهنما - عذر آنکه از ورود به آن منزل غفلت نماید چیست؟! ۱۱/۴۵

جایگاه رسوایی

وَ إِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحِهِ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ

و آن زمان که مرا در دنیایت در مقام رسوایی به پا نداشتی، پس مانند آن در آخرت مرا (در مقام رسوایی) به پا ندار. ۱۲۰/۴۷

مقام و جایگاه دوستان خدا

جَلَّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ

در مکان هایی که برای دوستان آماده کرده ای، به عطاهای ولایت مرا ببوشان. ۱۲۸/۴۷

جایگاه بنده، نزد خدا

وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ... مَثَابَةً أَيْبَوُوهَا

و برایم نزد خود جایگاهی که در آن اقامت گزینم، قرار ده. ۱۲۹/۴۷

جایگاه درستکاران

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعَ أُمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا

خداوندا، به درستی که این مقام، برای

ص : ۴۰۹

جانشینان و برگزیدگان و جایگاه امانت دارانت است، در درجه والایی که به ایشان اختصاص دادی. ۹/۴۸

جایگاه خواران گنهکار و بدبختان

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذِلَّةِ الْمُنْذِبِينَ: مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّينَ عَلَيْكَ

خود را در جایگاه خواران گناهکار، جایگاه بدبختانی که بر تو جرأت یافته اند، واداشته ام.

۲/۵۳

جایگاه بنده، در جوار خداوند

وَ اجْعَلْ... فِي جِوَارِكَ مَسْكِنِي

و خانه ام را در جوار خود قرار ده. ۷/۵۳

جایگزینی عوض

جبران

جبران فقر بنده

وَ اجْزُ بِالْقُرْآنِ خَلَّتْنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ

و به وسیله قرآن، تنگدستی ما را به نداشتن نیازمندی جبران کن. ۱۲/۴۲

وَ كَمْ مِنْ... عَدَمِ جَبْرَتٍ

و چه بسیار کمبودهایی که جبران نمودی.

۱۲/۴۹

جبران اندوه از دست رفتن ماه رمضان

اجْزُ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا

مصیبت ما را در (رفتن) ماه مان جبران کن.

۴۸/۴۵

جبرئیل

جبرئیل، امین وحی خدا

جِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ

جبرئیل امین وحی توست. ۴/۳

جبرئیل، پیروی شده در آسمان ها

جِبْرِيلُ... الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ

جبرئیل فرمانروا در میان اهل آسمان هایت است. ۴/۳

جبرئیل، ارجمند و مقرب در گاه الهی

جِبْرِيلُ... الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ

جبرئیل ارجمند در پیشگاه تو و مقرب نزد توست. ۴/۳

جدا کردن بریدن

جدال

زبانی (برهانی)، برای جدال

ص : ۴۱۰

وَاجْعَلْ لِي... لِسَانًا عَلَيَّ مَنْ خَاصَمَنِي

و برایم بر کسی که با من جدال کرد، زبانی قرار ده. ۸/۲۰

جدال نشدن، با خدا

سُبْحَانَكَ... لَا تُجَارَى وَلَا تُمَارَى

پاک و منزهی! نه با کسی کشمکش داری و نه بگو مگو می کنی. ۲۷/۴۷

جدایی

جدا نشدن فرشتگان، از تعظیم خداوند

وَ الَّذِينَ... لَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ...

و همانها که فراموشی غفلت ها، آنها را از تعظیم تو جدا نمی سازد... ۷/۳

فاصله انداختن خدا، بین شب و روز

...خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ وَ مَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ

شب و روز را به توانایی خود آفرید و به قدرت خویش بین آن دو فرق گذاشت. ۱/۶ و ۲

جدا شدن روز، از بندگان

وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ... إِنَّ أَحْسَنًا وَدَعْنَا بِحَمْدِهِ، وَ إِنَّ أَسْأَنًا فَارَقْنَا بِدَمٍّ

و این روزی نو و تازه است. اگر نیکی کردیم، با سپاس ما را بدرود گوید و اگر بدی کردیم، با

نکوهش از ما جدا شود. ۱۲/۶

بدی جدا شدن بنده، از روزها (ی سال)

وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ

و از بدی جدایی از آن (روز)، بر اثر انجام گناهی حفظمان کن. ۱۳/۶

رستاخیز، روز جدایی (حق و باطل)

اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي... إِلَى يَوْمِ الْفَضْلِ... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَيْدِنِي مِنْكَ بِبَيْتِهِ صَادِقِهِ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حَقْم تا روز رستاخیر می باشد، پس بر مُحَمَّد و خاندانش درود فرست و مرا به نیت صادقانه و شکیبایی دائم یاری ده. ۱۴/۱۴

جدا شدن از بدی های خوارکننده

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَا تُكَ عَنِّي... وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي... لِأَنَّ... أَقْلَعُ عَنْ سَيِّئَاتِي الْمُمْ-خُلِقَهُ

و شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من است. برای اینکه از بدی های - خوار کننده ام - جدا شوم. ۲۶/۱۶

جدایی از آنکه به خدا پیوسته

ص : ۴۱۱



وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ... وَ لَا مُفَارَقِهِ مَنِ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ

و مرا به سستی در عبادت و جدایی از آنکه به تو پیوسته، گرفتار نساز. ۱۱/۲۰

جدایی نینداختن بین بنده و تندرستی

لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی نینداز. ۱/۲۳

جدا ساختن ناخن های دشمنان

وَ أَقْلِمِ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ

و چنگالشان را از آنان جدا کن. ۵/۲۷

جدایی افکندن بین دشمنان و سلاحشان

وَ فَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ

و میان آنان و سلاح هایشان جدایی انداز.

۵/۲۷

عامل جداکننده حلال و حرام

وَ جَعَلْتَهُ... فُرْقَانًا فَفَرَّقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ

و آن را جداکننده ای قرار دادی که به وسیله آن بین حلال و حرمت را جدا کردی. ۱/۴۲ و ۲

جدا نشدن از راه راست قرآن

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى... لَا يَخْتَلِجَنَا الزُّيْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. تا انحرافی ما را از راه راستش جدا نسازد. ۶/۴۲

فرشته مرگ و ترس (بنده)، از جدایی

وَ تَجَلَّى لَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَائِمِ بِأَسْهُمِ وَحْشِهِ الْفِرَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن (جان‌ها)، از پرده‌های پنهانی‌ها آشکار گردد و آن را با تیرهای وحشت جدایی از کمان آرزوها نشانه گیرد.

۱۳/۴۲

جدایی از دنیا و بهترین منزل‌ها

اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا

قبرها را پس از فراق از دنیا، بهترین خانه‌های ما قرار ده. ۱۴/۴۲

زمان جدا شدن ماه رمضان، از بندگان

ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ

سپس هنگام تمام شدن وقتش، از ما جدا شد.

۲۲/۴۵

دشواری جدایی از ماه مبارک رمضان

فَنَحْنُ مُودِّعُوهُ وَدَاعٍ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا

پس آن را وداع می‌گوییم، وداع از کسی که فراقش بر ما دشوار است. ۲۳/۴۵

ص: ۴۱۲

رنج جدایی از ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ... مَرْجُوَّ آلمَ فِرَاقُهُ

درود بر تو مایه امیدی که فراقش رنج آور بود.

۲۶/۴۵

جدا کردن سختی، از راه خدا

وَ أَيْنَ بِهِ الضَّرَاءُ مِنْ سَبِيلِكَ

و به سبب او سختی را از راهت جدا کن.

۶۲/۴۷

جدید تازه

جرات دلیری

جرم گناه

جزا پاداش

جستجو (خواستہ)

طلبدن آسایش و رهایی از گرفتاری

وَ يَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْـمُـ خُرُجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ

و ای کسی که رهایی و رفتن به سوی آسایش فراخ، از او درخواست می شود. ۱/۷

همسایگان و جستجوی عیب های بنده

...وَ لَمْ تُبَدِ سَوَاءَاتِهَا لِمَنْ يُلْتَمَسُ مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند - آشکار نکردی.

۲۱/۱۶

جوینده (طالب)، تنها یاری گرِ مطلوب

لَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَىٰ مَطْلُوبٍ

طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی رساند.

۳/۲۱

طلب روزی، از روزی خواران

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ... حَتَّى التَّمَسْنَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمان به بدگمانی، آزمودی. تا جایی که روزی های تو را از روزی خواران درخواست نمودیم. ۱/۲۹

جستجو نمودن رستگاری، در قرآن

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... لَا يَلْتَمِسُ الْهُدَىٰ فِي غَيْرِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که در غیر آن، هدایت را نمی جویند. ۷/۴۲

در جستجوی خدا بودن

فَمَنْ التَّمَسَّكَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ

پس هر که برای دین یا دنیا به دنبال تو گشت، تو را می یابد. ۲۵/۴۷

درک نشدن خدا، با کاوش

سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّوهُ وَ لَا تُجَسُّوهُ

پاک و منزهی! نه حس می شوی و نه قابل جستجو هستی.

۲۷/۴۷

ص: ۴۱۳

طلب نمودن آنچه نزد فاسقان است

وَذُئِبِي عَنِ التَّمَّاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ

و مرا از طلبیدن آنچه نزد فاسقان است، باز دار. ۱۳۱/۴۷

گماشتن جستجو و مراقبت ستمگر، بر بنده

كَمْ مِنْ بَاغٍ... وَكَلَّ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ

چه بسیار ستمگری که مراقبت و جستجویش را بر من گماشت. ۷/۴۹

خدا طالب و جوینده بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ طَالِبِي إِنْ أَنَا هَرَبْتُ

خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم.

۴/۵۰

جسم اندام و نیز بدن

جفا ستم

جفت

جفت گرداندن امید به خدا (با طلب قرب او)

...و شَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ

...و آن را جفت امید به تو کردم. همان (امیدی) که با وجود آن، امیدوار به تو کمتر ناامید می شود. ۷۳/۴۷

جفت گرداندن اوایل نعمت ها، با اواخر آنها

وَ أَشْفَعْ لِي أَوَائِلَ مِنْكَ بِأَوَاخِرِهَا

و برای من اولین نعمت هایت را، با آخرین آن توأم ساز. ۱۲۱/۴۷

جلد پوست

محمد صلی الله علیه و آله ، جلودار نیکی

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ... قَائِدِ الْخَيْرِ

خداوندا بر محمد - رهبر خیر - درود فرست.

۳/۲

جلودارانِ اهل تقوا

وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ... قَادِهِ أَهْلِ التَّقَى عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ

و برای اهل آن راهنمایی گماشتی، از پیشوایان اهل پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - ...۲/۴

جایگاه بنده، جایگاه آنکه مهار خطاها او را از پی خود کشیده

هَذَا مَقَامٌ مَنْ... قَادَتُهُ أَرْمَهُ الْخَطَايَا

این مقام کسی است که مهارهای خطاها او را

ص: ۴۱۴

از پی خود کشیده. ۶/۳۱

قرآن، جلودار بندگان در قیامت

وَاعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ وَدَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّىٰ يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ فَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت باشد.

۱۲/۴۲

جلوگیری بازداشتن

جماعت گروه

جَنِّ

پناه بردن به خدا، از شرّ هر جنّ و انس

وَاعْذِنِي وَذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنّ و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند پناه ده. ۶/۲۳

درودی محاط بر درودهای جنّ و انس

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً... تَشْتَمِلُ عَلَيَّ صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنِّكَ وَإِنْسِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود

فرست، درودی که درودهای بندگان از جن و انس را شامل شود. ۵۴/۴۷

جنایت گناه

جنبش

جنبش های رنج آور

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیسایند. ۵/۶

به صبح وارد شدن جنبنده

أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهُا وَ أَرْضُهَا، وَ مَا بَثَّتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَ مُتَحَرِّكُهُ

صبح کردیم و صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش، و آنچه در این دو پراکنده ساختی، از آرام و جنبنده و همه از آن تو هستیم. ۹/۶

جنبش های اندام بندگان و ثواب الهی

وَ اجْعَلْ... حَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ

و جنبش های اعضایمان را در آنچه باعث پاداش تو شود قرار ده. ۷/۹

جنت بهشت

ص: ۴۱۵



## جنگ

جنگیدن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با قبیله اش

وَ حَارَبَ فِي رِضَاكَ أُسْرَتَهُ

و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

۷/۲

جنگیدن پیامبر صلی الله علیه و آله ، با دشمنان خدا

فَغَزَاهُمْ فِي عُقْرِ دِيَارِهِمْ

پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

۲۰/۲

جنگیدن اصحاب محمد صلی الله علیه و آله ، با پدران و فرزندان خود

وَ قَاتَلُوا الْأَبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ

و در پایدار ساختن نبوت او با پدران و فرزندانشان جنگیدند. ۴/۴

جنگ به پا کردن جن و انس

وَ أَعَدَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَزْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

و من و فرزندانم را از شر هر جن و انس که برای پیامبرت و خاندان او جنگی به پا نمودند، پناه ده. ۶/۲۳

آسوده شدن، از جنگ با دشمنان

وَ فَرَّغَهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ، وَ عَنْ مُنَابَذَتِهِمْ

لِلْخَلْوَةِ بِكَ...

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش و کارزار با آنان، برای خلوت با خودت آسوده ساز. ۷/۲۷

فرستادن مسلمانان، به جنگ با مشرکان

اللَّهُمَّ اغْزُ بِكُلِّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَيَّ مَنْ يَأْزَأُهُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار. ۸/۲۷

سست شدن اندام دشمنان، از جنگیدن

وَ أَوْهِنُ أَرْكَانَهُمْ عَن مَّنَازِلِهِ الرَّجَالِ

و اندامشان را از جنگیدن با مردان (مسلمان) سست گردان. ۱۱/۲۷

پاداش خداوند به مسلمان، در قصد جنگ علیه مشرکان

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَتَوَى غَزْوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، اما ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را

در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

ناتوانی بنده، بر انتقام گیری از قصدکننده جنگ

ص: ۴۱۶

فَنظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَيَّ... عَجَزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ

ای خدای من، پس تو عجزم را از انتقام گرفتن از کسی که قصد جنگ با من نموده، مشاهده کردی.

۵/۴۹

جنگجو

جانشینی جنگجو، در امور خانه اش

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَاظِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَأَجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

جوارح اندام و نیز بدن

جود بخشش

جور ستم

جوی

جاری گشتن جوی ها

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تُفَجِّرْ بِهِ الْأَنْهَارَ

خداوندا ما را با بارانی که رودخانه ها را با آن

روان سازی، سیراب نما. ۵/۱۹

جوی های نوشیدنی های گوناگون بهشتی

وَ لَوْحٍ مِنْهَا لِابْنِصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ... الْأَنْهَارِ الْمُطَّرِدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَةِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از جوی هایی که به نوشیدنی های گوناگون روان شده، در مقابل دیدگانشان

نمایان ساز. ۴/۲۷

تَوَابِينَ، وَبِهَيْشِ هَائِي بَا جَوِي هَائِي رَوَان

تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. امید است که پروردگارتان بدی هایتان را از شما بزدايد و شما را به بهشت هایی داخل کند که نهرها از زیر آن جاری است. ۱۰/۴۵

جوی های رحمت الهی

كَمْ مِنْ... جَدَاوِلٍ رَحْمَةٍ نَشْرَتْهَا

چه بسیار جوی های رحمتی که روان نمودی.

۱۱/۴۹

جهاد

مجاهد و جهاد با مشرکان

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدٍ

ص: ۴۱۷

جَاهِدْهُمْ... فَلَقَّهِ الْيُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد و هر مجاهدی که با ایشان جهاد نماید، پس او را با آسانی روبرو کن. ۱۳/۲۷.

وداشتن جنگجو، به جهاد

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... أَوْ شَحَدَهُ عَلَى جِهَادٍ... فَأَجْرُ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزُنًا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا او را بر جهاد تشویق کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده. ۱۶/۲۷.

پاداش مسلمان، در قصد جهاد نمودن

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَتَوَى غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَتَعَدَّ بِهِ ضَعْفٌ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ...

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، و آهنگ جهاد نمود، اما ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷.

جهاد کردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، در راه خدا

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا... جَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ

خداوندا او را به سبب اینکه در راه تو مجاهدت کرد، پاداش ده. ۲۲/۴۲.

جهانیان

خدا، پروردگار جهانیان

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

اجابت فرما، پروردگار جهانیان.

۱۶/۱۲، ۱۶/۱۴، ۱۶/۱۷، ۴/۲۶

۴/۴۱، ۱۲/۴۸

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس تو را بر همه اینها سپاس. ای پروردگار جهانیان. ۱۴/۳۹

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای پروردگار جهانیان.

۵۶/۴۵، ۱۳۳/۴۷، ۳/۴۸، ۷/۵۳

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است.

۱/۴۷

رمضان و بهترین سوده‌های جهانیان

قَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ... وَ أَرْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ

این ماه در بین ما اقامت کرد و ما را به برترین سوده‌های جهانیان، سودمند نمود. ۲۲/۴۵

امام علیه السلام، ارجمندی جهانیان

فَهُوَ... بَهَاءِ الْعَالَمِينَ

پس او ارجمندی جهانیان است. ۶۰/۴۷

ص: ۴۱۸

درخواست نمودن از جهانیان

وَ صُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

و آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن. ۱۳۱/۴۷

جهت

روی آوردن تابعین، به سمت اصحاب محمد صلی الله علیه و آله

الَّذِينَ... تَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ

آنان که به سوی جهت آنها رو آوردند. ۱۰/۴

حفظ نمودن بندگان، از همه جوانب

وَ اخْفَظْنَا... مِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و ما را از همه اطرافمان نگهداری کن، نگهداری ای که ما را از نافرمانی تو بازدارد.

۱۷/۶

انجام آنچه از جهتی بر بنده واجب گشته

وَ اَقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ وُجُوهِ طَاعَتِكَ...

و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات طاعتت، بر من لازم و واجب نموده ای، توفیق ده.

۶/۲۲

گمراه ساختن دشمنان، از جهشان

وَ ضَلَّلَهُمْ عَن وَجْهِهِمْ

و از جهشان گمراهشان نما. ۵/۲۷

جنگ مسلمانان هر ناحیه، با مشرکان

اللَّهُمَّ اغْزُبْ كُلَّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَارَأِيهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار. ۸/۲۷

انفاق در جهات گوناگون نیکی

وَوَجَّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ انْفَاقِي

و انفاق نمودنم را در مسیرهای خیر قرار ده.

۳/۳۰

تغییر یافتن واجبات، از جهات تشریح شده

يُرْوَنَ... فَرَانِصَكَ مُحَرَّفَةً عَنِ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ

می بینند واجبات از جهاتی که قانون نهاده ای، تحریف شده است. ۹/۴۸

جهل نادانی

جهنم دوزخ

ص : ۴۱۹





## چاپلوسی

خوش رویی و چاپلوسی ستمگر

... وَ هُوَ يُظْهِرُ لِي بَشَاشَةَ الْمَلَقِ

... در حالی که چاپلوسانه برایم خوش رویی می کرد. ۷/۴۹

## چارپایان چهارپایان

### چاره جویی

چاره جویی های بنده و حاجت های او

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا جُهْدِي، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم و چاره جویی های زیرکانه ام در برابر آن گسسته است. ۱۵/۱۳

نیرومند ساختن تدبیر مسلمانان

اللَّهُمَّ وَ قَوْ بِذَلِكَ مِحَالِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوت بخش. ۷/۲۷

بی خبر ساختن دل های دشمنان، از تدبیر و چاره جویی

وَ أَذْهَلُ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِحْتِيَالِ

و قلب هایشان را از چاره جویی بی خبر ساز.

۱۱/۲۷

طول کشیدن کار بنده، در چاره وام

وَ هَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ... يَطُولُ بِمَمَارَسَتِهِ شُغْلِي

و مرا معاف دار، از وامی که کارم در چاره آن طول کشد. ۱/۳۰

چانه

فرشتگانی با چانه های به زیر انداخته

...النَّوَاكِسُ الْأَذْقَانِ... فَصَلِّ عَلَيْهِمْ...

(آنان که) چانه ها را به زیر انداخته اند، پس بر ایشان درود فرست. ۸/۳ و ۱۰/۳

چاه

پر گرداندن چاه ها، با آب

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تَمَلُّا مِنْهُ الْجِبَابَ

خداوندا ما را با بارانی که چاه ها را از آن پر

ص : ۴۲۱

کنی، سیراب نما. ۵/۱۹

چراغ

چراغ افروختن، به چراغ قرآن

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... يَسْتَضِيحُ بِمِصْبَاحِهِ

و ما را از کسانی قرار ده که از نور چراغ آن، روشنی می افروزند. ۷/۴۲

چراگاه

عمر بنده، چراگاه شیطان

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ...

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد، مرا به سوی خود بازگردان. ۵/۲۰

چرب زبانی چاپلوسی

چرت

پناه بردن به خدا، از چرت غفلت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سِنَةِ الْعَفْلَةِ

خداوندا به تو پناه می برم از خواب غفلت.

۱/۸ و ۲

بیداری از چرت غفلت

اللَّهُمَّ... أَيْقِظْنَا عَنْ سِنَةِ الْعَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ

خداوندا ما را از خواب غفلت و فراموشی، که به سبب میل و اعتماد به اوست، بیدار گردان.

۷/۱۷

خوش تر از خوابِ خوابِ آلوده

وَاجْعَلْ طَاعَتِي لِرِوَالِدَيَّ وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْنَانِ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خوابِ آلوده، خوش تر قرار ده. ۵/۲۴

بیداری از چرت اسراف کاران

تَبَهَّنِي مِنْ... سِنَّهُ الْمُسْرِفِينَ

مرا از خوابِ آلودگی اسراف کاران، بیدار فرما.

۹۱/۴۷

بیداری از چرت خوارشدگان

وَ تَبَهَّنِي مِنْ... نَعْسِهِ الْأَمْ-خُدُولِينَ

و مرا از چرت خوارشدگان، بیدار فرما. ۹۱/۴۷

چرکی

چرکی کردارهای پیشین بنده

وَ طَهَّرْنِي مِنْ دَنْسِ مَا أَشْلَفْتُ

و مرا از پلیدی آنچه پیش فرستاده ام، پاک نما.

۶/۱۵

ص : ۴۲۲

اعمال شوینده چرکی خطایا

وَ وَفَّقْنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي

و مرا به کارهایی که با آن چرکی خطاها را از من بشویی، توفیق ده. ۱۳/۳۱

سبب پاک نمودن بندگان، از چرکی

وَ أَقْفُ بِنَا آتَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِيرِهِ

و ما را در پی کسانی گردان که در ساعت های شب و اطراف روز، قرآن را برای تو به پا داشتند، تا به پاک کنندگی آن، ما را از هر آلودگی پاک کنی.

۹/۴۲

قرآن، شوینده چرکی دل ها

وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا

و به وسیله آن (قرآن)، چرکی دل هایمان را بشوی. ۱۱/۴۲

چرکی گناهان و ماه نو

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالًا... طَهَارَهُ لَأُتَدَنِّسَهَا الْأَثَامُ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه طهارتی قرار دهد، که گناهان آن را آلوده نکند.

۴/۴۳

رمضان، شوینده چرکی خطاها

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا... غَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ

درود بر تو همان طور که چرکی خطاها را از ما شستی. ۳۶/۴۵

زدودن ناپاکی، از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِكَ

و به خواست خویش، آنان را از پلیدی و آلودگی پاک نمودی. ۵۶/۴۷

چرکی گناه و معصیت

وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِضْيَانِ، وَ اَذْهَبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا

و پاک گشتن از چرکی گناه را به من ببخش و آلودگی خطاها را از من ببر. ۱۱۲/۴۷

چشم

بازماندن دیده ها، از دیدن خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... الَّذِي قَصَّرَتْ عَنْ رُوءَيْتِهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ

سپاس خدای را، همان که چشم های بینندگان از دیدنش قاصر است. ۱/۱ و ۲

وَ يَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُوءَيْتِهِ الْأَبْصَارُ...

و ای کسی که چشم ها از دیدن او ناتوان است.

۴/۵

ص: ۴۲۳

خیره شدن چشم ها

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. ۱۰/۱۴

کور گرداندن چشم دل بندگان، از امور خلاف دوستی خدا

وَ أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ

و چشم دل ما را از آنچه برخلاف دوستی توست کور گردان. ۶/۹

بیرون زدن سیاهی چشمان از حلقه، بر اثر سجده

يَا إِلَهِي لَوْ... سَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَفَتَايَ... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنقدر برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی

ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

افتادن پلک های چشمان، بر اثر گریستن

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنچنان در پیشگاهت بگریم تا پلک های چشمانم بیفتد، باز هم با آن همه،

سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم.

۳۰/۱۶

کوری کردن چشم بدخواه بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا چشمش را از (دیدن) من کور

سازی. ۷/۲۳

چشم پوشاندن از همسایگان، با پاکدامنی

وَ اجْعَلْنِي لِلَّهِمَّ... أَغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عَفْءً



و خداوندا مرا بر آن دار که با پاکدامنی، دیده از ایشان فروبندم. ۳/۲۶

بهشت، در برابر چشمان مرزداران اسلام

اجْعَلِ الْجَنَّةَ نَضْبَ أَعْيُنِهِمْ

بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده. ۴/۲۷

اندک نمایاندن دشمن، در پیش چشم مجاهد

فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلَّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ

پس هرگاه با دشمن تو و دشمن خودش روبرو شد، آنها را در چشمش اندک نما. ۱۵/۲۷

نتیجه گشودن چشم هدایت منکر احسان الهی

ص : ۴۲۴

...حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى... أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ... فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا

...اگرچه همین که چشم هدایت برای او گشوده شد، آنچه با آن به خود ستم کرده، شمرد. پس گناه بزرگش را بزرگ دانست. ۷/۳۱

با فروتنی، چشم به زمین افکندن

وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا

و دیده اش را با سرافکنندگی به زمین دوخته.

۹/۳۱

پیش چشم خدا بودن گرفتاری های بنده

اللَّهُمَّ وَعَلَى تَبَعَاتٍ... وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ

خداوند! و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد، قرار دارد. ۱۸/۳۱

عافیت الهی، پرده ای پیش چشم ناظران

كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ

عافیت بخشیدن تو برای ما پرده ای پیش چشمانشان قرار داد. ۲/۳۴

فاش نساختن حال بنده، در پیش چشم بزرگان

وَ لَا تُغْلِبْ عَلَيَّ عُيُونِ الْمَلَأِ خَبْرِي

و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم

بزرگان، غلبی نکن. ۲/۴۱

سبب نشناختن چشم ها، به سوی لهُو

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ... حَتَّى... لَا نُشْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با چشم هایمان به سوی هیچ لهُوی نشناییم. ۶/۴۴

چشم و دریافت حقایق

وَ أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ... عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ

و تویی آنکه ایشان را راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشانیدی، دیدگانشان آن را در نمی یافت. ۱۴/۴۵

قرار ندادن (گناه) بنده، در پیش چشم شماتت کنندگان

لَا تَنْصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِتِينَ

ما را در آن (ماه)، پیش چشمان شماتت کنندگان قرار نده. ۴۷/۴۵

دیده ها و نیافتن جای خداوند

أَنْتَ الَّذِي... لَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أُنْيَتِكَ

تویی آنکه دیده ها جا و مکان تو را در نیافتند.

۱۸/۴۷

ص : ۴۲۵

حفظ ولی خدا، به دیده (مراقبت) الهی

و رَاعِهِ بِعَيْنِكَ

و به دیده (مراقبت) خود، از او نگهداری کن.

۶۱/۴۷

چشم دوختن دوستان ائمه علیهم السلام ، به سوی (ظهور دولت) ایشان

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الْمُتَنْتِظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که منتظران روزهای (دولت) آنان، و چشم دوختگان به ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

افتادن از چشم حفظ و نگهداری خداوند

و لَا تَزِمِ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از چشم مراقبت تو افتاده. ۱۰۴/۴۷

روشن شدن چشم بنده، به آرامگاهی نزد خدا

اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَنَابَهُ أَبَوَوْءَهَا، وَ أَقْرُ عَيْنًا

برایم نزد خود استراحتگاهی که آسوده خاطر در آن آرام گیرم، و بازگشتگاهی که در آن اقامت گزینم و چشم را روشن

سازم قرار ده. ۱۲۹/۴۷

نخفتن چشم دشمن

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... لَمْ تَنْمِ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که چشم نگهبانی اش از من نخفت. ۴/۴۹

کور گشتن چشم مصائب

وَ كَمْ مِنْ... أَعْيُنٍ أَخْدَاثٍ طَمَسَتْهَا

و چه بسیار چشم های مصیبت آفرینی که کور گرداندی. ۱۱/۴۹

روشن ساختن چشم بنده، به نعمت وافر

وَ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَابَعَهُ أَفْرَزَتْ بِهَا عَيْنِي

و چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی! ۳/۵۱۱

چشم افروز

روشن شدن چشم ها، به سپاس گزاری

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. ۱۴ و ۱۰/۱

روشن شدن چشم بنده، به آرامگاهی نزد خدا

اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا آوِي إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا... وَ أَفْرُ

ص : ۴۲۶

برایم نزد خود استراحتگاهی که آسوده خاطر در آن آرام گیرم، و چشم را روشن سازم قرار ده.

۱۲۹/۴۷

روشن ساختن چشم بنده، به نعمت

وَ كُمْ مِنْ نِعْمِهِ سَابِغَةً أَفْرَزْتَ بِهَا عَيْنِي

و چه بسیار نعمت فراخی که دیده ام را به آن روشن نمودی! ۳/۵۱

چشم به راهی انتظار

چشم پوشی

چشم پوشی خدا، از جرم های بسیار زشت

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً... عَالِمٌ بَأَنَّ... اِحْتِمَالَ الْجَنَائِيَاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَادُكَ

در این مکان (که ایستاده ام) به سوی تو بازمی گردم، بازگشت کسی که می داند چشم پوشی از جرم های بسیار زشت بر تو سخت نمی باشد.

۱۲/۱۲ و ۱۳

توفیق چشم پوشی از بدی

سَدَّدْنِي لِأَنَّ... أُغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ

مرا توفیق ده تا از بدی (دیگران) چشم پوشی کنم. ۹/۲۰

چشم زخم

پناه بردن به خدا، از چشم زخم

وَ أَعْدُنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ... اللَّامَةِ

و من و فرزندانم را از شر چشم زخم پناه ده.

چشیدن

چشیدن از جام زهرآلود

وَتَجَلَّىٰ مَلِكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ... وَ دَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ كَأَسَا مَسْمُومَةٍ الْمَذَاقِ

و فرشته مرگ برای گرفتن آن از پرده های پنهانی ها آشکار گردد و برای آن (جان ها)، جامی از شوکران مرگ - که چشیدن آن زهرآلود است - آمیخته سازد. ۱۳/۴۲

چشنده مرگ

وَ كُلُّ ذَائِقِ الْمَوْتِ

و همه چشنده مرگ هستند. ۵/۵۲

آنچه بنده از خدا درخواست می کند که به او بچشانند:

أ. شیرینی بخشش خداوند

وَ أَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ

ص : ۴۲۷

و شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان. ۸/۷

ب. شیرینی آمرزش

وَ أَذِقْنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ

و شیرینی آمرزش را به من بچشان.

۳۳/۱۶

ج. مزه فراغت برای انجام آنچه خدا دوست دارد

وَ أَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَ الْاجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَ عِنْدَكَ

و به وسیله گشایشی از گشایشگری ات، طعم فراغت برای (پرداختن به) آنچه را دوست داری و (طعم) کوشش را در آنچه (موجب) نزدیکی به پیشگاه تو و درگاه توست، به من بچشان.

۱۲۵/۴۷

د. مزه تندرستی و عافیت

وَ أَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي

و طعم عافیت را تا پایان مدت زندگی ام به من بچشان. ۱۴/۴۸

چگونگی حال و نیز کیفیت

چهارپایان

گمراه تر از چهارپایان

وَ لَوْ كَانُوا كَمَا كَانُوا لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَيْدِ الْبُهْمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیت خارج شده، به مرز حیوانیت رومی آوردند. پس چنان بودند که (خداوند) در کتاب محکم خود وصف کرده: «آنها جز مانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه ترند.» ۹/۱

آب، مایه سر پا داشتن چهارپایان



اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا... تَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمُ وَالْخُلُقَ

خداوندا ما را با بارانی که چهارپایان و سایر آفریدگان را به وسیله آن سرِ پا بداری، سیراب نما.

۵/۱۹

مقطع النسل نمودن چهارپایان دشمن

وَ أَقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ

و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن. ۶/۲۷

چهره

سفید گشتن چهره بندگان

ص : ۴۲۸

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که چهره هایمان با آن سفید گردد، هنگامی که پوست ها سیاه می گردد.

۱۰/۱۱۴

نتیجه گرداندن روی نیکوی خدا، از بنده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِن صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ

خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

سیاهی چهره های ستمگران

وَ بَيِّضُ وُجُوهُنَا يَوْمَ تَسْوَدُ وُجُوهُ الظَّالِمِينَ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان. ۱۶/۴۲

روسفید نمودن حضرت محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ بَيِّضُ وَجْهَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روسفیدش فرما. ۱۹/۴۲

صورت بخشی به انسان و ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... مُصَوِّرِي وَ مُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدایی که صورتگر من و صورتگر تو است، درخواست می کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستد. ۴/۴۳

صورت نگاری خدا، بدون هیچ نمونه ای

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي... صَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. تویی که صورت ها را بدون نمونه نگاشتی. ۱۲/۴۷

به زمین افتادن بنده، با تمام رخسارش

مَوْلَايَ اَرْحَمَ كَبَوْتِي لِحُرِّ وَجْهِي

مولای من! بر به رو افتادتم با تمام رخسارم رحم کن. ۴/۵۳

رحم خدا، هنگام دگرگونی چهره بندگان

مَوْلَايَ وَ اَرْحَمِنِي عِنْدَ تَغْيْرِ صُوْرَتِي

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، بر من رحم کن. ۶/۵۳

چیرگی غلبه

ص : ۴۲۹



## حاجت

خدا، و بستن در حاجت خواهی، جز به سوی خود

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ

و سپاس خدایی را که در نیازمندی را جز به سوی خود، بر ما بست. ۱۹/۱

روا ساختن حاجات بنده

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَقْضِ حَاجَتِي

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و حاجتم را روا کن. ۱۶/۱۲

وَ أَقْضِ لِي حَوَائِجِي

و حاجت هایم را برآور. ۹/۲۵

خدا، منتهای درخواست حاجت ها

اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

خداوندا ای نهایت درخواست نیازها. ۱/۱۳

حاجت های نیازمندان

وَ يَا مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ

و ای آنکه درخواست های نیازمندان از او قطع نمی گردد. ۹/۱۳

درخواست حاجت، در جایگاهش

فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِكَ... فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا

پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، بی گمان نیازمندی اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.

طلب حاجت از آفریدگان و ناامیدی

وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَّتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِزْمَانِ

و هر که برای حاجتش به یکی از آفریدگانِ تو رو آورد یا سبب روا شدن آن را غیر تو قرار دهد، بی گمان خود را در معرض ناامیدی قرار داده.

۱۴/۱۳

حاجت خواهی بنده، از حاجت برنده نزد خدا

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ... سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَيَّ مِنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می

آراید. ۱۵/۱۳

ص : ۴۳۱

## چگونگی حاجات

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِي، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم و چاره جویی های زیرکانه ام در برابر آن گسسته است. ۱۵/۱۳

وانگذازدن حاجت بنده، به غیر خدا

وَ لَا تُوجِّهْنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَ غَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ

و در این حاجت و دیگر حاجتها، مرا به غیر خود وانگذار. ۲۲/۱۳

یاری بنده، در برآوردن حاجتش

وَ تَوَلَّنِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي وَ قَضَاءِ حَاجَتِي...

و به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم مرا یاری فرما. ۲۳/۱۳

عرضه کردن حاجت، به درگاه خدا

وَ مِنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ كَذَا وَ كَذَا. وَ تَذَكَّرْ حَاجَتَكَ...

ای پروردگار من و از جمله خواسته ام چنین و چنان است. و حاجت خود را نام می بری...

۲۵/۱۳

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي، وَ أَظْهِرْ فِيهَا عُذْرِي، وَ لَفِّنِي فِيهَا حُجَّتِي، وَ عَافِ فِيهَا جَسَدِي

خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان و عذرم را در آن آشکار

فرما و حجتم را در آن به من بفهمان و تنم را در آن عافیت بخش. ۷/۵۴

درخواست از خدا، هنگام حاجت

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي... أَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ

خداوندا مرا چنانم کن که هنگام نیازمندی از تو درخواست کنم. ۱۲/۲۰

وانگذازدن حاجت بنده، به گنهکار و کافر

وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنْهُ... وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةً

و برای بدکار و کافر، بر من منت و مرا به سوی آنها حاجت، قرار نده. ۱۲/۲۱

خدا، تنها برآورنده حاجت

وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي...

و مرا به خلقت وانگذار. بلکه درخواستم را به تنهایی روا کن. ۲/۲۲

عنایت خداوند، به حوائج بنده

اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيًّا

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. پس به درخواست هایم عنایت فرما. ۱۰/۲۲

یاری شدن والدین در حاجت هایشان، به

ص : ۴۳۲



وسيله فرزندان

أَعْنِي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي

در برآمدن حاجتم به وسيله آنان یاری ام ده.

۴/۲۵

خدا، رواکننده حاجت

فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ... دُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِيُّ حَاجَتِي

پس - ای سرور من - صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود. ۸/۲۸

خوار نگرداندن حاجتمندان

و يَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ

و ای کسی که حاجتمندانش را خوار و پست نمی شمارد. ۳/۴۶

(روا شدن) حاجت، پیش از رسیدن به پایان کرم خداوند

انْصَرَفَتِ الْأَمْالُ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ

آرزوها پیش از رسیدن به پایان کرمت، با حاجت ها برآورده شده است. ۱۲/۴۶

عدم حاجتمندی خدا، به (طاعت) بنده

و لَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرْسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَ لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ

و مرا از نزد خود رها نکن همانند رها کردن کسی که در او خیری نیست و تو را با او کاری نیست. ۱۰۳/۴۷

درخواست نمودن حاجات، از درگاه الهی

وَ اعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْطَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ... وَ انْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ

و شبم را با بیدار ساختنم برای بندگی ات، و درخواست نمودن حاجت هایم از تو، آباد گردان.

۱۲۳/۴۷

خدا، بینا به حاجات

و الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّاعِبُ وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمین گرد هم می آیند، درخواست کننده و جويا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی. ۱/۴۸

قصد نمودن حاجت، به سوی خدا

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي

خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم.

۴/۴۸

خدا، متکفل روا کردن هر حاجت بنده

و تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا

و برآوردن هر درخواستی را برای من، به قدرتی که بر آن داری، به عهده گیر. ۴/۴۸

درخواست نمودن هر حاجتی، از خدا

ص: ۴۳۳

وَ أَسْأَلُكَ كُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِي

و هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم. ۱۱/۵۱

قطع حاجت بنده، از دنیا

وَ أَقْطَعُ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي

و نیازم را از دنیا قطع کن. ۴/۵۴

حال

اصلاح نمودن حال بندگان

...بِكُلِّ ذَلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ

بدین گونه حال ایشان را اصلاح می نماید.

۷/۶

احسان خدا به بنده، در همه حال

مُقَرَّرٌ لَكَ بِأَنِّي... لَمْ أَحُلْ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ ائْتِنَانِكَ

اقرار می کنم به اینکه در همه حال از احسان تو بی بهره نبوده ام. ۵/۱۲

قرار نگرفتن در حال ستمگر

...وَ اعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَعْمَالِهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ

و مرا از انجام مانند کارهای او بازدار و در مانند حال او قرار نده. ۷/۱۴

شایسته ترین حالت سپاس گذاری

فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟... أَمْ وَقْتُ الصَّحِّهِ... أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ

ای خدای من نمی دانم کدام یک از این دو حال، به سپاس گذاری برای تو سزاوارتر است؟ آیا وقت تندرستی یا وقت

بیماری؟ ۲/۱۵-۴

غیر خدا، و گوناگونی حالات

وَ مَنْ سِوَاكَ... مَغْلُوبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ، مَقْهُورٌ عَلَىٰ شَأْنِهِ، مُخْتَلِفٌ الْحَالَاتِ

و غیر تو، در کار خود مغلوب، در امورش زبردست، در حالاتش گوناگون می باشد. ۱۱/۲۸

دل سوزی نمودن بر بدحالی بنده

فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي، أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي

شاید برخی از آنها به رحمتت بر بدی جایگاهم، به من رحم کند یا بخاطر بدی حالم، بر من دلسوزی نماید. ۲۷/۳۱

از حالی به حال دیگر گرداندن جنین

تُصَرِّفُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّىٰ انْتَهَيْتَ بِي إِلَىٰ تَمَامِ الصُّورَةِ، وَ أَثْبَتَّ فِي الْجَوَارِحِ

مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. تا اینکه مرا به صورت کامل رساندی و در من اندام ها را پابرجا کردی. ۲۳/۳۲

به خود وانگذاشتن جنین، در حالات

ص : ۴۳۴

وَ لَوْ تَكَلَّنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي... لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَرِلًا

و ای پروردگار من، اگر مرا در آن احوال به توانایی خودم وامی گذاردی؛ همانا توان از من کناره می گرفت. ۲۵/۳۲

تغییر حال معصیت، به حال توبه

فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ... فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ لِكَيْ يَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ

و امّا آنکه امر تو را سرپیچی کند، پس به کیفرش شتاب نکردی، تا حال خود را در نافرمانی ات به حال طاعت عوض

کند. ۱۴/۳۷

فاش نگرداندن حال بنده

وَ لَا تُغْلِبْ عَلَيَّ عُيُونَ الْمَلَأِ خَبْرِي

و حال (و چگونگی) مرا در پیش چشم بزرگان، علنی نکن. ۲/۴۱

درود خدا بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او، در هر حال

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ كُلِّ أَوَانٍ وَ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ...

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، در هر وقت و هر آن و بر هر حال. ۱۹/۴۴

اصلاح احوال دوستداران ائمه عليهم السلام

وَ أَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ

و احوالشان را برای آنها اصلاح نما. ۶۵/۴۷

شکرگزاری و حالات فراموشی

وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَّا يَكُنَّ

و شکرگزاری را از من بگیر. بلکه آن را همیشه در حالات بی توجهی، هنگام فراموشی های نادانان به نعمت هایت، با من

همراه گردان.

فراوان یافتن نعمت های خدا، در هر حال از حالات بنده

و وَجَدْتُ نِعْمَاكَ عَلَيَّ سَابِغَةً فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَ كُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي

و نعمت هایت را بر خود، در هر حالی از حالم و هر وقتی از اوقاتم، گسترده یافتم. ۵/۵۱

دگرگون شدن حال و چگونگی بنده

مَوْلَايَ وَ ارْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي وَ حَالِي إِذَا بَلَى جِسْمِي

مولای من! هنگام دگرگون شدن صورتم، و حالم هنگامی که جسمم پوسیده گردد، بر من رحم کن. ۶/۵۳

ص : ۴۳۵

حالا اکنون

حبشه

دشمنان خداوند، در حبشه

اللَّهُمَّ وَاعْمُمِ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ... وَالْحَبَشِ... وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرُكِ

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند از هند و حبشه و دیگر امت های مشرک.

۹/۲۷

حتمی قطعی

حج

منت گزاردن بر بنده، با حج

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ...

خداوندا و بر من منت گزار به حج و عمره.

۴/۲۳

قرار دادن باقیمانده عمر بنده، در حج

وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ اِتِّبَاعًا وَ جِهَةً

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حج و عمره قرار ده. ۱۳۳/۴۷

حجاب پرده

حجّت

نبودن هیچ برهان و حجّتی، برای بندگان

لَمْ يُكَلِّفْنَا اِلَّا وُسْعًا، وَ لَمْ يُجَسِّمْنَا اِلَّا يُسْرًا، وَ لَمْ يَدْعُ لِاحِدٍ مِنَّا حُجَّةً وَ لَا عُدْرًا

جز به اندازه توان، بر ما تکلیف ننموده و ما را جز به کار آسان نگماشته و برای احدی از ما، برهان و عذری به جا ننهاد. ۲۳/۱

رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي، وَانْقَطَعَتْ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّةَ لِي

ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده و گفتارم قطع گردیده. پس برای من هیچ حجّتی نیست. ۱/۵۳

حجّتی بر آفریدن شبیه انسان

...لَكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِبْرَاءًا لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا، وَاحْتِجَاجًا بِهَا عَلَى شَكْلِهَا

...بلکه آن را آفریدی، تا قدرتت بر (آفریدن) مثل آن ثابت شود و بدین سبب بر (آفرینش) شبیه آن، دلیل آوردی. ۷/۳۹

سستی دلیل های بنده

تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرَ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ... لَأَنْ يَكُونَ... طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلِّهِ حَسَبَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ، وَضَعْفِ حُجَّتِهِ فِي جَمِيعِ تَبَعَاتِهِ

ای خدای من، با کسی چنین رفتار می کنی که ترسش از تو، بیش از طمعش از توست. نه اینکه

ص : ۴۳۶



طمعش از روی فریب خوردن باشد. بلکه برای آنست که نیکی هایش میان بدی هایش اندک و دلیل هایش درباره همه گناهانش ضعیف است.

۱۲/۳۹

خاموش نشدن (روشنایی) حجت قرآن

وَ جَعَلْتَهُ... نُورَ هُدًى لَّا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانَهُ

و آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان خاموش نمی شود، قرار دادی. ۳/۴۲

بزرگ گرداندن برهان پیامبر صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و برهان او را عظمت بخش. ۱۹/۴۲

بدبختی بدبخت، و آوردن حجت های پی در پی بر او

تَتْرُكَ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلًا... يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَفِيئُهُمْ إِلَّا... بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ

تا هنگام توبه، شتاب در کیفر ایشان را ترک می کنی، تا بدبختشان به وسیله نعمت تو، بدبخت نگردد. مگر پس از حجت های پیایی آوردن بر او.

۹/۴۵

پابرجایی و عدم ابطال حجت خداوند

لَمْ يَهِنْ عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ، وَ لَمْ يَدْخُضْ لِتَرْكِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُكَ

درازی زمان ایشان، حجت تو را سست نکرده و از جهت شتاب نکردن در عذاب آنان، برهان تو باطل نشده است. ۱۸/۴۶

حُجَّتُكَ قَائِمَةٌ لَّا تُدْخِضُ

حجت تو پابرجاست که باطل نمی شود.

۱۹/۴۶

پی در پی و آشکار بودن حجت های الهی

فَقَدْ ظَاهَرَتِ الْحُجَّجُ، وَ أُبْلِيَتِ الْأَعْدَارُ

پس به تحقیق حجت ها را، پی در پی آشکار کرده ای و عذرها را، بیان نموده ای. ۲۱/۴۶

رساتر گشتن حجت خدا

لَمْ تَكُنْ أَنْتُكَ عَجْرًا... بَلْ لَتَكُونَ حُجَّتَكَ أَبْلَغَ

درنگ نمودن تو از روی ناتوانی نبوده است. بلکه برای آنست که حجت تو رساتر باشد. ۲۲/۴۶

بزرگ بودن حجت خداوند

حُجَّتُكَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا

حجت تو بزرگ تر از آنست که به همه آن وصف شود. ۲۳/۴۶

امامان علیهم السلام ، حجت های الهی

وَ جَعَلْتَهُمْ... حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ

و آنان را حجت های خویش بر بندگانت قرار دادی. ۵۶/۴۷

حجت و دلیل برای خداست

ص : ۴۳۷

أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ

می دانم دلیل روشن از آنِ توست. ۱۱۶/۴۷

آموختن برهان به بنده، برای حاجت خواستن

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي... لَقْنِي فِيهَا حُجَّتِي

خداوندا خواسته من این است. حجتّم را در آن به من بفهمان. ۷/۵۴

حدّ مرز

حدقه

بیرون آمدن حدقه چشمان، از کاسه

يَا إِلَهِي لَوْ... سَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَّفَقَا حَدَقَتَايَ... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر آنقدر برایت سجده نمایم تا سیاهی چشمانم از کاسه بیرون آید، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی

ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

حدود احکام

حراست نگهداری

حرام

پرهیز کاری بنده، از محارم

و وَرَعْنِي عَنِ الْمَحْرَمِ

و مرا از حرام ها پرهیز ده. ۵/۲۲

دریدن پرده های محرّمات

و تَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ انْتَهَكْتُهَا

و از به پا داشتن حدود تو تجاوز کرده، پرده حرام ها را دریده ام. ۱۸/۳۲

بازداشتن خواهش نفس، از هر چیز حرام

وَ اكْسِرْ شَهْوَتِي عَنْ كُلِّ مَحْرَمٍ

و خواهش نفس مرا، از هر حرامی بشکن.

۱/۳۹

قرآن، جداکننده حلال و حرام

وَ جَعَلْتَهُ... فُوقَانَا فَرَقْتَ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ

و آن را جداکننده ای قرار دادی که به وسیله آن بین حلال و حرمت را جدا کردی. ۱/۴۲ و ۲

گواهی قرآن، به حرام دانستن حرام خدا

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لِمَا عِنْدَكَ بِتَخْلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال

دانستن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد. ۱۲/۴۲

بزرگ داشت ماه رمضان، و حرام نمودن

ص : ۴۳۸

حلال ها در آن

فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد. ۴/۴۴

به سوی حرام نرفتن گام ها

وَ أَعْنَاءَ عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْصِيكَ... حَتَّى... لَا نَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا با پاهایمان به سوی هیچ حرامی نرویم. ۶/۴۴ و ۷/۴۴

عصمتی بازدارنده از حرام

وَ هَبْ لِي عِصْمَةً... تَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ

و به من عصمتی بخش که از انجام دادن حرمت بازم دارد. ۱۱۱/۴۷

خود را در محرمات افکندن

وَ آيَاتُ إِلَّا تَقْحُمَا لِجُرْمَاتِكَ

و من جز وارد شدن در حرام های تو کاری نداشته ام. ۱۴/۴۹

حرص طمع

برانگیخته شدن حرص و آز

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ

خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص. ۱/۸

حرص آزمندان

وَ أَعِدُنِي مِنْ... هَلَعِ أَهْلِ الْحِرْصِ

و از آز حریصان پناهم ده. ۱۵/۱۴

بازداشتن شیطان از حرص به بندگان

وَ اذْرَاهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا

و او (شیطان) را از حریص بودن به ما باز دار.

۹/۱۷

حرص ورزیدن بنده، به گناه

وَ اِزْوِ حِرْصِي عَنْ كُلِّ مَا تُنْمِ

و حرص مرا از هر گناهی دور کن. ۱/۳۹

حرص داشتن، بر زود رسیدن به خدا

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِضُ لَهُ عَلَى وَشِكِّ اللَّحَاقِ بِكَ...

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم.

۳/۴۰

حرص بر ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصَنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ!

درود بر تو. دیروز چه بسیار بر تو حریص بودیم!. ۴۱/۴۵

ص : ۴۳۹

حرص ورزی بر اندوخته، و عوض ستاندن پاداش

فَأَجْرُنَا... أَجْرًا... نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ

پس ما را پاداش ده. پاداشی که با آن اندوخته های گوناگون که بر آن حریص و آزمند شده ایم را عوض بستانیم. ۴۵/۴۵

حرکت جنبش

حرمت

عدم رعایت حرمت پروردگار

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفِّ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده و حرمت پروردگارش را سبک شمرده سخن می گویم. ۷/۱۲

حرمت مقَرَّر الهی، برای ماه رمضان

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمُؤَفُّورَةِ

پس فضیلت آن را بر سایر ماه ها، به حرمت های فراوان آشکار ساخت. ۴/۴۴

الهام بزرگداشت حرمت ماه رمضان، به بندگان

وَ أَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

و شناخت فضیلتش، و بزرگ داشتن احترامش را به ما الهام کن. ۶/۴۴

سهل انگاری به حرمت الهی

وَ جَنَّبْنَا... الْأَغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ

و ما را از سهل انگاری حرمت دور گردان.

۱۳/۴۴

لزوم رعایت حرمت ماه رمضان

فَنَحْنُ مُؤَدَّعُوهُ وَ دَاعٍ مَنْ... لَزِمْنَا لَهُ... الْحُرْمَةُ الْمُرْعِيَّةُ

پس آن را وداع می‌گوییم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او حرمت رعایت کنیم.

۲۳/۴۵

بزرگی حرمت ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا

درود بر تو همنشینی که تا بودی، احترامش بزرگ بود. ۲۶/۴۵

هتک حرمت بندگان، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَمَا أَلْمَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... أَوْ عَلَى نَسِيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسِنَا، أَوْ ائْتَهَكُنَا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ... وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم یا فراموشی ای که در آن به خود ستم کردیم یا با آن حرمت دیگری را

ص : ۴۴۰



پرده دری نمودیم؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به عفو خود از ما درگذر. ۴۷/۴۵

نتیجه احترام گذاشتن به ماه رمضان:

أ. نیک بختی

مَا أَشْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ!

چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمت را رعایت کند! ۳۰/۴۵

ب. خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَمَنْ... حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا... أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبِهِ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس حرمتش را آن طوری که حق بوده نگه داشته یا به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جسته، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش. ۵۰/۴۵

حزب گروه

حزن اندوه

حس حواس

حساب

ستاندن حساب عمر بنده

وَ اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ...

و حساب زندگی اش را بستاند. ۶/۱

حمد بی حساب

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا... لَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که عددش بی حساب می باشد. ۲۸ و ۲۷/۱

روزی بی حساب خداوند

وَ ارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ

و مرا بی حساب روزی ده. ۲۴/۲۰

حسابگری خداوند

وَ كَفَى بِكَ حَسِيًّا

و همین بس که تو حسابگری. ۳/۵۰

حسادت حسد

حَسَبٌ وَ نَسَبٌ

حسب و نسب داران، و نام های خداوند

وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُكَ عَنِ الْمُنْسُوبِينَ

و نام هایت از نسب داران مقدس تر است.

۱۴/۳۹

حسد

چیرگی رشک و حسد

ص : ۴۴۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... غَلْبَةِ الْحَسَدِ

خداوندا به تو پناه می برم از چیرگی حسد.

۱/۸

آشکار نساختن نعمت های عطا شده به بنده، بر حسودان

... وَ لَمْ تُبَدِ سَوَاءِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي، وَ حَسَدَهُ نِعْمَتِكَ عِنْدِي

و بدی های مرا پیش همسایگانم - که در جستجوی عیب های من می باشند و حسودان نعمت تو بر منند - آشکار

نکردی. ۲۱/۱۶

تغییر دادن حسد، به دوستی

وَ أَبَدِلْنِي ... مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمَوَدَّةَ

و درباره من حسد متجاوزان را به دوستی مبدل فرما. ۷/۲۰

افکندن حسد، به دل بنده

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي وَ التَّظَنِّي وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو و خیال بافی و رشک، در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده. ۱۳/۲۰

رهایی از حسدورزی

وَ خَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ

و مرا از حسد، رهایی ده. ۵/۲۲

حسد ورزیدن قصد بد کننده، نسبت به بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي ... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى ... تُؤْءَمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَ شَرِّهِ ... وَ حَسَدِهِ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا مرا از همه زیان و بدی و حسدش

ایمن سازی.

۷/۲۳ و ۸

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بَغْضَتِهِ، وَ شَجِيَ مِنِّي بَغِيْظِهِ، وَ سَلَقَنِي بِحِدِّ لِسَانِهِ، وَ وَحَرَنِي بِقَرْفِ عُيُوبِهِ، وَ جَعَلَ عِرْضِي عَرَضًا  
لِمَرَامِيهِ، وَ قَلَدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ، وَ وَحَرَنِي بِكَيْدِهِ، وَ قَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ

و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوهش گلوگیر او شد و سختی خشمش از من، گلویش را گرفت و با زبان تیزش مرا آزرده و با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشم بر من پر ساخت. و آبروی مرا هدف تیرهای خود قرار داد و ویژگی هایی را که همیشه در خود او بود، به من نسبت داد. و با مکر خویش بر من خشم نمود و با نیرنگش آهنگ من کرد. ۹/۴۹.

سبب رشک نبردن به آفریدگان:

أ. تهی گرداندن سینه بنده، از حسد

وَ اَرْزُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا اَحْسُدَ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ

و سلامت سینه از حسد را روزی ام گردان. تا به هیچ یک از آفریدگانت، بر آنچه از فضلت به آنان داده ای، حسد نبرم. ۱۲/۲۲

ب. آزمایش نشدن نسبت به آنچه خدا به ثروتمندان بخشیده

وَ لَا تَفْتِنِّي بِمَا اَعْطَيْتَهُمْ، وَ لَا تَفْتِنَهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي فَاَحْسُدَ خَلْقَكَ

و مرا به آنچه به آنان (دنیا داران) عطا کردی، آزمایش نکن و آنان را به آنچه از من منع داشتی، دچار آزمون نسا که بر

آفریدگانت حسد برم. ۲/۳۵

حسرت

بزرگ ترین حسرت

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى

و پناه می بریم به تو از حسرت بزرگ. ۹/۸

سفید گرداندن چهره ها، در روز حسرت

وَ بَيِّضُ وُجُوهُنَا يَوْمَ تَسْوَدُ وُجُوهُ الظَّالِمِينَ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ

و در روز حسرت و پشیمانی، روزی که چهره های ستمگران سیاه می شود، رخسارهای ما را سفید گردان. ۱۶/۴۲

حسنة نیکی

حصن قلعه

حضور

احضار فرمودن بندگان

وَ اسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتِكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَ مِنْ اِجَابَتِهَا

و ما را دعوت تو - که چاره ای جز پذیرفتن آن نیست - فراخواند... ۳/۱۱

یاری نمودنی حاضر و آماده، به بنده

وَ أَعِدْنِي عَلَيْهِ عِدْوَى حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِهِ شِفَاءً

و مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودنِ آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد. ۸/۱۴

حاضر ساختن فرشتگان، جهت آب رسانی

وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ

و فرشتگانِ بزرگوارِ نویسنده ات را به فرستادنِ آبی سودمند از جانب خود، آماده ساز. ۲/۱۹

ناسزاگویی بنده، به شخص حاضر

ص : ۴۴۳

اللَّهُمَّ اجْعَلْ... مَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ... سَبِّ حَاضِرٍ... نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ

خداوندا به جای آنچه او (شیطان) بر زبانم جاری ساخته از ناسزا به شخص حاضر، سپاس برای خودت را قرار ده. ۱۳/۲۰

پوشاندن (گناه) بنده، در حضور دیگران

اللَّهُمَّ وَ إِذْ... تَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرِهِ الْأَكْفَاءِ فَأَجْرَنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ

خداوندا و اکنون که (گناه) مرا به فضل در سرای فانی در حضور همانندانم نهان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.

۲۱/۳۲

حاضر نمودن مرگ، بر بندگان

فَإِذَا أُوْرِدْتَهُ عَلَيْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا

پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان. ۴/۴۰

رسوا نساختن بنده، در برابر حاضران در قیامت

وَ لَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا

و ما را با گناهان هلاک کننده مان، در برابر حاضران قیامت، رسوا نکن. ۱۴/۴۲

سبب حاضر نکردن طاعت بنده، از جانب

فرشتگان

وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنْ... نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّائِكِيهِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ... حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ، وَ أَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که در آن با اعمال شایسته به سوی تو تقرّب می جویم که بدین وسیله ما را با آن، از گناهان پاک کنی. تا هیچ یک از فرشتگانت به درگاہت حاضر نسازد، مگر کمتر از طاعت های گوناگون برای تو و انواع تقرّبی که

به سوی تو انجام می دهیم. ۱۰/۴۴ و ۱۱

حضور سائل، طالب، راغب و راهب، روز قربان و جمعه

وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّاعِبُ وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ

و در آن، مسلمانان در اطراف زمین گرد هم می آیند، درخواست کننده و جويا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی. ۱/۴۸

حاضر بودن امور پنهانی، در قیامت

وَأَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا أَتَيْتَ بِهَا

و تویی که هیچ چیز پنهانی در زمین و آسمان

ص : ۴۴۴



بر تو پنهان نیست، مگر آن را حاضر نموده ای.

۳/۵۰

حفظ نگهداری

حقد کینه

حقوق

ادای حق والدین

فَهُمَا أَوْجِبُ حَقًّا عَلَيَّ... مِنْ أَنْ أُقَاصَّهُمَا بِعَدْلِ

پس حق ایشان بر من واجب تر از آن است که با عدل از آنان تقاص بگیرم. ۱۰/۲۴

هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا

هیئات! آنها تمامی حقشان را از من نمی گیرند.

۱۱/۲۴

آگاه بودن دوستان امام علیه السلام ، به حقوق او

وَ تَوَلَّيْتَنِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا... بِأَفْضَلِ وَلَائِيكَ

و مرا درباره همسایگانم و دوستانم که دانا به حق ما هستند، به بهترین وجه یاری فرما. ۱/۲۶

افزودن بینایی خود، به حقوق امام علیه السلام

وَ زِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي

و بر بینایی آنان نسبت به حق من بیفز. ۴/۲۶

چشم پوشی خدا، از حق خود

فَجَمِيعُ مَا أَخْرَجْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ أَبْطَأَتْ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النَّقْمَةِ وَ الْعِقَابِ تَرَكَ مِنْ حَقِّكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای و هر کیفر و عقابی که در انجام آن کنیدی نموده ای، ترک کردن حق خودت

ادا نکردن حقّ صاحب حقّ مؤمن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ... مِنْ حَقِّ ذِي حَقِّ لَزِمَنِي لِمَوْءٍ مِنْ فَلَمَّ أُؤْفِرُهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از حقّ لازمِ حقدارِ مؤمنی که تمامش را ادا نکردم. ۱/۳۸

پایمال کردن حقّ دیگران

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ... لِحَقِّهِ بِي أَوْ بِسَبَبِي ظُلْمٌ فَفُتُّهُ بِحَقِّهِ... أَرْضِيهِ عَنِّي مِنْ وُجْدِكَ، وَ أَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِكَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که به دست من یا به وسیله من، ستمی به او شده، پس حقّش را تباه کرده ام، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان و حقّ او را به تمامی از نزد خودت بپرداز. ۴/۳۹

حقّ خداوند

...لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي... لَا يَسْتَقْصِي مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ

...زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که حقّ خود

را از کسی طلب نمی کنی. ۱۳/۳۹

سوگند دادن خداوند، به حقّ ماه رمضان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حقّ این ماه و به حقّ کسانی که در آن تو را بندگی کرده اند، که بر محمد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

ادای حقّ ماه رمضان و وداع با آن

فَنَحْنُ مُودِّعُوهُ وَدَاعٍ مَنْ... لَزِمْنَا لَهُ... الْحَقُّ الْمَقْضِيُّ

پس آن را وداع می گوئیم، وداع از کسی که بر ما لازم است برای او، حقّ ادا نماییم. ۲۳/۴۵

تقصیر از (ادای) حقّ خدا، در ماه رمضان

وَ أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَكَ عَلَيَّ مَا قَصَرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ

و (قبول) عذر ما را که در آن (ماه) بر حقت کوتاهی کرده ایم، بر ما لازم گردان. ۴۶/۴۵

سبب به دست آوردن حقّ خدا، در ماه رمضان

وَ أَجْرٍ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ

و از اعمال شایسته، آنچه را که سبب دریافتن حقّ تو در دو ماه (رمضان گذشته و آینده) از

ماه های روزگار باشد، برای ما پیوسته گردان.

۴۶/۴۵

توفیق ادای حقّ الهی

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ... وَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ

پس او را از کسانی قرار دادی، که برای ادای حقّ خود، به وی توفیق دادی. ۶۷/۴۷

قسم دادن خدا، به حقّ (پیامبر صلی الله علیه و آله )

بِحَقِّ مَنْ اُنْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ... تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ اِلَيْكَ مُتَنَصِّلاً

به حقّ آنکه او را از آفریدگانت برگزیده ای، در این روز، مرا بپوشان، با همان چیزی که پوشاندی با آن، کسی را که با حال  
بیزاری (از گناه) به سوی تو زاری نموده. ۸۶/۴۷

کوتاهی نمودن بنده، در حقّ خداوند

وَ لَا تُؤْأَخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ

و مرا به کوتاهی نمودنم در حقّت، کیفر نکن.

۸۹/۴۷

سوگند دادن خدا، به حقّ خودش

اِلٰهِي اَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ... اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، به آن حقّ واجب خود که بر همه آفریدگانت داری، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود  
فرستی. ۱۰/۵۲

ص : ۴۴۶

پیامبر صلی الله علیه و آله ، و حقیقت ایمان

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... عِنْدَ... الْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران هنگامی که مشتاقانه با ایمانی واقعی به پیامبران روی آوردند... ۱/۴

دشمنی با شیطان، از روی حقیقت

اللَّهُمَّ وَ أَعْمَمَ بِذَلِكَ مَنْ... عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که به سبب حقیقت بندگی تو، با او دشمنی کرد، اجابت فرما. ۱۱/۱۷

حقیقت بودن گفتار خداوند

فَقُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ... وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوْعَدُونَ

پس فرمودی و فرموده تو بر حقیقت و درست ترین است: «و روزی شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان

است.» ۴/۲۹

ثُمَّ قُلْتَ: فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

سپس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (سخن) حق و درست است، مانند آنچه شما سخن می

گویید.» ۵/۲۹

شیطان و نمایاندن باطل، به صورت حق

وَ لَوْ لَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

و اگر او (شیطان)، باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ گمراهی از راه تو گمراه نمی شد. ۹/۳۷

به حقیقت مکافات دادن بنده و هلاکت او

فَإِنَّكَ إِنْ تَكَاْفَنِي بِالْحَقِّ تُهْلِكُنِي

زیرا اگر تو مرا به حق مکافات دهی، هلاکم.

برنگشتن ترازوی عدل، از حقیقت

وَ جَعَلْتَهُ... مِيزَانَ قِسْطٍ لَّا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ

و آن را ترازوی عدلی که زبانه اش از حقیقت به بیراهه نمی رود، قرار دادی. ۳/۴۲

قرآن، آشکارکننده حق

سُبْحَانَكَ! مَا... أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُوقَانَكَ!

پاک و منزهی! چه آشکارکننده حق است کتاب فرق گذار (قرآن) تو! ۲۲/۴۷

قرار دادن راهی در حق، برای بنده

وَ اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ

و برای من در راستای حق، از هر رحمتی راهی قرار ده.

۱۲۹/۴۷

ص : ۴۴۷

به حقیقت پیوستن گمان های نیک

وَ كَمْ مِنْ ظَنَّ حَسَنٍ حَقَّقَتْ

و چه بسیار گمان نیکو که به حقیقت پیوستی.

۱۲/۴۹

حقیقت شکر و سپاس

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ

تم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به کمال و حقیقت ستایش رسد. ۶/۵۱

دست یافتن، به حقّ الیقین

أَسْأَلُكَ... يَقِينًا تَتَّقِعُ بِهِ مِنْ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ أَمْرِكَ

از تو یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافذ بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی. ۳/۵۴

حکم احکام و نیز فرمان

حکمت

تغییر نیافتن حکمت الهی

يَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ

ای آنکه ابزارها، حکمتش را دگرگون نمی کند.

۸/۱۳

حکیم بودن خداوند

وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

و تویی خدایی که جز تو معبودی نیست. دانای حکیم. ۶/۴۷

سُبْحَانَكَ مِنْ... حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ

پاک و منزّهی! ای حکیمی که چه بسیار آگاهی!

۲۳/۴۷

حکیمانه بودن گفتار خداوند

سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ

پاک و منزّهی! گفتارت حکمت است.

۲۹/۴۷

حلال

فراخ گشتن روزی حلال، بر بنده

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمَوْسِعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) از فضلت روزی حلال برای آنان سرشار شده، قرار ده.

۱۱ و ۱۰/۲۵

روزی بنده، و وسایل حلال

أَجْرٍ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي

روزی هایم را از اسباب حلال، پیوسته گردان.

۳/۳۰

ص : ۴۴۸



قرآن، جداکننده حلال و حرام خداوند

وَ جَعَلْتَهُ... فُرْقَانًا فَرَّقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ

و آن را جداکننده ای قرار دادی که به وسیله آن بین حلال و حرمت را جدا کردی. ۱/۴۲ و ۲/۴۲

قرآن و حلال دانستن حلال حکم خدا

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا شاهد ما به آنچه نزد توست به حلال

دانستن حلالش و حرام شمردن حرامش، باشد. ۱۲/۴۲

حرام نمودن حلال ها، در ماه رمضان

فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا

پس در آن به خاطر بزرگ داشتش، آنچه در غیر آن حلال بود، حرام کرد. ۴/۴۴

در شکم جا دادن (روزی های) حلال

وَ أَعْنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ... حَتَّى لَا تَعَى بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّلْتَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان یاری فرما. تا شکم هایمان جز آنچه تو حلال نموده ای در خود جای

ندهد. ۶/۴۴ و ۷/۴۴

حلاوت شیرینی

حلم بردباری

حمد سپاس

حمل

حمل چیزی و واماندن

وَ أَلَّمْ بِي مَا قَدْ بَهَطْنِي حَمْلُهُ

و به من امری وارد شده که تحمّل آن مرا به مشقت انداخته. ۵/۷

زیر بار زیان های عواقب کسب نرفتن

وَ ارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ، فَلَا... اَحْتَمِلَ اِضْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ

و مرا بی حساب روزی ده، تا زیر بار پیامدهای بد کسب نروم. ۲۴/۲۰

گرانبار نشدن خدا، با برداشتن بار (گناه) بنده

وَ اَسْتَحْمِلُكَ مَا لَا يَبْهَظُكَ حَمْلُهُ

و از تو حمل باری را خواهم که حملش برای تو سنگین نیست. ۶/۳۹

حمل گناهان

وَ اَسْتَحْمِلُكَ مِنْ ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ

و از تو می خواهم گناهانم را از من برداری که حملش بر من فشار می آورد. ۸/۳۹

رحمت الهی و حملی گران

ص : ۴۴۹

وَ كَلِّ رَحْمَتِكَ بِاِحْتِمَالِ اِضْرِي

و رحمتت را به تحمل بار سنگینم بگمار.

۹/۳۹

ائمه عليهم السلام و توانایی زیر بار فهم قرآن رفتن

وَ قَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ

و ما را بر (دریافت) آن قوت دادی، تا بدین سبب بر کسی که طاقت تحمل آن را نداشت، رفعت بخشی. ۵/۴۲

انداختن بار سنگین گناهان، با قرآن

وَ اِخْطَطُ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْأَوْزَارِ

و به (عظمت) قرآن، سنگینی گناهان را از ما فرو ریز. ۹/۴۲

ناتوانی کوه ها، از زیر بار فهم قرآن رفتن

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِي مُونِسًا... حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ امْتِنَالِهِ الَّتِي ضَمَّتِ الْجِبَالُ الرِّوَاسِي عَلَى صَلَاتِهَا عَنِ اِحْتِمَالِهِ

و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده. تا درک شگفتی های آن و مثل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با محکمیشان از تحمل آن ناتوانند، به دل های ما برسانی. ۱۰/۴۲

ناتوانی بنده، از تحمل رنج های دشوار

فَنظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعْفِي عَنِ اِحْتِمَالِ الْفَوَاحِ

ای خدای من، پس تو ناتوانی ام را از تحمل مصیبت های سخت، مشاهده کردی. ۵/۴۹

حمله

هجوم بردن پیامبر صلی الله علیه و آله ، به دشمنان خدا

وَ هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُحْبُوحِهِ قَرَارِهِمْ

و در میان قرارگاهشان، بر آنان هجوم برد.

حمله آوردن به (یاری) خدا، در هنگام اضطرار

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولُ بِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ

خداوندا مرا چنانم کن که به وقت ضرورت، به (یاری) تو حمله آورم. ۱۲/۲۰

حمله پاره ای از آتش دوزخ، به پاره دیگر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که برخی بر برخی دیگر حمله می برد. ۲۹/۳۲

حمیت

پناه بردن به خدا، از غلبه حمیت و عصبیت

ص : ۴۵۰

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... مَلَكِهِ الْحَمِيَّةِ

خداوندا به تو پناه می برم از غلبه عصیبت.

۱/۸

حواس

درک نشدن خدا، با حواس

سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّ وَ لَا تُجَسُّ

پاک و منزهی! نه حس می شوی و نه قابل جستجو هستی. ۲۷/۴۷

حوض

وارد ساختن بندگان، به حوض پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ أَوْرَدْنَا حَوْضَهُ، وَ اشْقِنَا بِكَأْسِهِ

و به حوض او واردمان کن و از جام او سیرابمان ساز. ۲۰/۴۲

حیا شرم

حیات زندگی

حیثیت آبرو

حیرت سرگردانی

حیله فریب

حیوان

روی آوردن به مرز حیوانیت

وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیت خارج شده، به مرز حیوانیت رومی آوردند. ۹/۱

پناه بردن به خدا، از شرّ هر حیوانی

وَ أَعِزَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي... مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا

و من و فرزندانم را از شرّ هر جنبنده ای که زلفش در اختیار توست، پناه ده. ۶/۲۳

مقطوع النسل نمودن حیوانات دشمن

وَ أَقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَ أَنْعَامِهِمْ

و نسل چهارپایان و گاو و گوسفند و شترانشان را قطع کن. ۶/۲۷

ص : ۴۵۱



## خاک

به صبح در آمدن آنچه در زیر خاک پنهان است

...أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهَا وَ أَرْضُهَا... وَ مَا كُنَّ تَحْتَ الثَّرَى

صبح کردند همه چیز از آسمان و زمینش و آنچه در زیر خاک پنهان است و همه از آن تو هستیم. ۹/۶

با خواری، روی خود به خاک مالیدن

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... مُتَجَاوِزُ عَمَّنْ عَفَرَ لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً؟

ای خدای من آیا تو از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، درمی گذری؟

۱۵/۱۶

خوردن خاک زمین، و سزاوار محو بدی نشدن

يَا إِلَهِي لَوْ... أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر همه عمرم خاک زمین خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

به خاک مالیدن بینی شیطان

اللَّهُمَّ... وَ أَرْغِمْ أَنْفَهُ

خداوندا و بینی اش را به خاک بمال. ۱۳/۱۷

پیشانی به خاک گذاردن، تنها برای خدا

وَ فَرَّغُهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ... حَتَّى... لَا تُعْفَرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جِبْهَةً دُونَكَ

و خاطرشان را از سرگرمی به جنگ با دشمن، برای عبادت خویش آسوده ساز تا پیشانی هر یک از آنان جز در برابر تو به خاک گذاشته نشود.



راندن مشرکان، به انتهای خاک (محلّ بی آبادانی) در زمین

وَ أَمْدُدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّىٰ يَكْشِفُوهُمْ إِلَىٰ مُنْقَطَعِ التُّرَابِ...

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند.

۸/۲۷

ص: ۴۵۳

طول اقامت بندگان، در بین طبقات خاک

وَ بَارِكْ لَنَا فِي... طُولِ الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ التُّرَى

و ماندن طولانی در میان طبقه های خاک را برای ما مبارک گردان. ۱۴/۴۲

خاکسترآلود

آشامیدن آب خاکسترآلود، تا پایان عمر

يَا إِلَهِي لَوْ... شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي... مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر در مدت زندگی ام آب خاکسترآلود بنوشم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم

نیستم. ۳۰/۱۶

خالص گردیدن اخلاص

خالی

تهی ساختن بنده از بدی ها

وَ أَخْلَيْنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

و ما را در آن (روز) از بدی ها تهی ساز.

۱۴/۶

نامه ای خالی از یاد گناهان

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ... حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ

بِصَحِيْفِهِ خَالِيَهُ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا

و اگر برای ما فراغت از کار مقدر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد. تا نویسندگان بدی

ها با نامه ای خالی از کردار زشت از نزد ما باز گردند. ۲/۱۱

خالی نبودن بنده، از احسان الهی

مُقَرَّرٌ لَكَ بِأَنِّي... لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ امْتِنَانِكَ

اقرار می کنم به اینکه در همه حال از احسان تو بی بهره نبوده ام. ۵/۱۲

خالی گرداندن دل، برای دوستی خدا

وَفَرَّغْتُ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ

و دلم را برای دوستی ات خالی گردان.

۱۰/۲۱

تهی ساختن قلوب دشمنان، از آرامش

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ

خداوندا، دل هایشان را از آرامش تهی دار.

۱۱/۲۷

تهی ساختن تن های دشمنان، از توانایی

اللَّهُمَّ أَخْلِ... أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ

خداوندا، تن هایشان را از قوت تهی دار.

۱۱/۲۷

خالی بودن طمع بنده از هر کس، جز خدا

ص : ۴۵۴

قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرُكَ

در حالی که طمعش از هر که - جز تو - در او طمع کنند، خالی است. ۸/۳۱

دست خالی برنگرداندن بنده

وَ لَا تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ

و مرا تهی دست از آنچه بندگان پرستشگرت با (دستی پر از) آن بازمی گردند، بازنگردان.

۷۱/۴۷

خاموش

خاموش کردن آتش دشمنی

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي ... إِطْفَاءِ النَّائِرِ

و زیور پرهیزکاران را در فرونشاندن (آتش) کینه، به من بپوشان. ۱۰/۲۰

(توفیق) فرونشاندن خشم

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي ... كَظْمِ الْغَيْظِ

و زیور پرهیزکاران را در فرو بردن خشم، به من بپوشان. ۱۰/۲۰

خاموش کردن گرمی آرزوی مجاهد

وَ أَطْفِ عَنهُ حَرَاةَ السُّوقِ

و گرمی آرزو را از او فرو نشان. ۱۳/۲۷

قرآن نور هدایتگر، با حجت و برهانی خاموش نشدنی

وَ جَعَلْتَهُ ... نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ

و آن را نور هدایتی که برهانش از (دید) شاهدان خاموش نمی شود، قرار دادی. ۳/۴۲

خاموش گشتن بنده، به خاطر گناهانش

رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي

ای پروردگار من، گناهانم خاموشم نموده.

۱/۵۳

خاندان

درخواست کردن از خدا، به حق خاندان محمد صلی الله علیه و آله

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حق خودت و به حق محمد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - مرا ناامید برنگردانی. ۲۵/۱۳

خاندان محمد صلی الله علیه و آله ، گنجینه داران قرآن

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَ عَلَيَّ آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمد که با آن سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست. ۶/۴۲

ص : ۴۵۵

درود خدا، بر خاندان ابراهیم علیه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... كَصَلَوَاتِكَ... عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست. مانند درودهایی که بر برگزیدگان: ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی. ۱۱/۴۸

درود و تحیت بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منت نهاد.

۱/۲

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ

خداوندا بر محمد - امین و حیت - درود فرست. ۳/۲

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ... فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا... مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران، در هر عصر و زمانی که رسولی فرستادی، از دوران آدم تا محمد - که درود

خدا بر او و خاندانش باد - ... ۱/۴ و ۲

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

بر محمد و خاندانش درود فرست.

۴/۲۴، ۳۰/۳۱، ۳۴/۳۲، ۲۸/۴۸، ۶-۱/۵، ۱/۱۱، ۳/۱۸، ۲۴/۱۳

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا پس بر محمد و خاندانش درود فرست. ۲۰/۱۳، ۷/۹، ۲۳/۶، ۸/۵، ۱۲/۳۱، ۶/۱۵، ۶/۱۴

فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس بر محمد و خاندانش درود فرست.

۳/۱۱، ۶/۱۰، ۸/۷، ۱۳ و ۱۱ و ۸/۵، ۴/۲۱، ۱۵/۲۰، ۲۹ و ۱۸/۱۶، ۱۴ و ۱۱/۱۴، ۲۸/۳۲، ۲۹/۳۱، ۲/۳۰، ۲/۲۹، ۱۱/۲۴، ۳/۳۸، ۱۶/۳۷،

۵/۳۵، ۱/۳۳، ۲۵/۴۶، ۴۷/۴۵، ۸/۴۲، ۱۰ و ۹ و ۴/۳۹، ۲۷-۱۷/۴۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست.

۱۰/۸، ۱۷-۱۹ و ۱۳/۶، ۱۵ و ۱۴ و ۱۰ و ۹/۵ و ۱۳ و ۹ و ۱۴ و ۸/۱۴، ۲۱/۱۳، ۱۵/۱۲، ۱/۹ و ۱۱-۱۸ و ۴ و ۳ و ۱/۲۰، ۱۰ و ۹ و ۵ و ۴ و ۱۷/۴، ۳۳/۱۶، ۱۰-  
۸/۲۱، ۳۰ و ۲۹ و ۲۷ و ۲۶ و ۲۴-۲۱ و ۱۸ و ۲۰ و ۱۴/۲۰ و ۷ و ۲ و ۲۳/۱، ۱۳ و ۱۲ و ۹ و ۸ و ۶ و ۵ و ۲۲/۵، ۱۳/۲۱ و ۳ و ۳۰/۱، ۴-۲۷/۱، ۴ و ۲۶/۱،  
۱۴ و ۴ و ۲۴ و ۳/۲۶ و ۲/۳۶ و ۳ و ۳۵/۲، ۳۴ و ۳۲ و ۳۲/۳، ۳۰ و ۳۱ و ۲۴ و ۴۳/۶، ۱۴-۹ و ۴۰/۱، ۴۱/۱، ۴۲/۷، ۳۹/۱ و ۵۱ و ۴۵ و ۴۸/۴، ۱۹ و ۱۶-۱۳ و ۴۴/۶

ص : ۴۵۶

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

پس بر محمد و خاندانش که پاک اند، درود فرست. ۲۴/۶

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

۱۶/۱۲

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حق خودت و به حق محمد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - مرا ناامید برنگردانی. ۲۵/۱۳

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا و بر محمد و خاندانش درود فرست.

۷/۱۴

إِلَهِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خدای من بر محمد و خاندانش درود فرست.

۱۷/۱۶

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

۱۱/۴۸ و ۱۶، ۴/۵۴ و ۱۹، ۵/۲۰ و ۷، ۱۱/۲۲، ۱۹/۴۲

اللَّهُمَّ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

خداوندا و بر من منّت گذار به حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت - که درودهایت بر او و رحمت و برکات بر او و بر خاندانش باد - و خاندان پیامبرت - که درود بر ایشان باد - .

۴/۲۳



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمد و خاندان او و نسل او درود فرست. ۱۲/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمد درود فرست. ۱۸/۲۷

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الرُّضَا صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَى

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن. درودی که حدّ و نهایتی برایش نیست. ۳۵/۳۲

وَ جَعَلْتَهُ... وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَنْزِيلًا

و آن را وحیی قرار دادی که بر پیامبرت محمد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - به تدریج نازل فرمودی. ۱/۴۲ و ۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُجَمَّلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بدون

ص : ۴۵۷

تفصیل و شرح نازل کردی. ۵/۴۲

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَ عَلَيَّ آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ

پس بر محمد که با آن (قرآن) سخن راند و بر خاندانش، گنجینه داران آن، درود فرست. ۶/۴۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار

ده. ۱۸/۴۲

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست.

۲۱/۴۲

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و درود بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد. ۲۲/۴۲

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از خدا درخواست می کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستد. ۴/۴۳

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و خدا بر محمد و خاندانش که پاک و

پاکیزه اند، درود فرستد. ۷/۴۳

وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَةً... الْمَوْءِدِينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَيَّ مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و ما را درباره نماز، همچون کسانی قرار ده که آن را در اوقات خود - به (همان) سنتی که بنده و رسول تو [که درودهایت بر او و خاندانش باد] قرار داد - به جا آورده اند. ۹/۴۴

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱۲/۴۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَ آلِهِ

خداوندا بر محمد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. ۵۶/۴۵

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر پیامبران فرستاده شده ات درود فرستادی.

۵۶/۴۵

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

و بر او و خاندانش درود فرست، همچنانکه بر بندگان شایسته ات درود فرستادی. ۵۶/۴۵

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ

پروردگاز من، بر محمد و خاندان محمد، برترین درودهایت را بفرست. ۵۰/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پروردگاز من، بر محمد و خاندانش درود

ص : ۴۵۸

فرست. ۵۷ و ۵۴-۵۱/۴۷

رَبُّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

پروردگار من، بر او و خاندانش درود فرست.

۵۵/۴۷

وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ

و بر او و بر خاندانش درود فرست. ۵۵/۴۷

وَ أَقِمَّ بِهِ... سُنَنَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و روش های پیامبرت را - خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد - به وسیله او (ولی خود) به پا دار. ۶۲/۴۷

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ... وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ

و ما را برای او شنوندگان و بدین وسیله جویای تقرب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش

بفرست - قرار ده. ۶۳/۴۷

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و خداوند بر محمد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد. ۱۳۳/۴۷

فَأَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

پس از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱/۴۸

أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ... وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ...

از تو درخواست می کنم که بر محمد بنده

خود و بر خاندان محمد، درود فرستی. ۳/۴۸

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوند، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست. ۶/۴۸

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

وَ تَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ

و بر محمد و خاندانش هزار بار درود فرست.

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. ۱۰/۵۲

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

وَ صَلِّ اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى وَ عَلَيَّ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

و درود خدا بر سرور ما، محمد، فرستاده خدا

که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد. ۹/۵۴

خانواده

پناهگاهی بازدارنده از شرّ شیطان، برای خانواده بنده

وَ اجْعَلْ... أَهْلَيْنَا... مِنْهُ فِي حِزِّ حَارِزٍ، وَ حِصْنٍ حَافِظٍ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ

و خانواده ما را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دژی نگهدارنده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده. ۱۰/۱۷

بردن یاد خانواده، از خاطر مجاهد

وَ أَنْسِهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْوَلَدِ

و یاد خانواده و فرزند را فراموش ساز.

۱۳/۲۷

نگهداری از خانواده جنگجو یا مرزدار

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ... فَأَجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، یا در نبود او خانواده اش را نگهداری

کرد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده. ۱۶/۲۷

درود خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و خانواده او

وَ صَلِّ عَلَيَّ خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٍ وَ عِثْرَتِهِ الصَّفْوَةِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ

خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود؛ محمد و خانواده او که از آفریدگان پاک تو هستند، درود فرست. ۵/۳۴

خانه

گرد آمدن با رسولان، در سرای جاودانی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نَصَامًا بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن، با پیامبران فرستاده اش گرد آییم، در سرای ماندگاری که جاودانی است. ۱۰/۱۶

جنگیدن پیامبر صلی الله علیه و آله با دشمنان، در میان خانه هایشان

فَعَزَّاهُمْ فِي عُقْرِ دِيَارِهِمْ

پس در وسط دیارشان به جنگ آنها رفت.

۲۰/۲

فرزندان و والدین، در سرای کرامت

وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ

ص : ۴۶۰

و اگر آمرزشت برای من پیشی گرفت، پس مرا شفیع آنان فرما. تا به مهر تو در سرای کرامت تو گرد آییم. ۱۵/۲۴

جانشین جنگجو شدن، در امور خانه اش

اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَأَجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بِوِزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

پوشاندن (گناه) بنده، در سرای نیستی

اللَّهُمَّ وَ إِذْ... تَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

خداوندا و اکنون که (گناه) مرا به فضلت در سرای فانی در حضور همانندانم نهمان داشتی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز.

۲۱/۳۲

رسوایی های سرای هستی

فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمُكْرَمِينَ

پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و پیامبران بزرگوار، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

وسیله قدم نهادن بر نعمت سرای اقامت

وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ... ذَرِيَعَةً نَقَدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمَقَامَةِ

و قرآن را وسیله ای برای قدم نهادن ما بر نعمت سرای اقامت، قرار ده. ۸/۴۲

فرود آمدن بنده، به خانه کهنه (قبر)

وَ بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى

و فرود آمدن در خانه پوسیدن (قبر) را برای ما مبارک گردان. ۱۴/۴۲

بودن با دوستان ائمه علیهم السلام، در سرای سلامت



وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و ما را به همراه آنان در خانه سلامتی (بهشت) قرار ده. به رحمت خودت، ای مهربان ترین مهربانان. ۶۵/۴۷

خبر اخبار

ختم

خاتم (امت ها)، امت اسلام

فَخْتَمَ بِنَا عَلٰى جَمِيعِ مَنْ ذَرَأَ

پس به وسیله ما به همه آفریدگانش پایان داد.

۲/۲

ص : ۴۶۱

خاتم پیامبران، محمد صلی الله علیه و آله

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ...

خداوندا بر محمد - آخر پیامبران - درود فرست. ۱۵/۱۷

ختم نمودن کتاب خداوند

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَبْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی. ۱/۴۲

خجالت شرم

خدا

حمد و سپاس برای خداست

الْحَمْدُ لِلَّهِ

سپاس برای خداست.

۱/۴۷، ۱/۴۴، ۱/۳۵، ۱/۶، ۱/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و سپاس خدای را.

۳ و ۲۵، ۱/۲، ۲/۴۴ و ۲۲ و ۲۰ و ۱۹ و ۱۷ و ۱۰ و ۱/۸

رستن از آتش خدا، و رهسپاری در جوار رحمتش

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ

جِوَارِ اللَّهِ

و سپاس خدای را، سپاسی که به سبب آن از آتش دردناک خداوند آزاد شده، به جوار ارجمند خدا، واصل شویم. ۱۵ و ۱/۱۰

درود خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و سپاس خدایی را که به پیامبرش محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بر ما منت نهاد.

۱/۲

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود.

۳۵/۳۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجَمَّلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بدون تفصیل و شرح نازل کردی. ۵/۴۲

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و خدا بر محمد و خاندانش که پاک و پاکیزه اند، درود فرستد. ۱۳۳/۴۷، ۷/۴۳

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ

و درود خدا بر سرور ما، محمد، فرستاده خدا

ص : ۴۶۲

که برگزیده است و بر خاندان پاکش باد. ۹/۵۴

خدا را به نام مبارک «الله» خواندن

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَخِيكَ

خداوندا بر محمد - امین و حیت - درود فرست. ۳/۲

اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ

خداوندا، او را به سبب رنجی که در راه (دین) تو کشید، به بالاترین درجه از بهشت بالا بر. ۲۳/۲

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَهُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يُفْتَرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ

خداوندا و حاملان عرش که از تسبیح تو سستی نمی کنند... ۱/۳

اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ... فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ

خداوندا و آنگاه که بر فرشتگان و رسولانت درود فرستادی، پس بر ما به سبب گفتار نیکو که درباره ایشان بر (زبان) ما روان

ساخته ای، درود فرست. ۲۶/۳

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ...

خداوندا و پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران...

۱/۴ و ۲

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ...

خداوندا و بخصوص یاران محمد، آنان که همراهانی نیکو بودند... ۳/۴

...فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ

پس خداوندا آنچه را برای تو و در راه تو رها کردند برای آنان از نظر دور ندار. ۷/۴

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ... خَيْرَ جَزَائِكَ

خداوندا و بهترین پاداش خود را به تابعین نیکوکار ایشان برسان ۹/۴

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

خداوندا و از امروز ما تا روز قیامت بر تابعین درود فرست. ۱۳/۴

اللَّهُمَّ أَعْنِنَا عَنْ هَيْبَةِ الْوَهَّابِينَ

خداوندا ما را، از بخشش بخشنندگان بی نیاز کن. ۷/۵

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا پس بر محمد و خاندانش درود فرست. ۲۰/۱۳، ۷/۹، ۲۳/۶، ۸/۵، ۱۲/۳۱، ۶/۱۵، ۶/۱۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست.

۱۰/۸، ۱۷-۱۹ و ۱۳/۶، ۱۵ و ۱۴ و ۱۰ و ۵/۹ و ۱۳ و ۹ و ۱۴ و ۸/۱۳، ۲۱/۱۳، ۱۵/۱۲، ۱/۹ و ۱۱-۱۸ و ۴ و ۳ و ۱/۲۰، ۱۰ و ۹ و ۵ و ۴/۱۷، ۳۳/۱۶

ص : ۴۶۳

۱۰-۸/۲۱ ، ۳۰ و ۲۹ و ۲۷ و ۲۶ و ۲۴-۲۱ و ۱۸ و ۱۴/۲۰ و ۷ و ۲ و ۱/۲۳ ، ۱۳ و ۱۲ و ۹ و ۸ و ۶ و ۵ و ۲۲/۵ ، ۱۳/۲۱ و ۳ و ۳۰/۱ ، ۴-۲۷/۱ ، ۴ و ۲۶/۱ ، ۱۴ و ۴ و ۲۴/۳ و ۳۶/۲ ، ۳ و ۳۵/۲ ، ۳۴ و ۳۲/۳ ، ۳۰ و ۳۱/۲۴ و ۴۳/۶ ، ۱۴-۹ و ۴۰/۱ ، ۴۱/۱ ، ۴۲/۷ ، ۳۹/۱ و ۵۱ و ۴۵/۴ ، ۱۹ و ۱۶-۱۳ و ۴۴/۶

اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ

خداوندا به درستی که بی نیازان به فزونی نیروی تو بی نیاز می شوند. ۱۱/۵

اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِينَ

خداوندا هر کس را که تو یاری نمودی، خواری خوارکنندگان به او زیان نرساند. ۱۲/۵

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی. ۸/۶

اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَيَّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَوْثِقَنَا

خداوندا زحمت ما را بر نویسندگان (فرشتگان) گرامی آسان ساز. ۱۵/۶

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حِطًّا مِنْ عِبَادِكَ

خداوندا برای ما در هر ساعتی از ساعت های این روز، بهره ای از بندگانت قرار ده. ۱۶/۶

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا

خداوندا من تو را گواه می گیرم و گواهی تو کافی است. ۲۱/۶

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ

خداوندا به تو پناه می برم از برانگیخته شدن حرص. ۱/۸

اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً

خداوندا و هرگاه بین دو زیان قرار گرفتیم در دین یا دنیا، پس زیان را در آن که زودگذر است قرار ده. ۲/۹

اللَّهُمَّ وَ إِنَّكَ مِنَ الضَّعِيفِ خَلَقْتَنَا

خداوندا و تو ما را از ناتوانی آفریده ای.

اللَّهُمَّ إِنَّ تَسْأُ تَعْفُ عَنَّا فَبِضْلِكَ

خداوندا اگر خواهی ما را ببخشایی، از احسان توست. ۱/۱۰

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَايَعَنَا عَلَى مَعْصِيَتِكَ

خداوندا چون بر نافرمانی از تو، شیطان را همراهی نمودیم، او ما را شماتت کرد. ۶/۱۰

اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالُ ثَلَاثٍ...

خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد... ۱/۱۲

اللَّهُمَّ يَا مُتْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

خداوندا ای نهایت درخواست نیازها.

۱/۱۳

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا جُهْدِي

ص : ۴۶۴

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که توان انجامش را ندارم. ۱۵/۱۳

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و بر محمد و خاندانش درود فرست.

۷/۱۴

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ فَنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ

خداوند همچنان که ستم کشیدن را در نظر ناپسند نمودی، مرا از ستم نمودن حفظ کن.

۱۰/۱۴

اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَيَّ أَحَدٍ سِوَاكَ

خداوندا به کسی جز تو شکوه نمی کنم.

۱۱/۱۴

اللَّهُمَّ لَا تَقْتِنِي بِالْقُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ

خداوندا مرا به ناامیدی از عدلت آزمایش نکن. ۱۲/۱۴

اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي... إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ... أَيْدِنِي مِنْكَ بِبَيْتِهِ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ

خداوندا و اگر خیر من نزد تو در تأخیر گرفتن حقم تا روز رستخیز می باشد، پس مرا به نیت صادقانه و شکیبایی دائم یاری

ده. ۱۴/۱۴

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَرْزُ أَنْ تَصْرَفْ فِيهِ مِنْ سَلَامَةِ بَدَنِي

خداوندا ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم. ۱/۱۵

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُذْتَبُونَ

خداوندا ای کسی که گناهکاران به رحمت او فریادرسی می جویند. ۱/۱۶

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي فَدَأْرَقْتُهَا الدُّنُوبُ



خداوندا و این گردن من است که گناهان آن را باریک نموده. ۲۹/۱۶

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَاغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

خداوندا ما از وسوسه های شیطان - رانده شده - به تو پناه می بریم. ۱/۱۷

اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ

خداوندا او را از ما - به سبب عبادت و بندگی ات - دور کن. ۳/۱۷

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا

خداوندا برای او در دل های ما راه ورودی قرار نده. ۶/۱۷

اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ

خداوندا و آنچه از باطل برای ما آراسته، به ما بشناسان. ۷/۱۷

اللَّهُمَّ وَ أَشْرَبِ قُلُوبَنَا انْكَارَ عَمَلِهِ

خداوندا و دل های ما را از انکار او سیراب ساز. ۸/۱۷

اللَّهُمَّ وَ اعْمَمْ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ

خداوندا و همه این خواسته ها را در حق هر که به پروردگاری ات گواهی داد، اجابت فرما.

۱۱/۱۷

ص : ۴۶۵

اللَّهُمَّ اخْلُصْ مَا عَقَدَ

خداوندا آنچه (شیطان) گره زد، باز کن.

۱۲/۱۷

اللَّهُمَّ وَاهْزِمِ جُنْدَهُ

خداوندا و لشکرش را شکست ده. ۱۳/۱۷

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ

خداوندا ما را در گروه دشمنانش قرار ده.

۱۴/۱۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ...

خداوندا بر محمد - آخر پیامبران - درود فرست. ۱۵/۱۷

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ

خداوندا بر سرنوشت نیکی که برایم تقدیر کردی، تو را سپاس. ۱/۱۸

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْعَيْثَ

خداوندا ما را از باران سیراب نما. ۱/۱۹

اللَّهُمَّ اسْقِنَا عَيْثًا مُغِيثًا...

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش سیراب گردان. ۴/۱۹

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظُّرَابَ

خداوندا ما را با بارانی که از آن تپه ها را جاری گردانی، سیراب نما. ۵/۱۹

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا

خداوندا سایه آن (ابر) را بر ما گرم و سوزان قرار نده. ۶/۱۹

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

۱۱/۴۸، ۱۹/۴۲، ۱۱/۲۲، ۷ و ۵/۲۰، ۴/۵۴۷/۱۹، ۱۶ و ۱۱/۴۸

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْتِي

خداوندا به لطف خود نیت مرا کامل گردان.

۲/۲۰

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تُعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا

خداوندا مرا در خصلتی عیبناک وانگذار، مگر آنکه اصلاحش نمایی. ۶/۲۰

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولُ بِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ

خداوندا مرا چنانم کن که به وقت ضرورت، به (یاری) تو حمله آورم. ۱۲/۲۰

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي... ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ...

خداوندا به جای آنچه شیطان از آرزو در دل من می افکند، یاد بزرگی ات را قرار ده. ۱۳/۲۰

اللَّهُمَّ إِلَيَّ مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ

خداوندا به سوی آمرزشت روی آورده ام.

۱۵/۲۰

اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَى

خداوندا و مرا به هدایت گویا کن. ۱۶/۲۰

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمَثَلَى

خداوندا مرا به بهترین راه ببر. ۱۷/۲۰

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا

خداوندا برای خود از من، آنچه را که رهایی ام دهد، بگیر. ۱۹/۲۰

اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ

خداوندا اگر اندوهگین شوم، مایه دلخوشی ام تویی. ۲۰/۲۰

اللَّهُمَّ فَأُطِيبِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ

خداوندا پس به قدرت خویش، آنچه طلب می کنم، برایم برآور. ۲۵/۲۰

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بَعْفُوكَ أَجَلِي

خداوندا زندگی مرا با آمرزش خود پایان ده.

۲۸/۲۰

اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ

خداوندا ای کفایت کننده (شخص) تنهای ناتوان. ۱/۲۱

اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ... لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ...

خداوندا اگر روی کریمت را از من برگردانی، راهی به سوی هیچ یک از آرزویم، غیر تو نیابم.

۵/۲۱

اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَمْلِكُ بِهِ مِنِّي

خداوندا مرا - درباره خودم - به کاری گماشتی که تو از من به آن تواناتری. ۱/۲۲

اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ

خداوندا طاقت رنج کشیدن ندارم. ۲/۲۲

فَبِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ، فَأَغْنِنِي

پس به فضل خود، خداوندا بی نیازم گردان.

اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي ...

خداوندا تو آنچه کار دنیای من و آخرتم را اصلاح می کند می دانی. ۱۰/۲۲

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ

خداوندا و بر من منت گذار به حج و عمره.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. ۱/۲۴

وَ اٰخْصِصِ اللّٰهُمَّ وَالِدِيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ

و خداوندا، پدر و مادر مرا به کرامت نزد خود اختصاص ده. ۲/۲۴

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِيْ اَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوْفِ

خداوندا مرا چنان گردان که از هر دو (پدر و مادرم) همچون ترس از پادشاه خود کامه، بیمناک باشم. ۵/۲۴

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِيْ

خداوندا، صدایم را برای ایشان آهسته ساز.

اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِيْ

خداوندا از آنان به پاس پرورش دادن من، قدردانی کن. ۷/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى... فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا...

خداوندا و هر آزاری که از من به آنان رسیده، پس آن را سبب ریزش گناهانشان قرار ده. ۸/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ... فَقَدْ وَهَبْتَهُ لَهُمَا...

خداوندا و آنچه بر من در سخن گفتن، تعدی نموده اند، پس آن را به ایشان بخشیدم. ۹/۲۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

خداوندا بر محمد و خاندان او و نسل او درود فرست. ۱۲/۲۴

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَذْبَارِ صَلَوَاتِي

خداوندا یاد آنان را بعد نمازهایم از یادم نبر.

۱۳/۲۴

اللَّهُمَّ وَ إِنِ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَسَنِّعُهُمَا فِيَّ

خداوندا و اگر آمرزشت برای ایشان پیشی گرفت، پس آنان را شفیع من گردان. ۱۵/۲۴

اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِي

خداوندا و بر من به بقای فرزندانم منت گذار.

۱/۲۵

اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضِدِي

خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان. ۴/۲۵

اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ...

خداوندا با سلطه خود، تسلط او (شیطان) را از ما دور کن. ۸/۲۵

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُوءٍ لِي

خداوندا همه خواسته هایم را به من عطا کن.

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ

خداوندا به توفیق و رحمت همه آن (درخواست ها) را به ما عطا فرما. ۱۲/۲۵

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزَى بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَتِهِمْ

و خداوندا مرا بر آن دار که بدکارشان را به نیکی پاداش دهم. ۳/۲۶

اللَّهُمَّ أَفْلُ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ

خداوندا بدین وسیله، دشمنانشان را درهم شکن. ۵/۲۷

اللَّهُمَّ عَقِّمِ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ

خداوندا رحم زنانشان را عقیم گردان.

اللَّهُمَّ وَقِّبْ بِذَلِكَ مِحَالَ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

خداوندا و به وسیله آن، تدبیر مسلمانان را قوت بخش. ۷/۲۷

اللَّهُمَّ اغْزُبْ بِكُلِّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَارَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

خداوندا مسلمانان هر ناحیه را به جنگ با مشرکانی که در مقابل آنند، گسیل دار. ۸/۲۷

اللَّهُمَّ وَاعْمُمِ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ...

خداوندا و همه دشمنانت را بدین سرنوشت دچار کن، در هر شهری که باشند. ۹/۲۷

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ...

خداوندا مشرکان را به مشرکان مشغول گردان.

۱۰/۲۷

اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ

خداوندا دل هایشان را از آرامش تهی دار.

۱۱/۲۷

اللَّهُمَّ وَ امْرِجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ

خداوندا و آب هایشان را به وبا درآمیز.

۱۲/۲۷

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مَلَّتِكَ... فَلَقَّهِ الْيُسْرَ

خداوندا و هر رزمنده ای از اهل دینت که با آنها بجنگد، پس او را با آسانی روبرو کن.

۱۳/۲۷

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَاجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنَا بوزنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

خداوندا و هر مسلمانی که جنگجویی یا مرزداری را، در (امور) خانه اش جانشین شد، پس وی را همسنگ و همگون پاداش او، پاداش ده.

۱۶/۲۷

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ... فَتَوَى غَزَوًا... فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ... فَكُتِبَ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ

خداوندا و هر مسلمانی که امر اسلام او را نگران ساخت، از این رو قصد جنگ کرد، اما ناتوانی او را بازداشت؛ پس نام او را در عبادت کنندگان بنویس. ۱۷/۲۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات و خاندان محمد درود فرست. ۱۸/۲۷



اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِنْتِطَاعِي إِلَيْكَ

خداوندا همانا من خالصانه از دیگران دل بریده و به تو پیوسته ام. ۱/۲۸

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ

خداوندا همانا تو ما را در روزی هایمان به بدگمانی، آزمودی. ۱/۲۹

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ

خداوندا، همنشینی نیازمندان را نزد من محبوب گردان. ۴/۳۰

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِينَ

خداوندا ای کسی که توصیف و صف کنندگان، او را نمی ستاید. ۱/۳۱

اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ

خداوندا، اکنون این من هستم که به نزد تو آمده ام، در حالی که فرمان تو را که به دعا کردن امر نموده ای، اطاعت کرده

ام. ۱۱/۳۱

اللَّهُمَّ وَتَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ يَتِي

خداوندا و نیت مرا در فرمانبرداریت، ثابت بدار. ۱۳/۳۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِي وَصَغَائِرِهَا

ص : ۴۶۹

خداوندا من در این جایگاهم، از گناهان بزرگ و کوچکم به درگاہت توبه می کنم. ۱۴/۳۱

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاعْفُ لِي مَا عَلِمْتَ

خداوندا به درستی که تو به کارهایم، داناتری. پس آنچه (گناه) از من می دانی، ببامرز.

۱۷/۳۱

اللَّهُمَّ وَعَلَى تَبِعَاتٍ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ، وَتَبِعَاتٍ قَدْ نَسِيتُهُنَّ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است که به یاد دارم و گرفتاری هایی است که فراموش کرده ام. ۱۸/۳۱

اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ

خداوندا مرا جز به نگهداری تو، وفای به توبه نیست. ۱۹/۳۱

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ... فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاہت توبه نمود ولی در علم پنهانت، توبه شکن باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که

اینچنین باشم. ۲۰/۳۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي

خداوندا، به درستی که من از نادانی ام، در پیشگاه تو عذر می خواهم. ۲۱/۳۱

اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ

خداوندا و همانا من از هر چه مخالف خواسته توست، به درگاہت توبه می کنم. ۲۲/۳۱

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحَدَّتِي بَيْنَ يَدَيْكَ

خداوندا، پس به تنهایی ام در برابرت، رحم فرما. ۲۳/۳۱

اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ فَلْيُخْفِرْنِي عِزُّكَ

خداوندا برای من پناه دهنده ای از (عقوبت) تو نیست، پس باید عزت مرا پناه دهد. ۲۵/۳۱

اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ

خداوندا اگر پشیمانی، توبه به درگاه توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم. ۲۸/۳۱

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي

خداوندا، پس چنانکه به توبه فرمان دادی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و توبه ام را قبول کن. ۲۹/۳۱

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَابِدِ بِالْخُلُودِ

خداوندا ای صاحب پادشاهی پاینده جاوید.

۱/۳۲

اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ

خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما، آگاه است. ۱۱/۳۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي فَتَرَكْتُ

خداوندا همانا تو مرا امر کردی، پس ترک گفتم. ۱۶/۳۲

اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجْرَنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ...

ص : ۴۷۰

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایش پوشاندی، پس از رسوایی های سرای باقی، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِينًا مِنْ صُلْبِ مُتَصَائِقِ الْعِظَامِ... إِلَيَّ رَحِمٍ ضَيَّقَهُ سَتْرُهَا بِالْحُجْبِ

خداوندا و تو مرا (آن هنگام که) آبی پست (بودم)، از صلیبی با استخوان های درهم تنیده به سوی رحمی تنگ که آن را با پرده ها پوشاندی، سرازیر نمودی. ۲۳/۳۲

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظَتْ بِهَا عَلَيَّ مِنْ عَصَاكَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن به هر که تو را نافرمانی کرده، سخت گرفتی.

۲۹/۳۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَقِي الْكُرْبِيهَةَ

خداوندا همانا تو از ناخوشایندی ها نگهداری می کنی. ۳۳/۳۲

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ

خداوندا، همانا من به علمت از تو درخواستِ خیر دارم. ۱/۳۳

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ سِتْرِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ

خداوندا سپاس تو را، بر (خطا) پوشاندنت پس از علمت. ۱/۳۴

وَ صَلِّ عَلَيَّ خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ...

خداوندا و بر برگزیده ات از آفریدگان خود

درود فرست. ۵/۳۴

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَاتِنِ مِنْ آيَاتِكَ

خداوندا همانا این دو، دو نشانه از نشانه های تو هستند. ۱/۳۶

اللَّهُمَّ وَ إِنْ كُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً وَ أَرْسَلْتَهَا سَخَطَةً فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته ای و از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می خواهیم.

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ

خداوندا خشکسالی شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز. ۴/۳۶

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً

خداوندا همانا کسی به نهایت شکرگزاری ات نمی رسد. ۱/۳۷

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلَمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد، پس او را یاری نکردم. ۱/۳۸

اللَّهُمَّ وَ أَتَيْمًا عَبْدٍ نَالَ مِنِّي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ... فَاعْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَّ بِهِ مِنِّي...

خداوندا و هر بنده ای که به من آسیبی رساند (و از من چیزی گرفت) که بر او جایز ندانسته

بودی، پس او را از آنچه بر من روا داشت، بیامرز.

۲/۳۹

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَدْرَكَهُ مِنِّي دَرَكٌ... أَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وَجْدِكَ...

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که ناروایی از من به او رسیده، او را با توانگری خود، از من خوشنود گردان. ۴/۳۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْهِبُكَ - يَا إِلَهِي - مَا لَأ يُنْقِصَكَ بَدْلُهُ

خداوندا، ای خدای من، همانا من از تو بخششی می خواهم که بخشیدن آن از تو چیزی نمی کاهد. ۶/۳۹

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعَنْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا

خداوندا به درستی که تو مرا بر ختم کتابت یاری فرمودی، همان (کتابی) که آن را به عنوان نور نازل کردی. ۱/۴۲

اللَّهُمَّ فَإِذَا أَفَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ... فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَزْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ

خداوندا، پس هنگامی که ما را بر تلاوتش یاری نمودی، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آنچنان که باید رعایت می

کنند. ۴/۴۲

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُجَمَّلًا

خداوندا همانا تو قرآن را بر پیامبرت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بدون تفصیل و شرح نازل کردی. ۵/۴۲

اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ... وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ...

خداوندا، پس همچنان که دل های ما را حامل آن (قرآن) قرار دادی، پس بر محمد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که

اعتراف می کنند به اینکه؛ قرآن از جانب توست. ۶/۴۲

اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ... فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ...

خداوندا و چنان که به وسیله قرآن، محمد را نشانه ای برای راهنمایی به خود نصب نمودی، پس بر محمد و خاندانش درود

فرست و قرآن را برای ما سبب رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت، قرار ده. ۸/۴۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ

خداوندا بر محمد بنده خود و فرستاده ات درود فرست. همچنانکه رسالت تو را ابلاغ کرد.

۱۷/۴۲

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا

خداوندا پیامبر ما را - که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد - روز رستاخیز، نزدیک ترین پیامبران در مجلس خود قرار

ده. ۱۸/۴۲

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

ص : ۴۷۲

خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست.

۲۱/۴۲

اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ

خداوندا او را به سبب اینکه پیام های تو را ابلاغ نمود، پاداش ده. ۲۲/۴۲

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم به حق این ماه، که بر محمد و خاندانش درود فرستی.

۱۲/۴۴

اللَّهُمَّ اشْحَنهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاكَ

خداوندا این (ماه) را از عبادت های ما، پر گردان. ۱۷/۴۴

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَرْتَنَا

خداوندا و ما را تا زمانی که عمر می دهی در بقیه ماه ها و روزها، این چنین قرار ده. ۱۸/۴۴

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ

خداوندا ای کسی که پاداش نمی خواهد.

۱/۴۵

اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوُظَائِفِ... شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ

خداوندا و تو از کارهای برگزیده، ماه رمضان را قرار دادی. همان که آن را از بقیه ماه ها مخصوص داشتی. ۲۰/۴۵

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ

خداوندا، همانا ما اهل این ماه هستیم، که ما را به وسیله آن شرافت دادی. ۴۳/۴۵

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ إِقْرَارًا بِالْإِسَاءَةِ

خداوندا، پس سپاس برای توست، در حالی که به بد کرداری، اقرار کننده ایم. ۴۵/۴۵



اللَّهُمَّ وَمَا أَلَمَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ

خداوندا و گناه کوچک یا بزرگی که در این ماه به آن نزدیک شدیم؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به پرده خود بپوشان.

۴۷/۴۵

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِإِسْلَاحِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها درآور. ۴۹/۴۵

اللَّهُمَّ وَمَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ... أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبِهِ أَوْ جَبَّتْ رِضَاكَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس رعایت کرده این ماه را، به طوری که حق رعایتش است، یا به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جست، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش.

۵۰/۴۵

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا...

خداوندا ما در روزِ فطرمان به درگاه تو توبه

ص : ۴۷۳

می کنیم. ۵۲/۴۵

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ

خداوندا ترسِ کیفرِ هشدار داده شده را روزی ما گردان. ۵۳/۴۵

اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنَّا وَآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا...

خداوندا از پدران و مادران ما در گذر.

۵۵/۴۵

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَ آلِهِ

خداوندا بر محمد پیامبرمان و خاندانش درود فرست. ۵۶/۴۵

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

خداوندا سپاس برای توست، پدیدآورنده آسمان ها و زمین. ۲/۴۷

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ

خداوندا، همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده ای، که او را نشانه ای برای بندگانت به پا داشتی. ۶۰/۴۷

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

خداوندا، پس به ولی خود، شکر آنچه را که به او نعمت داده ای، الهام فرما. ۶۱/۴۷

صَلِّوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

خداوندا درودهایت بر او و خاندانش باد.

۶۲/۴۷

وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ... وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ

صَلِّوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ

و ما را برای او شنوندگان و بدین وسیله جویای تقرب به سوی خود و پیامبرت - که خداوندا درودهایت را بر او و خاندانش

بفرست - قرار ده. ۶۳/۴۷

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ

خداوندا و بر دوستان آنها که اعتراف کنندگان به مقام ایشانند، درود فرست. ۶۴/۴۷

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ

خداوندا، این روز عرفه، روزی است که آن را شرافت و کرامت و عظمت داده ای.

۶۶/۴۷

اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ...

خداوندا و من آن بنده تو هستم که او را نعمت داده ای. ۶۷/۴۷

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ

خداوندا این روزیست مبارک و خجسته.

۱/۴۸

اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ

خداوندا، ای پروردگار ما، به درستی که پادشاهی برای توست. ۲/۴۸

اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ وَالْحَمْدَ

خداوندا، به درستی که پادشاهی و سپاس مختص به توست. ۳/۴۸

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي

ص : ۴۷۴

خداوندا، برای نیازم به سوی تو قصد نمودم.

۴/۴۸

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَاعْتَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِرَفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ... فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهَيَّيْتِي...

خداوندا، هر کسی خود را مهیا و آماده می کند و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود. پس ای سرور من، امروز مهیا گشته تا به سوی تو آیم. ۵/۴۸

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست. ۶/۴۸

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِيُخْلَفَانِكَ وَ أَصْفِيَانِكَ

خداوندا، به درستی که این مقام، برای جانشینان و برگزیدگان است.

۹/۴۸

اللَّهُمَّ الْعَنُ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان لعنت کن. ۱۰/۴۸

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ

خداوندا و مرا از یکتاپرستان و ایمان آورندگان به خود قرار ده. ۱۲/۴۸

اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ

خداوندا، غضب تو را جز بردباری ات دور نمی سازد. ۱۳/۴۸

أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا امروز از غضبت به تو پناه می آورم.

۱۷/۴۸

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّديِّهِ الرَّفِيعِ

خداوندا، پس من به منزلت بلند پایه محمدی، به سوی تو نزدیکی می جویم. ۱۶/۴۹

اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا

خداوندا، تو مرا بی عیب و نقص آفریدی.

۱/۵۰

اللَّهُمَّ إِنِّي وَجِدْتُ فِيهَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ... أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ  
الذُّنُوبَ جَمِيعًا

خداوندا، همانا من در کتابت که فرفرستاده ای یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت  
خدا ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد.» ۲/۵۰

اللَّهُمَّ إِنَّكَ طَالِبِي إِنْ أَنَا هَرَبْتُ

خداوندا، همانا تو جویای منی، اگر بگریزم.

۴/۵۰

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب  
رحم نمایی.

۵/۵۰

فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي امْرُوءٌ حَقِيرٌ

ص : ۴۷۵

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی حقیرم. ۶/۵۰

لَكِنْ سُلْطَانُكَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ... مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةَ الْمُطِيعِينَ

ولی خداوندا، سلطنت تو بزرگ تر از آن است که طاعتِ فرمانبران بر آن بیفزاید. ۶/۵۰

اللَّهُمَّ إِنِّي أُصْبِحُ وَ أُمْسِي مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِي

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که عملم را اندک می بینم.

۷/۵۲

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُوءَ آلٍ مِنْ أَشَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند است. ۳/۵۴

اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْأَلَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ

خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان قرار ده.

۶/۵۴

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي

خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان. ۷/۵۴

اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَقَدْ أَصْبَحَتْ وَ أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا

خداوندا، هر کس صبح کرد، در حالی که اعتماد یا امیدش به جز تو بود. پس من صبح

کردم، در حالی که اعتماد و امیدم در همه کارها تویی. ۸/۵۴

فرشتگان و عدم نافرمانی از خدا

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنان که خدا را در آنچه به آنان امر کرده، سرپیچی نمی کنند و آنچه به آنان فرمان داده شده، انجام می دهند.

گواهی دادن به خدایی و یکتایی خدا

أَنْتَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

همانا من شهادت می دهم تویی خدایی که جز تو خدایی نیست. ۲۱/۶

وَأَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْسِلِينَ حَتَّىٰ يَكْشِفُوا عَنْهُمْ إِلَىٰ مُنْقَطِعِ التُّرَابِ فَتَنَّا فِي الْأَرْضِ وَأَسْرَيْنَا، أَوْ يُمِزُّوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمینت برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

تویی خدایی که جز تو معبودی نیست.

۱۲-۳/۴۷

پیکار با دشمنان، تا اعترافشان به خدایی و یکتایی خدا

وَ أَمْدِدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْسِلِينَ حَتَّى يَكْشِفَتْهُمُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ فَتَلَّا فِي أَرْضِكَ وَأَسِيرًا، أَوْ يُمِرُّوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

و آنان (مسلمانان) را از جانب خود با فرشتگانی که پی در پی آیند، یاری فرما. تا با کشتن و اسیر گرفتن، آنها (مشرکان) را به انتهای خاک در زمین برانند، یا به یکتایی تو که معبودی جز تو نیست، تنها و بی شریک هستی، اقرار نمایند.

۸/۲۷

اول بودن خدا، در اولیتش

كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوْلِيَّتِكَ

چنین است که تو خدایی هستی که در اولیت خود اولی. ۸/۳۲

رضایت داشتن، به حکم خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى بِحُكْمِ اللَّهِ

سپاس خدای را که راضی به حکم اویم.

۱/۳۵

تقسیم عادلانه معیشت، توسط خدا

شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ

گواهی می دهم که خدا روزی های بندگانش را عادلانه تقسیم نمود. ۱/۳۵

رحمت خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ



و درود و رحمت و برکات فزاینده خداوند، بر او و بر خاندان او که پاکیزگان و پاکانند، باد.

۲۲/۴۲

خدا، پروردگار انسان و ماه

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبِّكَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالًا بَرَكَهٖ

پس از خدایی که پروردگار من و پروردگار تو است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار دهد. ۴/۴۳

توبه نمودن، به درگاه خدا

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا...

به سوی خدا توبه کنید. توبه خالص. ۱۰/۴۵

خدا، و خوار نکردن پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان

...يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

...روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. ۱۱/۴۵

خدا و چندین برابر نمودن (نعمت ها)

ص : ۴۷۷

وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

و خدا برای هر که بخواهد، چندین برابر می کند. ۱۳/۴۵

قرض نیکو دادن، به خداوند

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

کیست آنکه به خدا وام دهد، وامی نیکو. که خدا آن را برایش به چندین و چند برابر افزون نماید؟. ۱۳/۴۵

انفاق اموال، در راه خدا

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ...

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد.

۱۳/۴۵

ماه رمضان، ماه خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ

درود بر تو، ای بزرگ ترین ماه خدا. ۲۳/۴۵

کثرت آزادشدگان خدا، در ماه رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عِتْقَاءَ اللَّهِ فِيكَ!

درود بر تو. چه بسیار است آزادشدگان (از عذاب) خدا در تو! ۳۰/۴۵

خدا، آمرزنده گناهان

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

به درستی که خدا همه گناهان را می آمرزد.

۲/۵۰

ناامید نشدن از رحمت خداوند

اللَّهُمَّ إِنِّي وَحِيدٌ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَبَشَرٌ بِهِ عِبَادَتُكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ...  
اللَّهُ...

خداوندا، همانا من در کتابت که فروفرستاده ای و بندگانت را به آن مژده داده ای، یافتم که فرمودی: «ای بندگان من که درباره خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید.» ۲/۵۰

پوشیده نبودن چیزی، بر خداوند

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر تو پنهان نیست. ۱/۵۲

خداحافظی وداع

خدعه فریب

خدمت

خدمت گزاران بهشت ها

ص : ۴۷۸

...فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... وَ سَدَنِهِ الْجِنَانِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان و خدمت گزاران بهشت ها. ۱۸ و ۱۱ و ۳/۱۰

خدمت در آنچه به بنده الهام شده

و وَفَّقْنِي لِلْفُؤُودِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى... لَا تَثْقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْحُفُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ

و مرا برای انجام آنچه به دانستنش بینایم می کنی، توفیق ده. تا اعضایم از انجام آنچه آن را به من الهام فرموده ای، سنگین نشود. ۳/۲۴

به جا آوردن خدمت و چاکری والدین

و لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَهُ خِدْمَتِهِمَا

و من وظیفه خدمت گزاری ایشان را انجام نداده ام. ۱۱/۲۴

به خدمت گرفتن ماه

و اُمَّتَهُنَّكَ بِالزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ

و تو را با افزونی و کاستی، به خدمت گرفت.

۲/۴۳

به خدمت گرفتن بنده، جهت انتقام گرفتن برای خدا

و لَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِخَلْقِكَ... وَ لَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ

لَكَ

و مرا سبب خنده آفریدگان قرار نده و جز برای انتقام گرفتن برای تو، خدمت گزارم نگردان.

۱۲۴/۴۷

خذلان خواری

خُرْخُرُ

عامل آسان نمودن خُرخرهای زمان جان کندن

وَ هُوَ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا... تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النَّفُوسُ التَّرَاقِي

و به وسیله قرآن هنگام مرگ، خرناسه های پی در پی زمان جان کندن را بر ما آسان گردان، آن زمان که جان ها به گلوگاه می رسد. ۱۳/۴۲

خُرد اندک و نیز کوچک

خرده گیری و سخت گیری

عدم سخت گیری خدا، در ابزار رساندن بنده به آموزش

وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ

و از او نسبت به ابزاری که با به کار بردن آنها،

ص : ۴۷۹

به آموزش تو نائل شد، حسابکشی سخت نکردی.

۱۳/۳۷

خرده گیری نکردن خدا، بر بنده

وَلَا تُنَاقِشْنِي بِمَا اَكْتَسَبْتُ

و به آنچه کسب کردم، بر من سخت مگیر.

۲/۴۱

خرّم

بارانی خرّمی بخش و سرسبزکننده

اللَّهُمَّ اسْقِنَا عَيْثًا مُغِيثًا مَرِيحًا مُمَرِّعًا...

خداوندا ما را از بارانی ثمربخش، خرّمی بخش و سرسبزکننده سیراب گردان. ۴/۱۹

خُرْناس خُر خُر

خروج

خارج شدن از حدود انسانیت

...وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حُدِّ الْبَهِيمِيَّةِ

و اگر چنین بودند، از مرزهای انسانیت خارج شده، به مرز حیوانیت رومی آوردند. ۹/۱

خروج از فراخی معیشت

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى... خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ

و ایشان را به خاطر آنکه از زندگی راحت به سختی افتادند، پاداش عنایت کن. ۸/۴

روز خروج جان ها، از تن ها

وَ تُهَوَّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَحُلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا

و در آن روز که جان‌ها از تن بیرون رود، هر اندوهی را بر ایشان آسان گردانی. ۱۷/۴

خارج نمودن آنچه آمدنیست (گیاه)، با باران

و تُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ

و به وسیله آن آنچه که آمدنی است، بیرون آوری. ۳/۱۹

ناتوانی بنده، از خارج شدن از سلطنت خدا

و لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ

و مرا نیرویی برای خروج از سلطنت تو نیست. ۶/۲۱

خارج شدن اسباب پیوندها، از دست بنده

خَرَجَتْ مِنْ يَدِي أَسْبَابُ الْوُصَلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ

ص : ۴۸۰

اسباب پیوندها از دستم بیرون رفته، جز آنچه به رحمت وصل شده. ۹/۳۲

خارج کردن زکات از مال

وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ... نَطَهَّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ

و ما را در آن ماه توفیق ده، که آن (دارایی ها) را با بیرون کردن زکات ها پاک کنیم. ۱۰/۴۴

ماه رمضان، و خروج بنده از بدی

أَخْرَجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا

با بیرون رفتنش، ما را از بدی هایمان بیرون بر.

۴۹/۴۵

خروش

به شنا درآمدن ابر خروشان

...فَصَيَّلَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحِ الْبَيِّنِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ... وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ... الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمِعُ زَجْلُ الرُّعُودِ، وَإِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ

...پس درود فرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و بر گروه های فرشتگان، آنکه با صدای راندنش، بانگ رعدها شنیده می شود و آنگاه که با خروش او، ابر به حرکت درآید، شعله های برق می درخشد. ۱۴ و ۱۱ و ۳/۱۰

خزانه گنجینه

خسارت زیان

خستگی

رو نیاوردن خستگی، به فرشتگان

وَالَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَلَا إِعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَلَا فُتُورٌ...

و همانها که از کوشش دائمی دلتنگ نمی شوند، و از خستگی زیاد، وامانده و سست نمی گردند... ۷/۳

شب و آرمیدن از حرکات خسته کننده



فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَ نَهَضَاتِ النَّصَبِ

پس شب را برای آنان آفرید تا از حرکت های خسته کننده و جنبش های سخت بیسایند. ۵/۶

درخواست رو نیاوردن خستگی، به بنده

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاحًا مِنْ شُغْلٍ. فَاجْعَلْهُ فَرَاحَ سَلَامَةٍ، لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ، وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَةٌ

و اگر برای ما فراغت از کار مقدر نموده ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خستگی ای به ما  
نرسد. ۲/۱۱

از روی خستگی نبودن وداع با رمضان

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُودَّعٍ بَرَمًا وَ لَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَأْمًا

درود بر تو. نه آنکه وداع با او از روی دلتنگی

ص : ۴۸۱

باشد. و نه آنکه ترک روزه اش از سر ملالت باشد.

۳۷/۴۵

خسیس بخیل

خشکی

خشک گرداندن پشت های مردان دشمن

وَ يَيْسُ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ

و صلب مردانشان را خشک نما. ۶/۲۷

قحطی و خشک سالی شهرهای دشمنان

وَ اِزْمِ بِلَادِهِمْ بِالْخُسُوفِ... وَ اَفْرَعَهَا بِالْمِمْ-حَوْلِ

و شهرهایشان را در زمین فروبر و آن را به قحطی و خشک سالی دچار ساز.

۱۲/۲۷

زایل گرداندن خشکی شهرها، با باران

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ

خداوندا خشک سالی شهرهای ما را، با آبیاری خویش برطرف ساز. ۴/۳۶

جستن فضل غیر خدا، و دچار خشک سالی گشتن

وَ أَجْدَبَ الْمُتَتَجِعُونَ إِلَّا مَنْ انْتَجَعَ فَضْلَكَ

و جویندگان که غیر از فضل تو جو یا شدند، دچار خشک سالی گردیدند. ۱۳/۴۶

خشم

پناه بردن به خدا، از تندی غضب

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سَوْرَةِ الْغَضَبِ

خداوندا به تو پناه می برم از شدت خشم.

۱/۸

تصمیمی به خشم آورنده خداوند

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمِّينَ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ يُسْخِطُكَ الْآخَرَ عَلَيْنَا...

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد... ۳/۹

سستی نیروی بندگان، از به خشم آوردن خدا

وَ أَوْهِنُ قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا

و توانمان را از کاری که تو را بر ما خشمگین می سازد سست کن. ۳/۹

عامل بهبودی خشم بنده، علیه ستمگر

وَ أَعِدِنِي عَلَيْهِ عَدْوِي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيْظِي بِهِ شِفَاءً

و مرا در مقابل او یاری کن. یاری نمودن آماده ای که خشم من با آن بهبودی یابد. ۸/۱۴

اندک بودن هر ناپسندی، در برابر خشم خدا

ص : ۴۸۲

فَكَلَّ مَكْرُوهُ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ

پس هر ناپسندی در مقابل خشم تو اندک است. ۹/۱۴

هموار بودن هر اندوهی، با پیشامد غضب الهی

وَ كُلُّ مَرْزُئِهِ سِوَاءَ مَعَ مَوْجِدَتِكَ

و هر گرفتاری ای با غضب تو هموارشدنی است. ۹/۱۴

پیشی گرفتن رحمت خدا، بر غضبش

وَ أَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ

و تو آنی که رحمتش بر غضبش پیشی می گیرد.

۸/۱۶

معصیت به خشم آورنده خدا

وَ أَعْجِبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَا تُكَ عَنِّي... وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي، وَ تَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنْ أَرْتَدِعَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُسَخِطَةَ

و شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من و از تفضل تو بر من است. برای اینکه از نافرمانی - برانگیزنده خشم تو - دست بردارم.

۲۶/۱۶

ایمنی از خشم خداوند

وَ أَكْتُبُ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ

و ایمنی از خشمت را برایم بنویس. ۳۳/۱۶

میراندن بنده و استواری خشم خدا

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ... يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ

پس چنانچه عمرم چراگاهی برای شیطان شد - پیش از آنکه خشمت بر من استوار گردد - مرا به سوی خود بازگردان. ۵/۲۰

(توفیق) فرونشاندن خشم

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي... كَظْمِ الْعَيْظِ

و زیور پرهیزکاران را در فرو بردن خشم، به من بپوشان. ۱۰/۲۰

ناتوان شدن بنده، در برابر خشم الهی

ضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مُوءَيْدَ لِي

در برابر خشم تو ناتوان شده ام و یاری دهنده ای ندارم. ۱/۲۱

به خشم نیامدن از آنچه موجب رضای خداست

وَلَا أَسْخَطُ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ

و از چیزی که خوشنودی توست، خشمگین نشوم. ۹/۲۱

سبب دوست نداشتن به خشم آورنده خدا

وَ اشْغَلُ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرِدُ عَلَيَّ حَتَّى لَا

ص : ۴۸۳

أَحِبَّ شَيْئًا مِنْ سُخْطِكَ

و مرا از هر چه به من برسد، به طاعت خویش مشغول دار. تا چیزی که تو را به خشم می آورد، دوست نداشته باشم. ۹/۲۱

یافتن آرامش دل، در هنگام خوشنودی و خشم

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لِمَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ... حَيْثِي أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طَمَأُنِينَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ وَ الرِّضَا وَ السُّخْطِ...

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی و خوشنودی و خشم رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم. ۱۱/۲۲

خطاها و لغزش ها، در خوشنودی و خشم

وَ ارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. ۱۳/۲۲

عامل سزاوار خشم خدا گشتن

...وَ اسْتَوْجِبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطَكَ

...و با زشتی کردارم، خشمت را سزاوار گشتم.

۱۳/۳۲

خشم نمودن بنده، بر نفس خود

وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ، وَ سَخَطَ عَلَيْهَا

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت و بر خود خشمگین است.

۱۹/۳۲

گرداندن خشم خدا، به سوی کفار

فَمِلْ بِالْغَضَبِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ

پس خشم را به سوی مشرکان بگردان.

۳/۳۶

فرستادن ابرها، از روی خشم

اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً وَأَرْسَلْتَهَا سَخَطَةً فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا و اگر آن (ابرها) را برای کیفر برانگیخته ای و از روی خشم فرستاده ای، پس ما از خشمت، از تو امان می

خواهیم. ۳/۳۶

نیروی بنده و خشم خداوند

وَإِنَّ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسَخَطِكَ

و همانا طاقت من، با خشم تو برابری نمی کند. ۵/۳۹

ص : ۴۸۴

رها شدن از خشم خدا، به واسطه عفو او

وَ اجْعَلْنِي اَسْوَهَ مَنْ قَدْ... خَلَصْتَهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمِ-جْرَمِينَ، فَأَصْبَحَ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ اِسَارِ سُخْطِكَ

و مرا اسوه کسی گردان که به توفیق خود، او را از منجلاب های مجرمان، رهاندی. پس به واسطه عفو از قید و بند خشم،  
رها گردیده است. ۱۰/۳۹

خوشنود نشدن خدا، پس از خشمش

لَا تُعْرِضْ عَنِّي اِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ

از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشم از او خوشنود نمی شوی. ۱۰۰/۴۷

عامل بازگرداننده خشم خداوند

اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ، وَ لَا يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ

خداوندا، غضب تو را جز بردباری ات دور نمی سازد، و خشم تو را جز بخشایش فرو نمی نشاند. ۱۳/۴۸

پناه بردن به خدا، از خشم او

أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ

خداوندا امروز از غضبیت به تو پناه می آورم.

۱۷/۴۸

زنهار جستن از خشم الهی

أَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ

امروز از خشمت به تو پناه آورده ام. ۱۸/۴۸

بهبودی نیافتن خشم دشمن

فَرَدَدْتَهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ، وَ لَمْ يَسْكُنْ غَلِيلُهُ

پس در حالی که خشمش را بهبودی نداده و کینه اش قرار نگرفته بود، او را باز گرداندی. ۶/۴۹



با خشم نگریستن ستمگر، به بنده

وَ يَنْظُرُنِي عَلَىٰ شِدَّةِ الْحَقِّ

و با خشم سخت به من می نگریست. ۷/۴۹

سختی خشم حسود

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... سَجَىٰ مِنِّي بِغَيْظِهِ

و چه بسیار حسودی که سختی خشمش از من، گلویش را گرفت. ۹/۴۹

خشم حسود، و تهمت زدن عیوب خود بر دیگری

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ... وَ حَزَنِي بِقَرَفِ عُيُوبِهِ... وَ حَزَنِي بِكَيْدِهِ

و چه بسیار حسودی که با نسبت دادن عیب های خود به من، سینه اش را از خشم بر من پر ساخت. و با مکر خویش بر من خشم نمود.

۹/۴۹

نیکی خدا، و انجام به خشم آورنده او

ص : ۴۸۵

لَمْ تَمْنَعَكَ إِسَاءَتِي عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ، وَلَا حَجْرَنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ

بدکرداری من تو را از تمام نمودن احسانت باز نداشت. و آن مرا از ارتکاب آنچه تو را به خشم می آورد، جلوگیری نمود. ۱۳/۴۹

بانگ خشم خدا

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَلْمِ خُزُونٍ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرَّمَّةَ الْهَلُوعَةَ... الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ صَوْتَ غَضَبِكَ؟

پس خداوند، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی، که توانایی صدای غرش ابرت را ندارد، پس چگونه بانگ خشم را توانایی دارد؟ ۵/۵۰

عوامل رهایی بنده، از خشم خداوند:

أ. شفاعت اهل زمین و آسمان

فَيَأْتِنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ... أَوْ شَفَاعِهِ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ

پس دعایی از او به من رسد یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رهایی من از خشم به وسیله آن حاصل

شود. ۲۷/۳۱

ب. عفو الهی

وَاجْعَلْنِي أُسْوَةً مَنْ قَدْ أَنْهَضَتْهُ بِتَجَاوُزِكَ عَنِ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ... فَأَصْبَحَ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ إِسَارِ سُخْطِكَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادن گاه های خطاکاران بلند کردی. پس به واسطه عفو از قید و بند خشم، رها گردیده است. ۱۰/۳۹

اللَّهُمَّ لَيْسَ... يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ

خداوند! خشم تو را جز بخشایشت فرو نمی نشاند. ۱۳/۴۸

ج. قرآن

وَاعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ وَدَوَاعِي النُّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ... لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَتَعَدَّى حُدُودِكَ ذَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در دنیا بازدارنده ما از خشم تو و تجاوز از حدودت باشد. ۱۲/۴۲

د. سپاس گزاری از خدا و صدقه دادن

وَ تَصَدَّقُوا لَكُمْ طَلَبًا لِمَزِيدِكُمْ، وَ فِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكُمْ

ص : ۴۸۶

و جهت طلبِ افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشم نهفته بود. ۱۶/۴۵

ه. سپاسی خوشنودکننده خدا

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي... حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي، فَتَجْنِي مِنْ سُخْطِكَ

تم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد. پس مرا از خشم سخت نجات ده.

۶/۵۱

خشوع فروتنی

خصلت اخلاق

خصوصیات صفات

خضوع فروتنی

خطا گناه

نفس و جلوه دادن لغزش خطاکاران

اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ... سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَيَّ مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ... وَ هِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ

خداوندا و به سوی تو حاجتی دارم که نفس من رفع آن را از کسی که حاجت هایش را از تو طلب کرده برایم می آراید. و این لغزشی از لغزش های خطاکاران است. ۱۵/۱۳

گریستن خطاکاران، از ترس خداوند

وَ يَا مَنْ لِي خِيفَتِهِ يَتَّحِبُّ الْخَاطِئُونَ

و ای کسی که خطاکاران از ترس او سخت می گریند. ۳/۱۶

سنگین گشتن پشت بنده، به واسطه خطاها

أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ

من همانم که خطاها پشتش را سنگین کرده.

وَ هَذَا ظَهَرِي قَدْ أَثَقَلْتَهُ الْخَطَايَا

و این پشت من است که خطاها آن را سنگین کرده. ۲۹/۱۶

سبب رهایی گردن خطاکاران

وَ إِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي... رَجَاءٌ لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَاكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ

و تنها از این رو خود را به این صورت سرزنش می کنم، چون امیدواری به رحمت تو - که رهایی گردن های خطاکاران است - می باشد.

نگهداری بنده از خطاها، روزی خدا به او

وَ أَرْزُقُنِي التَّحْفُظَ مِنَ الْخَطَايَا

و خودداری از خطاها را روزی ام کن.

خطاکار نگرداندن فرزندان، برای والدین

وَاجْعَلُهُمْ لِي... غَيْرَ عَاصِينَ... وَ لَا خَاطِئِينَ

و آنان را نسبت به من سرکش و خطاکار قرار نده. ۴/۲۵

ترس از خدا و نگه داشته شدن از خطا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكُمْ مِنْ... الْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الرَّلْلِ وَ الْخَطَايَا بَتُّوَاكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) با ترس از تو، از گناهان و نادرستی و خطا نگه داشته شده اند، قرار ده. ۱۰/۲۵ و ۱۱/۲۵

کشیده شدن بنده، با مهارِ خطاها

هَذَا مَقَامٌ مَنْ... قَادَتْهُ أَرْمَةُ الْخَطَايَا

این مقام کسی است که مهارهای خطاها او را از پی خود کشیده. ۶/۳۱

عامل خودداری بنده، از خطایا

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از خطاها برایم ممکن نیست. ۱۹/۳۱

توبه شکستن و بازگشتن به خطا

اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ

خداوندا، هر بنده ای که به درگاہت توبه نمود

ولی در علم پنهانت، توبه شکن و بازگشت کننده به گناه و خطایش باشد، پس همانا من به تو پناه می برم که اینچنین

باشم. ۲۰/۳۱

کرم خدا، شفیع در خطاها

وَ شَفَعٌ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ

و کرمت را شفیع خطاهایم گردان. ۲۴/۳۱

ترسیدن بنده، از خطاهایش

وَ قَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فَلْيُؤْءِ مِنِّي عَفْوُكَ

و خطاهایم مرا ترسانده، پس باید بخشایش مرا ایمن گرداند. ۲۵/۳۱

مهربانی خدا، بر خطاکاران توبه کننده

إِنَّكَ أَنْتَ... الرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ

همانا تو بر خطاکاران توبه پیشه، مهربانی.

۲۹/۳۱

اندیشه بد، آراینده خطا برای بنده

وَ سَوَّلَ لِي الْخَطَاءَ حَاطِرُ الشُّوءِ فَفَرَطْتُ

و اندیشه بد خطا را برای من آراست، پس (از فرمان تو) کوتاهی نمودم. ۱۶/۳۲

آمدن به درگاه خدا، با پستی گرانبار از خطا

وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ... فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ... وَ ظَهَرَ مُنْقَلِبٌ مِّنَ الْخَطَايَا

ص : ۴۸۸

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت. پس با وجودی فروتن و پستی گرانبار از (بار) خطاها، پیش روی توست.

۱۹/۳۲

آگاهی خدا، از خطاهای بندگان

كَمْ... خَطِيئَةٍ اَرْتَكَبْنَاهَا كُنْتَ الْمَطَّلِعُ عَلَيْهَا دُونَ النَّاطِرِينَ

چه بسیار خطایی که مرتکب شدیم، (و) تو بر آن مطلع بودی نه (دیگر) بینندگان. ۲/۳۴

بازدارنده بندگان، از خطاکاری

فَاَجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَةِ... زَاَجِرًا عَنْ... اِقْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ

پس آن عیب‌ها که پوشانیدی، بازدارنده از خطاکاری قرار ده. ۳/۳۴

افتادن گناه‌های خطاکاران

وَ اجْعَلْنِي اُسْوَةً مَنْ قَدْ اَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ

و مرا اسوه کسی گردان که با گذشت خود، او را از افتادن گناه‌های خطاکاران بلند کردی. ۱۰/۳۹

پایان رمضان و پاکی از خطا

وَ اسْلُخْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ اِسْلَاحِ اَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقُضِي عَنَّا وَ قَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ

و با گذشتن روزهایش سختی‌هایمان را از ما

بکن. تا (این ماه) در حالی از ما بگذرد که ما را در آن از خطاها پاکیزه ساخته‌ای. ۱۵/۴۴

رمضان، شوینده چرکی خطاها

السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا... غَسَلْتَ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ

درود بر تو همان طور که چرکی خطاها را از ما شستی. ۳۶/۴۵

درگذشتن خدا از خطا، در ماه رمضان



اللَّهُمَّ وَ مَا... اِكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَيَّ تَعَمَّدِ مِنَّا... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ اعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ

خداوندا و خطایی که ما در آن (ماه) از روی عمد زیر بارش رفتیم؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به عفو خود از ما در گذر. ۴۷/۴۵

سپری شدن رمضان و در گذشتن از خطای بنده

اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِاِسْلَاحِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا

خداوندا با گذشتن این ماه، ما را از خطاها در آور. ۴۹/۴۵

بازنگشتن به خطا، با توبه روز عید فطر

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا... تَوْبَةً مَنْ... لَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ

خداوندا ما در روز فطرمان به درگاه تو توبه می کنیم. توبه کسی که پس از توبه به خطایی بازمی گردد. ۵۲/۴۵

ص : ۴۸۹

اقرار به خطا

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ... مُعْتَرِفًا بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَ جَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ

و اینک منم در پیشگاه تو، اعتراف کننده به بزرگی گناہانی که زیر بار آن رفته ام و به سترگی خطاهایی که مرتکب آن شده ام. ۶۹/۴۷

اللَّهُمَّ إِنِّي أُصْبِحُ وَ أُمْسِي... مُعْتَرِفًا بِذَنْبِي، مُقِرًّا بِخَطَايَايَ

خداوندا، من شب را به صبح و صبح را به شام می آورم، در حالی که به گناہم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می کنم. ۷/۵۲

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءَآلَ مَنْ اسْتَكْتَرَ ذُنُوبَهُ، وَ اعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که گناہانش را بسیار دانسته، و به خطایش اعتراف نموده است.

۸/۵۲ و ۹

فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِي

زیرا من به گناہ خود، اقرار داشته ام. ۴/۵۳

مهلت دادن خدا، به خطاکاران

وَ يَا مَنْ... يَنْفَضُّ لِئَانْظَارِ الْخَاطِئِينَ

و ای آنکه با تفضّل خود خطاکاران را مهلت می دهی. ۷۵/۴۷

خطاکار بودن بنده

أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ

منم بدکار اعتراف کننده خطاکار لغزشکار.

۷۶/۴۷

بردن آلودگی به خطاها، از بنده

وَ أَذْهَبَ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا

و آلودگیِ خطاها را از من بپر. ۱۱۲/۴۷

سبب گذشتن خدا، از خطاکاران

أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ

به درگاه تو آمده ام، در حالی که به بخشایش بزرگت امیدوارم، بخشایشی که با آن از (تقصیر) خطاکاران گذشتی. ۷/۴۸

مردّد بودن، در خطای خویش

فَأَنَا... الْمُرْتَدِّدُ فِي خَطِيئَتِي

از این رو من مردد در خطای خود هستم.

۱/۵۳

خطبه

با قرآن خطبه خواندن محمد صلی الله علیه و آله

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ الْخَطِيبِ بِهِ

پس بر محمد که با آن سخن راند، درود فرست. ۶/۴۲

ص : ۴۹۰

خلاصی رهایی

خُلف وعده

خلف وعده شیطان

وَإِنْ مَنَّا أَخْلَفْنَا

و اگر به ما نوید دهد، خلف وعده کند. ۷/۲۵

دشمن، و خلف وعده کردن سپاهیان

وَ أَذْبَرَ مُؤَلِّيًا قَدْ أَخْلَفْتُ سَرَايَاهُ

و پشت کرده، فرار نمود. در حالی که سپاهیان از آنچه گفته بودند، تخلف کردند.

۶/۴۹

خلقت آفرینش

خلوت تنهایی

خلود همیشگی

خلوص اخلاص

خَم

خم گشتن بنده، برای خدا

قَدْ تَطَّأْتَ لَكَ فَاَنْحَنِى

با حال فروتنی برای تو خم شده. ۹/۱۲

درختانِ خم شده به انواع میوه، در بهشت

وَ لَوْحٍ مِنْهَا لِابْصَارِهِمْ مَا اَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ...

الْاشْجَارِ الْمْتَدَلِّيَةِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ...

و آنچه را در آن (بهشت) آماده ساخته ای از درختانی که شاخه هایشان به انواع میوه ها خم گشته، در مقابل دیدگانشان  
نمایان ساز. ۴/۲۷

خواب

آرامش و خوابِ شبانه

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ... وَ جَعَلَهُ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ

پس شب را برای آنان آفرید و آن را پوشش ساخت تا جامه راحتی و خواب را دربر کنند.

۵/۶

فرمانبری از والدین، خوش تر از خواب خواب آلوده

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيْ وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْنَانِ

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خواب آلوده، خوش تر قرار ده. ۵/۲۴

به خواب نرفتن چشم خدا

اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ... وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ

خداوندا و مرا (از حقوق مردم) گرفتاری هایی است و همه آنها پیش چشم تو که نمی خوابد،

ص : ۴۹۱

بیدار نمودن بنده، از خواب بی خبران

و تَبَهِّئِي مِنْ رَقَدَةِ الْغَافِلِينَ

و مرا از خواب غافلان، بیدار فرما. ۹۱/۴۷

نخفتن چشم حراست دشمن، از بنده

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ... لَمْ تَنْمَ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ

پس چه بسیار دشمنی که چشم نگهبانی اش از من نخفت. ۴/۴۹

خواری پستی

شرط زیان ندیدن بنده، از خواری خوارکنندگان

اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرُّهُ خِذْلَانُ الْخَازِلِينَ

خداوندا هر کس را که تو یاری نمودی، خواری خوارکنندگان به او زیان نرساند.

۱۲/۵

خوارشده توسط خدا، و یاری نشدنش

و لَّا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ

و برای آنکه خوار نمودی، یاری دهنده ای نیست. ۷/۷

خوار شمردن فقرا و نیازمندان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... الْإِزْرَاءِ بِالْمُقَلِّينَ

خداوندا به تو پناه می برم از تحقیر کردن تهی دستان. ۱/۸ و ۳

خوار گرداندن ستم دیده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... نَخْذَلَ مَلْهُوفًا

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه ستم دیده ای را خوار گردانیم. ۴ و ۱/۸

ایستادن در پیشگاه خدا، همانند فرمانبری خوار

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي. وَأَقِفْ بَبَابِ عِزِّكَ وَقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الدَّلِيلِ

پس ای خدای من، به درگاه عزت تو همچون فرمانبری خوار، ایستاده ام. ۴/۱۲

بنده خوار ستم کننده به خود

...بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ...

...بلکه همانند بنده ای خوار که به خود ستم نموده سخن می گویم. ۷/۱۲

خدا، فریادرس هر خوارشده

و يَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ

و ای فریادرس هر خوارشده تنها. ۴/۱۶

رو به خاک مالیدن با خواری، برای خدا

ص : ۴۹۲

هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي... مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَرَ لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً؟

ای خدای من آیا تو از آنکه به خواری برای تو روی خود را به خاک مالید، درمی گذری؟

۱۵/۱۶

خوار نگرداندن بنده نیازمند به خدا

إِلَهِي... لَا تَخْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَعِينِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونِكَ

خدای من کسی را که از غیر تو بی نیاز نمی گردد، خوار نگردان. ۱۶/۱۶

و لَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ

و هنگام نیازمندی ام به سویت خوارم نساز.

۱۱۶/۴۷

بازداشتن بنده، از بدی های خوارکننده

أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنْتَكَ عَنِّي... وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي، وَ تَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنَّ... أَفْلَحَ عَنْ سَيِّئَاتِي  
الْمُـ خَلْقِهِ

شگفت تر از آن بردباری تو با من است و این نه از گرامی بودن من نزد توست. بلکه از بردباری تو بر من و از تفضل تو بر من است. برای اینکه از بدی های - خوارکننده ام - جدا شوم. ۲۶/۱۶

شیطان، و خوار کردن بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ

خداوندا ما از اینکه او (شیطان) در گمراه کردن ما از طاعتت و خوار نمودن ما به نافرمانی ات طمع کند، به تو پناه می بریم.

۱/۱۷و۲

عامل خوار نمودن شیطان، توسط بنده

وَ اكْبِتُهُ بِدُؤُوبِنَا فِي مَحَبَّتِكَ

و با کوشش مستمر ما - در دوستی ات - او را خوار نما. ۳/۱۷



خواری پنهان بنده، پیش نفسش

وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدْتُتْ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا

و عزتی آشکار برایم پدید نیاور، مگر آنکه به همان اندازه ذلتی پنهانی در نزد خودم پدید آوری. ۴/۲۰

تبدیل خواری بنده، به یاری نمودن او

وَأَبْدِلْنِي... مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ

و درباره من خوار گرداندن خویشان را به یاری نمودن مبدل فرما. ۷/۲۰

سبب سزاوار خواری شدن

وَلَا تَفْتِنِّي بِالِاسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرُّتُ... فَأَسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانَكَ وَ مَنَعَكَ وَ إِعْرَاضَكَ

و مرا به یاری خواستن از دیگران به وقت درماندگی ام، آزمایش نکن. تا به سبب آن، سزاوار

ص : ۴۹۳

خواری و بی بهرگی و روی گرداندن تو شوم.

۱۲/۲۰

خوار نگرداندن شکوه بنده، با تنگ دستی

و لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ

و شکوهم را با تنگدستی، فرو مریز. ۲۶/۲۰

بنده خوار خدا بودن

إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ

خدای من، صبح و شام را به سر کردم، در حالی که بنده خوار توام. ۷/۲۱

خوار نمودن قصدبدکننده درباره بنده

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُدِلَّ عِزَّهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا عزّتش را به ذلّت تبدیل

نمایی. ۷/۲۳ و ۸

فرو آوردن گردن قصد بد دارنده درباره بنده، با خواری

وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي... وَ اجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى... تُدِلَّ رِقَبَتَهُ

و هر کس قصد دارد با من بدی کند، از من منصرفش ساز و در مقابل او سدّی قرار ده، تا گردنش را به خواری

فروآوری. ۷/۲۳ و ۸

از ذلّت به عزّت رسیدن، به وسیله خدا

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ... الْمُعَزَّيْنِ مِنَ الدُّلِّ بِكَ

و مرا در همه آن (امور) از (آنان که) به یاری تو از ذلّت به عزّت رسیده اند، قرار ده. ۱۱ و ۱۰/۲۵

خوار ساختن دشمن، و قطع طمع پستیان آنها

وَ اقْطَعْ بِخَزْيِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ

و با خواری آنان، طمع آیندگانشان را قطع نما. ۵/۲۷

عزّت طلبیدن از غیر خدا، و خوار گشتن

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزّت خواستند و خوار گشتند. ۶/۲۸

ذلت و خواری وام

وَ اسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِي الْحَيَاةِ

و پناه از تو می جویم - ای پروردگار من - از خواری آن (وام) در زندگی. ۲/۳۰

سر به زیر افکندن با خواری

...وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلاً

و با خواری برای عزّت سرش را به زیر افکنده. ۹/۳۱

ص : ۴۹۴

رفتار خدا و زاری نمودن بنده خوار

وَ أَفْعَلُ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ

و با من همچون رفتارِ عزیزِ که بنده ذلیلی پیش او زاری کرده، پس به او مهربانی نموده، رفتار نما. ۲۴/۳۱

خوار ساختن بنده

وَ لَا تَخْذُلْنِي يَا خَيْرَ الْمَـجِيرِينَ

و مرا خوار نساز. ای بهترین پناه دهندگان.

۳۲/۳۲

خوار نساختن بندگان، از دیدار مرگ

وَ لَا تُخْزِنَا بِزِيَارَتِهِ

و از دیدارش ما را خوار نساز. ۴/۴۰

خوار نکردن بنده، با برگرداندنش از (درگاه) خدا

وَ لَا تَسْمِنِي بِالرَّدِّ عَنْكَ

و با دست رد زدن بر سینه ام، مرا خوار نساز.

۱/۴۱

قرآن، و خواری مقام بندگان

وَ ارْحَمِ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا

و به (برکت) قرآن، در جای ایستادن که به پیشگاهت عرضه می شویم، بر خواری ما رحم کن.

۱۵/۴۲

خواری در برابر خدا، در ماه رمضان

وَ أَعِنَّا... فِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ... وَ الذَّلَّةَ بَيْنَ يَدَيْكَ

و ما را در شبش بر نماز و خواری در پیشگاهت، یاری نما. ۱۷/۴۴

خوار نساختن پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنانش

...يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

...روزی که خداوند، پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند را خوار نمی کند. ۱۱/۴۵

ورودِ خفتِ بارِ سرکشان، در دوزخ

وَقُلْتُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

و فرمودی: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی با خواری داخل جهنم خواهند شد.»

۱۵/۴۵

تهدید الهی به ورود در دوزخ، با خواری

فَسَمَّيْتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَ تَرَكَهُ اسْتِكْبَارًا، وَ تَوَعَّدْتَ عَلَيَّ تَوَكُّهٍ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

پس دعا کردن را عبادت و ترک آن را استکبار نامیدی و بر ترک آن، داخل شدن در جهنم با خواری را هشدار دادی. ۱۵/۴۵

خوار نگرداندن نیازمندان

ص : ۴۹۵

وَيَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ

و ای کسی که حاجتمندانش را خوار و پست نمی شمارد. ۳/۴۶

خوار بودن در برابر ارجمندی خدا

وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِي جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ

و هر بزرگواری در کنار بزرگواری ات حقیر است. ۱۳/۴۶

خواری شقاوتمندان

مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلَتْهُ لَهَا

هر که از شقاوتمندان باشد، او را از آن جهت خوار می کنی. ۱۷/۴۶

ناامیدی خوارکننده

وَ الْحَيْبَةُ الْخَاذِلَةُ لِمَنْ حَابَ مِنْكَ

و یأس ذلت بار برای کسیست که از تو ناامید شده. ۱۹/۴۶

اقرار به خواری

وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا

و اینک منم در پیشگاه تو، پست، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان. ۶۹/۴۷

فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ رَاغِمٌ

پس اینک منم در پیشگاهت فروتن، خوار، زبون. ۴/۵۰

خواری و زاری در پیشگاه خدا، در طلب قرب او

وَ إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ... تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّدَلُّلِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ لَكَ

و همانا گرچه من کارهای شایسته ای را که آنها پیش فرستاده اند، پیش نفرستادم، ولی به آنچه احدی نزدیک نمی شود به تو جز با نزدیکی جستن به آن، به تو نزدیکی جسته ام. سپس بازگشت به سوی تو و فروتنی و زاری برای تو را، در پی آن روانه

درخواست فرد خوار، از خدا

وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ

و از تو درخواست می نمایم، درخواست خرد، خوار، بدحال. ۷۴/۴۷

خوارترین خواران

وَ أَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقْلِينَ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّينَ

و من بعد از این، کمترین کمتران و خوارترین خوارانم. ۷۵/۴۷

چرت زدن خوارشدگان

وَ بَبَّهْنِي مِنْ... نَعْسِهِ الْمِ—خُدُولِينَ

و مرا از چرت خوارشدگان، بیدار فرما.

خواری دربر گیرنده بنده، از جانب خدا

وَلَا تَزِم بِي رَمِي... مَنِ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ

و مرا دور نینداز همانند دور انداختن کسی که از جانب تو خواری او را شامل شده. ۱۰۴/۴۷

خوار نساختن بنده، در روز بر انگیزته شدن

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ

و روزی که مرا برای دیدارت برمی انگیزی، خوارم نسا. ۱۱۴/۴۷

خواری در درگاه خدا و ارجمندی نزد آفریدگان

وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ

و مرا در پیشگاهت ذلیل کن و در نزد آفریدگانت عزیز دار. ۱۱۸/۴۷

پناه بردن به خدا، از ذلت

وَ أَعِزَّنِي... مِنَ الذَّلِّ وَالْعَنَاءِ

و مرا از خواری و سختی پناه ده. ۱۱۹/۴۷

خوار نشدن بنده، در صورت گرامی داشته شدنش توسط خدا

وَ إِنِ أَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهِينُنِي

و اگر مرا گرامی داری، پس کیست آنکه خوارم کند؟ ۱۵/۴۸

مکرم نبودن بنده، در صورت خوار شدن از جانب خدا

إِنِ أَهْتَنَّنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُكْرِمُنِي

اگر مرا خوار کنی، پس کیست آنکه گرامی ام دارد؟ ۱۵/۴۸

با خواری در آمدن ستمگر، در دام خود

وَ رَدَدْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ، فَأَنْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رَبِّهِ جِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا



و او را در پرتگاه گودالش بازگرداندی، تا پس از آن همه گردن کشی، با خواری در بند دامی که در نظر داشت مرا در آن ببیند، در آمد. ۸/۴۹

ذلت بنده، سبب رحم نمودن خدا بر او

فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَمْرُوءٌ حَقِيرٌ

پس خداوندا، بر من رحم کن. زیرا من فردی زبونم. ۶/۵۰

پادشاهان و یوغ ذلت و خواری

يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا

ای کسی که پادشاهان برای او یوغ خواری بر گردن هایشان نهاده اند. ۷/۵۱

زنهارخواهی از خدا، و خوار نگشتن

مِنْهَا فَرَزْتُ إِلَيْكَ رَبِّ... مُسْتَجِيرًا فَلَا تَخْذُلْنِي

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که زنهارخواهنده ام، به سوی تو گریخته ام، پس

ص : ۴۹۷

خوارم نکن. ۸/۵۱

خوارترینِ خلق، نزد خدا

وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَ هُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ

و پست ترین آنها نزد تو، کسیست که تو او را روزی می دهی و او غیر تو را می پرستد.

۲/۵۲

علتِ خوار و ذلیل شدن بنده

أَنَا يَا سِرَافِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ

من به خاطر زیاده روی بر خود، خوار گشته ام.

۷/۵۲

و داشتنِ نفس، در جایگاه خواران

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذِلَّةِ الْمَذْنِبِينَ

خود را در جایگاه خوارانِ گناهکار، و داشته ام. ۲/۵۳

خواسته اراده

مورد سؤال قرار گرفتن بندگان

... وَ هُمْ يُسْأَلُونَ

... و ایشان (آفریدگان) بازخواست شوند.

۷/۱

مورد سؤال واقع نشدن خدا

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ

از آنچه او انجام می دهد، بازخواست نشود.

لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ

تو از آنچه انجام می دهی، بازخواست نخواهی شد. ۱۳/۴۹

آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دشمنان خواسته

...حَتَّى اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ

سرانجام آنچه درباره دشمنان می خواست، برایش به دست آمد. ۱۷/۲

رغبت فرشتگان، در آنچه نزد خداست

الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ

آنهایی که به آنچه در نزد توست، مشتاق بودند نشان بسیار است. ۸/۳

راغب بازگرداندن تابعین، به سوی خدا

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ... صَلَاةً... لِتُرَدُّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ

خداوندا و بر تابعین درود فرست، درودی که آنان را به درخواست سوی خود و ترس از خویش بازگردانی. ۱۶ و ۱۴ و ۱۳/۴

طلب فضل خدا، در روز

خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيُبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ

و روز را برای ایشان روشن گر آفرید تا در آن فضل او را طلب کنند. ۶/۶

گردش در زمین و طلب خواسته ها

يَسْرُحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ

در زمین به تکاپو افتند، برای رسیدن به سود کنونی از دنیا. ۶/۶

مکان های به دست آوردن روزی

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ... وَ بَصْرَتَنَا مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ

خداوندا حمد و سپاس برای توست که صبح را برای ما شکافتی، و ما را از جایی که بتوان روزی به دست آورد بینا نمودی. ۸/۶

چشاندن شیرینی بخشش به بنده، در آنچه درخواست نموده

أَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ

شیرینی احسانت را در آنچه درخواست نمودم به من بچشان. ۸/۷

طلبیدن غیر حق خود، توسط بندگان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ... نُرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ

خداوندا به تو پناه می برم از اینکه آنچه حق ما نیست بخواهیم. ۱/۸ و ۴

خصلت های وادارنده و بازدارنده بنده، از درخواست از خدا

اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالَ ثَلَاثٍ، وَ تَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ

خداوندا سه خصلت مرا از درخواست از تو بازمی دارد و یک خصلت مرا بر آن می راند.

۱/۱۲

خصلت وادارنده، به درخواست از خدا

اللَّهُمَّ... تَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ... يَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفْضُلِكَ عَلَى مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ

خداوندا یک خصلت مرا بر آن (درخواست از تو) می راند. وادار می کند مرا به درخواست از تو، تفضل تو به آنکه رو به تو

آورد. ۱/۱۲ و ۳

چگونگی درخواست از خدا

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي... سَأَلْتُكَ عَلَى الْحَيَاءِ مِنِّي سُوءًا لَبِئْسَ الْمُعِيلِ

پس ای خدای من، با وجود شرمندگی ام همانند تھی دستی عیالمنند از تو درخواست دارم.

۴/۱۲

سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ

از تو درخواست می نمایم، درخواست خرد، خوار، بدحال، نیازمند، ترسان، پناهنده.

۷۴/۴۷

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُوءًا لَمْ يَنْفُسُهُ لَهَا فِيهِ لَطُولٌ أَمَلِهِ

پس - ای مولای من - از تو درخواست

ص : ۴۹۹

می کنم، درخواست کسی که نفس او به خاطر آرزوهای درازش سرگرم شده. ۸/۵۲

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ... سُوءَآلَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ

پس - ای مولای من - از تو درخواست می کنم، درخواست کسی که آرزو بر او چیره گشته است. ۸/۵۲ و ۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُوءَآلَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا من از تو می خواهم، (مانند) درخواست کسی که سخت نیازمند است. ۳/۵۴

روا ساختن خواسته بنده

أُنَجِّحُ طَلِبَتِي... إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ

درخواستم را برآور. زیرا تو به هر چیز توانایی و آنچه خواستم بر تو آسان است.

۱۶/۱۲

أُنَجِّحُ مَطْلِبِي

مطلبم را برآور. ۴/۲۱

خدا، منتهای درخواست حاجت ها

اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ

خداوندا ای نهایت درخواست نیازها.

۱/۱۳

نزد خدا بودن رسیدن به خواسته ها

يَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ

ای آنکه رسیدن به خواسته ها نزد اوست.

۲/۱۳

فانی نگشتن خزائن الهی، با درخواست از خدا

يَا مَنْ لَا تُفْنِي خَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ

ای آنکه درخواست‌ها، گنجینه‌های او را فانی نمی‌سازد. ۷/۱۳

خواستن حاجات، در جایگاهش

فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِكَ... فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا

پس هر که دفع فقرش را از تو جوید، بی گمان نیازمندی‌اش را در جایگاه بایسته طلب کرده.

۱۳/۱۳

در آمدن به مطلب خویش، از راهش

فَمَنْ... رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنِ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ... أَتَى طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا

پس هر که برطرف کردن احتیاجش را به وسیله تو بخواهد، بی گمان از راهش به مراد خود رسیده. ۱۳/۱۳

بی نیاز بودن از خدا، در خواسته‌ها

لَا يَسْتَعْنِي فِي طَلِبَاتِهِ عَنكَ

در خواسته‌هایش از تو بی نیاز نیست. ۱۵/۱۳

ص : ۵۰۰

درخواست نیازمند از نیازمند

سُبْحَانَ رَبِّيَ كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟

منزه است پروردگارم چگونه نیازمند از نیازمند درخواست کند؟ ۱۷/۱۳

رَأَيْتُ أَنْ طَلَبَ الْمُمْ-حْتَاجِ إِلَى الْمُمْ-حْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ

دانستم، درخواست نیازمند از نیازمند، از سبکی اندیشه است. ۵/۲۸

قصد خدا نمودن، از روی رغبت

فَقَصَدْتُكَ، يَا إِلَهِي بِالرَّغْبَةِ

پس ای خدای من از روی میل آهنگ تو کردم.

۱۸/۱۳

تنگ نشدن بخشش الهی، از درخواست بنده

أَنْ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُوءِ الْإِحْدِ

همانا بخشش تو از درخواست کسی تنگ نمی گردد. ۱۹/۱۳

توانگری خدا، و اندک بودن درخواست بنده

عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي وُجْدِكَ

دانستم هر چه از تو زیاد درخواست کنم نزد (دارایی) تو اندک است. ۱۹/۱۳

اولین درخواست کننده از خدا نبودن

فَمَا أَنَا... بِأَوَّلِ سَائِلِ سَأَلِكَ...

پس من نخستین سؤال کننده که از تو درخواست کرده نیستم. ۲۰/۱۳

یاری بنده، در رسیدن به خواسته اش

وَ تَوَلَّيْنِي بِنُجْحِ طَلْبَتِي وَ قَضَاءِ حَاجَتِي



و به برآورده گشتن خواسته ام و روا شدن حاجتم مرا یاری فرما. ۲۳/۱۳

سبب برآمدن خواسته بنده

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ... وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي

بر محمد و خاندانش درود فرست. و آن را کمکی برای من و وسیله روا شدن حاجتم قرار ده.

۲۴/۱۳

درخواست از خدا، به حق پیامبر صلی الله علیه و آله

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حق خودت و به حق محمد و خاندانش - که درودهای تو بر ایشان باد - مرا ناامید برنگردانی. ۲۵/۱۳

خواهش و خواسته بد

أَعِدُّنِي مِنْ سُوءِ الرَّعْبَةِ

از خواهش بد پناهم ده. ۱۵/۱۴

ص : ۵۰۱

درخواست خوشنودی خدا

نَسْتُطِنِّي بِهَا لِإِتِّغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی. ۳/۱۵

نعمت دادن خدا و پاداش نخواستنش

أَنْتَ الَّذِي لَا يَرْغَبُ فِي جَزَاءٍ مَنْ أَعْطَاهُ

تویی آنکه به هر که نعمت داد، پاداش نمی خواهد. ۱۱/۱۶

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ فِي الْجَزَاءِ

خداوندا ای کسی که پاداش نمی خواهد.

۱/۴۵

آنچه خدا فردا از آن سؤال می نماید

اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ

مرا به کاری که فردا از آن بازپرسی می نمایی وادار. ۳/۲۰

خواستن از خدا، در هنگام نیازمندی

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي... أَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ

خداوندا مرا چنانم کن که هنگام نیازمندی از تو درخواست کنم. ۱۲/۲۰

فروتنی برای درخواست از غیر خدا

لَا تَقْتِنِي... بِالْخُضُوعِ لِسُوءِ الْغَيْرِ كَ إِذَا افْتَقَرْتُ

مرا به فروتنی برای درخواست از دیگران به

هنگام نیازم، آزمایش نکن. ۱۲/۲۰

طلب روزی و بازماندن از عبادت

وَ أَكْفِنِي مَوْنَهُ الْاِكْتِسَابِ، وَ اَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اِحْتِسَابٍ، فَلَا اَشْتَغِلْ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ

و به دست آوردن روزی با زحمت بسیار را از من بردار. و مرا بی حساب روزی ده، تا به جای عبادت تو سرگرم روزی جستن نشوم. ۲۴/۲۰

یاری مطلوب، تنها به وسیله طالب

لَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٍ

طلب شده را جز طلب کننده، یاری نمی رساند.

۳/۲۱

توانا ساختن دل بنده، به رغبت به سوی خدا

فَرَّغَ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ... وَ قَوَّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ

دلم را برای دوستی ات خالی گردان و به رغبت به سوی خود، توانایی ده. ۱۰/۲۱

رغبت بنده، به آنچه نزد خداست

اجْعَلْ... رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ

و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده.

۱۱/۲۱

رغبت در عمل برای آخرت

وَ اَرْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِاٰخِرَتِي

ص : ۵۰۲

و برای آخرتم رغبت در عمل برای تو را، روزی ام گردان. ۸/۲۲

درخواست رفع گرفتاری، برای والدین

فَقَدْ... رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتَهُ عَنْهُمَا

...پس از تو می خواهم، گرفتاری را از آنها برداری. ۹/۲۴

خواهان پاداش نمودن بندگان

فَأِنَّكَ... رَغَبْنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا

همانا تو در پاداش آنچه ما را امر کردی، رغبتمان داده ای. ۶/۲۵

عطا کردن همه درخواست های بنده

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُوءٍ لِي

خداوندا همه خواسته هایم را به من عطا کن.

۹/۲۵

درخواست از خدا و کامیابی بنده

وَ اجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُوءِ أَلِيَّيَاكَ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ

و مرا در همه آن (امور) به خاطر درخواستم از تو، از شایسته کارانی قرار ده که با درخواست از تو، کامیاب شدند. ۱۰/۲۵

عطا به همسایگان، قبل از درخواستشان

وَ وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي... إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ

و آنان را برای به پا داشتن سنتت و فراگیری آداب نیکویت در عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است پیش از درخواست آنان، توفیق ده.

۲/۲۶

برگرداندن خواهش خود، از نیازمند به فضل خدا

قَلْبْتُ مَسْأَلَتِي عَمَّنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَن فَضْلِكَ

درخواستم را از آنکه از فضلت بی نیاز نبود، بازگرداندم. ۴/۲۸

بلندی خواستن، از غیر خدا

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ... رَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الْإِزْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند و بلندی خواستند و پست گشتند. ۶/۲۸

طلب عزت، به وسیله غیر خدا

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو عزت خواستند و خوار گشتند. ۶/۲۸

ص: ۵۰۳

طلب دارایی از غیر خدا

فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ... رَأَمُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا

ای خدای من، چه بسیار از مردمی دیدم که از غیر تو ثروت خواستند و نیازمند شدند. ۶/۲۸

خدا، درخواستگاه بنده

فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْئُولٍ مَوْضِعَ مَسْأَلَتِي

پس - ای سرور من - جایگاه درخواستم تویی نه هر که از او درخواست شود. ۸/۲۸

خدا، رواکننده حاجت است، نه هر که از او طلب شود

فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ... دُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِيَّ حَاجَتِي

پس - ای سرور من - صاحب حاجتم تویی، نه هر که از او طلب شود. ۸/۲۸

متوجه گرداندن خواهش خود، به خدا

وَجَهَ رَغْبَتُهُ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ

با اعتماد به تو، خواهشش را به سوی تو گردانده است. ۸/۳۱

بنده، ایستابین درخواست از خدا و ترس از او

هَذَا مَقَامٌ مَنِ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ... فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ... وَاقِفًا بَيْنَ الرِّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرِّهْبَةِ مِنْكَ

این جایگاه کسی است که درباره خویش، از تو شرمنده گشت. پس با وجودی فروتن پیش روی توست، در حالی که میان

(دو راهی) میل به تو و ترس از تو ایستاده است. ۱۹/۳۲

درخواست از بخشنده ترین کس

إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ

همانا تو بخشنده ترین کسی هستی که از آنها درخواست می شود. ۲۰/۳۲

إِنَّكَ... أَعْطَى مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ

به درستی که تو بخشنده تر کسی هستی که از فضل او درخواست شده. ۵۶/۴۵

خواهان بودن بندگان، به سوی خدا

إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ

زیرا ما به سوی تو راغب هستیم. ۴/۳۴

درخواست عفو الهی

نَبْتَهُلُ إِلَيْكَ فِي سُوءِ أَلِ عَفْوِكَ

برای درخواست بخشش، به سوی تو زاری می کنیم. ۳/۳۶

برتری ندادن نیازمند درخواست کننده، بر خود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ... مِنْ ذِي فَاقِهِ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤْتِرْهُ

ص: ۵۰۴

خداوندا من به درگاه تو عذر می آورم از نیازمندی که از من درخواست کرد، پس او را بر خود برتری ندادم. ۱/۳۸

نطلبیدن مقصودی، جز خدا

ثُمَّ خَلَصَ ذَلِكُ كُلُّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِينَ... لَا نَبْتَغِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ

سپس همه آن را از خودنمایی ریاکاران خالص گردان. که جز تو در آن مرادی را نطلبیم.

۷/۴۴

ترغیب الهی دربردارنده بهره

أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَتَزَغِيكِ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَيَّ مَا لَوْ سَنَزْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ

تویی آنکه ایشان را با سخن غیبی خود و با ترغیب نمودنت که بهره آنان را دربر دارد، راهنمایی به چیزی کردی که اگر آن را از نظرشان می پوشاندی دیدگان نشان آن را در نمی یافت.

۱۴/۴۵

درخواست افزودن نعمت

تَصَدَّقُوا لَكُمْ طَلْبًا لِمَزِيدِكُمْ

جهت طلب افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند. ۱۶/۴۵

ترغیب نمودن بندگان، به قیام (در شب)

وَرَغَبْتَ فِيهِ مِنَ الْقِيَامِ

و در آن (ماه)، به برپا خاستن (شب) ترغیب نمودی. ۲۰/۴۵

توانایی خدا، به آنچه خواسته شود

أَنْتَ الْمَلِيُّ بِمَا رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ

تو دارنده هر آنچه هستی که از درگاهت خواسته شود. ۲۱/۴۵

درخواست نزدیکی به خدا



وَ أَنْتَ... الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ

و تو نزدیک به هر آن کسی هستی که برای قرب به تو کوشد. ۲۱/۴۵

درخواست از فضل خداوند

وَ أَنْتَ... الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ

و تو بخشنده هر آنچه‌ای هستی که از فضلت درخواست گردد. ۲۱/۴۵

رمضان، ماه درخواست شده

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

درود بر تو که پیش از زمان آمدنش، طلب شده. ۳۸/۴۵

دریافت نیکی درخواست شده، در ماه رمضان

ص : ۵۰۵

فَأَجْرُنَا عَلَىٰ مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ

پس ما را بر آنچه از کوتاهی در آن ماه به ما رسیده، پاداش ده. پاداشی که با آن فضل درخواست شده را دریابیم. ۴۵/۴۵

دریافت خوشی آنچه بندگان از خدا خواهند

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا... شَوْقَ ثَوَابِ الْمُؤْعُودِ، حَتَّىٰ نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ

خداوندا شوقِ پاداشِ وعده داده شده را روزی ما گردان. تا خوشی آنچه از تو می خواهیم، دریابیم. ۵۳/۴۵

پر شدن جام های خواسته ها

امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَهُ الطَّلِبَاتِ

ظرف خواسته ها با زیادی جودت، پر گشته است. ۱۲/۴۶

جز خدا را درخواست نمودن

وَ حَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ

و آنان که از غیر تو درخواست نمودند، زیان دیدند. ۱۳/۴۶

باز بودن در خدا، به روی خواهانان

بَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ

در تو برای آنان که خواهانند، باز است.

۱۴/۴۶

روا بودن بخشش، بر درخواست کنندگان

جُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ

بخشش تو برای درخواست کنندگان، روا است. ۱۴/۴۶

نامید نگشتن درخواست کنندگان عطا‌ی الهی

لَا يَيْئَسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ

آنان که از تو درخواست نمودند، از عطایت مأیوس نمی گردند. ۱۵/۴۶

لطف خدا، در ترغیب نمودن (به پاداش)

وَقَدْ... تَلَطَّفْتَ فِي التَّرْغِيبِ

و با لطف خود، ترغیب نموده ای. ۲۱/۴۶

دست رد نزدن، بر خواهش بنده

وَلَا تَجِبْهُنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي

و در خواشتم، دست رد بر پیشانی ام نزن.

۲۵/۴۶

بازداشته شدن بنده، از طلب آنچه نزد خداست

أَعِدْنِي مِمَّا... يَصُدُّنِي عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَيْكَ

ص : ۵۰۶

از چیزی که مرا از آنچه نزد تو می خواهم، باز می دارد، مرا نگهدار. ۹۳/۴۷

تباه ساختن طالب دشمنی خدا

وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ

و مرا همراه هلاک شوندگانی که دشمنی تو را می طلبند، هلاک نگردان. ۹۶/۴۷

سبب بازداشتن بنده، از طلب دستاویز به سوی خدا

وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَيْتِيهِ، تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ

و دوستی دنیای پست که از آنچه نزد توست، بازمی دارد و از طلبیدن دستاویز به سوی تو، منع می کند را از دلم بر کن. ۱۰۹/۴۷

درخواست به سوی جهانیان

صُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

آبرویم را از درخواست به سوی احدی از جهانیان، حفظ کن. ۱۳۱/۴۷

حج و عمره، و درخواست رضای خدا

اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ

باقی زندگی ام را برای درخواست رضای خودت، در حج و عمره قرار ده. ۱۳۳/۴۷

حاجات درخواست کنندگان

يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ... وَأَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ

درخواست کننده و جويا، آنان همگی حاضر می شوند و تو بیننده بر نیازهایشان هستی.

۱/۴۸

آسان بودن درخواست ها، بر خدا

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ... هَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس از تو می خواهیم به بخشش و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱/۴۸

درخواست از خدا، به سبب کرمش

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس از تو می خواهیم به بخشش و کرمت، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱/۴۸

مسلمانان سائل و خواهان

يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّاعِبُ وَالرَّاهِبُ

درخواست کننده و جويا و خواهان و ترسان، آنان همگی حاضر می شوند. ۱/۴۸

درخواست احسان از مخلوق

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَاعْدَّ وَاسْتَعَدَّ لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَطَلَبَ نَيْلِهِ وَجَائِزَتِهِ

خداوندا، هر کسی خود را مهیا و آماده می کند

ص : ۵۰۷

و ساز و برگ تهیه می نماید تا بر مخلوقی وارد شود، بدین امید که به صله و عطا و درخواستِ بخشش و احسان او نائل شود. ۵/۴۸.

به رنج نیفتادن خدا، از درخواست بنده

يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ

ای کسی که درخواست کننده ای او را به رنج نمی اندازد. ۶/۴۸

سؤال نشدن از خدا، درباره هلاکت بنده

إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ

اگر مرا نابود کنی، پس کیست آنکه درباره بنده ات معترض تو شود یا درباره کار او، تو را بازخواست کند؟ ۱۵/۴۸

استجابِ آنچه از خدا درخواست شده

اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ رَغَبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ

همه آنچه را که از تو خواسته ام و طلب کرده ام و به آن میل نموده ام، برایم مستجاب فرما.

۲۸/۴۸

درخواست شدن از خدا و بخشیدن او

لَقَدْ سُئِلْتُ فَأَعْطَيْتَ

چون از تو درخواست شد، پس عطا کردی.

۱۴/۴۹

بخشش خدا، با وجود عدم درخواست از او

وَ لَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ

و از تو درخواست نشد، پس به بخشش آغاز نمودی. ۱۴/۴۹

عذاب بنده و درخواست شکیبایی بر آن

لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ

اگر عذاب من چیزی بود که در پادشاهی ات می افزود، هر آینه شکیبایی بر آن را از تو می خواستم. ۶/۵۰

بخشنده یافتن خدا، برای خواسته ها

...بَلْ وَجَدْتُكَ... لِمَطَالِبِي مُعْطِيًا

...بلکه تو را برای خواسته هایم، بخشنده یافتم. ۵/۵۱

درخواست از خدا و بخیل نیافتن او

إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ بَخِيلًا حِينَ سَأَلْتُكَ

خدای من، هنگامی که از تو درخواست نمودم، تو را بخیل نیافتم. ۵/۵۱

سائل بودن بنده و محروم نفرمودن وی

مِنْهَا فَرَزْتُ إِلَيْكَ رَبِّ... سَائِلًا فَلَا تَحْرِمْنِي

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که درخواست کننده ام، به سوی تو گریخته ام، پس

ص : ۵۰۸

بی بهره ام نگردان. ۸/۵۱

بنده خواهان، و ناامید برنگرداندن او

مِنْهَا فَرَزْتُ إِلَيْكَ رَبِّ... دَاعِيًا فَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پروردگار من، از آن (گناهان)، در حالی که خواهانم به سوی تو گریخته ام، پس مرا ناامید برنگردان. ۸/۵۱

رغبت بنده، در شوق دیدار خداوند

وَ اجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ

و در آنچه نزد توست، رغبتم را، آرزومندی دیدارت قرار ده. ۴/۵۴

رغبت دوستان خدا در خواسته هایشان

اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْأَلَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ

خداوندا، رغبت مرا در درخواستم، همانند رغبت اولیای خود در خواسته هایشان قرار ده.

۶/۵۴

بزرگ گرداندن رغبت بنده، در حاجتش

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي

خداوندا خواسته من این است. پس رغبت مرا در آن افزون گردان. ۷/۵۴

آنچه بنده از خدا درخواست می کند:

أ. ناامید برنگرداندن او

فَأَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا

پس از تو می خواهم به حق خودت و به حق محمد و خاندانش - که دروهای تو بر ایشان باد - مرا ناامید برنگردانی. ۲۵/۱۳

ب. یاری شدن از جانب فرزندان

وَ اجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ



و ایشان را برای من، بر آنچه از تو خواستم، مددکار قرار ده. ۵/۲۵

ج. شمول خواسته اش در حق همه مسلمانان و مؤمنان

أَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لِوَلَدِي...

به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، مانند آنچه برای خود و فرزندانم از تو درخواست نمودم، ببخش.

۱۲/۲۵

د. با برکت بودن ماه نو

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي... أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَهٍ

پس از خدایی که پروردگار من است، درخواست می کنم که تو را ماه با برکتی قرار

ص : ۵۰۹

ه. درود فرستادن خدا، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي... أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس از خدایی که پروردگار من است، درخواست می کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستد. ۴/۴۳

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱۲/۴۴

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَهَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس از تو می خواهم به بخشش و کرمی و آسانی آنچه درخواست نمودم بر تو، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. ۱/۴۸

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ... وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد بنده خود و بر خاندان محمد درود فرستی. ۳/۴۸

إِلَهِي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدای من، از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی. ۱۰/۵۲

و. در صف سزاواران بالاترین مرتبه

قرار گرفتن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ... وَ اجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم بر محمد و خاندانش درود فرستی و ما را در صف کسانی که به واسطه رحمت تو،

مستحق بالاترین مرتبه گشته اند، قرار ده. ۱۲/۴۴

ز. سزاوار کرامت های خداوند شدن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم بر محمد و خاندانش درود فرستی و ما را در این (ماه) به کرامت خود که به دوستانت

وعده داده ای، سزاوار نما. ۱۲/۴۴

ح. برای او لازم شدن آنچه در رمضان، برای فرمانبران واجب گشته

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ... وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجِبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالِغَةِ فِي طَاعَتِكَ

خداوندا، همانا من از تو می خواهم بر محمد و خاندانش درود فرستی و برای ما در این (ماه)، آنچه برای کوشش گران در طاعتت لازم کرده ای، لازم گردان. ۱۲/۴۴

ط. عطا و بخشش نیکو، از خدا

ص : ۵۱۰

وَ أَسْأَلُكَ حُسْنَ الرَّفَادِهِ

و پذیرایی نیکو از تو می خواهم.

۲۵/۴۶

ی. بسیار گرداندن نصیب و بهره او، از قسمت شونده میان مؤمنان

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ... مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ... أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ

خداوندا، از تو درخواست می نمایم که هرگاه میان بندگان با ایمان، نیکی یا عافیت را قسمت می نمایی، بهره و نصیب مرا

از آن زیاد گردان. ۲/۴۸

ک. ایمنی از عذاب خدا

أَسْأَلُكَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِكَ

ایمنی از عذابت را از تو می خواهم.

۱۹/۴۸

ل. رحم خدا، به جان بی تاب و استخوان ضعیف او

فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْمِ-خُزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ، وَ بِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَ هَذِهِ الرَّمَّةَ الْهَلُوعَةَ

پس خداوندا، به نام های پنهان شده ات و به زیبایی ات که پرده ها آن را پوشانده، از تو می خواهم که بر این جان بی تاب و

این استخوان پوسیده بقرار رحم نمایی. ۵/۵۰

م. عفو و آمرزش الهی

أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْفُو عَنِّي

از تو می خواهم که مرا ببخشایی.

۷/۵۱

ن. هر حاجت و خواسته اش

أَسْأَلُكَ كَلِمًا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِي

هر حاجتی که می خواهم، از تو درخواست می کنم. ۱۱/۵۱

س. عمل و یقینی، با ویژگی های خاص

أَسْأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَ يَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ مَنْ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ أَمْرِكَ

از تو عملی را درخواست می کنم که به سبب آن هر کسی را که آن را انجام دهد، دوست داری. و یقینی می خواهم که به وسیله آن هر کس را که به نافع بودن امر تو حقیقتاً یقین پیدا کند، سود می دهی. ۳/۵۴

ع. ترس عبادت کنندگان

أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ

ترس عبادت کنندگان برای تو را، از تو درخواست می نمایم. ۵/۵۴

ف. نیکی آنچه (درباره او) نوشته شده

ص : ۵۱۱

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا

از تو نیکی آنچه نوشته شده و گذشته را درخواست می نمایم. ۵/۵۴

ص. پرستش فروتنان

أَسْأَلُكَ... عِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ

پرستش فروتنان برای تو را، از تو درخواست می نمایم. ۵/۵۴

ق. یقین اعتمادکنندگان به خدا

أَسْأَلُكَ... يَقِينِ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ

یقین توکل کنندگان بر تو را، از تو درخواست می نمایم. ۵/۵۴

خواندن خدا دعا

خواهش نفسانی شهوت

خودپسندی

خودپسندی در اعمال

نَعُوذُ بِكَ... أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا

پناه می بریم به تو از اینکه در کارهایمان خودپسند باشیم. ۵/۸

تباه نساختن عبادت بنده، به خودپسندی

عَبْدُنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ

مرا عبادت خود وادار ولی بندگی ام را با

خودپسندی تباه نگردان. ۳/۲۰

خودداری

تنها درباره خودداری از معصیت، از خدا فرمان بردن

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي... مُقَرَّرٌ لَكَ بِأَنِّي لَمْ أُسْتَسَلِمَ وَقْتُ إِحْسَانِكَ إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِضْيَانِكَ

پس ای خدای من، اقرار می کنم به اینکه هنگام احسانت، جز با خودداری از معصیت تو، فرمان نبرده ام. ۴/۱۲و۵

خودداری از خطایا

اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ... لَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ

خداوندا جز به قدرت تو، خودداری از خطایا برایم ممکن نیست. ۱۹/۳۱

از روی بی خبری نبودن خودداری خدا

لَمْ تُكُنْ... إِسْمَاكَكَ غَفْلَةً

خودداری ات از روی غفلت نبوده است.

۲۲/۴۶

خودداری (ناشی از ناتوانی) بنده

فَهَهْنِي الْإِسْمَاكَكَ عَنْ تَمَجِيدِكَ

و خودداری (از سخن)، مرا از بزرگ داشتن

ص: ۵۱۲

خودداری نمودن از مبطل حسنات

طَوْفُنِي طَوْقَ الْأَقْلَاعِ عَمَّا يُحِبُّ الْحَسَنَاتِ

طوق دست برداشتن از آنچه نیکی ها را باطل کرده، به گردنم انداز. ۱۰۶/۴۷

خودنمایی ریا

خوردنی

بی نیاز کردن فرشتگان، از خوردنی

وَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ

و آنان را به ذکر تقدیس خود، از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای. ۱۱/۳

روزی بندگان و گماشتگی شب و روز

يُولِجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَ يُوَلِّجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ، فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ

بنا به تقدیرش هر یک از شب و روز را جای یکدیگر قرار می دهد تا برای بندگان روزی دهد.

۴/۶

خاک زمین خوردن، و سزاوار محو بدی نشدن

يَا إِلَهِي لَوْ... أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي... مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي

ای خدای من اگر همه عمرم خاک زمین خورم، باز هم با آن همه، سزاوار از بین بردن بدی ای از بدی هایم نیستم. ۳۰/۱۶

آمیختگی خوردنی دشمن، به بیماری

اللَّهُمَّ وَ امْرُجْ... أَطْعَمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ

خداوند و خوردنی هایشان را به امراض درآمیز. ۱۲/۲۷

قرار دادن خوراک، برای جنین



جَعَلْتَ لِي قُوَّةً مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرِيَّتَهُ لِأَمَتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا

از زیادی خوردنی و آشامیدنی که برای کنیزت مقوّر فرموده بودی، برایم خوراک قرار دادی. همان (مادری) که مرا در درون او جای دادی. ۲۴/۳۲

غذا و خوراک دادن خدا، به بنده

فَعَذَّوْتَنِي بِفَضْلِكَ غَدَاءَ الْبَرِّ اللَّطِيفِ

پس به فضل خودت مرا مانند نیکوکاری مهربان خوراک دادی. ۲۶/۳۲

خورده شدن پاره آتش، توسط پاره دیگر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضَهَا بَعْضٌ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که پاره هایش یکدیگر را می خورد. ۲۹/۳۲

ص: ۵۱۳

خوردن روزی و توانایی طاعت

لَمْ تَسْمُهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ

از او در آنچه از روزی تو خورد، و بر طاعت نیرو گرفت، تقاص نخواستی. ۱۳/۳۷

منع کردن خوردنی ها، در ماه رمضان

وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَ الْمَشَارِبَ إِكْرَامًا

و از جهت گرامی داشتش، خوردنی ها و آشامیدنی ها را در آن ممنوع نمود. ۴/۴۴

خورشید آفتاب

خوشایند پسندیده

خوش بختی

رو آوردن به خدا، سبب خوش بختی

السَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ

نیک بخت از ما کسی است که به سوی او رغبت ورزد. ۲۴/۱

کامروا گشتن در بین دوستان نیک بخت خدا

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا نَسَعُدُ بِهِ فِي السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که با آن در بین سعادت‌مندان از دوستانش به سعادت برسیم.

۲۷/۱ و ۳۰

سبب بدبخت کردن طالب خوش بختی

وَ لَا تَقْطَعِ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشَقَيْتَ مَنْ اسْتَشَعَدَ بِكَ

و به منع خویش، ما را ناامید مکن. و گرنه کسی که از تو نیک بختی خواسته، بدبخت کرده ای.

سبب خوش بختی دیگران و بدبختی بنده

فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتَ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ، فَأَكُونَ قَدْ شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَ سَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ

پس بهره مرا از رحمتت، تندرستی ای که اکنون برای من پیش انداخته ای، قرار مده که به سبب آنچه دوست دارم، بدبخت شوم و دیگری به سبب آنچه دوست ندارم، خوشبخت شود.

۱/۱۸

سبب نیک بختی امام علیه السلام و همسایگان وی

وَزِدَّهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِي حَتَّى يَسْعَدُوا بِي وَ أَسْعَدَ بِهِمْ

و بر حق بینی و فضیلت شناسی آنان نسبت به من بیفزای. تا آنان به وسیله من، نیک بخت شوند و من به وسیله آنها، نیک بخت گردم. ۴/۲۶

پایان دادن زندگی مجاهد، به نیک بختی

فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ

ص: ۵۱۴

أَنْ يَجْتَا حَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ...

پس اگر (زندگی اش را) برای او به خوش بختی پایان دادی و شهادت را برایش رقم زدی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن نابود نموده است. ۱۵/۲۷

سبب نیک بخت شدن ستم دیده و ستمگر

عَوْضِنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوِكَ، وَ مِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتِكَ حَتَّى يَسْعَدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ

به جای گذشتم از ایشان، گذشت خودت را و به جای دعایم بر آنان، رحمتت را به من عوض ده. تا هر یک از ما به فضل تو، سعادتمند شود.

۳/۳۹

نیک بخت ساختن بندگان، با مرگ

فَإِذَا أُوْرِدَتْهُ عَلَيْنَا وَ أَنْزَلْتُهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا

پس هنگامی که آن را نزد ما وارد نمودی و آن را بر ما فرود آوردی، ما را به زیارت آن سعادتمند گردان. ۴/۴۰

ماه نو، ماه سعادت و نیک بختی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ... أَنْ يَجْعَلَكَ... هِلَالَ سَعْدٍ لَّا نَحْسَ فِيهِ

پس از خدا درخواست می کنم که تو را ماه سعادتمندی بی تیره بختی قرار دهد. ۴/۴۳ و ۴/۴۵

خوش بخت ترین عابدان، در ماه نو

وَ اجْعَلْنَا مِنْ... أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ

و ما را از نیک بخت ترین کسانی که تو را در آن (ماه) بندگی نموده (اند)، قرار ده. ۶/۴۳

رعایت حرمت ماه رمضان، و نیک بختی

مَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ!

چه نیک بخت است کسی که به سبب تو، حرمتت را رعایت کند! ۳۰/۴۵

نیک بخت ترین اهل ماه رمضان

اجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ

و به وسیله آن، ما را از سعادت‌مندترین اهل آن قرار ده. ۴۹/۴۵

نیک بخت گرداندن پایان کار بنده شایسته خوش بختی

فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمَتْ لَهُ بِهَا

پس هر که از سعادت‌مندان باشد، برایش به سعادت پایان دهی. ۱۷/۴۶

سبب نیک بخت میراندن بنده

و بَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ... وَ رَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعَشَّتُهُ حَمِيدًا، وَ تَوَفَّيْتُهُ سَعِيدًا

و مرا به درجات کسی رسان که به او عنایت داشته ای و از او خوشنود گشته ای پس بدین سبب او را ستوده، زنده داشته و نیک بخت میرانده ای.

۱۰۵/۴۷

ص : ۵۱۵

خوش بختی بنده، با عطای خواسته هایش

أَسْعِدْنِي بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ

مرا به آنچه از آن عطا می کنی، نیک بخت گردان. ۲۸/۴۸

خوش رفتاری

تغییر بدرفتاری خویشان به خوش رفتاری

أَبْدِلْنِي... مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَةِ

درباره من بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری مبدل فرما. ۷/۲۰

تغییر اهانت معاشران، به خوش رفتاری

أَبْدِلْنِي... مِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ

درباره من اهانت معاشران را به خوش رفتاری مبدل فرما. ۷/۲۰

خوش رفتاری با والدین، همانند مادری مهربان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي... أَبْرَهُمَا بَرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ

خداوندا مرا چنان گردان که با آن دو (پدر و مادرم) همانند خوش رفتاریِ مادری مهربان، خوش رفتاری کنم. ۵/۲۴

خوش رفتار بودن خدا

إِنَّكَ... الْمُمْ-حَسِنُ الْمُمْ-جَمِلُ

همانا تو نیکوکارِ خوش رفتار هستی. ۷/۳۶

خوش رویی

خوش رویی و چاپلوسی ستمگر

...وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بَشَاشَةَ الْمَلَقِ

...در حالی که چاپلوسانه برایم خوش رویی می کرد. ۷/۴۹

خوش گمانی گمان

خوشنودی پسندیده

سبقت گرفتن، در خوشنودی خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا... نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ

سپاس خدای را، سپاسی که با آن، بر پیشی گرفتگان به سوی خوشنودی و بخشایش او، پیشی گیریم. ۱۱/۱ و ۱۰/۱

سپاسی موجب خوشنودی خداوند

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ... حَمْدًا يَكُونُ... سَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ

پس سپاس او را، سپاسی که سببی به سوی خوشنودی اش باشد. ۲۹/۱ و ۲۷/۱

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَ يَرْضَى بِهِ عَنَّا

و سپاس خدای را. سپاسی که آن را از ما

ص : ۵۱۶

بپذیرد و به سبب آن از ما خوشنود شود. ۲/۴۴

مبارزه در (راه) خوشنودی خدا

وَ حَارَبَ فِي رِضَاكَ أُسْرَتَهُ

و در (راه) خوشنودی تو، با قبیله اش جنگید.

۷/۲

پیشوایان هدایت، و خوشنودی خداوند

وَ أَقَمْتَ لِلْأَهْلِ دَلِيلًا... مِنْ أُنْمَةِ الْهُدَى، وَ قَادَهُ أَهْلُ التَّقَى عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامَ، فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

و برای اهل آن (عصر و زمان) راهنمایی گماشتی، از امامان رستگاری و پیشوایان اهل پرهیزکاری - که بر همه آنها درود باد - پس به آمرزش و خوشنودی، از آنها یاد کن. ۲/۴

خوشنودی اصحاب محمد صلی الله علیه و آله، از خوشنودی خدا

وَ أَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ

و به خوشنودی خود ایشان را خوشنود ساز.

۷/۴

خوشنودترین کسان از آفریدگان

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ مِنْ جُمَّلِهِ خَلْقِكَ

و ما را از خوشنودترین آفریدگانت که شب و روز بر آنها گذشته قرار ده. ۲۰/۶

تصمیمی خوشنودکننده خداوند

وَ إِذَا هَمَمْنَا بِهَمِّينٍ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا، وَ يُسْخِطُكَ الْآخَرَ عَلَيْنَا...

و چون بر دو کار تصمیم گرفتیم، یکی تو را از ما خوشنود می سازد و دیگری تو را بر ما به خشم می آورد... ۳/۹

برگشت به تصمیم خوشنودگرداننده خدا



...فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرِضِيكَ عَنَّا

پس ما را به آن کار که تو را از ما خوشنود می سازد برگردان. ۳/۹

فزونی خوشنودی خدا، از خشم او

و يَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ

و ای کسی که خوشنودی او از خشمش افزون تر است. ۹/۱۲

خوشنودی خدا، از کردار اندک بندگان

و يَا مَنْ رَضِيَ مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْيُسْرِ

و ای آنکه از کردار اندک ایشان، خرسند شده است. ۱۰/۱۲

خوشنود گرداندن بنده، به آنچه از او سلب شده

و رَضِينِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمَنِي

و مرا به آنچه برای من و از من گرفتی،

ص: ۵۱۷

خوشنود گردان. ۱۳/۱۴

شادمانی بنده و خوشنودی خدا

نَشْطَتِنِي بِهَا لِاتِّغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ

مرا به وسیله آن (تندرستی) برای درخواستِ خوشنودی و احسانت شادی بخشیدی. ۳/۱۵

خوشنود ساختن پیوسته خداوند

وَ أَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالذُّعَاءِ، فَقَالَ: لَتَيْبِكَ وَ سَعْدَيْكَ

و من - ای خدای من - بنده توام که او را به نیایش کردن فرمان دادی. پس گفت: اطاعت می کنم و گوش به فرمانم. ۱۳/۱۶

پوشاندن خوشنودی خدا، بر بنده

وَ جَلَّلَنِي رِضَاكَ

و خوشنودی ات را بر من پوشان. ۲۱/۲۰

آسان نمودن راه ها، برای رسیدن به خوشنودی خدا

وَ سَهَّلَ إِلَيَّ بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي

و راه هایم را برای رسیدن به خوشنودی ات، آسان فرما. ۲۸/۲۰

عوامل رسیدن به خوشنودی خدا

وَ لَا أَبْلُغُ رِضَاكَ، وَ لَا أَنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَ بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ

و توانایی (جلب) رضایت را ندارم. و نائل به آنچه نزد توست نیستم، جز با اطاعت (از) تو و به فزونوی رحمتت. ۶/۲۱

خشمگین نگشتن از آنچه خوشنودکننده خداست

وَ اشْغَلُ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي... حَتَّى... لَا أَشْخَطَ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ

و مرا به طاعت خویش مشغول دار. تا از چیزی که خوشنودی توست، خشمگین نشوم.

نیرویی به دوش کشنده خوشنودی خدا

وَ هَبْ لِي قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ

و به من نیرویی عنایت کن تا بتوانم همه خوشنودی ات را حمل کنم. ۱۱/۲۱

ورود به خوشنودی خداوند

وَ اجْعَلْ... فِي مَرْضَاتِكَ مَدْخِلِي

و ورود مرا در خوشنودی ات قرار ده.

۱۱/۲۱

انجام آنچه خوشنود کننده خداست

وَ اٰمِنُنَّ عَلَيَّ... بِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

و عمل - برای خودت - به آنچه دوست داری و خوشنود می شوی را به من ارزانی دار. ۱۳/۲۱

ص : ۵۱۸

رضای خدا از بنده، در حال تندرستی

وَ خُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيهِ

و رضای خود را از من در حال عافیت دریافت نما. ۱/۲۲

عطای آنچه موجب خوشنودی خداست، به بنده

فَأَعْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي

پس آنچه تو را از من راضی می گرداند، به من عطا فرما. ۱/۲۲

رضایت بنده، در آنچه از خدا به او رسد

وَ اجْعَلْ... رِضَايَ فِيمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكَ

و خوشنودی ام را، در آنچه از تو به من می رسد قرار ده. ۵/۲۲

سبب آرامش یافتن، در هنگام خوشنودی و خشم

وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ... حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَ طَمَ أُنَيْنَهُ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمْنِ وَ الرِّضَا وَ السُّخْطِ...

و هنگامی که در شکر به نعمت هایی که به من ارزانی داشته ای کوتاهی نمودم، (اعتراف به) حق را روزی ام فرما، تا نسیم خوشنودی و آرامش خود را نسبت به آنچه در حال ترس و ایمنی و

خوشنودی و خشم رخ می دهد، و شکر آن برای تو واجب است، دریابم. ۱۱/۲۲

سبب برگزیدن رضایت خداوند

وَ ارْزُقْنِي... الْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلِهِ سَوَاءٍ... مُؤَثِّرًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. تا به آنچه از آن دو (خوشنودی و خشم) به من می رسد، حالی یکسان داشته باشم. درباره دوستان و دشمنان، خوشنودی تو را بر غیر آن دو (ناخوشنودی و نافرمانی تو) مقدم شمارم.

نگهداری از لغزش، در حال خوشنودی و خشم

وَ ارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْاِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْعُصَبِ

و مرا در حال خوشنودی و خشم، خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. ۱۳/۲۲

مقدم شمردن خوشنودی والدین، بر خوشنودی خود

ص : ۵۱۹

وَاجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيَّ وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْنَانِ... حَتَّى... أَقْدِمَ عَلَيَّ رِضَايَ رِضَاهُمَا...

و اطاعت از پدر و مادرم و نیکوکاری به آن دو را در نظرم، از خوابِ خوابِ آلوده، خوش تر قرار ده. تا خوشنودی آنان را بر خوشنودی خود مقدم اندازم. ۵/۲۴

خوشنودی خدا از والدین، با شفاعت فرزند

وَ اَرْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًى عَزْمًا

و به میانجیگری من از آنها یکسره خوشنود شو. ۱۴/۲۴

رستگار شدن بنده، با خوشنودی خدا

فَيُنَالِنِي مِنْهُ بِدَعْوِهِ... أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بِهَا... فَوْزَتِي بِرِضَاكَ

پس دعایی از او به من رسد یا شفاعتی کند که از شفاعت من نزد تو کارسازتر است، که رستگاری ام به خوشنودی ات به وسیله آن حاصل شود. ۲۷/۳۱

خشم گرفتن بر نفس خود، و خوشنودی از خدا

وَ هَذَا مَقَامٌ مَنِ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ، وَ سَخِطَ عَلَيْهَا، وَ رَضِيَ عَنْكَ

و این جایگاه کسی است که درباره خویش، از

تو شرمنده گشت و بر خود خشمگین و از تو خوشنود است. ۱۹/۳۲

خوشنودی بنده، به بهره مقدر برای او

وَ أَسْأَلُكَ... أَنْ تُرْضِنِي بِحِصَّتِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي

و از تو درخواست می کنم که مرا به بهره ام در آنچه برایم قسمت کرده ای، راضی نمایی.

۲۸/۳۲

روگرداندن از خوشنودی خدا، و تهدید او

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ... تَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ

خداوندا، همانا به تو پناه می آورم از آتشی که با آن هر که را از خوشنودی تو روی گرداند، تهدید نمودی. ۲۹/۳۲

درودی خوشنودکننده محمد صلی الله علیه و آله و آتش

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ الرِّضَا

درود خدا بر او تا اینکه خوشنود شود و درود خدا بر او و خاندانش، پس از خوشنود شدن.

۳۵/۳۲

وسیله خوشنودی بندگان، به مقدرات

وَ أَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْعًا إِلَيَّ الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا

ص : ۵۲۰

و معرفت (کار) خیر را به ما الهام فرما و آن را وسیله خوشنودی به آنچه برای ما مقدر فرمودی، قرار ده. ۲/۳۳

سبب ناپسند شمردن آنچه مورد رضای خداست

وَلَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَنَعْمَطَ قَدْرَكَ، وَ نَكْرَهُ مَوْضِعَ رِضَاكَ

و ما را دچار عجز از شناخت آنچه اختیار نموده ای نساز، تا قدر تو را سبک شماریم و مورد رضایت تو را ناپسند داریم. ۳/۳۳

رضایت بنده، به حکم الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَىٰ بِحُكْمِ اللَّهِ

سپاس خدای را که راضی به حکم اویم.

۱/۳۵

خوشنود ساختن بنده، به قضا و قدر الهی

وَ طَيِّبٌ بِقَضَائِكَ نَفْسِي

و مرا به قضای خود، خوشنود گردان.

۳/۳۵

خوشنودی خدا، و عدم شایستگی بنده

لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ، وَلَا أَنْ تَرْضَىٰ عَنْهُ بِاسْتِجَابِهِ

هیچ کس در حدی نیست که به سبب

استحقاقش آمرزشش را ایجاب کند و شایستگی اش رضایت تو را لازم سازد. ۴/۳۷

فضل خدا، سبب رضایت او از بندگان

وَ مَنْ رَضِيَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ

و از هر که راضی شوی، از فضل توست.

۵/۳۷



خوشنودی خدا به کمتر از استحقاق خود

فَجَمِيعُ مَا أَخَّرْتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ... رَضِيَ بِدُونِ وَاجِبِكَ

پس هر عذابی که از او به تأخیر انداخته ای، راضی شدن به کمتر از شایستگی خودت بوده است. ۱۵/۳۷

فروگذاری پاداش خوشنود گرداننده خدا

وَلَا يُخَافُ إِعْقَابَكَ تَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ

و ترسی نیست که پاداش آنکه تو را خوشنود گرداند، فروگذاری. ۱۶/۳۷

خوشنود نمودن بنده رنج دیده از دیگری، با توانگری خدا

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَدْرَكَهُ مِنِّْي دَرَكٌ... أَرْضِيهِ عَنِّي مِنْ وَجْدِكَ

خداوندا و هر بنده ای از بندگانت که ناروایی از من به او رسیده، او را با توانگری خود، از من

خوشنود گردان. ۴/۳۹

شرافت دادن درجه بنده، با رضای الهی

شَرَّفَ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ

درجه مرا به خوشنودیت، شرافت ده.

۴/۴۱

آشکار ساختن راه های خوشنودی خدا

اللَّهُمَّ وَ كَمَا... أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

خداوندا و چنان که به وسیله خاندانش، راه های خوشنودی به سوی خود را آشکار ساختی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست. ۸/۴۲

قرآن، جلودار بندگان به سوی خوشنودی خدا

وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ جَنَانِكَ قَائِدًا

و با آن (قرآن)، ما را از (سقوط در) گودال کفر و انگیزه های دورویی نگهدار. تا در قیامت جلودار ما به سوی خوشنودی تو و بهشت هایت باشد.

۱۲/۴۲

خوشنودترین افراد، در هنگام طلوع ماه

وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ

و ما را از خوشنودترین کسانی که ماه بر او

طلوع کرده، قرار ده. ۶/۴۳

دست یافتن (امت محمد صلی الله علیه و آله)، به رضای الهی

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... سَبَّلْنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا بِمَنْنِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ

و سپاس خدای را که ما را در راه های احسانش، راهی نمود، تا در آن (راه ها)، به وسیله نعمتش به سوی خوشنودی اش

روزه ماه رمضان، و خوشنودی خداوند

وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكُفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ

و ما را بر روزه اش، با نگهداری اعضا از گناهان و به کار بردنش در آن ماه به آنچه تو را خوشنود می سازد، یاری فرما. ۶/۴۴

سبب دست یافتن به خوشنودی خدا

وَ تَصَدَّقُوا لَكُمْ طَلَبًا لِمَزِيدِكُمْ، وَ فِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ، وَ فَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ

و جهت طلب افزودن (نعمت) تو، برای (رضای) تو صدقه دادند و در (همه) اینها نجات ایشان از خشم و دست یافتنشان به خوشنودی ات نهفته بود. ۱۶/۴۵

خوشنودی خدا از بنده، در ماه رمضان

اللَّهُمَّ وَ مَنْ ... تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبِهِ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ لَهُ... فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ

خداوندا و هر کس به وسیله عمل تقرب آوری به سوی تو تقرب جست، که خوشنودی تو را برای او لازم گردانده؛ پس از (توانگری) نزد خودت، مانند آن را به ما ببخش. ۵۰/۴۵

خوشنود شدن خدا، با توبه نصح بندگان

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ... تَوْبَهُ نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشُّكِّ وَالرَّيْبِ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا، وَارْضَ عَنَّا

خداوندا ما به درگاه تو توبه می کنیم. توبه خالصی که از تردید و دودلی پاک باشد. پس آن را از ما بپذیر و از ما خوشنود باش. ۵۲/۴۵

سپاسی فزاینده خوشنودی خداوند

وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ

و سپاس برای توست. سپاسی که بر خوشنودی ات بیفزاید. ۳۵/۴۷

درودی خوشنودکننده

صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تُكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا

بر او درود فرست، درود خوشنودکننده ای که درودی بالاتر از آن نباشد. ۵۱/۴۷

درودی فزاینده خوشنودی خداوند

وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرَضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ

و بر او درود فرست، درودی که تو را خوشنود

کند و بر خوشنودی ات برای او بیفزاید. ۵۲/۴۷

خوشنود ساختن محمد صلی الله علیه و آله

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُرَضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که خوشنودش سازد و بر خوشنودی اش بیفزاید. ۵۲/۴۷

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... صَلَاةً... تَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى

پروردگار من، بر ایشان درود فرست. درودی که برای تو و برای ایشان پسندیده باشد. ۵۹/۴۷

درودی متجاوز از خوشنودی خداوند

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَّاهُ تُجَاوِزُ رِضْوَانِكَ

پروردگار من، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که از خوشنودی تو درگذرد.

۵۳/۴۷

امام علیه السلام ، سبب خوشنودی خدا

جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ

او را سبب رسیدن به خوشنودی ات قرار دادی. ۶۰/۴۷

کوشش در (کسب) خوشنودی ولی خدا

وَ اجْعَلْنَا... فِي رِضَاةٍ سَاعِينَ

و ما را کوشا در خوشنودی او قرار ده.

۶۳/۴۷

ص : ۵۲۳

بهره ای ویژه از خوشنودی خدا

وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيْبًا اَنَالَ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ

و در این روز برای من نصیبی قرار ده که با آن به بهره ای ویژه از خوشنودی ات برسم.

۷۱/۴۷

کوشش، در کسب خوشنودی خداوند

وَ تَوَحَّدَنِي بِمَا تَوَحَّدُ بِهِ مَنْ... أَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ

و تو خود به تنهایی به من نیکی کن، همانگونه که نیکی می کنی با کسی که برای تو خود را به سختی انداخته و در خوشنودی ات کوشیده.

۸۸/۴۷

خوشنود نشدن خدا، پس از خشمش

لَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ

از من رونگردان همانند روگرداندن از کسی که پس از خشمت از او خوشنود نمی شوی.

۱۰۰/۴۷

درجات بنده، و خوشنودی خدا

وَ بَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ... رَضِيَتْ عَنْهُ

و مرا به درجات کسی رسان که از او خوشنود گشته ای. ۱۰۵/۴۷

بازماندن از امر خوشنود گرداننده خدا

وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ

و مرا به چیزی که آن را در نمی یابم، مگر به (کمک) تو، مشغول منما، تا از چیزی که جز آن تو را از من خوشنود نمی کند،

باز مانم. ۱۰۸/۴۷

بنده، پیرو خوشنودی خدا

وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِحَلْقِكَ... وَلَا تَبِعَا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ

و مرا سبب خنده آفریدگانت و جز پیرو خوشنودی ات قرار نده. ۱۲۴/۴۷

انجام حج و عمره، و خوشنودی خداوند

وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ائْتِنَاءَ وَجْهِكَ

و باقی زندگی ام را برای رضای خودت، در حج و عمره قرار ده. ۱۳۳/۴۷

خوشنودی از اعمال دشمنان ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعَهُمْ

خداوندا، دشمنان ایشان را از گذشتگان و آیندگان و هر که را به کردارشان خوشنود می شود و دوستان و پیروانشان را لعنت کن. ۱۰/۴۸

نردبانی به سوی خوشنودی خدا

فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي... مَا اتَّخَذَهُ سَلْمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ

پس ای خدای من، مرا چیزی ببخش که آن را

ص : ۵۲۴

نردبانی به سوی خوشنودی ات قرار داده، از آن بالا روم. ۱۷/۴۹

سپاسی نشانگر منتهای خوشنودی خدا

تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي... حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي

تم و زبانم و عقلم، تو را سپاس گزاری می کنند. سپاسی که به اندازه خوشنودی تو از من باشد. ۶/۵۱

وداشتن بنده، در (راه) خوشنودی خدا

اسْتَعْمِلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

مرا در (راه) خوشنودی ات به کاری بگمار که با آن چیزی از دین تو را، به خاطر ترس کسی از آفریدگانت رها ننمایم. ۶/۵۴

خوشه

داستان دانه ای رویانده هفت خوشه

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ

داستان کسانی که دارایی هایشان را در راه خدا می بخشند، مانند داستان دانه ایست که هفت خوشه رویانده، که در هر خوشه صد دانه باشد.

۱۳/۴۵

خوشی لذت

خون

روان نمودن شیطان، در رگ های خون بندگان

أَجْرِيَّتُهُ مَجَارِي دِمَائِنَا

او (شیطان) را در رگ های خونمان روان نمودی. ۶/۲۵

خون بسته شده، یکی از مراحل تکوین جنین

تُصَرِّفُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ... كَمَا نَعَتَّ فِي كِتَابِكَ: (نُطِفَةٌ ثُمَّ عَلَقَةٌ ثُمَّ مُضْغَةٌ ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ كَسَوَتِ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِي خَلْقًا آخَرَ)



مرا از حالی به حال دیگر می گرداندی. همچنانکه در کتاب خود وصف نمودی. نخست نطفه سپس خونِ بسته شده و سپس پاره گوشت، سپس استخوان آفریدی، سپس استخوان ها را با گوشت پوشاندی، آنگاه مرا آفرینشی دیگر دادی.

۲۳/۳۲

خوی اخلاق

خویشان

دشمنی پیامبر صلی الله علیه و آله با خویشانش، و دعوت

ص : ۵۲۵

به سوی خدا

كَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ

در دعوت به سوی تو با خویشانش، آشکارا به ستیز پرداخت. ۶/۲

دوری پیامبر صلی الله علیه و آله از خویشانش، و احیای دین الهی

قَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ

در برپا داشتن دین تو، از ارحامش گسست.

۸/۲

شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله، درباره خویشانش

عَرَفَهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ... مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلٌ مَا وَعَدْتَهُ

او را از شفاعت نیکو درباره خانواده پاکش، بیش از آنچه به او وعده داده ای، آگاه کن. ۲۵/۲

گسستن پیوند خویشاوندی

وَ الَّذِينَ... انْتَفَتْ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ

و آنان که چون در سایه خویشی او ساکن شدند خویشاوندان، آنها را بیگانه دانستند.

۶/۴

دوری اصحاب محمد صلی الله علیه و آله، از شهر ارحام خود

وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ

و ایشان را به خاطر آنکه در راه تو از شهرهای خویشانشان هجرت کردند پاداش عنایت کن.

۸/۴

خویشان مؤمن بنده، در محلی نگهدارنده از شر شیطان

وَ اجْعَلْ... ذَوِي أَرْحَامِنَا... مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حَزْزِ حَارِزٍ، وَ حِصْنِ حَافِظٍ

و خویشان ما از مردان و زنان با ایمان را، از (شرّ) او در جایگاهی محکم و دثری نگهدارنده قرار ده. ۱۰/۱۷

پناه دادن خویشان بندگان، از آنچه از آن پناه برده اند

أَعِدْنَا وَ أَهْلَانَا... مِمَّا اسْتَعَدْنَا مِنْهُ

ما و خویشاوندانمان را، از آنچه از آن پناه بردیم، پناه ده. ۱۵/۱۷

تبدیل بدرفتاری خویشان، به نیکوکاری

أَبْدِلْنِي... مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَةِ

درباره من بدرفتاری خویشان را به نیکوکاری مبدل فرما. ۷/۲۰

خویشان، ناامیدکننده بنده

إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرْمُونِي

ص : ۵۲۶

اگر مرا به خویشانم محتاج سازی، محرومم کنند. ۳/۲۲

درباره همسایگان لازم دانستن آنچه برای خویشان واجب است

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَوْجِبْ لَهُمْ مَا أَوْجِبُ لِحَامَتِي

و خداوندا مرا بر آن دار که آنچه را برای خویشانم لازم می دانم، برای آنها لازم بدانم.

۳/۲۶

رسوایی بنده، در برابر خویشانش

اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ... فَأَجْرَنِي مِنْ فَضْلِ يَحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ... وَ مِنْ ذِي رَحْمٍ كُنْتُ أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِي سِرِّيَاتِي

خداوندا و اکنون که مرا به بخشایشت پوشانیدی، پس از رسوایی های سرای باقی، نزد جایگاه های شاهدان؛ از فرشتگان ارجمند و از خویشاوندی که در کارهای مخفی خود از او شرم می نمودم، مرا ایمن ساز. ۲۱/۳۲

مرگ، خویشاوند نزدیک بنده

وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا... نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشِكِّ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ... حَامَتَنَا الَّتِي نُحِبُّ الدُّنْيَا مِنْهَا

و از اعمال شایسته، عملی برای ما قرار ده که با آن به زود رسیدن به تو حرص ورزیم. تا جایی

که مرگ برای ما (همانند) خویشاوند نزدیک ما باشد که نزدیک شدن به او را دوست داریم.

۳/۴۰

بخشش به خویشان

وَفَقْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَ الصَّلَةِ

ما را در آن ماه توفیق ده، که با نیکی و بخشش، به خویشاوندانمان نیکی کنیم. ۱۰/۴۴

خویشاوندان خویشان

خویشتن داری پاکدامنی

خویشتن داری از خطاها، روزی خدا به بنده

وَ ارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْاِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

و مرا خودداری از خطاها و خویشتن داری از لغزش ها، در دنیا و آخرت روزی ده. ۱۳/۲۲

الهام نمودن خویشتن داری به بنده

أَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَ التَّحَفُّظَ مِمَّا حَظَرَتْ فِيهِ

شناختِ فضیلتش، و بزرگِ داشتِ احترامش، و خویشتن داری از آنچه را که در آن (ماه) حرام نموده ای، به ما الهام کن. ۶/۴۴

ص : ۵۲۷

خیانت

قصد خیانت نمودن

نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشِّ أَحَدٍ

پناه می بریم به تو از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشیم. ۵/۸

مخلصانه رفتار کردن، با خیانت کار

سَدَّدْنِي لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ

مرا توفیق ده تا با آنکه با من نادرستی نموده، از روی خیرخواهی برخورد کنم. ۹/۲۰

خیر نیکی

خیرگی

خیرگی دیده های مردم (در قیامت)

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ... حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ

و سپاس خدای را، سپاسی که به وسیله آن چشمانمان روشن شود، هنگامی که دیده ها، خیره می شود. ۱۴/۱ و ۱۰/۱

خیره ماندن صاحب صور، در انتظار امر الهی

إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاحِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ

اسرافیل، صاحب صور، همان که چشم گشوده، منتظر اجازه و رسیدن فرمان توست.











بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

